



رابطه قرآن و معاد و کعبه و ائمه اطهار (ع) و مشاهد آنها

در زندگان اسلام و شهید و مزار آنها و انقلاب اسلامی ایران

با

انقلاب

و

... هر که بخواند راه را به خدا بخشد کند. ... ص ۱۵۰

حکومت ۱۵ اردگرد گستر جهانی

مهدی موعود (عج...)

تألیف
شه شیری میلانی

گزارش عملی شدن وعده ها و توبیخ های پیشوایان اسلام بپشروان

شکوفه های امید، فاش شدن توطئه ها و نیرنگهای شیاطین

رضای خدا بالاتر از همه چیز

بشکرانه عنایت خداوندی که توفیق تحریر و طبع کتاب
« رابطه قرآن و... انقلاب اسلامی ایران با انقلاب... مهدی عج »
را باینجانب اعطا فرمود .

بخشی از قیمت کتاب ، باستانه رهبران ومجاهدان اسلامی که
عملا بدو گروه سرافراز زیرین تقسیم میشوند اهداء وتخفیف داده شد .
۱- هدیه سلامت وجود مقدس منجی عالم انسانی (امام
زمان عج) و سلامت و پیروزی امام خمینی و روحانیت مبارز و
رزمندگان و سنگر نشینان کفرستیز .

۲- هدیه ارواح انبیاء و اولیاء و اخیار و همه موحدین که
از خلقت آدم (ع) بویژه از بعثت حضرت خاتم الانبیاء باین طرف ،
در راه پیشبرد اهداف اسلام و نجات مستضعفان ، از ایادی کفر و
استکبار و استعمار ، تبلیغات کردند - مهاجرت نمودند - تبعید یا
زندانی شدند ، خوف وشکنجه دیدند . . . جنگیدند وبساز آنان شربت
شهادت نوشیدند و از این بعد نیز سعادت مندانی که مشمول یکی
از افتخارات فوق میشوند .

محل فروش کتابفروشیهای معتبر تبریز تافن ۵۱۸۴۶ و همه ایران

تبریز - محمد علی شمشیری میلانی



رابطه قرآن و کعبه و ائمه معصومین (ع) و مشاهد آنها
و جهاد مجاهدین اسلام و مزار آنها و انقلاب اسلامی ایران

با

انقلاب و حکومت جهانی مهدی موعود (عج)

نمایش بوقوع پیوستن وعده‌ها ، بشمر رسیدن شکوفه‌های
امید ، باطل شدن طلسم‌ها و در غلطیدن صخره‌ها

شمشیری میلانی

دو هزار جلد در چاپخانه نور تبریز بطبع رسید
آغاز و انجام، اواسط سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ شمسی
حق طبع محفوظ است

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله . . . الخ
(ترجمه در ص ۲۰۹)

• • • • •

خداوند در راه جلب رضای تو ، همچون مورچه‌ای که پای ملخی را
پیش سلیمان میبرد .

این کتاب را باستان مقدس ولی عصر (حجة بن الحسن العسکری عجل الله فرجه)
اهداء نمودم و امید دارم که اقلاً فردیرا به صراط حق رهنمون شده آن نتیجه را
بیار آورد که فرموده‌ای . . . و من احیایا فکانما احیای الناس جمعیا . . .

• • • • •

نصر الله عبداً سمع مقالی فوعاها وبلغها من لم یسمعها فرب حامل فقه الی
من هو افقه منه و رب حامل فقه الی غیر فقیه . . . تحف العقول نبی اکرم ﷺ
خداوند یاری کند بنده‌ای را که گفتار مرا بشنود و حفظ کند و بآنها
که نهانده‌اند برساند . پس چه بسیارند کسانی که فقه را بکسی میرسانند که او
فقیه تر از آنهاست . و چه بسیارند مبلغین بمردم غیر فقیه . . .

ما اهدی المرء المسلم لآخیه هدیه افضل من کلمة حکمة یریده الله بها
هدی او یرده بها عن ردی .

مرد مسلمان برادر خود هدیه‌ای بهتر از سخن حکمت آمیزی که خدا
بوسیله آن ، هدایت وی افزون کند یا خطر ضلالت از وی بگرداند، نتواند داد .
نهج الفصاحه نبی اکرم ﷺ

• • • • •

لا تفتح من اعطاء القلیل فان العرمان اقل منه .
از اعطای کم شرمنده مشو . . . بدرستی که ندادن و نومید کردن ، از آنها
کمتر است . علی ﷺ .

مقدمه

از حوالی کودتای آمریکائی ۱۳۳۲ بی‌بعد از یکطرف خداوند را سپاسگزار بودم که بیاری او، علاوه از آموزش قرآن و دین در کلاسها، کتاب «جلوه فضیلت در سرگذشت یوسف (ع)» را که در خلال قصه، دستوره‌های دینی و اجتماعی بزرگان را در بر داشت، طبع و نشر نمودم.

و از طرف دیگر متأسف بودم که از فشار خفقان، جز بکنایه واستعاره نتوانستم مظالم شاه را افشاء نمایم. تا اینکه امام خمینی ایدۀ الله تعالی بمقابله ظلم و خودکامگی شاه برخاست و بیهای حبس و تبعید شدن خویش و شهادت چندین هزار نفر از قم و تهران پرده ریا و سالوس از چهره دیو بر گرفت.

نخستین روزهای نهضت، در تبریز در سر راه مراجعت از مسجد با جمعی از مسلمانان مورد هجوم سربازان طاغوت قرار گرفتم و چندین ضربه قنداق تفنگ خوردم و شنیده شد که چند نفر دانشجو و طلبه امام زمان (عج) نیز مقتول یا مجروح شده‌اند!

و نیز شنیده شد که؛ مأموران ستمشاهی بمسلمانانی که از مجلس قرائت قرآن برمیگشته‌اند، گفته‌اند... چرا بمجلس قرآن یوسف شعار نمیروید؟ (این تحکم از آن نظر قریب بحقیقت میباشد که آن مجلس با ظاهری از قرآن و تفسیر، اساس عقائد شیعه را که از قدیم منشأ قیامها و داغدل متجاوزان و جهانخواران بوده و میباشد، مزورانه تعییب و تخریب نموده و مینماید که پیگیری این پایگاه و آشخورد آن که در آنجا هادست استعمار از آستین مودی و مصر و اندونزی بدرمیآید بر عهده حزب الله میباشد.)

در سبب کشانده شدن نظامیان بداخل شهر نیز شنیده شد که علی دهقان استاندار تازه نفس آذربایجان؛ قصد داشت با سرکوبی پیروان امام که بدستبرد زدن شاه بقانون اساسی و رفراندوم ساختگی او اعتراض داشتند، چاکری خود را

بدربار اثبات و راهرا برای نیل بمقامات بالاتر هموار نماید که خداخواست و خوار و خانه نشینش کرد!

مشاهده این بزن بکوبها هر مسلمانی را مکلف مینمود که پشت سر امام و روحانیت براه افتد. در حالی که رژیم شاه؛ مطبوعات و مجامع دینی را تحت کنترل درآورده امکان هر نوع مخالفت و فعالیت و حتی اعتصاب و دادزدن را از مردم، سلب و هر جنبشی را بشدت سرکوب مینمود.

در آن تنگنا سازمان امنیت شاه بفرور سلطه جهانی خود بانوشتن مقاله ناخوش آیندی نسبت بساحت مقدس امام (روزنامه اطلاعات ۱۶/۱۰/۵۶) کاسه صبر دوستاران امام را لبریز و ناخودآگاه بحران را بحال انفجار درآورد! باز شاگردان و مقلدین امام، در قم بعنوان اعتراض بخیابانها ریخته ضمن راه پیمائی حقایقی گفتند و شهادتی دادند!

چهل روز بعد در اربعین همان شهداء که بر طبق اعلامیه مراجع تقلید در همه جا عزای عمومی اعلام شده بود، جوانان مسلمان تبریز-ز مخصوصاً از اینکه سرگرد شهر بانی بنام حقشناس بمسجد شهید قاضی طباطبائی اهانت روا داشته بود، بیشتر و شدیدتر از همه جا مهر سکوت را شکسته تا پاسی از شب، راه پیمائی کردند و کشتهها دادند و بانگ اعتراض خود را بجهانیان رساندند! شاه به تزویر دیرینه، نخست وزیران را یکی پس از دیگری معزول و بعضی را (هویدا) برخلاف میل باطنی خود، درانظار مردم محبوبس و خود نیز توبه-نامه ای داد تا مگر آتش انقلاب را خاموش سازد که امام گفت «توبه گر که مرگست!»... در ناموفق بودن نیرنگ توبه، شاه بگمان اینکه مثل کشتار مسجد گوهرشاد و ۱۵ خرداد ۴۲ میتواند آرامش کورستانی نیم قرن گذشته را باز گرداند، بسر کردگی نظامیان اسرائیل که بتهران دعوت نموده بود؛ بسوی راه پیمایان آتش کشوده هزاران خرد و بزرگ را در خاک و خون نشاند.

در پاسداری از خون شهدا بود که این بنده، هم برای اینکه «آدمیتها و کسرویهای قلمفرخته عصر» نتوانند حق رهبری روحانیت را مثل وقایع تحریم تنباکو و مشروطیت و ملی کردن نفت، پایمال نمایند و هم برای اینکه در ازدیاد آگاهی جوانان خدمتی داشته باشم؛ مقاله‌ای که فهرستی از خیانتها و مظالم شاه بود جهت طبع و نشر تهیه نمودم. ولی مطبعه رازداریکه از خطر نیندیشد نیافتم. از روحانی‌ایکه آنروز در تبریز علم بود و نفوذی داشت (ج - ۱ - ۱) استمداد کردم ولی برخلاف آشنائی ممتد با «حاشا و کلامواجه گردیدم» . . . پایمال شدن حق اسلام تاب تحمل از همگان ر بوده بود، بانوکل بخدا حکومت نظامی را که مأموران بهر جا سرکشی میکردند و بسا فعالیتها را کشف مینمودند و میزدند و میکشتمند! نادیده گرفته با همکاری یکی دو نفر هم‌رزم انجمنی ما شین تحریر عاریتی ایرا بمنزل آورده مقاله را نوشتم و بوسیله آنها تکثیر نمودم.

پنخس مقاله که از طریق پست با آدرس شخصیتهای لشکری و کشوری ارسال میشد، این امید را در برداشت که اکثر درجه‌داران و اعضای دفاتر را بیدار و منقلب و در نتیجه فروزینهای خواهد شد برای سوختن رژیم و فرار شاه و بالمآل آب سردی خواهد گردید برای فرو نشانیدن آتش دلهای.

سرانجام در اثر اعلامیه‌های مستمر امام و اعتصابات همگانی و تحصن روحانیان در مسجد دانشگاه تهران، «بختیار آمریکائی» بناچار با مراجعت امام خمینی از پاریس موافقت نمود که بفاصله ده روز از استقبال پر شکوه امام و فرمودن اینکه «من بحکومت زور و استعمار تودهنی میزنم» انقلاب پیروز شد... آنروزها با الهام از امام، مقاله‌ای در تشریح فوائد زائد الوصف حکومت اسلامی و تشویق مردم بر آئی دادن بجمهوری اسلامی، تهیه و طبع نموده از راه کاراژهای تهران و مسافرین آنها، بمساجد شهرستانها ارسال نمودم.

سه ماه بعد؛ فتنه خلق مسلمان پیش آمد. آنجا نیز وظیفه خود دانستم از طریق نشر مقالات، پرده تزویر از چهره طلحه و زبیر زمان کنار زده از خون شهداء که چشم التماس بشفاعتشان دارم، یاسداری نمایم. که خداوند بعضی از آنها را چنان نفوزی بخشید که از شهرهای دیگر نیز بسراغش آمدند تا بیرند و پخش کنند و آتش جنگک جمل جدید را خاموش سازند!

پس کتابی که در دست مطالعه دارید، تفصیل و با ادامه مقالات توأم با ترجمه آیاتی از قرآن و گلهائی از گلستان احادیث ائمه اطهار در زمینه انسانسازی و رهبری بصراط حق و مقایسه حکومت اسلامی با رژیمهای دیگر و سرانجام متضمن اجمالی از اخبار و شواهد مستند انقلاب؛ تا بهار ۱۳۶۱ میباشد.

در خاتمه انتظار میرود صاحب نظران در برخورد با نواقص؛ معاذیر مؤلف را کریمانه توجه فرمایند: که (العذر عند کرام الناس مقبول).

۱- نارسائی قلم و وسعت دامنه مطلب که ناگزیر، جملات در نهایت ایجاز تقدیم شده است.

۲- در معرض خطر باخبر شدن ایادی استعمار بودن که بقتل و انهدام رجال و کتب اسلامی کمر بسته اند.

۳- فشار جنگک تحمیلی و محاصره اقتصادی که باعث عدم دسترسی به «کاغذ و چاپ» بهتر، گردید.

۴- نداشتن علم بتغییر حالات مردم که مثلاً بنی صدر و بازار کان ویاسر در اوائل کتاب با چهره آن روزیشان ترسیم شده اند.

۵- تعجیل در نگارش که ترورها و سوانح ناگوار، همصدا با منادی اجل، هشدار میدادند که اقدام کن که فردادیر است! - اقدام کن که قلمفر و ختمگان هر چه میتوانند در خارج مینویسند و در داخل نیز بکمین نشسته اند.

اقدام کن که اگر شهید، حسن آیت تألیف نفیس خود «چهره حقیقی مصدق السلطنه»

را بفردا هو کول کرده بود، امر و زجای کتابش در میان اسناد تاریخی خالی مانده بود. و توده ایها و ملی گرایان مزدور با بهره گیری از بی خبری مردم، با هفت رنگ و جاهت در عرصه سیاست، خود نمائی می کردند.

چنانکه بنی صدر آمریکائی میخواست مقام مصدق السلطنه را که او پس ملی شدن صنعت نفت، برخلاف انتظار رهبر نهضت یعنی آیه الله کاشانی، با آمریکا سازش نموده زهر تسلط آمریکا را در شهد « اصل ۴ تر و من » در کام ملت فرو ریخته بود، از نه فلك بالا ببرد و قبرش را زیارتگاه نماید ...

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

محمد علی شمشیری میلانی

فهرست جداگانه متن

فهرست پاورقیها در آخر کتاب . جزئیات را از اسماء اعلام پیدا کنیم

۹ تا ۲۷ - مقدمه در توحید و آثار و ثمرات آن - چشمه سار خود جوش
فطرت آدمی - پژوهش و تحقیق و تکامل - ما کجا بودیم و کجا میرودیم ص ۱۰
- پدر و مادر نخستین این همه جنیدگان را که آفریده - هماهنگی زمین و آفتاب
از کجاسر چشمه میگیرد؟ کره آتشین را چه کسی سرد کرد و تخم حیات اندر آن
افکند؟ - جاذبه عمومی و حرکات موزون از کیست؟ - کیست که کارگاه عظیم
خلقت همه روزه زیر نظر او فعالیت میکند؟ - در آشپزخانه طبیعت اجاقی بدین
بزرگی را چه کسی ایجاد کرد ۱۴ - کیست که احیاناً خواص اجسام را از آن
سلب میکند - رابطه و نظم و هماهنگی حتی در ذرات بدن حکمفرماست -
شگفتا آتم بدان کوچکی و منظومه شمسی بدان عظمت ، هر دو شبیه بهم و
مهر يك کارگاه را دارند . ص ۱۶ - این خوان نعمت از آن کدام میزبانست که
پیش هر جنیده‌ای گسترده شده است؟ ۱۹ - بادهای لقاح آفریده کیست و حشرات
وصلت دهنده را چه کسی به جله گلهای می فرستد؟ - زنبور عسل تمدن و شیرسازی
را از که آموخت . اگر زنبوران دیگر با او برادرند ، چرا این موهبت را
ندارند؟ - سلولها قالبگیری را از چه کسی یاد گرفته اند؟ ۲۱ - آن مکیدن طفل
سر آغاز حرکات شگرف است . آرایش دندانها که نخست اده ، بعد دشنه ، بعد
آسیا قرار گرفته است از کیست؟ آرایش انگشتان دست چگونه؟ کی بلوزتین ،
خاصیت قرنطینه بودن و بمعده و روده خاصیت جذب و دفع داده است؟ ۲۴ - چشم
یا کمپیوتریکه روحیات طرف مقابل را میخواند - اینهمه اضداد را در بدن ،
چه کسی جمع کرده است؟ قرآن پاسخگوی سوالات است .

۲۸ تا ۷۶ - نقص بشر و کمال قرآن - کتابیکه بزمان و مکان حکومت

دارد - جنبشهای اسلامی ، نشانی از حیاتبخشی قرآن . قرآن ، با کمال سر -
 بلندی این ۱۴ قرن را پیموده است - نظر دیگران درباره قرآن ص ۳۲ .
 صفی از موحدین و آثار و افتخارات آنها - صفی از ملحدین و تبهاریهای
 آنان - از خدا بر گشتگان روی تاریخ را سیاه کردند و با رو سیاهی رفتند -
 آرتشیان مؤمن ، دست رد بر سینه شیطان زدند - میخواستند فوکل سیاه ببندند
 و خون شهدای ۱۵ خرداد را بشویند . ص ۳۹ - کارشکنی و عناد طلحه و زبیر آن
 زمان و این زمان ۴۱ - گذشت زمان پرده ریا را از چهره بنی صدر میگیرد -
 از عجایب روزگار اینکه کسیکه بمرد حقی مثل علی ع دست بیعت نمیدهد ،
 ناگزیر میشود دست بیعت بسوی حجاج خونخوار دراز کند !
 هر درباری بشریح قاضی های دو چهره ای نیاز دارد . ۴۴ - آدمی از نداشتن ایمان
 بمبدء و معاد ، بهر جنایتی مرتکب میشود . ص ۴۵ - سران متفقین ، پادشاهی محمد
 رضا را امضاء نمودند ! ۴۷ - مردم روزی را که شاه فرار کرد جشن گرفتند .
 متوکلها زبان حقگو رادر میآوردند ص ۵۰ - روزاربعین شهید سید مصطفی خمینی ،
 حجة الاسلام خلیفالی طلسم سکوت را شکست ! ۵۱ - « آقا » و فکر فرمائى
 در آذربایجان ۵۴ - جواب آیه الله کاشانی بر رئیس شهر بانی در زندان ۵۶ -
 اولتیماتوم کاشانی و عقب گردشاه . روز رسیدن از آقای کاشانی روز شکست
 مصدق بود ۵۸ - خلبانان خداشناس بمبئی بر سر سکنه بی سلاح نمی افکنند - مردم
 آبادان بدفاع برخاستند ۶۱ - امام حسن از طرز دعای مادر تعجب میکند - سازمان
 ملل ، آلتی در دست ابر قدرتها - در ماه حرام حمله میکند و دعوی اسلام مینماید .
 ۶۶ - شهادت شیرینتر از عسل ! - مظالم پلیس کشورهای استعمارگر در حق
 مسلمانان ص ۶۹ - همواره در آرزوی شهادت بودن علی و بدست و زبان بر جان
 ستمگران آتش زدن او - مادری کودتای نوژه را فاش میکند . ۷۱ - كودك

پیشنهاد مسابقه ، میدهد تا اجازه بگیرد و بجهاد پردازد ۷۳ - پاسداز عطشان و خلبان فداکار ۱ - ۷۷ تا ۷۸ پیامبران و مأموریت آنها در بیدار ساختن مردم و استقرار حکومت عدل خدا در زمین .

۷۹ تا ۱۲۲ - قرآن ، بعد از توحید و معاد، مسئله نبوت و رهبری و حکومت را در رأس مسائل، قرار میدهد - ضرورت آموزش خاتمیت و قائمیت - خاتمیت از نظر نهج البلاغه - دو نمونه از زیان بی اعتنائی بسفارش رهبر ص ۹۵ - وعده های تحقق یافته پیامبر ﷺ - منصوب شدن ائمه از جانب خدا، بزرگترین نعمتهاست - آموزش سمعی و بصری ص ۱۱۰ - با غیبت موسی ﷺ و نیز با رحلت رسول اکرم ﷺ امتحان دیگر آغاز شد . ص ۱۱۴ - دعای پیامبر ﷺ ۱۱۷ - هشدارهای خدا - سیصد آیه در باره علی و ائمه اطهار .

۱۲۳ تا ۱۹۸ - خیانت یا غفلت ص ۱۲۸ - خدا خلیفه نصب میکند - امام ﷺ از طرف خدا نائب معین میکند ص ۱۳۱ - بدعت تعیین ولیعهد در اسلام ص ۱۳۳ - جواب امام رضا ﷺ - سعی بیجا در حذف نام علی ص ۱۳۹ - محاصره خانه امام دوازدهم - چرا نام امام در قرآن نیامده ص ۱۴۱ - منصور در میان بیم و امید - صفات جانشین موسی ، بمیان میآید تا معیار شناخت جانشین محمد ﷺ بدست آید . ۱۴۶ - صفاتی از ائمه که دست هیچ غارتگری بآنها نمیرسد ۱۴۹ - معادله ریاضی در ولایت . حالا موقعیت شما مسلمانان تثبیت شد - اوصیاء در قرآن ص ۱۵۳ - خدا اطاعت علی ﷺ را واجب میکند که دریای وجودش از قطره اشک یتیم متلاطم میشود . نه آتاتر کها و پهلویها را که . . . ص ۱۶۲ - اعتراف منصور و مأمون . ص ۱۶۹ - امام زمان ﷺ مشکلات را حل میکند ! وصیت حیرت انگیز امام صادق ﷺ ص ۱۸۱ - در محیط خفقان ، حضرت عسکری ، امام زمان را چگونه معرفی میکند ! - دشمنی ایادی استعمار با شجره طیبه ص ۱۹۱

- محکوم شدن دکتر بکه مخالف تأویل بود ص ۱۹۶ - علی علیه السلام و مشکلات دیگران

۱۹۹ تا ۲۷۰ - دو گونه بودن غیبت امام زمان علیه السلام - او فرزند سیده کنیزانست - خدا زمین را با ظهور او زنده میکند . ص ۲۰۴ - بینش بزرگان شیعه ص ۲۱۳ - مهر و رحمت ائمه بمردم - خلبان و شرح ماجرا - تحقیق پیشگوئیها ص ۲۱۷ - مدح از زبان دشمن ۲۳۲ - نواب ، راه مبارزه مسلحانه را بر کشوردا - امام خمینی را مرد سال نامیدند و نوزاد خود را هم نام او کردند ! ص ۲۳۶ - شباهت حضرات منجی بشر و خضر در طول عمر - جمهوری اسلامی ، پیشاهنگ دولت مهدی ع ص ۲۴۶ - مثالی از غیبت اولیاء ص ۲۵۱ - مداوم انقلاب ۲۵۵ - عجائب یکی دو تا و ده تا نیست ! بشارات انبیاء ۲۶۴ - امام خمینی بر جهان کفر لرزه بر انداخت ۲۶۶ - سفارش بزرگان (موسی و عیسی و ...) در باره مهدی ع - ۲۷۱ تا ۲۷۴ - ولایت فقیه ، استمرار ولایت پیامبر و امامست .

۲۷۴ تا ۲۹۲ - ولایت امام در حدیث ثقلین - فرمود علی ع زابعتوان رهبر سلام کنید . ص ۲۸۱ روی زمین از حجت یعنی رهبر خدائی خالی نمیماند - دوازده تن بودن ائمه را جمعی از نویسندگان سنی هم تأیید میکنند (رحمة الله علیهم) . ۲۹۳ تا ۳۰۲ - هر امامی ، رهبر بعدی را معرفی مینماید - مردم در غیبت امام ، امتحان میشوند !

۲۰۳ تا ۳۲۳ - نظر معاویه و دیگران درباره شخصیت علی ع - خلیفه اموی / روزیکه گرفتار شد ، بیاد فتوت حضرت علی ع افتاد! آنها علی « سلونی » گفته و از عهده بر آمده ص ۳۰۶ - امام حسن ع شکوفه شجره نبوتست . ص ۳۱۰ - ولیعهد معاویه از نظر مرحوم وجدی - علی انسان کامل بود ص ۳۱۴ - ائمه آب زلال ابر رحمتند - در تمام مباحث علمی امام رضا حاکم بود !

۳۲۴ تا ۳۳۲ در زمانی که مدعیان حقوق بشر ساکتند - ائمه اطهار ، سیاستمداران راستین و آگاه بودند - چرا منافقان ، کتب و نوارهای شهید مطهری را تحریم و خود او را ترور کردند ؟ !

۳۳۳ تا ۳۵۱ عابد و پدر علی علیه السلام - شمه‌ای از گفتار دیگران در باره ائمه : عالم انسانی نمیتواند با علی علیه السلام عشق نوردد ! ص ۳۳۸ - شرح شهادت حسین علیه السلام و ائمه موجب بیداری است . امام حسین علیه السلام و پیروان او در برابر ظلم میایستند تا عدالت را احیاء کنند - ترقیات شیعیان هند مرهون عزاداری حسین علیه السلام است . ص ۳۴۲ - استقلال مسلمانان از برکت جهاد است . مسلمانان اگر اتحاد کنند ، شرق و غرب را مطیع خود میسازند - روحانیان ؛ بدون ترس از دژخیم ، در مقدم صف بودند . حضرت ابراهیم کوشید ولی نتوانست حکومتی تشکیل دهد - امام حسن ، فاتح جنگ جمل ، بضرورت ؛ متار که را پذیرفت - ائمه در راه سیاست و مبارزه با ظلم و احیاء حکومت خدا جهاد میکنند و شهید میشوند ، کسروی هم مزدی میگیرد و آنها را منزوی میخواند ! امام خمینی ، در پیکر مستضعفان ، روح تازه دمید !

۳۵۲ تا ۳۶۴ در راه ولایت فقیه - فقهاء به بت شکنی و منافقان آمریکائی هم بشکستن فقهاء پرداختند - آیا خطبه امام حسین راهی برای حکومت غیر فقیه باقی میگذارد ؟ آیا جهت رسوائی شیطان بزرگ ، کافی نیست که مستضعفان آمریکا میگویند « ... حتی در کنار سازمان ملل هم امنیت نداریم » - ۳۵ میلیون دلار هزینه دامادی . امام رضا با بردگان مینشست و پایان شب سیاه را نوید میداد - امام خمینی هر نقصی را بنفیس عیسوی ترمیم کرد - ائمه و فقهاء مرارتها چشیدند تا راه را برای تأسیس جمهوری اسلامی تسطیح نمودند - ۳۵۹ - کسیکه بحکومت ستمگر کردن نهد نه دین دارد نه عبادت ! اسنادی در وجوب اطاعت از ولایت فقیه ۳۶۲

فرق دو فقیه .

۲۶۵ تا ۳۸۵ ولایت فقیه .

پیغمبر ﷺ و علی حکومت تشکیل دادند و بقیه معصومین نیز در آن راه تا پای جان پیش رفتند - شریعتمداری بعد از آنکه رسوائیش از حد گذشت اصالت ولایت فقیه را تأیید کرد . فهرست آیاتی در رابطه با ولایت فقیه ۳۶۹ - آیا وجود این همه براهین ایجاب نمیکند که حکومت باید در دست فقهاء باشد؟ ۳۷۳ - بینش و عمل فقهاء حاکم از دیدگاه علی ع . ۳۷۵ - کراماتی از نواب خاص ۳۷۸ - استعمار مهره های زیاد دارد! - خدا مهلت میدهد تا منافقانی که در گروه بلعم باعور و طلحه و زبیر و شریح و ... فعالیت دارند، شناخته شوند ص ۳۸۲

۳۸۶ تا ۴۱۱ قضاوت صحیح با میزان عدل - صداقت و قاطعیت قضات اسلام - روزیکه محمد عبده در مجلس بحث سید جمال الدین شرکت کرد، زلال اسلام با فریقاراه یافت - سید جمال رشته های استعمار را پنبه کرد - قناعت و عدالت پروری فقهاء را در يك کفه و عیاشی و مظالم دیگران را در کفه دیگر ترازو بگذارید . - آیا افسرانی که از ملك حسین ها و ملك خالدها و ساداتها و .. اطاعت کردند مسئول نیستند؟ انحراف از ولایت فقیه ، انحراف از حکم خداست! ص ۴۰۰ - ملوک مردم را به خانه صیاد بردند! ۴۰۳ - شمه ای از اخلاق امام خمینی که مستکبران، اذن کر نام او می لرزند ۴ - بزبان فقهاء شایعه ها ساختند ۴۰۹ - غیر قابل توصیف بودن شادی مردم در روز مرگ طواغیت !

۴۱۲ تا ۴۸۷ - در قضاوت عجله نباید کرد - حکومت از آن فقهاء است

که در صف سلمان و ابازر و حجر و هشامند ۴۱۸ - شیخ مفید استاد را محکوم کرد - مقام علم الهدی و رضی پیش خلیفه - رضی و تأسیس ولایت فقیه ۴۲۳ - سلطان محمود ابوریحان را از بام قصر فروافکند - صاحب ابن عباد و سیاست ۴۲۷

شیخ طوسی میگوید «هر کس بر علیه حکومت اسلامی قیام کند کشتنی است.»
 فقهای بزرگ ما فقیه را در تشکیل حکومت، قائم مقام معصوم میدانند. داعی
 رازی غزالی را بیدار کرد. امام زمان؛ بیاری آمد. مردم؛ فقیه را دوست
 دارند. هر شاهکی شاه میشود. فقهاء بجهاد میروند. شاه طهماسب و ولایت
 فقیه ص ۴۵۷ - دشمنی استعمار با فقیه ص ۴۶۱ - آقای کاشانی و سفیر انگلیس
 ص ۴۶۹.

۴۸۸ تا ۵۲۸ تاریخ آئینه عبرتست - پژوهشگر، نمرودها را میبینند - پیامبر
 از مردم حلیت میخواهد - در میان آغازگران جنگ، یکنفر فقیه دیده
 نمیشود - آدمکشی انوشیروان و عیاشی پرویز و فساد پهلوی ص ۵۱۶.

۵۲۹ تا ۵۶۳ گردش برای خودسازی - کشیش میگفت «قیامت نزدیک
 است.» هر شاهی که از قدرت میافتد مردم از او انتقام میگیرند ص ۵۳۱ - کتابسوزی
 مسیحیان - سقوط روم - کلیسا و آدمسوزی ۵۳۹ - اختلافات انجیلیها ص ۵۴۱ -
 دختران از ارتش، محروم بودند - شاه و کشیش نمیخواستند مردم آگاه شوند
 ص ۵۵۳ - فجایع برهمنان - مظالمی که در بنای دیوار چین و اهرام مصر
 بوقوع پیوست.

۵۶۴ تا ۵۹۵ علمی که با ایمان توأم نباشد خطرش بیشتر است - فساد و بیسامانی
 آمریکا - مافیا و «سیا» بیداد میکنند ۵۷۱ - وای بروزی که بگردد نمک -
 زنان آمریکا کتک میخورند - آمریکا بوسیله مزدوران خود؛ مسجد ضاردهی سازد.
 ۵۹۵ تا ۶۲۵ اعتراضات بمارکس و پیروان نخستین او - بزرگ کمونیست
 فرانسوی از دیدن شوروی با شتاب خود پی برد ۵۹۹ - تبعیض و فشار و ارتشاء
 در روسیه - ص ۶۰۶ - دکتر مصطفی افشاگری میکند - پشت پرده آهنین همه
 محبوسند - روسیه از نظر تیتو ۶۲۱.

لنین و استالین بوعده خود وفا نکردند - آدمکشان شوروی در لباس هنرمند
- يك طبقه مرفه روس ، بر جامعه حکومت میکنند . جنایات سازمان امنیت
شوروی از آمریکا کمتر نیست .

۶۲۵ تا ۶۴۳ بان اسمیت جلاد ؛ حسین اردنی و فیصل عراقی ؛ و و از
زاده‌های ایگلیسند . دینسازی انگلیس . فساد کابینه ؛ دروغپردازی فرستنده‌ها و
آدمکشی پزشکان انگلیس .

۶۴۴ تا ۶۵۳ بلاهائی که فرانسه بر سر الجزائر آورد - استعمارگران ؛
دوستان را بکشتن میدهند . سناورد و قاچاقچیکگری مواد مخدر - آمار وحشت -
انگیز آلکلیسم و دختران فریبخوردم و زنان ربوده و فروخته شده فرانسه .
۶۵۴ تا ۶۵۹ سیاستمداران چین خودکشی کردند - حقوق زنان پایمال

میشود - دشمنان هائو کشتار میکنند . هدیه رشدها در زمان روس سورها
۶۵۹ تا ۶۷۳ اینهم نمونه‌های فساد در غیر کشورهای «حق و تو دارند»
دولت اتیوپی ۶۰۰ دانشجو و دولت افریقای جنوبی و رودزیا معترضین را اعدام
میکنند ! انور سادات و عیدی‌امین چندین چهره دارند ! - رئیس جمهور ایتالیای
عده‌ای از وزرای ژاپن متهم برشوه‌گیری هستند .

دولت سعودی و سودان گوش بفرمان آمریکا بکایند - سفارت کانادا در
تهران گذرنامه جعلی میفروشد !

همچنانکه آمریکائیان ، سرخیوستان بومی آمریکا را کشتند و سرزمینشان /
را غصب کردند . اسرئیل هم فلسطینیان را میکشد و بجایشان مینشیند .
علم قسیرتیتا در فلسطین

۶۷۳ تا ۶۸۷ خلاصه گزارش - توضیح یکی از مبهمات . ۶۸۸ تا ۶۹۹ فهرست
پاورقیها و آدرس آیات . ۷۰۰ تا ۷۷۵ فهرست اعلام از رجال و نساء . ۷۲۶ تا ۷۳۷
فهرست مکاتب ؛ وقایع ؛ رژیمها ؛ جمعیتها ؛ امکانه و ازمنه - ۷۳۷ نام بعضی
از ماخذ کتاب - ۷۳۹ اعتذار و تصحیح .

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خاتم النبيين، محمد النبي الامين
وعلى آله الطيبين الطاهرين، سيما بقيه الله حجة ابن الحسن العسكري، ارواح
العالمين له الفداء، الذي وعد الله ان يلم به الشعب ويجمع به الكلم ويملا به الارض قسطاً
وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً

در پیرامون صفحه خاطر یا چشمه سار غیبی که همیشه می جوشد

آفرید کار جهان که هر ذره ای بزبان حال سخن از وجود او میگوید و در
برابر عظمت و مواهب بی شمار او سر تعظیم فرود میآورد، و بالاخره تمام آفریده های
بزرگ و کوچک به خلاقیت و یگانگی او گواهی میدهند...
آدمیزاد را امتیازاتی اعطا فرموده است که سبب برتری او بر مخلوقات
شده است.

از جمله امتیازات و مشخصات بارز آدمی، داشتن حس جویائی و کنجکاوی
می باشد.

بدین معنی که اگر عادات و حرکات انسان سالم، مورد توجه قرار گیرد،
این حقیقت حاصل میشود که از هنگامی که دستگامهای حواس طفل بکار افتاد
تا آنگاه که بنهایت پیری برسد و جهان را ترک گوید، چشمه سارهای پرسش و
تحقیق و تکامل از نهادنگاه وجود او جوشش نموده تخریکش میکند که از آنچه
می بیند و می شنود و لمس میکند و نیز از بویها و طعمها و مزه ها و دیگر چیزها
پرسد و بر میزان معلومات بیفزاید.

این غنچه پر ثمر فطرت در همه اطفال سالم، شکوفان میشود. اعم از اینکه
زادگاه آنها دهی دور افتاده یا شهر بزرگ بوده باشد. باین تفاوت که مثلاً بچه
دهانی از آلونک و خانه شان و مصالح و سازنده آنها و بچه شهری از خانه و کاخ و

معمار و بنای آنها و از اصالت و نحوه ساخته شدن و بوجود آمدن اسباب و اثاثیه
سؤال مینماید .

این یکی از کار و کوشش و مزد و خرمنگاه و آندیکر از انواع
ماشینها و وسائل زندگی و اسباب تجمل که در خانه خود و همسایه و بستگان
می بیند، پرسش مینماید.

بدین ترتیب کم کم و بموازات افزایش سن، دائره بحث و تجسس نیز توسعه
می یابد و روزی میرسد که همه چیز و حتی ستاره ها و خورشید و کهکشانها را نیز
در بر میگیرد .

از جمله سؤالات بچه اینست: من پیش از این در کجا بودم ؟ چه کسی مرا
باین جهان آورد؟ چه کسی پدر و مادر و اجداد مرا خلق کرد؟
کیست که پدر و مادر نخستین را بوجود آورد؟ کیست که پدر و مادر نخستین
این همه جنیدگان را بیافرید؟ و کیست که توالد و تناسل را محافظت نسلسها و رمز
بقای جانداران قرارداد؟

کیست که فرزندان را بدو بخش نرینه و مادینه تقسیم نمود؟ کیست که
برای جلوگیری از انقراض نسلسها همواره ناظر تعادل زادگان نرینه و مادینه
میباشد تا زادگان نه همه نرینه و نه همه مادینه باشند!

کیست که این زمین و آسمان را پدید آورد و میان آنها هماهنگی و
ارتباط ایجاد کرد؟ که بطور مثال آفتاب می تابد و گرم میکند زمین، جان
میگیرد و میرویانند، آدمی از نتیجه هماهنگی گرم و لطیف و موزون که میان
خورشید و زمین هست بهره میگیرد و بفکر ایجاد آبادی و تشکیل خانواده می افتد...
کیست که این زمین و ماه و افلاک را از خورشید جدا کرد؟ و کیست که
زمین را که پس از جدا شدنش از خورشید مثل جهنم سوزان بود سرد گردانیده

بذریات اندر آن افکند و سرانجام دریا و خشکی و فضا را از جنبش و غوغای زندگی پر کرد؟ کیست که فاصله میان زمین و آفتاب را در حد تعادل یعنی سه چندان دور و نه چندان نزدیک نگاه میدارد و نمیگذارد که مثلاً زمین در زمستان چندان از خورشید دور بیفتد که همه جاندارانش از شدت سرما بمیرند و یا در تابستان چندان بخورشید نزدیک شود که آثار حیات بسوزد و از میان برود!

کیست که جاذبه عمومی را در کار گاه خلقت بنا نهاد و کواکب را بحر کت وضعی و انتقالی مأموریت داد تا شب و روز و فصول و مناطق مختلف پدید آیند و زمین را مهد پرورش نبات و حیوان و انسان نمایند.

کیست که با ایجاد تمایل در محور حرکت وضعی زمین مقرر فرموده است در نیمی از سال دامن روز پهنتر شده قسمتی از شب را فرا گیرد و بر عکس در نصف دیگر، شب گسترده تر شده قسمتی از روز را میپوشاند!

کیست که از میلیونها سال پیش و قبل از دمیده شدن حیات در عالم از روی کمال علم و تدبیر عوامل خلقت، از خورشید و ماه و زمین و اطعمه و اثر به و آب و هوا را بمانند میزبان مقتدریکه بخواهد از مهمان عزیز پذیرائی کند مستعد و هماهنگ فرموده است؟

مثلاً اگر سرعت حرکت وضعی زمین از سرعتی که از روز نخست به آن داده شده است، سریع و تندتر میبود و در نتیجه با آنکه فاصله از دمیدن صبح دوباره شب فرا میرسید و منطقه در ظلمت و سردی فرو میرفت و از آن طرف باز فاصله ساعاتی معدود، سحر میشد، زندگی نبات و انسان با مخاطرات بیشمار مواجه میگردد و بخصوص لذت حیات از مذاق آدمیزاد زایل میگشت.

و بالعکس اگر حرکت وضعی زمین خیلی آرام و آهسته میبود نتیجه آن میشد که گاه شبها و گاه روزهای خیلی طولانی بوجود میآمد و آن گاه حتی در

مناطق معتدله، در طول شبهای بسیار طولانی، فرسیدن نور و مسلط شدن سرمای طاقت فرسا (بخصوص در چله زمستان) دمار از روزگار نبات و حیوان در میآورد. همچنین در مناطق گرمسیر استوائی در روزهای طولانی، بویژه در تیره مرداد، لیب خورشید، ریشه حیات را می خشکاند و اثری از زندگی باقی نمی گذاشت.

همچنین کم یا زیاد بودن سرعت حرکت انتقالی زمین بدور خورشید، صدها موانع و مصائب در سرازای حیات ایجاد میکرد که تنهایی از آنها کافی بود که زندگی را مختل یا محال نماید!

آدمیزاد از خود می پرسد، کیست که این شط خروشان طبیعت را که تمام ذرات و عناصر اعضای آن از کلهکشانه گرفته تا آتم غیر مرئی بسوی هدف و مقصدی معین رهسپار است، بحر کت در آورده و همچنان در تمام لحظات ناظر نظم و ترتیب و هماهنگی و ارتباط آن میباشد... کیست که از یک طرف مواد لازم زندگی و تکامل روحی را در معرض درک انسان قرار میدهد. و از طرف دیگر او را بدستگاهها و نیروهائی برای جمع و بهره برداری از آنها مجهز ساخته بزبانی که همه میفهمند اعلام میکند که این تو و خلاقیت تو و اینهم وسائل حفظ موجودیت و راه تکامل تو.

آدمیزاد می پرسد، کیست که آبر را آن خاصیت عطا فرمود که در برابر / خورشید کم کم بخار شده بالا برود. ابر و رعد و برق تولید کند و بر کوی و برزن بیارد و آن آب پس از سیران نمودن لب تشنگان کوه و دشت و دمن، راه دریا را در پیش گیرد تا بار دیگر تبخیر شده بگردش دائمی خود در میان زمین و آسمان ادامه دهد؟ کیست که بسوی صاعقه آزت را بسطح و اندرون زمین میرساند و آنرا برای کشاورزی مستعد میگرداند؟ کیست که با متعادل نگاه داشتن فاصله

زمین و آفتاب، بارانهای نافع و متعادل را بوجود میاورد یعنی نه میگذارد با بسیار نزدیک شدن زمین با آفتاب آبها در اندک مدتی بشکل بخار صعود کرده سیل آسا فروریزد و ریشه حیات را از بیخ و بن بر کند و نه میگذارد بسادور شدن آند و از یکدیگر مسئله کمی ابر و باران و عوارض مر کبار آن بوجود آید.

کیست که زمین را پر از بلندی و پستی یعنی دارای کوه و تپه و دره و جلگه و دریا آفریده است؟ تا قطرات آب غلطان غلطان بیکدیگر پیوسته تشکیل جوی و نهر دهند و آنگاه بازمزمه و آهنگ دلنشین را باغ و بوستان و مزرعه داد پیش گیرند و زادگان طبیعت را که دیده برآه آب دوخته اند در تهیه و تأمین نیازمندیهای جانداران مددکار شوند؟! کیست که تا روز قیامت تدبیر روزی انسان و حیوان را نموده برای تداوم و بقای خوردنیها، حیوانات و بخصوص جانداران ذره بینی را آفریده و مأموریت داده است تا بدون اجر و پاداش و بدون بکار بردن مواد شیمیائی مصنوعی، عناصر زائد از قبیل پوست خربزه و پرتقال و مدفوعات و اعضای بدن جانداران را تجزیه نموده بصورت کود در بیاورد تا مواد در کارگاه خستگی ناپذیر آفرینش بطور مداوم تحول یابد و غذای روزی خواران تهیه شود!

کیست که از راه حکمت و تدبیر آب را از سایر اجسام که بهنگام منجمد شدن حجمشان کم و وزن مخصوصشان زیاد میشود مستثنی نموده و با سبک نمودن وزن یخ از آب، مانع فرورفتن قطعات یخ بته دریا و بهلاکت رساندن جانداران آن گردیده است؟

کدام مدبر اذلی است که در اولین روز آفرینش زمین، پیش بینی کرد که اگر سطح زمین، مستوی یعنی فاقد، کوه و دشت و دریا باشد، آب برف و باران، در اندک مدتی در جای نزول خود باقیمانده تشکیل باتلاق و دریاچه میدهد و مانع ایجاد مزرعه و باغ میشود و در هر حال زندگی را برای نبات و حیوان و انسان محال

می نماید!

کدام مدبر است که با ناهموار آفریدن زمین از یک طرف و دادن این خاصیت بآب که در یک سطح بایستد (قانون نظروف مرتبطه) از طرف دیگر، بکاشفان و متفکران، این امکان را داده است که لوله کشی کنند و آب را بالای عمارات چندین طبقه یا اراضی و مزارع دوردست برسانند و در پاسخکوئی باز دیاد بشر بمیزان محصول و آبادی بیفزایند!

کدام صانع تواناست که در ایجاد، هماهنگی و ارتباط، آب را این چنین لطیف و بانفوذ و زمین را آنچنان قابل جذب و بلع خلق فرموده است تا قسمتی از آب برف و باران پس از رفع حوائج حیات، با ندر و زمین نفوذ کرده انبارها و استخرها و دریاچه های زیر زمینی تشکیل دهند و از آن پس بشکل کاربزر و چشمه و انواع چاهها سر بدر آورده مأمور سرسبزی و شادابی نخل حیات باشند؟

کدام دست نواز شکر تواناست که، آبی را که باعث غرق و هلاک شدن انسان و حیوان خشکی است، برای ماهی و جانداران دریائی وسیله حیات نموده است؟ کدام اقتصاددان زبردست و کدام حکیم متخصص در امور غذایی است که از راه عنایت بضعیف و ناتوان بودن معده آدمی، دریا را بتسخیر آورده است تا از آن انبار فزاینده، گوشت، آنهم گوشت تازه برگیرد؟

کدام میزبان مقتدر و مهربان است که مستخدمین او بنام «ابر و باد و مه و خورشید و فلک» کار میکنند و آنچه را که انسان از خوراک و پوشاک و لوازم زندگی نیازمند است از دریا و خشکی تهیه و در دسترس او قرار میدهند!

آن کدام میزبان توانا و با محبت است که با هر اواز آغاز آفرینش و پیش از دمیدن روح در کالبد آدمی، انواع لوازم زندگی او در آشپزخانه و کارگاهیکه زمین نام دارد و با اجاق و منبع انرژی که بخورشید موسوم است رسته و پخته و

آماده میگردد؟

کدام دست لطیف و تواناست که بفراخور حال پردهای تسخیر ناپذیر روی میوه‌ها میکشد و آنها را تا رسیدن بدست و دهان بشر از هجوم و تصرف و تخریب مرغ و مور و حشره و جانداران ذره‌بینی محفوظ نگاه میدارد؟

کیست که این همه خواص از سنگینی، سبکی، تلخی، شیرینی، درشتی، نرمی، حرارت، برودت، جاذبه و دافعه و... را با جسام عطا فرموده است. کیست که بعنوان اعجاز در دست فرستادگان خود را بعنوان آنکه نگویند، جهان مثل ساعت کوک شده و بخودی خود پیش میرود، احیاناً خاصیت سوزندگی را از آتش سلب میکند و آنرا برای ابراهیم خلیل ع کلستان و خاصیت غرق کنندگی آب را میگیرد و دریا را برای عبور موسی کلیم و قوم او گذرگاه مینماید. کیست که عیسی ع را دم حیات بخش میدهد و محمد ص را آنگاه که با عده و آلات کم در برابر دشمن مجهز و قوی قرار میگیرد و وحی میکند که مشتی خاک بر گیرد و بطرف دشمن بیفشاند تا تیر جانستان شود!

کیست که قریب بصد نوع معدن با خواص و مشخصات متمایز، آنهم بمیزان معین (کم، متوسط، فراوان) که حوائج بشر را رفع کند خلق نموده است. کیست که کرات آسمانی را نیروی جاذبه اعطا فرموده و از آن میان سطح آبهای روی زمین را... با بالا آمدن ماه بالا میبرد تا کشاورزان هر چه بیشتر از آب رودخانه‌ها و دریاچه‌ها بر خوردار گردند.

بدین ترتیب در تمام ایام حیات بطور مداوم این نقطه سؤال در برابر دیدگان کنجکاو و حیرتزده شخص اندیشمند مجسم است که بوجود آورنده جهان بسا این همه قوانین منظم و با این همه ارتباط و هماهنگی مادی و معنوی یا ظاهر و باطن که میان اعضای بدن حیوان و میان حیوانات و نباتات و میان نباتات و جمادات

و میان همه آنها با خورشید و کرات دیگر حکم فرما می باشد کیست؟
 کیست که او در کلیه شئون حیات نظارت دارد و با اسبابی که خلق میکند
 میگذارد که فی المثل تعداد کرک و پلنگ با آن چنگ و دندان نیز از حد معین
 و عادی بگذرد و نسل گوسفند و حتی آدمیزاد را در مخاطره اندازد، یا موش و مملوح
 و مگس و... با آن زاد و ولد سریع و روز افزونی که دارند بر اوضاع مسلط شده
 عرصه را بر انسان تنگ نمایند.

کیست که بمحض تولد بیچه آدمی میآموزد که بر سیله گریه توجه و ترحم
 اطرافیان را بخود جلب کند... بیره میآموزد که از کرک بسوی شبان بگریزد
 بیچه گربه میآموزد که بموش حمله کند؟ کیست که علفی را که برای آدمی
 تلخ و کشنده است در دهن بره شیرین مینماید؟

همچنین این نقطه پرسش در پیش چشم مجسم است که آن کدام یگانه
 صانع تواناست که با هر او در عین اینکه هیچ انسان و حیوان و پدیدماده ای از جمیع
 جهات شبیه انسان و یا حیوان دیگر نمی شود، در بسیاری از جهات همانند یکدیگر و
 با اصطلاح فر آورده یک کارخانه میشود و مهربان کارگاه را بر روی خود میدارد!
 که بطور نمونه گفته میشود که گردش الکترونها در بدن کوچکی بدور هسته
 مرکزی، همانند گردش سیارات منظومه شمسی بدور خورشید میباشد!

کیست که از همه حیوانات اختیار را سلب و همه را در برابر طبیعت اسیر و
 تسلیم نمود تا پذیرای تکامل جبری خویش باشند ولی آدمی را در میان جبر و تفویض
 اختیارات اعطا فرمود که بدنبال رهبران هدایت و سعادت و یا شقاوت بر افتد و مصداق
 این بیت شود: متاع کفر و دین بی مشتری نیست گروهی آن، گروهی این پسندند!!

۱- داروین از دیدن شباهت ظاهری پاره ای از حیوانات مثل گربه و شیر و یا
 همانندی جمجمه انسان و شمشیر منثوری تکامل انواع را بر سر زبانها انداخت. ←

کیست که بفرمان اولحظه بلحظه از گذشت زمان کرد تغییر و تحول بر
چهره موجود می‌نشیند تا هر عاقلی درک و استدلال کند جهان، متغیر و حادث است
و هر حادثی فناپذیر و غیر قابل اعتماد میباشد. کیست که با مراد از راه ابطال
نظرات فریبکارانیکه جهان را ازلی میدانند، از هر چندین قرن اندکی از انرژی
و کمونیستها و استعمارگران دیگر که در پی همچون اقوال اختلاف انگیز بوده و
هستندثوری داروین را در تخریب اساس اعتقادات و ایجاد تفرقه میان ملت‌ها بکار بردند.
... داروین اگر با اعتراضات دانشمندان معاصر توجه مینمود و با اقلای بگفته
امثال موریس مترلینک که میگوید «از میان زنبوران و حشرات گوناگون
که از نظر ساختمان بدن شبیه یکدیگرند تنها زنبور عسل است که بداشتن
محصول، مورد توجه بشر قرار گرفته است گوش فرا میداشت دیگر آن نظرات
سنجیده را مطرح نمیکرد» (اعتراض قریب بیست نفر از دانشمندان بسزر که
بداروین که آقای صدر بلاغی در فرهنگنامه قصص قرآن گرد آورده است قابل
توجه میباشد). خنده آور است که داروین میگفت اصل و منشأ تمام حیوانات
بیک حیوان یک سلولی بر میگردد یعنی انشعابات و تکامل و تنوع، جهان را
باین شکل در آورده است. خنده آور است که گفته شود گذار ذرافه (از فرط
شبهت بشته و گاو و پلنگ و اسب) بنام «شتر گاو و پلنگ مشهور است» بر زمین
خشک افتاد. کردن خود را دراز کرد تا از شاخه‌ها تغذیه کند و لذا گردنش دراز
شد!! خنده آور است که بدون توجه بصنع خالق توانا گفته شود چون شتر
مجبور شد در راههای دور و دراز بدون آب بارگشی نماید، دارای کیسه‌های از آب
در اندرون خود شد که چندین شبانه روز میتواند آب نخورد و راه برود!! محال
است که خفاش با آن صفات انحصاری که مثل موش است ولی پردارد، همانند
کنجشک است اما پستان و گوشهای آشکار پر جسته دارد. مثل آن هر دو است ←

خورشید گاسته میشود نامطابق قانون دوم ترمودینامیک ثابت شود اگر خورشید ازلی مهبود میبایست حالانعام نور و انرژی آن با تمام رسیده بود (کتاب آفریده کار و آفریده را بخوانید)

کیست که اینهمه رنگ و نگار برد و دیوار وجود می زند تا ثابت شود ولی تاب تحمل نور آفتاب را ندارد. و با تباینات دیگر خلقت که دارد، با تئوری داروین جور دربیاید!

... در دبیرستانی، با پزشکی که در کلاسهای علوم طبیعی تدریس می کرد. همکاری بودم با ارائه کتاب فوق پیشنهاده نمودم که بدانش آموزان تفهیم کنند که این تئوری تکامل که بخواست استعمارگران در کتب درسی نوشته شده است صحیح و محقق نیست و از دیدگاه قرآن که آدمیرا گل سرسبد خلقت و بقیه جانداران را طفیلی و خدمتگزار او میداند مردود است... نامعقول است که گفته شود، انسان با این حد توانائی که بگفته قرآن در اثر دمیده شدن روح خداوندی در پیکر او بخلاقیت خدا کونگی، دست میزند و زمین و آسمان را تسخیر می کند، فرزند میمون لایعقل می باشد!..

نامعقول است که گفته شود زنبور عسل با آن نمره شیرین و شفا بخش که حتی بمضیها گزیده شدن بوسیله آنرا هم برای بدن نافع میدانند بازنبور زرد که از نظر شکل و حجم و وزن همانند زنبور عسل ولی از روز نخست بدون حاصل بوده و گزش او احياناً کشنده است از یک شاخه می باشد!.. و دهها اشکال عقلی و قرآنی دیگر...

متأسفانه آقای دکتر ازبیم اینکه مبادا بگوش ساواک برسد و دست انتقام بگشاید که معلم تکامل را با سیاست ما چه کار؟! پیشنهاد را پذیرفت و آن گفت که استعمارگران گفته بودند بگو!! نهر و میگوید کمونیست چون چیزی ندارد، تئوری داروین را بخورد مردم میدهد!

جهان بخودی خود بوجود نیامده است. بلکه موجود و گرداننده دارد!
 کیست که از هزاران سال پیش با آفریدن اعجوبه‌های بی‌شمار همچون
 (زرافه) و خفاش بر تئوری داروین و تخیلات تکاثر و تکامل او که همه جانداران
 را از يك اصل میداند و استعمار هم از آن بهره برداری میکند قلم بطلان
 کشیده است.

کیست که دورتادور کره زمین را از هوا پوشانده و نسبت به نیازمندی که انسان
 و حیوان و نبات هر دقیقه بدان دارد آنرا از هر چیز دیگر فراوانتر خلق فرموده
 است.

کیست که با علم باینکه سکنه کره ارض برای تنفس به هوایی نیازمند
 خواهند بود، از میان کرات دیگر منظومه شمسی تنها کره زمین را با این هوا-
 بضخامت صد کیلومتر پوشانده است و کیست که هوا را در مقابل سقوط قطعات
 سنگ از کرات دیگر سپر بلای سر نشینان زمین قرار داده است

کیست که خـوان نعمت بیدریغ اویش همه جانداران از پلنگ و فیل
 عظیم الجثه گرفته تا جانداران تك یاخته‌ای آماده و گسترده میباشد.

کیست که زنجیره غذایی حکیمانه را میان حیوانات بگردش در آورده
 است که فی المثل ماهی دریا نصیب مرغ هوا و مار خطر ناک نصیب لك لك شکر گزار
 میشود. (آن لك لك گوید که لك الحمد ولك الشکر- تو طعمه من کرده‌ای آن
 مار دمان را (سنائی))

کیست که بادهای افحاح را بگردش در آورده بسوی باغ و گلستان روانه
 میکند تا با دها مشاطه و ار عمل آمیزش گلها را که منبع غذای دام و دد و طیور و
 انسانست بر عهده گیرند.

کیست که در يك کار چندین مصلحت را بمورد اجرا میکند. زبور هل

وحشرات را عاشق دلباخته کرده کلها نموده بافندرون آنها میفرستد و در نتیجه بدون اینکه خود اینها بدانند باعث کرده افشانی از عضو نرینه گل بعضو مادینه شده گل و گیاه و درخت را آبتن مینمایند.

کیست که زنبور عسل را چنان رهبری میکند که هر گروه از آن در یک کندو بدون کوچکترین خصومت و درگیری بوظیفه جدا گانه‌ای مشغول میشوند و عسل مصفا صادر مینمایند... در برابر دشمن اگر چه قوی پنجه باشد آرائی و مقاومت میکنند! کیست که بملکه زنبور عسل آن پاکی و عفت آموخته است که او بر خلاف آدمیان بی بند و بار چون بفکر ازدواج می افتد، بسوی آسمان اوج میگیرد و داماد را بدنبال خود میکشاند و در فضائی که از تیر چشم اغیار بدور است جفتگیری مینماید... کیست که بنوع دیگر از زنبوران می آموزد که نوزاد او بگوشت تازه احتیاج دارد. یعنی مادر، شکار خود را نیش زده فلج مینماید و در اختیار نوزاد میگذارد! و پی کار خو میرود

کیست که بمورچه‌های بدان کوچکی آن شعور و حواس داده است که با تمدن خود اهل نظر را متحیر میسازد.

کیست که بآن مورچه در صحاری آفریقا یاد میدهد که سالها قبل از آن که بشر موفق بکشف سیمان شود، لانه‌های خود را با دهلیزها و سالتهای نودرتو از محکمترین سیمانها بنا نماید؟ (سخنرانی آقای فلسفی)

کیست که بآن مرغ ناتوان که در بالای درخت و دیوار لانه می‌سازد، می‌آموزد که چون مادر برای ربودن اطفال او بالا بیاید، خارخسکی بدست آورده در گوشه‌ای کمین کند. آنگاه بمحض اینکه مادر برای ربودن طعمه دهان باز کند، خار در حلق دشمن بیفکند و از پایش در آورد (کتاب عجائب مخلوقات)

کیست که پیاره‌ای از جانوران مناطق سره سیر که زمستان را مثل مرده

بنخواب عمیق فرو میروند، آن استقامت فولادین عطا نموده است که با اینکه بدنشان مثل یخ سرد میشود باز در بر زخمی میان حیات و مرگ میکذارند تا دیگر بار با آمدن بهار، زندگی انسر گیرند و این تجدید حیات آنها درس و تذکری باشد برای دارندگان عقل و اندیشه که خدا همچنانکه زمین و درخت و حیوان مرده را بوزیدن باد بهاری زنده میگرداند، آدمیزاد را نیز پس از مرگ زنده میگرداند! (اقتباس از مغز متفکر جهان شیعه، امام جعفر صادق ص ۲۳۳)

کیست که با بردن زمستان و آوردن بهار هم انسان را بعظمت و نظم کاینات و حرکت انتقالی زمین متوجه میسازد و هم نوید تجدید حیات و صلح و آشتی را بگوش بقاقت میرساند.

کیست که دانه را در زیر زمین می شکافد و دشت و دمن را پراز گل و شکوفه و نظیر طبله عطار مینماید؟...

در خلال تمام این پرسشها و سفر کردن طایر اندیشه به اقصا نقاط و کرات آسمانی، آدمی از دیدن شکفتیهای بی شمار در جسم و جان خویش می پرسد طراح بدنی این چنین هوزون و متناسب و متعادل که برای هیچ فیلسوف منصفی جای اعتراض باقی نگذاشته است کیست؟

با قبول این حقیقت که سلولها زاد و ولد میکنند تا بدن تنومند می شود، این پرسش بمیان می آید که چه کسی غیر از خدائی که مورد ستایش اسلام است، زبان سلولها را میداند و با آنها فن قالبگیری میآموزد؟ بطور مثال چون حجم بدن با انگشتان بعد عادی میرسند، دیگر نمو طولی و عرضی متوقف میشود و یا چون بقول پروفسور آرتو کایتون (مؤلف کتاب فیزیولوژی کتاب درسی دانشگاه طب (جلد ۱ ص ۶۴) چون قسمت اعظم کبدی برداشته شود بقیه سلولهای کبد تا آنگاه تکثیر می یابند که کبد حجم نخستین خویش را باز یابد. همچنین در زخمها و

شکستگیها فعالیت تکثیری سلولها تا آنگاه ادامه دارد که زخم یا شکستگی التیام یابد که دیگر مسئله تکثیر متوقف میشود.

کیست که روح را بر بدن مسلط میکند و آنرا زنده نگاه میدارد... کیست که نوزادیکه چیزی نمیداند فن مکیدن می آموزد و نخل حیات را سر یا نگاه می دارد!

کیست که چشمها و گوشها را بعنوان مأوران حفاظتی در بالای سرچ مراقبت دستها و پاها را با اقتضای کاربردشان در اطراف و پائین بدن قرار داده است.

کدام حکیم است که از میلیونها سال پیش یعنی در آغاز آفرینش انسان، قوانین عدسیها را در چشم، قوانین اهرم را در گوش و زانو و فشار اسمزی را در قنات الصدر کنار روده بکار بسته است که حالا چون دانشمندی موفق بکشف یکی از قوانین و اسرار امر، و ز بدن میشود، شهره آفاق میگردد و مورد تجلیل و تقدیر قرار میگیرد؟ (آیا سزاوار و عقلائی نبود که آن انگشت شمار دانشمندان مادی هم از سر کب کفر و عناد فرود آمده همانند تیوطن، جیه زوات و الیکسی کارل و هزاران امثال آنها در برابر این قانونگذار همیشه سر تعظیم فرود می آوردند و بجای تخریب و ایجاد شکاف، در آبادی زمین و آسایش مردم میکوشیدند؟

کیست که از روی حکمت و رعایت اصول نظافت، سرلوله گوارش را در قسمت فوقانی بدن و منخرج را در بخش تحتانی قرار داده است؟

کیست که به حکمت، دندانها را در اول لوله گوارش قرار داده و خود دندانها را چنان از روی عقل چیده است که بترتیب غذا قطعه قطعه و دریده و آبکشی و خمیر میشود؟ (در کارخانه چوب ببری و کبریت سازی، اگر نظیر این نظم که مثلا در درب ورودی، ارمه های نیز... بعد آلات تقطیع و بعد آلات تورق و در نصب

شده است دیده شود آیا حکایت از عقل و تدبیر سازنده کارخانه نمیکند؟

کیست که دندانها را تیز و ضرس میکند؟

کیست که آب دهان و شیره عده را خاصیت هضم می دهد؟

کیست که انگشتان را از روی خرد و آشنائی به نیازمندیهای بشر طوری

چیده است که چهار انگشت با درازای مختلف در جهتی پیش رفته اند و آندیکر

با اندامی که بحکمت از طولش کاسته و ضخامت و قدرتش افزوده شده است در

مقابل آنها قرار داده است تا از طریق دو در روی هم قرار دادن، با تکیه بر همدیکر

نمودن یا جدا کردن آنها از یکدیگر آدمی با صدها نوع بهره برداری از آنها

حوالجب را بر طرف نماید!

کیست که با آدمی حس احساس تشنگی و گرسنگی یا احساس درد داده

است تا بفکر خوراك و درمان باشد و حیات خود را حفظ نماید.

آدمی از دیدن زبان سخنگو که هر لحظه حروف و کلمات گوناگون

تحویل میدهد و بمقتضای حال، الفاظ ادبی، عرفانی، عشقی و غیره عرضه میکند ...

گاه با هنک نطق و خطابه و وعظ و گاه با هنک نشوبق یا توبیخ سخن میگوید ...

وقتی بطرز سؤال و وقت دیگر بطور اثبات و تعجب و غیره حرف میزند، از خود

می پرسد این زبان را که گوشتیاده ای بیش نیست چه نیروی عظیم و دقیق نامرئی

کنترل میکند که در آن واحد مصنوعات گوناگون صادره بینماید؟ و کیست که

زبان را این قدرت عطا نموده است که گفته هایش مطابق حال و در شان و اندیشه

و بالاخره معیار تشخیص عاقل از غیر عاقل و یکی از امتیازات انسان از حیوان

می باشد.

کیست که حیات و دیگر گونی احوال بدست اوست و کیست که حتی

بزرگترین گردنکشان و قدرتمندان سرانجام در برابر امر محتوم او یعنی مرگ

سر تسلیم فرود می آورد؟

کیست که در دروازه معده، از روی کیمیاك حکمت، لوزتین را بعنوان قر نطینه و کنترل قراردادده است تا از ورود مواد ناصالح جلوگیری شود.

کیست که آن حساسیت را بمعده اعطافر موده است که احياناً اگر ماده ای مسموم کننده وارد آن شده باشد با ایجاد عکس العمل از قبیل سر کیجه و تهوع، زنگ خطر را صدا در آورده همه را بر گرداند و بیرون بریزد تا آدهی از برنگاه سقوط و مرگ بر گردد و آرامش خود را بازیابد؟

کیست که از نظر تسهیل دوران دم و صرفه جوئی در مصرف انرژی، تلمبه خانه قلب را در وسط بدن نصب فرموده است و کیست که تصفیه خانه های خون یعنی ریه و کلیه را آنچه مربوط به هواست در بالا و همسایگی قلب و قصبه الریه و آنچه مربوط به پیشاب است، در پائین و سر راه رگهای ورید کلیوی قراردادده است.

کیست که قلب را كوك نموده بحرکت در آورده است که در طول عمر، همیشه می جنبد و چندین تن خون را در کشور بدن جا بجا مینماید!

کیست که کار رامیان گلبولهای خون تقسیم نموده است تا سرخها، مأمور رساندن غذا بسلولها و سفیدها، اسدار بدن از میکروبهای موزی باشند؟ (از سخنرانی آقای سید خلیل نقوی اقباس شد)

کیست که برای منع ورود گرد و غبار هوا بر به اندرون بینی را از موپها تمیز که خاصیت صافی دارند پوشانده و آنجا را آبکی و مرطوب نموده است تا ذرات غبار در آنجا نه نشین شده با عطسه و طرق دیگر لارژی می شود!

کیست که پرده های نازك و لطیف چشم را برای حفاظت از فساد در اندرون چشمه سار نمك آلود و کند زدا قراردادده است

کیست که چشم را از آن چنان قدرت تمیز و تشخیص برخوردار نموده

است که بطور مثال وقتی با ماشین در فاصله اندکی میان چراغ سبز و سرخ به چهار راه میرسد، سرعت ماشین دیگر را که در خیابان دست چپ بطرف فلکه در حرکت است و همچنین روحیات و عواطف راننده آنرا که اهل صلح است یا نه! عجله دارد یا نه و... ارزیابی کرده قبل از روشن شدن چراغ قرمز، سرعت و بدون تصادم، میدان راپشت سر میگذارد و میرود!

کیست که بچشم، آن قدرت اعطا نموده است که در کمترین زمان با رساترین زبان، مافی الضمیر خود را از عشق و غضب و رحمت و تعجب و تأسف بشخص مقابل که احیاناً زبان او را هم نمیداند ابلاغ میکند و بوسیله چشم جواب میگیرد؟! کیست که نفس ناطقه را با آدمی داده که او میگوید «زبان من . دست من . قلب من و...» در حالی که کسی تا کنون جای آن «من اصلی» را در کشور تن پیدا نکرده است!

کیست که خواب را که در راه کشف کیفیت آن بزرگترین متفکرین عالم حیرانند، بیدن مسلط میکند، تا بدنبال آن، از انسانی خسته، انسانی با نشاط، ساخته شود؟

کیست که بانسان دادن رؤیایها که هر کسی اقلایک یا چند بار شاهد رؤیای صادق میشود، نشان میدهد که دنیای همین دنیای محسوس است، بلکه عوالمی هست که روح آدمی با آنها پرواز میکند و تحت تأثیر قسرا میگیرد و چندان صاف و صیقلی میشود که عکسی از خاطرات گذشته و آینده در آن نقش می بندد!

کیست که اعضای بدن، از کلبولها و سلولها گرفته تا کبد و کلیه ورود و قلب، فرمان او و خارج از اراده آدمی از ولادت تا دم مرگ تکاپو و فعالیت مینمایند؟

کیست که در وجود آدمی حرص و شهوت و بخل و کبر و خودخواهی و...

را که هر يك باندازه و در جای خود نیکوست ایجاد نموده، تذکر داده است که اگر طالب عزتی بگذارد این گروه سرکش از قلمرو عقل خارج شوند.

کیست که علیرغم مازکس وانگلس که انسان را در برابر تاریخ تسلیم و تحقیر میکنند و در مقابل دستگامهای تولید ثروت بهمان چشمی باومی نگرند که به پیچ و مهره ها مینگرند، خدا جوی و آزاد آفرید و بداشتن اندیشه و عواطف عالی، بر همه جافداران برتری داده اشرف مخلوقاتش نماید و نه تنها او را تسلیم تاریخ و مادیات نکرد بلکه توفیق داد که بخشنده و تاریخساز باشد!

و بهمرآه این قبیل سؤالات که سر به بینهایت میزند، این مسئله پیش میآید که آفریدگار توانائی که این همه نظام و بدایع شکفت انگیز را در عالم ماده و محسوسات بوجود آورده است و بهر چیزی و هر کسی آنچه لازم بود، اعطافرموده است، آیا آدمیزاد را چراغی که روشنگر راه زندگی و وسیله ای که آلات تشخیص حق از باطل و رسیدن به سعادت باشد، بخشیده است؟

اینجاست که بفرموده نبی اکرم ص اگر اطرافیان بچه اقل را بحال خود گذارند و دانسته یا ندانسته، او را از صراط مستقیم فطرت منحرف سازند، او خود در پر تو عقل و تشخیص که از پربهاترین موهبتهای الهی است، خداشناس، بار می آید و به یگانه دین آسمانی که اصول لایتغیر آن، بسوسيله رهبر نخستین یعنی حضرت آدم پی ریزی شده و با رهبری پیام آوران، بخصوص پیامبران اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد علی نبینا و آله و علیهم السلام) بموازات ترقی عقل بشر، در طریق تکامل پیشرفته و بکمال نهائی رسیده است، مؤمن میگردد..

او گمشده خویش را که می پرسید از کجا و چرا آمده و بکجا خواهد رفت و سر نوشت ابدی او چیست و خالق و مدبر و مدیر این کارگاه بسا عظمت کیست؟ از روی قرآن، آخرین کتاب آسمانی پیدا میکند و میداند که آدمی بیهوده خلق

نشده و حیاتش قطع شدنی نیست! بلکه از روی پل مرگ گذشته بابدیت خواهد پیوست! یعنی اگر با ایمان بنهدا و روز قیامت و سفرای الهی، عملاً از آزمایشهایی که قدم بقدم با آنها مبتلی و آزموده خواهد شد، موفق و سرافراز بیرون آید، بمحض مرگ، وارد بهشتی خواهد شد که از مزایای آن تأمین شدن نعمت دلخواه و سلطنت جاوید میباشد. برعکس اگر اسیر نفس شود و برای راحت خود که تصادفاً زود گذراست، شهد زندگی را در کام دیگران تلخ نماید، مرگ او وسیله و دریچه‌ای خواهد بود که به درد ورنج و عذاب گرفتار خواهد شد.

بدین ترتیب، انسان که در طول قرون و اعصار در زیر بار ستم زورمندان بستوه آمده است بشنیدن سخنان روحبخش و هدایتگر قرآن از بیابان دلهره و نگرانی بدرآمده بجهان سکون و آرامش و راحت راه می‌یابد و ما هم نظر قرآن واحادیث چهارده معصوم علیهم السلام را که منبع همه آنها نیز قرآن است، در ارتباط با مسائل روز با اختصار هر چه تمامتر تا آنجا که از قلم نارسا بر آید و حجم کتاب اجازه دهد مورد مطالعه قرار میدهیم.

نخست در تعریف قرآن از خود قرآن، بامقدمه‌های کوتاه

در فارسانی عقل و حافظه آدمی همین بس که افلاطون با آن شهرتی که در فلسفه دارد میگوید «تنها دانش من این بود که نادانی خود را درک کردم» و اینستن بزرگترین فیزیک و ریاضی‌دان میگوید «هنوزما در دوران کودکی علم بر می‌بریم، خیلی از اسرار جهان برای ما مجهول است. هنوز نسبت به بسیاری از مسائل در تاریکی محض قرار داریم!»

... این چند جمله بعنوان شاهد کافی است که بدانیم هر نویسنده و مخترع و مکتشفی ناگزیر از اعتراف بنقص خود میباشد و نشانه آن اینکه حتی بزرگترین نویسندگان همینکه از نوشتن مقاله یا کتابی فارغ میشود، با خود می‌گوید ای کاش فلان جمله را بنحو دیگری نوشتم. ای کاش فلان مسئله علمی را بیشتر تحقیق میکردم. کاشکی در ساختن عمارت یا ماشین و و بیشتر تأمل می نمودم.

اما قرآن و آورنده آن! - قرآن، صرف نظر از اینکه گذشت ۱۴ قرن نتوانسته کمترین اثر مروری بر وی آن بگذارد، روزی روزی جلوه و درخشندگی آن افزوده شده است. قرآن بهنگام نزول چنان بر اسالت و استحکام ابدی و بلا رقیب بودن خود از نظر لفظ و معنی و شامل بودن بعالتترین قوانین مدنی، مطمئن بوده که بشریت را در طول و عرض زمان و مکان، مورد خطاب قرار میدهد و از جانب خدا میگوید اگر درباره قرآن که بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) نازل کردیم تردید دارید شما هم سوره‌های از شخصی مثل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که با وجود استاد ندیدن و تحصیل نکردن و با آن همه گرفتاریها و لشکر کشیها از زبانش جاری شده است بیاورید.

۱- ۲/۲۴ برای صرفه جوئی و همچنین برای درک مفهوم هر چه کاملتر با نوشتن شماره سوره در طرف راست ممیز و شماره آیه در طرف چپ آن، خواننده محترم بخود قرآن که در هر خانه‌ای هست ارجاع داده میشود.

سپس خود با قاطعیتی که جنبه پیشگویی و اعجاز هم دارد جواب میدهد... ابتدا قادر با آوردن سوره‌های نظیر سوره قرآن نخواهید بود!

این قرآن بمن وحی شده است که بوسیله آن شما معاصران عصر رسالت و هر که رادست رهائی بخش تبلیغ بدو برسد انذار و هدایت کنم (شرق و غرب عالم تا فرارسیدن قیامت) (قرآن ۱۹/۶) - اگر انس و جن بیاری یکدیگر بر خیزند و بخواهند نظیر قرآن را بیاورند، هرگز بچنین کاری موفق نخواهند شد... (۱۷/۸۸)

... در باره حاوی بودن و در آستین داشتن درمان تمام دردهای اجتماعی، از قبیل کینه، حسد، خودخواهی، توسعه طلبی، غفلت، کذب و خیانت و... میگوید پندی از پروردگارتان نازل گردید که هر درد روحی را که در سینه دارید شفا میبخشد قرآن خود را وحیی میداند که هر جامعه منحط و مرده‌ای را زنده میگرداند (حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يك تنه دنیا را با همین قرآن برآه سعادت رهبری فرمود! انقلاب اسلامی روحی تازه در کالبد مستضعفین جهان دمید... قرآن ۴۲/۵۲ و اصول کافی).

قرآن اصل و اساس حق و حقیقت است و هیچ باطلی بر آن راه ندارد. چرا که از جانب خدای حکیم و قابل ستایش نازل شده است. (۴۱/۴۲)

قرآن یگانه بر نامه‌ایست که باذن خداوند مردم را از ظلمت میرهاند و بعالم نور دلالت میکند (۴۱/۴۲). (با در نظر گرفتن آیه ۱۵۷ سوره بقره که خداوند مردم را از ظلمت بعالم نور میرساند و بر عکس، طاغوت از نور به تاریکی و خفقان میکشاند، نتیجه میشود که قرآن وسیله آزادی از چنگال استبداد و استعمار میباشد.)

قرآن خود را وسیله هدایت و بصیرت و جهان بینی و ژرف نگری معرفی میکند که قیام دهها مصلح و اهل بصیرت اسلامی امثال سید جمال الدین، میرزا محمد حسن شیرازی، میرزا حسن آشتیانی و امام روح الله خمینی که بر اجتماع سر کوب

شده، حیات تازه دمیدند از شواهد زنده آن میباشد (۲/۲۵۶ و ۷/۲۰۳، ۱۷/۹) .. قرآن بر خلاف مردم که عجز و نقص آنها را اینک که خود اعتراف کنند یا نکنند آشکار میشود با استواری و متانت و ابدیت خود آگاه است. بدین معنی که معجزات هر يك از پیامبران علیهم السلام از قبیل کشتی نوح، گلستان شدن آتش برای ابراهیم، ازدها شدن عصا در دست موسی، زنده شدن مردگان بوسیله عیسی عليه السلام با خود آنها از میان رفته است ولی خدای قرآن، حفظ و صیانت قرآن را تضمین می نماید. (۹/۱۵)

قرآن بسازندگی و ظلمت زدائی خود که میتواند سطح زندگی مردم را بحد اعلای عزت و سعادت برساند باندازه ای مطمئن است که از زبان رسول خدا ص بازگو میکند که در قیامت شکایت خواهد نمود که مردم از قرآن دوری گزیدند یعنی از بر نامه های علمی و عملی آن کناره گیری کردند و در نتیجه بدست دیو و دد افتادند. (۳۰/۲۵)

قرآن خود را متکی بر علم میداند و آورنده خود را دارنده فضل کبیر میخواند (قرآن ۱۷/۸۷)

قرآن بر خلاف مکاتب سیاسی و فلسفی و التقاطی که تاریخ جهان شاهد تولد و تزلزل و وفات و بدست فراموشی سپرده شدن صدها انواع آن میباشد، پیروان خود را از آرامش و سکون و یقینی بر خود دار مینماید^۱ که با اصطلاح اگر جهان

۱- توضیحاً گفته میشود که فرد مؤمن همچنانکه رنگها و طعمها و صفات و خواص اشیاء را بتدریج در مکتب فطرت می آموزد و علوم طبیعی جزئی زهنیات او میشود همچنان هم اساس مسائل فلسفی را در مکتب انبیاء آموخته، مجهولات بعدی را بکمک اعتقادات و معلومات قبلی تبدیل بمعلومات نموده همواره در عالم یقین بسر میبرد و این یکی از امتیازات مکتب اسلام است که پیروان خود را ←

زلزله گیرد و درد و قایابی و بلا بر آدمی روی آورد، خصلتی بر اعتماد او نسبت به پروردگار خود وارد نمیکند بلکه او به نیروی ایمان و تقوی، حق را از باطل تمیز میدهد و پیش میرود... (۵۶/۵۹ و ۶۹/۵۱ و ۸۹/۲۹ يجعل لکم فرقانا).

قرآن برخلاف فلاسفه و سیاسیون که در چند قدمی قول و ادعای خود در میمانند، در این ۱۴ قرن با سر بلندی و صداقت از عهده آنچه گفته است برآمده و این خود دلیل آنست که برای همیشه نیز خواهد آمد!

نظر خود رسول اکرم و حضرات ائمه اطهار: اگر فتنه هائیی مثل شب ظلمانی بشما هجوم بیاورد و راه بر شما بنبندد، شما راست که بدامن قرآن چنگ بزنید که خدا بوسیله آن، دردها را درمان میکند... قرآن بهترین راهنما برای رسیدن بصراط مستقیم است... عجائبش بشمار در نمیآید... از خلال آیات قرآن انوار حکمت و هدایت تجلی مینماید... کتاب خدا در میان شما گوینده ایست که زبانش خسته نمیشود. خانه ایست که خرابی بر ارکان آن راه ندارد. غالب و توانائی است که یارانش شکست ناپذیرند!

... از نزول قرآن تا کنون حتی شخصیت‌های بزرگ غیر اسلامی در تعریف و تمجید قرآن سخنها گفته‌اند که خود در خورت‌الایف کتابی ضخیم میباشد که نمونه کوچکی از آن کتاب قرآن در نظر دیگران است و ما در اینجا تنها بچند گفتار دیگران اکتفا میکنیم. (واید بن مغیره شاعر و سخن شناس که دشمن سرسخت

لحظه‌ای هم در شك و تردید قرار نمیدهد در حالی که سازمانهای التقاطی و وابسته بدیگران چنانکه از آثار و نوشته‌های خودشان بر میآید، کشف حقیقت مسائل فلسفی را موقوف به عمل درازمدت اجتماعی میدانند و این مبنای درازمدت علتها و صحت و سقم مسائل و پدیده‌ها پس از قرن‌ها و احیاناً تا قیامت هم کشف نمیشود یعنی بنای عقیدتی «التقاطی»ها همیشه متزلزل و لرزان میباشد.

رسول اکرم ص بود گفت «سخنان محمد همچون درخت با عظمتی است که ریشه هایش در اعماق زمین فرورفته و مستحکم شده است و شاخه هایش سر بر آسمان دارند و دائماً هم توسعه می یابند... ۲- شبل شمیل شاگرد فرید میگوید من اگر چه بدین محمد ایمان ندارم اما چگونه ممکن است آیات متین قرآنرا انکار کنم! ۳- دکتر ولز میگوید قرآن تأثیری در جهان نموده که هیچ کتابی نموده است (قرآن و کتابهای دیگر آسمانی ص ۵۹)

قرآن از یک طرف با دعوت بتفکر و تدبیر افکار خفته را بیدار نمود و از طرف دیگر با دادن موضوعات مختلفی مثل «قرآن قدیم است یا آفریده و جدید؟» راه را برای تکاپو و پیدایش علوم باز کرد تا نهالهای اندیشه شکوفه کرد و گلستانها معطر گردید. (المیزان علامه طباطبائی)

بطور خلاصه از اینکه درباره اعجاز سازندگی قرآن صدها کتاب نوشته شده ولی عشری از اعشار از حق مطلب اداننده میگذریم، فقط باین کفایت میکنیم که در نزول قرآن، قریش استثمارگر برای جلوگیری از نفوذ آن بهر عنوانی هر دوست و بیگانه ای را از گوش فرا داشتن بقرآن منع نمودند ولی بجائی نرسیدند. (فروغ ابدیت ص ۲۶۲)

همچنین در ادامه راه کفار پیشین، کلا دستون صدر اعظم اسبق انگلستان در مجلس عوام در توضیح اینکه چرا لشکر غارتگرشان در سودان شکست خورد، گفت «تا این قرآن در میان مسلمین است، نفوذ در ممالک اسلامی محال است...» و بالاخره پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشاور امنیت کارتر، قرآن را به بمب تشبیه نموده با کشتار بیرحمانه سیاهپوستان مسلمان آمریکا مردم را از گرایش باسلام و قرآن بر حذر داشت!

توحید

قرآن مسئله توحید را بیش از هر موضوع دیگر مورد توجه قرار میدهد. تا اجتماعات بشری در سایه توحید از طاغوتها و کینه توزیهای آنها بر آساید. زیرا که تاریخ شهادت میدهد و خود بیچشم می بینیم که اگر در جامعه‌ای یاد خدا از خاطرها برود. از باب انواع و نیمه خدایان، امثال ژول سزار، آتیلان، نرن، ضحاک، چنگیز، تیمور لنگ، معاویه، هیتلر، استالین، کارتر، محمد رضا و صدام حسین و... عملاً دعوی خدائی میکنند و شهذندگی را در کامها تلختر از زهر مینمایند. بر عکس اگر یاد خدا بر اجتماعات سایه افکند. هر کس آنرا که بر خود نمی پسندد بر دیگری روا نمیدارد. دلها سکون و آرامش می یابند و متحد میگردند. آن راحت خود را در راحت این، و این سعادت خویش را در خوشبختی آن می داند. مردم جلب رضای خدا را در اندیشه و گفتار و کردار، زیر بنا و هدف اصلی زندگی خود قرار میدهند. بطور خلاصه بفرموده علی علیه السلام امام اول که مرحوم جلال آل احمد ترجمه و تفسیر زیبایی از آن ساخته است «موجد حق را می شناسد و همه چیز را با شاخص آن می سنجد، بهر کس و هر چیز آن میدهد که از آن اوست»

خلق، ولایت خدا و رسول و امام زمان ع و در غیبت آنحضرت، ولایت فقهای جامع الشرائط زمان را گردن می نهند و همگان مثل دستی واحد بمقابله دشمن و قبل از وقوع بمقابله حوادث می شتابند. دیگر نیازمند آن نمیشوند که مثل از خدا بر گشتگان ایران، روزی بطرف شرق و روز دیگر بطرف غرب روی آرند. روزی از روزنامه آیندگان که سرمایه صهیونیسم منتشر میشد و روز دیگر از روزنامه پیکار و کار حمایت نمایند. روزی قبل از ملی شدن نفت بنفع انگلیسها و روزی در عصر جمهوری اسلامی بنفع آمریکا جاسوسی نمایند!

۱. از مدارگی که در نهضت ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از خانه سدان رئیس شرکت ←

این نیروی ایمان بود که ارتشیان خداپرست را که خدایارویاورشان باد و ادار کرد دست رد بر سینه طراحان کودتای نافر جام آمریکا و پادشاهای هنگفت آنان بزنند و بر خلاف مسیر کودتا خود را بخطر بیندازند تا خبر توطئه را که از نیروی هوایی نوژه همدان آغاز شده بود و میرفت تا خانه امام خمینی و نقاط حساس را بمباران و بقول یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نصف بیشتر نفوس تهران و شهرهای بزرگ را بخاک و خون بکشد، بمسئولین امر برسانند!

نیروی ایمان بخدا بود که درجه دار محمد اسماعیل قربانی بدستگیری عاملین کودتای نافر جام، شجاعانه به پیش رفت و شهید شد!

پس بضرورت در ادامه این بحث گوشه‌هایی از واقعیت‌های راستین تاریخ را بعنوان مقایسه اثر ایمان که دارند آن حتی بر فرشتگان نیز برتری می‌جوید و منکر آن در اثر تبهکاری، حتی از چهارپایان نیز نازلتر میشود، بااختصار مطالعه می‌نمائیم.

قبلا یاد آور میشویم که چه دلیلی روشتر از اینکه کسیکه در دنیا از خدا بر گردد و بخدایان زروزور به پیوندد؛ ناگزیر دست بهر جنایتی میزند و سرانجام هم احیاناً بدست همان اربابان بهلاکت میرسد!

رضا خان پهلوی برای کوبیدن اسلام از انگلیس‌ها اطاعت نمود و در آخر هم همان انگلیس‌ها تمام تقدینه‌ها و جواهرات او را گرفته بجزیره موریس تبعید

— سابق نفت ایران و انگلیس بدست آمده معلوم شد شاپور بختیار که در دولت مصدق مقام والائی داشت بسود انگلیس‌ها جاسوسی میکرده و همچنین از مدار کی که از شرکت بنیاد پهلوی بدست آمد و شواهد عینی دیگر امثال کودتای نافر جام نوژه تهران تائید کرد معلوم شد شاپور بختیار حالا ارباب عوض کرده بنفع آمریکا کار میکند.

کردند! که در نهایت حسرت جهان را ترك گفت (همچنانکه آمریکا همان بلارا بسر رئیس جمهور سابق کمره جنوبی آورد) .. پسرش محمد رضا با این جمله که گفت «اگر قرار باشد من مهاکمه شوم باید رؤسای جمهوری آمریکا مهاکمه شوند!» اعتراف نمود که از خدا بر گشته دست بدامن دشمنان خدا زده بود و سرانجام هم چنانکه شهرت یافت و حتی دوستارش رادیو لندن نیز احتمال داد، بدست «سیا» بقتل رسید!..

الف: در نخستین روزهای اشغال فلسطین، برادر و خواهر فلسطینی ضرورت رادریافته بمب را بکمر بستند و باستقبال زره پوش اسرائیل شتافتند... منفجر کردند و کشتند و کشته شدند و حماسه آفریدند و حدیث حب الوطن من الایمان را جامه عمل پوشانیدند.

ب: بر عکس محمد انور سادات رئیس جمهور مصر با آمریکا و اسرائیل پیمان «کمپ دیوید» را که از مخوفترین دامها برای مسلمانان میباشد منعقد نمود. از خون هزاران مسلمان و عرب گذشته در قاهره باستقبال هواپیمای قاتلان آنها یعنی مناخیم بکین و اعضای دولت اورفت و باراه دادن آنها بسر زمین نیل، بقول مجله سروش «تئوریهها و رؤیاهای طلائی اسرائیل، در راه یافتن بساحل نیل را از خواب و خیال بواقعیت نزدیکتر نمود!»

شاه خونخوار را که حتی کفاری نیز با احترام صدها هزار ایرانی ماتمزده از قبوایش بکشور خویش خودداری مینمودند با آغوش باز پذیرا شد. پایگاههای مصر را برای عملیات نظامی بر علیه جمهوری اسلامی مخصوصاً در حمله ناجوانمردانه صدام حسین در اختیار دولت آمریکا گذاشت^۱ و جنایات دیگر از

۱- در مقوله ذکر خسارات خداشناسی که بشر از خود بیخبر ناگزیر در تحمل بار سنگین آن شده است چه خسارت و آسیبی کشنده و دهشتناکتر از این ←

حق برادران اسلامی، در مصر مرتکب شد که این کتاب کوچکتر از آنست که بتواند کمی از آن را بر شمرد... صدام حسین روزی با احمد حسن البکر دست دوستی و اتحاد داد و روز دیگر دوستی را زیر پا گذاشته تا جوانمر دانه او را از ریاست جمهوری برداشت و بجایش نشست و در خفقان و دلش پنبه نفر از اعضای شورای انقلاب را که با این کودتا یا تغییر و تحول در جهت منافع آمریکا مخالفت میکردند بجزوخه اعدام سپرد. (راديو تهران)

روزی با کشور روسیه پیمان اتحاد بست. روز دیگر امکانات لازم در اختیار اسرائیل گذاشت تا بسوریه هم پیمان روسیه حمله کند. روزی از بدو ناسزاهر چه بدعانش آمد از رادیو بغداد نشر رژیم شاه نمود و روز دیگر قبل از اینکه زمانی بگذرد و فحشهای پیشین فراموش شود همان معامله را با جمهوری اسلامی که در واقع در نقطه مقابل رژیم خیانتکار پهلوی قرار دارد تکرار نمود. روزی آیه الله مجاهد محمد باقر صدر را با خواهر مبارزش در زندان و هزاران آزادیخواه دیگر امثال شیخ محمد علی جابری، استاد کاظم عبدالله، جواد کاظم زبیری. (از اعضای حزب دعوت اسلامی) را آشکار و نهان بقتل میرساند و روز دیگر برای بدست آوردن دل رمیده ملت عراق، باسران دژ خیمان بمسجد برای عبادت می شتابد و با اصطلاح امام جماعت میشود و عده حاضر در نماز را که از شماره انگشتان دست تجاوز نمیکند هزاران نفر قلمداد میکند. بالاخره فروختن کشور اسلامی عراق با آمریکا؛ گرفتن مین و مواد منفجره از اسرائیل و دام مرگ نهادن در شهرهای ایران

← برای بشریت میتواند بتصور در آید که بر طبق نظریه آمارگران بین المللی در هر دقیقه بیش از یک میلیون دلار صرف تجهیزات نظامی دنیا میشود و بحساب دیگر هزینه سرانه مواد منفجره هر انسان بیشتر از مخارج خوداکی او شده است (اوائل آبان ۵۹ راديو تهران و مطبوعات)

گرفتن و بکار بردن سلاحهای سنگین از صهیونیسم در حمله بسایران - راه دادن بصهیونیسم توسعه طلب بعراق و جامه عمل پوشاندن بر رؤیای شیرین او که آرزوی دست یافتن بسواحل فرات را در سر می پروراند، از جمله جنایات این فرد از خدا بر/گشته میباشد.

خلاصه این قبیل رژیمها هستند که در سراسر عالم، بخصوص ممالک اسلامی؛ در لباس اسلام، جلوی جنبشهای اسلامی و در لباس عرب جلوی نهضت‌های آزادیبخش عربی را میگیرند و شعله‌های آتش انقلاب را که از کانون ملت‌ها بر میخیزد تا استعمار را بسوزاند و خاک کستر کند، خاموش مینمایند.

الف: امام خمینی با اتکال بخدا گفت «دوستی با آمریکا را می‌خواهیم چه کنیم؟ معامله دولت آمریکا با ما معامله ظالم و مظلوم است... آمریکا شیطان بزرگ است. آمریکا دشمن ما انگلستان از آن بدتر، شوروی از هر دو بدتر است... کارتر هیچ غلطی نمیتواند بکند و صدها پند دیگر».

ب: اما این پس از پیروزی انقلاب روسیه گفت «اگر آمریکا بماند کمک نکند ما نابود میشویم. ما برای نیل به هدف خود باید آماده شویم (از فریب و تزویر و تجاوز بفرمان و کتمان حقیقت استفاده کنیم... ندای سیاهان نوشته مارتین لوتر کینگ ص ۲۰۰ و طبع دوم ۱۵۵ ترجمه منوچهر)

الف: شهید مجتبی نواب صفوی بجرم قیام مسلحانه بر علیه شاه گرفتار و اعدام شد. او با اظهارات و استدلالات طاغوت شکن خویش که باتکیه به نیروی لایزال خدا، مفاسد رژیم را بر ملا میکرد. حتی خود شاه را دچار حیرت مینمود! ایمان و توکل، چنان او را محکم و تسخیر ناپذیر نموده بود که یاسر ~~چشمه~~ که خود بطاهر سمبل شجاعت و استقامت میباشد میگوید «من از مکتب او خوشه چینی میکردم!» او همه شب، مخصوصاً شبی که میدانست فردا اعدام میشود با کمال اطمینان و سکون

بتلاوت قرآن مشغول شده با جبین باز زندان را بسوی ملکوت اعلیٰ ترک گفت!
ب: پرونده ستمگران بخصوص آنانکه بهر نیرنگی بنمایندگی مجلس شورای اسلامی انتخاب ولی اعتبارنامه شان بجرم آلودگی، باطل گردید. نشان داد که آنها غیر از درب خدا بهر دری حلقه زده‌اند (آمریکا، روس، انگلیس، آلمان و یادی آنها).

* * *

الف: پس از واقعه خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بعد از حبس و مهاجرت اجباری امام خمینی، هویدا نخست وزیر برای بازگرداندن آبروی رژیم سفاک، بتاكتيك کم خرج و پرتعری چنگ زد!

او در ایام عزای گروهی از وزراء و کلاهی مجلس! بمساجد می‌شتافت و با فوکل سیاه و علامت عزای و سیمای مصیبت زده، در انظار عوام الناس چنان وانمود میکرد که دولت هم مثل ملت، مسلمان و دوستدار اهل بیت پیامبر ﷺ میباشد...

حالا برای از هم دریدن این پرده سالوس و ریا که نزدیک بود دل‌های خلق را صید و خون ۱۵ هزار شهید را پایمال کنند، قهرمانی لازم بود که ابازر گونه بر معاویه زمان بشورد و مردم را از خواب طولانی بیدار نماید.

حجة الاسلام محمد تقی فلسفی واعظ شهیر و پیر و خط امام خمینی در یکی از مساجد بزرگ تهران در حالی که مسجد از انبوه جمعیت موج میزد سخنرانی مینمود. در این اثنا هیئت دولت هویدا با قیافه متواضعانه و ظواهر فریبنده وارد مسجد شدند.

فلسفی مسيرسخن را عوض و قریب باین مضمون، محاکمه و عقاب آغاز نمود.

مسلمانان کداميك را باور کنند؟ مسجد آمدن شما یا کارهای ضد اسلامی شما؟ کتب ضد دین و قرآن طبع و نشر میکنند جلو گیری نمیکنند! فحشاء و منکرات را ترویج میکنند بر روی مبارک نمی آورید. مانع درس و بحث سر بازان امام زمان عجل الله فرجه یعنی طلاب علوم دینی میشوند خود را به بی اطلاعی میزنید. در رادیو و تلویزیون و سینماها و مطبوعات کاروان بی بند و باری بر راه می اندازند، اعتراض نمیکنید. بلکه تعریف و تمجید هم مینمائید و...

این کلام حق بمصداق حدیث نبوی (افضل الجهاد کلمة حق بین یدی سلطان جابر) پتاک شکننده ی بود که بر سر رژیم فرود آمد توری بود که در تار یکی درخشید و در سراسر ایران رشته های طاغوت را که عوام فریبانه دارالتبلیغ و دارالترویج و دانشگاه اسلامی « کذائی »، ساخت و بوسیله بلندگوهای تبلیغاتی بزرگنمایی میکرد، پنبه نمود و این خود سر مشقی بود که روحانیان مکتب اسلام، از استاد گرفتند و در مجالس و محافل بافتن گری پرداختند!

ب: بر عکس عده ای از دزدان لباس روحانیت را دیدیم که در دوره خفقان نه تنها از مظالم شاه که دهها آیات و حجج اسلام و هزاران مجاهد مسلمان را تحت شکنجه ۳۵ میلیون ایرانی را در داخل و خارج، در وحشت ساواک نگاهداشته بود، سخنی نگفتند بلکه اگر بالای منبر رفتند بزرگواران را بعنوان یگانه شاه شیعه تعریف نمودند و اگر قلم بدست گرفتند و کتاب نوشتند دعایش کردند و جاودانگی سلطنتش را خواستار شدند... اگر بوعظ و تفسیر برخاستند حریم کبریائی شاه را رعایت کردند و چون فوق العاده در برابر فشار افکار قرار گرفتند که چرا اینها از مظالم شاه سخنی نمیگویند خواه و ناخواه با اصطلاح دروینجره

دیوانیان را گاز گرفته اسم آنرا مبارزه با طاغوت گذاشتند. در یکسال اخیر هم که انقلاب مکتب امام خمینی با ستانه پیروزی رسیده بود، در ظاهر بعنوان صلاح اندیشی و در باطن برای کارشکنی، خلق را نصیحت نمودند که فرزندان خود را نگذارید بتظاهر کنند گان پیوندند که کشته میشوند!

اما همینکه علیرغم آنها انقلاب پیروز شد فرصت طلبانه قبل از اینکه بر ادوی خود ثابت کنند و آنگاه ادعای میراث نمایند بتقلید از همکار خود (عزالدین حسینی که تحت حمایت آمریکا و صدام حسین، در کردستان خود مختاری میخواست) در تبریز خود مختاری خواستند...

۱- (دو ماه بعد از پیروزی انقلاب ده نفر از نویسندگان مذهبی، آقایان خسرو شاهی، صدر بلاغی، سعیدی، بشیری زاده، انصاری، مهاجر، شبنم زادگان، کلالی، شهاب فردوس، گل سرخی، باشاره و پشتیبانی «آقا» (ک.ش) در برابر حزب جمهوری اسلامی، حزب ... خلق مسلمان را تأسیس نمودند و چون در عرض ۳-۴ ماه برای مؤسسه مزبور ثابت شد که عناصر ضد انقلاب امثال عنایت و دکتر عزیززاده که حتی يك بسم الله صحیح نمیتوانست ادا کند، در حزب رخنه کرده و فعالیت مینمایند، طی نامه مستدلی که در روزنامه کیهان بتاريخ ۱۸/۵/۵۸ منعکس شده است حزب خلق مسلمان و روزنامه آنرا منحل کردند ولی «آقا» بحمايت از آن ادامه داد که خوشبختانه مراجع بزرگ و روحانیون متعهد و مسلمانان بیدار، غلط بودن و در چنگک ضد انقلاب بودن و در خط آمریکا بودن حزب خلق مسلمان را از چهار گوشه ایران؛ بانامه سرگشاده و تلگرام و تقاضاهای مکرر بسمع اورساندند تا خواه ناخواه حمایت خود را از حزب «کذائی» برداشت که بلافاصله حزب منحل شد و آذربایجان از بلای تجزیه و جمهوری اسلامی از فتنه «اصحاب جمل» برآسود... برای آشنائی بیشتر با حزب جمهوری خلق ←

کسانی که تاریخ را بدیده تحقیق می نگرند؛ ریشه قوت گرفتن معاویه یا سر آغاز شکست علی علیه السلام در صفین (جریان حکمیت) زادر جنگ «جمل» جستجو و مشاهده مینمایند.

طلحه وزیر بخشم اینکه علی علیه السلام از انقباض آنها با ستانداری بصره و کوفه؛ خود داری کرد و گفت قرآن اجازه نمیدهد منستمگران را بکمک خود بخوانم، پیمان خود شکستند و آن خانم (جمل سوار پیمانار گونه) را با خود همدست کرده بروی علی علیه السلام شمشیر کشیدند. این پیمان شکنی، مخالفت، تشویق نمودن عوام و پراهم انداختن جنگ و تظاهرات، بحدی حکومت حرق را تضعیف نمود که جنگ صفین و نهران و جنگ امام حسن با معاویه و جنگ امام حسین با یزید را بیار آورد. بطوریکه حالایس از ۱۴ قرن لطمه جنگ جمل از بین نرفته است! همچنین خود مختاری خواستن طلحه ها و زبیرهای زمان، در کردستان و آذربایجان و ترکمن صحرا و حمایت نمودن آنها از آدمکشانی مثل سر لشکر نصیری و هویدا و جهانخواران و جاسوسانی مثل القانیان و گفتن اینکه با آنها اجازه بدهید برای خود و کیل مدافع انتخاب کنند! (بلکه نصیری پس از کشتن هزاران نفر بیگناه، تبرئه شود!) و دهها گفتار و تحریکات ضد انقلابی، مجال تصفیه و بازسازی و تعمق در قانون و اجرای آن را تا حدی از دولت مردان سلب نمود و حالا ریشه تشنجات و سخرانیهای دشمن شاد کن آقای (ا.ب) در ۱۷ و ۱۹/۶/۵۹ و عاشورای ۱۴۰۱ و ۱۴/۱۲/۵۹ از آنجا آب میخورد!

— مسلمانان که دشمنان بزرگ اسلام امثال صدام حسین و عزالدین حسینی نائیدش می کردند و بقول حجة الاسلام صادق خلخالی ساواکیها در آن عضویت داشتند، (اطلاعات ۲/۲/۵۸) بکتابهای ره آورد حزب خلق مسلمان و تحلیلی بر حزب خلق مسلمان ... مراجعه فرمائید

الف. یاسر و سمید پدر و مادر عمار، (اولین شهدای اسلام) در زیر شکنجه جان دادند ولی از خدا خدا واحد احد گفتن دست برنداشتند... بر عکس، رومیها و عباد و نمود و در نتیجه معصیت بخدا و پیامبران، گرفتار فرمان نیمه خدایان و جباران عنید شدند و چنان بذات منقرض گردیدند که جز سمبل تبهکاری و بدنامی بودن چیزی از آنها بجای نماند!..

عبدالله پسر خلیفه دوم پس از آنکه عثمان بدست متظلمان و شورشیان مصری کشته شد و همه مسلمانان با علی علیه السلام بیعت کردند؛

از بیعت سر باز زد و از مدینه راه مکه را در پیش گرفت... علی علیه السلام هم مخالفتی با آزادی! او بعمل نیامد. مدتها گذشت. در روزهایی که حجاج بن یوسف نماینده خویشوار خلیفه مروانی، جسد عبدالله زییر را در مکه بر چوبه دار زده بود. همین پسر خلیفه از راهی میگذشت که بناگاه موکب حجاج از دور ظاهر شد عبدالله با نهایت ترس و ذلت صدا زد ای امیر! دست بدهید تا بعنوان نماینده رهبر با شما بیعت کنم. حجاج گفت... «علی ابن ابیطالب امام و رهبر نبود که با او بیعت نکردی؟... زیر پایم بگم علیه السلام که از تو بعنوان بیعت پذیرفته است.» (مبداء، ترجمه صحاح بهدایت)

۱- شرح نهج البلاغه فیض الاسلام صفحه ۱۲۰۴... امید است این سرگذشت

وسرگذشت عبدالله زییر که بجنک علی علیه السلام رفت و سرانجام بدست دشمن علی علیه السلام (حجاج) کشته شد و نیز ماجرای سعد و قاص که از اطاعت علی علیه السلام سر بر تافت و او را تنها گذاشت و آخر کار بدست دشمن علی علیه السلام (معاویه) مسموم گردید و همچنین ماجرای عائشه که کینه علی علیه السلام را در دل پروراند و آخر کار هم بهمراه طلحه و زییر، پیشاپیش سی هزار منافق و کافر و فریبخورده بجنک علی علیه السلام رفت و سرانجام در چاهی که معاویه در سر راهش کنده بود افتاد و جان داد، برای کسانی که از حکومت اسلامی امام خمینی سرپیچی و یا کارشکنی مینمایند مایه عبرت باشد!

در تاریخ سیاسی اسلام، طرح دوترور که یکی بیاد خدا واحترام مکتب عملی نشد و دیگری در نتیجه ازباده بردن خدا بوقوع پیوست، جلب توجه می کند:

الف: پس از مرگ معاویه، مسلمانان کوفه اولاً بسائقه یاد حکومت عدل علی علیه السلام و ثانیاً در گریز از دولت ستم پیشه اموی، حسین فرزند آنحضرت علیهما السلام را به آمدن کوفه و ادامه حکومت پدر دعوت نمودند... آنحضرت پسر عم خود جناب مسلم را بنیابت اعزام نمود. مردم میرفتند و بیعت میکردند... از آنطرف یزید پسر معاویه بصوابدید سر چون غلام متنفذ و مرموز روی خود عبید الله بن زیاد را که استاندار بصره بود، مأموریت داد که این بسلا را از سر دودمان اموی بگرداند!

عبید الله در تنگ شروب، در حالی که مردم انتظار ورود امام حسین را داشتند نقاب بسته و ناشناس وارد کوفه شد و خود را بدارالاماره رساند. آنگاه نقاب از روی بر گرفته اولنیماتوم داد که مردم چرا با آتش و جان خود بازی می کنید؟! اینک لشکر شام برای سر کوبی شما در راه است از سر مسلم متفرق شوید تا نجات یابید! مردم ترسو در امر غیر مترقبه واقع شده از سر مسلم پراکنده شدند. مسلم در خانه هانی پسر عروه (یکی از رؤسای قبائل) مخفی گردید.

عبید الله پس از اشغال استانداری و تأمین قوای انتظامی، برای جلب منجبت مردم بدید و بازدید پرداخت. روزی نوبت به هانی رسید. جویای حال شد جوابش دادند بیمار است. گفت بعیادش می رویم. هانی از این حسن اتفاق شادمان شده بجناب مسلم پیشنهاد کرد که دشمن را که بیای خود بکشد می آید، بنا گاه ترور نموده ریشه فساد را بر کن! گفت مکتب مقدس اسلام این اجازه را نمیدهد.

۱- جای از خدا بر گشتگان زمان ما خالی که در دشمنی بسا حکومت ←

اصر از هانی بجائی نرسید... مسلم گفت آنکاه که شعله شمشیر من در میدان جنگ چشم‌ها را خیره میکند، تصور اینکاه من از کشتن دشمن عاجز یا بی‌منا کم از خاطر‌ها بدر می‌رود!

در این اثنا عبیدالله وارد شد و مسلم پشت پرده قائم گردید. از هر در سخن به میان آمد. جناب هانی علامت میداد که مسلم وارد شود و کار دشمن خدا را یکسره کند. ولی مسلم نپذیرفت تا دشمن بمؤمن خود بسرگشت... عبیدالله، هانی را بداد الاماره احضار و زخم‌های عمیق بر وجود او وارد آورد و چون هواداران هانی برای آزادی رئیس قبیله خود؛ کاخ را محاصره نمودند و نزدیک بود با کشتن عبیدالله ریشه اموی را از کوفه برکنند؛ او یکی دیگر از تیرنگهارا که سرسپردگان طاغوت اسم آنرا سیاست می‌گذارند، بکار بسته بشریح قاضی که امثال او با ریش خنثی و عبا و قبا در هر درباری شرکت می‌کنند، تسلیم اراده محمد رضا شاه میشوند و بدعوت او بقم می‌روند و از او عنوان آیه الله می‌گیرند و شهرت بهم می‌رسانند؛ گفت «بالای بام برو و بگوهانی سلامت است. اجتماع شما مانع یا موجب تعویق استخلاص هانی می‌شود. من مصلحت را در این می‌بینم که اینجارا ترک گوئید و از هانی نگران نباشید» (بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی ص ۶۴ و پیامبر ﷺ و باران او) خدعه و گواهی شریح کار خود را کرد. مردم متفرق شدند و این زیاد هم هانی را بشهادت رسانند!

این زیاد روز بعد فوجی سر بازارا مامور دستگیری جناب مسلم نمود مسلم / مردانه جنگید و همه را درهم شکست. رئیس نظامیان، قوای امدادی خواست
 «اسلامی، میزنند و می‌کشند و آنکاه عوامفریبانه مظلوم نمائی میکنند و ایشک میریزند و در هر جا که بدانند بر علیه حکومت اسلامی سخنرانی خواهد شد شرکت مینمایند... (سخنرانی (آقای بنی صدر) در ۱۴ و ۱۲ و ۵۹ در دانشگاه تهران)

عبیدالله زبان بسرزنش افسران خود گشود که با اینهمه نیرو از عهدۀ مرد بی یار و یاور می آئید. جوابش دادند او شیر بیشه کارزار است نه یکنفر مرد عادی ... سرانجام در سر راهش چاله کنده مرد خدا را که با احترام مکتب دست بخیانت و ترور^۱ نزد بدام افکندند...

ب: برعکس از نمونه های عدم ایمان بخدا و معاد که فاجعه جبران ناپذیر بیمار آورد. یکی هم اینکه!

پس از جنگ نهران که طاغیان و منافقان، بشمشیر علی از پای درآمدند، عبدالرحمن بن ملجم که یکی از طاغیان بود توطئه قتل علی ع را با دو نفر دیگر طرح ... و ناجوانمر دانه آنحضرت را بناگاه در محراب عبادت ترور نمود...^۲

۱- در شناسائی هر چه بیشتر از خدا بر کشتگان گفتنی است که همین عبیدالله زیاد در وقتی که حضرت علی علیه السلام بخلافت رسید در زندان، بسر میبرد. او از امام حسین ع درخواست نمود که پیش پدر شفاعت کند... بشفاعت امام نجات یافته گفت امیدوارم روزی عوض این لطف شما را بجای آورم. دیری نگذشت که نماینده امام را باین نیرنگها از پای در آورد و خود حضرتش را با ۷۲ تن یاران که علی اصرارش ماهه تا جیب ۷۰ ساله در میان آنها بودند بشهادت رساند و زنان خاندان پیامبر را بعنوان اسیر در شهر و دیار بگرداند و عملاً ثابت نمود که در قاموس خدا شناسان وفا و مروت وجود ندارد!

۲- در جنگ صفین آنگاه که معاویه شکست خود را از علی حتمی دانست بر اهنمائی وزیرش عمرو عاص حيله مشهور خود را بکار برده قرآنها را بر سر نیزه ها کرد که ما اهل قرآنیم و از آن طرف کیسه های زرپیش امثال اشعث (از سر کردگان علی ع) فرستاد تا علی ع را بقبول آتش بس و حکمیت مجبور کنند... گروهی با اشعث و همرازان او همکاری کردند تا نیرنگ معاویه مؤثر افتاد و کار ←

تاریخ ایران از جمله دو نفر از ایرانیان راهمیشه بیاد خواهد داشت. یکی در راه خیر و سعادت مردم و آند دیگر در راه کفر و خدمت بجهانخواران، خاک و وطن را ترک گفت!

الف: روزبه یا سلمان فارسی فرزند یکی از بزرگان مجوس که بعنوان اعتراض بر آئین تحمیلی آتش پرستی پدر و رسیدن بخدمت آخرین پیامبران صلوات الله و آله و سلمه از ایران خارج و شهر مدینه را در پیش گرفت و پس از تحمل مصائب سخت و در آمدن با سارت آدم دزدان و فر و خته شدن بنام بردگی، سرانجام بدرک فیض حضور اشرف کاینات نائل و در محضر آنحضرت خلوص و تقریبی یافت که بسلامان

← بحکمیت کشید آنگاه باز بر اثر رشوه و وعده های معاویه، ابو موسی اشعری را که در ساده لوحی مشهور بود بعلی تحمیل نمودند که او را بحکمیت از جانب خود بپذیرد... ابو موسی از عمر و عاص که از طرف معاویه بحکمیت بر گزیده شده بود فریب خورد و در نتیجه علی ع از حکومت خلع و معاویه نصب گردید!

در این وقت حدود ۱۲ هزار نفر از سر بازان علی که بعدها بشیوخ نهران یا مارقین مشهور شدند بمخالفت با علی علیه السلام برخاستند که با موافقت نمودن بحکمیت ابو موسی مرتکب گناه شده ای و باید توبه کنی! آنحضرت فرمود گناه شما و یاران شما بود که در لشکر من خلاف افکندید و مرا بقبول حکمیت مجبور نمودید. خلاصه این شیوخ در شهر های علی ع بر اه می افتادند و قتل و غارت می نمودند! علی ع ناگزیر بتعقیب آنها برخاسته هشت هزار نفر آنها را بانصیحت و اندرز باغوش اسلام بر گرداند و بقیه بفساد ادامه دادند تا از دم شمشیر گذشتند. در این جنگ کرامت های زیاد از آنحضرت بوقوع پیوست که پیشگوئی پیروزی و وقوع جنگ در نرسیده به نهر - کشته شدن همه طاغیان بجز ۹ نفر - سالم ماندن همه یاران علی بجز ۹ نفر - بقتل رسیدن رئیس منافقان بنام ذوالنذیه از آنجمله میباشد.

محمدی مشهور شد و پیامبر ص او را از خاندان خود خواند. سلمان در کمال ازادت بعلی ع و فاطمه و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در خلافت عمر بفرمانداری مدائن منصوب و در آنجا در کمال عزت و شرافت و با ابراز کرامات زائد الوصف، جهان را وداع گفته صلحای ایران و اسلام را دادگذار ساخت. علی امیر مؤمنان بر طبق وعده ای که قبلاً با داده بود از راه کرامت؛ از مدینه بمدائن آمده کفن و دفنش نمود که در پیش صاحب نظران رسیدن باینهمه سعادت که بمردگان سلام گوید و جواب بشنود و علی بکفن و دفنش از مدینه بمدائن رود، از تمام دنیا برتر میباشد.

ب: محمد رضایه لوی چنانکه خود نیز اعتراف نموده بود زیر نظر و حمایت بزرگان کفر یعنی استالین و روزولت و چرچیل که بعد از جنگ دوم جهانی در تهران اجتماع نموده بودند بسلطنت ایران رسید. در مدت ۳۸ سال بهر نیرنگ و جنایت و قتل و غارت دست زد تا به یزید زمان و چنگیز دوران ملقب شد. پس از راهزنیها و انتقال غالب موجودی بانکها بحساب خود در بانکهای خارجی، ایران را در حالی که میگریست ترک گفت. او پس از یکسال و نیم سرگردانی مذلت بار ابتدا در مصر و مراکش بامید مؤثر واقع شدن نیرنگ و آماده شدن زمینه برای برگشت او، بسر برد و چون رشته امیدش قطع گردید و دانشجویان اسلامی عرب بسر علیه او دست بشورش و تظاهرات زدند تا گزیر بیاناما و از آنجا بگمان اینکه فتنه خوابید و بیهانه اینکه در بیمارستانهای آمریکا تحت معالجه قرار خواهد گرفت، باغوش اربابان شتافت! و چون دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بقول رهبر، انقلابی دیگر نموده جاسوسان آمریکا را گروگان گرفتند و جمهوری اسلامی، آزادی آنها را موکول به پس دادن شاه نمود. آمریکا برای

۱- گروهبگهائی که از پشت مرزها تغذیه میشوند، گروگانگیری را بیاد

انتقاد و اعتراض میگیرند و اینهمه محاصره اقتصادی و توطئه‌های اربابان خود ←

اینکه مبادا با محاکمه شاه اسرارپشت پرده فاش شود که چه سان کودتا کرد و چگونه ثروت ایران را غارت نموده و بچه کسان داده است، از پس دادن او بایران خودداری و از بیم رسوائی هر چه بیشتر که حامی ستمگران و تبه‌کاران بودند در انظار جهانیان فاش میگردید، او را بی‌ناما منتقل کرد! شاه در پاناما بود که همچنان با احضار قانونی ایران که پرونده‌اش در صدها برک، با اطلاع فرستادگان سازمان ملل متحد تنظیم شده بود مواجه گردید. او در حالی که تمام مراحل و مدارک استرداد و تحت محاکمه قرار گرفتنش طی و تأمین شده بود. باز بحکم دولت آمریکا برای دراستتار ماندن اسرار غارتگری او بمصر رفت و سرانجام در پنجم مرداد ۱۳۵۹ جهان را با یکدنیا خفت و خواری ترک گفت. او در حالی که صلحای جهان بخصوص ایران هرگز او را جشن گرفتند بدست یکی از مفسدین جهان و بدنامترین نوکران استعمار یعنی انور سادات که پس از قرارداد کمپ دیوید نه در جهان عرب آبرویی و نه در عالم آزادگان منزلتی دارد بخاک سپرده شد.

← را از علل آن می‌شمرند؛ در حالی که سؤال میشود آیا دکتر مصدق و سالوادور آلنده هم گروگانگیری نموده بودند که حکومت ملی‌شان با کودتای آمریکائی سقوط کرد؟ آیا مردم بی‌افراهم گروگانگیری کرده‌اند که تا آخرین رمق حیاتشان بشکم امپریالیسم سرازیر میشود؟

۱- بگفته رادبولندن ۵۹/۵/۷ قرارداد است بر طبق وصیتی که شاه مخلوع نموده است، آرامگاهی (نظیر اهرام و مقابر فرعونیه) که هزینه آن سه میلیارد دلار تخمین زده میشود برایش ساخته شود.

پس باین حساب، کسی که تنها برای قبرش آنهم با اعتراف دوستانش که میکوشند از بار جرائمش بکاهند، ۳ میلیارد دلار خرج شود بدیهی است که سهم الارث هر يك از حامیانش که همیشه از او دفاع کرده بارها وفای آلمان و آمریکا و

از آتش سوزانی که در مدت یکسال ونیم سرگردانی شاه قلب او را سوزاند یکی هم اینکه حتی نمک پروردگان رژیم مثل تیمسار ربیعی که خود از قاتلان و جنایتکاران بود، در دادگاه انقلاب اسلامی پرده را کنار زد و گفت.. شاه مزدوری از مزدوران آمریکا بود که سرانجام مورد قهر خدا و خلق قرار گرفت و ژنرال دابرت هایزر، مثل موش مرده از کوشش گرفت و بیرون انداخت!

تاریخ ایران سر بازان خداشناسی را بیاد خواهد داشت که گروهی از آنان بجرم اینکه از کشتن برادران دینی خویش در دوران انقلاب خودداری و احیاناً خود فرمانده خائن را هدف گلوله قرار دادند، بایکدنیا عزت و نیکنامی اعدام و شهید شدند. همچنین سر بازان از خدا بر کشته امثال علی علمی (استوار گذار شاهنشاهی) را بیاد خواهد داشت که بفرمان طاغوت در تعقیب زندانیان بیگناه آزاد شده (نظیر شیخ محمد بهبودی) برآه افتادند و بناگاه ترورشان نمودند. (شاه در اواخر سلطنت از بیم اینکه مبادا انقلابیون و مجامع بین المللی بدانند که اینهمه انسانهای بیگناه را زندانی نموده است، زندانیان را آزادولی جلادان را مأموریت میداد که هر کجا آنها را یافتند ترور نمایند!)^۱

← انگلیس و فرانسه یاد نموده اند و نیز سهم الارث وابستگیانش، کمتر از هزینه قبر نخواهد بود. و بالاخره این رقم حیرت انگیز نمایانگر میزان غارتگری خاندان پهلوی است که در مدت قریب سه ربع قرن، از طویل بهتری اسبان ترقی کرده در ردیف سران ثروتمندان عالم قرار گرفتند... قابل توجه است که این هزینه هنگفت برای مقبره کسی صرف میشود که بقول روزنامه لوموند فرانسه حتی در میان دول اروپا هم منفور شد. (روزنامه انقلاب اسلامی هشتم مرداد ۵۹)

۱- رادیو تهران ۵/۶/۵۹ گفت این درجه دار خود فرخته، مرحوم بهبودی را ترور کرد ولی صاحبان خون او، کیفر این جنایتکار را بخود جمهوری اسلامی واگذار کردند.

تاریخ اسلام شاهد از خود گذشته‌گیهای خداشناسانی از پرچمداران علم و عمل و نیز شاهد جنایات روحانی‌نمایی است که بفرمان دشمن بتخریب اسلام و تشیع پرداخته‌اند.

الف:.. اسماعیل بن سکیت بعنوان معلم سرخانه بدو فرزند متوکل عباسی، (عزیز، معزز) تدریس میکرد. روزی خلیفه از او پرسید پیش شما این دو فرزند من عزیزترند یا دو فرزند علی یعنی حسن و حسین علیهما السلام؟ اسماعیل که تا آنوقت تقیه میکرد و شیعه بودن خود را پنهان نگاه میداشت!

با تعجب جوابداد.. چه نسبت خاك را با عالم پاك؟ این فرزندان که شاگردان منند. حتی پیکرهای قنبر غلام آنها نمیرسند تا چه رسد بخود آنان!

با این که این جواب حقیقی بی‌های بریده شدن زبان و شهادت او تمام شد! ولی جرعه‌ای بود که در خفقان جهان اسلام سرزد و ناحق را اراشد نمود...^۱ امام خمینی در نیم قرن مبارزات سیاسی که بیست و نهمین جلد کتاب - استدلالی و طاعوت بر انداز او شاهد مقال است. حتی یکبار هم از در سازش با شاه نیامد... روزی که شاه از در نیرنگ دیگر درآمد و با توبه تاریخی خود توجه یا ترحم گروهی را بخود جلب نمود، همین رهبر ژرف فکر بود که فرمود «توبه کرک مرک است!»... باز روزیکه آیه الله مصطفی خمینی در نجف بدرجه شهادت رسید، امام از روی بصیرت و امید به پیروزی انقلاب فرمود «خداوند را الطاف خفیه است. نباید دلسرد شد». . خبر شهادت بقم رسید... آیه الله گلپایگانی/ مجلس ترحم منعقد نمود. سازمان امنیت شاه بشرطی با انعقاد مجلس ترحم موافقت نمود که جز تلاوت قرآن آنهم از نواری سخنی بمیان نیاید!

۱- اقتباس و تلخیص از تحلیل و بررسی در تاریخ آل محمد نوشته مرحوم

روز اول بدان منوال گذشت. روز دوم که مجلس از اهل قم و تهران و دیگر شهرها موج میزد، حجة الاسلام صادق خلخالی بناگاه از روی زانو و شانه مردم گذشته خود را به کنار میکرفون رساند و گفت مردم بدانید آقا مصطفی بدست جنایتکاران (رژیم عراق و ایران) بشهادت رسیده است...^۱ و این گزارش کوتاه کبریتی بود که بخرمن حیات شاه و استعمار زده شد. زبانها بازو فجایع فاش گردید...

زعیم عالیقدر آیه الله سید محمد رضا گلپایگانی
در روزهای انقلاب که هنوز امام از فرانسه برنگشته بود با اعلامیه آتشین، مردم را بادامه اعتصاب دعوت فرمود. سؤال شد چرا با زعمای دیگر بطور دسته جمعی اعلامیه نمیدهد جواب دادند از شوری جز کارشکنی نتیجه نمیگرم^۲

زعیم عالیقدر دیگر حضرت آیه الله شهاب الدین نجفی
مرعشی در دوره اختناق که تیرهای مسموم از جانب طاغوتیان بسوی امام دور از وطن پرتاب میشد، در میان جمعی دست بدعا برداشته گفت پروردگارا اینهمه پیشرفت امور دین و دنیای مردم در اثر رهبری پیامبر گونه امام خمینی حاصل شده است، عمرشان را طولانی و توفیقانشان را روزافزون فرما^۳

۱-۲-۳. اقتباس از سخنرانی حجة الاسلام آقای بنی فضل در مسجد مقبره تبریز در رمضان... در قبال مجاهدات پیگیر حضرت آیه الله نجفی مرعشی بود که شنیده شد مأموران رژیم عمامه آن بزرگوار را بگردنشان بستند و کشیدند!

...برخی از مذهب‌بیون و برخی از رجال جبهه ملی و توده‌ای چنان که باید در انقلاب شرکت نمی‌کردند و همینکه شاه مکار از گذشته‌ها اظهارندامت کرد، گفتند «اگر شاه دیکتاتوری را ترک و بر طبق قانون اساسی مشروطه، سلطنت کند، بماند!» همچنین آقائی که خود را همه‌کاره و وکیل آذربایجان می‌پنداشت ولی خلافتش ثابت شد! در بجهت‌وجه انقلاب در میان رفتن و ماندن شاه تردد نموده بتمام نیرو از قانون اساسی مشروطه که در حقیقت مجوزی بود که شاه یا فرزندش بماند و سلطنت کند، حمایت نمود و تا کنون که دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، این بنده اعلامیه‌ای از ناحیه ایشان که مشعر بر انصراف او از دوستاری مشروطه سلطنتی باشد ندیده‌ام جز اینکه ماه‌ها پس از صدور اعلامیه‌های گوناگون از طرف امام خمینی و مراجع دیگر خطاب بسربازان که بر روی برادران دینی خود تیراندازی نکند، در آخرین روزهای سقوط سلطنت، خواه و ناخواه همچو اعلامیه‌ای از طرف او هم صادر شد.^۱ همچنانکه در نهضت سال ۱۳۴۱ نیز خواه و ناخواه احیاناً شرکت می‌کرد!

۱- این آقا در دوره طاغوت دهها امور خلاف دین از قبیل احیای کاپیتولاسیون تبدیل شدن تاریخ اسلامی بتاریخ مجوس، سپرده شدن امور حساس مملکت بدست پنجاه هزار مستشار آمریکائی و ساواک، فساد ادارات، ممنوعیت بحث و تفسیر صحیح قرآن را امیدید و سکوت می‌کرد ولی پس از پیروزی انقلاب، مسئله دان و صاحب نظر شده بود. رادیوهای دشمنان اسلام از او تمجید می‌کردند و او هم با خبر نگاران داخلی و خارجی که با سوءنیت بگرد او حلقه می‌زدند مصاحبه‌ها تشکیل میداد و برای حکومت اسلامی کارشکنی می‌کرد! و چون میدانست که با اصطلاح از این ابر «ولایت فقیه» که در قانون اساسی جمهوری اسلامی منظور شده است، قطرهای بکشتزار او نخواهد بارید، در رأس حزب خلق مسلمان بمخالفت با آن بر می‌خواست... ←

سید مهدی روحانی نما، کسیکه انگشتری و عبا‌ی سیاه روحانیت را بر نموده بنفون و توصیه دربار پهلوی؛ برای خود گواهی نامه رسیدن بدرجه اجتهاد اخذ مینمود. در مقابل ماهیانه هجده هزار تومان که از صندوق مِلت مسلمان ایران دریافت میداشت، کارش این بود که در میان روحانیان و نیز در میان روحانیان و مسلمانان مقلد اختلاف می‌افکنند...

در فرانسه در خلال مقالاتی که بنام «افکار شیعه» منتشر مینمود؛ چنان نیشهای مهلك و مرموز بر پیکر اسلام میزد که اثر تبلیغات سنواتی مبلغان راستین شیعه را خنثی و جهانیان را نسبت بشیعه و روحانیت آن بخصوص، امام خمینی؛ دشمن میساخت (فتو کپی افشاگریها از روزنامه کیهان ۱۳۵۹/۵/۷)

رضا ایرانی، روحانی نمای معدوم، بسر کردگی اشرار حزب خلق مسلمان که شنیده میشد مبالغ، هنگامت از طرف فتوای الهادی «آقا» میان آنها پخش میگردد! اداره صدا و سیما، جمهوری اسلامی شعبه تبریز را اشغال و بعنوان دولت - خود مختاری جدا از مرکز پخش بر نامه (نظیر بر نامه اسلامی پخش کردن بعضی های عراق) پرداخت. یکی از آن دفعات که سازمان مزبور کاخ استانداری و فرودگاه و پایگاه هوایی در تصرف آنها بود؛ تا اینکه مسلمانان در صفوف متشکل در دست هزار نفری بآن طرف راه پیمائی کردند و متجاوزان را که اغلب دهاتی و ساداتی بودند فراری دادند!

مصادف باش جمعه بود... آن شب مجریان بر نامه رادیو تلویزیون که بیشتر شان روحانی نما و فرصت طلب بودند، پی در پی اخطا میدادند «تا امام جمعه

← پس از فراندن تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی و فرو نشستن امواج دشمنی با آن، معلوم گردید «آقا» بر گشته و در مصاحبه با منبر مجله عربی «الهادی» ولایت فقیه را مشروع شمرده است.

دیگری از قم از ناحیه «آقا» تعیین نگردد نماز جمعه خوانده نخواهد شد» .. مردم نباید در میدان نماز جمعه اجتماع کنند که عواقب سوء آن متوجه ایشان خواهد بود!...

پس از رفع غائله که در روزهای آخر علاوه از شکنجه دادن و کشتن و... از راه زدن و شکنستن و سوختن، میلیونها تومان بکشور اسلامی خسارت زده بودند. یازده نفر از دارندگان سابقه سوء اعدام شدند تا اینکه نوبت همین رضا ایرانی (روحانی نما) رسید! میگویند او همینکه اعدام خود را حتمی دانست در راه نرسیده بمحل اعدام گفت «آقا» ما را مالا و حالا تحریک کرد و باین روز سیاه کشاند!

۱- علیرغم تهدیدات مزبور و با وجود اینکه چماقداران حزب خلق مسلمان تجسس میکردند و مردم را در رفتن و بر گشتن از نماز جمعه باسنگ و چوب میزدند و اهانت میکردند، مردان و زنان مؤمن؛ در صفوف فشرده تر از هفته های قبل، در آن جمعه و جمعه های بعدی، در نماز شرکت کردند... فیلمی که از نماز جمعه باشکوه آنروز تهیه و بوسیله تلویزیون تهران بمعرض نمایش گذاشته شد، روشنگر این بود که اهل تبریز همچنان در بیعت خود نسبت بامام خمینی پایدار می باشند؟.

در راه پیمائی هائی که آنروزها برای پس گرفتن اداره رادیو تلویزیون از طرف مردم انجام میشد، یکی از شعارها این بود که خطاب بآیه الله مدنی امام جمعه تبریز گفته میشد «مدنی مدنی ما اهل کوفه نیستیم!» در پایان راه پیمائی که در دانشگاه تبریز آیه الله مدنی سخنرانی کردند، در حالی که اشک سپاس از ازدید گانشان سر از بر میشد بشعار مردم چنین جواب دادند «اهل کوفه جناب مسلم نماینده امام حسین علیه السلام را تنها گذاشتند؛ شما تشکیل دهند گمان این اجتماع باشکوه که مرانها نگذاشته اید!»

خدا اولاد او را مثل اولاد من یتیم کند!

در تاریخ ملی شدن نفت ایران، دو چهره مشهور که یکی موجب افتخار انسانها و دیگری مایه تنگ و نفرت میباشد در یادها خواهد بود.

... این سیمای محبوب، آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی میباشد که قریب به هشتاد سال عمر شریف را در مبارزه با استعمار و قطع ایادی آن از سر ملتهای مستضعف بخصوص عراق، لبنان و ایران صرف نمود.

زبان آوریهای آیه الله کاشانی و محکوم و مجاب نمودن آن دسته از علمای اهل سنت که در خط استعمار قدم بر میداشتند اعجاب انگیز میباشد. او که در حمله استعماری انگلیس بعراق، سنین جوانی را می گذراند و خود نیز بدرجه اجتهاد نائل آمده بود از مرجع عالیقدر جهان تشیع، مرحوم میرزای شیرازی فتوای جهاد گرفته باشک در میدان جنگ و تحریض نمودن مسلمانان به جهاد اسلامی، سهم بسزائی در آزادی عراق دارد و بیجانست که با چند نفر از مجتهدین مجاهد دیگر شیعه بلقب «پدر آزادی عراق ملقب» گردیده اند.

مدرسه علوی نجف که در آن علاوه از علوم اسلامی، علوم تجربی و فلسفه خارجی نیز تدریس میشد و از شهرت بسزائی برخوردار بود از آثار و ابتکارات این مجاهد کبیر میباشد!

نطقها و فتوایهای کوبنده او بر علیه رضاخان از وجبات رنجش طاغوت و ادبایان او از آیه الله کاشانی بود.

او در بحرانی ترین دوران جنگ دوم جهانی موقعی که ایران در اشغال متفقین بود بایران آمد و چون انگلیسها علاوه از دشمنی آشقی ناپذیر با مکتب بیدار کننده و روحبخش تشیع، خاطره تلخی از آیه الله کاشانی داشتند، بمحض رسیدن در کرمانشاه گرفتند و بزندانهاش افکندند. ولی از دیدن اعتراض و تظاهرات

مسلمانان، بعنوان حفظ آبرو و موقعيت خود آزادش کردند! و چون پرورش
یافتگان مکتب تنبیح که پرچم آن از شهر یوربیست بیعد بردوش امام خمینی و
آیه الله کاشانی و و بود با کشتن هژیر و رزم آراء و کسروی (عوامل بزرگ استعمار)
خواب راحت از رژیم می ربودند لذا قسمتی از عمر آنها در زندانها و محصور بودنها
و تبعید شدنها میگذشت!

سخنان آیه الله کاشانی در زندان، بزندانیان یا عوامل رژیم. خود نشانه
دیگری از روح پرفتح و بلند نظری او میباشد! در زندان انگلیسها می گویند
«اگر در اینجا کشته شوم لعنت و نفرین قتل من همیشه دامنگیر شما انگلیسها
خواهد بود و اگر آزاد شوم نفت ایران را از چنگالتان بدر خواهم آورد!!» (اقتباس
از مصاحبه تلویزیونی ۲۳/۱۲/۵۹) . در اوقاتی که در زندان طاعوت ایران بسر
میرد، رئیس شهر بانی وقت بزندان میرود و بعنوان خیرخواهی و نصیحت، خطاب
با آیه الله کاشانی میگوید «شما را با کار دولت چه کاری؟ چرا باید شما در سیاست مداخله
کنید تا بزندان افتید؟» بلافاصله با شهامت و قاطعیتی که از مشخصات مکتب علوی
است، جواب میدهد «اما خیلی حماری! حیوانی!» یعنی سیاست، آنهم سیاست
دوران دروغ و نیرنگ از آن مکتب اسلام میباشد! (امام خمینی نیز سخت تر از این
سفارش زاد را یامی که در خانه روغنی نام محصور بود، بشاه فرستاد «وای بر من که
بشاه بی آبرو دست دهم و مثل او منفور شوم»...

تیمور ناس وزیر قسی القلب رضا خان بگمان باطل خود میخواست با دادن مقام و امتیازی
آیه الله کاشانی را راضی نماید! بدینجهت پیشنهاد میکند ریاست یکی از مدارس
یا حوزة هارا بپذیرد، جواب میدهد طلابی که من تربیت نمایم بکار شما نخواهند آمد!
انگلیسها و رژیم پهلوی همواره مراقب او بودند برای اینکه دست رقیب خویش را
در دستم روا داشتن بعالم اسلامی آلوده کنند، آیه الله کاشانی رامدتی هم تحویل

روسها میدهند (منبع فوق)

اینگونه از زندانی بزندان دیگر منتقل شدن ادامه داشت تا اینکه از طرف محمد رضای مخلوع به لبنان تبعید گردید.

اما نفوذ اربابین مهاجرت اجباری قطع نگردید. بلکه روزبروز دستاران اوامثال مرحوم نواب صفوی، استاد خلیل طهماسبی، سید حسین امامی و وزیر مینه مراجعت او را فراهم آوردند و آن، وقتی بود که بنمایند گی مجلس انتخاب شد و با استقبال پر شکوهی که تاریخ ایران تا آن روز نظیرش را بیاد نداشت وارد ایران و مجلس شد و از آن راه اساس حکومت ملی مصدق و ملی کردن نفت پیریزی شد!

برای تجسم نفوذ آیه الله کاشانی در موقعیت مرحوم مصدق، کافی است که بدانیم مصدق برای کس قدرت بیشتر در بر انداختن عوامل استعمار روزبروز، از شاه اختیارات وسیعتر میخواست و چون شاه، خود را در برابر اختیارات او در خطر میدید خواه و ناخواه در ۲۵ تیر ماه ۳۰ او را از صدارت عزل و قوام السلطنه سفاک را بجای او منصوب نمود.

اینجاست که دوست و دشمن گواهی میدهند اگر آن روز آیه الله کاشانی با فرمان خود و فرمان تأییدیه آیه الله مرحوم محمد تقی خوانساری؛ مردم را برای حمایت از مصدق و اظهارات زجاج از قوام بخیا بانها نریخته بود و بشاه سفارش نداده بود که اگر مصدق را بنخست وزیری بر نگردانی دستور میدهم مردم شعار ضد سلطنت میدهند! دیگر مصدق، مصدق و قهرمان ملی نمیشد و نمیتوانست نفت را ملی می نماید!

صدور این اولتیماتوم و با آخر رسیدن حکومت پنجره زده قوام همان بود و بحکومت برگشتن مصدق همان!

در اینجا برای اینکه بدانیم نقطه سقوط مصدق و رفتن ایران، باردیگر

بکام استبداد از کجا شروع میشود، از بیان يك حقیقت تلخ ناگزیر می‌باشیم. و این برای آنست که آیندگان و بخصوص ملی‌گرایان را که در ۱۴/۱۲/۵۹ در دانشگاه تهران بنام ارتعزیه گردانی کردند و آشوب پیا نمودند، عبرت و انعام حجت شود که بجز از حکومت امام خمینی که با شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» بوجود آمد، و بزنگی خود ادامه میدهد، هیچ انقلابی نتوانسته است بدون وابستگی باین و آن؛ بحیات خود ادامه دهد. یعنی بزرگنمائی بیش از حد مصدق که آن ضرب‌المثل را بخاطر می‌آورد که میگوید «این مرده ارزش این شیون را ندارد» (احتجوا بالشجره واضاعوا الثمره... علی ع) آب با سیاب دشمن ریختن و بسر نوشت دگر مصدق دچار شدن است) ...!

همچنانکه هر کوهی يك نقطه حضيض و يك نقطه اوج و رفعت دارد و نیز همچنانکه هر کوهی يك دامنه و فرود و يك قله دارد که از آن قله ببعده هر چه دورتر بنقطه فرود و نشیب نزدیکتر!..

مصدق هم همان کوه بود که دانسته و ندانسته کسانی را که در تأمین شخصیت او (امثال فدائیان اسلام) مؤثر بودند از خود آزرده خراطیر ساخت و حتی نواب را بزندان افکند. یا بجای قدردانی از مکتب آیه‌الله کاشانی که او را با اجرای احکام اسلام و طرد عوامل استعمار از دستگاه خود امثال (وثوق السلطنه رضا فلاح، زاهدی، شاپور بختیار و بیات) دعوت مینمود، تعلل ورزید... دست شاه‌خائن را بوسید و گفت در پشت قرآن امضاء دادم که بتو خیانت نخواهم کرد... بدین/ طریق ملی‌گرائی مصدق و کم‌اعتنائی او با واردین، شکاف میان آیه‌الله کاشانی و مرحوم مصدق را عمیقتر کرد تا بسقوط مصدق و باز بکام استعمار رفتن ملت ستم‌دیده ایران انجامید... فاعتبروا يا اولی الابصار... قرآن

نقطه مقابل آیه‌الله کاشانی، سر لشکر زاهدی میباشد.

زاهدی در کابینه دکتر مصدق، وزیر کشور بود. در ایام توسعه اختلاف میان رهبر دین و رهبر ملی، زاهدی بمال و مقامی که داشت قانع نشده آتش حرص او زبانه کشید. او خود را هر چه بیشتر مورد توجه آمریکا قرارداد ... مقارن فرار شاه بایطالیا فرمان نخست وزیری او و خلع دکتر مصدق صادر شده کودتای ۲۸ مرداد پیش آمد و دست شاه و آمریکا ربع قرن دیگر بر جان و مال مردم مسلط شد ... گرچه زاهدی دیری نپائید ولی لعنت روزگار بر ایابد متوجه خود و فرزندش اردشیر گردید که او نیز بننگ دامادی شاه و خدمتگزاری با آمریکا آلوده شده بود!

* * *

در ادامه بررسی با آثار ایمان یا کفر، میتوان نمونه‌های برجسته‌ای را از جنگی که صدام حسین رئیس جمهور خود کلمه عراق بر ایران تحمیل نمود، دهها گواه آورد.

از روزهای نخستین پیروزی انقلاب اسلامی بود که صدام حسین رئیس جمهور تحمیلی عراق، آشکار و نهان تحریکات ضد اسلامی و ضد ایرانی خود را آغاز نمود!

امام خمینی با اتکاء بالطف خفیه الهی، در عین اینکه فتنه‌ها و شورشها را با بینش متقیانه؛ یکی پس از دیگری دفع و خنثی نمود. پرده از روی جنایت و آتش افروزی جنگ بودن صدام حسین بر نداشت.

تا اینکه صدام در اوائل پائیز ۵۹ بناگاه؛ از دریا و هوا و خشکی، سیل آسا

بر کشور اسلامی هجوم آورد.

۱- امام خمینی در مقابله با این یورش غافلگیرانه، ضمن وصایای گرانبھائی که بر مسلمانان اعم از نظامی و غیر نظامی، ایرانی و غیر ایرانی ایراد فرمود که همچون موارد پیشمار گذشته رهگشای امت گردید، بیان داشت که ما با کمال امید بنصرت حق که انشاء اللہ پیروزی از آن هاست، وظیفه دینی خویش را مورد توجه قرار داده با سلاح ایمان و اسلحه موجود با لشکر کفر می جنگیم و یقین داریم که یکی از دو سعادت (پیروزی یا شهادت) در انتظار ما میباشد.

۲- خلبانان مؤمن و دلیر ایران برخلاف خلبانان مهاجم، صرف نظر از اینکه بمبی بر عمارات مسکونی مردم عراق نینداختند، بلکه یکی از آنها نقل نمود که ما موریت داشتیم پلی را منفجر نمایم. ولی پس از رسیدن بفضای مزبور، از دیدن دو دستگاہ اتوبوس مسافربری در حوالی پل، ایمانم اجازه نداد مردم بیگناه را از پای در آورم. لذا با تحمل مخاطرات که درنگ نمودن امکان داشت بقیمت اصابت گلوله و سقوط تمام شود، دوری زدم و پس از دور شدن مسافران عراقی، بتخریب پل پرداختم!...

۳- در اثنای جنگ؛ بسیار مشاهده شد که دههانفر از افسران و درجداران و سر بازان خداشناس عراق بادرک زور گوئی و تجاوز دولت متبوع خود و حقانیت جمهوری اسلامی که بجرم تمایل نکردن بشرف و غرب اینهمه مورد ستم قرار میگرفت، بتأثیر ایمان؛ تمام وابستگیهای قومی و خانوادگی و مادی را کم صدام حسین عملانهدید نموده بود که کمترین جزای سر بازان متخلف، قتل عام خانوادہ مربوطہ اوست!! نادیده گرفته بپرادران اسلامی ایران پیوستند!

۴- **نور ایمان بود** که در تاریکی کفر متجلی گردید یعنی در روزھائی

که لشکر صدام باموشك ۹-۱۲ متری شهر دزفول را مورد هدف قرار میداد؛ صدها

غیر نظامی را بخاک و خون میکشید، بشهر سوسنگرد بمب می افکند و در یک خانواده ۱۵ نفر را بهلاکت میرساند، در تهران کارخانه ماشین سازی ایران ناسیونال را تخریب میکرد و چندین کارگر را مقتول و مجروح مینمود، در کرمانشاه متجاوزان صد نفر را در مدارس و بیمارستانها و مساجد و خوابگاهها بقتل می رساند، در آبادان سازمان هلال احمر و مسجد و بیمارستان را بمباران می بست و می کشت و تخریب میکرد. مردم عراق در ایمنی کامل بسر میبردند و از دیدن جنگنده های ایران در آسمان خود، تکبیر میگفتند و میدانستند که آنها بر خلاف خلبانان عراقی که کور کورانه همه چیز را تخریب میکردند ساختمانهای مسکونی را بمباران نخواهند نمود. (رادیو تهران بنقل از روزنامه تایم مالی لندن)

اثر نور ایمان و آزادگی بود که پرسنل نیروی هوایی و سربازان

و پاسداران و ژاندارمها علیرغم شایعات جهانی امپریالیسم و ایادی داخلی آنها «خلفی ها» که این عزیزان زابه بیوفائی و نارضائیی از جمهوری اسلامی متهم میکردند، دلیرانه با شتیاق پیروزی یا فیض شهادت، بدفاع برخاستند و افراد نظام دیده و ندیده با مال و جان بدنبال آنها عازم میدان جنگ شدند!

۱- آقای محمد علی رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی که برای رساندن صدای شکایت ایران بگوش جهانیان، به نیویورک و سازمان ملل رفته بود. در مصاحبه مطبوعاتی ضمن نشان دادن پای مصدوم خود بنخبر نگاران که اثر زدن شاه هنوز در آن باقی بود، اظهار داشت «عراق آمریکائی در وحشیگری بنقاط مسکونی روی هیتلر را سفید مینماید»... در آمریکا یکی از خبر نگاران به آقای رجائی گفت حالا اگر دولت آمریکا شمارا در عوض گروگانهای خود (جاسوسان) گروگان بگیرد چه میکنید؟ جواب داد ماسی و پنچ میلیون ایرانی به گروگان گرفته شدن عادت کرده ایم. سالها در اسارت شاه و آمریکا بوده ایم!...

۶- اثر ایمان و اعتقاد پیدایش جهان بعد بود که در اه-واز

کودک وارسته، بمب رابکمر بست و باستقبال تانک صدام آمریکائی شتافت تانک را با سر نشینان نابود ساخت و خود نیز شهید شد!

۷- اثر ایمان بود که صفیه محمودی دختر ۱۶ ساله عراقی، شهر داربعثی شهر

خود را بقتل رساند و خود نیز کشته شد. (رادیو تهران)

۸- و بالاخره اثر اعجاب انگیز ایمان بود که خاندان پیامبر ﷺ در اندیشه

و عمل همواره بفکر ایثار بودند: علی علیه السلام سالیانه یکی دو بار برای وصول مال الاجاره

فدک (بدون جنگ و تنها در شعاع رعب شجاعت علی علیه السلام فتح شده بود.)

که پیامبر ﷺ آنرا بموجب آیه «آت ذالقربی حقه ۱۷/ ۲۶» بفاطمه ع بخشیده

بود میرفت. در مراجعت از فدک که دستاری پر از درهم و دینار داشت، بهر نیازمندی

مشتی از آن می بخشید و آن گاه بخانه میرسید که دستار تهی میشد! فاطمه علیها السلام هم در

حالی که در خانه چیزی نداشت، بایبختن امتنان، از شوهر استقبال مینمود... امام

حسن مجتبی ع نقل میکند مادرم شبها بنماز بر میخواست و ساعتها با خدا راز و نیاز

میکرد. شبی گوش فرا داشتم که از خدا چه میخواهد؟ دیدم تمام دعایش متوجه

خیر و سعادت همسایگان است. پرسیدم چرا خودمان را در نظر نمیگیرید جواب داد

«اول همسایه بعد خانه»

ب- برعکس آثار زیانبار عدم ایمان بمبدء و معاد را در چهره صدام حسین

و حکام خود فروخته عرب باسانی میتوان دید. صدام حسین که آن روز معاون رئیس

جمهوری بود پس از مدتی منازعه و فحاشی با کردهای عراق و شاه معدوم، بامر

دولت آمریکا که او را با وعده کمکهای مادی و معنوی دلگرم مینمود، بنا گاه

چهره عوض کرده در ملاقاتی که او را با شاه در کنفرانس الجزایر اتفاق افتاد ۱۹۷۵

با ایران واکر اد عراق صلح نمود. او هنگام اوج گیری انقلاب اسلامی ایران که

امام خمینی آنرا در ایام مهاجرت، از داخل عراق رهبری میفرمود، در راه اثبات خدمتگزاری خود بامیر یالیسم و صهیونیسم و نوکر آنها (شاه)، در خیمانه، امام را بقبول یکی از دو امر مجبور نمود. «باز ایستادن از صدور اعلامیه بر علیه شاه یا بیرون رفتن از عراق». که امام بخاطر اینکه کار رهبری خام و ناسا تمام نماند ناگزیر، از عراق بکویت و از دیدن عدم پذیرش از کویت، بفرائسه مهاجرت فرمود (مهر ماه ۵۷).

... صدام حسین از فر دای پیروزی انقلاب اسلامی که مثل اربابانش، امید ادامه حیات رژیم شاهنشاهی کشور همسایه مبدل بیأس شد و یقین نمود که اگر شجره اسلام ریشه درآید و سایه افکند. تمام ملل مستضعف از جمله ملت ستمدیده عراق آنرا برای خود اسوه و مدل قرار خواهند داد، هم بخاطر حفظ رژیم تحمیلی خود و هم برای حفظ منافع امیر یالیستها که از او پشتیبانی مینمایند، مزدورانی را اجیر نمود که بدست آنها بازار خر مشهر باآتش کشیده شد. لوله های نفت اهواز و آبادان منفجر شده. شخصیتهای زیاد ترور گردند...

دیگر از آثار آتش خانمانسوز از خدا بیخبری اینکه سنگدلی و قساوت قلب کافر بحدی میرسد که او نسبت بر عایت احترام امضای خود و حقوق و مقررات بین المللی بی تفاوت میشود. شواهد نشان میدهد که اگر احیاناً در میان دولتها سخن از عهد و پیمان میان می آید، آن عهد و پیمان تا وقتی محترم است که بهمزدن آن از نظر بین المللی یا از نظر متوسل به قوای نظامی شدن طرف مقابل خطراتی بصاحب امضا داشته باشد.^۱

۱- دولت آمریکایا وجود پیمان کمکی تدافعی با پاکستان، در جنگ هند و پاکستان، خود را کنار کشید و در نتیجه پاکستان تنهاماند و شکست خورد و تجزیه گردید و از عظمتی که میتوانست در قاره آسیا بعنوان یک کشور اسلامی ←

و گرنه همه کفار بنفع خود، عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی را فراموش
مینمایند که امروزه همه اینها در صدام، معاویه عهد شکن عصر که امپریالیستها
و نوکرانشان پشت سر او چهره پنهان کرده‌اند متجسم میباشند!

صدام حسین بدون جهت و بدون مراجعه بمجامع بین‌المللی، بایران هجوم
آورد و بدون توجه بموازنین جهانی خانه‌های شهرهای تیررس، همچون دزفول
و آبادان را ویران و صدها نفر را مقتول و مجروح نمود و بقول آقای رجائی نخست
وزیر، خانه‌های مسکونی را با موشکهای زمین بزمین ۹ متری که هر يك حدود
نیم تن مواد منفجره تخریبی دارد مورد هدف قرارداد، آنهم در ساعت يك بعد از
نصف شب که زن و بچه و پیر و توانمند از آخرین دفاع خود که فرار است استفاده
نمایند! و نیز بقول آیه‌الله منتظری هر چه توانست غارت نمود که غارت گمرک
خونین شهر از آن جمله است!

و باز این نتیجه خداناباوری است که کارتر و امثال او که در راه کشته شدن
فردی از آن خویش صدای اعتراض آنها در تمام گیتی می‌پیچید، یا برای تظاهر

← معظم، ورنه سیاسی باشد افتاد... اگر برای امپریالیسم لقمه لطیف بود لطیفتر
گردید.. رضاخان در پیمان سعدآباد ۱۳۱۶ بفرمان دولت انگلیس‌ها از بخشی از حقوق
ایران در شط العرب چشم پوشی کرد و انتظار داشت، ارباب، خوشخدمتی او را
فراموش نکند. در حالی که انتظار او بیجا بود. ایران مورد تاخت و تاز قرار گرفت
و همان انگلیس‌ها؛ خود رضاخان را گرفتار و تبعید نمود و آنچه از ملت و از خزانه،
آستان قدس رضوی، از طلا و جواهر و اشیاء عتیقه غصب و ذخیره نموده بود از چنگش
بدر آورده روانه خزانه و موزه‌های بریتانیا کرد، خود چرچیل در خاطراتش
نوشت «مصالح متفقین ایجاب نمود که در عین بیطرف بودن ایران، آنجا اشغال
شود.»

بر رحم و شفقت، سازمانهای حمایت از حقوق بشر و حتی حمایت از حیوانات تشکیل میدهند! یا با آب و تاب تمام سخن از سازمان امنیت بمیان می آورند، حالا باقتضای مصالح خود کشته شدن هزاران انسان بیگناه در دست صدام متجاوز را می بینند و سکوت مینمایند. دو ماه از حضور و شکایت آقای رجائی نخست وزیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل راجع به تهاجم بدون دلیل صدام می گذرد ولی اقلان نسبت بمحکوم نمودن عراق متجاوز نه تبادل کردند و نه تصمیم گرفتند و شکفت انگیز تر از آن اینکه آقای گولد والدهایم دبیر کل سازمان بدون اینکه بدولت متجاوز و موشک انداز هشدار دهد که لشکر خود را از نقاط اشغالی ایران فراخواند و خانه های مسکونی را تخریب نکند و باز بدون اینکه بر روی مبارک بیاورد که دولت ایران بر اساس تعالیم مکتبی خود تا کنون حتی يك نقطه مسکونی را تخریب ننموده است، هر دو طرف را با اصطلاح بایک چوب میزنند و میگویند «اقلان حرمت مردم بیدفاع را رعایت نمائید!!»

این هنوز مقدمه مظالم صدام بود که از نظر مجامع بین المللی نادیده گرفته شد.

او علاوه از این که برخلاف موازین انسانی و بین المللی، در خاک عراق بجانیان و آدمکشان فراری ایران امثال پالیزبان و اویسی و سرهنگ مهدوی تأمین داد، چند فرستنده رادیوئی نیز در اختیار آنها گذاشت که بر علیه ایران اسلامی، شروع بفعالیت نمودند.

صدام بدستور آمریکا که توطئه هایش از حمله هوایی از راه طبرس و کودتای نافر جام نوژه همدان و نیز بسیج کردن انواع گروهکهای خود فرخته بر علیه جمهوری اسلامی و تحریک و تقویت تجزیه طلبان که درهمه آنها ناکام مانده بود. و نیز بدستور انتقام جویانه استعمار گر فرعون انگلستان که همیشه آپات

و حجج اسلام باعث بیرون رانده شدنش از عراق و ایران بوده‌اند، و همچنین بدستور اشغالگر سرزمین قدس که از شکست شاه، جراحی التیام ناپذیر بدل داشت، غافلگیرانه بایران حمله نمود.^۱

تاریخ نویسان اسلامی چگونه میتوانند بدتر از کافر بودن صدام و همکاران او را نادیده بگیرند؟!

اودرماه ذی القعدة که پیش اعراب جاهلی هم از ماههای حرام شمرده میشد و آتش جنگها خاموش میگرددید. آتش جنگ را برافروخت. او برای جلوگیری از شرکت ایرانی‌ها در کنگره اسلامی حج؛ سفری بعربستان نموده موافقت رژیم آنجا را که خودنگران سرایت و نفوذ انقلاب اسلامی ایران به برادران آزادیخواه اعراب و در نتیجه نگران مقام و موقعیت خود بودند بهر نوع هم فکری و همکاری جلب نمود تا با آغاز جنگ و ایجاد ناامنی هوایی، از ورود حجاج ایرانی بمکه ممانعت نماید.^۲

تاریخ یا هر انسان آزاده‌ایی چگونه میتواند نادیده بگیرد که در کشور

۱- صدام حسین در علت حمله بایران هر تهمتی بزبانش آمد به جمهوری اسلامی ایران زد. او در وقتی ایران را بداشتن قصد ادامه امپراطوری ساسانی غیر اسلامی متهم نمود که اربابش بر ژنسی مشاور امنیتی کارتر میگفت تجدید حیات اسلام در ایران ثبات منطقه را بهمزده است!

۲- گر چه همکاری علنی رژیم سعودی با صدام در حمله بایران چندان آشکار نشده است با این وجود بطوریکه آقای رجائی در شورای امنیت سازمان ملل اشاره نمود، فعالیت چهار طیاره مدرن آواکس آمریکائی در سعودی را که از طیاره های ایران ردیابی نموده به عراق گزارش میدهد و نیز قرارداد معاملات تسلیحاتی اعجاب انگیز فرانسه و سعودی را نمیتوان نادیده گرفت!

اسلامی‌ای که بر طبق نهی خداوندی کسی حق ندارد حتی خراشی بر بدن دیگری وارد سازد صدام حسین^۱ در مقدمه حمله بایران بیش از بیست نفر از همکاران خود را که با او اختلاف سلیقه داشتند بجوخه اعدام سپرد.

انسانهای حقیرست چگونه میتوانند از این واقعیت، بی تفاوت بگذرند که در طول جنگ، دفعات اتفاق افتاد که چند نفر از درجه داران و سر بازان صدامی که بخدا و کيفر اعمال ایمان راستین داشتند، از دیدن اینکه جمهوری اسلامی از هر طرف مورد ستم قرار گرفته است مثل حر آزاده پیرادران اسلامی ایرانی خود پیوسته برای دفاع از اسلام با همان سلاح عراقی بلشکر کفر تاختند و بدرجه شهادت نائل آمدند.^۲

۱- سخنرانی آقای رئیس جمهوری اسلامی... برای آشنائی بیشتر با مفاسد کفر که حزب بعث عراق نموداری از آنست کتابهای بزرگ لازم است. همین قدر که در يك روزنامه (۱۱/۸/۵۹ انقلاب اسلامی که دوستار اسلام راستین بودند هم چندان محرر نیست چنین میخوانیم. مز دوران بعثی مرحوم شیخ عبدالعزیز بعثی از برادران اهل سنت را در زندان زیر شکنجه بشهادت رساند... آیه الله حیدری را کشت.. چندی پیش حدود صد نفر از کردهای عراق را که بغاری پناهنده شده بودند بوسیله آتش و دودی که در پیش درب غار روشن کردند، کشتند... صدها نفر از فرزندان را بهلاکت رساندند..

۲- در روزهایی که صدام حسین بایران تهمت میزد که او حمله را آغاز نموده یا مثل معاویه با افسانه برتری عرب بر غیر عرب، جمهوری اسلامی را بیاد ناسزا میگرفت یا بزبان سنک طرفداری از اعراب را بسینه میزد و در عمل خانه های اعراب خوزستان را بتوب می بست، در روزهایی که از همکاری و همفکری یکی دیگر از مزدوران آمریکاینام شاه حسین اردنی تا آنجا بر خوردار میشد که او ←

در شناخت منافع اعتقاد بمبدء و معاد که موجب عزت شخص و برعکس عدم ایمان، باعث خواری میشود، اوراق تاریخ شاهد صادق میباشد. پس از جنگ احد، پیامبر ﷺ علی ع را ملول یافت و چون علت پرسید جواب داد عمویم حمزه بفیض شهادت نائل آمد ولی من ماندم. پیامبر ص مرده داد که او هم بشهادت میرسد، علی علیه السلام همواره در جلب رضای خدا و در اشتیاق تحقق وعده پیامبر ص در خطر نا کمترین میدانهای جنگ فرو میرفت و روزی هم که بشمشیر مسموم از پای درآمد، گفت بخدا بقیض شهادت که پیامبر ﷺ بشارت داده بود رسیدم؟ ...

علی اکبر از دیدن اینکه پدرش امام حسین علیه السلام بفکر فرورفته است، علت پرسید و چون جواب شنید که این قوم برای کشتن ما جمع میشوند، گفت مگر ما بر حق نیستیم؟ و چون پاسخ شنید که آری حق با ما است گفت در آن صورت از مرگ باکی نیست!..

امام حسین ع از برادر زاده (قاسم بن حسن) پرسید... مرگ را چگونه

— بندر عقبه را برای ورود تجهیزات جنگی بعراق، و نیز راههای اردن و زمام اختیار لشکر خویش را در دست صدام می سپرد. و با صهیونیسم تبهانی میکرد، جوانمردانی مثل پریزیدنت حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه و پریزیدنت معمر قذافی رئیس جمهوری لیبی و پریزیدنت شازلی بن جدید رئیس جمهوری الجزایر و خطیب مصری و علی ناصر محمد رئیس جمهوری یمن بدفاع از حق برخاسته در سخنرانیهای خود جامعه عرب را هشدار دادند که حمله صدام بجمهوری اسلامی ایران، در حقیقت حمله با عراب و همکاری با دشمنان اعراب و همکاری با اشغالگران قدس می باشد.

و همچنین خطبای عالیقدر از مصر و اردن و پنجاب پاکستان بدفاع از جمهوری اسلامی و امام خمینی برخاسته حقایقی گفتند و یوسف وارزندان کشانده شدند

می بینی گفت در راه خدا کشته شدن برای من شیرینتر از غسل است...
 عبدالله بن عقیف یکی از یاران علی علیه السلام که چشمان خود را در جنگ
 جمل و صفین از دست داده بود، همواره می گفت من از خدا فیض شهادت خواسته ام.
 بیست و اند سال گذشت. پس از فاجعه کربلا، روزیکه ابن زیاد در مجلس عام
 نسبت به خاندان علی ع زبان بناسزا گوئی گشود عبدالله پناخته در دفاع از امام
 حسین علیه السلام و فاش کردن خیانت و آلودگی خاندان یزید و عمال او آنچه توانست
 گفت، و چون گرفتار شد و ابن زیاد فرمان داد بقتلش برسانند لبخند شادی
 سیمایش را فرا گرفت که من در آرزوی عزتی بودم که بدست لشیمان و ناکسان
 کشته شوم ..

از صدر اسلام تا حمله عراق گاه آن سر بازاسلامی را می بینم که در چنگال
 رومیان بدینک جوشان افکنده میشود و بشهادت میرسد ولی بر خلاف عقائد خود
 سخن نمیگوید و گاه محمد جواد تندگویان وزیر نفت جمهوری اسلامی را
 می بینیم که پس از آنکه در حوالی آبادان در راه انجام وظیفه اداری بتوطئه مزدوران
 داخلی استعمار، گرفتار میشود، در اسارت درندگان یعنی عراق چندان استقامت
 نشان میدهد و از حق و اسلام دفاع میکند که میزنند و بخونریزی داخلی مبتلایش
 می نمایند!

دختران و پسران مسلمان که در آمریکا و انگلستان و فرانسه مشغول تحصیل
 بودند، بعنوان اعتراض بر مظالم امپریالیسم و دفاع از عزت و آزادی ایران
 اسلامی، اعتصابها نمودند و راهپیمائیها ترتیب دادند و چون پلیس کشورهای
 مزبور برخلاف اصول انسانی و بین المللی اقدام بضر و شتم آنها نمودند مردانه
 مقاومت کردند و بعضاً در راه دریدن ماشک تمدن از چهره درندگان، حقائق را
 فاش کردند و بشهادت رسیدند.

پس از آنکه جاسوسان آمریکا بعنوان گروگان جهت بر گشت داده شدن شاه و اموال مسروقه ایران و چند شرط دیگر توقیف شدند، آمریکا و هواداران و مزدوران او بفکر عمل مقابله بمثل افتادند... روزی بناگاه شنیده شد سفارتخانه ایران در لندن با شغال ۶ نفر عراقی درآمده است... از جمله شروط آزادی آنها، آزادی گروگانهای آمریکائی قید شده بود...

... پرده ابهام همه جا را فرا گرفته بود که ناگاه فیض و ارزش شهادت اسلامی دریچه امید بگشود. اعلامیه‌ای از طرف ایرانیان گرفتار شده صادر گردید که ما، در راه خدا و اسلام بشهادت حاضریم و از دولت متبوع خود تقاضا داریم دست رد بسینه تروریستهای گروگانگیر بزنند وزیر بار هیج شرطی نروند!

با این شجاعت چند روزی در توقیف ماندند تا پلیس لندن که باطناً طرفدار تروریستها بود محاصره را شکست. دو نفر شهید شدند و بقیه بمرکت استقبال از شهادت با سرافرازی نجات یافتند!... (لواسانی و خوئی)

باین ترتیب همواره در آرزوی شهادت بودن و بدست و زبان، بجان ستمگران آتش زدن؛ عزت و عظمتی برای علی (علیه السلام) و فرزندان و پیروان آنها بیار آورده که بزرگی و شهرت و محبوبیت آنها مثل نور آفتاب، از مرزها میگذرد و بهر کشور و شهر و برزنی میتابد و از آن طرف هر انسانی دریچه دل را بروی آن بازمینماید که «بیا، خانه خانه تست!»

اما سر بازان مزدور عراق نشان دادند که چون گرفتار شدند و مسود

۱- دانشجویان پیرو خط امام برای اینکه علیرغم گروهاکهای تهمتن چپی یا آمریکائی چپ نما نهایت علاقه خود را بدین اسلام نشان دهند که اسلام برخلاف دیگران، بزن و سیاهپوست بدیده احترام می‌نگرد، بیست و اند نفرا از گروگانها را که ۷ نفرشان زن و بقیه مرد سیاهپوست بودند در اولین روزها آزاد نمودند!

بازجویی قرار گرفتند بایکدیگر خوار و ذلت زبان باعثدار گشوده گناه حمله و آدمکشی را بگردن صدام و مأموران غلاظ و شداد بعثی انداختند. در صورتیکه اگر آنها بخدا و روز جزا اعتقاد داشتند از مکتب دین یاد می گرفتند کسه فرد مسلمان در هیچ شرائطی نمیتواند بروی برادر اسلامی خود آتش بگشاید و اگر اجبار بمیان آید نخست مجبور کنند که دشمن خداست می کشد و کشته می شود!

همچنانکه بعضی از سر بازان مسلمان آرنش شاه در جمعه سیاه ۱۷/۶/۵۷ که مجبور به تیراندازی بروی برادران خود شدند، اول فرمانده کافر را کشتند آنگاه کشته شدند.

همچنین بگزارش عراقیهای تبعیدی و نیز بگزارش آوارگان افغانی همه روزه آزاد مردانی از لشکری و کشوری عراق و افغان با فرماندهان کافر خود به مخالفت برخاسته می کشند و کشته میشوند!

کدام مکتب فلسفی یا سیاسی میتواند آن روح انقلابی به پیر و جوان وزن و مرد بدمد که مکتب توحید دمید.

مادری قبل از فاش شدن کودتای نافر جام نوژه همدان احساس میکند که فرزندش که از صاحب منصبان ارتش میباشد، با دوستان خود مذاکراتی میکند که از آنها بوی کودتا بر علیه جمهوری اسلامی می آید!

فرزند را بحق مادری قسم میدهد تا او را در جریان امر بگذارد و آنگاه با عجز و الحاح در او انقلابی ایجاد میکند که صرف نظر از اینکه در آن توطئه شرکت

نکند بلکه هر چه زودتر مراتب را باستحضار بزرگان اسلام برساند!
 افسر خدایپرست روزیکه در اثر تلقینات و شستشوی مغزی همه جا و حتی اطرافیان امام
 خمینی را هم ضد انقلاب می‌پنداشته آماده میشود موضوع را بعرض آقای سیدعلی
 خامنه‌ای نماینده مردم تهران در مجلس اسلامی برساند. با اینکه از او هم نگران
 بوده و بیمار می‌گفته اگر تأخیر کنم بدان که بوسیله ضد انقلابها گرفتار شده‌ام ...
 میرود و گزارش میکند و مانع قتل نفوس بیگناه میشود (خدا ببرد و جزای خیر
 دهد). گفتنی است که از جمله سیاستهای دائمی استعمارگران اینست که جهد میکنند
 چشم و گوش مردم را از نفوذ و شکوه غیر قابل توصیف خود و عجز و ناتوانی
 آزادیخواهان انباشته نمایند!

فراموش نمیشود که آیه‌الله کاشانی بر علیه شاه و انگلستان قیام نمود و در کتب
 مصدق را برای ملی کردن نفت مورد تأیید قرار داد ولی شایع کردند که این هر دو
 از عوامل انگلستان میباشند!

باز فراموش نمیشود که نوکران انگلستان در بزرگنمایی ارباب خود
 می‌گفتند «آفتاب در کشورهای تحت نفوذ بریتانیا غروب نمیکند». یعنی اگر
 آفتاب از چین بگذرد به هندوستان میرسد که مال انگلستان است از هندوستان به
 افغانستان از افغانستان به ...

در ادامه شناخت تأثیر مکاتب اسلامی در اوضاع اجتماع مطالب زیر قابل
 توجه میباشد.

۱- در مکتب کفر و الحاد که بهتر است اسم آنرا جمعیت جنگل بگذاریم
 عقل و قانون و عاطفه انسانی در میان نیست و قانونی اصالت دارد که از ناحیه
 زورمندان وضع شود! و عمل ایده آل کاریست که لذت جنسی و آنی در برداشته
 باشد که کفران این هر دو را در دو شعار زیر خلاصه مینمایند «بروقوی شو اگر

راحت جهان طلبی» - التمر يانع والناتور غير مانع «دیدیکه خرما رسیده و باغبان نیز مانع نیست هر چه خواهی؟!»

- مکتب فلاسفه الهی. با اینکه پیروان این مکتب با قبول آفریدگار، بالقوه، امکان رسیدن بصر اط مستقیم سعادت را دارند ولی بالفعل از چارچوب اعتقاد وقیل و قال تجاوز نمیکنند. کارتر را دیدیم که بسازمان «سیا» فرمان ایجاد قتل و غارت در ممالک ضعیف را صادر کرد و روزهای یکشنبه هم بعنوان تشریفات سری بکلیسا زد! یعنی که من عیسوی هستم! انور سادات رئیس جمهور مادام - العمر کشور اسلامی مصر را دیدیم که از صدام کافر با سلاح و سر به از پشتیبانی کرد، ملک حسین را دیدیم که از اول تأسیس دولت غاصب صهیونیستی، آشکار و نهان با او ساخت و باخت نمود، همچنین ملک خالد و ملک حسن امام مکتب انبیاء که امروزه در مکتب قرآن خلاصه میشود، آدمی را چنان از قید و بند آلودگیها و علائق و لذائذ بسوی حزب حق و در نتیجه اصلاح وضع افتادگان و رعایت حق دیگران، رهبری میکند که بقول حافظ «اگر در آن راه خار مغلان هم در پای فروردغم نمیخورد!» و یا مثل یوسف عَلَيْهِ السَّلَام همینکه در میدان جاذبه جنسی غیر مشروع قرار میگردد، بیاد خدایا بفرار میگذازد و در نتیجه بدرجهای میرسد که با سر بلندی تمام ملتی را از قحطی و سقوط و مرگ نجات میدهد!

در شرح حال مجاهدان جنگهای اسلامی سخن از امثال حنظله غمیل الملائکه... یا آن کودک نورسیده بمیان میآید که بعلت صغرسن نمیتوانست از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اجازه شرکت در جهاد بگیرد، تا آخر الامر گفت فلانی را که اجازه فرموده اید از من عاجز تر است و حاضرم با او کشتی بگیرم و سرانجام با این اشتیاق و اصرار بمیدان جنگ رفت!..

شاید شنونده در اصالت اینگونه وقایع دچار تردید شود در حالیکه

رزمندگان جمهوری اسلامی همه آنها را تجدید نموده رنگ ابدیت زدند که بشرح حال یکی از آنان اشاره میشود. او (حسینی) مثل پزشکی که قدرت تحمل و پذیرش بیمار را در نظر گرفته و اکسن تزریقی را ازدوز خیلی اندک شروع و کم کم افزایش میدهد، گاه و بیگاه سخن از شهادت خویش مطرح نموده هر روز پردهای از شدت علاقه خود نسبت بشهادت و جلب رضای خدا را کنار زد و بدانوسیله همسر جوان و پدر و مادر را پخته تر نمود تا روز عاشورای ۱۴۰۱ فرا رسید. صبح زود از خواب برخاسته متوجه میدان جنگ گردید!

صدایش کردند اقلای و صبحانه صرف کند. تا آنجا که توانست سخن آنها را ناشنیده گرفت و چون پای اصرار بمیان آمد و ناگزیر شد جواب بدهد، گفت «رئیس مکتب ما. امام حسین علیه السلام هم در همچو روزی تشنه و گرسنه بود که در دفاع از حق ستمدگان جنگید... بطوریکه همزمان او نقل نمودند همان روز مثل شیرشزه پای در میدان نهاد و یازده نفر مزدور استعمار را از پای در آورد و افتاد. هنوز کلمه خدا و امام زمان علیه السلام را بر لب داشت که طاب رو حش بسوی جنان پرواز کرد. (اقتباس از سخنرانی حجة الاسلام فلسفی)

قدرت ایمان بود که بر روز ۱۹/۱۱/۵۷ هنگامی که هنوز قتل و اعدام همگان و بخصوص نظامیان را تهدید میکرد افسران و درجه داران نیروی هوایی علی رغم استعمار پیش امام خمینی رفته برای خدمت باسلام بیعت نمودند! نیروی ایمان بود که پاسداران انقلاب اسلامی که محبوبترین نهاد انقلاب پیش امام و ملت و مبعوضترین کسان در پیش خدا انقلاب میباشند، در شب کودتای نافر جام که از پایگاه هوایی نوزه همدان شروع میشد و تهران را زیر و رو میکرد خود را بخطر ات جانی انداخته تادم صبح بیش از سیصد نفر خائن را دستگیر نمودند!

حضرت حجة الاسلام، سید علی خامنه‌ای نماینده امام خمینی در شورای

دفاع، و امام جمعه تهران، در خطبه نماز جمعه، ضمن خواندن نامه زن مسلمان عراقی که با نوشته و از مجاهدتهای خود و خانواده خود و نیز راجع به در زندان صدام بودن خویشان خود بحث نموده و برای غالب آمدن ایران مسلمان بس- صدام آمریکائی دعا و نیایش نموده بود، گفت در موقع سرکشی بجهت جنگ مشاهده نمودم که یکی از سربازان جمهوری اسلامی، پیش میآید. چون رسید سه هزار تومان از جیب در آورد و گفت این پولی است که جمهوری اسلامی بعنوان فوق العاده جنگی بمن و همزمان داده است خواهشمندم این سهمیه مرا بپذیرید و در پیشبرد اهداف اسلامی، خرج و مصرف نمائید... بدنبال او چند نفر دیگر نیز همین ایثار را تکرار کردند!

جمعه بعد نامه خلبان مسلمانی را قرائت فرمودند که نوشته بود «من که با مبارزات هوایی، در دفاع از اسلام؛ از جان خود سرمایه گذاری میکنم، این مبلغ پول و این حلقه انگشتری یاد کاری نامزدی خود را نیز تقدیم بیت المال جبهه جنگ مینمایم تا از لحاظ مادی هم سرمایه گذاری کرده باشم!

... این قبیل سربازان عالی قدر امام خمینی هستند که چنان بقرب حق رسیده اند که خاطره سربازان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در صحرائی تبوک را تجدید مینمایند. آنها از شناسایی بجان آمده بودند که خدا برای آنها ابر رحمت فرستاد. و اینها بر اثر گازی که صدامیان آمریکائی بهنگام فرار از ارتفاعات میمک پخش نموده بودند مسموم شده بدنتشان تاول در میآورد که بشهادت سربازان و ژاندارمها و افسران مربوطه و روایت حجة الاسلام خامنه‌ای، دریای رحمت خداوند بچوش آمده بر سر ستمدیدگان بیارید... بدن خود بشستند و نجات یافتند!

خلاصه این بحث اینکه در هر مقطعی از زمان و مکان هر آزادی و سعادتى برای اجتماعی حاصل شده است، در شعاع عنایات ایزدی همه سرهون حسن

رهبری مصلحین و عمل کرد مؤمنان و از میان آنها سر بازان خداشناس می باشد و بر همین اصل است که مخصوصاً حتی اسبها و مهر کبهای مجاهدان در نظر خداوند از چنان عظمتی برخوردارند که خداوند بجزرقه ای که از بر خورد نعل اسبان به سنگها، جستن میکند قسم یاد مینماید و میگوید «والعادیات ضیحاً»

و بر عکس هر کجا اثری از قساوت و فاجعه دیده شود، اثر کفر و الحاد يك یا چند نفر پیشوای عنود و خود خواهی گروهی خوشگذران، و بیدینی و غفلت مجریان اوامر آنها بوده است. چنانکه امر و زنه زبانه کشیدن آتش جنگ و بیار آوردن مناظر فجیع و دلخراش از ضرب و قتل و غارت و تخریب در جنوب و غرب ایران؛ اثر و شاهد عینی کفر صدام و بینجری آرتش عراق می باشد!

یوم تقلب وجوههم فی النار. یقولون یا لیتنا اطعنا الله و اطعنا الرسول و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبرائنا فاضلونا السبیلا ... قرآن ۳۳/۶۶

نبوت و رهبری

در قرآن مجید پس از مسائلی وجود خدا و وحدانیت او که در اکثر آیات بعنوانین و الفاظ مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد و ما هم در مقدمه و بحث آثار توحید، مثالهایی را مطالعه کردیم، نوبت نبوت و رسالت و رهبری فرامیرسد. خداوند برای نجات مردم از ضلالت و متوجه ساختنشان به انجام میثاق خداوندی که فطرت^۱ پاک آدمی شاهد آنست و بیدار نمودن عقول و نجات واعظ درونی که بوسیله اش را مثل کبر و حسد و شهوت سر کوب میشود.

۱- فطرت آدمی و هر جنبنده‌ای بر توالد و ازدیاد نسل نهاده شده است و قرآن هم که منطبق با فطرت و در واقع سخنگوی آنست، ازدواج را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. (۳۲/۲۴) و رسول اکرم ﷺ در توضیح فرمان خدا میفرماید «هر کس ازدواج کند، نصف یا اثلث وظیفه شرعی خود را انجام داده است» تناکح و توالد و تناسل کنید تا زاد و ولد زیاد شود...»

در حالی که رژیم شاه هم از راه بالا بردن سن ازدواج و هم از راه تملقین و تبلیغ و پخش داردی ضد آبستنی رایگان، که بودجه هنگفتی در این راه صرف میشد، مانع تکثیر نفوس میگردد و در هر خانواده به بیش از یکی دو فرزند روی خوش نشان نمیداد؟!

... اسلام که منطبق با فطرت است اجازه میدهد که احیاناً با رعایت مسئله عدالت که نوادری از مردم قادر بر عایت آن هستند و یا بمقتضیات و شروط زمان که مثلاً در جنگ دوم جهانی دهها میلیون مرد، مقتول یا مجروح یا معلول یا مفقود الاثر شدند، هر مردی دو یا سه یا چهار زن دائمی و چند زن موقت اختیار نماید. در صورتیکه در کشورهای غربی که بظاهر پیرو مسیحیت، آنهم مسیحیت تحریف شده هستند هنوز هم کسانی بنام تارک دنیا یا خدمه کلیسا بودن، بظاهر مدعی هستند که ←

و ارائه آثار و نشانه های آفریدگار و خلاصه تبلیغ احکام سعادتبخش آسمانی و اتمام حجت با مردم که در برابر نعمتهای الهی چه وظایفی دارند، انبیاء را که اولشان آدم و آخرشان محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است با آیات و بینات، مبعوث فرموده است. که در اینجا صفحات معدودی را در باره نبی اکرم ص و جانشینان آنحضرت مطالعه مینمائیم.

— میتوانند جلوی سیل خروشان غرائز جنسی را بگیرند! ولی در باطن ۱۱۴
 دکتر گستاو لیبون فرانسوی در کتاب تاریخ تمدن اسلام درباره تعداد زوجات اروپائیان میگوید «همگان ادعا دارند که طبق مدلول کتاب مقدس هر کسی نباید بیش از یک، همسر اختیار کند ولی در عمل حد و مرزی نیست» (زندگی مشاهیرشان امسال راسل و شکسپیر را مطالعه کنید!)
 .. اسلام منطبق با فطرت، آنگاه که کار زوجین در سازگاری بجان و کارشان با استخوان برسد و ادامه زناشویی مجال گردد اجازه میدهد، آنها از یکدیگر جدا شوند (ابغض الحلال عندی الطلاق).

در حالی که عالم مسیحیت آنرا اکیداً ممنوع نمود تا اینکه از روزافزونی نزاحم و جنایات؛ اخیراً سر تسلیم در برابر قانون فطرت فرود آورده مسئله طلاق را پذیرفت... بنای فطرت در دوستاری فرزند میباشد. در صورتیکه بعضی اعراب جاهلی آنرا زیر پا نهاده دختران را زنده بگور کردند و بعضی از ملل دیگر، مثل هندوها حتی پسران را در پای بت قربان نمودند!

فطرت خدائی بطوریکه قرآن و حتی تورات محرف هم شاهد آنست مشعر بر عدم جواز استعمال گوشت خوک میباشد (سفر تثنیه باب ۱۴)
 ولی آنانکه حکم شکم را مقدم بر حکم خدا و فطرت میدانند از خوردن گوشت خوک خودداری نمی نمایند و در نتیجه در فساد و فحشاء، دست و پا می زنند! —

نبوت ، ولایت

بروایت جنات الخلود و صفحه ۱۲ «محمد و علی و بنوه الاوصیاء»
 رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دارای بیش از هزار لقب و چندین اسم و کنیه از قبیل
 حبیب الله، خاتم النبیین، امام المتقین، شاهد، فاتح، امین، پیامبر توبه؛ شافع، نور
 ← قرآن از زبان آفریننده فطرت، مشروبات راپلید و نوشیدن آنها را از
 اعمال شیطان می شمارد. در حالی که ملتگاهی نظیر فرانسویان با اینکه در کتب
 دینی آنها هنوز هم مفاهیمی هست که آکل را پلید و حرام میدانند (اشعیا نبی
 ۱۳ و ۱۱/۵ و ۷/۲۸ . سفر لادیان ۹/۱۰ . لوقا ۱۶/۱ و ۳۳/۷۰ و ..)

باز با نوشیدن آن، چنان ضربتی از ناحیه طبیعت میخوردند که بیچارگی
 و بستوه آمدن خود را از وجود میلیونها آکلیسم بیدرمان نمی توانند کتمان
 کنند.. (تاز گیها با قوانین نیم بند درصد جلو گیری و چاره جوئی بر آمده اند.
 (رادیو و مطبوعات ۲۰/۹/۵۹)

فطرت آدمی چنان که اسلام از ۱۴ قرن پیش آنرا بمورد اجرا گذارده
 است بر آزادی زن در نحوه بکار بردن اموال خویش میباشد ولی دول غیر اسلامی
 بویژه فرانسه فرمان فطرت را زیر پا نهاده فرمان ناپلئون تصرف زن در اموال
 خویش را تا این اواخر مشروط بموافقت شوهر قرار دادند! (اسلام در ایران نوشته
 پطروشفسکی ص ۱۸۷)

فطرت آدمی منطبق بر حمایت از مظلوم میباشد و دولت فرانسه هم بهنگام
 مهاجرت اجباری امام خمینی از عراق با آنجا بظاهر بعنوان همان فطرت انسانی ،
 امام را اجازه فرود داد. در حالی که بعد معلوم شد این پذیرش، فطری نبوده بلکه
 بر اثر يك رؤیای شیرین استعماری بوده است که میخواستند، بعنوان «دزد بجای
 راهزن» ایران را تحت نفوذ استعماری خود در آورند، ولی همینکه در راه اندم ←

سراج منیر، مصلح، رحمة للعالمین. ابوالارامل، معلم، مز کبی، مذکر؛ بشیر، نذیر، محمد و احمد^۱ میباشد

که هر يك مشعر بر صفة از صفات عالی و منحصر بفرد آنحضرت است که

← فروردین ۵۸: استقبال قریب با اتفاق ایرانیان از رژیم جمهوری اسلامی و بدنبال آن. استقبال از قانون اساسی اسلامی را که با شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» سلطه هر بیگانه‌ای را طرد میکند، دیدند، چهره عوض کرده هر زهریکه در بن دندان داشتند ریختند که امور زیر از آثار و مقدمات آن میباشد: تحویل ندادن ناوچه‌ها که قیمت آنها قبلاً پرداخت شده - به همراه همه اعضای بازار مشترک اروپا گوش فرمان آمریکا شدن در مسئله محاصره اقتصادی ایران - تأیید نمودن نظرات عراق تجاوز کرد در حمله بایران - حمله بدانشجویان مسلمان که با تظاهرات خود توطئه اهریمنی شاپور بختیار را محکوم میکردند - فروش هواپیماهای میراث و موشک بعراق و هم پیمانهای او، از سعودی و مراکش و دیگر دول مرتجع که همه آنها بر علیه ایران بکار برده میشود و...

۱- درباره احمد و محمد، گفتنی است که از قدیم؛ کسانی هستند که مادر یاپدرشان، نامی و وابستگان و دیگران بمناسبتی، نامی دیگر بر آنها نهاده‌اند مثل یوشع بن نون - ذوالکفل - یعقوب - اسرائیل - خضر - ملیقا - یونس - ذوالنون - عیسی - مسیح - علی عَلَيْهِ السَّلَامُ - حیدر.

که مادر اینجا برای رفع ابهام که چرا حضرت عیسی ع در بشارت دادن، بجای محمد، احمد گفته است وَاللَّهُ سَمُّهُ (قرآن. صف آیه ۶)

ابیاتی از جناب ابوطالب، عم و سرپرست ایام کودکی آنحضرت از کتاب مفاهیم القرآن و دیگر جاها نقل مینمائیم. و امیدواریم این اشعار در عین حال، مؤید این حقیقت باشد که جناب ابوطالب بدهها دلیل، از جمله اشعاریکه ←

شرح تمام آنها از گنجایش این کتاب و قدرت این بنده خارج است. جز اینکه همچنانکه خود رسول اکرم ص پیشگویی کرده و تاریخ هم نشان میدهد که از هر چندی ریاست طلبی یا مأموری از ناحیه استعمارگران شرق و غرب در میان امت اسلام ادعای پیامبری نموده موجب فتنه و فساد میشود؛ لذا لازم میآید

← انتخاب و نقل میشود از مؤمنین راستین پیامبر ﷺ بوده و همان کار را انجام میداده که مؤمن آل فرعون، درخفا، در حفاظت حضرت موسی ﷺ انجام میداد
الا خیر الناس نفاً ووالداً - اذا عد سادات البریه احمد

الا ان احمد قد جائهم - بحق ولم یا تهم الكذب .

در تشویق برادر خود جناب حمزه به استقامت و پشیمانی از محمد ﷺ میفرماید «صبراً ابایعلی علی دین احمد و کن مظهراً للدين و فقت صابراً ...»
(حاشیه قرآن ترجمه معزی ص ۸۱)

اراد و قتل احمد ظالموه و لیس بقتلهم فیهم زعیم ...

در جواب پیشنهاد کفار که میگویند محمد را بده هر چه و هر که را میبخوای بدیم میگوید «فلست و بیت الله نسلم احمد .»

لقد اکرم الله النبی محمداً - فاكرم واجتبیته حب المواصل

زعمت قریش احمد ساحراً - کذبوا ورب الراقصات الی المحرم

یا شاهد الله علی فا شهدانی علی دین النبی احمد (ای فرشته ای که از طرف

خدا بر اعمال من شاهی، گواه باش که من بر دین احمدم!

در اول بعثت؛ جناب خدیجه گزارش حالات حضرت محمد ﷺ را بعموی

خود ورقه میبرد. او در جواب میگوید «فان یک حقاً یا خدیجه فاعلمی - حدیثک

ایانا فاحمد مرسل) یعنی ای خدیجه اگر گفتار تو صدق باشد، بدانکه شوهرت

احمد، پیامبر است ←

مختصری درباره خاتم و خاتمیت آنحضرت بحث شود.

مسئله خاتمیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از قدیم الایام در میان امتهای گذشته باندازه‌ای مشهور بوده که با وجود آنکه دستهای آلوده و جهل در مضامین تورات و انجیل تصرف نموده‌اند که وجود تواریخ و وقایع بعد از موسی علیه السلام در کتاب او و وجود اختلاف در نسب عیسی در انجیل او، گواه آنست. باز آثاری در آنها مشاهده میشود که متضمن و شاهد خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. از جمله

← شاید یکی از دلائلی که تا قرون اخیر در عالم مسیحیت، بیش از شصت نوع انجیل (بامضامین گوناگون) وجود داشته است (پرسش شما و پاسخ ما (۳) و مکتب اسلام و دائرة المعارف انگلیسی جلد ۳). تا اینکه صلاح اندیشان یا حقیقوشان مسیحی بدنبال تحریفات گذشتگان، دست به تصفیه آنها زده چهار نوع آنرا انتخاب و بقیه را کنار گذاشتند و کان لم یکن پنداشتند، یکی هم این باشد که در آنها بشارات و مشخصات آشکارتر نسبت به بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موجود بوده است! چنان که در انجیل برنا با که از انجیل‌های متروک است، اسم صریح رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بلفظ احمد و محمد ص ذکر شده است!

دیگر از علل تصفیه انجیل، وجود اختلافات فاحش در میان آنها می باشد! مثلاً در ۴ انجیل موجود که قابل قبول کلیساهاست برای يك عیسی نسبتاً همدای گوناگون ذکر شده است. انجیل متا در فصل اول آیه ۱۶ او را نوه یعقوب بن متان ولی انجیل لوقا در فصل سوم، آیه ۲۳ او را نوه هالی بن متات معرفی می کند. انجیل متای تصویب شده در آیه ۱۹ فصل اول حضرت عیسی علیه السلام را مثل قرآن، اثر میدن روح القدس (جبرئیل) بجناب مریم، میداند در حالی که انجیل لوقای تصویب شده مطابق مدرك فوق آنحضرت را مستقیماً فرزند یوسف میخواند! و همچنین صدها اختلافات دیگر.

حضرت عیسیٰ علیه السلام در انجیل یوحنا (۱۷/۱۴) میگوید من از پدر (خدا) میخوامم تسلی دهنده (پیامبر) عطا می کند و او «همیشه» باشما خواهد بود. ۱۱. همچنین در میان خود امت مسلمان، از صدر اسلام تا کنون خاتمیت آنحضرت با اندازه ای مشهور و خارج از شک و تردید بوده که نویسندگان بزرگ اسلامی اعم از شیعه و سنی، مباحثی از آن بمیان آورده اند! و ما هم شواهدی در آن مورد از خود قرآن و نهج البلاغه و کتب معتبر دیگر ارائه نموده میگذریم:

۱- خداوند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را در آیه ۳۲/۴۰ خاتم النبیین میخواند و کتب لغت و تذکره ها و دائرة المعارف ها حتی دائرة المعارف بیگانگان، خاتم را بمعنی پایان دهنده گرفته اند (المنجد، منتهی الارب، صراح اللغة، اختری کبیر، لسان العرب مفردات راعب اصفهانی و مجمع البحرین و دائرة المعارف فرانسه جلد ۲۳ ص ۴۱۸۴) (از مجله مکتب اسلام ۱۱/۱۰ نقل شد).

۲- خود قرآن در آیات متعدد بامضامین گوناگون بر آخرین و پایان دهنده بودن رسول اکرم صلی الله علیه و آله تصریح مینماید.

الف. در قسمتی از آیه نوزدهم سوره انعام میفرماید .. و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلغ ... این قرآن بمن وحی شده است که شما هر که را که سختم و یا کتابم باو برسد، انذار کنم یعنی بهر کسی در هر زمان و مکان برسد.. ب: اول سوره فرقان میفرماید متبارک است خداوندی که قرآن را بر بندة خود نازل فرمود تا اهل عالم را انذار و هدایت کند.

ج: در آیه ۲۸ سوره سبأ میفرماید «وما ارسلناک الا کافّة للناس .. نفر ستادیم ترا مگر اینکه برای همه بشریت بشیر و نذیر باشی!

د- در آیه ۱۵۸ سوره اعراف خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله میفرماید «بگو ای

مردم، من فرستاده خدایم بهمه شما!»

هـ - در آیه ۹- سوره اسراء میفرماید این قرآن به بهترین طرز هدایت میکند یعنی چیزیکه بهترین طرز هدایت کرد؛ دیگر نیازی نیست که بدنبال آن کتاب دیگر بیاید!

و- در آیه ۱۱۵ سوره انعام میفرماید «وتمت کلمه ربك.» کلام خدایت از روی عدل و صدق با آخر رسید یعنی کتاب دیگری نمی آید. همچنین آیات متعددی هست که قرآن، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نذیراً للبشر، ذکرى للبشر مینامد و این خود میرساند که تا وقتی که نسل بشر در روی زمین هست قرآن بر نامه زندگی اوست. (ائمه و مجتهدین اصول را از قرآن و از سنت پیامبر ص اخذ نموده فروع و جزئیات را از قبیل نصاب و میزان عوارض و مالیات در اموال غیر از آن ۹ جنس مشهور و نحوه مجازات اطفال بهنگام ارتکاب گناه و انتخاب وسائل نقلیه در مسافر نهایی و اجبی و غیره را با عقل و مقتضیات زمان تلفیق مینمایند.)

مثلاً قرآن در آیه ۸/۶۰ میفرماید برای مبارزه با دشمنان شناخته و

ناشناخته آماده شوید و از نیرو و اسبان تا حد توانائی ذخیره نمائید!

حالا هر فقیهی که در رأس حکومت اسلامی قرار داشته باشد بر او فرض است

که بر طبق کلمه قوه و نیرو که در قرآن به کار رفته و بر طبق سیره پیامبر ص که ناظر اوضاع دشمن بود تا بموقع و با نیروی کافی بمقابله بپردازد، در هر زمان لشکر اسلام را به مدرنترین سلاحها و مترقیترین بیمارستانها و شکوفاترین اقتصادها مجهز سازد و این عمل ممکن نیست جز اینکه علم و صنعت و تفاهم برادری را بعالیترین سطح بالا ببرد!

ز- در آیه نهم از سوره حجر میفرماید «ما قرآن را نازل کردیم و حافظ آن

میباشیم.. پس کتابی که با آن مشخصات هدایتگری، از طوفان حوادث محفوظ

هماند بشریت بکتاب دیگر احتیاج نخواهد داشت!.. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موارد زیاد راجع به عاقبت خود سخن گفته است: از جمله:

الف: خطاب بعلی علیه السلام فرمود «منزلت تو برای من مثل منزلت جناب هارون است بموسی علیه السلام مگر اینکه پیامبری در من ختم میشود یعنی تو رهبری ولی نام پیامبری نداری الغدیر» (صحیح بخاری و صدها کتاب از فریقین)

ب: در خطبه مفصلی فرمود من پیامبر خاتم هستم که پیامبران با آمدنم بشارت داده‌اند؛ من حجت خدا برای تمام اهل زمین و آسمانها هستم... هر که شك کند در آتش است: (مستدرک الوسائل)

ج: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود من عاقب هستم و عاقب پیامبر است که دیگر پس از او پیامبری نیست. (صحیح مسلم)

د: پیامبر ص فرمود بر آستی که مثل من و مثل انبیاء، بدان میماند که کسی ساختمان کاملی بسازد مگر جای يك خشت را باقی گذارد. هر کس که بآن خانه وارد میشود میگوید چه خانه زیبایی است، فقط جای این خشت خالی است. که من بجای آن خشت هستم و سلسله انبیاء بمن ختم می‌شود. (صحیح بخاری جزء ۴، در المنثور سیوطی، صحیح مسلم و صحیح ترمذی و مجمع البیان و و)

ه: رسول خدا ص فرمود «بدرستی که من خاتم پیامبرانم و بعد از من پیامبری نیست در المنثور سیوطی جزء ۵ ص ۲۰۱»

و: رسول خدا ص فرمود: ای مردم بعد از من پیامبری نیست و بعد از سنت من سنتی نخواهد بود. پس هر کسی همچو ادعائی کند خود و ادعایش در آتش است. (وسائل الشیعه جزء سوم)

پیامبر ص در غدیر خم ضمن تبلیغ ولایت علی علیه السلام فرمود: حلال محمد.

حلال است تا روز قیامت و حرامش، حرام تا روز قیامت! پیامبر ﷺ ضمن حدیث مفصلی که از فضیلت حسنین علیهما السلام سخن میگفت، فرمود: «کیست که از آنان افضل باشد؛ جدشان پیامبر، پایان دهنده پیامبران و جدده شان خدیجه دختر خویلد سیده زنان بهشت است ... (ذخائر العقبی ۱۳۰)

علی علیه السلام که خود از مردان، مؤمن اول اسلام و از احاطه نسب، نزدیکترین فرد خانواده و بالاخره در فضیلت شاگرد ممتاز مکتب اسلام بود و همچنین ائمه اطهار که فرزندان پیامبرند و قرآن بخانه آنها نازل شده است؛ و آنان بیش از هر کس نسبت به قرآن و اسلام آشنا تر میباشند، اقوال زیادی دارند که بمختصری از آنها اشاره میشود:

در بخشی از نهج البلاغه فیض الاسلام که قسمتی از محاورات و مکاتبات آنحضرت است، چنین میخوانیم

۱- از قدیم، دشمنان اهل بیت علیهم السلام، امثال حجاج بن یوسف، شیعیان را در بند کشیده اند که فرزند پسر را نسبت بجد بزرگ فرزند میخوانند نه فرزند دختر را که حسنین علیهما السلام فرزندان دختر پیامبرند. که بهتر است جواب قانع کننده بزرگان را در اینجا نقل کنیم که فرموده اند قرآن در آیه ۸۶/۶ حضرت عیسی را فرزند ابراهیم می خواند، در صورتیکه عیسی ع پدر نداشت بلکه از طرف مادر بود که آنحضرت با ابراهیم و اسحاق می پیوست!

همچنین خود رسول اکرم ص آندو بزرگوار را از فرزندان خود، از نسل علی ع میخواند چنانکه در حدیث مشهور فرمود این دو فرزندم امامانند قیام کنند یا بنشینند. یاد از حدیث دیگر خطاب بعلی ع فرمود «پدر مادرم فدای تو باد ذریه تو افضل ذریات و اوصیای من از نسل تست ینابیع الموده ۲۴۴»

ای خدای گستراننده زمینها و نگاهدارنده آسمانها... بزرگترین درودها و افزونترین برکتهایت را بر محمد ص نده و فرستاده خود بفرست که پیامبران رساننده وحی و رسالت بود و افتتاح کننده راه سعادت و خوشبختی بشر! (اشاره با استمرار امامت بجای نبوت و استمرار ولایت فقیه در اجرائیات در سطح نبوت و امامت).. تا آنکه رشته سخن با آنجا کشیده میشود که خداوند محمد رسول الله را برای وفای بوعده‌های خود و پایان دادن بمسئله نبوت برانگیخت. پیامبریکسه از پیامبران گذشته عهد و پیمان گرفته شده بود که نبوت و رسالت او را توید دهند!

... خداوند، حضرت رسول ص را در زمانی که پیامبری باقی نمانده و نزاع و مجادله در میان ملل برقرار بود مبعوث فرمود... او را بعد از همه پیامبران آورده رسالت را بواسطه او ختم نمود!

امیر المؤمنین بهنگام غسل جسد مبارک پیامبر ص خطاب با آنحضرت نمود
 میگوید پدر و مادرم بفدای تو باد ای سول خدا همانا با من گک تو چیزی از جهان قطع کردید که با من گک هیچیک از پیامبران، از نبوت و احکام الهی و اخبار سمائی قطع نشده بود

... پس این اسلام دین خداست که خود بر گزیده و بنظر عنایت آنرا ساخته و پرداخته و برای تبلیغ آن بهترین بندگان را بر گزیده است... آنرا چنان محکم گردانید که ستونهایش سست نمیشود و درسمان آن گسسته نمیکردد نه حلقه آن جدا شدنی و نه اساس آن خراب شدنی است. بلکه پایه‌های آن فناپذیر می باشد...

شجره آن کنده نمی شود و مدت آنرا پایان و انقطاعی نیست... چراغ کتابی که بر رسول خود نازل فرمود هیچگاه خاموش نمی شود و شعله هایش فرو نمی نشیند. چراغی است که ظلمتی باقی نمیگذارد، دریایی است که کسی

هر گز بعمق آن نمیرسد. راهی است که گمراهی ندارد...

شعاع قرآن هر گز کم نور نمیشود. دارویی است که اگر بکار گرفته شود دردی باقی نمیماند...

کتابی که حجت و دلیلش عزیز و استوار و ازین بردنش محال میباشد. پس آنرا گرامی بدارید و هر يك از احکامش را مراعات کنید ۲۶ ر ۱۵۹ ر ۳۰۳ ر ۴۰۳ ر ۶۲۹ ر - ۲۲۲ شرح نهج البلاغه فیض الاسلام

حضرت فاطمه دختر پیامبر ص آنگاه که در مسجد حاضر میشود تادر برابر زورگویان که آنروز علی علیه السلام برای حفظ وحدت و اساس اسلام، از توسل بقوه قهریه خودداری نموده بود، دفاع کند، از دین اسلام بعنوان دین قویم و پایدار، نام می برد!

حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند بوسیله پیامبر شما سلسله انبیاء را خاتمه داد و ابداً پس از او پیامبری نیست و بوسیله کتاب شما یعنی قرآن، کتب آسمانی را پایان بخشید و هر گز کتاب دیگر نازل نخواهد شد. (وافی جلد اول و فصول المهمة شیخ حر عاملی)

حضرت رضا علیه السلام فرمود شریعت محمد ص تا روز قیامت فسخ نمیشود پس از رسول اکرم ص تا روز واپسین پیامبری نیست پس هر کسی بعد از آنحضرت ادعای نبوت کند و کتابی بعد از قرآن بیاورد. ریختن خونس برای هر کسی که آنرا بشنود مباح میباشد (عیون اخبار الرضا)

باز امام رضا علیه السلام است که فرمود «پس از رسول اکرم ص پیامبری نیست و برای روش و شریعت آنحضرت تغییر و تبدیل راه ندارد (بحار الانوار جلد ۴ چاپ کمپانی)

جناب عبدالعظیم حسنی امامزاده عظیم الشان که مرقدش در شهر ری

ریارتگاه است، اعتقادات خود را بحضرت امام عالی‌النقی عرضه و در آن میان، نبی اکرم ص را پیامبر پایان دهنده مینامد^۱ (کشف الغمده ۳)

سلام در صحیح خود واحمد حنبل در مسند خویش از قول جابر بن سمره نقل میکنند که پیامبر ص فرمود « دین اسلام تا روز قیامت پایدار خواهد ماند! »

۱- انتظار میرود، مسلمانان عاقبت اندیش، مسئله خاتمیت رسول خدا ص و مسئله در پس پرده غیبت بودن امام زمان راه چه مستدل و منطقی تر بفرزندان عزیز پیاموزند، امید است خداوند بدیده حمایت و رحمت بنگردد و توطئه اخیر امپریالیست را که هم اکنون برای جلب توجه عوام و زودباوران، در بالای کوه کرمل فلسطین اشغالی، بهزینة يك میلیارد دلار برای میرزا حسینعلی بهاء، قبه و بارگناه باشکوهی میسازد و از چهار گوشه دنیا باطائف الحیل، مردم را بزیرت آن تشویق میکند، دفع نماید!

کفتنی است که تسل آینه جز از راه توسل بنخدا و تحصیل صحیح، چنانکه باید نخواهد توانست، از تبلیغاتیکه بهمراه مادیات و شهویات، توسط سازمان مخوفی، همسنگ سازمان جاسوسی جهانی «سیا» باو هجوم میاورد، دین و جان سالم بدر برد!

سازمانی که بجز يك نفر مبلغ آفریقائی همه گردانندگان آن که مرکز اصلیش اسرائیل است از سیاستمداران و جنتمنهای آمریکائی و انگلیسی تشکیل یافته همگان «مثل گربه عابد، عمید زاگانی» ریاکارانه نماز بهائی بجای میآورند و صبح بهنگام خروج از درب منزل برای جلب نظر فریبخوردگان دعای میخوانند و از آنطرف برای اثبات تفوق خود در زیر سلطه بودن مخاطب، پرواز آ پولوها و روزافزونی اختراعات را بر رخ میکشند و بهائیت را تبلیغ مینمایند... در زیر نفوذ این تشکیلات صهیونیستی آمریکائی است که هم اکنون در هر کشوری و شهری —

یعنی تا وقتی که دوازده خلیفه که همه شان از قریش خواهند بود بر شما حکومت کنند! (فضائل خمس جلد ۲ ص ۲۳)

مفهوم کلام رسول خدا اینست که دولت امام دوازدهم و حکومت ائمه حق که رجعت فرموده اسلام را کاملاً اجرا خواهند فرمود بدامن قیامت خواهند پیوست.

← وقصیدای، هیئتهای ۹ نفری باشاخ و برک زیاد بنام مجلس ملی، محفل بهائی و و مشغول تبلیغ و فعالیت می باشند.

این حزب و سازمان که خود را بلباس دین در آورده و برای آدمربائی و عقیده دزدی، دام نهاده است، از شاخه پیاپی بران کذب و دجال میباشند که همه فرستادگان خدا از پیدایش و نیرنگهای گوناگون آنان، خبر داده و تسأکید فرموده اند که مواظب عقائد کسان خود باشید (انجیل مرقس ۱۳ / ۲۱ - المهدی - منتخب الاثر ۴۴۲ و ۴۴۶)

این سازمان، بظاهر و برای فریب مردم، خدا خدا میگویند ولی از مراجعه فعل آنها و متن کتب ایشان؛ معلوم میشود خدائی غیر از میرزا حسینعلی بهاء در میان نیست!.. (کتابچه خدای قرن آتم را مطالعه فرمائید)

این حزب، بظاهر و احیاناً برای درامان بودن از دولتهای بیدار که مانع جاسوسی آنها میشوند ادعا میکنند که با سیاست کاری ندارند ولی بمحض تحقیق معلوم میشود سنگ اول مکتب رهبرشان (باعتراف خود شوقی آفندی، نوه بهاء در جلد دوم قرن بدیع صفحه ۳۴ و ۶۶) در سفارتخانه روس در تهران نهاده شده بدست انگلیس و اسرائیل و آمریکا پیاخته است!..

در تاریخ ۲۷/۱۲/۵۹ در روزنامه جمهوری اسلامی که بر خلاف روزنامه های میزان و انقلاب اسلامی!، کلمه طیبه لا اله الا الله را تمام و کامل یعنی بدون حذف «لا اله» ادامیکند و نیز در اثر پرده برداشتن از روی فعالیت ضد انقلابها بمغوض ←

صاحب کشف الغمه از رسول خدا ص نقل می کند که خدا بمن وحی فرمود که من پیامبر را بوسیله تو پایان رساندم و بعد از تو پیامبری نیست
ابن ماجه قزوینی در صحیح خود (جلد ۲ ابواب الفتن) مسنداً نقل میکند رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ضمن خطبه مفصلی مسلمانان را از فتنه و فریب دجال بر حذر داشت و گفت از خلیفت بنی آدم در روی زمین فتنه و گمراهگری بزرگتر از دجال نخواهد بود. بدینستی که خداوند پیامبری بعوث نفرمود. جز اینکه او پیروان خود را از فتنه و اضلال دجال هشدار داد و من آخرین پیامبران و شما آخرین امتها هستید، خروج دجال در میان شما حتمی میباشد...

— استعمارگران و منافقان واقع میشود، مطالعه فرمودید که دو برابر بھائی اهل شیراز با سر هنگ و حدت که از نوکران سابقه دار صهیونیسم و دیگر جهانخواران است همکاری صمیمانه داشته و از سالها قبل برای تنویم و تحجیب قلوب، پیش مردم شاه و دربار را که در « دریای هفتگانه هم تطهیر نمیشوند » مدح میگفته اند
باز این حزب آمریکائی است که دوسه ماه قبل بهنگام چاپ اعلامیه های منافقان و خلقی های آمریکائی چاپ نما، مطبعه شان در تهران، کشف و توقیف شد!!
۱- منتخب الاثر ۴۶۲ ... این شایعه سازیهای مزدوران استعمار که پسران و دختران مسلمان را فریب میدهند و گمراهشان میسازند و عملاً شیطان را شاد کام مینمایند بر کسی پوشیده نیست. در روز گاریکه پیامبر زاده ای مثل یوسف صدیق را بتوان بزبان چرب و نرم گول زد و پدر را قانع نموده فرزند دلبند را از دستش گرفت و در چاهش کرد!

در روز گاریکه با وعده مال و مقام؛ دهها و صدها هزار مسلمان و مسلمان - زاده را بتوان از صراط حق منحرف کرده و ادارشان نمود که از بصره و صفین و نهر وان و کربلا، بقریب بروی مردان حقی مثل علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ شمشیر بکشند، ←

همچنین هر نویسنده و شاعر و مؤلفی هر جا مناسبتی پیش آمده رسول اکرم ﷺ را بعنوان پیامبر پایان بخش نامبرده است. که اسم و مثالی چند از آنان نقل می شود:

بخاری، احمد حنبل، حاکم نیشابوری و طبرانی مباحث مفصلی راجع به آخرین پیامبر بودن رسول اکرم ﷺ دارند که مجله مکتب اسلام نیز در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ مطالبی از آنها نقل نموده است.

جنرال مرد اندیشمند یهودی بحضور رسول اکرم ص شرفیات می شود و

← امر ساده ایست که یکنفر دختر را هم چنان از اسلام و روحانیت منزجر کنند که بنوشته خود روزنامه سازمان مجاهدین خلق (شماره ۵۲ - ۵۹ ر ۲۹) قلم بر گرفته در عین اینکه بظاهر خود را مسلمان و پیرو قرآن و علی علیه السلام معرفی میکند و فضل الله المجاهدین هم آرام اوست! بحضرت آیه الله ربانی شیرازی که عمری را در تحقیق و تألیف و مبارزه در راه اسلام و زندان و شکنجه گذرانده و از هواداران صدیق رهبر انقلاب، امام خمینی میباشد. (آیه الله ربانی اوائل فروردین ۶۰ مورد سوء قصد قرار گرفت!!)

نامه بی ادبانه مینویسد و در پایان هم برای اینکه نیشهایش بدون زهر نبوده باشد اضافه میکند « آقای ربانی حیا هم خوب چیزی است! یعنی تمام اینها نشانهائی از افسونگریهای دجال میباشد! راجع بدجال در صفحه ۹۰ نیز مطالبی گفته شد! پس والدین و مربیان راست که بنام خدا و دین مواظب اطفال و جوانان باشند!

... چون نشان دختر خانم در روزنامه قید نشده است احتمال این هم هست که گردانندگان سازمان مجاهدین خلق از راه دشمنی بادی و روحانیت، نامه مزبور را خودشان املا کرده باشند که این نیز نشانه دیگری از دجال است!

سؤالاتی مطرح نموده جوابهای صحیح دریافت میدارد و آنوقت اظهار مینماید که دیشب حضرت موسی علیه السلام را بخواب دیدم! بمن فرمود که به پیامبر «پایان دهنده» و اوصیاء او ایمان بیاور... الحمد لله ایمان آوردم و خدا بوسیله توحه ایتام کرد. حالا اوصیاء خود را معرفی کن تا بدامن آنها نیز چنگک بزنم. جواب میدهد اوصیاء من دوازده نفرند؛ جنمک میگوید همچنین است که میفرماید ما هم بوسیله تورات آنها را دوازده نفر می شناسیم. یا رسول الله اسم آنها را بیان فرمائید. حضرت میفرماید اول آنها علی پدر امامان سپس دو فرزند او حسن و حسین - بعد از حسین علیه السلام علی زین العابدین، محمد باقر، جعفر صادق، موسی کاظم، فرزندش علی، فرزندش محمد معروف به تقی، فرزند او علی النقی، فرزندش حسن، فرزندش محمد ملقب بقائم و مهدی که روی زمین را پر از عدل و داد مینماید!

خوشا بحال کسانی که در غیبت اوصبر کنند که آنها کسانی هستند که خداوند آنها را بنام متقی وصف فرموده و هم آنها هستند که خدا آنها را حزب الله، حزب چیره و غالب نام میبرد... این مرد تا زمان حضرت سجاد عمر کرد. در آخرین ساعاتش شیری با او آوردند! از دیدن شیر فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بیادش آمد و گفت. این روزها و این شیر را پیامبر صلی الله علیه و آله بمن خبر داده بود... شیر را خورد و بر حمت ایزدی پیوست! همچنین اسلام آوردن نعل مرد روشن ضمیر یهودی که «با آخرین پیامبر» بودن رسول! کرم و امامت دوازده امام و بغیبت امام دوازدهم ایمان آورد و اشعار غرا سرود. رحمة الله علیهما (ینابیع الموده ۴۴۲)

شیخ محمود شبستری، نظامی گنجوی در خسرو و شیرین، سعدی در بوستان و در حضرت را پیامبر آخر توصیف کرده اند!

مرحوم «س. م. تینگک» که وقتی در کنسولگری چین در بیروت کار می کرده است در ص ۴۸۲ کتاب «اسلام صراط مستقیم» میگوید اگر موضوع خاتمیت

پیامبر اسلام در میان مسلمانان رائج نبود نزدیک بود استعمار گران، غلام احمد قادیانی رادرهند و پاکستان بنام پیامبر بخورد مردم بدهند (همچنانکه در ایران میخواستند **باب و بهاء** را بنام پیامبران جدید بمردم تحمیل نمایند؛ ص ۹۰ ر) مرحوم محمد حسین بن خلف تبریزی متخصص بیرهان از نویسندگان قرن ۱۱ ه. ق. در مقدمه لغتنامه خود بنام بیرهان قاطع، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را **با آخرین پیامبر بودن وصف مینماید**

بدین ترتیب؛ حضرت خاتم الانبیاء در مدت ۲۳ سال، رسالت سنگین خود را که برداشتن بدعتها و گشودن رنجیر موهومات و تزکیه نفوس و آموزش کتابت و حکمت از جمله آنها بود بانجام رسانده^۱ بملکوت اعلی پیوست!

از جمله فضیلت‌های نبی اکرم نسبت بانبیاء گذشته اینک است!

۱- هیچیک از پیام آوران گذشته دعوی خاتمیت نداشته بلکه همه موظف بودند بمدلولی که اشاره شد حضرتش را بخاتمیت معرفی نمایند.

۲- تنها قرآن، کتاب این پیامبر است که خداوند بیا سپردن آن بدست دوازده وصی که افضل اوصیاء هستند، حفظ و حراست آنرا از طوفان حوادث ضمانت فرموده است!

۳- نشستن گرد مرور زمان بر روی قرآن، که مثل کتاب طبیعت همیشه تازه بدهد و خواهد بود! ۴- عمیق بودن دریای معانی و فضائل آن که باز مثل کتاب آفرینش همچنانکه کسی موفق بکشف تمام اسرار کاینات نشده و هرگز نخواهد شد؛ همچنانهم بجز ۱۴ معصوم، کسی موفق بکشف تمام رموز اسرار آن نخواهد شد و بالاخره همچنانکه روزی نمیرسد که بشریت از مواهب طبیعت اظهار بی نیازی کند؛ همچنانهم روزی نمیرسد که اجتماع برای رسیدن بسعادت، از قرآن اظهار بی نیازی نماید!..

... در اینجا با امید اینکه بایاری خداوند در صفحات بعد و یا مجلدات دیگر بتوانیم مطالبی از سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نیز از فراگیر بودن اسلام برای تمام ازمینه و امکانه و ادوار زندگی، از قول بزرگان اسلام و اسلام شناسان مشهور، امثال برناردشاور، کارلایل، گیبون؛ ولتر و ناپلئون تقدیم محضر علاقه مندان نمائیم و نیز با آرزوی اینکه نویسندگان توانا تشنگی انسانهای شرق و غرب بزلال اسلام را دریافته احکام حیاتبخش قرآن و سیره تبلیغی و جنگی، کشورداری و خلق عظیم رسول خدا را بزبانهای معتبر، تألیف و طبع و نشر فرمایند.

مسئله نبوت را خاتمه داده بخشی از مسئله جهانیشینی و استمرار ولایت بعلی علیه السلام و ائمه اطهار و نیز در زمان غیبت مباحثی از ولایت فقیه تقدیم محضر خوانندگان مینمائیم.

قبلاً یاد آور میشویم که تاریخ اسلام گواه صادق است که هر آنگاه که مسلمانان در برابر فرمان و سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله بی اعتنائی کردند با خسارت جبران ناپذیر مواجه گشتند که دو نمونه زیر بعنوان کلمه‌ای از هزار، مدلل مینماید که تاقیامت نیز نادیده گرفتن فرمان پیامبر در اطاعت و رعایت انضباط رهبری، عواقب نامطلوب در بر خواهد داشت...

۱- در آغاز جنگ احد چهل نفر را بی‌اسداری از گردنه کوه مأوردیت داده به عنوان اتمام حجت دست با آسمان بلند کرد و گفت خدایا شاهد باش که من گفتم!.. باین وجود سر بازان بدون توجه بسفارش پیامبر ص و بدون عنایت به فرمان افسر مربوطه که رعایت انضباط سر بازی از عوامل عمده بقای ارتش است، گردنه را ترک گفتند. این ترک کردن محل مأوردیت همان بود و سر رسیدن دشمن از پشت کوه همان!.. افسر را با انگشت شمار سر بازان وفادار که بر جای مانده بودند طعمه شمشیر نموده از پشت جبهه وارد میدان شدند. نظم و شیرازه

لشکر را در عم گسیختند. بز دلان را فراری دادند. افسران بزرگک مثل حمزه و مصعب و حنظله را کشتند. دندان پیامبر ﷺ را شکستند و پیشانی مبارکش دریدند و بر محافظش علی علیه السلام قریب بهشتاد زخم مهلك زدند!..

۲- در جنگ تبوک با فرارسیدن شب، رسول اکرم ص توصیه فرمود که تا طلوع آفتاب کسی از خیمه بیرون نرود ولی عده‌ای بیرون رفتند و در زیر خروارها شن روان که باد از هر طرف می‌آورد مدفون شدند!..

همچنین برای اینکه جوانان عزیز با استحضار از نمونه‌های از بشارات و پیشگوئی‌های تحقق یافته قرآن و نبی اکرم ﷺ اطمینان کامل داشته باشند که بقیه وعده‌ها نیز امر حله عمل در خواهد آمد، ذکر مثال‌هایی از آن قبیل ضرور مینماید: (با این قید که قرآن؛ پیامبر پایان بخش وائمه اطهار را شاهد و شهید و ناظر اعمال مردم مینامد یعنی پیشگوئی آنها ریشه قرآنی دارد ۹/۱۰۵ و ۲/۱۴۳).
۱- بهنگام مغلوب شدن دولت روم از ایران، در آیه اول سوره روم پیشگوئی فرمود که ده سال نمیگذرد که دولت روم دوباره غالب می‌شود و همچنان هم شد. (کتاب اعجاز قرآن)

۲- قرآن فتح شدن مکه بدست مسلمانان و مراجعت رسول اکرم ﷺ بزاد گاه را بشارت داد و عملی شد.

۳- قرآن در سوره کوثر وعده کثرت نفوس مسلمین با کثرت کتب و نویسندگان آن یا روز افزونی اولاد پیامبر از نسل فاطمه علیها السلام را بشارت داد و امر و ز شهر و قصبه‌ای پیدا نمیشود که کتاب و یادانشمند اسلامی و یا افرادی از نسل پیامبر ص در آن وجود نداشته باشد!

۴- نبی اکرم ص پیشگوئی فرمود که بزودی ایران و روم و یمن بدست مسلمانان فتح می‌شود!.. و دیدیم که فتح شد!

۵- بعلى عليه السلام پیشگوئی فرمود که با گروه «ناکثین و قاسطین و مارقین» درگیری پیدا خواهد نمود و سرانجام نیز بدست اشقی الاشیاء بشهادت خواهد رسید!

۶- در مقدمه جنگ بدر آن «یکی» که در عریشة در کنار پیامبر ص ایستاده و فخر کنان میگفت چه مقام رفیعی دارم! گفت بشرطی که نگاهش دارید!

۷- روزی فرمود برای هر یکبارز که لا اله الا الله درختی در بهشت برای شما کاشته می شود. آن «دیگری» گفت بدین حساب چه باغات پر درختی خواهیم داشت! که در جواب او اظهار فرمود «بشرطی که آتش نفرستید و آنها را نسوزانید!»

۸- روزی در میان زنان خویش اوضاع بعد از رحلت خویش را مطرح فرموده اظهار داشت که یکی از شما بروی جانشین برحق من شمشیر می کشد و نشانه آن زوزه کشیدن سگ های حوآب باشد!

آنگاه با آن دیدگان نافذ خود بروی عائشه نگریست و گفت یا عائشه مبادا تو باشی!!

یاد و وقوع این پیشگوئی در وسط راه جنگ جمل؛ بیچاره را از ادامه خصومت با علی عليه السلام منصرف ساخت. متأسفانه خواهر زاده اش عبدالله زبیر^۱، عده ای شاهد دروغگو حاضر کرد و آنها با گفتن اینکه اینجا دهکده حوآب نیست باعث شکستن توبه خانم شدند!

۹- بزبیر که خواست از علی پیش پیامبر صلی الله علیه و آله غیبت کند، گفت «زبیر اینچنین مگوا که جانشین من است. مبادا که با او وارد جنگ شوی که در آن صورت جایگاهت آتش است» (یاد جنگ جمل... فضائل خمس، جلد ۲ ص ۲۶۸)^۲

۲-۱- علی عليه السلام فرمود «تا وقتی که عبدالله نامیمون یا برشد نگذاشته بود زبیر از نزدیکان ما بود...» همچنانکه ریاست طلحی عبدالله زبیر صدمه ۴-۵ ←

۱۰- بعمار یاسر نوید داد که در دست گروه ستمگر یعنی زیر پرچم وصی بر حق من کشته می‌شوی. پنجاه سال گذشت و آن صحابی بزرگ در جنگ صفین در سپاه علی علیه السلام بدست فریبخوردگان معاویه بشهادت رسید!

۱۱- بابو زر لقب «اصدق لهجه» داد و گفت تنها راه می‌رود و تنهایی میرد و تنها بر می‌خیزد (اشاره به تبعید شدن و مردن در صحرای زبده (شبهای پیشاور))
 ۱۲- بعلی علیه السلام وعده شهادت داد، سی و هفت سال بعد، علی ع در محراب عبادت بشهادت رسید!

۱۳- در حدیبیه نماینده قریش، باینکه نویسنده صلحنامه (علی علیه السلام) می‌نوشت این قرارداد است میان محمد بن عبدالله پیامبر خدا و سهیل بن عمر و نماینده قریش، سهیل اعتراض نمود که من اگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را رسول خدا میدانستم مانع حرکت او بسوی مکه نمیشدم. یعنی تنها باید اسم محمد صلی الله علیه و آله و سلم نوشته شود، پیامبر ص فرمود مانعی نیست... در این میان رسول خدا نظری بر وی علی علیه السلام افکند و گفت «یومک کیومی هذایا بن ابیطالب. روزی تو نیز باهمچو مسئله‌ای درگیر می‌شوی!» سی و اند سال از این مسئله می‌گذشت که مسئله متار که جنگ صفین و برگزاری کار بحکمت پیش آمد. همینکه نویسنده، نوشت این قرارداد است میان علی امیر المؤمنین علیه السلام و معاویه، در اینجاست که معاویه اعتراض نمود که اگر، علی ع را امیر المؤمنین میدانستیم، با او جنگ نمی‌کردیم.. در اینجا بانک اصحاب بلند شد که صدق رسول الله که پیامبر این پیش آمد را خبر داده بود!

۱۴- در آخرین ساعات حیات از اینکه از رحلت حتمی خویش سخن بمیان

← جبران ناپذیر با-اسلام زد، پس از استقرار جمهوری اسلامی هم عبدالله زمان (حسن شریعتمداری گرداننده حزب خلق مسلمان که در صفحه ۵۳ و ۴۱ شرحش گذشت... همان راه دارفت و همان زبان را با اسلام وارد آورد!) (نهج البلاغه ص ۱۲۸۴)

آورد، ناله فاطمه ع یگانه دختر پیامبر شدت گرفت. او را کنار خویش فراخوانده ضمن بر شمردن هفت فضیلت خاندان او و بشارت دادن اینکه مهدی امت که حضرت عیسی ع پشت سرش نماز میخواند از فرزندان اوست، در گوش او فرو خواند که غم مخور بزودی بمن ملحق میشوی! که مادر ائمه از شنیدن این بشارت متبسم گردید... (۷۵-۹۳ روز گذشته بود که فاطمه بشارت رسید!)

۱۵- چند سال قبل از آنکه یزید بدتیا بیاید، در حالی که امام حسین علیه السلام را روی زانو داشت گفت «مرا بایزید چکار که این فرزند مرا با یارانش بقتل میرساند! (پاسداران وحی)

۱۶- بصحابی عالیقدر، جابر بن عبدالله بشارت داد که تو چندان ادامه زندگی میدهی که پنجمین ستاره ولایت رادرك میکنی.. آنوقت سلام مرا باو برسان. او علم را همچنانکه گاو زمین رامی شکافد... شکافه میکند! همچنانهم شد

۱۷- در حق هشتمین وصی خود فرمود در خاک طوس مدفون می شود... هر که او را با خلاص زیارت کند جایگاهش بهشت برین است... قریب بدو بیست سال بعد هارون الرشید از شنیدن این خبر دهانش بآب افتاده وصیت کرد در هر نقطه ای بمیرد جنازه اش را در طوس بخاک بسپارند... در حالی که مغرور بیچاره نمیدانست کسیکه بزود بخلافت رسیده و هزاران بیگناه را بقتل رسانده و هزاران هزار اموال بیت المال را در هوسرانی تلف نموده است مشمول آن مقامات نمی شود! بلکه آن شخص؛ امام رضا علیه السلام خواهد بود که در پیش روی او دفن میشود و سالیانه میلیونها زائر مشتاق از اقاصا نقاط جهان بزیراتش می شتابند!!

۱۸- در پیشگویی از خلفای عباسی، مأمون را عالم عباسیان و متوکل دهمین آنها را کافرترین سلاطین عباسی توصیف فرمود. سیصد سال بعد که متوکل جان و مال مسلمانان را بازیچه خود و اطرافیان قرارداد و بالآخر از همه برای سر کوبی

شیعیان که از سر قبر امام حسین، سر و رشه‌یدان الهام گرفته نهضت‌های علوی بر علیه خلفا را بوجود می‌آوردند، قبر امام را منهدم نمود، معلوم گردید چنانکه پیامبر گفته بود کفر این طاغوت بحدی زیاد است که حتی زوار رامی کشد و قبر سرور شهیدان را منهدم می‌نماید!

۱۹- خداوند در آیه ۸۰/۲ تبه‌کاران را وعده خواری و رسوائی در این جهان میدهد و حالا هر محققى از خود می‌پرسد برای بقایای رژیم پهلوی امثال دکتر علی‌امینی (بقول و اعتراف شاه، جانی کندی مقتول او را بعنوان نخست وزیرى تحمیل نموده بود) و هویدا (مأمور ساواک که در آمریکا بنفع امپریالیست و بزبان جمهوری اسلامی، سخنرانی و تبلیغات مینماید و دانشجویان معترض را بدست جلادان می‌سپارد) و پالیزبان و بختیار و ازهارى و اویسی و اردشیرزاهدی و... که در کشورهای بیگانه مثل میهمان ناخوانده چشم بدهان این و آن دوخته‌اند تا ببینند، جهان‌خواران برای زادگاه آنها چه توطئه‌ای تدارک دیده‌اند؛ چه خواری بالاتر از این قابل تصور میباشد؟!.

و نیز برای مزدوران استعمارچه خواری بالاتر از این که بنفع بیگانه در میهن خود ایجاد ناامنی میکنند و اگر بتوانند خود را بگردستان رسانده بلباس کردی درمی‌آیند و با پاسداران و سر بازان ایران، پیکار مینمایند!

۲۰- پیشوایان اسلام مژده میدهند که سلاطین ایران از اعتبار افتاده راه انقراض درپیش میگیرند (صفحات آخر منتهی الامال و صفحه ۲۷۳ غیبت نعمانی)... مرحوم سید محسن حکیم زعیم شیعیان، بیست سال قبل بعنوان تسلی بزوار ایرانی میفرماید «قرن ۱۴ ه. ق.، با آخر نمیرسد، مگر اینکه شاهنشاهی ایران برچیده

۱- برای استحضار از تفصیل صدها پیشگوئیها، تاریخ حیات پیامبر ﷺ

می شود ..

امام خمینی در ایام مهاجرت که کتاب ولایت فقیه را در عراق بیچاپ می رساندند در صفحه ۱۶۶ (طبع قم) می فرماید ما احتمالاً حکومت اسلامی تشکیل می دهیم!؟

و سرانجام در ۲۱ بهمن ۵۷ که دولت مزدور از ساعت ۴/۵ بعد از ظهر تا هشت فردا در تهران و نقاط دیگر اعلام حکومت نظامی نمود. امام خمینی از هم نشینان خود، خلوت نموده نمازی بجای می آورد و می گوید توطئه ای در کار است و رژیم، ساعات آخر عمر خود را می گذراند... مسلمانان بیدار باشند و خیابانها را تـرک نکوبند!! ۲۴ ساعت نمی گذرد که سلطنت سقوط میکند و بختیار متواری میگردد و آخر کار هم از تسامح دولت موقت یا از لطف او از مرز «بازرگان» ایران راترک میگوید. روایت نماز از استاد مطهری

همچنین قبل از درج نمونه‌هایی از آیات و احادیث در برگیرنده مسئله ولایت، توجه باین نکته درخور اهمیت میباشد. خداوندیکه آسمانها و زمین را بر مبنای عدل و حساب و میزان آفریده و این همه پیامبر را برای بقای توحید و گسترش عدل و آزادی مبعوث نموده است... پروردگاری که از يك طرف ختم شدن نبوت بوجود مقدس محمد ﷺ را بوسیله انبیاء با اطلاع بشریت رسانده و از طرف دیگر مفسد دستگاہهای رهبری زمانهای گذشته و آینده از قبیله گزرائی و استبداد و نژاد گزرائی و شاهنشاهی ویا گزینش رهبر بوسیله انتخابات رادیده و میداند!.. خداوندیکه میداند علاوه از عدم امکان آشنائی کامل انتخاب کنندگان از ماهیت انتخاب شوندگان، قدرت‌مندان و جنایتکاران بزرگ، راههای انتخاب شدن صالحان را می‌بندد... و آنگاه برای گزینش یکی از دو نفر کاندیدای خود دستگاہهای تبلیغات و ارتشاء و وعده و وعید بکار می‌اندازند!

و در نتیجه جنایتکاری برای ۴ یا شش سال یا برای همیشه نامام امور را قبضه میکند و یا مثلاً شرکتهای و شخصیتهای متنفذ برای تاخت و تاز و بهره‌برداری هر چه بیشتر، در هر دوره‌ای برای بریاست جمهوری رساندن نیکسون (آواره و اتر گیت) یا کارتر (مدعی دروغین حمایت حقوق بشر) یا رکالد ریگان (دلال اسلحه و حامی اسرائیل تجاوزگر) میلیاردها دلار بکیسه «مافیا» و گردانندگان فحشاء میریزند و در نتیجه حکومتهای فاسدی بوجود می‌آورند که تحت عنوان فریبنده حمایت از آزادی، دست و زبان آزادیخواهان را می‌بندند و شهد زندگانی را در کام مستضعفان، تلختر از زهر مینمایند.

۱- در ناسا بودن انتخابات همین بس که بمصداق قرآن؛ موسی عليه السلام آن هفتاد نفر بیشتر از قوم خود برگزید. ولی آنها هم سخن کفر آمیز گفتند! (۱۵۵/۷) برای اینکه معلوم شود سناتورهای ممالک مترقی! که در یکی دو قدمی ارتقاء ←

و همچنین آگاهی خداوند بمفاسد بيشمار حكومتها، ايجاب نمود که خداوند، آخرين فرستاده خود را بويژه آنگاه که اواخر عمر شريف راطی ميکرد ياد آوری نمايد که بفکر بشریت بعد از خود باشد. يعنی همچنانکه برای لشکر يا گروه تبليغی بزرگ يا کوچک رئيسی معين مينمود. برای مسلمانان، رئيس رهبر و مجری قانون معين کنده

همچنين بزرگترين پیام آور خود را که خود در اثر فساد دستگسايهای رهبری شهر و زمان خود و نیز بجرم نفي بت و طساغوت و اثبات خدا سخت ترين شکنجه ها را دید !..

پیامبر رحمت خود را که در اثر خودکامگی بزرگان، مدت ۳ سال گرفتار تحریم اقتصادی شده خود و باراش روزها و هفته ها با گرسنگی و قوت لایموت بسر آورده و عملاً و با تمام وجود سختی زندگی در زیر سایه حکومت ظلم و جور را لمس نموده بود! و بالاخره قانعترین و زاهدترین سفیر خود را که در مدت عمر و حتی در دوران نبوت و حکومت و رفاه نیز یکبار هم بحد سیری نخورد و ردی فرش نخوايد ولی با آن وجود پیوسته در مسیر تاخت و تاز گردنکشان و طرفانهای ضد-

— بمقام ریاست جمهوری هستند چه ماهیتی دارند و کدام ثروت را با کدام نیت صرف تبليغ مينمایند کافی است که با عمل یکی دو نفر از آنان که یکی دزدان موس و دیگری تاجر مر فین و هیر وئین است آشنا شویم: مطبوعات و رادیو تهران ۲۱/۲/۱۳۵۰ و برای اینکه بدانیم هر که پول بیشتر صرف تبليغات کند، اورئيس جمهور ميشود، کافی است که از مجله پیام، نشریه دانشجویان نفت، این حقیقت را بچوانیم که میگويد مك كاوردن رقيب نيكسون ۳۲ ميليون دلار خرج كرد! و باز شكست خورد باین حساب معلوم می شود نيكسون مفتضح و اثر گيت، بیش از او خرج کرده بوده است!

انسانی آنها قرار گرفته و در مدت ده سال حکومت اسلامی خود بیش از هشتاد جنگ را تدارك نموده و با دشمنان عدل و آزادی جنگیده است.

خداوندی که میدانست آبادی استعمار در ممالک اسلامی تا آنجا که از دستشان بر آید از رشد و پیشرفت اسلام راستین ممانعت نمایند و آنگاه هم که بفشار افکار عمومی و اقتضای زمان، دعوی مسلمانان میکنند، در فرصتهای ممکن، از دشمنان درین دروس اسلام را با تحریف میکشاند و ضربت بهائک بناصالت اسلام می زند؛ سفیر خود را امر نمود که علی علیه السلام و یازده فرزند او را برای در دست گرفتن زمام امور بمسلمانان معرفی نماید و از مردم پیمان بگیرد که از بیعت خود تاپای جان پاسداری نمایند!

خداوند در راه استقرار و اجرای احکام عدل و حیات بخش خود، بوسیله پیامبر پایان بخش، دوازده مرد معصوم را معرفی فرمود که آنها تا آنجا که امکانات فرصت دهد در تحقق عدل بکوشند و با تعیین و نصب حاکم و قاضی، از جانب خویش پایه ولایت فقیه را استوار و برای همیشه و بخصوص برای دوران غیبت کبری، رهگشای حکومت فقیه جامع الشرائط شوند (در مسائل الشیعه جلد ۱۸ بیش از ۵۰ فقره از نصب قاضی و حاکم از جانب ائمه اطهار که پیرامون آیات اجتناب از طاغوت، در آن محیط خفقان مبادرت بآن نموده اند موجود میباشد. ص ۱۶۰ ولایت فقیه امام خمینی)

خداوند دانا برای اینکه کوچکترین عذر و بهانه ای برای مسلمانان باقی نماند، در آخرین ماههای زندگانی پیام آور خود، سوره مائده را که مفسرین، آن سوره را مکمل قرآن و یا خلاصه و فهرست سوره های پیشین میدانند، نازل نموده پس از بیان لزوم و اهمیت رعایت عهد و پیمان که در رأس آنها عهد ولایت علی علیه السلام قرار دارد شمه ای از نعمتهای خود بمسلمانان و امام گذشته را گوشزد و

بعنوان انذار یادآوری مینماید که بهوش باشید که امم گذشته در اثر حسد و خود خواهی و اطاعت نکردن از «نقبا و اوصیاء» باچه سرنوشت ناگواری مواجه شده‌اند !!

پس بر اثر این مقدمات و بینش جهانی و نیز بر اثر آگاهی کامل از صلاحیت رهبری علی و یازده فرزند او علیهم‌السلام که او را از بیچگی برای این کار تربیت نموده بود! حضرتش را از اولین سالهای بعثت تا واپسین دم عمر معرفی میفرمود... در اینجا قبل از نقل آیات و اخبار، نکته‌ای چند قابل توجه پیروان تئوری حسبنا کتاب الله می‌باشد!

۱- میگویند چرا باید مانع آزادی مردم در انتخاب رئیس دولت بود؟ گفته می‌شود اگر از فساد دستگاه رؤسای دولتهای انتخاباتی که بانسدادهای باقتضاح کشیده که حتی هر بیچه دبستانی هم از آن سخن میگوید چشم پوشی کنیم. این حقیقت قرآنی ۱۲۴/۲ را نمیتوانیم نادیده بگیریم که در عظمت مقام رهبری مردم تذکر میدهد که ابراهیم علیه‌السلام پس از سالیان دراز که پیامبری نموده و از عهد امتحانات سخت برآمده بود با مامت منصوب شد!.. همچنین حضرت داود پس از آنکه قدم به میدان مبارزه نهاد و ظالوت را کشت بخلافت خدا رسید... یعنی بخود مردم واگذار کردن انتخابات رهبر که تنها با صلاحیت او، امور دنیا و آخرت مردم روح میگیرد و بسامان میرسد، و برعکس!!.. ظلم فاحش است

۱- بقول علامه مرتضی شبستری خداوند در اینجا سر دلبران در حدیث دیگران گفتن را مؤثر دیده است!.. سنت گزینش ۱۲ وصی برای پیامبر مثل سنت اوصیاء عیسی و موسی است. یعنی ای مسلمان بهوش باش که تنها تو نیستی که اوصیاء (دوازده گانه پیامبر بر تو رهبری دارند بلکه دوازده نقیب موسی و دوازده خواری عیسی هم همچنان بودند!)

و خداوند که از هر ظلمی مبری می باشد کار انتخاب رهبر را بخود اختصاص داده است!

۲- میگویند با وجود قرآن نیازی بانتصاب رهبر نیست در صورتیکه اگر منصفانه بنگرند تصدیق خواهند فرمود که بتصریح خود قرآن (۱۶/۴۴/۶۴) همچنانکه قرآن احتیاج داشت حضرت محمد صلی الله علیه و آله آنرا تبیین و تبلیغ کند و بمورد اجرا بگذارد همچنان نیز احتیاج دارد شخصیت‌های عالم و عادل و شجاعی همچون خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته باشند تا قرآن را بیان و تبلیغ و اجرا نمایند. باین توضیح که برای جلوگیری از اخبار کذب و جعلی سفارش فرموده اند اخبار را بقرآن عرضه کنند!

همچنین بروی همان منطق و اصلاتی که قرآن هشدار میدهد که چگونه و چرا باید کافر شوید در حالی که برای شما قرآن تلاوت می شود و رسول الله میان شماست (۱۰۱/۳). باید در هر زمان به همراه قرآن شخصی همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله که تاریخ جز ائمه اثنی عشر کسیرا سراغ ندارد وجود داشته باشد و گرنه برای مردم بعد از رحلت پیامبر ص این حق اعتراض باقی است که بگویند «خدا یا در سراسر قرآن فرمودی که پیامبر در میان شماست. از او بشنوید! فرمودی در مذاعات بر رسول اکرم مراجعه کنید... ما که با دسترسی نداریم!»

شاید بنظر بیاید که پس برای مردم زمان غیبت هم حق همچو اعتراضی باقی است که در پاسخ گفته میشود بعد از آنکه بوسیله یازده امام مدت ۲۵۰ سال بتمام پرسشها و اشکالات پاسخ گفته شد و بصورت کتاب درآمد و تکثیر شد، مسئله غیبت باین میماند که رئیس سپاهی تمام تجهیزات و دستورالعملها را بافسران مربوطه امثال امام خمینی بسپارد و بگوید بر طبق مقررات، حدود و ثغور را حفظ کنید. منهم تا زمانی که خدا بخواهد بطور ناشناس مراقب لشکر بوده کم و کسر ها را

رفع میکنم و روزی هم که ظاهر شوم خود فرمان بسیج همگانی را صادر خواهم نمود^۱

۳. میگویند اگر ولایت علی از جانب خدا و رسول بود چرا با استقبال اکثریت مواجه نشد؟ در این مورد هم اگر انصاف دهند مسئله را از قرآن جویا شوند که میگوید «ای حسرت بر بندگان که پیامبری بسوی آنها نیامد جز اینکه استهزا کردند - تکذیب نمودند و کشتند (۳۶/۳۰، ۲/۸۷...) خود تصدیق میکنند که اجتماعی که پدرانشان، پیامبران را مورد استهزا قرار داده‌اند فرزندانشان در پذیرفتن حق، از پدران بهتر نخواهند بود. نتیجه اینکه مرور زمان و کنار رفتن ابرهای کینه و حسد بود که عده شیعه انگشت شمار را بیک صد و پنجاه میلیون نفر رساند!!

۴. میگویند بهتر بود؛ که ما آزادانه رهبر خود را خود انتخاب می کردیم. گفته میشود آزادی عقل یا آزادی هوس و شهوت؟ واقعیت زیر را بعنوان مثال بخوانید تا معلوم گردد، کسانی را که خداوند بر رهبری انتصاب و انتخاب فرموده است، صلاح همگان در آن بوده است. معاویه از عقیل که از برادر خود علی علیه السلام قهر کرده پیش آورفته بود، داستان آهن کداخته علی را پرسید. عقیل بگریست و گفت قبلا واقعه دیگری را نقل کنم تا نبوت آن فرا رسد:

روزی میهمانی وارد منزل حسین پسر علی شد. حسین بجزازنان، خوردوشی

۱- ازینابیع الموده صفحه ۱۱۹ و ۱۳۴ و ۴۴۱ و کتاب علی و السنه و بحار الانوار

جلد ۵ اقتباس میشود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود «پاسداران وحی و رفع اختلاف کنندگان و حبل خدا و بیان کنندگان قرآن و مجریان آن، علی علیه السلام و یازده فرزند او میباشند که تا قیامت در میان شما هستند...

نداشت. حسین بقنبر گفت از عسلی که از یمن آورده اند يك فنجان باو بدهد. قنبر اطاعت کرد!

بعد، علی علت باز شدن سر ظرف را از متصدی بیت المال پرسید قنبر شرح داد. برادرم در غضب شده فرزند را احضار و تازیانه را بسوی او حواله نمود. حسین پدر را بحق برادرش جعفر طیار قسم داد، که علی قسم برادرش را رد نمی‌کرد!.. علی بحسین گفت چرا چنین کردی؟

جواب داد «آمدن مهمان و سهمیم بودن خود ما و شرط کردن اینکه طلب بیت المال را مسترد مینمائیم». علی گفت ای من بقربانت آنچه گفتی صحیح است اما نه پیش از بهره برداری سایر مسلمانان !!

اگر ندیده بودم که پیامبر بآن لبها بوسه میزند، ترا با این تازیانه میزدم !! آنگاه بقنبر گفت عسل بهتری بخورد و بیاورد... عسل را با انگشت خود باندرون ظرف فرو میبرد و می‌گریست و میگفت «خدایا از حسین بگذر که نمی‌دانست (یعنی از نظر زمان هم باید عدالت مراعات شود)

معاویه گفت ای عقیل از کسی سخن گفتی که هیچکس فضیلت او را افکار نمی‌کند! خدا علی را رحمت کند که بر پیشینیان سبقت گرفت و آیندگان را عاجز از آوردن مثل خویش کرد. حالا آهن گداخته را شرح بده

عقیل گفت «وقتی بسیار محتاج شدم، بچه‌های رنگ پریده را پیش علی بردم تا از بیت المال چیزی بگیرم! فرمود شب بیائید. شب رفتم فرمود اطفال کنار بروند! رفتند. آنگاه در تاریکی فرمود بگیر! خیال کردم کیسه زراست. دست دراز کردم، آهن گداخته دستم را سوزاند. مثل گاویکه زیر دست کشنده مینالد نالیدم. برادرم گفت ای عقیل مادرت بتوب بگرید. تراز گرمی آتش دنیا فریاد میاوری پس حال ما فردا در برابر زنجیرهای آتشین چگونه خواهد

بود؟ (قرآن آیه ۵/۱۳) ... معاویه بسیار متعجب شد و گفت هیهات. هیهات. زنان از آوردن مردی همانند علی نازا هستند (قضایاتهای محیرالعقول نوشته مرحوم سید محسن امین عاملی ترجمه زرندی ص ۲۸۱ بنقل از ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه جلد ۳)

۵- می پرسند فلان مطلب در قرآن آمده است یا نه اگر چه بمصداق آیه ۱۶/۸۹ تبیاناً لکل شیء... جواب تمام مسائل با اشاره یا تفصیل از قرآن سرچشمه میگیرد، باز خود قرآن دردها آیات که باند کسی از آنها اشاره میکنیم بیان و توضیح مطلب را بر سوا کرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ارجاع مینماید:

ما آتاكم الرسول فخذوه ... من يعص الله ورسوله ... وان تنازعتم - من يطع الرسول فقد اطاع الله ۷/۵۹ ؛ ۴/۱۳ و ۷۱ و ۳/۳۳ و ۲۴/۵۲ ، ۴۸/۱۷ و ۴/۱۴ و ۳۱/۳۱ بگوا که خدا دادوست دارید از من پیروی کنید.

که این ارجاع باخبار نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر آن میماند که کسی کتاب مفصلی در اقتصاد یا علم الاجتماع و غیره بنویسد و از دیدن اینکه کتابش گنجایش بیشتر ندارد خواننده را بخواهد بگیرد دیگر ارجاع نماید. قرآن در آیه ۲/۲۷۵ میگوید «احل- الله البيع. خداوند داد و ستد را حلال کرد. در حالیکه میدانیم رسول اکرم ص توضیح داده اند که معامله اسباب قمار و موسیقی و نیز فروختن اسلحه بهنگام جنگ، بدشمن حلال نمیشد. و موارد دیگر، امثال تعیین حد نصاب زکوة و غیره»

۶- میگویند خود قرآن برای رفع اختلاف کافی است. در صورتیکه این ادعائی بیمعنی میباشد. چنانکه حضرت صادق بآن مرد شامی که آمده بود بگوید با وجود قرآن چه احتیاجی بوجود امام هست؟ حضرت جواب داد اگر قرآن بتنهائی رفع اختلاف میکرد، اینهمه فرقه های اسلامی که بگمان خود از قرآن اتخاذ سند میکنند پیدا نمیشدند و حتی خود اختلاف است که شما را

بمدینه کشانده است (اصول کافی ج ۲ ص ۲۴) پس قرآن بداروخانه کاملاً مجهزی
میماند که جز پزشك متخصص کسی نمی تواند از آن در بهبود اجتماع بهره برداری
کند!...

۷- بعد از ایمان و اعتراف بکمال و سازنده بودن قرآن باین حقیقت میرسیم
که علمای اخلاق و تربیت اتفاق نظر دارند که تربیت از دوراه متصل بهم
بکمال میرسد یکی گفتن و دیگری عملانشان دادن در قرآن گفتنی ها بحد کامل
و کافی درباره نماز و روزه و ایثار و احسان و... گفته شده است حالا اگر این
دستورالعملها بعد از پیامبر ﷺ در وجود کسی به معرض نمایش نیاید، تربیت
بجائی نمیرسد و این نمایش در طول تاریخ بجز از وجود علی علیه السلام که قرآن
متجسم نامیده می شود و نیز فرزندان او، از کس دیگر دیده و مشاهده نشده است. این
اصل ترجمان قرآن بودن بخصوص با ستمگر درستیز بودن بحدی درائمه اطهار
جمع بوده و هست که تاریخ شهادت میدهد که خلفا برای اینکه هر چه بیشتر
خودکامگی کنند و بتوانند از دائره قرآن، پای فراتر نهند، قرآن شناسان و
اجرا کنندگان آنرا بعناوین مختلف و محبوس و مقتول مینمودند! و بر این مبنی
است که دیده میشود در قرآن بعد از لفظ جلاله کلمه ای بقداست و اهمیت ولی؛
هادی و خلیفه الله و اولو الامر پیدانمی شود! و حتی مقام اولو الامر بحدی رفیع است
که اطاعت از آنان با اطاعت از پیامبر مترادف شده است! (۵۹/۴) ... (بکلمه منکم
بیشتر توجه فرمائید)!

... مسئله ولایت امام معصوم و ولایت فقیه جامع الشرائط در رشد و آزادی
و سعادت امت اسلام بحدی مهم بوده و هست که دیده می شود در قرآن حتی به
روایت مورخین بزرگ اهل سنت، امثال خطیب بغدادی، ابن حجر، شبلنجی و
سیصدآیه در فضیلت علی اب الائمه علیهم السلام نازل شده است!.. (فضائل

خمسه جلد ۱ ص ۲۶۵).

بی تردید فلسفه اهمیت رهبر برای گذشتگان، مخصوصاً آنان که از نور ولایت بدور بودند چندان قابل درک نبود.

در حالی که چنانکه خود قرآن نیز پیشگوئی کرده که هر روز زمان اخبار قرآن را خواهید دانست، با گسترش وسائل ارتباط؛ پرده‌ها بگاز میرود و اهمیت مقام رهبر کشف می‌شود... بدین معنی که طبق مثل مشهور که می‌گوید «بارئیس کاروان ساخت و کاروان را غارت کرد»

استعمارگران باصید نمودن رؤسای سبک مغز و خود خواه کشورهای با جلب موافقت شاهان و اطرافیان، ذخائر مادی و معنوی کشورهای را غارت می‌کنند ولی کسیرا از ترس رهبر که اختیار سلاح و سپاه را بدست ناکسان و مستشاران استعمار سپرده است یارای اعتراض نیست^۱

۱- در زمانهای گذشته اگر مسلمانان می‌شنیدند که سران کشورهای اسلامی، اجتماع خواهند کرد تا درباره جلوگیری از مظالم و توسعه طلبی اسرائیل بحث کنند همه شادمان می‌شدند. در صورتیکه حالا مسلمانان با آشنائی بنو کبر استعمار بودن شاه حسین اردنی و شاه حسن مراکشی و اقران آنها پیش از تشکیل مجلس، میدانند که نیرنگ، یاداروی خواب آور دیگری در کار است که رهبران اسلامی!! بسود صهیونیسم و اربابان بخورد مردم می‌دهند. (دولتهای سوریه و لیبی و الجزایر و لبنان و فلسطین کنفرانس آذرماه ۵۹ وزیران اسلامی را که در اردن تشکیل می‌شد، از کار انداختند... یکی از ائمه جماعت مصر در نماز جمعه بجرم اینکه از مردم می‌پرسد، چرا مسئله پانصد جنازه سربازان مصری که از میدان جنگ عراق و ایران آورده شده‌اند پوشیده می‌ماند؟! بامر انور سادات رئیس جمهور گرفتار زندانی می‌شود. رادیو تهران ۲۹/۹/۵۹ ... همچنین بنزنجیر ←

از جمله سنن الهی که غیر قابل تغییر میباشد، یکی هم مسئله آزمایش
بندگان است حتی این آزمایش در عصر بعضی از پیامبران بحدی محسوس بوده
که در قرآن میخوانیم «به لشکریان طالوت قبلا اخطار می شود که خداوند شما
را بانهر آبی که در پیش است امتحان مینماید»...

و همچنین میخوانیم که حضرت موسی بدعوت خداوند، برای دریافت
احکام والواح تورات بمدت یکماه از میان امت غائب شد و در عمل، غیبت او ده
روز دیگر نیز ادامه یافت.

در این موقع سامری از فرصت استفاده نموده گوساله‌ای ساخت و بیخبران
بازیخود را بتعظیم و عبادت در برابر آن تشویق، و موفق شد اکثریت قوم را از
صراط ترحید منحرف کند!..

حضرت هارون برادر موسی علیه السلام هر چه در وعظ و اندرز التماس و اصرار
نمود بجائی نرسید. چه که مثل او در میان قوم جاهل و بیخبر مثل عقل بود که در

← وزندان کشیده شدن بیشتری از خطبای اسلامی (وقفهم الله) که در دولت
ملك قابوس و ملك خالد و ملك حسن و ملك حسین و سوهارتو و بیرك كارمل و و
بمنفع جمهوری اسلامی سخن گفته‌اند، بر مبنای اینست که زمامداران خود سر
نمیخواهند، زلال اسلام راستین که بعنوان الكورمدل در جمهوری اسلامی مورد
عمل قرار گرفته است، بدیگر نقاط سرازیر شود.

ایام تسلط و چیرگی حرص و شهوت و تفرعن؛ ناله‌اش بجائی نمیرسد!...
 همینکه حضرت موسی علیه السلام بر گشت از برادر خود بازخواست نمود که
 چرا جلوی کفر این قوم را نگرفتی؟

جوابداد ای برادر بدرستی که قوم مرا مستضعف نمودند و نزدیک بود
 بقتل برسازند! از آن طرف خداوند ضمن تعیین کیفر قوم، به حضرت موسی علیه السلام
 وحی نمود که ما، در غیاب تو قوم را آزمودیم. (قرآن ۲/۲۴۹ و ۷/۱۵۰ و ۲۰/۸۵)
 تاریخ اسلام میگوید امت اسلام نیز تقریباً باهمچو آزمایشی مواجه گردید
 که رعایت اختصار و رعایت اینکه مبادا شیطان بزرگ سوژه و درخنده‌ای برای
 ایجاد اختلاف پیدا کند از شرح آن میگذریم همینقدر میگوئیم که به محض
 رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سوسه و فتنه سامری که در بالا گفته شد بنحوی مشابه در
 امت اسلام، اتفاق افتاد. علی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مقام و موقعیت او را نسبت بخود
 بمنزله مقام و موقعیت هارون نسبت به موسی ع توصیف کرده بود، در آن تنگنا
 که در چنگال فرصت طلبان در مانده بود و اندرز و التماسش بجائی نمیرسید روی
 بقبر پیامبر ص نموده بسوزدل همان سخنی را گفت که هارون بسوزدل به موسی ع
 گفته بود (ان القوم استضعفونی و کادوا یقتلونی ۷/۱۵۰)..

۱- از سر منافقین باید بر حذر بود. سامری اگر آشکارا مخالفت خود را با
 حضرت موسی علیه السلام اعلام مینمود؛ صرف نظر از اینکه کسی زیر بار او نمی‌رفت
 بلکه بسیار امکان داشت که مؤمنین آن روز، او را مطرود یا مقتول نمایند. امروزه
 اکثریت مزدوران استعمار بفرمان اربابان؛ بکار بردن آیه قرآن در «آرم» سازمان
 مربوطه و سخن گفتن از علی و فرزندان او علیه السلام و اظهار آشنائی با فلان عالم و
 فلان رئیس و نماینده، خود را مسلمان معرفی مینمایند ولی در عمل به مصداق
 قرآن، از کافر هم خطرناکتر و با آتش خشم خدا نزدیکتر هیبانشند ۴/۱۴۵

حال که کلید درك تشابه و تطابق رویدادهای امت موسی عليه السلام با امت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بدست آمد و نیز پیدا شدن فردی یا افرادی در اسلام و منحرف نمودن و کشاندن مردم از درمدینه علم پیامبر « بدر کسانی که یکی «اقیلونی، اقیلونی... گفت و آندیکری در محاجه با پیره زنی در ماند و اعتراف نمود که «کل الناس افقه من... حتی المخدرات فی الحجال».. بدست آمد و گوشه‌ای از پیشگوئی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که فرموده بود آنچه در بنی اسرائیل اتفاق افتاده در امت من نیز «حذ والنعل بالنعل» اتفاق خواهد افتاد؛ مسلم گردید، برای پی بردن به کمال رحمت خدا که همیشه باب هدایتش بر وی جویندگان باز بوده است. گوشه‌هایی از آیات و تفاسیر مربوط با حکام ولایت را مورد مطالعه قرار میدهیم و از خداوند منان مسألت مینمائیم ما را از تعصب و تقلید کور کورانه و از جهل و غفلت نجات و بر راه پژوهش و حقیرستی هدایت فرماید.

۱- از موجبات تشویق پیشوایان نسبت بتلاوت قرآن و مورد تدبیر قرار دادن آن، یکی هم اینکه آدمی از آشنائی با واقعه جهانسوز بت سازی سامری در بنی اسرائیل، پی میبرد که در اسلام نیز سامریهائی پیدا میشوند و مردم را بگمراهی میکشاند... جنازه پیامبر را ترك و در پی ارضای مطامع جاه طلبی میروند. سفارش امام خمینی را در دامن نزدن با تشیخ اختلاف نادیده میگیرند و صحنه‌هایی بوجود می‌آورند که باعث ملال خاطر امام و مسلمانان میشود!

پس از ۶ ماه از انتخاب نخست وزیر لایقی مثل جناب محمد علی رجائی (با وزرای کارآمد و مکتبی) با وجود توصیه‌های مکرر امام خمینی و مجلس شورای اسلامی و آیه الله منتظری، وزارتخانه امور خارجه و دارائی و چند وزارتخانه دیگر را بدون وزیر، بحال خود باقی میگذارند و هر وزیر برای وزارتخانه‌های مزبور از طرف نخست وزیر پیشنهاد می‌شود، رد مینمایند و در جواب نامه اعتراض آمیز ←

محرمانه که ریاست طلبان و صاحبان اغراض را حوصله بررسی و امکان تخریب و یا از بین بردن آن نبوده و نباشد، در لباس نقل نکات تاریخی، آینده امت اسلام را پیشگوئی و از آنجا بطرزیکه عرب آنرا به «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره» و فارسی زبانان به «در بتمو میگویم و دیوار تو بشنو» تمثیل میزنند؛ وقایع گذشته را در قالب آینده میریزد و در فرصتهای مناسب تذکرات لازم را ایراد مینماید.

۱- خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار داده میگوید اگر شرک بورزی اعمال تباه می شود - یا می گوید میان مردم بحق حکم کن و تابع هوای آنها مباش و بیندیش که مبادا ترا فریب دهند و در پاره ای از احکام تقاضای تغییر و تبدیل نمایند، اگر بآراء آنان اندک تمایلی نشان میدادی دو برابر در دنیا و دو برابر در آخرت عذابت می چشاندیم! که بدیهی است نه رسول اکرم ص شرک می ورزید و نه تابع هوای آنها میشد و نه تمایلی نسبت بمشرکین مینمود؛ بلکه همه اینها

← ۱۷ و ۱۹ شهریور ۵۹ بتلقین دشمنان و منافقانی همچون سازمان مجاهدین خلق، دولت و متصدیان را بداشتن چندین نوع زندان و وجود شکنجه در آنها متهم نمود! که خلافتش ثابت شد! خود دستور داده بوده که مخالفان او را در دانشگاه مورد ضرب و شتم قرار دهند!

اگر امام، مسلمانان را امر بتحمل و حفظ آرامش نداده بود. در این که از سال ۱۳۴۱، از اولین قدم نهضت و انقلاب امام خمینی تا امروز چه رفتار خصمانه و خیانت از ناحیه کمونیستها و چریکهای فدائی خلق و سازمان مجاهدین خلق و نهضت آزادی و جبهه ملی و فتوایها و لیبیرالها و ساواکیها و گروه فرقان نسبت به اسلام سر زده است، مسلمانان گفتنی ها و نوشتنی های زیاد داشتند؟! وجعلنا الاغلال فی اعناق الذین کفروا... و ما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال مترفوها انابما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر اموالا و اولاداً و ما نحن بمعذبین...! ۳۴/۳۵

هشدار بود بمسلمانان که بصیرت بیشتر بکار بندند تا سامریها پیدا نشوند و فساد و تباهی بیار نیارند!

۲- گاهی از شیطان و آدهیان شیطان نما که نقاط ضعف هر کس را از شهوت و شهوت و ریاست طلبی و حرص و آز و حسد می دانند و از نقاط مزبور که من میکنند، سخن به میان میآورد و هشدار می دهد که مباداپس از رحلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عقب گرد کنید و سنتهای جاهلیت را احیاء نمائید! مبادا وصایای خدا و رسول ص را راجع بوصایت که ولایت فقیه شاخه ای از آنست از شما بگیرند و عواقر بیانیه مسئله شوری را که در برابر نص، اثری ندارد، جایگزین آن کنند. آنهم شورائی که دیده شد در مرحله نخست بیش از ۳-۴ نفر و در مرحله ثانوی بیش از شش نفر عضو نداشت و اخذ رأی هم در هر دو مرحله در محیط رعب و در زیر سایه شمشیر بعمل آمد و معلوم نشد چرا اولی ره صلاح را در تعیین جانشین دید و دومی در احاله بشورای کذائی؟!...

۳- خداوند با تعلیم دادن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که بگوید خدا یا بمیزان علمم بیفزای بسامت او بیفهمانسد که تاملیتوانید در دین تفقه و تعلم کنید! مبادا که آدم فریبان از صراط حق منحرفتان نمایند...

۴- درمآئده، آخرین سوره قرآن گفتگوی دوپسر حضرت آدم را که در اوائل پیدایش بشر اتفاق افتاده است مطرح نموده می گوید مبادا بتأثیر رشک بر ائمه اطهار راهی در پیش گیرید که قابیل بتأثیر رشک و خودپرستی در پیش گرفت و بجای استفاده از فضیلت و تقوای برادر، او را بقتل رساند و آنگاه پشیمان گردید که چرا بانداشتن دانش و تقوی در صدد همچشمی و رقابت با برادر در آمد و رسوای جهان شد!...

۵- در اول وائنای این سوره رعایت عهد را گوشزد فرموده سپس عواقب

سوعییمان شکنی اقوام گذشته رامی شمرد و هشدار میدهد که شما باید بعهده و پیمانی که با خدا و رسول او بستید و بصدای بلند (در غدیر خم) گفتید «شنیدیم و اطاعت نمودیم» استوار باشید... (حتی بر ادران اهل سنت مینویسند که شیخین و دیگران «ره» در همان صحرا در برابر علی عليه السلام سر تسلیم فرود آوردند و ولایتش را تبریک گفتند. ینابیع الموده و بشرح ابن ابی الحدید)

۶- قرآن هشدار میدهد که اگر پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله قومی از شما از دین خود برگردند، خداوند قومی را وارد اجتماع مسلمین می کند که آنها را دوست دارد و ایشان هم خدا را دوست میدارند؛ نسبت بمؤمنین، فروتن و خاضع و برای کافران؛ شدید و سرسخت میباشند. (دعوت شدن اعضای جنبشهای آزادیبخش اسلامی از سراسر جهان و نیز در سرآمد دومین سال پیروزی اسلامی، دعوت شدن اولاد و بستگان شهدای مسلمانان فلسطین، لبنان، اریتره و عراق و... و مسورد محبت قرار گرفتن آنها از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی و دست نوازش کشیدن امام خمینی بر سر ایتمام آنها و بالاخره دست رد زدن امام خمینی بسینه آمریکا که در جریان کردگانگیری جاسوسان، فرستادگان آمریکا را پذیرفت و ملاقات با آنها را نیز تحریم نمود پیشگوئی رسول خدا را که در ذیل آیه ۵۴/۵ بجناب سلمان فارسی بشارت داده بود که مقصود از قوم جدید، همان هم میهنان ازمیباشد، جامه تحقیق پوشاند (تفسیر جوامع الجامع). ۱۲ خداوند در قرآن بسا طرح ما حاصل گفتگوئی که با حضرت ابراهیم نموده و جداً با او پاسخ داده است، که حکومت الهی بکسی که لکه ای از ظلم یعنی شرک و بت پرستی و رباخواری و وادمان داشته باشد نمیتواند مجری احکام خدا باشد، راه حکومت حضرات معصومین و ولایت فقیه را افتتاح مینماید.

۱۳- خداوند به پیام آور خود، دستور می دهد که بگوید اگر دعوی ایمان و

دوستداری خدا می‌کنید از من (بخصوص در مسئله ولایت ائمه که دو مین ثقل و دبعه من میباشند) پیروی نمائید تا خدا دوستتان دارد، ۱۳/۳.

۱۴- خداوند با طرح مسئله تداوم مخالفت و خشونت ملت‌ها در مقابل پیامبران که بطور کلی آنها را مورد استهزاء قرار میدادند یا متبکرانه تکذیب میکردند! و می‌گشتند و حتی بخود رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میگفتند تو پیامبر نیستی (۳۶/۳۰ و ۸۷/۲ و ۴۳/۱۳) ... امامت اسلامی گوشزد میکند که گردنکشان و منافقان که دل قرآن و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دست آنها غمگین و نالان و صفحات تاریخ از شیطنتشان خونین است؛ باین آسانی تن بقبول امامت علی و فرزندان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، نخواهند داد. بهوش باشید. تا آلات دست نشوید!

۱۵- قرآن با گفتن اختلافات یهود و نصاری که هر يك به بیش از هفتاد فرقه تجزیه شدند، یادآوری میکند که مبدا وصایت و رهبری امام منصوص را فراموش کنید ... مبدا مثل گمراهان، خدا را فراموش کنید و در نتیجه آن، بیلای خود فراموشی و هلاکت مبتلی شوید! خداوند در پرده تاریخ، اهل کتاب را که پیمان شکنی کردند و بعد از دائمی نسبت بیکدیگر محکوم شدند، مسلمانان را از ابتلا بسر نوشت آنان بر حذر میدارد.

۱۶- قرآن با طرح نمودن مسئله تقاضای حضرت عیسی و نزول مائده بر امت او، تذکر میدهد که مائده ناپایدار آنها که روز نزولش را عید گرفتند، در برابر عظمت نعمت اکمال دین که با تعیین خلیفه اعلام گردید، و نیز در برابر منافع ولایت که تسا روز رستاخیز استمرار خواهد داشت و حافظ سعادت همه مسلمانان و بلکه عالمیان خواهد بود بمثابة قطره در مقابل دریا میباشد، بهوش باشید جشن ولایت و میثاق را که سر آغاز آن در میان یکصد هزار حجاج در غدیر خم هیجدهم ذی الحججه بر گزار شد فراموش ننمائید!

۱۷- قرآن مؤمنان را با ایمان و تقوی و بدست آوردن وسیله، امر میکند و آنگاه علی از پیامبر صلی الله علیه و آله طی حدیث مفصلی نقل میکند «وسیله مورد نظر خداوند، محمد ص و اهل بیت او میباشد، تفسیر جوامع الجامع طبرسی!»

۱۸- خداوند در قرآن کسانی را که بر طبق فرمان او حکم نکنند، از هر گروه و ملت باشند، کافر - ظالم - فاسق میخواند و بدان وسیله قبل از وقوع و قبل از ریشه دواندن و بقدرت رسیدن حکومت‌های زور علی‌رغم متملقان که این قبیل زمامداران را القاب عالی و مشعشع، مثل امیر المؤمنین، سایه خدا، یمین الدوله، کبیر و آریامهر و آثار ک و و میدهند، یادآوری مینماید که فریب لقب را نخورند! (نویسنده کتاب، تنها عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای دوره طاغوت را که بتوافق و کلای بی‌موکل مجلس! بمحمد رضای خائن و جلاد، لقب آریامهر یعنی خورشید شرق داده بود معرفی کرده پیدا نمودن کسانی که مولوی‌ها و سعدی‌ها بآنها و امثال آنها لقب «سایه خدا» داده‌اند بهمت و «جرأت» خواننده‌ها گذار می‌نماید)

۱۹- خداوند در سوره مائده با تذکر دادن اینکه در بنی اسرائیل پیامبران و ربانیون را مأمور حفظ و حراست و تبلیغ تورات نموده بود. عنان سخن را بتلویح متوجه امت اسلام کرده میگوید بهوش باشید ریاست طلبان و پیشقاران بخوردتان ندهند که قرآن بمحافظ و معجری پاک و دانا و زاهد احتیاج ندارد. بهوش باشید که با وجود تسلسل انبیاء و با وجود محافظانی از اخبار و ربانیون بوالهوسان دست بتخریب کتب آسمانی گشودند و حالاً نوبت قرآن میباشد. و اگر چه من خدا مصونیت و ابدیت آنرا تضمین نموده‌ام باز بیدار باشید که در معانی آن تحریف نمایند و خود خواهان را به مستند «اولی الامر قرآن» نشانند!

۲۰- خداوند با طرح سر نوشت کفران یعنی پنهان کنندگان حق تذکر

میدهد که اگر کافران، مضاعف ثروت زمین را هدیه بدهند تا از کیفر کتمان حق نجات یابند، باز تو امید خواهی بود... حلالهیت منتخبت کنفرانس طائف، ۳ بار برای ایجاد صلح، آنهم پس از شش ماه از برای افتادن سیل خون در ایران و آواره شدن دو میلیون ایرانی، بتهران آمده در هر بار با شروط مستدل امام خمینی (خروج دشمن متجاوز از ایران - معرفی متجاوز - محترم شمردن قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزائر) مواجه شده بر گشتند. آنها بتوصیه زمامداران ممالک اسلامی و ادبایشان آمریکا، برای اینکه پس از برگشت خود و خبرنگاران همراه، از طرف ملت خود، مورد سؤال قرار نگیرند که صدام حسین چقدر تجاوز کرده و در نقاط اشغالی بچه جنایات ناگفتنی و توصیف ناپذیر مرتکب شده و در عاجز شدن از رویارویی با رزمندگان اسلام؛ چگونه برخلاف اصول بین‌المللی، مساجد و مدارس و بیمارستانها و مساکن غیر نظامی را بتوپ بسته است، از رفتن و دیدن نقاط تخریب شده، خودداری و کتمان حق نمودند. چه که میدانستند اگر بروند و ببینند، خواه و ناخواه باید مثل فرستادگان صلیب سرخ جهانی، اعتراف کنند که رژیم عراق، در جنایت روی هیتلر را سفید و فاجعه و یتنام را تجدید نموده است!

۲۱ - خداوند با گفتن اینکه بینی اسرائیل پیامبران فرستادیم و مؤمنین یهود را بجای فراغنه، فرمانروائی دادیم (۲۰/۵)، گوشزد میکند که در میان امت اسلام هم که آخرین امتهای می باشند اوصیاء و فرمانروایان نصب نمودیم. مبادا بزور شمشیر بشما تحمیل کنند که پیامبر جانشین و حاکم معین نکرد و اگر کرد خدا نخواست!!

۲۲ - خداوند با گفتن از در بدوی اهل کتاب که اگر بکتب آسمانی عمل میکردند از کمال نعمت و رفاه برخوردار بودند، مسلمانان را از خلافتکاری و خود سری بر حذر میدارد (۶۶/۵) و در آیات دیگر نیز گوشزد میکند.

۲۳- خدا و رسول ضمن توصیه و تأکید بر لزوم و وجوب اجتماع مسلمین، امر میفرمایند که نمازهای یومیه و بخصوص نمازهای جمعه و اعیاد را بجماعت ادا کنند تا امید دشمن مبدل بی‌أس شود. آنگاه عدالت امام جماعت را که باید شخصاً عادل و از طرف فقیه جامع الشرائط منصوب شده باشد، شرط صحت نماز دانسته هشدار میدهند که بهوش باشید امثال ملك خالد و ملك حسن و ملك حسین و انور سادات و صدام حسین و گاشتگان آنها، بلیاس پیامبر ﷺ در آمده تحت الحزنك بیندازند و پیشنمازی کنند که این چنین نماز جماعتی بجای اینکه داعی بر دل دشمنان بیندازد، عملاً موجب نشاط آنها میشود. زیرا آنها میدانند اجتماعی که در صف مقدم آن، نماینده آنها و بخصوص صدام حسین یا نماینده او باشد که از دیر زمانی با صهیونیسم همکاری دارد یا کنفرانس طائف که در باطن بر رهبری کیسینجر یهودی الاصل و نماینده ریگان و در ظاهر با حضور سران ممالک اسلامی تشکیل یابد زیانی بآنها نمیرساند. (از روزنامه کیهان ۱۹/۲/۶۰ و خطبه حجة الاسلام سید محمد امینی از پیشوایان اهل سنت (و فقههم الله لما یحب و یرضی) که پیش از نماز جمعه در سنج ابراد فرمود استفاده شد.)

متأسفانه دهها از این قبیل سفارشهای خدا و رسول ﷺ را گروهی مورد بی‌اعتنائی قرار دادند و گروه میانه رو هم در عین اینکه حق را از آن علی ﷺ میدانستند، از بیم اینکه مبادا اختلافات اوج بگیرد و منجر بشکست اسلام شود، از شدت عمل در مقابل ریاست طلبان، خود داری و بدنبال زودباوران هوی پرست؛ کم کم بدستگاه جذب شدند... کار بجائی کشید که گفته شد «نتیجه آنهمه سفارش خدا و رسول ﷺ درباره اطاعت و گرامیداشت اهل بیت ﷺ باین تزییقات و قتل و کشتار منجر شد! خدا می داند که اگر سفارشی در میان نبود به کجا منتهی می شد؟!»

دیری نگذشته بود که همه منافقانی که پیامبر رحمت ص از تجسم خطرات آنها رنج میبرد و میگریست (فضایل خمه ج ۳ ص ۵۴) مشیر و مشار دستگاه شدند! حتی پسران بزرگترین کافران (ابوسفیان) که خواه و ناخواه پس از فتح مکه تظاهر باسلام نموده بصف منافقان پیوسته بودند، یکی پس از دیگری در شام یعنی مهمترین و حساسترین ولایات اسلامی بحکومت و ولایت رسیدند! و خلیفه هم از دیدن شکوه و تجمل او (معاویه) بکسرای عرب ملقبش ساخت!

دیری نگذشت متملقانی مثل ابو هریره که از کثرت خبرسازی و دروغپرازی بیازرگان حدیث مشهور شد مأموریت یافتند فضائلی را که زبان وحی در وصف اهل بیت ﷺ بیان نموده بود؛ متوجه دشمنان آنها نمایند! یعنی حق را باطل و باطل را حق جلوه دهند!

دیری نگذشت کتاب ضخیم و چند جلدی صحیح بخاری و صحیح مسلم متوفای ۲۵۶ و ۲۶۱ که از مهمترین کتب برادران اهل سنت میباشد، تألیف شد که بهتر است برای استحضار از نحوه عمل کرد آنها که غالباً رضای جهال متعصب را بر رضای خدامقدم داشته اند، بعنوان مثال حدیثی را از زبان آنها استماع

نمائیم و بدانیم که آنجا که پای منافع اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یعنی مستضعفین به میان می‌آید، سفارش پیامبر از قلم می‌افتد و فراموش می‌گردد!

و اینک نمونه‌ای از زبان بخاری و مسلم: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۳ وصیت فرمود:
 ۱- مشرکین را از جزیره العرب بیرون کنید. ۲- با وفود و جمعیت‌های وارده خوش-رفتاری کنید همچنانکه من از آنها پذیرا میشدم و گرامی میداشتم ۳- وصیت سومی فراموش شد!! (اقتباس از ص ۲۴۰ خلافت و ولایت از نظر قرآن و سنت از انتشارات حسینیة ارشاد نهران). برای استحضار بیشتر بکتاب «سیری در صحیحین و تشریح و مجامع در تاریخ آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نوشته مرحوم قاضی بهلول بهجت آفندی که می‌گویند (بجزای نوشتن کتاب مزبور) بقتلش رساندند مراجعه فرمائید! (اوقبل سنن حنفی... بعد بمذهب شافعی گرویده بود).

از همان آغاز عهد شکنی که مرکز آن سقیفه بنی ساعده بود فتنه‌هایی برانگیخته و آتشهایی افروخته شد که حتی نویسندگان متعصب برادران اهل سنت مثل ابن قتیبہ دینوری هم نتوانست از کنارش بگذرد و بی‌اعتنا باشد (الامامة والسياسة ص ۱۹)

یا مورخین دیگری مثل ابو مخنف نتوانست در فاجعه کربلا شعله‌های آتش خیمه‌های امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام را که همان خیمه‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود بپوشاند!
 از همان اول کار، زورورز وارد میدان شده قلم نویسندگان بزرگ امثال طبری و ابن حجر و ابن عساکر و سعدی و مولوی و وورا زیر سلطه خود در آورده! طبری در تاریخ خود صراحة فرمایش پیامبر ص را که در سال سوم بعثت، بزرگان قریش را بخانه خود دعوت و برائز انکار آنها و قبول علی عَلَيْهِ السَّلَام آنحضرت را برادر و وزیر و وصی و خلیفه خود معرفی نموده اطاعتش را واجب شمرده بود، ثبت میکند (جلد دوم ص ۶۳ طبع دوم قاهره) ولی بعدها آسیب پذیر میشود و

در تفسیر خود همیشه بآیه انذر عشیرتک الا فرین میرسد، میگوید پیامبر ص در آن مجلس گفت «این علی برادر من و کذا و کذا یعنی چنین و چنان - و بدین ترتیب نویسندگان دیگر هم که بعد از او (متوفای ۳۱۰) قلم در دست گرفته‌اند، جز اندکی همه قول مبهم او را دنبال و تکرار کرده‌اند!

محمد حسین هیکل در طبع نخستین کتاب حیات محمد، مسئله فوق‌الذکر را با تمام سخنان حضرت رسول راجع بوزارت و ولایت و خلافت و برادری علی یادداشت می‌کند ولی در چاپهای بعدی، گویا استعمار مصلحت نمی‌بیند و او هم وصایت را حذف می‌نماید.

ابوالقاسم فردوسی ولایت حضرت و ولای متقیان علی را کردن می‌نهد ولی بجای اینکه قرآن را مورد تعمق و تدبر قرار دهد که کتاب خدا، پادشاهان و شاهنشاهی را وسیله خرابی بلاد میدانند، شاهان راستایش می‌کند و بجای اینکه یادده امام دیگر را بمردم بشناساند، شاهان و عیاشی‌های آنها را بمردم باز گو می‌کند... دامنه سخن را با آنجا میکشاند که میگوید

دو گوهس بود در یک انگشتری
روان و خرد را به پی افکنی
که نفرین بود بر تو تا رستخیز
و گر گشته یابد ندرد پلنگ
ستایش با آفاق موجود گشت
بدین محمد صلی الله علیه و آله گراید صلیب!

چنان دان که شاهی و پیغمبری
از این دو یکی را همی بشکنی
... تو گر بنده‌ای خون شاهان مریز
... ز خون شهان شرم دارد نهنگ
... چو تاج سخن نام محمود گشت
زمین چو محمود گوید خطیب

(محمودی که مظلوم خود و کماشته‌گان او روی انسانیت و تاج و تخت را سیاه کرده است) فردوسی چنان شیفته جایزه و انعام شاه شده است که با وجود دعوی اسلام و تشیع داشتن حمله اعراب را که آنها زلال اسلام را به همراه آوردند و تاحدی زندانهای

خدایگان شاهنشاهی و جمود فکری را شکستند، بدیده منکر مینگرد و میگوید:
 ز شیرشتر خوردن و سوسمار - عرب را بجائی رسیده است کار که تاج کیانی
 کند آرزو - نفوبر توای چرخ گردون تفوو..

حالا مقیاس و اختیار باخر دمنندان است که متر از کنند که فاصله اسلام با
 شاهپرستی و ملی گرایی که موجب سرودن اشعار فوق شده و در نتیجه تنویم، خواب
 هزار ساله پیش آمده است، چون و چند میباشد!

فرید و جدی دائرة المعارف اسلامی مینویسد و در آن از هر کسی که
 مختصر شهرتی دارد نام میبرد ولی از ذکر بیشتر ائمه حق که بقول فرزدق شاعر
 در بار مروانی مکه و حرم و در و دیوار آن؛ ایشان را می شناسند و یا بقول خراسانیان
 حتی آهوان صحرا آنها را دوست دارند و در گرفتاریها از حضرشان ضمانت و
 استعمداد می طلبند، بی اعتنا میگردد!

مصلح الدین سعدی در قرن هفتم در اکثر بلاد آباد آنروز بسیر و سیاحت
 می پردازد و تعلیم و تعلم مینماید و بقول خودش شهرت جهانی بهم میرساند ولی با
 وجود مدتها اقامت در بغداد و دمشق، از طوفان کربلا و از اسارت اهل بیت بشام
 که قبر رقیه دختر امام حسین علیه السلام در آنجا زیارتگاه مسلمانان و حتی بیکانگان
 است چیزی نمینویسد!...

بادیوان اشعارش برای قدیم و معاصر انس میگیرد ولی کمیت را که شهرتش
 جهان عرب و بخصوص عالم شیعه را فرا گرفته بود و سرانجام نیز بجرم دوستازی
 اهل بیت پیامبر و ستودن آنها علیهم السلام بقتل رسید، نمی شناسد!

سعدی از قتل المستعصم آخرین خلیفه عباسی بدست هلا کو خان، خلیفه ای که
 خود و آبا و اجدادش جهان را بر اهل بیت پیامبر و شیعیان آنها و همه مستضعفان
 تنگ و تاریک نموده بودند متأثر میشود و قصیده غرائی در رثاء او بمطلع: «آسمان

را حق بود گر خون بیار در بر زمین - بر زوال ملک مستعصم امیر المؤمنین، می سراید...
استاد سخن ادر قافیه پردازی چنان اوج میگردد که میگوید «اگر سلسله نبوت
بامصطفی صلی الله علیه و آله ختم نشده بود، آن «دومی» لایق پیامبری بود...

جلال الدین محمد مولوی با آن همه شهرت آشنائی با قرآن، بر خلاف نظر
خداوند که فضیلت را از آن شهدا و مجاهدان فی سبیل الله میداند بعد یا تحت
اجبار، آن «یکی» را امیرالمحشرین یعنی فرمانده دنیا و آخرت میخواند و بقامت
«آن خانم» جامه‌ای از قداست میپوشاند که کسی اگر مطالعاتی در تاریخ اسلام
داشته باشد از خود می‌پرسد آیا این قدسیه که مولوی بر قامت او عالیترین پیراهن
تقوی میپوشاند و میگوید او نخواست، مردنایینا حتی صدای او را بشنود، پیشاپیش
سی هزار مرد کافر بر شتر قوی همگلی سوار نشد و بجنگ حق نرفت؟!!

مولوی بدون توجه بساینکه در جنگ جمل وصفین و نهروان؛ با اصطلاح
یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که بروی امام حق و اصحاب حق شمشیر کشیدند و
جویهای خون جاری ساختند؛ حدیث جعلی را مطمح نظر قرار میدهد که پیامبر ص
فرمود «اصحاب من همچون ستارگانند از هر يك از آنها پیروی کنید هدایت
یافته‌اید... از مثنوی چاپ نیکلسون استفاده شد (دفتر ششم صفحه ۱۰۸۰ و
ص ۱۱۴۴ بیت ۶۸۶ - دفتر اول بیت ۶۲۲ - دفتر سوم ص ۵۴۱ - پنجم ص ۱۰۰۷
دفتر چهارم ۶۵۲

میرخواند مؤلف تاریخ حبیب السیر نیز لیاقت پیامبری داشتن «فلان» را که
سعدی بنظم آورده است بنثر نقل مینماید.

در اینجا در توضیح اینکه نظر نویسنده جز نشان دادن محیط خفقان که در
آورد طواغیث بوده و هست و نیز جز نشان دادن اینکه قرآن حکیم چگونه بر قلوب
واعماق اجتماعات آشناست که شعرای غیر مسکتین را پیشوایان گمراهان مینامد

چیز دیگری نمی باشد (۲۶/۲۲۴)

... میگویند در اوج بیدادگری و کشتار اسماعیلیان بسر کردگی حسن صباح دانشمندی بود که پس از آنکه مدتها پیوسته از خرابکاری اسماعیلیه سخن میگفت بناگاه دم در کشید و مطلبی از آنان بمیان نیاورد. و انتظار مردم نیز بجائی نرسید. روزی علت سکوت رامحرمانه جویا شدند جوابداد «برهان قاطع نشان دادند، سکوت کردم!» بدین معنی که شب بخانه اش ریخته خنجر در گلویش نهاده بودند که گمان مکن که، برهان قاطع نداریم!...

نتیجه اینکه از گروه نویسنده و شاعر غیر مکتبی که مخصوصاً شعرا برای ابراز کمال وابستگی بطاغوت، از کلماتی مثل شاه، شهریار، سعد، خاقان، قآن معز و غیره تخلص انتخاب میکنند، نمیتوان انتظار خدمت بجامعه و مسیر انقلاب داشت. تنها سالکان راه حق یعنی دلدادگان مکتب اهل بیت اطهار علیهم السلام امثال شهدای ثلاثه مشهور (محمد بن جمال الدین مکی و زین الدین عاملی و قاضی نورالله شوشتری) و حدود یکصد عالم مجاهد شهید که علامه امینی اسم آنها را در کتاب جداگانه ای بنام شهدای فضیلت ثبت نموده است و امثال شهدای مشروطیت و انقلاب اسلامی هستند که در پاسداری از اسلام و کشور ناپای جان استقامت به خرج میدهند و با شهادت خود ضربه مهلك بر ریشه ظلم و استبداد وارد میآورند.

۱- شیعه یگانه فرقه ایست که پیشوایان آن به پیروی از یازده امام معصوم خود، همواره در صف و قدم مبارزه با کفر و طاغوت بوده بقیض شهادت رسیده اند. پیشوایانی که بگواهی تاریخ هر يك از نظر جسم يك نفر ولی از دیدگاه فضیلت و کارآئی صد هزاران بیش بوده اند.

امثال آیات و حجج اسلام سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ فضل الله نوری، وحید بهبهانی میرزا نصر الله بهشتی ملك المتكلمین، ثقة الاسلام تبریزی، محمد تقی برغانی ←

این نمونه کوچکی بود از مصیبت علم که در غیر مورد خود بکار رفت .
برای استحضار از اینکه پیشتازان نخستین، چگونه و بچه علت کودکانه بر خلاف
سفارشهای مکرر بنیانگذار اسلام احادیث را جمع کرده سوزاندند، بکتابهای
بزرگی از برادران اهل سنت مثل شرح ابن ابی الحدید و کتاب النص والاجتهاد
مرحوم شرف الدین عاملی که از اهل سنت اتخاذ سند نموده است باید مراجعه
نمود!

این نکته را تاریخ فراموش نمیکند که پس از آنکه برای برادران دیگر
معلوم گردید که در عالم شیعه با وجود ممنوعیت و فشار و کشتار باز اتصالاً کتابست
که بنام صحیفه سجادیه و تفسیری از امام باقر و امام حسن عسکری و صدها رساله

← محمد باقر صدر و خواهر، جمال الدین خطیب زاده، شیخ محمد خیابانی، سید محمد
کاظم یزدی، سعیدی؛ آشوری، مصطفی خمینی؛ استاد مطهری، قاضی طباطبائی تبریزی
ابوترابیان، غفاری، سید محمد رایگان، اندرزگو، دکتر محمد مفتاح، هبة الدین
شهرستانی و سید مصطفی کاشانی که با فرزند بر و مندرش سید ابوالقاسم کاشانی و علمای
دیگر در استخلاص عراق از سلطه انگلیس در جبهه شهید شدند، و خصال مبارزه
با استعمار را در خاندان خود بارث گذاشت.

و شصت نفر طلبه و حجة الاسلام دیگر که اخیراً به همراه سید عالم ربانی
بجبهه جنگ تحمیلی عراق رفتند و شهید شدند و در صفحه تاریخ ثبت نمودند که
مجاهد بعمل است نه بدعوی. مجاهد آنست که بجنگ کفر رود نه مثل مجاهدین
خلق که در ایامی که مسلمانان سرگرم جنگ با صدام آمریکائی بودند (دهه اول
اردیبهشت ۱۳۶۰). اینها در تهران و چند شهر دیگر، بعنوان مجاهد؛ راه پیمائی و
ایجاد تشنج نمودند!

از جابر بن حیانها و مفضلها نوشته میشود،^۱ آنها هم براه افتادند و کتابهایی نظیر موطأ و صحیحین تألیف نمودند. باین حال فشار محدودیت بحدی بوده است که بعدها حاکم نیشابوری کتابی بنام مستدرک الصحیحین مینویسد و برای اینکه از جانب متعصبان مورد اعتراض قرار نگیرد، در موارد زیاد قید میکند من این خبر را نوشتم ولی اصالت و صدق آن موکول بقبول و اوضای صحیحین بخاری و مسلم میباشد!! یعنی بجای عرضه نمودن خبر بقرآن و سنت، باین چنین کتابها عرضه شده است. (فضائل خمه جلد ۳ ص ۲۱۰ ..) حال با خداوند منان است که بتشخیص اهل تمیز بیفزاید تا معلوم شود آیا برادری اسلامی اینست که جمهوری اسلامی بمحض جان گرفتن، در میان آنها همه نوطئه‌های استعمارگران و ایادی آنها، اسرائیل را از ایران اخراج و جای سفارتخانه آنها را بقدسین واگذار کرد. روزی را بنام روز قدس موسوم کرده اعلام آمادگی نمود که حاضر است با اشغالگران قدس مبارزه کند. باشغالگران افغانستان شدیداً اعتراض نمود. بسا سازمانهای آزادیبخش صحرا و اریتره و فیلیپین اعلام هر نوع کمک و همکاری نمود.

یا ۶ ماه پس از حمله غافلگیرانه صدام و بخاک و خون کشیدن جنوب و غرب ایران، در طائف کنفرانس اسلامی آمریکائی تشکیل دادن و ۸۰ دقیقه با کاذب صدام حسین گوش دادن و اعتراض نکردن و هیئت صلح بایران فرستادن و توصیه کردن که چشم و گوش بسته از کنار خرابیها بگذرند؟! اوه! اصل و اساس ریاست طلبی و تعصب و استعمار و استعمار بسوزد که پس از رحلت پیامبر ﷺ یکی پس از دیگری چنین رسم بر نهاد!

۱- خدا و پیامبر ﷺ بال و پر علم را باز و ترویج آنرا جزء عبادات قرار

داده است. قرآن ۱۱/۵۸ و تحف العقول صفحه ۴۲ و ۵۷

... از کنفرانس طائف که فرمان آمریکا تشکیل شده و هدفش نیرنگ زدن به مسلمانان تحت سلطه مرتجعین و حمایت از متجاوز و بخصوص اختلاف افکندن میان برادران سنی و شیعه در ایران بود، غیر از این نمایندگان و از این نمایندگان بجز از اینگونه بی تفاوت بودن نمیتوان انتظار داشت! (نمایندگان عبارت بودند از بزرگان پاکستان، بنگلادش، کینه؛ زامبیا، تونس و سازمان آزادیبخش فلسطین) ...
 در سراسر قرآن آنجا که سخن از تعیین رهبر بمیان آمده است. انتصاب همه را خداوند بخود یا پیامبر عصر اختصاص داده است یعنی انتخاب ولیعهد یا انتخاب رئیس جمهور و رئیس دولت اگر زیر نظر ولایت فقیه نباشد مسئله غیر خدائی میباشد (و اذ ابتلی ابراهیم ... للناس اماماً - انی جاعل فی الارض خلیفه - یاد اود انا جعلناک فی الارض خلیفه ... واجعلنا للمتقین اماماً ۲/ ۳۰ و ۱۲۴ ، ۲۵/ ۷۴ ، ۳۹/ ۲۶)

شاید در اینجا این سؤال پیش بیاید که در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام مسئله رهبری چگونه حل میشود؟ جواب اینست که بطوریکه در ولایت فقیه خواهیم دید. اگر فرمان امام صادق علیه السلام در حدیث «و من الفقهاء من کان صائناً لنفسه حافظاً لدينه مخالفاً علی هواه مطیعاً لامر مولاه ... فللمعوام ان یقلدوه» (احتجاج طبرسی جلد ۲ ص ۲۶۳)

و منشور حضرت ولی عصر ارواحنا فداء در حدیث «اما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواة احادیثنا» وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۰۱ بدقت مورد توجه قرار گیرد معلوم میشود که راههای رسیدن نا اهلان بتصدی حکومت بکلی مسدود میباشد. یعنی مسئله انتخاب یا انتصاب در میان نیست که دارندگان زر و زور و تزویر برنده مسابقه شوند. بلکه مسئله در تجلی صلاحیت است که دارندگان آن در اثر علم و تقوی و فضیلت و زهد و شجاعت که در سالیان دراز از خود نشان داده است،

مردم را مثل کهر با بسوی خویش جلب مینمایند ... یعنی مثلاً آیه‌الله محمد حسن شیرازی در رفع دسیسه انگلیسها که تحت عنوان انحصار تنبا کوبیش آمده بود، و نماینده او حسن آشتیانی که ناصرالدینشاه از طهران تبعیدش میکرد تبلیغ نکردند که مردم از آنها تقلید کنند؛ بلکه مردم از دیدن علم و پاکی و صدق نیت آنها، اطاعتشان کردند و فرمان آنها ریشه دشمن را قطع نمودند!

همچنین آیه‌الله محمد تقی شیرازی و آیه‌الله سید مصطفی کاشانی و آیه‌الله محمد تقی خوانساری در قطع ریشه انگلیس از عراق مأمور تبلیغی نفرستادند که مردم از آنها پیروی کنند بلکه مردم از دیدن صدق و صلاحیت آنها اطاعتشان را بجان خریدار شدند و نیز در مقدمه انقلاب اسلامی که نایب الامام خمینی^۱ بر اثر نطقهای آتشین ضد طاغوت، از خانه خود رفته و بزندان کشانده شدند!

راضی نبودند حتی افراد خانواده هم بزحمت بیفتند بلکه مسلمانان حقیرست قم و تهران بودند که کشته شدن در راه امام را کشته شدن در راه خدا دانسته بمقابله^۲ توپ و تانک می‌شتافتند!

۱- فرقت میان روحانی سازشکار که ساواک در داخل و خارج ایران از او تجلیل و بر له او و علیه دیگری تبلیغ و وعده و وعید نماید و خود شاه در وفات آیه‌الله بر و جردی برای بزرگنمایی و گزینش «آقا، ک. ش» تحت عنوان آیه‌الله تلگرام تسلیمت بفرستد و مجتهد جامع الشرائط که ازستم شاه خائن ۱۶ سال از زندانی بزندان و از فرودگاهی بفرودگاه دیگر کشانده شود. (صفحه ۶۳/۶۴ کتاب نهضت امام خمینی را ببخوانید)...

۲- برای درك پرتو نفوذ نایب الامام خمینی که تمام جاذبه مراجع پاك را هم تحت الشعاع خود قرار داده و نشان میدهد که با وجود فقاقت و نیالوده بودن فقهای دیگر (وفقهم الله اما يجب ویرضی) بقرینه «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض» ←

پس معلوم شد که رهبران غیرخدائی بودند که معنویت اسلام را بنا بر روی کشانند و مردم را بجان هم انداختند و بهنگام مرگ هم بر یار و نیرنگ بنا صالح بودن خود اعتراف کردند. آن «یکی» گفت ای کاش علفی میبودم و بشکم حیوانات فر فرمیر فتم... بیعت خود را با من فسخ کنید. مادامی که علی در میان شماست؛ من از شما دانایتر نیستم. آن «دیگری» درباره سلف خود گفت انتخاب اولغز شی بود خدا از سر آن نگهدارد!

معاویه تعیین ولیعهد را در اسلام بدعت نهاد (آنهم ولیعهدی مثل یزید) که بقول فرید وجدی در دائرة المعارف «از اداره خانواده خود عاجز بود تا چه رسد با اداره کردن ممالک اسلامی» و سرانجام پس از صدها جنایت، بهنگام مرگ گفت

«در هر عصر یک نفر فرمانده کل میشود و دیگران از او تبعیت میکنند، بهتر است واقعیتی را از زبان سرهنگ جوادی افسر شهر بانی قم که خود دشمن امام و با اقلا در صف دشمنان بوده است و بر خورد اعجاب انگیز خود را با فداکاران امام بمؤلف کتاب «نهضت امام خمینی» که در غائله لغو تصویبنامه ملعونه انجمنهای ولایتی، بسال ۳۱ شهر بانی کشانده شده بوده، میگوید است؛ بشنویم که اعتراف مینموده که «خمینی قلبها را تسخیر نموده است!». بازا اهمیت مقام رهبر است که رادیوهای خارجی و مزدوران داخلی بشخصیت امام و علمای متعهد ناسزا میگویند... ترور مینمایند... وقتی روزنامه اطلاعات ۱۰/۷/۵۹ مینویسد: گروههای ۸ نفری و ۲۰ نفری روحانی قم بجهت جنگ رفتند. وقتی شعار «نهضت ما خمینی است و رهبر ما خمینی است» انقلاب را بشمر رسانده - وقتی - بجله نیوزویک با تعجب مینویسد: طلاب علوم دینی قم بودند که در کمترین زمان اعلامیه بزرگان روحانی را بدورترین دهات میبردند، مزدوران استعمار غیر از ناسزا گفتن باین طلاب چه عکس العملی میتوانستند نشان بدهند!

«ایکاش حجر بن عدی را نمی‌گشتم.. ایکاش با علی عَلَيْهِ السَّلَام درگیر نمی‌شدم!»
 عبدالملک مروان گفت کاشکی از دسترنج خود می‌خوردم و مسئول خلافت
 نمیشدم (اقوال الائمه جلد ۲ ص ۱۷۲). شاه معدوم که قبل از فرار، عوا فریبانه
 توبه می‌کرد، گفت نمی‌دانستم ساواک بر ملت ستم روا داشته است و و
 امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ اینکه پرسیدند چه ازوم داشت که خداوند اطاعت
 اولی الامر را بر همگان واجب فرموده است جواب داد: برای اینکه بجز از اولیاء
 خدا و وابستگان آنها هر کسی بر اثر حب ذات و شیفته مال و جاه و شهوت بودن،
 حاضر نمی‌شود بخاطر اجتماع و استمرار امنیت و سلامت آن و محفوظ ماندن عفت
 بندگان خدا، از دست درازی بسوی مال و ناموس دیگران خودداری کند. لذا
 خداوند آل محمد وآلِهِ السَّلَام را که بهیچ عیب و لکه‌ای آلوده نمیشوند ماء و راجرای
 احکام نموده است (اصول کافی)

شاید در اینجا این علامت سؤال پیش بیاید که خداوندی که تمام وقایع
 تاریخ را میداند و صلاح انسانها را بهتر از خود آنها میخواهد چرا برای خشکاندن
 ریشه اختلاف و مجادله، اسم صریح ائمه اطهار را در قرآن نیاورده است؟
 که در جواب گفته میشود علم همان خدا بوقایع آینده و آشنائی او به
 کینه‌توزیهای حسودان و جاه طلبان باعث شده که در راه حفاظت قرآن اسم ائمه
 را در پرده استتار و صفات بارز آنها را که دست هیچ غاصبی به آن نمیرسد در مد
 نظر قرار دهد!

علاوه از آن بطوریکه از کتب معتبری همچون اصول کافی و بحار الانوار بر
 میآید خود ائمه اطهار نیز با این پرسشها مواجه بوده و جواب لازم داده‌اند
 و حالا با گذشت زمان که تاریخ از روی بسیاری از علل و بهیمنات پسرده
 برداشته است، میتوان بمسائلی اشاره نمود:

خداوند در تمام موارد؛ کلیات و اصول مطالب را در قرآن بیان فرموده شرح و بسط را بمدلول آیه ۴/۵۹ و ۱/۴۹ و آیات دیگر که در ص ۱۰۹ پیاره‌ای از آنها اشاره شد، بعهدہ نبی اکرم و اگذار فرموده است که تعیین اقسام نمازها و تعیین عدہ رکعات آنها از قبیل نماز آیات و نماز جمعہ و اعیاد و نیز شرح مناسک حج و مبطلات آن و تفکیک طلاق رجعی و بائن و خلعی و همچنین معین نمودن حد نصاب زکوٰۃ و اموالیکہ زکوٰۃ بر آنها تعلق میگردد؛ از جمله آنهاست ...

... فلسفه بمیان نیامدن اسم صریح ائمه اطهار در آتا آنجا که نور هدایت مدد میکنند میتوان از تاریخ هم نتیجه گیری کرد. میدانیم که خداوند مسبب الاسباب برای هر کاری وسیله‌ای خلق مینماید و امور خلاق را در مجرای طبیعت به پیش میبرد. حالا تحقق اراده خدا که میخواهد قرآن از دستبرد و تحریف مصون بماند، ایجاب میکند که بجای اسم صریح امامان حق علیهم السلام، صفات بارز آنها ذکر شود آنهم بر خلاف کتب مؤلفان، فصل بفصل و باب بباب نازل نشود تا امکانی برای دستبرد زدن و ربودن باب امامت موجود باشد یعنی سیمای درخشان و امتیازات و مشخصات ملکوتی ائمه در قرآن چنان با قلم صنع ترسیم شود، و آنها بچنان لباس قدس و طهارت و تقوی ملبس گردند که اشخاص ریاست طلب اگر چه بسیار مزور و ریاکار باشند باز نتوانند آن مشخصات عالی را بر خود به بندند!

که امید است مثالهای زیر (اگر چه کمیت تشبیه و تمثیل، انگ و نارسا میباشد.) و آیات و احادیثی که بعنوان شاهد نقل خواهد شد روشنگر بحث شود.

- ۱- خردمندان نادقتی که بماشین نقلیه خود مایع ضد یخ نریخته‌اند، یا کاسه بلورینی را که نمیخواهند بشکنند (در حالی که پر از آب کرده باشند) در تصرف هوای زیر صفر قرار نمیدهند!

- ۲- خردمندی که خزینهای از جواهر گرانبها دارد و میخواهد همان خزینہ

بدون کوچکترین دخل و تصرفی تا رستاخیز باقی بماند، جواهر خیلی خیلی قیمتی و ممتاز را که گنجینه عمدتاً بوجود آنها گنجینه شده است در معرض انظار خودی و بیگانه قرار نمیدهد!

۳- تنها مسئله امامت نیست که از ذکر نشدن اسم امامان؛ کار بخلاف و مشاجره کشیده است بلکه مسائلی نظیر اینکه خدا جسم است یا نه، صفت خدا جزء ذات است یا نه. قرآن قدیم است یا حادث؟ و در میان برادران اهل سنت مورد خلاف و گفتگو میباشد. پس اگر لازم بود اسم ائمه در قرآن قید شود تا کار به مشاجره نکشد همچنان هم لازم بود جواب همه این قبیل سؤالات ملال آورده میشد!

در صورتیکه خدا جواب همه را در اجتماع غدیر خم داد. یعنی اینکه پس از حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوازده امام را همچون خود پیامبر بجز از داشتن نام نبوت معین نمود که اشکال یا اختلاف را رفع کنند که متأسفانه صرف نظر از اینکه اکثریت بآنها مراجعه نکردند بلکه طاغوتها، ابوحنیفه و ابو یوسفها را در حجاز و عراق با جبار علم کردند تا مکتبی تأسیس کنند و در زیر سایه حکومت با گفته‌های ائمه لجاجت نمایند و وقتی هم که ابوحنیفه از این کار منصرف شد، منصور خلیفه در زندانش کرد و دهانش بشکست! و چون این قبیل سیاست بازیها نیز نمیتوانست حسد و تنگ چشمی زورگویان را در پوشاندن آفتاب حقیقت تسکین دهد آخر کار مصمم بحبس و قتل ائمه اطهار میشدند!

۴- در حیات خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چهره‌های دیده میشود که در عین نظا هر با خلاص؛ بر صلحنامه حدیبیه که پیامبر اکرم ص بر آن صحنه می گذارد اعتراض می کند!

حالا این صحابی بزرگوار اگر اسمی از ائمه در قرآن بود چه بلایی بر سر قرآن می آورد، خدا میداند!

با این توضیح که همین شخص ریاست طلب، موقعی که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرین ساعات حیات، در مورد رهبری و در گمراهی نماندن امت، دوات و قلم خواست تا وصیتنامه‌ای تنظیم کند، ممانعت و ایجاد اختلاف را بجائی رساند که آنحضرت، بجز از علی علیه السلام که سر پیامبر بر سینه او بود تا جان داد، دیگران را امر به بیرون رفتن نمود! (کتاب النص والاجتهاد و ما جرای سقیفه را بخوانید)

۱- حالا در زمان مآدیده شد؛ کسی که در دوره طاغوت، از لهیب خفقان روی بفرار نهاده و در فرانسه سکنی گزیده بود، با بهره گیری از جامعه شناسی و موقعیت مساعد به همراه امام خمینی، بر گشته مهارتی بکار بست و شهرت و مقامی بدست آورد. آنگاه در روزنامه خود که در نظر مردم حقیق بین، بیشتر جنبه ضد انقلاب بنحود میگیرد، بر خلاف انتظار مسلمانان به تعییب دولت آقای رجائی که مورد توجه امام و امت است و نیز تخطئه دستگاه قانونگزاری و قضائی پرداخت! روزی بدون توجه باین حقیقت که از ۳۱۵ پزشک فارغ التحصیل بجز از ۱۵ نفر همه بخدمت بیگانگان، میرفته اند. (گویا ایران در زمان طاغوت مسئولیت داشته با صرف هزینه هنگفت، برای اربابان پزشک تربیت کند) و نیز بدون در نظر گرفتن اینکه در حال حاضر تعداد مهندسین، خیلی بیشتر از عده مورد نیاز بر نامه ریزی و کارخانه‌های داخلی میباشد؛

بناگاه همصدا با عناصر ضد انقلاب کسه او، از آنها مصونیت دارد، تعطیل دانشگاهها و روز دیگر نحوه فعالیت رادیو تلویزیون اسلامی را مورد اعتراض قرار داد.

و بالاخره در اجتماع متشنج دانشگاه در ۱۴/۱۲/۵۹ که ساعت شد امام خمینی هیئت سه نفری را مأمور رفع اختلاف کند! در حالی لزوم تسریع در بازگشائی دانشگاهها را بدولت گوشزد کرد که چربکهای فدائی خلق و سازمان ←

۵- تاریخ اسلام زمامداران خود سر و نیرومندی مثل معاویه را بیاد دارد که او یکصد هزار نفر از مسلمانان حتی دوستان و هواداران خود نظیر عبدالرحمن بن خالد را که می‌دید شهرت و نفوذش روزبروز افزونتر میشود، از پای در آورد. در این امر با اندازه‌ای پرده آزره را دریده و بی پروا شده بود که بر صحابی نامگذاری همچون سعد و قاص، فاتح ایران اعتراض نمود که چرا بعلی عَلَيْهِ السَّلَامُ دشنام نمیدهد و چون سعد، سخن از فضائل بی نظیر آنحضرت که از پیامبر شنیده بود بمیان آورد، دیری نگذشت که بزهر معاویه مسموم گردید!!

معاویه و اسلاف و اخلاف او محیطی بوجود آوردند که گوئی واقعه‌ای بنام اجتماع غدیر خم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در میان ۸۰ - ۱۲۴ هزار نفر علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را با امامت منصوب نمود اصلاً وجود نداشته است!!

← مجاهدین خلق و حزب کموله و دموکرات کردستان، قصد داشتند علناً سلاحهای خود را که توسط قاسم و صدام از دولت‌های استعمارگر شرق و غرب دریافت میداشتند، بدست گرفته دانشگاه راهمچون گذشته ستاد عملیات بر علیه دولت اسلامی نمایند... دولتی که گذشته از اینکه از فشار جنگ نمیتواند بطور آزاد، نفت بفرشد و ارزی بدست بیاورد حتی عملاً گرفتار خرید و تأمین پاره‌ای از انواع مواد سوختی ماشینها از خارج و همچنین گرفتار جنگ تحمیلی و مسئول اسکان و تأمین معاش دو میلیون آواره اخراج شده از عراق و پناهنده شده از افغانستان و مهاجرت کرده از نقاط جنگ زده میباشد...

دولتی که نیش قلم مسموم مطبوعات مزدور و مخالف بر پیکرش وارد میشود. دولتی که بنوشته خود روزنامه انقلاب اسلامی، تا این اواخر تنها در شهر مشهد «۵۸ روزنامه ضد انقلاب؛ منتشر میشوند» و باز فریاد دشمن با آسمان بلند میشود که آزادی نیست!!

با این اوضاع پر واضح است که ریاست طلبان در مقابل این محظور که اسم علی و فرزندانش علیهم السلام در قرآن موجود است، یادست بتحریف میزدند^۱ یا حزب دیگری رویاروی اسلام تأسیس نموده علناً فعالیت میکردند یا خبری جعل نموده در ظلمت و خفقان شایع میکردند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود مسئله تعیین خلیفه با خود امت است!! که مسلماً در نتیجه این رقابتها و کشمکشها نیمه اسلامی هم که باقی ماند و برای تبلیغ آن گروهها بر راه افتادند نمی ماند!

۶- یزید پسر معاویه علیرغم علم خود و اطرافیانش بفضیلت امام حسین و علیرغم وصیت پدر که سپرده بود مبادا در اخذ بیعت با امام حسین سختگیری کند، فاجعه کربلا را بوجود آورد و بدنبال آن منکر رسالت نبی اکرم شد!

۷- ولید خلیفه اموی از قرآن استخاره نمود و چون آیه خشم خدا بسر ستمگران، پیش آمد، قرآن را تیرباران کرد. در اینجا برای قضاوت تاریخ این نکته درخور کمال عنایت است که خلیفه‌های که این بوی پر وائی را با قرآن مرتکب میشوند و یا دستور میدهند پشت بام کعبه برایش وسائل عیش و نوش ترتیب دهند تا مستانه ازدحام و طواف حاجیان را نظاره کند، اگر نام ائمه اطهار علیهم السلام در قرآن آمده بود، چه عکس العمل نشان میداد!

۸- ... حجاج ابن یوسف والی کوفه که از طرف خلفای اموی تا حوالی افغانستان حکومت میکرد یکصد و بیست هزار نفر را بجرم شیعه بودن اعدام کرد و در متروک ساختن نام علی علیه السلام بحدی سختگیری نمود که مردم در گفتگوی خود از ترس مأموران مخفی حجاج نمیتوانستند اسم علی علیه السلام را بمیان بیاورند بلکه مقصود خود را با کلماتی نظیر پسر ابیطالب، پدر حسن، پدر زینب ادامینمودند...

دشمنی با علی علیه السلام بحدی بود که میگویند اگر کسی نامش علی میبود

و ناگزیر میشد که برای کاری پیش حجاج و عمال او برود، یا اسم خود را عوض میکرد و یا نام مستعار بکار میبرد!...

معتد عباسی از اینکه از پدران و نزدیکان خود شنیده بود، که پیامبر ﷺ خبر داده که دوازدهمین وصی او (حجة بن الحسن) ع جباران را سر کوب و دولت عدل اسلامی را در سر اسر زمین تأسیس مینماید، بتمام دقت مراقب تولد او گردید و جاسوسان پرکار از جنس زن را بنام کنیز به حضرت حسن عسکری تحمیل نمود تا آنها از نزدیک ناظر ازدواج آن حضرت و آستان شدن زن یا کنیز او شده مراتب را گزارش کنند. و چون این تجسس بجائی نرسید و خداوند اثر حمل مادر حضرت حجت را همچون مستور نگاهداشتن اثر حمل مادر موسی عليه السلام مستور نگاهداشت، و سرانجام علیرغم دشمنان؛ آن حضرت بدنيا آمد و گاه و بیگاه در پیش مؤمنین پاك ظاهر شد و رهبری را پس از پدر در دست گرفت!...

معتد عباسی، مدتها برای دستگیری و قتل او، خسانه را محاصره نمود. همچنین مدتها بوسیله قابله‌های ماهر، يكايك کنیزان را مورد معاینه قرار داد تا حامله‌ها تحت نظر قرار گیرند!...

پس خدای علام الغیوب که میداند زمامداران خود سر با علی عليه السلام و یازده فرزند و بستگان آنها عليه السلام رفتار خصمانه خواهند داشت و احیاناً اسم خود و اولاد خود را علی و حسن و حسین و... گذاشته در محیط ترس و خفقان مردم را باطاعت از علی و حسن و حسین و زین العابدین فرعی مجبور خواهند نمود، لذا بجای اسم صریح امامان معصوم صفات ممتاز آنها را در قرآن مورد بحث قرار داده است.

۱- در خردسالی بر رهبری رسیدن حضرت مهدی عليه السلام شبیه بر رهبری

رسیدن حضرت یحیی و عیسی در خردسالی میباشد. قرآن ۱۹/۱۲ و ۳۱۶

۲- مقدمه گروه دستگاران جلد ۱ ص ۱۷۵ و کشف الاسرار ص ۱۱۵

واینک چند نمونه که خواسته‌اند از نام بهره‌برداری کنند!

۱- گروهی، فرقه‌ای بنام کیسانیه تشکیل دادند و برای پیشرفت کار و غلبه بر بنی‌امیه بدون اطلاع و رضایت جناب، محمد حنفیه، او را نامزد رئیس گروه نمودند و گفتند که او همان مهدی موعود است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره او و مهدویت او احادیث متواتر موجود است. و چون محمد حنفیه از دنیا رفت؛ شهرت دادند که در وصف مهدی صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که او غائب میشود. سپس ظهور نموده دنیا را پر از عدل و داد مینماید. سید اسماعیل حمیری که خود مردی هوشیار و شاعر-ری توانا بود. میگوید اگر امام صادق با معجزه خدائی مرا راهنمایی نکرده و نفرموده بود که محمد حنفیه مرده و پدرم بر او نماز میت گزارده است و او مهدی موعود نبود بلکه مهدی موعود ششمین فرزند من است... من هنوز هم بنام عضوی از فرقه کیسانیه بضالات خود ادامه میدادم!

۱- اسماعیل در راهی که در ظرف سر پوشیده‌ای شراب حمل میکرد با امام رو بر رفته سلام گفت.. امام پرسید در ظرف چه میبری خجالت کشید که بگوید شراب... ناگزیر گفت شیر میبرم. آنگاه متوجه شد که مایع تبدیل به شیر شده است. امام پرسید پیشوای تو کیست جواب داد آنکه شراب را بشیر تبدیل کرد. (گروه دستگاران جلد ۲ ص ۳۲۰) در اینجا برای رفع تردید گفتنی است که وجود دلائل ولایت و تصرف انبیاء علیهم السلام در امور تکوینی که کتب آسمانی و بخصوص قرآن شواهد آنند، امثال گلستان شدن آتش برای ابراهیم، اژدها شدن عصاره دست موسی، نرم شدن آهن در دست داود، بحر کت در آمدن دستگام فرمائروائی سلیمان بسرعت حرکت يك ماهه در يك لحظه، زنده شدن مرده بدعای عیسی و تیغ جان ستان شدن ذرات خاک در دست نبی اکرم. و همچنین سر زدن امور عجیبه از ائمه اطهار و قبور آنها و برخی از پیشوایان اسلامی (بکتاب معجزات و کرامات -

۲- محمد فرزند عبدالله از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام در روز گاریکه بنی امیه بحال احتضار در آمده آخر بن نفسهای خود را بر میآوردند؛ با برادرش ابراهیم بفکر قیام افتاد. چون از اصالت خانوادگی و شجاعت و پاکیزگی برخوردار بود عده‌ای دعوت او را اجابت نمودند. پدرش علویان را بمجلسی دعوت و با گفتن اینکه محمد همان مهدی موعود است، از آنان خواست تا با او همکاری نمایند!

حضرت صادق که جزء مدعوین بود قبل از پایان شوری، مجلس را ترک گفت، چون علت همکاری نکردن را پرسیدند جواب داد این محمد، مهدی موعود نیست. مهدی عجل الله فرجه ششمین فرزند من است و این را هم بدانید که این محمد بدست آن مرد که در آن گوشه نشسته (منصور عباسی) کشته میشود... پس از مدتی مبارزه و نائل شدن به پیشرفتهای چشمگیر، لشکر خلیفه عباسی

← مراجعه فرمائید)

کوچکترین شکی باقی نمیگذارد که اولیاء خدا بدرجهای از قرب حق میرسند که چون اراده کنند، خداوند آنرا امضا میفرماید. چه درجائی که قرآن، فرشتگان را بنام نازعات و ناشطات و مدبرات و مقسمات، دست اندر کاران امور طبیعت میداند، عجیبی ندارد که روزی مثلاً باراده جناب آصف وزیر سلیمان تخت بلقیس از سبأ بقدم منتقل شود (قرآن ۲۱/۴۹ و ۷/۱۰۷ و ۳۴/۱۰ و ۱۲ و ۳/۴۹ و ۱۷/۸ و ۱/۷۹ و ۲۷/۴۰ ... و انجیل یوحنا فصل ۱۱ و ۲۵)

پس از این مقدمه و با این تواتر که بیش از چهار هزار معجزه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده شده است (گروه دستگاران جلد ۲ ص ۲۹۲) و با این اطلاع که پیامبر ص خود را افضل انبیاء و اوصیاء خود را افضل اوصیاء نامیده است، این نتیجه حاصل میشود که درجائی که از وزیر سلیمان همچو کار بزرگی بمرحله عمل درآید، تحقق امور بزرگتر از آن از وزیر و اوصیاء اشرف کاینات عجیبی ندارد!

آندورا در حالی که هر يك از آنها با هواداران خود در جبهه جداگانه‌ای
مسی‌جنکید بقتل رسانند ... خبر مغلوب شدن این دو برادر در
تنگنایی از امید و یأس بمنصور رسید که او از یک طرف به پیشگوئی امام صادق
راجع بدیروزی او امیدوار و از طرف دیگر از رسیدن اخبار پیشرفت این دو برادر
بیمناک بود!

۳- یکی از دوستان نزدیک منصور بدیدن او رفت. پس بچه‌ای توجه او را
جذب نمود. از اسم او جو یا گردید. منصور گفت اسمش مهدیست و اضافه و اشاره نمود
که همانست که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در حقش بشا زتهاداده است!

۴- در امامت حضرت صادق خبری منتشر شد که اسماعیل فرزند آنحضرت
جانشین امام خواهد شد. اما اسماعیل در حیات پدر فوت کرد، امام صادق بعلم امامت
و بحکمتی که فلسفه آن بعداً کشف شد، روی اسماعیل را در روی تابوت بهمه
نشانداد و استشهاد گرفت که اسماعیل مرد ... ماجرا جو یا بان شهرت دادند که
اسماعیل نمرده است او همان مهدی موعود است که بفرموده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دنیا
را پرازدل و داد خواهد نمود. این گروه برای اینکه شایعه زنده بودن اسماعیل
در ریاست او را هر چه بیشتر بخورد مردم غافل بدهند؛ شهرت دادند که اسماعیل در
بصره دیده شده است!..

منصور خلیفه عباسی که از مهدی موعود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نگران بود؛ از شنیدن خبر، نامه‌ای
بامام صادق نوشت و چگونگی را خواستار گردید. آنحضرت شهادتنامه معتمدین؛

۱- زندگانی امام مجتبی و شبهای پیشاور.. منصور اولین کسی است از
دشمنان امام که با تحقق یافتن پیشگوئی امام جعفر صادق صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، بآنحضرت لقب
صادق داده است!

راجع بقوت اسماعیل را بدربار فرستاد. خلیفه بدیدن استشهاد آرام گرفت! ^۱
 ۵- گروهی از اسماعیلیه که نمیتوانستند مطیع رؤسای خود ساخته شوند،
 از گروه اول جدا شده شهرت دادند که محمد پسر اسماعیل است که مهدی موعود
 می باشد. ^۲

بدین ترتیب پس از ختم نبوت و قطع شدن وحی اگر بسوی قرآن هم مثل
 کتب آسمانی دیگر دست خیانت و تحریف دراز شده بود امر ویژه مخصوصاً در
 جمهوری اسلامی ایران، قرآنی که محبوبیت و مرجعیت همگانی داشته باشد،
 وجود نداشت و بجای تمدنی ^۳ که باعتراف دوست و بیگانه، تمدن و صنایع جهان

۲۹۱- گروه دستگاران جلد ۲ ص ۵۷۵... این ماجرا جویمان فرقه
 اسماعیلیه بعدها زیر چتر حمایت انگلیس و هندستان او که مذاهب ساختگی را
 تقویت میکنند تا از اختلافات مردم بهره برداری نمایند، در هندوستان دارای مقام
 و تشکیلات شدند... بساین حساب خواننده عزیز میتواند دو واقعیت را در برابر
 چشم خرد مشاهده نماید یکی اصالت مهدویت و توانراخبار آن از رسول اکرم؛
 دومی مهدی نرایی استعمارگران!

۳- ایکاش آقای فروهر، شاگرد مکتب د کتر مصدق که در جبهه ملی و کابینه
 دولت موقت بازرگان و هیئت ناموفق حسن نیت کردستان عضویت داشته و خود
 را کاندیدای ریاست جمهوری نموده بود و بجای شکر بر اسلام، بر ایرانی بودن
 خویش افتخار مینمود، اقلاً با اندازه یکی از صدها اسلام شناس، مثل ویلدورانت/
 آمریکائی بر جامعیت و مترقی و روحبخش بودن تمدن اسلامی آشنا میبود و در
 فخر خود انصاف بکار میبرد که او در عین دوری و بیگانگی و ندیدن اینکه اسلام
 چگونه افراد پراکنده و سرکوب شده را بصف واحد کشاند و طاغوت را برافکند
 میگوید، « بیسوادی محمد ﷺ مانع آن نشد که کتابی بیاورد که ←

مرهون دانشمندان اسلام است، و حشیت غم انگیز بر شرق و غرب عالم سایه افکنده بود!

و حالا صفات و خصال بر گزیده ایرا که قرآن، اوصیاء پیامبران گذشته را بدان متصف میکنند تا زمینه برای شناسائی اوصیاء پیامبر اسلام فراهم شود و نیز صفات ممتازانه اسلام را که خیاط قدرت جامعه بی نظیر و غیر قابل رقابت و تقلید و

← مشهورترین و بلیغترین کتاب در عربی باشد و آنچه انسان را بشناسد که مرفقی ترین افراد بندرت بیای او برسند... اسپانیا در تمامی تاریخش حکومتی مهر بانتر و داد گرتتر از حکومت اسلامی ندیده است... در خلافت عمر، امیر اطور روم لشکر انبوهی بشهر حمص که از چندی پیش بتصرف مسلمانان درآمده و مردم بدولت اسلامی جزیه میدادند فرستاد. مسلمانان جزیه هائی را که از اهل شهر گرفته بودند بخودشان پس داده آنها را با انتخاب و اطاعت از حکومت اسلامی یا غیر آن مخیر ساختند. آنها اسلام را بر گزیدند. (صفحه ۵۰ کتاب نگاهی بعلی علیه السلام) و با باندازه آن جامعه شناس غربی، انصاف میداشت که او میگوید در طول تاریخ بسیار دیده شده است که شخصیتهای مقتدری بوجود آمده ملل ضعیفتر را بطبع مسلك خود ساخته اند ولی این اطاعت تا وقتی ادامه داشته که شمشیر کشور گشایان بر سر مردم بوده است. که ولادت و مرگ نفوذ اسکندر مقدونی و جانشینان او در ایران و نقاط دیگر؛ نمونه آن میباشد. بر عکس اسلام که بهر نقطه ای روی آورده همینکه قدرتهای محلی از یای درآمده اند، مردم با آغوش باز، از آن استقبال نموده در حفظ و حراست آن بجان کوشیده اند و اگر کشور گشائی مثل چنگیز و تیمور بر مسلمانان چیره شده است دیری نگذشته که اسلام، مورد توجه و پذیرش فاتحان یا خاندان آنها قرار گرفته است که وجود گنبد سلطان خدابنده و مسجد گوهر شاد دو گواه تاریخی آن میباشد!

اقتباس امامت را بر قامت آنها دوخته است از مضمون آیات واحادیث، مورد مطالعه قرار میدهیم

۱- در آیه ۲۱/۷۳ قرآن سخن از بآتش افکنده شدن ابراهیم (علی نبینا و آله وعلیهم السلام) و آنگاه فرمان خدا بآتش رسیدن که برای ابراهیم سرد و سالم باشد بمیان میآید. سپس صفات ائمه بعد از او مطرح میشود که آنان، صالحان و بامر خدا هدایت کنندگان بودند. خدا بآنان وحی فرمود که کارهای نیک انجام دهند، نماز بخوانند و زکوة بدهند و موجبات برپائی نماز و ادای زکوة را فراهم سازند. آنان عابد مخلص خدا بودند.. در آیات بعد همچنان رشته سخن در بعثت پیشوایان ادامه پیدا میکند تا بمسئله جانشینی سلیمان از داودع میرسد که آنجا علیرغم نزدیکی که چشم طمع بر وصایت داود دوخته بودند قرآن اعلام میکند که ما بسلیمان فهمانیدیم. یعنی با متخلق بودن بتمام صفات نیک، علم لدنی داشتن رهبر از لازمترین موجبات میباشد. همچنانکه در گزینش طالوت نیز علم و شجاعت و قدرت بدنی او را خداوند در آیه ۲/۲۴۹ مورد توجه و تأیید قرار میدهد!

۲- در آیه ۳۲/۲۴ خداوند وسیله هدایت بودن تورات موسی را (قبل از تحریف شدن) مورد تأیید قرار میدهد و آنگاه صفات رهبران بعد را برمی شمرد که عبارتند از انتخاب شدن از جانب خدا؛ طبق رهنمود خدا هدایت نمودن، شکیبیا بودن و یقین داشتن؛ یعنی همچنانکه در آیه فوق الذکر ۲/۲۴۹ راجع بگزینش طالوت مشاهده میشود، پس از موسی و پس از هر پیامبری کسی میتواند رهبر جامعه باشد که او، از طرف خدا و بوسیله پیامبر وقت منصوب شده از خدا الهام بگیرد و بتمام معنی صبر و یقین داشته باشد.

در اینجا هر پژوهشگری از مشاهده این آیات و آیات دیگر، از تار و پود

می‌پرسد: آنروز چه کسی رادرشکیبائی وشجاعت وعلم بقرآن واوضاع زمان بهتر ازعلی ع میتواند ارائه دهد؟ مخصوصاً آنچه آنچنان علم باوضاع بحرانی و حساس که عائشه دختر ابوبکر، اجتماع در حال انفجار را چنین وصف میکند.

«مسلمین آنروز همانند گله بی‌شبانى در شب تاریک بارانی دردشت مخوف، در میان درندگان بودند» ونیز بویژه با داشتن آنچه آنچنان شجاعتی که پیامبر ﷺ و یاران، اورالشکری مجهز مینامیدند، و آنچه آن صبر که با آن همه شجاعت، حمله وهجوم روبهان را بخانه و خانواده خود ببیند وتحمل نماید!

ومثل چنین، دست درزانیان به بندد و دندان روی جگر بگذارد و بجزاز احتجاج واستدلال در صلاحیت خود بقوه قهریه متوسل نگردد؟! ^۱

همین سؤال را که بدون جواب ماند وخواهد ماند . فاطمه علیهاالسلام از زنان جامعه مهاجر وانصار که چند روز قبل از وفات، بعیادتش آمده بودند، نمود که بشوهران برسائند!.. وباز خود مولی امیرالمؤمنین علی ع در اول خطبه شفشقیه در جامعه عمل پوشاندن بصبر قرآنی میفرماید «صبر نمودم در حالی که در چشم، خار و در گلو؛ استخوان گیر کرده باشد!» ونیز در خطبه ۵ در اشاره بطوفان حوادث که عالم اسلام را فرا گرفته بوده و ابوسفیان دشمن دیرینه اسلام برای مشتعل نمودن آتش جنگ داخلی پیش آنحضرت آمده بوده که بحکومت آنحضرت بیعت کند، میفرماید «ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی نجات درهم شکنید!»

... بنظر نویسنده؛ حالا در دوره جمهوری اسلامی نشر واهدای مقاله و کتاب در زمینه صبر امام که ضامن بقای اسلام گردید وفشاش کردن مخالفت وخیانت روحانی نمایان که آن یکی با خود مختاری داخلی خواستن برای آذربایجان و آند بگر بامورد تأیید قراردادن منافقان (مجاهدین خلق) عملاً بجنگ اسلام رفته یا میروند بهترین خدمت میباشد تا همگان بدانند اسلام وتشیع بعمل است نه —

و این نمونه‌ای از ولایت تشریحی آنحضرت بود که نگذاشت شیرازه شریعت از هم بگسلد

باز نمونه‌ای از ولایت تشریحی امام حسین ع بود که در عصر خفقان آوردیکه معاویه بدوستان صمیمی خود میگفت نام ابوبکر و عمر بمحض مردنشان از میان رفت ولی نام محمد هنوز هم در مانده‌ها ذکر میشود... باید آنهم دفن گردد!... (فضائل خمس).

یا روزیکه یزید در تضعیف اسلام و تجدیدنمای کفر، اشعار «لعبت هاشم - بالملك ولاخبر جاء ولاوحى نزل» را زمزمه مینمود و فرماندار او در مدینه خود را آماده میکرد که در روز رسیدن خبر فاجعه یا فتحنامه کر بلا روی خود بقبر رسول خدا کند و شادیکنان بگوید «ای محمد اینهم انتقام کسان ما که در بدر کشتید».. باقیام خود رشته‌های بنی‌امیه را پنبه کرد!

باز اثر ولایت تشریحی امام حسن عسکری علیه‌السلام بود که با فرستادن یکی از شیعیان پیش اسحاق کندی فیلسوف عصر و تذکر دادن اشتباهات او که در ایراد اعتراض بقرآن مجید، کتاب نوشته بود، او را چنان تحت تأثیر قرارداد که پرسید اینهمه عیب و نقص کتاب مرا از کجا دانستی جواب داد مولایم امام حسن عسکری فرمود .. اسحاق تمام کتاب را فرو شسته از ایجاد رخنه در اسلام خودداری نمود (اعیان الشیعه سید محسن امین نقل از مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۳۲۵)

← بسخن! اسلام بجنک کفر رفتن است نه در بحرانی ترین ایام جنک، در جامه عمل پوشاندن بآرزوی دشمن، بوسیله سلاح بدست گرفتن و آشوب پیا کردن، قوای اسلام را تضعیف نمودن!

صفاتی از ائمه اسلام که دست هیچ حریص و غارتگری بآنها نمیرسد ، بلکه در قدم اول شناخته و مفتضح میگردد

در فصول دعای ندبه که ائمه اطهار علیهم السلام منتظران فرج آل محمد ص
را بتوسل بدان دعوت فرموده‌اند. آثاری از معادلات ریاضی قرآن استنتاج
میشود که قابل توجه میباشد.

۱- خداوند در آیه ۶۷/۵ بایهاالرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم
تفعل فما بلغت رسالته ... میفرماید ای پیامبر ولایت علی ع را که از جانب
خدایت نازل شده تبلیغ کن و گرنه رسالت او را نرسانده‌ای یعنی نرساندن
ولایت، مساوی نرساندن نبوت! (کتاب المولایه طبری والغدیر ج ۲ ص ۳۰۷)

۱- مرحوم علامه امینی در کتاب یازده جلدی الغدیر از بیش از ۱۱۰ شاعر و
نویسنده از بزرگان اهل سنت در پیرامون اینکه آیه فوق در غدیر رخسوم راجع
بولایت و رهبری علی ع نازل شده است ، استشهاد و اتخاذ سند نموده است .
علاقمندان باصل یا ترجمه الغدیر که دریائی از معارف اسلامی می باشد مراجعه
فرمایند... بعنوان مثال:

این مرحوم در جلد اول الغدیر طی صفحات ۱۵۲ تا ۱۵۷ اسم ۲۶ تن از
نویسندگان بزرگ عرب و فارس و هند را که بااستناد از بزرگان اهل سنت در
باره آیه تبلیغ و حدیث متواتر غدیر، کتاب نوشته‌اند معرفی مینماید که یکی از
آنان میرحامد حسین هندی، صاحب عبقات الانوار است که آنهم بنوبه خود
دائرة المعارف بزرگ اسلام و شیعه میباشد .. پس از بیان فوق، بنقل از مرحوم
شیخ سلیمان حنفی صاحب ینابیع الموده (ص ۳۶) اضافه میکند که امام الحرمین
جوینی متوفای ۴۷۸ میگذرد در بغداد در دست صحاف کتابی دیدم راجع بروایات
خبر غدیر که رویش نوشته شده بود «جلد بیست و نهم» . ←

همچنین در طی دو معادله دیگر، در آیات ۲۳/۴۲ و ۵۷/۲۵، قل لا اسئلكم علیه اجر الا الموده فی القربى... و قل ما اسئلكم علیه من اجرا لامن شاء ان يتخذ الی ربه سبیلا .

محکم نگاهداشتن رشته مودت اهل بیت راهمان راه خدامعر فی مینماید! بدین معنی که میفرماید اجر رسالت برابر است با مودت خاندان

پیامبر ﷺ

← باین حساب اگر زمان و مکان را امکان حفظ و ضبط میبود و امثال محمود غزنوی دست بمحو آثار شیعه نمیزدند که او در فتح ری و غلبه بر آل بویه، بزرگان شیعه را اعدام و کتب آنها را سوزاند! امروزه آثار و کتب مربوط به غدیر خم، سر بهزاران میکشید!

۱- در صدر اسلام، مردم ازدیدن اینکه سخن گفتن از ولایت ائمه اطهار بقیمت جان؛ تمام میشود یعنی یا مثل سعد بن عباده در صحرا ترور میگردد و تهمت قتل به اجنه داده میشود یا مثل مرحوم نسائی نویسنده بزرگ سنی در جامع دمشق چندان مورد ضرب و لطم قرار میگردد که بیضدهایش پاره میشود و میمیرد، از مباحث سیاسی اجتناب نموده بجانب معرفت خاندان پیامبر ﷺ که قرآن، مودت آنها را اجر رسالت یاراه حق معرفت میکند روی آوردند. تنها در مقدمه کتاب ینابیع الموده از یکصد و هشتاد و سه نویسنده بزرگ سنی که در باره مودت اهل بیت، کتاب نوشته‌اند، سخن بمیان آمده است. (از گروه دستکاران اقتباس شد)...

امروزه نیز بسیاری از بزرگان شیعه و سنی امثال محمد صالح حسینی مأمور سفارت ایران در لبنان و حجة الاسلام محمد حسین فیض بر مولوی، روحانی عالی قدر سنی بلوچستان و اعضای سپاه پاسداران و جهاد سازندگی بجرم هویدا ←

و در معادله دومی میگوید « اجر رسالت نیست، جز اینکه خلق، راه خدا را در پیش گیرند». و چون طرف اول هر دو معادله يك موضوع یعنی مسأله می باشد، نتیجه گرفته میشود که دو طرف دیگر هم مساوی می باشد. باین معنی که مودت اهل بیت، یعنی اجرای فرمان آنها راه خدا می باشد و بس!

۳۹۲- خداوند در دو آیه (۵/۴ و ۵) اليوم یأس الذین کفرو امن دینکم ... اليوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً. که در روز هجدهم ذی الحجّه در صحرای غدیر خم نازل فرموده است

← ساختن جنایات امپریالیسم یا کوشش در حفظ و بشمار رساندن انقلاب، ترور و شهید میشوند! بعد نیست ریگان و صدام و مناخیم بکین و ایادی آنها که در رأس ممالک خاورمیانه بوده و از راه همفکری و دادن قرض و سلاح و نفقات و امکانات بر رژیم تجاوزگر عراق، دستشان بخون مسلمانان آلوده شده است، قتل این قبیل مسلمانان فعال را مثل همکاران قدیمشان باجنه نسبت دهند!

۱- جهت استحضار کامل بکتاب الغدیر جلد ۲ ص ۳۰۶ و کتاب تفسیر صحیح آیات مشکله که با دلیل و منطق بکج رویها و عوامفریبی های مفسران خود راضی تبریزی (ی - ش - س) جواب داده است مراجعه فرمائید!

توضیحاً در پیرامون اجر رسالت، باید گفته شود که بمدلول آیه ۴۷/۳۴ قل ما سئلتکم من اجر فهو لکم..

کلام خدا هیچگونه ابهامی باقی نگذاشته است که اگر مردم، دستاری و پیروی اهل بیت را عملی کرده و حالا از جمهوری اسلامی که ثمره سالها سپاسگزاری و پاسداری از عید غدیر و تداوم عزاداری عاشورا و بالاخره طلیعه و زمینه ساز حکومت مهدی ع است؛ پاسداری کنند، بعزت و رفاهی که آیه ۹۶/۷ ضامن آنست نائل میگردند!

بمطالب اساسی زیر تأکید دارد:

الف . باتمهین شدن مبلغان و مجریان قرآن که بترتیب جانشین پیامبر ص میشوند، کفار و دشمنان دین، از اخلال و اضراب کلی مأیوس شدند... با بودن شخصیت بزرگی مثل علی بجای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که میتوان او را نسخه ثانی رهبر نامید و با بودن نسخه‌های ثانی علی ع بنام حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و عی و محمد و علی و حسن و محمد علیهم السلام و نواب جامع الترائط او (در زمان غیبت)، از کفران بیم و هراسی نداشته باشید اما از خدا بترسید که مبادا هوای نفس را بر رضای خدا مقدم دارید...

از خدا بترسید که مبادا منافقان و عناصر ضد انقلاب را باندرون دستگاه رهبری راه دهید! از خدا بترسید و کبر و خود ستائی نکنید که بقول امام خمینی کسیکه من، من میگوید، شیاطین باندرون سینند او راه یافته اند!

ب . از اعتقادیات هر چه لازم بود جز تعیین وصی گفته شده است. امروز بنا معرفی شدن ائمه، دین شما کم و کسری ندارد و دینی که بر مبنای توحید و نبوت معاد و امامت و عدل و رحمت و زهد و ایثار و و باشد مورد رضای خداست!

چهار آیه بعد، خداوند عز و جل نعمت اسلام را که بر مسلمانان اعطا فرموده است تکرار میکند و میفرماید امر و نهی با انتصاب علی ع بجا نشینی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ موقعیت شما تثبیت شد و شما در عداد ملل بزرگ در آمدید. پس این نعمت و عهد و پیمانی را که با گفتن «شنیدیم و اطاعت نمودیم» با خدا بستید همیشه بیاد داشته باشید. از خدا بترسید که او هر چه از سینه و قلب بگذرد آگاه است^۱ (این تذکر امر و نهی در گوش ایرانیان طنین انداز است که فراموش نکنید که تنها بزرگت وجود رهبر دین از ظلمت رژیم نجات یافتید! ..

۵- خداوند در آیه ۶۱/۳ ... انفسنا وانفسکم ... که در جریان مباحثه با اهل کتاب نازل فرموده است علی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نفس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حسن و حسین را فرزندان آنحضرت و خانم فاطمه زهرا را یگانه زن خاندان معرفی می نماید! (صحیح مسلم، صحیح ترمذی کشف زمخشری تفسیر کبیر فخر رازی... نقل از فضائل خمسه من الصحاح الستة جلد ۱ ص ۲۴۵ و بنا بیع الموده ص ۵۲)

در این زمینه بدون اینکه مدعیان حکومت بوئی بوند یا بتوانند تقلید و اقتباس کنند خداوند مدبر و حکیم در سوره و آیه جدا گانه (۳۳/۳۳) انما یرید الله ..) باز وصف خاندان نبوت را پی میگیرد و میگوید که اراده ما بر این است که لوث پلیدی را از شما اهل بیت دور کنیم و پا کتان گردانیم یعنی اطاعت معصومینی واجب شده است که از هر عیبی پاک میباشند! (صحیح ترمذی ج ۲ ص ۳۰۸)

۱- در کتب فریقین آمده است که بلال مؤذن رسول اکرم ص در اذانهایی پس از ذکر شهادت بر سالت؛ ذکر شهادت بولایت را نیز می آورد. منافقان شکایت پیش رسول خدا می بردند. آنحضرت با حالی که حکایت از خشم و اندوه مینمود، میفرمود اجتماع غدیر خم برای این امر بود.. فصل آخر کتاب «علی مظلوم گمشده در سقیفه و اثبات الهدات ج ۳ ص ۵۳۰/۶۵۹/۶۷۱»

اسدالغابه و تفسیر طبری و... نقل از فضائل خمسہ ج ۱ ص ۲۲۵)

۶- در آیه ۵۵/۵ انما ولیکم اللہ... خداوند ضمن معرفی خود و رسول اکرم ﷺ بعنوان ولی امر و اولی بتصرف، یاد آور میشود که از مؤمنین کسانی ولی امر شما هستند که نماز میخوانند و در حال رکوع صدقه می دهند. که در اینجا هم، چنانکه مرحوم عبدالحسین امینی در الغدیر و اکثر مفسرین فریقین یادداشت نموده اند آیه در مسئله خاتم بخشی علی علیه السلام نازل شده است.

۷- خداوند در آیه ۱۵۷/۷... و اتبعوا التوراة الذی انزل معہ اولیئک ہم المفلحون. پس از تشریح قسمتی از احکامات نبی اکرم ﷺ رشته سخن را به وصف مؤمنین میکشاند و میگوید آنانکه بنوریکه با رسول خدا نازل شده است تابع شدند، گروه دستگاران میباشند... حضرت باقر نیز میفرماید نور وورد بحث نور امامت است. بخدا سوگند نور امام حق در دل مؤمنی که تحت نفوذ و سیطره معنوی امام قرار گیرد از نور خورشید برتر میباشد. (استاد مطهری خلافت و ولایت...) و حالاً تاریخ هزار و چهار صد ساله شیعه گواهی میدهد که همان نور ولایت بوده که قلب مجاهدان اسلام را روشن نمود تایی در پی بر علیه ستمگران و استعمارگران قیام نمودند و در نتیجه نام نامی شان بعنوان پیشاهنگان قیام نائب الامام خمینی و زمینه سازان انقلاب، مهدی ع و رد زبان گردید. که در اینجا بعنوان شاهد بیطرف سخنی از پطروشفسکی روسی نویسنده کتاب «اسلام در ایران ص ۲۵۷» نقل میشود که میگوید «تأپایان قرن نهم هجری، شیعیان در اکثر ممالک اسلامی در اقلیت بودند ولی غالباً اقلیتی بودند، کار آمد و فعال که در نهضت های اجتماعی بر علیه قوودالها اثر عمیق داشتند!»

۱- الغدیر جلد سوم . سیاستنامه نظام الملك . کشف و تفسیر کبیر رازی و

۸. در ذیل آیه ۵۹/۴ «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» از رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند عبادت و اطاعت از خدا و فرمانبرداری از شما که برای مردم اولی به تصرف هستید معلوم، اما اولی الامر چه کسانی هستند؟ جواب داد «علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین علیهم السلام».

سلمان فارسی نقل میکند بحضور پیامبر ص رسیدم، مشاهده نمودم که امام حسین رادر آغوش گرفته از لبانش میبوسد و میگوید «ایم، فرزند امام، برادر امام و پدر فرقه امام که آخرین آنها قائم این امت میباشد»

شاید برای لیبرال‌یستهای غرب زده . اطاعت از پیامبر و امامان و نواب آنها گران بیاید در صورتیکه حوادث تاریخی و انصاف و عقل گواهی میدهند که آدیان در امور مادی و معنوی در معرض خطا و نسیان و اشتباه بوده و می‌باشند . همیشه گسره زیادی ، فریب ظاهر این و آن را خورده مرتکب کار ناصواب شده و ندامت برده اند !

بمدین اصلاً گرافردی که از عیوب نامبرده مصونیت خدائی دارند زمام امور حکومت رادر دست گیرند و بنواب^۱ ثمه امثال شیخ مرتضی انصاری و میرزا محمد حسن شیرازی و حسن آشتیانی و شهید، حسن مدرس و شهید سید مصطفی کاشانی و پسرش ابوالقاسم^۱ و سید محمد حجت کوه کمره‌ای که در تقوی و کیاست و زهد

۱- آیه الله ابوالقاسم کاشانی در رهبری نهضت ملی کردن نفت ایران و نیز در اولتیماتوم دادن بشاه که نتیجه آن عزل قوام السلطنه خائن و تجدید و ادامه صدارت دکتر مصدق شد، مجاهدتها نمود و سرانجام با آنها همه نفوذ و قدرت که ریاست مجلس شورای ملی را هم پذیرفته بود، در حالی بر حمت ایزدی پیوست که جز خانه منخر و به موروثی مشترك که آنرا هم در مقابل مبلغی رهن گذاشته بودند چیزی نداشت! اقتباس از مجله مکتب اسلام ۴/۴ و

آنها قصه‌ها نقل میکنند و نیز با امام خمینی بسیارند، بصرقه و صلاح خلق خواهد بود که امید است مثالهای زیر روشنگر مطلب باشد: صلاح كودك در فرمانبرداری والدین، مصلحت نادان در اطاعت از دانایان، مصلحت کسیکه در فساد و تباهی گم شده است در گردن نهادن بفرمان علمای اخلاق و صلاح ضعیف فر و مانده، در اطاعت از فرمانده قوی و عادل و بالاخره نفع و بهبودی ما در امتثال امر بزرگ حاذق میباشد...

در اینجا برای تصریح بیشتر ناگزیر از آوردن سخنی از امام صادق و مثالی از پدیده‌های طبیعت و مثالی از پدیده‌های صنعت میباشیم: الف - معلم شهید د کتر علی شریعتی که مقلد امام خمینی در انقلاب و حامل پیام اسلام بدان نگاه بود، نقل نمود که مثل کسی که از ائمه حق دور مانده باشد مثل کوسفندی است که شبان خود را گم کرده باشد مدتی باین و آن شبان پناهنده می شود و آخر کار هم طعمه گرگی میگردد. ب - از نظر سطحی، هر يك از اعضای بدن، از دست و پا و چشم و گوش، عضو مستقلی است که وظایف جداگانه‌ای را در کشور تن بعهده دارد. در حالی که فریاد اعتراض واقعیت امر بگوش میرسد که اگر لحظه‌ای ارتباط عضو؛ از قلب یا مغز مرکز ستاد فرماندهی بدن قطع شود، آن دست و پا عضو فلجی بیش نخواهد بود! (هشام بن حکم از شاگردان امام صادق با توسل باین مثال دانشمند بزرگی را که منکر نقش ولایت ائمه اطهار بود مجاب و محکوم نمود و چون قضیه به سمع امام ع رسید تأییدش فرمود)... خود هشام در عین هوشیاری و قدرت درک، مدت‌ها در پیچ و خم افکار گره‌سازان گم شده بود تا عو هبت الهی بنجاتش برخاست ...

ج - همچنین از نظر سطحی چنان مینماید که هواپیما به نیروی ذاتی آن همه راه را می‌رود و بمقصد میرسد در صورتیکه این چنین نیست اگر رابطه آن از خوردشید یا ستاره جدی یا وسائل راهنمایی از قبیل قطب نما و برج و باند مراقبت قطع شود راهیابی دشوار و بلکه محال میباشد.

پس بوضوح معلوم میشود که کمال لطف و احسانست که آفریدگار جهان مسلمانان را با طاعت از پیامبر و امامان امر فرموده است. و این گناه و تقصیر امت بوده و هست که بجای اینکه از پیامبر که دریای دانش او متصل بوحی است و از پیشوایان که یکی پس از دیگری «باب مدینه علم» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ میباشند؛ اطاعت کنند، آنها را بزهر یا شمشیر کشتند و همانند کسی شدند که بمعلم یا طبیب خود جفا کند و درمماند. و حالا در جمهوری اسلامی کسانی که مختصر حظی از گذشته و

۱- در بیماری و درمماندگی جسمانی بسا اتفاق میافتد که خود آدمی نمیداند که مثلا مبتلی بخصیه وسل و سرطان است، تاچه رسد به بیماری روحی که بسیاری از مردم حتی دردم سقوط هم نمیدانند؛ روح و ایمان آنها بیمار می باشد. آن رئیس جمهوری بیماری را درك نمیکند که همینکه سخن خلقی و جنبشی های خائن را جمع به تعدد زندانها و وجود شکنجه در آنها از زبان او جاری میشود و رسانه های دشمنان اسلام نیز از گفتار او اتخاذ سند نموده بر علیه جمهوری اسلامی، تبلیغ میکنند، نتیجه بزبان اسلام و سود استعمار گران تمام می شود و باز احساس نمیکند که از در مخالفت در آمدن و نیشهای جان گزا بکابینه و مجاهد متعهد آقای رجائی زدن آنهم در روز کاریکه ریگان رئیس جمهور آمریکا، درصاحبها در صد سرنگونی دولت رجائی بودن را بزبان در می آورد، همکاری با دشمن است. اگر چه بظاهر هزار لحن و نفرین بر آمریکا بکنند یا بیشتر صدایش از شهرهای جنگزده شنیده شود!

همچنین عالمی که در تاخت و تاز رژیم ضد اسلامی پهلوی، سکوت و بر عکس در حکومت جمهوری اسلامی نقیصه های کوچک را زیر ذره بین بگذارد و برای آذربایجان، خود مختاری بخواهد، بیماری روحی دارد! (پیاورقی ص ۹۸ مراجعه فرمائید) و نیز نشانه بیماری «آقا» بود که بمحض مسلط شدن حزب خلق ←

بینشی بآینده دارند بعیان می بینند که ضدانقلاب همان کاری را بابتیانگزار عظیم-
الشأن جمهوری اسلامی و روحانیون متعهد میکند که گذشتگان با ائمه اطهار
کردند!

ائمه اطهار بیکه حتی انسانهای منصف غیر اسلامی امثال جرج جرداق مسیحی

← مسلمان آمریکائی بر آذربایجان، اعلامیه داد که مردم آرامش را حفظ کنید!
(یعنی بعد از بمباران خود رسیدن دشمن، هر نوع جنبش و فریادی را تحریم
فرمودند!)

نشانه بیماری بود که اجرای این برنامه را قبول فرموده بود که پس از
آنکه کودتای بختیار آمریکائی (نوژه همدان) بمرحله عمل درآمد و محل
اقامت امام خمینی بمباران شد و ضدانقلاب، سلاح بدست گرفت و سیل خون برآه
انداخت، در تلویزیون ظاهر شود و مردم را بصبر و شکیبائی دعوت کند (بصفحه ۳۴ و
۶۵ و ۷۱ رجوع فرمائید) رنجوری ایمان است که آن معموم دیگر (ع - ط) پس از
آن که بحق و از روی بینش صحیح منافق و مزدور بیگانه بودن مجاهدین خلق را
افشا میکند، بناگاه یکصد و هشتاد درجه بر میگردد و گفته های خود را زیر پا
میگذارد. و از آنها دفاع مینماید!

همچنین نشانه بیماری است که گردانندگان روزنامه انقلاب و میزان و
کارویکار و خلقی ها و جنبشی ها درك نمیکنند که مخالفت و کارشکنی آنها از
جمهوری نوپای اسلامی بمنزله مخالفت فرزند با پدر است آنهم هنگامی که پدر
بادزد جان و مال و ناموس خانواده در گیر و دست بگریبان می باشد (مراتب را از
روزنامه احزاب ۲۹ / ۲ / ۶۰ مطالعه فرمائید)

نشانه بیماری است که علی اصغر حاج سید جوادی همینکه دید توطئه
ائتلاف گروهکهای ضدانقلاب (فتودالها و لیبرالها و خلقی ها و جنبشی ها و کارو ←

مؤلف صوت العدالة الانسانية میگویند ای روزگار چه می شد اگر هر چه قدرت و قوه داشتی بکار می بردی و در هر زمان علی با آن قلبش با آن زبانش، با آن ذوالفقارش بجامعه بشری می بخشیدی! (این قدرت نفوذ علی علیه السلام که مرزها را می شکند و قلبها را تسخیر میکند و آن قدرت فرزندش امام زمان ع که جهان سرکش را زیر فرمان قرآن در می آورد مصداق آیه ۵۴/۴ می باشد که خدا وعده اعطای کتاب و حکمت و قدرت عظیم را با آل ابراهیم داده است!)

در اینجا در توضیح لزوم تشخیص اولی الامر صالح واجب الاطاعة سخنی از امام خمینی باختصار نقل میکنیم که چهل سال پیش در کشف الاسرار ص ۱۱۰ میفرماید «خدائی که پایه عدل را با فداکاری مسلمانان، در جهان استوار و از بی عقبتیها جلو گیری کرد، آیا امر میکند که از آتاترک، مصطفی کمال پاشا که انگلیس و روس و آمریکا پس از شکست و تقطیع کشور عظیم تر کیه او را بر سر کار آوردند، اطاعت کنید؟ در حالی که او دین و دینداران را بشدت میگوید و ستمگریها

← پیکار و جاما و ساش و و) بجائی نرسید و جز اندکی از امثال او بمجلس خبرگان راه نیافت، لیه نیز قلم خود را متوجه امام خمینی نمود و نوشت «تاپای جان رویا - روی امام خواهد ایستاد!» همچنین نشانه بیماری و دلدادگی باستعمارگران بود که مهندس رحمة الله مر اغهای همینکه بتأکید کتبی «آقا ک - ش» بمجلس خبرگان راه نیافت، سخنانی در مجلس ایراد نمود که کفر او بر اهل بصیرت آشکارتر گردید (عین نطق او را روزنامه خلق مسلمان که شیفته و حامی او بود بتاریخ ۵۸/۶/۴ چاپ نمود و متعاقب آن، مقاله ای از ناحیه آذربایجانیان که عنوانش «زیرم بکرمان بردن» بود ماهیت مر اغدای را آشکار کرده عملانشان داد که بزرگواری که او را تأیید و بمجلس فرستاده است از نظر دین چه مقام و موقعیتی دارد! سرزدن این قبیل جرائم از مجتهد هوی پرست است که امام تقلید او را مثل تقلید یهود میداند احتجاج ۲

میکند و بی عفتیها را ترویج مینماید^{۱۴}..

آیا خدامیگوید از پهلوی اطاعت کنید که دیدید چه ها کرد که اگر مظالم و مخالفتهای او با قرآن را جمع کنند شاید خود یک کتاب شود! آیا دانشمندان منصف اعتراض نمیکند که خداوند عادل و مهربان و دوستار عفت، مردم را با طاعت از چنین عناصر امر مینماید^{۱۴}».

گفتنی است همچنانکه قرآن در ادامه آیه اطیعوا الله و آیه یحکموا و آیه بل تظف بالحق علی الباطل، مرجع عام بودن پیامبر ﷺ را بیان میکند و

۲۹۱ چه خوشخدمتی و تأثیرپذیری ضد دینی از ناحیه آتاترک نسبت بدوات شوروی؛ بهتر و آشکارتر از اینکه طبق آنچه از کتب و خاطرات میرزا فتح... آخوند زاده ملحد اردبیلی الاصل و مأمور عالیرتبه روس برمیآید،

آخوند زاده مزبور برای درهم شکستن نفوذ اسلام و روحانیت؛ مأموریت داشته خط عربی و اسلامی را در داخل روسیه بخط روسی و در خارج بخط لاتین تبدیل کند... تلقینات او را آتاترک پذیرفته، در محیط رعب و خفقان؛ با تغییر خط اسلامی بخط «لاتین» عملاً نسل آینده را از دسترسی داشتن به تعالیم و ذخائر اسلامی محروم ساخت!

همین آخوند زاده در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی سفرهایی به ایران میکند و برای از بین بردن افکار اسلامی، دسوسه آغاز مینماید و بزبان پرورش یافتگان استعمار، امثال سعید نفیسی می اندازد که بگویند «ایرانی اگر خط خود را شبیه خط اروپا کند سرعت ترقی کرده خود را با کاروان تمدن میرساند!!»

لیکن روح تشیع و بیداری روحانیت، مانع رشد شجره ملعونه آخوندزاده میگردد و تلقینات پشت پرده دولتیان خود فروخته هم که از شکستن سکوت اجباری بیمناک بودند، بجائی نمیرسد!...

صفحات تاریخ نیز از آن حکایت مینماید؛ همه منازعات در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنحضرت ارجاع میشد و فیصله می یافت.

و حالا این سؤال در پیش است که پس از رسول خدا بجز از خاندان نبوت کیست که همانند خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منازعات را چنانکه خدا می خواهد حل و فصل نماید؟

و همچنین در زمان غیبت بجز از فقیه جامع الشرائط که قبلاً توصیف شد، کیست که مشاجرات را چنانکه رضای خدا در آن است خاتمه دهد؟

با این قید که اگر قرار شود در تصریح و تبیین قرآن، سنت نبوی ص مرجع رفع اختلاف گردد، باز این اشکال در میانست که در دوره بنی امیه و بنی عباس چندان خبر کذب، وارد کتب اسلامی شده است که تشخیص صحیح از مجعول، کار هر کس نمی باشد. بلکه ضرورت امر ایجاب میکند که فقیهی مثل امام خمینی مصدر کار باشد که در عین آشنائی بقرآن و سنت و در عین تشخیص خبر صحیح از باطل از چنان قدس و طهارتی برخوردار باشد که مجری حق باشد.

باز ممکن است آنان که معتقد بامامت و یا ولایت فقیه نیستند بگویند اصحاب رسول خدا قضاوت و حکمیت را از خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرامی گرفتند و بعد از او همچون خود او عمل میکردند. یعنی نیازی بامام نداشتند که در جواب گفته میشود چنانکه تفاسیر در ذیل آیه ۴/۶۴ مینویسند، تصادفاً همان آیه در مشاجرات داخلی بعضی از اصحاب نازل شده است و بجاست که گفته شود هیچ پند نا گرفته ای نمیتواند بدیگر آن پندی بیاموزد که بکار آید؛ کوتاه سخن اینست که همچنان که عقل قبول دارد که خلقت از آن خداست همچنان قبول دارد که حکم هم از آن خداست و چون خداوند جسم نیست که ظاهر شده امر و نهی کند. فلذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده امام و نواب راستین آنها را که اولین علامتشان اطاعت از خدا و اجتناب از طاعت

و حمایت از حق و مستضعفین است بحکومت نصب و تأیید مینماید!

حالا با در نظر گرفتن مطالب فوق که مرحوم، خواجه نصیرطوسی، عصاره تاریخ اسلام را در یک جمله ادا میکند، «... غیبت امام از مظالم ماست»^۱ باین نتیجه میرسیم که غیبت آنحضرت عمده برای اینست که بشر بت آزمایش بیند و پخته شود و بر سر عقل آید و مثل کسیکه از تشنگی بهر دری زده با تلخکامی و نومیدی بر گشته باشد. آگاهانه در انتظار فرج و ظهور شود و بجان فرمانبرداری نماید تا بحیات ایده آل انسانی نائل آید.^۲

خلاصه اینکه فرد واجتماعی که نه مثل حیوانات به نیروی غریزه هدایت می یابند تا در طریق سعادت پیش روند و نه در برابر سیل خروشان شهوت و خود-خواهی مصنوعیتی دارند تا از لغزش و تجاوز و درگیری، حفظشان کند بر رهبران آسمانی نیازمند میباشند و این، مضمون حدیث علی علیه السلام است که بجناب کمیل فرمود:

«زمین از قائمی که بدلیل و حجت، دین خدا را بر پای دارد خالی نمیماند و آنکس با ظاهر و آشکاراست و یا بر اثر فساد و تباهی مردم، مدتی ترسان و پنهان، تعدادشان کم و قدر و منزلتشان پیش خدا عظیم است. نهج البلاغه فیض ۱۱۴۷»
... همچون خود علی ع که شمشیر عدلش خواب راحت از ستمگران سلب کند و دریای رحمتش را قطره اشک یتیم و بینوا متلاطم سازد. رهبری که از دیدن کردن بند

۲۹۱- مردم چون رشد و تکامل نیافته بودند، نتوانستند، فساد حکومتهای ظاهر الصلاح را تشخیص داده از طاغوت بپزند و از حکومت عدل علی علیه السلام پشتیبانی نمایند. فلذا چندان با آنحضرت جفا نمودند که قریب باین مضمون؛ فرمود قلب و سینه مرا از خونابه و خشم پر کردید! ای کاش برای بیعت بدرب من نمی آمدید. و من شمارا نمی دیدم! شرح نهج البلاغه فیض ص ۸۶

ناچیزیکه دخترش بقید ضمانت ازبیت المال برای روزعید عاریه گرفته بود ، دختر و متصدی بیت المال را بیمحابا بمحاکمه بکشد و از شنیدن اینکه شب هنگام پسرش رامهمانی وارد شده و او بناچار نیم فنجان عسل از سهمیه خود ازبیت المال اخذ نموده است متغیر شود!.. (واقعه را از ص ۱۰۷ دوباره بخوانید)

۹- خداوند مدبر، آیه ۲۶/۲۱۴ و انذر عشیرتک الاقربین رادر اوائل بعثت نازل و حضرت محمد ﷺ بفرمان او چهل نفر بزرگان شهر را بنخانه خود دعوت و برای اینکه آنها را بیدار و بجاورای طبیعت متوجه سازد همه را با اعجاز یا ولایت تکوینیه بایک کاسه آب گوشت سیر میسازد!

روز دوم و سوم نیز این معجزه تکرار می شود. آنگاه پیامبر وجود خدا و رسالت خود را اظهار می کند و از آنها که در افکار بتها و زور گوئی خود فرورفته بودند می پرسد « کیست که از میان شما پیش از همه، خدا و نبوت مرا قبول کند تا وزیر و برادر و وصی و جانشین من گردد»

علی علیه السلام جوان نورسته بدون اعتنا بنخشم و نگاههای تند گردنکشان شهر، بقدیم صدق بر میخیزد و میگوید « من خدا و رسالت ترا باور دارم» پیامبر ص او را امر بسکوت میکند و دوباره از حاضران جواب می طلبد و چون در این نوبت نیز علی علیه السلام جواب قبول میدهد، پیامبر اظهار میدارد « علی وزیر و برادر و وصی و خلیفه من در میان شماست اطاعتش کنید»

۱۱ و ۱۲- خداوند در آیه ۲۷/۸۹ میفرماید « من جاء بالحسنه فله خیر منها وهم من فزع يومئذ آمنون ومن جاء بالسیئه فکبت وجوههم فی النار هل تجزون الا ما کنتم تعملون

۱- الغدیر جلد ۲.. این واقعه از مسلمات تاریخ شیعه و سنی میباشد. و نایب الموده

ص ۱۰۵ و تاریخ طبری جلد ۲ ص ۶۳ و ۳۲۳، تاریخ ابی الفداء و غیره

حالا هر پز و هشگری مخصوصاً از دیدن الف و لام ذهنی در رأس کلمه حسنه و سیئه از خود می پرسد این چه کاریکی است که بهتر از خود رایا داش می آورد و صاحب آنرا از ترس و فریاد روز قیامت بیمه می کند؟!؟

این چه درخت پر باری است که از لحظه نشانده شدنش در باغ زندگی، تا دم مرگ و از آنجا الی الابد آدمی را شیرینکام مینماید؟ حتی هر شاگرد دبستانی علاقمند می شود که بداند این چه نوع گل خوشبوئی است که بمحض ریشه دو اندن، بوستان عمر را خوشبو و معطر و در آخرت نیز صاحب خود را زیر سایه رحمت خدا قرار میدهد؟

مسلماً اگر از ممالک اسلامی از قبیل سعودی و اردن و عراق و اندونزی و... از معنی این حسنه که نظیر آن در آیه ۲۳/۴۲ نیز بیچشم میخورد پرسیده شود دو جواب متفاوت بدست خواهد آمد!

از آنانکه از قدیم الایام در رأس حکومتهای استبداد با اموال و نوا میس مردم بطور فاعل مایشاء رفتار نموده اند و نیز از مفتی های گوش فرمان آنها که از بیم قطع شدن حقوق و عواید از یزیدها و حجاجها و متوکلها بعنوان اولوالامر اطاعت نموده و مینمایند، جوابی که قیودات آیه را در بر داشته و در پیشگاه خرد قابل پذیرش باشد، بدست نمی آید!

اما جواب صحیح از همان ممالک، آزاد مردان و زنانی که اطلاعاتی از تعالیم شیعه دارند بارها و گروه گروه (رحمة الله علیهم) خطرات مأموران امنیتی کشور خود را نادیده گرفته از هفت خوان رستم میگذرند و هدایای گرانبھائی به جنگزدگان جمهوری اسلامی ارسال مینمایند، چه آنها شیعه را برادر خود می دانند و از پیامبر ﷺ بخاطر دارند که فرمود.

«یا علی چنانچه امت من چندان روزه بدارند که در لاغری بشکل زه کمان

در آیند و چندان نماز بگزارند که قدشان مثل کمان شود، با این وجود اگر
ترا دشمن دارند، خداوند آنها را بروی بینی شان بکام آتش خواهد کشاند.»
(جامع الجوامع طبرسی ص ۳۴۲)

۱۳ و ۱۴ و ۱۵ - خداوند در آیه ۱۱۹/۹ ... کونوا مع الصادقین

مؤمنان را بتقوی و متابعت از صادقان امر مینماید...

و بعد برای اینکه هر مدعی حکومت دعوی صدق نکند و مردم را به تبعیت
از خود نخواند گمراه نسازد در سوره و آیه دیگری (۱۵/۴۹) انما ... صادقان
را چنین توصیف میفرماید... منحصرأ صادقان کسانی هستند که بخدا و رسول او
ایمان آوردند و ذره‌ای شك و تردید بر دلشان راه نیافت و در راه خدا با مال و جان
جهاد نمودند؛

و آنگاه ادامه سخن را بر سول گرامی خود وا گذار می کند که آنحضرت
می فرماید «علی از این کسی است که شك و تردید بر او راه نیافت. او نخستین
مؤمن و یگانه مجاهد با مال و جان میباشد»

حالا با استفاده از دو آیه صادقین گفته می شود:

ممکن است این سؤال پیش بیاید که خداوند حکیم؛ مؤمنان را بدو امر
مهم سفارش می فرماید یکی تقوی و دیگری صادق بودن.

۱- الغدير جلد ۳ ص ۲۱۹ و ينابيع الموده ص ۱۱۹ و ۱۵۴ .. ابن جوزی حنفی
در تذکره خود بنقل از بزرگان اهل سنت می گوید «صادقین، علی و خاندان او
می باشند»

و باز الغدير جلد ۲ ص ۳۰۵، از بزرگان اهل سنت نقل می کند که «علی و
اهل بیت صادقین میباشد» و ابن عباس نقل می کند که گفت «علی سید الصادقین
است ...»

حالا اگر در هر عصری برای تبعیت، صادق کامل العیاری در روی زمین وجود نداشته باشد. فرمان خدا در ارجاع مردم بشخص نایاب (نعوذ بالله) بآن می ماند که در محدوده ای چیزی موجود نباشد ولی بمردم گفته شود در تبعیت آن چیز باشید !!

پس نتیجه این می شود که طبق حدیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «من مات ولم يعرف امام زمانه مات ميتة الجاهلية. ينابيع الموده ۵۲۴ و یواقیت ج ۲ ص ۲۷۳ و صحیح مسلم ... گروه دستگاران ج ۲ ص ۲۸۱»

از آدم تا خاتم و از بعد از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تا روز دستاخیز در روی زمین صادقانی که همان ائمه حق بوده و حالا عصر آخرین آنها میباشد وجود دارند که خداوند مردم را بهمراهی با آنان امر میفرماید!

در اینجا برای اینکه بدانیم هم لسان وحی و هم معاندترین دشمنان، ائمه حق را صادق نامیده اند ۳ حدیث زیر را مطالعه مینمائیم.

- ۱- پیامبر ص هر يك از اوصیاء دوازده گانه خود را صادق نامید. (ینابیع الموده ص ۱۱۶) و لقب صادق برای امام ششم برای علمیت و تشخیص آنحضرت از جعفر، فرزند امام علی النقی عَلَيْهِ السَّلَام میباشد که او حساب و مشی دیگر داشت
- ۲- هارون الرشید خلیفه سفاک در نهایت غضب امر کرد موسی بن جعفر را در پیشگاه حاضر کنند. آنحضرت همینکه وارد و هارون را در حال خشم دید، گفت «از پدرم شنیدم که او هم از پدرش... از رسول خدا نقل می کرد که فرمود «هر گاه در میان دو عضو خانواده ای کدورتی رخ دهد اگر آن دو مصافحه کنند خصومت مبدل بمهر و شفقت میگردد.» هارون دست دراز کرده دست موسی عَلَيْهِ السَّلَام را در دست گرفت.

این دست دادن همان بود و فرو نشستن شعله خشم همان!

هارون آنحضرت را پهلوی خویش نشانده دلجوئی کرد و گفت «تو راست گفتی و پدرانیت نیز همه راستگو بودند»

۳- مأمون خلیفه عباسی بر اثر اقتضای زمان که میخواست مدعیان خلافت را ساکت کند. یا برای راضی و متقاعد کردن شیعیان که آنروز در تمام شئون کشور ریشه دوانده بودند. یا برای مشورت در مسائل سیاسی و علمی که از داخل و خارج، بیرون مکاتب کوناگون بمرکز اسلام روی میآوردند. یا بر اثر نذری که کرده بود چون بخلافت رسد، امام را ولیعهد خویش نماید. یا بر اساس این توطئه که ائمه شیعه خواهان قبضه کردن حکومت هستند ولی صلاحیت ندارند! و آنها هم اگر بقدرت رسند؛ آلوده ستم می شوند. یا بهر بهانه و غرضی دیگر که همه از تفرعن و کینه و حسدا و بائمه اطهار سرچشمه میگرفت.

ابتدا با مهر و محبت و بعد با نپذیرفتن امام، آنحضرت را با جبار پیاپی تخت خویش (مر و) کشانده ولیعهد خویش نمود. جز اینکه امام، غرض مأمون را دریافته شرط نمود که در عزل و نصبها دخالت نخواهد نمود. بلکه تنها پاسخگوی سوالات و معضلات علمی مردم خواهد بود!...

۱- چهارده معصوم جواد فاضل... ولایت امام بود که هارون آتشین را سرد

گرداند!

۲- توطئه اینکه در سرخس میخواست امام را با وزیر خویش بحمام کشانده

بدست درخیمان دهد که امام ترفیق و وزیر رفت و کشته شد!

توطئه حمید بن مهران که با موافقت مأمون، در محضر بزرگان، امام را

مورد عتاب و خطاب قرار داد و سرانجام گفت اگر شما ولی خدا هستید بسگوئید

این دو شیر پرده مرا پاره کنند که امام فرمود و شیران آنچنان کردند! و آخر کار

زهر دادن با امام و و که همه حاکی از خبیث نیت مأمون بود!

پس از تحمیل ولایتعهدی، مأمون در پاسخ اعتراضات برادران و اعمام خویش نامه مفصلی بیغداد فرستاده است که بمدلول «الفضل ماشهدت به الاعداء» خلاصه اعترافات او در زیر نقل می شود: ابوطالب جداعلای علی بن موسی الرضا علیه السلام خدمات گرانبھائی بحضرت محمد ص و اسلام نموده است.

اعتراف باولین مسلمان بودن خدیجه ع از زنان و علی از مردان! اقرار باینکه شرك و جاهلیت کوچکترین اثری در علی علیه السلام نداشت! اقرار باینکه علی علیه السلام بعنوان برادر و پسر پیامبر یگانه مدافع آنحضرت بود!

اقرار باینکه در شب هجرت بجز از علی علیه السلام کسی حاضر نشد برای بقای اسلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم دل از حیات بشوید و در جای پیامبر ص بخوابد. اذعان باینکه پیامبر هرگز علی را زیر فرمان کسی قرار نداد بلکه او همیشه رئیس و فرمانده دیگران بود!

اذعان باینکه شدیدترین ضربات را علی ع بر پیکر کفر و شرك وارد آورده است. علی فاتح خیبر و قاتل عمرو و مرحب بود!

شهادت باینکه خاندان علی طعام خود را بمسکین و یتیم واسیر دادند و سوره «هل اتی... و آیه یطعمون الطعام علی حبه» در شأن آنها نازل شد!

شهادت باینکه در روز مباحله علی نفس پیامبر نامیده شد. شهادت باینکه هر جا قرآن مؤمنین و صادقین را مدح نموده است علی نخستین آنها بود!

اعتراف باینکه خدا در برابر تفاخر هیئت آبرسانی حجاج مکه و نیز مباحات تعمیر کنندگان بیت خدا، ایمان علی و مجاهدات او را برمی شمرد و نتیجه میگیرد که خدمات شما هرگز پیرای خدمات علی علیه السلام نمی رسد!

اعتراف باینکه بنی عباس از اول حکومت خود حتی بیش از بنی امیه با آل علی

ستم روا داشته و آنها را بقتل رسانده است

شهادت باینکه دیری نمی گذرد مهدی موعود از نسل امام رضا قیام می کند و از قاتلان پدر و اجداد خود انتقام می گیرد (تلخیص ازینا بیع الموده ص ۴۸۴) همچنین اگر بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در هر عصری دریای مواجی از علوم در دسترس مردم نباشد تا اشکالات آنها را رفع و تشنگی معنوی شان را فرو نشاند نعوذ بالله از جاع مردم بی رسیدن از اهل ذکر، امر بی معنی می باشد. (فَسَلُوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون ۱۶ / ۴۳)

پس بموجب سه آیه فوق الذکر که خلق را بیودن با صادقان و پیرسیدن از اهل ذکر امر می کند و نیز بسفارش پیامبر در معرفت با امام عصر که در ص ۱۶۶ دیدید محال است روی زمین از وجود صادقین و اهل ذکر و امام که مرجع و حلال مشکلات همگانی شود، خالی باشد.

همچنانکه بشهادت کتب زیادتی امثال روضات الجنات و جنة المأوی و نجم الثاقب و کلام الطیب و دارالسلام و در امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام همانند پیامبر ص که علی ع او را طبیعی می نامد که طب معنوی خود را بیالین بیماران می برد و نیز همانند پدران خود که تا لحظه شهادت، با داروی هدایت و تزکیه بجانب مردم می رفتند، در موارد بی شمار بر بزرگان، ظاهر و اشکالات آنان را پاسخ گفته و یا آنان را بحدیثی از پیامبر و یا راه امام که در طول ۲۷۰ سال امامت آنان صادر شده است، ارجاع و توجه داده است که بدو فقره آن اشاره می نمائیم.

۱- مرحوم احمد مقدس اردبیلی که پایگاه او در زهد و تقوی و کرامات مشهور می باشد، در نجف شاگردی داشته بنام میر فیض الله تفرشی که خود او نیز مزین بتقوی و فضل و دارنده عبادات و تألیفات بوده است.

میر فیض الله که با اسرار استاد آشنائی داشته نقل می کند که من در کنار صحن

مطهر امیرالمؤمنین منزل داشتیم بعد از نیمه شبی از حجره بدر آمدیم... هوا بسیار تاریک بود. در این میان مردی را دیدم که بطرف صحن در حرکت است. پنداشتم دزدی است که می خواهد بقندیلها دستبرد بزند. بدنبال او برآه افتادم. من اورا می دیدم ولی او ملتفت من نبود!

او همینکه بنزدیکی درب بزرگ رسید، بانهایت تعجب مشاهده نمودم که قفل همان درب و درب دوم و سوم؛ افتاد و درهای بسته باز شد! او خود را بکنار قبر رساند و سلام گفت که من از صدایش اورا شناختم و جواب سلام را که باور داده شد منهنم شنیدم!! همین وقت، استاد مسائل علمی مطرح نموده جوابی شنید و بر گشت، منهنم آهسته بدنبال او برآه افتادم! تا به مسجد کوفه و حراب آن رسید.

متوجه شدم که در اینجا نیز راجع به مسئله قبلی پرسش می نماید و جواب می گیرد! چون خدا حافظی کرد باز تعقیبش نمودم. وقتی بدروازه نجف الاشرف رسیدیم که هوا روشن شده بود. ناگزیر حضور خود را که از اول تا آخر ناظر بودم اعلام نموده از حضرتش خواستم تا آندو پاسنخگوی را معرفی فرماید! او پس از آنکه از من پیمان موثق گرفت که تازنده است بکسی نگوییم، جواب داد «پسرم بعضی از مسائل بر ایمن مشتبه می شود، چه بسا شب هنگام آنها را با مولی امیرالمؤمنین در میان میگذازم و جواب میگیرم! امشب نیز به حضرتش شتافتم جواب آمد که برو آنرا از فرزندم مهدی که الساعة در مسجد کوفه تشریف دارد، پرس! رفتم و پرسیدم و پاسخ گرفتم!»

نظیر این واقعیت را با کمی اختلاف، مرحوم مجلسی در بحار الانوار از شاگرد دیگری بنام امیراعلام نقل نموده اضافه کرده است که مقدس اردبیلی بهنگام وفات اظهار داشت که مسائل شرعی را با امیر اعلام و

مباحث عقلی را به میر فیض الله ارجاع دهید.

۲- محمد تنگابنی در قصص العلماء بنقل از رجال علم و تقوی آورده است که علامه (حلی) شبی بقصد زیارت قبر امام حسین علیه السلام بر حمار خود سوار شده با در دست داشتن نازیباها یکیه حیوان را با آن می راند بر راه می افتد. مردی در لباس اعراب سر رسیده همسفر علامه می شود!

او در حالی که پیشاپیش علامه راه می رود؛ باب مکالمه را بازمی نماید! علامه از جوابهایی که می شنود استنباط می کند که آن مرد دانشمند کم نظیر می باشد.

لذا در صدد آزمایش در آمده مسائل بفرنج علمی مطرح می نماید و باز مشاهده می کند که او واقعاً حلال شکلات و کلید در عسای بسته میباشد! چون چنین می بیند. فرصت را غنیمت شمرده از مسائلی که برای او صعوبت ایجاد می کند پرسش مینماید که باز آن مرد پیردهای ابهام را از مسائل علامه بر میگیرد (علامه ای که بداشتن صدها تألیف شهرت جهانی دارد) در این میان مسئله ای پیش می آید که آن مرد بخلاف نظر علامه فتوی می دهد!

علامه می گوید این خلاف اصل و قاعده ای است که ما داریم. عرب میگوید دلیل قول من حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است! علامه جواب می دهد من بهمچو حدیثی بر خوردن کرده ام که شیخ و دیگران آورده باشند. عرب می فرماید الان بکتاب تهذیب بفلان صفحه وسط و حاشیه مراجعه کن که همچنان خواهی یافت. وقتی علامه این جواب را که جزء مفیبات بود می شنود و غیبگوئی او را درک می کند که از کتاب خطی او، با اشاره بشماره صفحه وسط و حاشیه، شاهد می آورد، در حیرت فرو می رود!

علامه دهشتزده با خود می اندیشد که بی شک، او امام زمانست که ساعتها

پیشاپیش او پیاده راه رفته است.

(امام زمانی که محور حرکت موجودات می باشد!)

اودراین دریای فکرت است که تازیانه از دستش بزمین می افتد. برای این که ظن خود را که او امام زمانست یا نه بیقین مبدل سازد، از او می پرسد آیا حالا در زمان غیبت کبری، امکان دارد که کسی بشرف زیارت سرور و مولا یمان، امام زمان عجل الله فرجه سرافراز شود؟ آنمرد خم شده تازیانه را بر می دارد و درحالی که آنرا بکف دست علامه می نهد می گوید چرا امکان ندارد؟ درحالی که کف دست او در میان کف دست شماست!

علامه بی اختیار خود را پهای او می افکند و مدهوش می شود و چون به خود می آید از ندیدن حضرتش ملول و غمگین می گردد... علامه بکتاب مورد بحث رجوع نموده حدیث را در همان صفحه وسط و حاشیه که امام نشان داده بود پیدا می کند. لذا بخط خود در همانجا اضافه می نماید که این حدیثی است که سرور و مولایم بتفصیل فوق مرا بوجود آن آگاه ساخت. (منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام ص ۴۱۲ و ۴۱۷). هر منصفی از مطالعه شرح حال این قبیل فقهاء که به کمال حلم و شجاعت و زهد مزین بوده اند؛ و نیز از دیدن پاکی و خلوص امثال حجة الاسلام شیخ محمد خیابانی و میرزا کوچکخان جنگلی که برای ایجاد جمهوری اسلامی، در مقابل استبداد صف آرائی کردند و در آستانه پیروزی به نیرنگ نین و جرج پنجم (پادشاه انگلیس) و ایادی ایرانی آنها، از پای درآمدند و شهید شدند و سرانجام از دیدن غایت نفوذ و قاطعیت فقیه مجاهد حاج ملاعلی کنی که بایک اولتیماتوم، ناصر الدینشاه و وزیر خائنترش میرزا یحیی مشیرالدوله و وثوق را بدنبال شکستشان از نهضت تنباکو، از انعقاد قرارداد دیگر (تأسیس راه آهن ایران بوسیله انگلیسها) سرشکستند و منصرف ساخت، از خود می پرسد اگر حکومت بدست

فقهاء سپرده می شد، جامعه زیان میگردد؟! (بکتاب روضات الجنات رجوع فرمائید)
۱۶- خداوند در آیه ۳۵/۳۲ ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا
 یاد آور می شود که قرآن را بآن گروه از بندگان میراث قرار دادیم که آنها را
 بر گزیده ایم. در اینجا با توجه باین نکته که ائمه بسخن و عمل، شارح قرآن بودند
 و با توجه باعتراف سرسختترین دشمنان اهل بیت؛ امثال منصور خلیفه عباسی که
 بحضرت صادق اعتراف نمود که شما آشناترین مردم با سرار قرآن مسی باشید؛
 باین نتیجه میرسیم که دوازده امام، در حفظ و ابلاغ و اجرای قرآن جانشین
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشند!

۱۷- خداوند در آیه ۴/۵۴ «ام یحسدون الناس علی ما آتیهم الله من فضله ..
 سخن از عطا یا موهبت های خود بمیان می آورد و می گوید ای مردم با آنچه
 که ما از فضل خود «بآنها» داده ایم حسد می برند؟ بتحقیق ما آل ابراهیم (محمد
 و اهل بیت) را کتاب و حکمت و فرمانروائی اعطا نمودیم»

۱۸ و ۱۹- خداوند در آیه ۶/۸۲ (الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم
 اولیئک لهم الامن وهم مهتدون» و آیات پیش از آن، از هدایت و درامن بودن، سخن
 بمیان می آورد و برای شناسائی هدایت یافتگان و درامن شوندگان توضیحی
 می دهد که هر کسی مختصر فهمی داشته باشد می داند که مسئله تشخیص رهبر در
 میانست. بدینسان که شرط اینکه مکتب و دردمان کسی محل هدایت و امن و
 امان باشد اینست که خود او بظلم که علامت شاخص آن شرک است آلوده نشده
 باشد پس چون تاریخ بجز از علی و یازده فرزندش، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را بیاد

۱- پیامبر ص می فرمود من و علی هستیم که مردم بما رشک می برند. حضرت
 باقر میفرمود ما خاندان پیامبر هستیم که در مورد حسد قرار گرفتن ما آیه
 نازل شده است. ینابیع الموده ۱۲۱

ندارد که آشکارا بانهان؛ شرك نورزیده باشد. فلذا آنها کردن نهادن بر هبری آنها
 هایه امن و سعادت میباشد!

توضیح اینکه در آیات و احادیث متواتر نبوی ص از جمله تفسیر آیه «۷/۱۳»
 .. لکل قوم هاد» علی علیه السلام بصفه هادی و مکتب او بمکتب هدایت توصیف شده است
 (حیوة القلوب جلد ۳ ص ۱۱۴ و علی والسنة و)

۲۰. خداوند در قرآن آیه ۲۷/۲۰ تا ۳۴ « واجعل لی وزیراً من اهلی
 هرون اخی. اشدد به ازری و اشر که فی امری... قال قداوتیت سؤلک یا موسی... »
 سر گذشت بعثت موسی علیه السلام را نقل و یادآوری مینماید که گفت «.. خداوند
 بر ادرم هارون را در این رسالت وزیر من قرار ده و پیشتم را با او قوی گردان و او را
 شریک نبوت من کن. جواب آمد یا موسی خواسته های تو بر آورده شد!»

حال هر پژوهشگری پس از آشنائی با مقام حضرت هرون که بر ادر و وزیر
 و شریک تبلیغ و پیشیان حضرت موسی ع بود، همینکه با احادیث متواتری
 بنام حدیث منزلت که نویسندگان بزرگ شیعه رسنی یادداشت نموده اند مواجه
 می شود، (در ص ۸۵ گذشت) می فهمد که همان مقامی را که هرون نسبت بموسی ع
 داشته حضرت مولای متقیان نیز بجز نبوت نسبت بمحمد ص داشته است و حتی پیامبر
 حسن و حسین، فرزندان علی را بدیده فرزندان هارون (شبر و شیر) نگریسته
 می فرمود «همچنانکه نبوت در نسل هارون نهاده شده بود؛ امامت بعد از علی ع نیز در
 نسل او نهاده شده است»

۱- در اثبات حدیث منزلت، الغدیر جلد ۳ ص ۱۱۲ و ۱۲۵ و ۱۹۶ پنجاه حدیث از
 بزرگان اهل سنت رحمهم الله نقل می نماید.. علی در نهج البلاغه، خطبه قاصعه نقل
 می نماید «... محمد صلى الله عليه وآله بکوه حرا میرفت. جزم من کسی او را نمی دید من نور
 وحی و رسالت را احساس می کردم پیامبر ص بمن فرمود هر آنچه من می شنوم ←

۲۱. خداوند در آیه ۸۲/۲۰ .. وانی اغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً

ثم اهتدی ...

می فرماید «من برای کسی که توبه کند و ایمان بیارد و عمل صالح نماید و سپس هدایت یابد خطاپوش و توبه پذیر میباشم» قدر مسلم اینست که کسی که توبه کرد و ایمان آورد، مسلمان است اما بدلالات آیه فوق آمرزش خداوند هنوز شامل حال این چنین کس نیست. بلکه باید این شخص اعمال صالحه بجای آورد و هدایت یابد!

تفسیر عیاشی از قول حضرت باقر نقل می کند که فرمود آدمی اگر در تمام عمر بهمه کارهای نیک موفق شود ولی منکر رهبری ائمه اثنی عشری باشد عملش ارزشی نخواهد داشت!

شاید این سخن برای کسانی شکفت انگیز باشد ولی با توجه به نقش رهبر در حیات اجتماعات که می تواند میلیاردها انسان را از قید و بند ذلت و اسارت آزاد کند و نیز با توجه باینکه مردم از وابستگی بشرق و غرب و گماشتگان آنها و بطور اعم از هر زمامداری بستوه آمده اند نتیجه می شود که مادام که بزرگان و مدعیان اصلاحات، رهبری جهان را بدست بابرکت معصومی مثل علی

← و می بینم تو نیز می شنوی و می بینی جز اینکه تو پیامبر نیستی. تو وزیر منی!
تو در طریق هدایتی! ... در عدم تعجب بظاهر شدن فرشته بعلی و امامان دیگر علیهم السلام بهتر است بدانیم که بمصداق قرآن (۳۸/۲۰ - ۷/۲۸ - ۴۲/۳) حتی بمادر موسی وحی میشد و مادر عیسی، ملائکه را که بصورت بشر در میآمدند میدید و با آنها گفتگو میکرد.

یا معصومی مثل امام زمان **عج** نسیارند بیسامانیها درمان نخواهد پذیرفت^۱ و آه بیچارگان و محکومان بیگناه بیش از پیش فضای زندگی را گرفته و ملال انگیز خواهد نمود. یعنی میان رهبر توانائی مثل علی **علیه السلام** و فرزندان او امام زمان **علیه السلام** و نواب او امثال شیخ مرتضی انصاری و شیخ عبدالکریم حائری یزدی رسید محمد حجت که بلباسی خشن و قرصی نان جوین ساخته و می سازند، با زمانمدار غیر خدائی که بفکر خویش است و جز خودستائی و منم منم گفتن و از دشمنان ایران اسلامی حمایت کردن^۲، کاری از او ساخته نیست، فرق از زمین تا آسمانست **۲۳ و ۲۴** - خداوند در قرآن **۷۷/۲۲** . یا ایها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا واعبدوا ربکم ...

۱- روزنامه نگار سوئدی از دیدن زندگی ساده امام خمینی، شاگرد مکتب علی **علیه السلام** گفت گمان می کردم امام پس از قبضه کردن حکومت یکی از کاخهای مجلل شاه را برای خود اختصاص خواهد داد. همچنین سفیر واتیکان از دیدن منزل امام در جماران که با موکت مفروش شده بود گفت در این شخص بزرگ معنویت ملکوتی احساس نمودم!

۲- پوشاک و خوراک امام زمان آنگاه که بر سر حکومت عدل جهانی قرار می گیرد شبیه خوراک و پوشاک جد خود علی **علیه السلام** خواهد بود. منتخب الاثر ۴۷۶ ... امید میرود این شواهد زنده مورد توجه دلان کمونیسم و آنان که گول تبلیغات کمونیستی را میخورند قرار گیرد که زندگی ایده آل در عالمی که رهبر آن بر خلاف ادعای برادری و برابری در عالیتترین قصر می نشیند و بقول چرچیل سفره او با صدها نوع خورش تزیین میشود، یا آخرین مدل اتومبیل بنز آلمان برای اوسفارش داده میشود (مائوتسه تنگ) از عالم خواب و خیال فراتر نمی رود (از رادیو بی بی سی و مجله خواندنیها)

فرمان میدهد خدایا را رکوع و سجود و عبادت کنید و کارهای نیک انجام دهید. در راه خدا آنچه‌تان که لایق درگاه خداست جهاد نمائید.

اوشما را بر گزید و در دین برای شما تنگی قرار نداد. دین پدرتان ابراهیم... او پیش از این شما را مسلمان نامید همچنان که حالا نامیده میشوید. ناپیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شاهد اعمال شما و شما شاهد مردم باشید. نماز را پیای دارید و زکوة بدهید و متموسل بخدا باشید که اولی امر شماست...

در نگاه نخستین چنان بنظر می‌آید که روی سخن بعموم مؤمنین است در صورتیکه نشانه‌های موجود حکایت از وجود خصالی راجع بامامت می‌کند که از نظر ریاست طلبان مستور بوده است!

الف. آن مؤمنین از طرف خدا برگزیده شده‌اند. ب. دین پدرشان ابراهیم. ج. در راه دین بی صبر و تنگ حوصله نیستند. د. شاهد و مبین بودن پیامبر بر آنها، همچنین شاهد و مبین بودن آنها بر مردم.

۱- طبرسی در جامع الجوامع ص ۲۸ برای شاهد معنی مبین نیز میدهد... گفتنی است که شیخ محمود شلتوت رئیس سابق دانشگاه الازهر مصر، تفسیر مجمع البیان همین طبرسی را ازج نهاده وارد دانشگاه مصر نمود ولی میگویند نمایندگان استعمار در عربستان از فراموش شدن موجبات وحدت میان سرادگان سنی و شیعه بخشم آمده با دادن زهر بزندگی شلتوت خاتمه دادند (رحمة الله علیه) این قبیل جنایات از استعمار گر بکه محمد تقی امیر کبیر را در سفر صلح ترکیه و خونین شهر مسدوم و سرانجام بدست درخیم ناصرالدینشاه در حمام بقتل رسانند، بعید نمی‌باشد... خدمات و پیاسخ منطقی شلتوت بمخالفان وحدت را از گروه دستکاران جلد ۱ ص ۵۹۰ بخوانید

پس در اینجا این سؤال بمیان می آید که طرف خطاب خداوند چه کسانیست که دارای چنین مقام و منزلت رفیع میباشند؟
 جواب اینست که اگر آن قول پذیرفته شود که عرب از اولاد اسماعیل بن ابراهیم و عجم از اولاد برادرش اسحاق هستند
 باز این حقیقت تمام نسبتها را کنار میزند که از نظر نسل و ایمان کسی از پیامبر ﷺ و علی و فرزندان او بحضرت ابراهیم نزدیکتر نبوده است یعنی بر گزیده شدن و نامگذاری گردیدن از طرف ابراهیم و صفات ممدوح دیگر بعد از پیامبر و فاطمه شامل حال دوازده وجود مقدس میباشد و آنها هستند که بر گزیده خداینند. در دین حرج و تنگی برای آنها نیست، شاهد اعمال مردم و حجت و بیان کننده دین بر انسانها و وسیله اقامه نماز و ایقاع زکوة میباشند...

توضیحاً گفته میشود که خداوند دانا مضمون شاهد و حجت و مبین شرع بودن ائمه اطهار را در آیات دیگری مثل ۱۴۳/۲ ... جعلنا کم امة وسطاً... بیان مینماید که، علاقمندان را بتفسیر بزرگ ارجاع میدهیم.

جز اینکه در جواب سؤال احتمالی گفته میشود که این اراده خداوند خالق و حاکم و مختار است که تمام علوم و معجزات و رهبری پیامبران را بر سه رسول اکرم و پس از او بر تیب بائمه اثنی عشر اعطا میفرماید که مثالی از طبیعت میتواند روشنگر مسئله گزینش و تفوق باشد:

از راه قرآن (۶۸/۱۶) میدانیم که اراده خدا که بعنوان وحی بسز نور

۱- مرحوم مجلسی در حیوة القلوب جلد ۳ میگوید اگر مسئله وصایت نبود مردم از داشتن رهبر در تنگی میماندند یعنی دور از عدالت خداست که مردم را بدون سرپرست بگذارد تا شاید آنها را در اقیانوس طوفانز ابجای کعبه بنقطه کفر ببرد!

عسل القاء شده است آن حیوان باریک اندام را بر کافه امثال خود فضیلت ابدی بخشیده است!

و باز میدانیم که ملکه کندو بتنهائی بساعت دوام تمدن و سلامت شهر زنبوران میباشد.

و باز شنیده ایم که موریس مترلینگک حشره شناس معروف در کتاب زنبور عسل خود میگوید «در دامن طبیعت دهها هزار حشره را آزمودم تنها زنبور عسل را یافتم که از موهبت الهی بداشتن شیره جان پرور بر همه حشرات برتری دارد.

۲۴- خداوند در آیه ۹۰/۶ ... اولیئک الذین هدی الله و بهدیهم اقتده پس از معرفی انبیاء میفرماید اگر مردم بمقام و مکتب انبیاء کفر ورزند ما گروهی را بر عایت حقوق مکتب آنها موکل میکنیم. از مشخصات این گروه حفظ تعالیم انبیاء و اینکه آنها را خداوند هدایت نموده است و سوم اینکه آنها کفر نمیورزند و مردم نیز باید از هدایت آنها پیروی کنند... امام رضا علیه السلام بسائل می گوید هر چه می خواهی پرس!

و آنگاه توضیح می دهد که هدایت شدگان و کفر نورزیدگان آیه فوق مائیم و ما هستیم که خداوند، مردم را به پیروی و گرفتن درس هدایت از ما موظف

۱- فلسفه اینکه چرا پیامبر صلی الله علیه و آله علی را بملکه کندوی زنبور عسل تشبیه فرموده، اینست که همچنانکه بقای تمدن زنبوران منوط بوجود ملکه است، بقای تمدن امت نیز موکول بوجود آنحضرت و فرزندانشان او میباشد و حالا در جمهوری اسلامی، امام خمینی که بقول معلم شهید دکتر شریعتی «خون حسین در رگهای او جریان دارد» و نیز بعد از اذوقهای جامع الشرائط منتخب شورای نگهبان، به نیابت از امام زمان علیه السلام موقعیت ملکه کندو را دارا میباشد (نوارهای واسط بعد خرداد ۶۰ امام را که طاغوت نو ظهور (بنی صدر) و اذتاب رامی شکند استماع فرمائید)

نموده است ...

این حجت بالغه خداست که از صدر اسلام تا کنون و تا قیامت از یکطرف هدایت علی و اولاد او علیهم السلام را که بر خلاف دیگران يك لحظه هم شرك نوزیده‌اند مثل روز روشن در طول تاریخ، در معرض انظار و افکار قرار می‌دهد. و از طرف دیگر مردم امر میکنند «از نوریکه نشانتان دادم استفاده کنید»

حالا اگر بخواهیم آیه را با اوضاع زمان خود تطبیق دهیم که «مطابقت قرآن بهمه زمانها و مکانها از جمله اعجاز و مختصات آنست، میگوئیم در روزگاریکه صدام حسین آمریکائی تحت حمایت زمامداران مرتجع منطقه در کنفرانس باصطلاح اسلامی طائف و بغداد از آسمان و زمین سخن میگوید و خودستائی می‌کند و حمله خودبایران و قتل و غارت فراموش نشدنی خویش را توجیه مینماید، چشم نهضت‌های آزادیبخش در سعودی و بحرین و عراق و ایرلند و حتی در آمریکا و روسیه بطرف امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی میباشد و این خورد اتمام حجت خداوندی است که در فضای بیکران، منشور و دعوت «اولئک الذین هدی الله و بهدیهم اقتده» او بسمع جهانیان میرسد و کشتی شکستگان را بساحل نجات رهبری مینماید. (وسائل الشیعه جلد ۱۸ ص ۵۱)

۲۵- قرآن، آیه ۴۷/۴. ان الله یا امرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل.

ازیک نظر معنی آیه فوق اینست که امانات را باهلشان رد کنید و آن‌گاه که در میان خلق حکم می‌دهید بعدالت حکم کنید اما از نظر ائمه اطهار که عقل سلیم تنها تفسیر آنان را متواضعانه کردن می‌نهد، معنی دیگر اینست که ودیعه و امانات الهی را جمع بحکومت که تأمین کننده راحت و سعادت مردم روی زمین خواهد بود، مهمترین امانات است و خداوند فرد فرد ائمه را بآدمی آن امر فرموده است:

مؤید این نظر، دادن امامت بامام بعدی می باشد که بدستور خدا و پیامبر ص
بقریب علی علیه السلام بامام حسن و او بامام حسین و او بفرزند خود زین العابدین و و
سرانجام علی نقی بامام حسن عسکری و آنحضرت بامام دوازدهم علیه السلام تسلیم
نموده است و این امر بعدی درخور اهمیت بوده و هست که آنحضرت به هنگام
غیبت بانعین نواب اربعه خاصه و نواب عامه و دادن منشور ولایت فقیه؛ امت را از
خرج و بلا تکلیفی نجات داده است^۱

تسلیم مواریث انبیاء و ودایع امامت در زمانی مثل انتقال رهبری از علی
به حسن علیه السلام که برای شهود ایجاد مخاطره نمی کرد علمی و در غیر آن در حضور
یاران خاص و احیاناً توأم با رمز انجام می گرفته است که اشاره بدو فقره آنها که
در عین حال «شعر بر آشنائی امامان ازما فی الضمیر طاغوت زمان و امور غیب
میباشد ضرور مینماید:

الف: دربان منصور عباس نقل میکند، شبانه مرا پیش خود فرا خواند ...
وارد شدم در حالی که خلیفه نسبت بشهادت امام جعفر صادق ع اشک میریخت و
میگفت «مادر روزگار فقیهی مثل صادق بوجود نمی آورد»؛ نامه ای بمن داد که
بوالی مدینه برسانم... رساندم. نوشته بود وصی جعفر ع را بفرمانداری احضار و
کردنش را در میان حاضران بزن!...

وصیتنامه مطرح و معلوم گردید امام به ۵ نفر وصایت داده است خلیفه -
حاکم مدینه - عیال یا دختر خویش - فرزندان بزرگش عبدالله افطح فرزند کوچک
موسی ع (اثبات الوصیه ص ۱۶۳)

۱- فاما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجتی
علیکم وانا حجة الله علیهم. الراد علیهم کالراد علی الله ... احتجاج طبرسی جلد ۲
ووسائل الشیعه جلد ۱۸ ص ۱۰۱ و المهدی ترجمه فارسی ۲۴۴ و وو

بناچار نامه‌ای بخلیفه نوشته شد تا در تعیین کسیکه باید کشته شود فرمان مجدد صادر نماید. که مبهوت ماند و صادر نکرد!

... راوی میگوید در مسجد کوفه بودم کسی از مدینه وارد و شهادت امام صادق را با اطلاع رساند. سؤال شد چه کسی وصایت داده است جواب داد پنج نفر را... در این اثنا که مردم در حیرت فرورفته بودند ابو حمزه ثمالی که بی رکت تمسک بقرآن و اهل بیت، امور سیاسی را تجزیه و تحلیل میکرد، گفت اگر در خود وصیتنامه دقت شود معلوم میگردد، جانشین واقعی امام صادق، موسی کاظم ع میباشد. زیرا امام با مخلوط نمودن نام صالح و غیر صالح خواسته است امام بر حق از گزند طاعت محفوظ بماند. چه که امام عادل بکسانی مثل منصور و والی او که ستم پیشه میباشند وصایت نمیدهد. زن هم مطابق شرع نمی تواند رهبر جامعه باشد. افطح نیز هم پای یاسر ش عریض و معیوب است و هم با ناصالحان مجالست مینماید. پس موسی کاظم ع رهبر خلق میباشد!.. و همچنین هم شد... در مراجعاتی که شیعیان بحضور عبدالله افطح نمودند معلوم شد او حتی نصاب زکوة را هم نمیداند تا چه رسد بعلم امامت که تاریخ شیعه از وقایعی که ائمه اطهار قبل از خبر دادند و بعد بموقع، عملی شد پر میباشد (کافی و اثبات الوصیه) و حالا هم اگر مدارک و صفاتی که دین اسلام برای رهبر یا رئیس تعیین نموده است نادیده گرفته شود باز برای تشحیض عدم صلاحیت عبدالله افطح کافی بود که مردم بصیر، هم نشینان او را شناسائی نمایند!

همچنانکه اهل بیتش اگر از این کار اعجاب انگیز بگذرند که آقای بنی صدر نه در مقدمه و نه در مؤخره کتاب نفت و سلطه چاپ ۵۷ نامی از خدا بمیان نیارده. ولی اخیراً در اعلامیه‌های عید مبعث، سوم شعبان خود را خیلی مسلمان و اسلام شناس قلمداد نموده است، باز این نکته همیشه در نظر آنها است که سخنرانیهای ۱۷ و

۱۹ شهر بورور ۱۴۰۱ اسفند ۶۰ و عاشورای ۱۴۰۱ صراحت دارد که او از نظر همنشین همانند عبدالله افطح میباشد. که مؤید این اصل محور جریانات ضد انقلاب قرار گرفتن خود و محل تجمع عناصر جنایتکار بودن دفتر هماهنگی او میباشد.

۱- آیه الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور در اعلامیه تلویزیونی ۱۸ خرداد که میتوان اسم آنرا کلمه‌های از هزار گذاشت پرنده از روی پرونده دزدی اسماعیل ناطقی، گماشته رئیس جمهوری برداشته و اظهار نمود که او بدون مجوز قانونی پرونده‌های محرمانه زیادی، از وزارت امور خارجه ایران امثال پرونده جهانگیر قاسمی و کاظم رجوی (ساواکی بنام مستعار «صفا» که با کشف شدن خیانت، از ایران خارج و از پاریس استعفا نامه فرستاد) بدفتر رئیس جمهور حمل مینموده است! و و

امام خمینی در قبال گزارش دادستان و هیئت سه نفری حل اختلاف، با اشاره بخیااتهای فرق که آثار خشم و بتلاطم در آمدن اقیانوس آرام قلبشان از کلماتشان آشکار بود؛ فرمود: «... من پس از این همه نصیحت، همان رفتاری را با شما میکنم که پادشاه کردم... دست خائن را قطع میکنم!»

که در این زمینه تنها حرمت امر بسکوت امام بود که مسلمانان اعم از جهاد سازندگی، بسیج، کمیته‌های انقلاب، دادگاههای انقلاب؛ سپاه پاسداران سر بازان، پلیس، ژاندارمری، نیروی هوایی و دریایی و حزب الهی و طلاب علوم دینی و دانشجویان مسلمان بویژه پیروان خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اکراد پیشمرگه امام، ایلات مسلمان، انجمن اسلامی معلمان و دواتر دولتی کشور و سایر نهادها، دندان روی جگر نهادند و قانون شکنی‌های بنی صدر و اطرافیان او را تحمل نمودند!

مسلمانان بخاطر حفظ آرامش، سخنرانیهای ضد اسلامی احمد سلامتیان ←

ب - پس از شهادت امام رضا خلفای عباسی، رفته رفته عرصه بر خورداری از آفتاب ولایت راتنگتر مینمودند. ائمه حق را از مدینه بعراق احضار و زندانی و محصور میکردند و چون معلوم می شد امامان، زندانیان را بیدار و بقیام بر علیه دستگاه طاغوت هدایت و تشویق مینمایند، یا زندان را عوض میکردند و یا از زندان در

← را که اهل بصیرت از روز نخست او را از مغان اروپائی بنی صدر و توصیه شده و تحمیلی او، بمجلس شورای اسلامی (از نظر تصویب اعتبارنامه) نسامیدند و نیز سخنرانیهای دشمن شاد کن دعساز دیگر او غضنفر پور نماینده دیگر مجلس را شنیدند و خون دل خوردند ولی از عکس العمل خودداری کردند.

این غم خوردن و دم نیاوردن از طرف امام و امت ادامه داشت تا اینکه با انتشار خبر خودکامگی دیگر بنی صدر که سخنرانی ضد دینی او در همدان باعث شد عناصر آشوب طلب و اطرافیان او بمغازهها هجوم آرند و کتب دینی را مورد هدم و حرق قرار دهند، امام خمینی نیمه شب بیستم خرداد او را از فرماندهی کل قوا برکنار کرد.

توضیح ۱ - بعضی از ائمه جماعت نظیر آیه الله دستغیب شیرازی و آیه الله صدوقی و آیه الله مدنی و امام جمعه اصطهبانات و شهرساری و همچنین عددهای از نمایندگان مجلس اسلامی همانند آیات عظام صادق خلخالی، محمدنزدی، محمد منتظری، فضل الله محلاتی، محمد و هادی غفاری و حائری تا آنجا که از محدود فرمان امام خارج نشده باشند؛ اندک اندک تخلفات و ناهماهنگی دفتر با اصطلاح هماهنگی رئیس جمهوری را افشا میکردند... سر مقاله روزنامه صبح آزادگان، جمهوری اسلامی، کیهان و اطلاعات و نیز مجلات سروش، اطلاعات؛ پاسداران انقلاب، امید انقلاب، پیام انقلاب و اطلاعات هفتگی نیمه دوم خرداد بیعد و امطالع فرمائید

توضیح ۲ - بنی صدر پس از سالها دوری از وطن که از لهیب خفقان ←

آورده در لشکر گاه، زیر نظر مأموران جای می دادند تا امکان ملاقات را هر چه بیشتر محدود نمایند!

اینگونه سختگیریهایی خلاف آنکه در صدر قلع شجره امامت بودند مسئله تعیین جانشین مخصوصاً سه امام آخر را با مشکلات مواجه میساخت. تنها جمعه ها و اعیاد و اوقات بارعام و مردن یا کشته شدن خلیفه بود که شیعیان فرصت یافته مسائل خود را از امام می پرسیدند و یا خواص شیعه بزبانت جانشین امام مفتخر می شدند. کوئی همگام با آنهمه پیشگوئیهای پیامبر و امامان علیهم السلام راجع به غیبت امام دوازدهم دست تقدیر میخواست کم کم شیعیان را بفراق و غیبتی که مدتهای مدید از دیدن امام، محروم خواهند بود عادت دهد یا میخواست هشدار دهد که نزدیک است ابرهای تیره مانع رؤیت خورشید ولایت شود، مسائل را پرسید و

— آری ماهری در فرانسه اقامت گزیده بود مهارتی بخرج داده به همراه امام خمینی با بران بازگشت و با مسلمان نشان دادن خود در پیش روحانیان و بخصوص نزدیکان امام، محبوبیتی کسب نمود.

همچنین او در سخنرانیهایی که بر علیه طاغوت و کمونیسم می نمود توجه مسلمانان را بخود جلب و موفق شد بکماک مادی و معنوی آنان چاپخانه های اقیانوس و روزنامه های بنام انقلاب اسلامی منتشر نماید.

ولی بعدها با درج مطالب ضد اسلامی که بر روحانیان مبارز و نهادهای انقلاب بدیده انکار و عناد مینگریست دوستان قبلی را از دست داده مشتریان دیگر کسب نمود که بطور نمونه در تعیین موقعیت اسلامی و ایرانی آن گفته میشود اولین روزنامه ای که در قبال توقیف شدن آن سینه زد و اشک تأسف ریخت روزنامه مجاهدین خلق بود. روزنامه های که قبلاً هم برای توقیف شدن روزنامه صهیونیستی آیندگان اشک ریخته بود!! (بصفحه ۹۲، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۵۷ رجوع شود)

برای دوره غیبت ضبط کنید! دیگر زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام گذشت که بنی امیه و بنی عباس بجان هم افتاده ناحدی از معانعت و مزاحمت ائمه بازمانند و در نتیجه، امامان صد و هزارها طالب علم را بحضور پذیرفتند! دیگر زمان امام رضا گذشت که در حضور خلیفه مجلس جشن تشکیل می یافت و امثال دعبل خزاعی در مدح اهل بیت شعر می سرودند و امام رضای فرمود مهدی علیه السلام را که از دولت عدل و استخون گفتمی می شناسی؟.. او فرزند چهارم من می باشد!

دیگر زمان محمد تقی علیه السلام گذشت که مأمون برای رد اعتراضات بزرگان عباسی نسبت با کرام و تجلیل آنحضرت، مجلس بحث ترتیب می داد و آنحضرت با آن کمی سن مسیح و اوار امکان می یافت از طریق حل معضلات و مسائل پیچیده گوشه ای از دریای بیکران دانش خود را در بحث و مناظره نشان دهد!... سختگیریها و عوارض آن باعث شد که امام علی النقی جناب عثمان ابن سعید عمر وی و بعد از او فرزندش محمد، دو شخصیت عالیقدر را به نیابت معرفی کند و بعد از آنها دو نایب خاص دیگر نیز مخصوصاً در غیبت صغری؛ جوابگوی مراجعات باشند (جناب حسین بن روح نو بختی، علی بن محمد سمری) با این توضیح که با معرفی شدن نواب اربعه خاص که واسطه میان مردم و امام و نیز واسطه میان دهها نواب عام دیگر و امام بودند، باب اجتهاد و فقاہت که آیه ۱۲۲/۹ نیز بدان توجه دارد رونق گرفت!

متأسفانه پیدا شدن جاه طلبانی امثال شریعی و نمیری که دعوی نیابت کرده اخازی و سود جوئی مینمودند؛ مقارن مرگ علی بن محمد سمری (نایب چهارم، سال ۳۲۹) توقیعی از ناحیه مقدس امام صادر، سر آغاز غیبت کبری و پایان دوره نیابت خاصه اعلام گردید.

توضیح اینکه این دگرگونی و پیدا شدن نااهلان، مسئله جدید نبوده و

نخواهد بود... تفاسیر در ذیل آیه ۱۷۶/۷ نقل می کنند که خداوند بلمع باعور، از مؤمنین حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را که دانشمند و مبلغ مستجاب الدعوات بود، بعزت فاسد شدن و بگروه کفار پیوستنش، بکلب تشبیه می نماید!

همچنین تاریخ صراحت دارد که یهودای اسخریوطی از حواریون عیسی، بطمع مالی که نمایندگان دولت استعمارگر روم با وعده دادند محل پنهان شدن عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را فاش کرد. طلحه و زبیر با آن همه سابقه درخشان، از خدا برگشته راه تقاب و خیانت را بروی طلحه و زبیرهای بعدی باز کردند. که در ص ۴۲ و ۵۳ و ۹۷ و ۱۵۷ خواندید. همچنین تاریخ از قلب ماهیت امثال زیاد بن مروان قندی و علی بن ابی حمزه و عثمان بن عیسی و حیان سراج که بحکم منافع شخصی، فرقه واقفیه را بنیانگذاری کردند، خونین دل میباشد (ص ۲۰۵ گروه دستکار جلد ۲) و سرانجام بملاحظات فوق است که حضرت صادق ذیل آیه ۱۳۱/۹ پس از شمردن صفات مجتهد جامع الشرائط که در ص ۱۳۱ گذشت میفرماید همچنانکه بزرگان یهود و نصاری بعزت حقپوشی و ماده گرایی مورد نکوهش خدا قرار گرفتند، فقهای هم که حریم تقوی را بشکنند و نیز کسانی که بحکم تعصب، کورکورانه از آنها تبعیت کنند، مورد توبیخ و لعن میباشد.

واینک مثالی که روشنگر خفقان و نشان دهنده طرز معرفت امام ۱۲ میباشد... ابوالادیان نقل میکند که من نامه های امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ را در شهرها بمردم میرساندم. روزی نامه ای چند بمن داد تا از سامرا بمدائن ببرم. هنگام خداحافظی بمن فرمود «مسافرت، ۱۵ روز طول میکشد. روزی برمیگردی که خبر شهادت من در شهر می پیچد!».

سؤال کردم جانشین شما کیست؟ جوابداد آنکه جواب نامه ها را از تو بخوانم. عرض کردم باز هم توضیح دهید فرمود آنکه مرا نماز بگزارد باز توضیح

خواستم جوابداد آنکه بگوید در توی همین چیست، اوقائمه مقام من است! دیگر نتوانستم بیشتر بپرسم... روز پانزدهم برگشتم آنچنان که خود خیر داده بود. از دنیا رفته بود!

نامه‌ها را در خانه گذاردم و بدو دمان امامت رفتم. با نهایت تعجب، برادرش جعفر را دیدم که آماده نماز شده است. با خود اندیشیدم چگونه ممکن است برای امام کسی نماز گزارد که اهلیت ندارد؟

در این اثنا کودکی از اندرون خانه بیرون آمده جعفر را کنار زد و نماز خواند و بمن گفت جواب نامه‌ها را بیاد...

از آن طرف پسر داشتن امام حسن عسکری بن خلیفه گزارش داده شد. خانه تحت محاصره قرار گرفت. (در این موقع معجزاتی بوقوع می‌پیوندد که خلیفه خشمگین و سرشکسته میشود و مأموران را فرا می‌خواند).. نامه‌ها را تسلیم کردم و با خود گفتم این دو علامت. اما موضوع همین همچنان «بهم» مانده بود!

روزی در مجلسی بودم که گروهی از شیعیان قسم، بتازگی با آنجا آمده بودند!

آنها نقل میکردند که با نامه و امانات پیش جعفر، دعوی امام زمان علیه السلام که دعوی امامت می‌کرد رفتیم. با او گفتیم اگر صاحبان نامه‌ها و مقدار مالی را که برای تسلیم به بیت‌المال آورده‌ایم، «عین کنی آنها را تقدیم مینمائیم.

جعفر جوابداد «من عالم غیب نیستم...»

در آن مجلس گفتگوی مسافران قم تمام نشده بود که خادم امام علیه السلام سر رسید و گفت امام قائم مرا برای نامه‌ها و اموال فرستاد و فرمود که صاحبان نامه‌ها فلان و فلان و... هستند و در توی فلان کیسه مشخص بکهراروده دینار نهاده شده است! آنان با دیدن اصالت و صحت پاسخ که ملهم از غیب بود امانات را تسلیم

کردند و من با تحقق یافتن سه روز سه روز حجت خدا را شناختم (نقل باختصار ازینابیع الموده ۴۶۲ و...)

۲۶- خداوند در آیه ۳۳/۳۶ ما کان لمؤمن ولا مؤمنه ... می فرماید برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که در برابر اراده خدا و رسول صلی الله علیه و آله بخواهند اظهار نظر کنند و رأی خود را بکرسی صواب و صلاح بنشانند.

پس بمصداق آیه فوق بطوریکه در ص ۱۵۵ نیز گذشت، جوامع بشری آنگاه با وج سعادتی نائل میشوند که در تمام امور دنیا کفایت خدا گردان نهند و مخصوصاً در مورد انتخاب رهبر، قبل از بکار بستن موازین و معیارهای متداول صوری زمان نظر خدا را جو با گردند که در پیش از رسیدن آیه قرآن بانحاء مقتضی مسئله امامت (علی و یازده فرزند او) مطرح گردیده است.

۲۷- خداوند در آیه ۱۴/۲۵ ... کلمة طيبة کشجرة طيبة ... کلمه طيبة را بدرخت پاک باشکوهی تمثیل می زند که ریشه هایش در اعماق زمین فرو رفته و ساقه هایش سر بر اوج فلک کشیده است... بخواست خدا در هر زمان میوه های خود را در دسترس قرار می دهد... با قبول اینکه مفسران، کلمه پاک را بتوحید تعبیر نموده اند و با قبول حدیث سلسله الذهب امام رضا علیه السلام که در برابر هزاران سنی و شیعه ابراز داشت و قبول رهبری خویش را برای هر کس از شروط نجات از آتش برشمرد.

تقریباً هماهنگ با همان مفهوم، حدیث دیگری از رسول اکرم (جامع - الجوامع ص ۲۳۳) وارد است که می فرماید «آن درخت پاک منم، فاطمه شاخه آن علی آمیزه و لقاخ آن، حسن و حسین میوه شیعیان بر گهای آن هستند.» بدیهی است، کسانی که در سومالی و اردن و عربستان و کویت و از قدیم الایام از طرف رژیمهای کافر مسلمان نما تغذیه فکری و مادی شده و می شوند این تأویل و تشبیه ها را بدیده

انکار خواهند نگریست. بدیهی است که استعمارگران از دیدن قهرمانان میدان سیاست و تقوی، امثال حجة الاسلام صادق خلخالی نماینده مجلس اسلامی که بیرکت آشنائی با وضاع روز، در اولین هفته های تأسیس حزب خلق مسلمان؛ ملت را از نمره تلخ آن آگهی داد.

و یا بیرکت علاقه بمملکت و ملت، به عمل خشونت آمیز خود با تجار هیروئین، آرزوی کیسینجرها را که می خواستند این ملت راهبروئینی و مفلوبک کنند بر باد داد، ناخرسند خواهند بود!

بدیهی است که استعمارگران از دیدن امثال حجة الاسلام علی خامنه ای که هم بجهه میروند و در کنار برادران رزمنده خود، در میدان انفجار خمپاره دشمن قرار میگیرد و هم بنمایندگی از امام در شورای عالی دفاع شرکت میکند و از آنجا بدانشگاه می شتابد تا در خطبه نماز جمعه، پرشکوهترین اجتماع مسلمانان مرکز، برادران و خواهران خود را در جریان امور سیاسی مربوط به اسلام (از جمله عدم کفایت بنی صدر) به گگذار و از آنجا به مجلس اسلامی می شتابد تا بدفتریات نمایندگان خود باخته امثال علی اکبر معین فر و عزت الله سجابی که بتعصب یا اغراض دیگر، از بنی صدر معزول دفاع میکردند، جواب بدهد، از خود درخت تمثیلی مزبور و از آمیزه و میوه آن و بخصوص در این زمان، از بر گهایش دل خونبار خواهند داشت!

بر گهای سایه افکنی نظیر دکتر مصطفی چمران (وکیل مجلس، نماینده امام در شورای عالی دفاع، فیزیکدان عارف، سخنران انسانساز) سردار رشید که در جنگهای چریکی لبنان و جنگهای «نامنظم» ایران و عراق حماسه های اعجاب انگیز آفرید و در وفاداری بامام خمینی گفت «من بسیاری از رهبران انقلابات را می شناسم ولی آنها پپای موئی از امام نمیرسند! و سرانجام همچون

شهدای کربلا از خون خود دریائی بوجود آورد که صدام و اربابان او را راه نجات از آن نیست!

بر گهائی نظیر جنابان سرهنگان شهید رستمی، عبادت، علی اصغر لور و...
 بر گهائی مثل خلبانان شهید، کشوری، شیرودی، اخباری، وجدانی، ادیبان فاتح
 و شهاب دارابی و... بر گهائی مثل مهندس محمد رضا شمس تبریزی که در آمریکا
 بدست پلیس بشهادت رسید و مهندس باقر پشمینه، علیرضا پاینده و... بر گهای سایه افکنی
 مثل شهید رضا شمس آبادی از شاگردان مکتب امام خمینی که با بگلوله بستن
 شاه، گرچه بقتل نینجامید ولی انفجاری آفرید که طلسم را بشکست و راه مبارزه
 مسلحانه را بر کشور!

بر گهائی همانند بزرگ نیا، شریعت رضوی، قندچی و رضائیان که در راه
 فرونشاندن لهیب خفقان پهلوی، در دانشگاه تهران مردانه بپا خاستند...

بر گهائی همانند مجتبی نواب صفوی خلیل طهماسبی و سید حسین امامی و...
 بر گهائی همچون اسماعیل سلامت بخش خوئی و همزمان همدانی او در
 گارد لویزان که با بخاک و خون کشیدن سرهنگان و افسران و درجه داران
 طاغوتی آخرین امید ادامه حیات رژیم را مبدل بیأس کردند و شهید شدند

بر گهائی از آن درخت امثال شهدا حجج اسلام محمد قدوسی، کشانی،
 ابوترابیان، همراه، محمد زاده غفاری، آشوری، انصاری توانا، رایگان و صدها
 آیات و حجج کرام و هزاران رزمنده شهید دیگر اسلام...

بدیهی است که ایادی استعمار از مشاهده فداکاری امثال حجة الاسلام
 موسوی خوئینیها که به همراه دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شجاعانه بتسخیر
 لانه جاسوسی آمریکا می تازد و همچنان در افشاگری مظالم استعمار پیش می رود
 و در روز بحث پیرامون عدم کفایت بنی صدر و نیز در خط آمریکا بودن و حامی

ضد انقلاب بودن او دلائل و مدارك ارائه میدهد پر خاشکری و دشنام گوئی خواهند نمود!

بدیهی است که گروهکهای منافق خلق درباره حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس که به پیروی از امام امت سالیان دراز با استعمار و آبادی آن مبارزه نموده و در روز طرح عدم کفایت بنی صدر در مجلس، افشا نمود که «چندی پیش در حضور امام بودیم که او به بنی صدر و سخن بدون منطق او خشم گرفت که چرا گروهکهای ضد انقلاب را مسلح میکنند...» ناسزا خواهند گفت. پر واضح است که پیکاریها و خلقیها و رنجبران آمریکائی ایران در قبال بر گهای سایه افکن آن درخت، امثال آیات عظام دکتر محمد حسین بهشتی، علی قدوسی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، جوادی عاملی، لاجوردی، کیلانی و و و که مجال تحریک و تخریب بقلم

۱- این روحانی مجاهد همراه روحانیان دیگر، علی خامنه‌ای و محمد یزدی و امامی کاشانی و هادی غفاری و برادران آنها دکتر زرگر و فواد کریمی و ولایتی و و با ارائه اسناد مستدل که امید است بعنوان زرین ورقی از تاریخ جمهوری اسلامی، یا گویاتر بن حجت افشا کننده چهره منافقان عصر، از گزند حوادث محفوظ بمانند در دفاع از حریم حق که رئیس جمهوری با مفتریات خود، آنرا پایمال می نمود، امام زمان و اولیاء خدا را شاد و بر عکس، آبادی استعمار از قبیل مجاهدین خلق و پیکار و رنجبران آمریکائی و آقایان مهدی بازرگان ویدالله و عزت الله سبحانی و دکتر سامی و سلامتیان و غضنفر پور و اخوتیان و محمودی و مهرچهری و و را که در راه جلب رضای شخص خائن و ابقای او در ریاست جمهوری بهر نیرنگی متشبث شدند و در مواقع حساس با خروج خود از مجلس، آنرا از اکثریت انداختند، ... مبدل بیاس کردند (شنیدن نوار گفتار نمایندگان فوق را که از شیرینترین خاطرات در شناسائی عناصر مستکبر و منافق خواهد بود، به پژوهشگران توصیه میشود!)

فروختگان نمیدهند، کینه توز و پرخاشگر خواهند بود.

پرواضح است که وابستگان «شرق و غرب» ازدیدن اینکه روزنامه های اطلاعات، کیهان و صبح آزادگان افشاگری میکنند که بنی صدر از اوائیل ریاست جمهوری تا عزل شدنش... همراهِ وحامی مسعود رجوی رئیس منافقان بوده و هست، از دشمنی با مطبوعات راستین خودداری نخواهند نمود.

و نیز پرواضح است که آشوبگران از مشاهده اینکه مسلمانان «حزب الهی» در اشتیاق شهادت، با حضور خود در خیابانها توطئه منافقان را خنثی و عملاً مانع هدم و حرق میشوند از زدن هر تهمتی بآنها باز نخواهند ایستاد!

انکار ناپذیر است که در ممالک اسلامی، در مذاق مزدوران استعمار، ذکر قیام امام حسین، زید شهید، سر بداران، فاطمیون و نهضت تبلیغی جهانی اسدآبادی که انفجاری بود در ظلمت و قیام شیرازی که توطئه نفوذ استعمار در لفافه تنباکو را درهم کوبید و فتوای حاج ملا علی کنی که خیانت ناصرالدین شاه و میرزا یحیی و وثوق السلطنه را در باز کردن مجدد پای انگلیسها بایران، نقش بر آب نمود و قیام جهان شمول امام خمینی که هر يك بمنزله بر گهای همان شجره طیبه، مستضعفان را شاد و دشمنان را رسوا نمودند^۱ ناگوار خواهد شد

۱- در عرض قرن ۹-۸ میلادی حدود یکصد جنبش علوی بر علیه طاغوتها بوجود آمده است. ص ۱۰. حکومت اسلامی از دید گاه نائینی... از جمله شخصیتهای علمی و عملی بزرگی که استعمار نگذاشته است نامشان در تاریخ و کتب مدارس ذکر شود یکی هم آیه الله مجاهد نائینی میباشد. از در نهضت استخلاص عراق، با آیه الله خراسانی پشت سر آیه الله مجاهد محمد تقی شیرازی مجاهدات نموده حقی بزرگی بگردن مسلمانان، بخصر ص عراقیها دارد!

آیه الله نائینی از طرفداران بزرگی ولایت فقیه بودند (روحشان شاد و —

همچنین چنانکه ترورشیدن مطهریها، مفتوحها و قاضی طباطبائیها حکایت می کند حتمی است که در عصر انقلاب، آیات عظام و حجج کرام و نمایندگان معتمد مجلس اسلامی و شورای نگهبان و قضات دادگاههای انقلاب و کمیته‌ها و نهادهای اسلامی که در چشم مسلمانان حقیقت‌شناس بمنزله بر گهای همان درخت مبارک میباشند، در نظر ایادی بیگانه خار و زقوم خواهند بود.

و نیز همچنانکه ترورشیدن سر لشکر قرنی و عراقی‌ها و اندرز گو و در بوده شدن امام موسی صدر و در بوده شدن محمد جواد تند گویان وزیر شکنجه کشته شدن آیه الله محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی نشان داد حتمی است که نام دولت مردانی مثل اعضای کابینه رجائی و تیمساران و افسران و درجه داران و سر بازاری مثل فکوری، فلاحتی، ظهیر نژاد، افضل، جوادی، فروزان و وحید دستگردی و و که نور چشم ایرانیان و بمنزله بر گهای سایه افکن همان درخت میباشند در سمع و کام استعمار، تلختر از زهر خواهد بود

و سرانجام بدیهی است که این گونه تأویلهادرمذاق آنانکه بدستور استعمار گران، از یک طرف شیعیان علی علیه السلام را متهم بکفر و از طرف دیگر مستضعفان و آزادیخواهان را در سراسر جهان از آشنائی و آمیزش با آنها بر حذر داشته و میدارند نا گوار خواهد بود. اما عقل قبول دارد که معنی همانست که پیامبر ص تمثیل فرموده و اینکه حالا علیرغم تبلیغات رژیمهای سعودی و مصر و کویت و

← تعالیشان جاوید باد

دیگر از آیات عظام که استعمار میخواستند شجاعت و فداکاری آنها را پنهان سازد آیه الله رضوانی میباشند. او در اواخر بهمن ۵۶ که مصادف با اربعین طلاب قم بود، طی سخنرانی مهیجی آتشی بر خرمن عمر پهلوی زد که دیگر خاموش نگردد. بدین معنی که فردای آن. مسلمانان تبریز قیام کردند و کشته دادند و چهل روز

بعد در اربعین شهر تبریز، مسلمانان نیز در شهر سردرستی و همچنین در اربعین ایالت سلیمان شهرای دیگر قیام کردند

بحرین و ظفار و ابوظبی و غیره دیده میشود که از همان نقاط، بجهه جنگ و آوارگان اسلامی ایران، پول هدیه میرسد، نویدی است که برادری اسلامی عملی، شب سیاه در حال زوال و آفتاب امید مستضعفان نزدیک بسر زدن است!

/ بعبارت دیگر روزیکه حزب وهابی دست بتخریب قبور مقدس ائمه بقیع زد (حضرات امام حسن، سجاد، باقر، صادق علیهم السلام) یادستهای بقتل و غارت زوار و اعتبار مقدس کربلا و نجف و سامراء دراز شد!...

کسی اگر بینشی داشت، دست سیاستمداران انگلیس و فرانسه و آمریکا را میدید که از آستین سران مرتجع منطقه بدرآمده بیخ شجره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رامیزند تا پیروان اهل بیت از ثمره آن برخوردار نگردند و بر علیه استعمار شورش نمایند.

توضیح ۱- در قرآن میخوانیم که خداوند تأویل و دانش آیات متشابه و مشکله را بخود اختصاص داده و آن گاه بابی از علوم غیب که علم تأویل جزئی از آنست بر وی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر گزیده خود باز میکند و بمؤمنان میگوید «هر چه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشما آورد بپذیرید و از هر چه نهی کرد خودداری کنید ۲۶/۷۲ و ۵۹/۷» یعنی بطوریکه در ص ۱۰۶ هم گذشت، قرآن اطاعت از احادیث نبوی را واجب می شمرد.

۲- در اخبار می خوانیم که پیامبر دست بدعا برداشت که خدا یا علی علیه السلام را بعلم تأویل آشنا فرما، و علی ع هم میگوید بدعای پیامبر در هزاران علوم برویم باز شد (بنایع الموده - شواهد التزیل)

۳- در نتیجه دواصل فوق، علاوه از کتب شیعه در صدها کتاب بزرگان اهل سنت، صدها پیشگوئی و خبر علمی اعجاب انگیز مطالعه میکنیم که از سینه علی ع فیضان نموده است (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید تحشیه محمد ابوالفضل

ابراهیم جلد ۲ ص ۲۸۶ - جلد ۳ ص ۱۶۹ و ۲۴۰ - جلد ۶ ص ۱۴۶ و جلد ۷ ص ۴۴ و
 ۴ - علاوه از اینکه گذشت زمان، اصالت تشبیه رسول خدا و صدق اخبار
 آل محمد علیهم السلام را ثابت و بتدریج پرده ابهام را کنار میزنند، در خود قرآن
 قرائنی هست که جوینده ایرا که از باب ولایت وارد شود بصراط حقیق رهبری
 می نمایند و اینک نمونه ای از آنها

۱- یکی از حجاج نقل نمود که چندی پیش در موسم حج، مجلس بحثی
 در حجاز از طرف برادران اهل سنت و فقههم الله لما یحب و یرضی دایر شده بود ما
 هم زویم، گویندگان با آمادگی قبلی رشته سخن را بدست گرفته مخصوصاً قصد
 داشتند اعتقادات شیعه را تضعیف نمایند! مرحوم سدهسی شاعر دوستار ولایت
 نیز آنجا بود که دید دکتر هیکل وزیر اسبق فرهنگ مصر نیز که بینائی را از
 دست داده بود. از هر دو سخن میگوید و تأویل و تشبیه شیعه را بیاد انتقاد میگیرد!
 سدهسی با احترام تمام گفت «استاد! متأسفم که شما با این همه زحمتی که
 در راه اسلام متحمل میشوید روی بهشت را نخواهید دید و در گمراهی خواهید
 ماند!»

این سخن انفجاری بود که همه را ساکت نمود. دکتر پرسید از کجا؟!
 جواب داد قرآن میگوید «هر که در این دنیا کور باشد او در آندنیاهم کور و گمراه
 خواهد بود من کان فی هذه اعمی... ۱۷/ ۷۲...»

دکتر چاره ای نداشت جز اینکه سخن قبلی خود را راجع برد تأویل پس
 بگیرد و خود بتوسل بتأویل و مجاز شود و بگوید که منظور خداوند اینست که
 هر که در این جهان حقائق را نادیده بگیرد و در صدد اصلاح خود بر نیاید در
 آخرت هم بینائی را از دست میدهد و گمراه میماند...

... پس ثابت شد جوینده ای که در خط ولایت پیش میرود بر اعمنائی ائمه،

قرینه‌هایی از کتاب خدا بدست می‌آورد که او را بزلال حیات طیبه هدایت مینماید که بچند نمونه دیگر اشاره میکنیم و از خدا مسألت داریم بینش و عاقبت اندیشی هر چه بیشتر به خوانندگان عطا نماید

۱- قرآن میگوید هر تبهکاری در آخرت خود را نابینا یافته میگوید خدایا من که در دنیا بینا بودم چرا نابینایم محشور کردی؟ جواب می‌رسد «دائماً نشانه‌های بیداری و هوشیاری از پیش چشم تو گذشت ولی تو نادیده گرفتی و فراموش کردی و در نتیجه امروز فراموش شدی.. ۲۰/۱۲۵» ...

۲- با توسعه ممالک اسلامی، استقبال مردم برای برخورداری از قرآن فزونی میگرفت. مردم برای حل معضلات پیش خلیفا مراجعه میکردند و آنها بناچار حل مشکل را به علی علیه السلام ارجاع مینمودند

حتی دولت روم و مقامات و کسان دیگر، چندی از آیات و علوم غامض را از امثال معاویه پرسیدند و آنها کس فرستاده جواب لازم را از علی علیه السلام وصول و ایصال نمودند.

شاهد:

الف - سؤال کردند، یعنی چطور «الرحمن علی العرش استوی - ثم استوی علی العرش؟ ۲۰/۵ و ۳۲/۴» علی علیه السلام جواب داد یعنی خداوند پس از آفرینش آسمان و زمین با آفرینش عرش پرداخت!

ب: از معنی «... فمحونا آیه اللیل وجعلنا آیه النهار مبصره ۱۷/۱۲» پرسیدند جواب داد در اول ماه عم مثل خورشید نورانیت داشت. خداوند منبع نور بودن را از ماه سلب نمود تا بدنبال روز، شب شود و حساب ماه و سال نظم پذیرد^۲

۱ و ۲- فضائل‌های مجیر العقول علی ع صفحه ۲۳۶ نوشته آیه الله سید محسن

امین ترجمه زرندی ط ۵ و فضائل خمسه ... ج ۲ ←

ج - از معنی سراب در صحرای وسیع که خداوند اعمال کفار را بدان تشبیه میکند پرسیدند حضرت قضیه را چنان حل کرد که امر وزعلم فیزیک در باب انکسار نور در برابر جواب آن حضرت سر تسلیم فرود میآورد. که فرمود تصویر موهومی است از سبزه و گیاه و آب که در صحاری سوزان در نظر آدمی مجسم میشود!

← از مطالعه آیه فوق و آیه ۲۱/۳۰ راجع بیکپارچه بودن منظومه‌ها و منفجر شدن آنها... باین نتیجه میرسیم که قرآن هزار سال قبل از انتشار فرضیه کپرنیک و کپار مسئله و نحوه خاست افلاک را روشن ساخته بود!! ماخذ فوق ص ۲۳۷

در اینجا توجه خواننده را بآیه وحیدشی چند در ولادت و وجود و غیبت و ظهور حضرت مهدی عجل و دروات واحد جهانی او جلب مینمائیم.

۱- علاوه از معانی گوناگون که در شأن نزول سوره والعصر... در کتب و تفاسیر موجود است، امام صادق فرمودند، مراد از عصر، عصر ظهور حضرت بقیة الله و مقصود از تواریخ سفارش نمودن مردم یکدیگر را بقبول رهبری ائمه اطهار و منظور از صبر، صبور بودن در برابر فتنه‌های زمان غیبت میباشد (حیوة القلوب ج ۳ بنقل از اكمال الدین) عین سفارش بصبر و انتظار، روز بروز بر وسعت افق بینش شیعه و روشنائی چراغ امید اومی افزاید و چنانکه در انقلاب اسلامی دیدیم با مشت گره کرده بچنگ توپ و تانک رفت.. و پیروز شد.

۲- طبرسی در تفسیر جامع الجوامع ذیل آیه ۱۰۵/۲۱.. کتبنا فی الزبور... زبور را مطلق کتب آسمانی پیامبران و ذکر را در آنجا بمعنی لوح گرفته آنگاه از قول امام باقر علیه السلام یاد آور می‌شود که صالحان، یاران امام زمان هستند که سراسر زمین را تصاحب مینمایند.

۳- مفسر فوق‌الذکر در تشریح آیه نور ۲۴/۳۵... مثل نوره که شکوة فیها مصباح.. اقوالی ذکر میکنند که یکی هم اینست که رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از اینکه نبوت خود را اظهار کند یا قبل از اینکه معجزه‌ای از آن حضرت دیده شود؛ یهود و نصاری بعضی‌شان معرفت رسانده بودند. آنگاه از قول امام باقر اضافه میکند «مصباح در آیه مزبور نور علم است در سینه رسول خدا و زجاجه سینه علی است که پیامبر ص علوم خویش را با او آموخت...»

لؤلؤ تمسسه ناز، نور علی نور: دنیا از نور اسلام، آنهم بوسیله آل محمد که امامت را یکی بدیگری تا امام دوازدهم منتقل میکنند پر میشود... بدین ترتیب دامنه تفسیر با آنجا میکشد که میگوید ابوبکر بهنگام اینکه

رسول خدا تلاوت را ادامه داد تا بآیه بیوت رسید، پرسید بیوت که خداوند در این آیه مورد تکریم قرار داده است کدامند؟ فرمود بیوت انبیاء، آنگاه سائل با اشاره بخانه علی وفاطمه علیهما السلام پرسید «حالا این خانه جزء همانهاست؟» پیامبر جواب داد آری بلکه از بهترین آنها ..

۴- چند آیه بعد (۲۴/۵۵ .. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ ..)

بمؤمنان صالح وعده میدهد که همچنانکه خدا قبلاً بنی اسرائیل را بر فرعونیان پیروزی داد، صالحای اسلام را هم بر کفر پیروزی میدهد و آنها را خلقای خویش در روی زمین قرار داده دینشان را که رضایت خود را از آن اعلام داشته است از قدرت و شکوه خاص برخوردار مینماید (آیه ۳/۵ .. جریان غدیر خم) و این صالحان را بعد از آنکه مدتهای مدید از دست طواغیت در بیم ورنج بوده باشند از راحت و امنیت خاص بهره مند میسازد! و این مصداق بشارت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است که فرمود دین اسلام، شرق و غرب را تسخیر مینماید و همگان دین اسلام را گردن می نهند (المهدی ومنتخب الاثر). در ادامه این وعده (صفحه ۳۱۸ جامع الجوامع) حضرت حسین عَلَيْهِ السَّلَام بشارت میدهد که همه این وعدهها بدست مهدی آل محمد انجام میگیرد که رسول خدا در حق او فرمود.. (بفرض محال) «اگر ظهور او آنقدر طول بکشد که از عمر دنیا بیش از یکروز باقی نماند خداوند آنروز را چندان طولانی می نماید که مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دنیا را همچنانکه از جور و ظلم پر شده است از عدل و داد پر نماید..»

(ترمذی از نویسندگان بزرگ اهل سنت نیز این حدیث را در صحیح خود

ص ۱۸ آورده است)

۵- مجلسی در حیوة القلوب جلد ۳ ص ۱۷۵ آیه ۲۸/۵ ... ان فرعون علی

فی الارض... و نرید ان نمن را عنوان نموده میگوید خداوند از راه تسلی بر رسول اکرم

که فراغته وقت خاندان او را با انواع غم و محنت مبتلی میسازند، ماجرای کشته شدن مردان و زنده ماندن زنان بنی اسرائیل را بیان نموده میگوید «اراه ما بر اینست که خاندان ترا که در روی زمین مستضعف میشوند منت گذاشته تمکین و عزت دهیم و آنها را وارثان زمین و رهبران خلق نمائیم» آنگاه مجلسی گواهی از کلام مولای متقیان که این آیه راجع بدولت حقه حضرت مهدی و دولت ائمه اطهار در دوره رجعت می باشد آورده اضافه میکند که اشتباه است که گفته شود، آیه تا آخر شامل حال بنی اسرائیل است زیرا در آغاز آیه بحث از یک کفر سمبل ایمان یعنی موسی در میان است در حالی که اراده منت گذاری در حق جمع میباشد!

۶- خداوند در آیه ۲۸/۴۳ و جعلها کلمة باقیة لعلهم يرجعون..)

اعلام مینماید رهبری را در نسل ابراهیم قرار دادیم... حضرت امیر میفرماید آیه درباره ولایت ما و بر قرار بودن آن در نسل امام حسین است تا بر و ذقیاست. سپس « غیبت حضرت قائم را مطرح میفرماید که یکی کوتاه و آندیکر طولانی است و آنگاه بیان مینماید که در آن غیبتها کسی بر امامت او باقی نمی ماند مگر اینکه ایمانش قوی و معرفتش صحیح بوده باشد.

در دو گونه بودن غیبت که بگفته نعمانی (صفحه ۲۵۱ منتخب الاثر) در غیبت صغری، خواص شیعه و در غیبت کبری تنها خواص اولیاء آن حضرت بزیارتش موفق شده و می شوند بعضیها قیل و قال مینمایند. لذا گفتنی است که پس از ایمان باینکه تمام کارهای خداوند بویژه ارسال رسل و نصب امام بر قاعده لطف و حکمت می باشد.

باین نتیجه میرسیم که در عصر خفقان مخصوصاً پس از امام رضا و امام جواد بطوریکه در ۱۸۶ گذشت بتدریج امکانات رسیدن همگان بحضور امامان کمتر میشود تا رحلت امام حسن عسکری علیه السلام پیش آمد. در این سنوات بود که بقول

مسعودی ائمه اطهار در مقابل اینکه بعزت زندانی یا محصور بودن کمتر مشاهده می شدند، اعجاز و کرامات بیشتر بر وزمیدادند و این برای آن بوده که تشعشع آفتاب ادامه یابد و وسیله شود ارتباط و ارادت و مودت مردم نسبت بائمه استمرار پیدا کند و آن چنان نشود که در گذشته بهانه هائی گروهی در امام ششم و گروهی در امام هفتم توقف کردند که به واقفیه و ... مشهور شدند پس اگر بمحض رحلت امام حسن عسکری علیه السلام دست مردم به کسالتی از داده شدن امام دوازدهم قطع میشد، بیم آن میرفت که دشمنان شهرت دهند که امامت در امام یازدهم با آخر رسید. همچنانکه با این وجود که دست مردم بتدریج از دامن مبارک امام زمان علیه السلام کوتاه شد باز تفرق شیعه در آن ایام بیش از پیش بود (کافی ترجمه بهبودی ج ۲ ص ۱۷)

یعنی خداوند در نعمت ولایت لطف دیگری نیز مبذول فرموده بلا طرح غیبت صغری که بسیاری از خواص شیعه بشرف حضور میرسیدند، نخواست بدون زمینه سازی و قبل از عادت بفراف دادن، غفلة غیبت کبری را پیش آورده، دست دوستان و نیز شکاکان را بکلی از دامن مبارک او کوتاه نماید.

۷- خداوند در آیه ۲۰/۳۱ ... واسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنه ...

از نعمتهای ظاهر و باطن سخن میگوید.

راوی از حضرت موسی کاظم ع توضیح میخواید جواب میفرماید:

نعمت ظاهر، هر يك از ائمه هدی میباشد که در زمان خویش مرجع مردم

است. و نعمت باطن امام غائب است!

آن شخص می پرسد آیا از ائمه کسی غائب خواهد شد؟ میفرماید آری

از چشم مردم پنهان می شود بدون اینکه یادش از خاطر مؤمنین فراموش شود! او دوازدهمین امام است. خدا هر دشواری را بدست او سهل و آسان میسازد. خزائن زمین بدست او کشف می شود. راههای دور، نزدیک و هر جبار عنید بوسیله او خوار و هر شیطان فتنه انگیز در دولت او نابود میگردد!

او فرزند سیده کنیزانست. ولادت او از دشمنان پوشیده می ماند. او زمین را همچنانکه از ظلم پر شده باشد از عدل و داد پر مینماید (منتخب الاثر ص ۱۳۹ و)

۸- خداوند در آیه ۱۱/۸۶ (بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین .)

میفرماید اگر مؤمن باشید بقیة الله برای شما بهترین نعمتهاست. حال برای اینکه اعتراض نشود که بقیة الهی که در قرآن بزبان حضرت شعیب جاری شده است غیر از آن است که از آن، بحضرت مهدی علیه السلام تعبیر میکنند.

گفته میشود. شعیب میفرماید اگر شما را بعنوان حجت خدا قبول کنید، وجود حجت در رهبری و تعیین حلال و حرام و سر نوشت امت، از هر چیزی نیکوتر می باشد... و عقل و منابع اسلامی نیز آن معنی را تأیید مینمایند، بگواهی اینکه بنی اسرائیل حدود پانصد سال بعد از یوسف ع در گمنامی بسر بردند تا با بعثت حضرت موسی نجات یافتند. جهانیان در جاهلیت مبین بودند تا با بعثت رسول اکرم ورق تاریخ بر گشت و زندانها بمدارس تبدیل شد و همای سعادت پیر و از آمد. همچنین قیام طالوت علیه السلام و حسین علیه السلام و نایب الامام خمینی.

پس هر يك از اولیاء در زمان خود بقیة الله بوده است تا نوبت بحضرت قائم رسیده است و خود آنحضرت وقتی که مثل ماه ۱۴ شبه در آغوش پدر بود باعجاز خداوندی زبان باز کرده خود را در میان اصحاب بقیة الله نامید و روزی هم که

ظاهر شود اولین سخن او آیه فوق خواهد بود.

چه خیری بهتر از اینکه بدست او تمام آلام بشری التیام می‌یابد و

وعددهای انبیا تحقق می‌پذیرد (حیوة القلوب: ص ۱۹۱ و جامع الجوامع)

در قرآن آیات زیادی هست که متضمن غلبه و پیروزی خدا و پیامبران و

مؤمنین می‌باشد که کمال این پیروزی طبق اخبار متواتر حضرات معصومین علیهم‌السلام

در ظهور دولت عدل مهدی و دوران رجعت خواهد بود (۴۷/۳۰، ۵۱/۴۰، ۵۸/۲۱،

۸۳/۲۷)

و بر همین اصل است که چشم انداز مسلمانان منتظر که بر بلندترین قله

امید قرار دارند خیلی بازتر و وسیعتر از دیگران می‌باشد. اگر چه دیگران بیشتر

از مسلمانان زیر فشار مستکبران بوده باشند.

و باز بر همین اصل است که بر اثر ازدیاد ظلم و فشار، مردم از دست

مستکبران بتنگ آمده از هر دین و ملیتی باشند چشم‌براه مصلح جهانی میشوند.

و چنانکه از گزارش مسافرت حجة الاسلام علی خاانه‌ای (سرپرست یکی از

گروه‌های تبلیغی) بر می‌آید از هم اکنون آثار بیزاری ملت‌ها از مستکبران و

قوانینشان و در انتظار مصلح عادل اسلام بودن آنها بچشم می‌خورد که خود از

علائم ظهور می‌باشد.

۹- خداوند در آیه ۱۷/۵۷ .. اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها

تمثیلی میزند که اگر بمعنی زنده شدن مرتع و مزرعه بوسیله باران، یا

زنده شدن زمین بآمدن بهار و کلاه شکوفه بر سر نهادن شاخسار و سراز خواب

برداشتن گل و گیاه و حشره و...

یا بیدار شدن احرار که مثلاً جناب حر روز عاشورا چنان جهشی کرد که

امروزه امام زمان علیه‌السلام در برابر قبر او بزیارت می‌ایستد و اشک می‌ریزد، گرفته

شود، جای اعتراض نیست.

ولی امام صادق بنقل از علی علیه السلام که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بمصدق آیه ۱۲/۶۹ او را گوش فرا گیر و انسان عامل و مصون از فراموشکاری نامید. (تعیهاذن و اعیه)
 تمثیلی میزند که هیچ تمثیل و تأویلی بوسعت و جامعیت آن نمیرسد. او بمصدق حدیث نبوی ص، میگوید «روزیکه سرتاسر زمین با آتش ظلم و بیداد میسوزد و آثار حیات انسانی را از دست میدهد»

خداوند، با ظهور امام زمان، چنان بساط عدلی میگسترده که باصطلاح کرک و میش بیک آبشخور روی میآورند! (غیبت شیخ طوسی و کافی کلینی)
 شاید کسانی بگویند درجهانی که سازمان ملل متحد با آن شاخه های جهانی از قبیل سازمان یونسکو و شورای امنیت، بر اجتماعات نظارت دارد و حمایت از حقوق بشر را سرلوحه خود قرار داده است. یادر جهانی که بزرگان ممالک غیر متعهد از هر چندی اجتماع میکنند و گرفتاریهای ممالک خود را مورد بحث قرار میدهند، پر شدن دنیا از ظلم و بیداد و سر از پرده غیبت بدرآوردن امام، امری بعید میباشد در صورتیکه در طبل تو خالی بودن سازمانها همین گواه بس که سه سال پیش هیئت رئیسه سازمان جهانی خوار و بار و حمایت از گرسنگان در ایتالیا تشکیل جلسه دادند و خوردند و نوشیدند! و روزنامه ها هم آنرا با تیترهای درشت با اطلاع عموم رساندند! ولی آنها نخواستند یا نتوانستند بنفع گرسنگان که سالیانه ملیونها نفر از آنها با حسرت نان میمیرند قدمی بردارند!

دولت عراق در حالی که آزادیخواهان داخلی را گروه گروه بجوخه اعدام سپرده امنیت و آرامش شهرهای خود را بسر بازان اردن و مصر واگذار و

از یورش همسایگان در امان بود، بفرمان آمریکا بدون هیچ عذر و دلیلی با ۱۲ لشکر مجهز بنمهوری نوپای ایران حمله نموده مردم بیدفاع سر راه را نابود و اموال آنها را بگارت برد!

بیمارستانها و مساجد و مدارس و خانه‌های مسکونی آبادان و دزفول و اهواز و سوسنگرد و... را که نتوانست بر آنها مسلط شود باتوپهای دورزن و خوشه‌های بمبهای آتشزا تخریب نموده هزاران زن و بچه را از پای در آورد و یا زخمی نمود. متجاوز از یک میلیون انسان بیگناه را در آستانه زمستان از خانه و کاشانه خود آواره ساخت!

ولی سازمان ملل، خم بابر و نیارد و اگر الو ف پالمه را مأمور رسیدگی کرد، مأموریت او هم چنانکه مأموریت اولش نشان داد مثل کبریتی بود که در صحرای تاریک و طوفانی، روشن نشده خاموش گردید همچنین مأموریت دوم و سوم و... و همین عامل اجرای مقاصد ابر قدرتها بودن سازمان ملل است که آیه الله محمدی کیلانی دادستان تهران گفت (سازمان ملل، دفتر اسناد رسمی جنایات ابر قدرتهاست ص ۱۳ کیهان ۱۵/۴/۶۰)

گفتنی است که از همین سازمان جهانی معجزه خارق العاده‌ای سر زد که بشنیدنش می‌ارزد: یک هیئت نظامی را مأموریت داد تا رسیدگی و گزارش کنند که اسرائیل که آن پنج نفر فلسطینی را کشته است. اجسادشان را سالمأ بخاک سپرده یا منفجر و قطعه قطعه نموده است؟! بی بی نی (۲۶/۱۰/۵۹)

از سازمان ممالک باصطلاح غیر متعهدها نیز همین بس که دیده شد و زرای قریب بصد کشور در بهمن ۵۹ در دهلی اجتماع کردند ولی بحث و محکوم نمودن حمله عراق بایران که میبایست در اولویت قرار گیرد، حتی بدون توجه با اعتراض آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور ایران، در بوته تعلل و نسیان قرار گرفت، و بعد ما هم که

خواه و ناخواه هیئتی از جانب غیر متعهدها بایران آمد آنها هم مثل هیئت منتخب طائف از رفتن و دیدن تجاوزات عراق و خرابیهای مدارس و مساجد و بیمارستانها خودداری نمودند. (بصفحه ۱۲۱ مراجعه کنید)

چه دلیلی برای اثبات روز افزون بودن ظلم روشنتر از اینکه از تمام رژیمها بجز دو سه کشور کوچک که خود آنها هم در معرض تجاوز صهیونیسم و اعمار آمریکا هستند، دولتی حتی چون و چرا هم نکرد و بعنوان وقوع فاجعه در يك خانواده بشری تسلیمت هم نگفت! بلکه منادیان کذب آزادی و حمایت از حقوق بشر، آنها که حتی دعوی حمایت از حیوانات نیز دارند از يك طرف دولتهای منطقه را با ساز و برگ نظامی بیاری صدام فرستادند و از طرف دیگر بمزدوران خود در ایران دستور دادند شخصیت علمای متعهد را ترور و مسلمانان را اذیت آنها متفرق سازند! با سلاح گرم و سرد بریزند و بکشند و پس از کشتن جنازه را بردوش بگیرند و مظلوم نمائی کنند که پاسداران، برادرها را کشتند. (از جمله، این جریان بر سر جنازه خلیل اجاقلی زاده واقع شد. روزنامه جمهوری اسلامی ص ۳ - ۲۴/۳/۶۰)

از طریق او اکیه‌های سابق که در دفتر ریاست جمهوری و دفتر هماهنگی او، بکار گماشته بودند، بنی صدر را تشویق کردند که از روز نخست حماسه اشغال جاسوسخانه آمریکا را تخطئه و اجازه آزادی جاسوسان را از امام، اخذ و عملی نماید! کابینه آقای رجائی را اجتماع غیر متخصصین خوانده بورشکسته بودنشان متهم سازد (ص ۴۴ و ۱۱۵ و ۱۳۷ را دوباره بخوانید)

در اینجا به ۳ شایعه اشاره می‌شود تا آیندگان بدانند دشمنان جمهوری اسلامی در زیر چتر حمایت بنی صدر چگونه میخواستند از روحانیانی که انقلاب را هدایت و طاغوت را برافکنند انتقام بگیرند!

۱- از حجة الاسلام ابوالقاسم خزعلی که از فضل و مبارزات و گرفتاریهای او در دوره طاغوت حقایق دیده و شنیده بودم. اخیراً شنیدم که از قول یکنفر پاسدار که او در لباس غیر مشخص شاهد اوضاع بوده است نقل نمود.

شایعه سازی در میان جمعی میگفت که در بازار چدای بودم شخص عائله داری آمده از مغازه ای روغن نباتی و برنج خواست. مغازه دار گفت نداریم. چون مشتری بسیار اصرار نمود مغازه دار گفت اگر میتوانی گرانتر بخری بفلان کوچه فلان خانه مراجعه کن... منم بدنبال او برآه اقدام!

آنجا خانه یکنفر روحانی بود. منم بعنوان اینکه خریدار هستم بدنبال او وارد بازار شدم. انباریکه تاسقف پراز برنج و روغن نباتی بود.. شایعه ساز با این تیر مسموم چندین هدف را نشانه میگردد.

اول اینکه روحانی آنچه میگوید خلاف آن عمل میکند - دوم اینکه روحانی احتکار مینماید - سوم اینکه رژیم شاه حق داشت که بمخالفت با روحانیان برخیزد ...

لذا از شایعه ساز مزبور خواهش نمودم درب همان روحانی را که گفتم با آن مرد رفتم و چنین و چنان دیدم بمن هم نشان بده! از من خواهش و تمنا و اصرار و از او دفع الوقت بود. سرانجام چون دید دست بردار نیستم و مسئله کمیته رفتن در میانست گریه کنان گفت «بمن پول میدهند و می گویند از این شایعه ها بساز و منتشر کن ...»

۲- از شخص متدینی که دوستش دارم شنیدم که میگفت در گرما گرم حمله صدام حسین، در تبریز سوار تا کسی بودم جوانی دوان دوان آمده سوار شد. بمحض ورود از گرانی و سوء معیشت آه و افسوس نمود.

دوستم میگوید چون لهجه آذربایجانی نداشت پرسیدم از کجا آمده اید

گفت از خوزستان، گفتم حالا رزمندگان تبریز در شهر شما با کفر می جنگند
 تو آمده ای از شهر آنها روغن و گرد رختشوئی تهیه کنی؟..

چون هیچ شایعه ساز باز شده بود، از نا کسی پیاده شد و در رفت!

۳- شایعه ای است که در آن، تیرمسموم دشمن مستقیماً متوجه یکی از
 شاخصترین چهره های روحانیت می باشد... دشمن می رود برق خانه کاسبی را که
 وقت و قدرت تحقیق ندارد، قطع میکند و چون او می پرسد چرا قطع نمودی
 میگوید «آیه الله بهشتی دستور داده است!»

خداوند در قرآن، دو بار آیه هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق

لیظره علی الدین کله ولو کره المشرکون. ۳۳/۹ و ۹/۶۱ و ۲۸/۴۸

را بعنوان تأکید لفظی تکرار و آنگاه در نوبت سوم، خود بعنوان شاهد

وعده میدهد که دین اسلام را بر تمام ادیان و مذاهب مسلط خواهد فرمود!

بر این اساس، مسلمانان جهان اعم از سنی و شیعه که از صدر اسلام باین

قبیل آیات و صدها وعده های راستین پیامبر امین و ائمه هدی راجع بظهور مهدی ع

و تشکیل دولت واحد جهانی، معرفت رسانده اند، هر قدمی که بر میدارند یا هر

روزی را که میگذرانند، خود را بشاهد مقصود نزدیک و نزدیکتر می یابند.

مخصوصاً نهال امید مسلمان آنگاه جوانه تازه میزند و شکوفه و گل در

میاورد و بستان خاطر را معطر میسازد که اومی بینند، اگر امام هفتم بشارت داده

۱- ابن قبیل ستم روا داشتن بر روحانیت و یاران صدیق امام، بطور روز-

افزون، از طرف مزدوران و دشمنان اسلام ادامه داشت تا اینکه شب هفتم تیر ماه شصت،

آیه الله بهشتی با ۷۱ نفر دیگر از مسلمانان پاک با انفجار بمبی که محمد رضا کلاهی

عضو سازمان مجاهدین خلق در دفتر حزب جمهوری اسلامی نهاد بود بشهادت رسید

این یکی دیگر از توطئه های گروه آمریکای بنی صدر، قاسملو و رجوی علیه اسلام بود

که «از شهر قم مرد بزرگی برمیخیزد و با یاران مؤمن و قوی‌الاراده و متوکل‌ی همچون قطعات فولادین؛ چنان نهضتی برپا میکنند که آوازه اسلام بهمه جا، حتی بگوش عروس خانمها در حجله گاهها میرسد» آنرا در نهضت امام خمینی بتمام و کمال، عملی شده می‌یابد (سفینه بحار جلد ۲ ص ۴۴۶)

یا اگر امام پنجم بشارت داده که «مسلمانان برای بدست آوردن حق خود قیام میکنند، میکشند و کشته می‌شوند و سرانجام حق را فرا چنگ می‌آورند و آنرا حفظ کرده بدست مبارك امام زمان عجلتعالیه تسلیم می‌کنند» بالعیان مشاهده می‌کند که با تأسیس جمهوری اسلامی قسمتی از راه، پیموده شده و قسمت دیگر نیز در حال طی شدن است!

۱- (الغیبة النعمانیة صفحه ۲۷۳ ... حدیثی قریب باینهضمون از رسول اکرم ص نیز نقل شده است باین قید که آن قیام کنندگان حامل پرچمهای سیاه میشوند. هر که آن قوم را درک کند، باید خود را با آنها برساند، گرچه تا گزیر از گذشتن از ینخندان باشد... (فی انتظار المهدی ص ۱۴۵)

بنظر میرسد که از مجلس شورای اسلامی خارج شدن آقایان مهدی بازرگان، سجابی، کاظم سامی، احمد سلامتیان، غضنفر پور، اکبر معین فر، اخوتیان، محمودی، نقوی، صلاح‌الدین، رضا اصفهانی، عالیپور و همفکران آنها که مجلس را از اکثریت انداختند و دل امام خمینی و مسلمانان را بدرد آوردند و نگذاشتند که پس از ۶ ماه عناد و تعلل غیر موجه رئیس جمهوری، باز برای وزارت امور خارجه، سرپرستی معین شود، درست در خلاف جهت فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد.

گرچه آقای بازرگان مدتها از اسلام گفته و کذائی تفسیر قرآن نموده است.

یا اگر پیشوایان دیگر خبر داده‌اند که پسر کی دعوی زمامداری می‌کند و همه با تمام نیرو بمخالفت او بر میخیزند بالعیان مشاهده میکنند که رضایپهلوی پس از خیانت و در بدری پدر، از آمریکا اعلام نمود که اگر ملت ایران قبول کنند!! حاضر است سلطنت را قبضه نماید که بجز خنده تمسخر آمیز عقلا جوابی نداشت (دنباله خبر نعمانی^۱ در ص قبل)

۱- آیه الله صافی گلپایگانی در منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر در ذیل صفحات ۳۲۲ بعد از ۶۳ تن از شاعر و نویسندگان سنی راجع بولادت و وجود و نوید دولت عدل امام زمان، قطعاتی نقل میکند که قطعه هیجدهم آن که میبیدی، فرمایش علی علیه السلام را شرح داده است خیلی جالب توجه میباشد!

آن حضرت خطاب بفرزند یا مسلمانان میفرماید «وقتی این علائم را دیدید منتظر دولت عدل مهدی باشید و بکوشید و مراقبت کنید که او را تنها نگذارید... یعنی قولا او را بجهانیان معرفی کنید و عملا بمشرب نامه انسانی و داد گستری او شوید.

۱- قیام و تظاهرات مردم ترك ۲- ذلیل و خوار شدن شاهان بدست بنی هاشم
۳- بیعت خواستن جوانك شوخ و لا یعقل و فاقد ارزش...

حالا با خواننده پژوهشگر است که قضاوت کند این پیشگوئی تا چه حد منطبق با انقلاب اسلامی میباشد و او در پاسداری از جمهوری اسلامی چه وظایفی بعهده دارد. با این قید که دیده شد قیام و تظاهرات تبریز ترك زبان بود که در ۲۹ بهمن ۵۶ طلسم شیطان بزرگ را بشکست و دیده شد که نه تنها شاه ایران بلکه همه ملوک و زمامداران خود سر، از ضرب بدست شاخصترین سلاله بنی هاشم یعنی نائب الامام خمینی (از نوادگان امام موسی بن جعفر و پیامبر ص و هاشم علیه السلام) آسیبی دیدند که اگر سر نیزه و دلار جهانخوااران قطع شود بکروز هم ←

یا هر مسلمانی ازدیدن اینکه اسلام از ۱۴ قرن پیش نوید تأسیس حکومت واحد جهانی داده است و حالا بدست دیگران در شکل و ابعاد همان قالب ولی بانییت سوء سازمان بین المللی تأسیس شده است، پیش خود امیدوارتر می شود که روزی بجای آن، سازمانی صحیح بنظارت مستقیم دوازدهمین اختر برج عصمت، دنیا را بعدل و داد اداره مینماید.

← نخواهند توانست بزندگی خود ادامه دهند. ولیعهدی و بیعت خواستن رضا پهلوی و نوید شدن او نیز جزء علامات است که در بالا اشاره شد!

در اینجا بامید دلگرمی و هر چه بیشتر احساس وظیفه نمودن مسلمانان و اینکه قدر نعمت اسلام و آزادی را بدانند و در مقابل متاع کفر که همه روزه بصورت توطئه و شایعه وارد جمهوری اسلامی می کنند، آنان نیز دامن همت بکمر زنند و حقائق اسلام و مقام و محبت امام زمان علیه السلام را که رشد و کسب آزادی ایران مرهون دعا و عنایات اوست، بصورت کتاب و مقاله و بحث و گفتگو بسمع جهانیان برسانند و باین عمل خود از یکطرف بمیزان امید و استقامت هواداران حق و عدالت بیفزایند، و از طرف دیگر مزدوران و شایعه پراکنان را از بی نتیجه بودن تکاپو و تلاش مذبحخانه آگاه سازند، واقعیت زیر در خود توجه میباشد

در روزهای قبل از حمله عراق بایران، مردم بغداد مشاهده میکنند که شخص خوش سیمائی که آثار بزرگی و نجاتش جلب توجه می کرد از تا کسی پیاده شد.

چون چنان مینمود که شخص غریبی است که میخواهد آدرس پیرسد، مردم بدو را جمع شدند. او که ناپدید شدنش نشان میداد خود ولی عصر بوده است فرموده بود «از ظلمت زدائی و نجات ایران فارغ شدیم و حالا نوبت عراق میباشد» بدین نوید بخواست خدا بزودی شاهد آزادی برادران عراقی از ←

همچنین پیروان اهل بیت همینکه مسی بینند مردان بزرگسی همچون برتراند راسل و ادوارد هامبر (رئیس اسبق سازمان ملل) و انیشتاین و ویلیام گاریسون، فیلسوف آمریکائی و داناته نویسنده ایتالیائی، در باره تأسیس حکومت واحد جهانی تئوری میدهند. و نیز شیعه در برابر ملل و اقوام دیگر، مثل هندوها و اقوام سلت و زردشتیان و یهود و آنکه بشر تیب منتظر موعود نجاتبخش خود بنام برهمن کلا، آرتور، شائوسیانت و یوشع بن نون هستند

با کمال سر بلندی اعلام مینمایند که آنچه را دیگران در آئینه خیال می بینند و تئوری میدهند، ما از قرن پیش بدان معتقدیم و رئیس و ال انبارش

← چنگال خون آشام بعثی عراق خواهیم بود! (نقل قول از حجة الاسلام خزعلی) در خاتمه گفتنی است که این قبیل پیشگوئیهها روز بروز نهال امید را در وجود دوستان اهل بیت شکوفاتر میسازد و در نتیجه در راه پیمائیهها از اعماق وجود آنها این شعار جانبخش بر میخیزد که « تا انقلاب مهدی نهضت ادامه دارد حتی اگر شب و روز بر سر گلوله بارد. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار» و باز در باره در انتظار فرج آنحضرت بودن، بقول جناب بشارتی نماینده مردم جهرم در مجلس گفتنی است که آنحضرت در مکه ظاهر شده خود را معرفی و بر نامه ظلمت زدائی جهانی خود را اعلام مینماید.

پس کسانی که در آرزوی ظهور و بر چیده شدن ظلم و فساد میباشند، علاوه از خود ساری، وظیفه واجبی آنهاست که جمهوری اسلامی را تقویت کنند تا بنقاط دیگر بخصوص مکه صادر شود و در نتیجه آنجا نیز برای خود، رژیم اسلامی (نه شرقی نه غربی) داشته باشد و گر نه رژیم سعودی همچنانکه تا کنون هر جنبش اسلامی را سر کوب و حتی دو سال قبل مجاهدان مسلمان متحصن شده در اندرون بیت را بخاک و خون کشید، همچنانهم اشکال کار خواهد بود.

را که از طرف پدر باده نسل پاک و درخشان به پیامبر راستین صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و از طرف مادرش^۱ به یسی و صی داودع می پیوندد می شناسیم. و ظهورش را روز شماری می کنیم! و بر اهنمائی قرآن اعتقاد داریم که رهبری غیبی و اثر دعای آنحضرت است که از اینهمه توطئه ها جان سالم بدر میبریم!

مسلمانان با اعتقاد باینکه جمهوری اسلامی بمنزله طلایه لشکری است که پیشاپیش دولت مهدی ع برام افتاده است از هیچ کوشش در پیشبرد اهداف آن فروگذار نمیشوند. در انتظار ظهور، زیارتنامه اش را میخوانند و دعوت نواب او امام خمینی را بیک میگویند و قدم بقدم نهال آرزوی شرکت در کتاب او را می نشانند!

خلبانان مسلمان در رسیدن نوبت پر واز، بر یکدیگر سبقت میگیرند و دقیقه شماری می کنند و چون علت اینهمه اشتیاق پرسیده میشود، میگویند

«حال که برای کوبیدن پایگاههای صدام آمریکائی پر واز می کنیم رسیدن بیکی از دو آرزو حتمی میباشد. یاد رعبور از فر اربار گاه اباعبدالله الحسین حضرتش را سلام میگوئیم و یا از راه شهادت، درس سفره آنحضرت بر حمت خدا نازل میشویم!»
و این اشتیاق جهاد است که رعب آرتش اسلام را در دل کافران روزافزون مینماید

۱- زمامدار آینده ص ۵۳.. حضرت حسن عسکری با این بانوی عظیم الشان (نرجس خاتون) از نسل یسی که بگفته اشعیاء نبی (فصل ۱۱) رئیس دولت عدل جهانی، شاخه برومند، از شجره یسی میباشد، ازدواج نمود. حضرت امیر بقر کوفه همان شاهزاده خانم رومی که در عالم خواب، امام حسن عسکری را می بیند و توسط حضرات محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام بازدواج او در میآید و پس از بیدار شدن، در لباس کنیزان، خود را با امام میرساند و بمهدی عَلَيْهِ السَّلَام آبتن می کردد، اشاره میفرماید و میگوید «مَنْ بَقَر بَانَ فَرَزَنْدَ بَهْتَرِينَ كُنِيزَانِ»

که در این مورد بعنوان تذکر بمسلمانان آینده که استقلال کشور اسلامی مرهون رشادت قوای مسلح مؤمن میباشد؛ نقل واقعیتی که شب پنجم بهمن پنججاه و نه تلویزیون تبریز نشان داد. مفید بنظر میرسد:

جناب سرهنک فرزانه فرمانده نیروی هوایی تبریز و جناب سروان خلبان شریفی راد که نورایمان و نیز آثار نقاقت در سیمای او آشکار بود بازن و دو فرزند دو ساله و سه ساله در تلویزیون ظاهر شدند

ابتدا آقای فرزانه از علاقه و مهارت سروان شریفی راد از اینکه او قهرمانیها نموده و با سرنگون کردن ۵ میگ عراق حماسه آفریده است فصاحتی بیان فرمود.

آنگاه رئیس بخش تلویزیون خواهش نمود، خود جناب خلبان گوشه‌ای از عملیات و سرگذشت خود را باز گو نماید.

او چنین آغاز نمود که در ۲۸ آذر ما موریت تخریبی خود را در خاک عراق انجام داده بر میگشتم که متوجه شدم دو میگ عراقی بقصد اینکه مرا بطرف کرکوک که تخریب نموده‌ام بکشانند، تعقیب مینمایند. من باین امید که بخواست خدا در هر حال پیروزی با ماست، با عملیاتی که اسمش را ضربه فنی یا عشق و علاقه میهن اسلامی یا معجزه بگذارید، آن‌دورا بمسلسل بستم (امکان این هم هست که با تغییر جهت دادن ناگهانی و از تیررس دشمن بدر رفتن من باعث شد تا موشک خود خلبان عراقی بجان رفیق عراقیش اصابت کرد!)

چندان دور نشده بودم که دو میگ دیگر دشمن وارد میدان شدند. در این موقع که از تمام شدن بنزین نگران بودم با آن دو نیز به نبرد پرداختم. یکی را سرنگون کرده بودم که متوجه شدم هر کب من نیز آسیب دیده و ناگزیر باید با چتر نجات فرود آیم...

از ناحیه سرو بازو بسختی آسیب دیده از هوش رفته بودم. همینکه چشم خود را باز کردم، خود را در کلبه‌ایکه بعد معلوم شد از آن پیشمرگان کرد عراق، دوستاران امام خمینی میباید، یافتم، آنها همینکه دیدند من خلبان ایرانی هستم بمحبت خود افزودند و ضمن برشمردن پاره‌ای از مظالم صدام آمریکائی که متأسفانه زبان یکدیگر را با اشکال درک میکردیم، بمن دلگرمی دادند که مرا بدست رژیم عراق نخواهند داد و باز تعجب کنان اضافه نمودند که چگونه است که شما و مقامات ایرانی نمیدانید که ما، تحت عنوان گروه پیشمرگان کرد عراق با دیگر گروهها از سالها پیش با رژیم عراق مبارزه داریم.. و امروزه ۸۰٪ ارتش عراق مخالف جنگ میباشد. تنها خشونت و اجبار صدام است که حتی برادر نیز رحم نمیکند و مردم را چه بخواهند یا نه بخواهند بجنبه میفرستد! اگر پشتیبانی مالی و مالی ابر قدرتها و نقش تبلیغات دامنه دار او که مثل هنرپیشه ماهر در لباس مسلمان ظاهر میشود و چشم عقل عوام را می‌رباید، نباشد، یک روز هم نمیتواند پایدار بماند...

جناب سروان در حالی که از مهمان نوازی و انساندوستی پیشمرگان کرد و معالجات محرمانه آنها که شکسته بند و طبیب سنتی می‌آوردند، سپاسگزاری می‌کرد، اظهار میداشت « آرزو مندم هر چه زودتر بهبودی یابم و برای دفاع از کشور محبوب بمیدان جنگ بروم! »

در این موقع جناب سرهنگ فرزانه ضمن تقدیر از خلبان قهرمان اضافه نمود که در یکی از روزهای جنگ، بعزت نقص فنی هواپیما مأموریت جناب سروان بتأخیر افتاد، بناگاه متوجه شدم که از دیدگان او اشک فرو میریزد که امر و زنتوانستم از میهن مقدس دفاع نمایم!..

حجت الاسلام نجف آقازاده از خلبان دیگری نقل نمود که از مأموریت

بر می‌گشتم که در آسمان کربلا بنا گاه دیدم، در محاصره ۴ می‌گ عراق قسار
گرفته‌ام، تو کل کنان بر فراز قبر حضرت عباس ع و سایر شهدا ع دوری زدم و از
آنحضرت خواستم؛ نجاتم را از خدا بخواهد. توسل همان بود و دور شدن می‌گها
همان». .. برای ثبت جانفشانیهای رزمندگان مسلمان که از اسلام الهام می‌گیرند
کتاب جدا گانه‌ای لازم می‌باشد. بهتر است این مقوله را با پیامی از خلبان شهید
شیرودی، مالک اشتر امام، خاتمه دهیم که او در حالی که در دستی قرآن و در دست
دیگر سلاح داشت علی‌رغم رئیس المتأفقین، بامام سلام فرستاد که «مکتب است که
در جبهه می‌جنگد و حماسه می‌آفریند و با فتح قلعه‌های اشغال شده بقله افتخار
میرسد نه تخصص تنها». روانشان شاد و راهشان در دفاع از اسلام جاوید باد!

آنچه ارتباط و پیشاهنگی جمهوری اسلامی را نسبت بدولت قائم آل محمد ع
مفرون بحقیقت مینماید، تطابق کارهای جمهوری اسلامی بسا اوصاف دولت
آنحضرت می‌باشد.

۱- پیشوایان فرموده‌اند یکی از موجبات غلبه آنحضرت، رعب اوست که
قبلا قلب کافران را تسخیر مینماید و حالادیده می‌شود رعب رزمندگان جمهوری
اسلامی همان اثر را بجای می‌گذارد، روز بروز نقاط اشغال شده راپس می‌گیرد
و اسرای جنگی بارمغان می‌آورد.

۲- گفته‌اند در ظهور آنحضرت دنیا بسرعت رو باآبادی می‌گذارد و راهها
توسعه می‌یابد و نزدیکتر میشود و ما از زبان مجاهد شهید مهندس کلانتری وزیر
راه شنیدیم که با وجود موانعی که دشمنان داخلی و خارجی در سر راه ایجاد
می‌نمایند، در عرض این دو سال غیر از راههایی که جهاد سازندگی ایجاد نموده
است، خود وزارت راه بیش از ۲۳/۰۰۰ کیلومتر جاده اصلی و بیش از ۳۷/۰۰۰
کیلومتر جاده فرعی احداث نموده است که قصبات و روستاها را بهم پیوند میدهد

(توضیح اینکه در تمام نیم قرن گذشته پهلووی ۷ هزار کیلومتر هم راه ساخته نشده بود).

... و نیز از حجة الاسلام سید حسین موسوی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تبریز می‌شنویم که در این مدت کم دوازده هزار مدرسه در این استان ساخته شده است ...

از حجة الاسلام عبدالحمید بنایی می‌شنویم که یکی از اصلاحات انقلاب اسلامی اینکه :

شاه حتی در ایام متبر که رمضان، قمار می‌باخت و شراب می‌خورد ولی بر عکس حالا ببر کت انقلاب، کابینه دولت جناب رجائی در رعایت مقررات اسلام و ادای فرایض دینی، در سطح عالی قرار دارد. و مخصوصاً مهندس بهزاد نبوی را که بنی صدر، ناجوانمردانه تهمت کمونیستی با او می‌زد، غفلة سر رسیدم و دیدم مشغول نماز بود و در قنوت این آیه را تلاوت می‌نمود «ربنا اننا سمعنا نادياً» قابل انکار نیست که ببر کت اسلام، وحشت مرگ زرد جای خود را بحلاوت شهادت و نیز زمام گسیختگی و بی بند و باری، زمینه را بر عایت عفت و ناموس داده است.

از رادیو تبریز می‌شنویم که می‌گوید سیصد و شصت هزار نفر روستائی زیر پوشش آب آشامیدنی قرار گرفت. از حجة الاسلام دکتر باهنر وزیر معارف می‌شنویم که در این بیست ماه، جمهوری اسلامی با اندازه ثلث آنچه رژیم قبلی در تمام شصت سال، مدرسه ساخته بود، آموزشگاه بنا نموده است ...

از دکتر عباسپور وزیر نیرو می‌شنویم اگر در سنوات قبل از انقلاب به تعداد انگشت شماری از روستاها برق داده شده بود حالا جمهوری اسلامی بصددها روستا برق و راه و حمام و بهداشت با رمغان آورده است

از مفتی اعظم سوریه و سایر آزادگان می‌شنویم که شما؛ ایرانی را که در

زمان شاه در مسیر منافع استعمار و زبان اسلام و مستضعفان پیش میرفت، یکصد و هشتاد درجه تغییر جهت دادید و در اجرای سنت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشمول عزتی شدید که خداوند آنرا از آن مؤمنین میداند...

از زکی یمانی آنهم وزیر نفت عربستان که خود وابسته امپریالیسم میباشد می شنویم که در جواب منخبر روزنامه نیوزویک که می پرسد قبول شرایط ایران؛ در آمریکا اثر میگذازد؟ یانه میگوید اگر اثر نگذازد موجب تعجب خواهد بود... (داد گاه عالی آمریکا گفت کارتر حق داشت برای آزادی گروگانها اموال ایران را پس بدهد) از روزنامه فرانسوی زبان تونس وارد و انگلیسی زبان پاکستان می شنویم که ایران توانست شرایط خود را با آمریکا بقبولاند!

و از روزنامه بیلد آلمان می شنویم که میگوید «کارتر در قبول شرایط ایران جز بلعیدن غرورش نتوانست کاری بکند»

و بالاخره از روزنامه فیکار و چاپ پاریس (وابسته صهیونیسم ۲۷/۱۰/۵۹) میخوانیم که همه حکومتهای ده و کراسی در بی آبروئیهای آمریکا شریکند! و سرانجام دیدن و شنیدن صدها پیشرفتهای مادی و معنوی، آدمی را بیاد آی مصراع می اندازد که در دوره طاغوت جنبه لفاظی و تخیل شاعرانه داشت ولی در جمهوری اسلامی جامه تحقق می پوشد «این طفل يك شبه ره صد ساله می رود»^۱

۱- فهرست فوق در سال ۵۹ تهیه شده. برای اطلاعات جامعتر کسه جمهوری اسلامی بچه پیشرفتهای معجز گونه در امور مادی و معنوی دست یافته است بر روزنامه جمهوری اسلامی ۳۱/۲/۶۰ مراجعه فرمائید.

همچنین برای اینکه بدانید گروهبانهای مثل جنبش و جاما و ساش و مجاهدین خلق و چریکهای فدائی خلق و و چگونه پیشرفتهای را می بینند و مثل انکار نمودن وجود آفتاب آنها را انکار مینمایند روزنامه احزاب ۲۹/۲/۶۰ ←

در اینجا برای کشف انگیزه این همه اشک شوق ریختن‌ها و انتظار ظهور امام زمان عجل الله فرجه کشیدن‌ها، توجه خواننده را به مطالعه گوشه‌ای از اخلاق پدران آنحضرت که او میوه‌ای از شاخه برآمدی از اصل اصیل نبوت و امامت می‌باشد، جلب مینمائیم و چون اساس این کتاب، بصرفه جوئی در وقت و کاغذ و مطبعه نهاده شده است، با عرض مثالها و عناوین، علاقمندان را بتاریخ زندگی ائمه ارجاع مینمائیم.

۱- حضرت محمد از اول زندگی بحدی صداقت بخرج داد که بمحمد امین مشهور شد. ابوسفیان بزرگترین دشمنانش در دربار هر قل همین امانت محمد ص را تائید کرد... قبل از بعثت در مجمعی که میخواستند از حقوق ستمدیدگان دفاع کنند شرکت جست. بدوست و دشمن چنان مهر ورزید که در کلام خدا بقلب رحمة للعالمین و صاحب خلق عظیم ملقب گردید.

با وجود علاقه نداشتن بمال دنیا که زهد میورزید و میگفت «الفقر فخری» و با وجود آنکه معیشت او در قرصی نان جو و لباس کرباس و ظرف سفالین خلاصه میشد، برای در هم کوبیدن ستمگران بیشتر از همه بقلب صفوف دشمن فرو میرفت! چنان بر سالت و بر نامه حیاتبخش خود اطمینان داشت که در جواب تطمیع دشمنان، فرمود «اگر آفتاب را در دست راست و ماه را در دست چپ من قرار دهید باز از تبلیغ باز نخواهم ایستاد!»

۲- علی عجل الله فرجه در زهد و علم و حلم و شجاعت و تمام صفات عالی انسانی پایبندی پای پیامبر نهاد. در کلام خدا بقلب نفس پیامبر ملقب شد. و از طرف بزرگان عالم

«رامورد مطالعه قرار دهید در این روزنامه با کاذب مطبوعات مخالف اسلام و افراد ضد انقلاب امثال علی اصغر حاج سید جوادی، عبدالکریم لاهیجی و هدایت متین دفتری که حقایق را انکار مینمایند، آشنا خواهید شد!

بنام نسخه ثانی انسان کامل موسوم گردید. ابر رحمتی بود که بر همه جا میبارید و حتی آنانرا که حقش را غصب کردند بدیده مرحمت مینگریست و لحظه‌ای از راهنمایی آنها در راه پیشرفت اسلام «ضایقه نمیفرمود». ابوبکر میگفت «مرا سؤال پیچ نکنید، تا علی در میان شماست من مزیتی بر شما ندارم...» عمر میگفت «خدایا مرا بروزی نگاه مدار که معضله‌ای پیش بیاید و دسترسی بفرزند ابوطالب نداشته باشم» خدا او را از چنان زور بازو و شکست ناپذیری و علم و نفوذ کلام که همه از لوازم پیشوائی است چنان برخوردار نموده بود که فی‌المثل کشور یمن که خالد بن ولید پس از ۶ ماه کوشش، از فتح آن عاجز مانده بود در اولین روز ورود علی و سخنرانی او بدون جنگ و خونریزی فتح شد و اسلام آورد!

علی هزار برده از دسترنج خود بدست آورد و تربیت کرد و آزاد نمود، چه بسا دلهای یتیم و بیوه زن بدست علی علیه السلام مرمت شد و شاداب گردید.

هموست که آهنگ دلنوازش دائماً در آفاق عالم طنین انداز است که

میفرمود تا نیازمندان، بر فاه و آسایش نرسند، از پای نخواهم نشست!

هموست که در عین اینکه بقرصی نان جوین و پیراهنی کبر باس و کفش

وصله دار میساخت و ارزش حکومت و خلافت را کمتر از ارزش آن کفش و نیز

محقر تر از عطسه بزمیدانست، همیشه بقلب لشکر دشمن هجوم می‌آورد!

و سر انجام علی اعجوبه ایست که نامش بقول اسلام شناس غربی مترادف

عدل و صدای الله کبرش سلب کننده راحت از مستمگران و مستکبران بود

۳- خدیجه ام المؤمنین رحمة الله علیها، تمام ثروت خود را که در جهان

عرب شهرت بسزائی داشت کریمانه برپای نهال اسلام ریخت و بسا آنهمه سابقه

رفاه و تنعم، در سه سال محاصره اقتصادی، بقوت لایموت قناعت ورزیده تلخی قطع

رابطه زنان اشراف را که بسبب اسلام آوردنش، بچشم دشمنی با مینگریستند

بحالات رضای خدا و پیامبر ﷺ تحمل فرمود.

۴- فاطمه مادر بزرگ امام زمان علیهما السلام در عفت و عصمت و زهد و وجود و ایشار و علم و اجرای فرامین خدا یگانه گوهر درخشانی بود که پیامبر، دست و روی او را میبوسید و او را مادر و پاره جگر پدر مینامید.

۵- امام حسن با آن همه شجاعتی که در دوره خلفای راشدین بخصوص در جنگهای جمل و صفین و نهروان، هر بیننده را غرق دریای حیرت نموده بود، با آگاهی از خدعه و نفوذ شیطانی معاویه که در دل خود فروختگان داشت، اوضاع روز را چنانکه باید از نظر گذرانده با قبول متار که جنگ (با شرط معین) از یکطرف از خونریزی بیحاصل جلوگیری کرد و از طرف دیگر با آزاد کردن معاویه و نشان دادن دست یغماگر و خون آلود او و آشکار نمودن اینکه معاویه قول و امضای خود را زیر پا میکند، زمینه قیام برادر را فراهم ساخت. قیامی که گرچه بنی امیه بظاهر غالب شدند. ولی در عمل از همان عصر عاشورا آثار اضمحلال آنها پدیدار گردید.

۶- از امام حسین علیه السلام بچند جمله قناعت میکنیم. او همان کاری را که پدر و مادر وجد و جد و جد و جد در بقای اسلام انجام داده بودند ادامه خود و فرزندان و یاران را بقر بانگاه حق تسلیم نمود و گفت «اگر دین محمد جز بکشته شدن من پایدار نخواهد ماند، پس ای سلاح دشمن، مرا که عزت اسلامی را بر بیعت دونان بر گزیده ام دریا بید! خدایا ترا شکر میکنیم که بابت پیامبرت از ما خاندان ما را کرامت داده بتعلیم قرآن و فقه سرفرازمان فرمودی - هیئات منالذله -

امام حسین از فرط محبت با دشمنان حتی بکسانی که حضرتش را در دریای بلا گذاشتند و رفتند، گفت «کسی اگر فریاد کمک طلبی مرا بشنود و یاری نکند با آتش جهنم گرفتار خواهد شد. پس حالا بیعت خود را از شما بر گرفتم.

بروید تا صدای مرا نشنوید...»

۷- از حضرت سجاد که تمام صفات عالی رهبری را از اجداد خود بارث برده بود تنها باین اکتفا میکنیم که عمر بن عبدالعزیز خلیفه مروانی از اطرافیان خود پرسید امروزه کیست که در خور خلافت باشد؟ چون هر يك سخنی گفت که بوی تملق میداد، خود اظهار داشت تنها علی بن الحسین السجاد بر ازنده این مقام می باشد!

۸- از حضرت محمد باقر بدو مطلب پرسیده میکنیم: لقب باقر را پیامبر ص داد و فرمود علم را همیشه کافد و پخش مینماید. خلیفه وقت برای تحقیر آن حضرت، او را با جبار بمیدان مسابقه تیراندازی کشاند... ولی بر عکس گمان او، مهارت آنحضرت چنان چشمها را خیره نمود که خلیفه در میان حاضران سرافکنده شد و زبان به تحسین گشاد!

۹- در تاریخ حیات جعفر صادق ع از جمله چنین میخوانیم: مجامع و مؤسسات بزرگ علمی جهان، جابر بن حیان شاگرد امام صادق را پدر شیمی میخوانند... در بار خلافت، از دیدن نفوذ برق آسای جابر در صدور قتل او بر آمد... جابر دست کم پانصد رساله تنها در علم شیمی بیادگار گذاشت که در همه آنها متواضعانه می نوشت «از مولایم جعفر صادق ع چنین و چنان شنیدم.»

هشام بن حکم مسلمان مسیحی زاده که مجذوب مباحث علمی امام صادق شده بود. پس از تحصیل در مکتب صادق، شهرتش جهان اسلام را فرا گرفت تا جائی که هارون الرشید خلیفه سفاک، برای خاموش ساختن آن چراغ پر تو افکن، بوزیر خود یحییای برمکی دستور داد بهر قیمتی است او را پیدا کنید! هشام فراری شد و بهلاکت رسید!

ابان، مفضل، ابوبصیر و محمد بن مسلم دوو هر يك بیش از ده هزار حدیث

از آنحضرت درسینه داشت .

تاجری نقل نمود که امام صادق پولی بمن داد تا بعنوان شراکت، دادوستد نمایم. پس از چندی شرفیاب شدم و مبلغی معادل سرمایه بعنوان سود تقدیم نمودم. چون برای او معلوم گردید، ارزاق عمومی را احتکار و آنگاه بقیمت گران فروخته ام پول را پذیرفت و عقد شراکت را فسخ نمود!

مردی از قریش حکایت نمود که برای خود مایه فخر میدانستم که با آنحضرت همسفر شوم. وقتی برده خود را صد ازدم جواب نداد! چون بعداً پیش آمد بمادرش فحش دادم. آنحضرت از شنیدن آن روی درهم کشید و فرمود... گیرم که او مسلمان نیست اما باید متوجه میشدی که هر ملتی در زناشوئی آئینی دارد. بنابراین قذف یا متهم بزنا نمودن مادر او گناه بزرگ و برای من غیر قابل تحمل می باشد!..

امام موسی کاظم از طریق اعتراض و انتقاد بر عیاشیها و زمامکسیختگیهای هارون چنان ضربات مهلك بر پیکر طاغوت زد که هارون علیرغم اینکه میدانست «با آل علی هر که در افتاد بر افتاد» باز برای جلوگیری از نفوذ شیعه و انقلاب آنها، موسی کاظم علیه السلام را پس از آنکه سالها در زندان نگاهداشت، با دادن زهر بشهادت رساند! هارون بارها گفته بود «دنیا از من و منم از آن زندانی حساب میبرم!» هارون از ازدیاد روزافزون شیعه در آرتش و بازار و محافل علمی، رنج می برد لذا تصمیم گرفت یکی از دو کار زیر را انجام دهد. قتل عام شیعه یا از میان برداشتن هفتمین برج منظومه ولایت یعنی موسی بن جعفر!

هارون دستور داد آماری از بزرگان شیعه تهیه کنند و چون با کتمان و رازداری شیعیان مواجه گردید مقرر نمود ابن ابی عمیر را که از تجار مشهور شیعه بود برای اخذ اطلاعات در ملاء عام. روی جسر بغداد تازیانه بزنند و شکنجه کنند!..

در این موقع بود که دریای رحمت ولایت که رحمت از لوازم و شروط
 زمامدار اسلامی میباشد در زندان بجوش آمد. از خدا خواست که خشم هارون را
 از شیعه بجانب خود آنحضرت برگرداند. امام موسی شهید ع شد و شیعیان پیر کت
 دعای امام از مهلکه رستند! (کافی ج ۲ ص ۹ ترجمه بهبودی)

چندی از شهادت امام موسی کاظم (هارون میخواست گناه مسمومیت
 امام را از خود سلب کند ولی آزاد مرد، طیب نصرانی آنرا بر ملا ساخت و شیعه
 را بیش از پیش بحال عصیان و انتقام در آورد) نگذشته بود که متملقان دربار، از
 شهرت و عمق تأثیر امام رضا علیه السلام برای هارون گزارش دادند. اما او که خود را
 در برابر امواج انتقام میدید گفت «میخواهید من تمام افراد خاندان علی را
 بدست شمشیر بسپارم؟»

توضیح اینکه شیعه از عاشورا و ایام شهادت ائمه بیعت، مثل کوه آتش فشانی
 که هنوز آتش درون را تحمل مینماید، در بر انداختن دستگاہ ظلم و جور میکوشیده
 است که ظهور فاطمیون، دیالمه، سربداران و صفویان، از اخگرهای فرزندان آن

۱- برای نگارش مهر بی پایان ائمه، کتب جدا گانه‌ای لازم است و ما بنا
 نوشتن نمونه دیگر، جویندگان حق را بمطالعه گروه دستگاران ج ۲ ص ۲۳۵
 و شبهای پیشاور و کشف الاستار و جنة المأوی دعوت مینمائیم!.. در غیبت صغری
 خلیفه عباسی از شنیدن اینکه سیل و جوهات شیعه بسوی امام غائب سرازیر و از
 آنجا بدست مستمندان میرسد، مثل آتش برافروخت و گفت «جاسوسان زبر
 دست بزرگان شیعه پول بدهند و بگویند این را با امام زمان برسانید. آنگاه هیچ
 قبول کنند پول را بگیرند و بگویند آن امام غائب را بجا هم نشان بدهید. اما بلافاصله
 از محبوب عالمیان، همه نمایندگان در اقصا نقاط دنیا اخطار شد که تا دستور
 ثانوی از کسی پولی بعنوان مال امام نپذیرند... (علامه مرتضی شبرستری)

میباشد و حالا ظهور جمهوری اسلامی، فعالیت همان کوه آتش فشان است که ستمگران را بوحشت انداخته است!

پس آقایان بازرگان و سامی و سلامتیان و بنی صدر و گردانندگان حزب خلق مسلمان که بمخالفت با جمهوری اسلامی بر میخیزند باید بدانند که عملاً از جوشش خون شهدا که می‌رود تا شجره آزادی را بارور کند جلوگیری و ریشه آرزوهای بشر رسیده ائمه و شیعیان پیشین را قطع و تاراج مینمایند!!

(این شیوه دیرینه دشمنان اسلام است که از طلحه و زبیر و معاویه گرفته تا کارتر و ریگان در لباس مذهب بجنک مذهب حق می‌روند!..)

۱۱- در کفایت و لیاقت و در عین حال بی‌اعتنائی امام رضا بجاه و مقام و مال همین بس که هر چه مأمون با آن شیطنت درونی که برای بعد آماده کرده بود، اصرار ورزید که امام، خلافت را بپذیرد، قبول نفرمود و سرانجام گفت «اگر خلافت را از جانب خدا حق خود میدانی، در آن صورت نمیتوانی آنرا بمن واگذار کنی و اگر حق خود نمیدانی تو خود کنار برو تا حق، در جای خود قرار گیرد...»

مأمون در مقابل صراحت لهجه امام ناگزیر شده يك پله پائین آمد و گفت

اقلا ولیعهدی را قبول کن ...

چون این تکلیف نیز بحد اجبار و انفجار درآمد، امام آنرا بشرط دخالت نکردن در عزل و نصب‌ها پذیرفت!..

امام با قرار گرفتن در موقعیت ولیعهدی، در قدم اول، مکتب پدر و جد خود امام صادق و امام باقر را که فلسفه و معارف اسلامی را در داخل قلمرو اسلامی بسط میدادند احیا و علیرغم توطئه دربار که میخواست مردم را از گرد ائمه حق

متفرق و بقیل و قال فلاسفه غرب سرگرم کنند، فلسفه اصیل اسلامی را ترویج و در قدم دوم با بحضور پذیرفتن فلاسفه و دانشمندان از چهار گوشه جهان و مجاب و محکوم نمودن عقائد باطل آنان، آوازه زلال اسلام را با نقاط رساند... روزی شخصی که بدزدی متهم شده بود بمأمون گفت تر ابا یزدت پیش از همه حد بزنند که ولایت

۱- برای درك اخلاق ضد اسلامی خلفای اموی و عباسی، بهتر است نظری بمجمع کفرائس ممالک اسلامی منعقد شده در طائف که بقول حسنین هیکل «از نظر وسعت و تجملات بر کاخ سازمان ملل متحد برتری دارد ولی از نظر ماهیت، اراده صهیونیسم و امپریالیسم است که آنرا منعقد نموده و از آن بهره برداری می نمایند» بیفکنید و اسلام استعمای را که میخواهد اسلام اصیل را ریشه کن کند عملاً شناسائی کنید.

در این کفرائس با اصطلاح اسلامی است که کولدوالدهایم از جانب آمریکا و اسرائیل وارد بحث میشود و با گفتن اینکه مسئله قدس را نمیتوان یک جانبه حل کرد، امید فلسطینیان را بیأس مبدل میکند!

این کفرائس اسلامی است که هر چند گاه در نقطه‌ای تشکیل می‌یابد و آب بر آتش خشم ملت‌های بی‌اخاصته میریزد و استعمارگران و دزدان را خاطر جمع میکند که جزیره، جزیره ثبات است نگران نباشید! بالاخره چنانکه فیلم نشان میدهد، در کفرائس طائف زمامداران مثل فرشته رحمت در لباس سفید ظاهر میشوند جز صدام حسین که او با لباس آرتشی و سلاح کمربندی وارد میشود. گوئی اوقبلای میدانست که پرنیونت حافظ اسد و وزیر امور خارجه پاکستان با و ارباب آمریکائی او در باره یورش بکشور اسلامی ایران و بسیاری دادن با اسرائیل غاصب اعتراض و جلسه را متشنج خواهند نمود. لذا او میخواست در دربار همکار خود ملک خالد بعنوان «مترسک» خ...

را غصب کرده‌ای. مأمون در حالی که آتش خشم تمام وجودش را فرا گرفته بود با امام رضا گفت می‌بینی چه می‌گوید؟ امام با تأکید حق‌بینی سخن متهم؛ طاس رسوائی مأمون را بر زمین زد (اصول کافی ترجمه بهبودی جلد ۱ ص ۳۱۵ بیعد)

← خدا را بترساند!

... سرانجام نتیجه ای که از کنفرانس اسلامی که بانی آن آمریکا بود بدست آمد، اینکه بنوشته روزنامه کیهان ۵۹/۱۱/۹ آمریکا و سعودی و مصر و اردن و عراق توافق نمودند در ایران اسلامی میان سنی و شیعه و میان مردم ایجاد اختلاف و تشنج نمایند!

و حالا بشهادت رسیدن بیش از ۷۲ تن از بزرگان شیعه در تهران و بشهادت رسیدن حجة الاسلام حسن بهشتی نژاد با طفل برادر در اصفهان و بشهادت رسیدن کچوئی رئیس زندان اوین و نیز بشهادت رسیدن مولوی فیض برو ملا علی جلالی زاده و فرزند بر و منداشان جناب مسلم و دختر ملا علی خرمی طائی از اهل سنت در سنندج و سفزو... از پی آمده‌های همان کنفرانس اسلامی آمریکائی طائف میباشد! بدین معنی که استعمارگر میگوید من می‌خواستم شیعه و سنی را همچون گذشته‌ها بجان یکدیگر بیندازم. و چون آنها زیر بار وسوسه و تلبیس من نرفتند؛ منم مزدوران خود را که بوسیله بنی صدر و قاسم ملو و عزالدین حسینی و مسعود رجوی و موسی خیابانی و اشرف دهقانی با استخدام خود در آورده‌ام، مأمور قتل همه آنها مینمایم! و از آن طرف اگر دولت ایران در صدد دستگیری و مجازات قاتلان بر آید، از کاخ «حمایت از حقوق بشر» که بهترین آلت تخدیر، در دست ما میباشد، فریاد اعتراض بگوش جهانیان میرسانم!.. (جواب مستدل جناب حسین موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی را از مطبوعات هفته آخر تیر ماه شصت مطالعه فرمائید.

۱۲- امام محمد تقی هر گاه که در مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سر درس قرار میگرفت، همه مدرسین را تحت الشعاع علم و کلام خویش قرار میداد. وقتی بعموزاده عظیم الشان او اعتراض کردند که روان باشد تو با این بزرگی وابهت و کبر سن، بر سر درس او بنشی و چون بر افاقه، پشت سرش روانه شوی و بهنگام سخن گفتن او بگوئی «بلی مولایم، پدر و مادرم فدای تو باد...» او جواب داد چکنم که خدا ولایت را باین ریش سفید نداده بلکه باو که استحقاق دارد داده است! متوکل و اخلاف او پس از بشهادت رساندن امام محمد تقی عَلَيْهِ السَّلَام تصمیم گرفتند فرزند او علی النقی ع را از مجالست با شیعیان منع کنند. بلکه از کودکی با تعالیم خشک و تصنعی آنها انس گیرد و در نتیجه نتواند مثل پدر و اجداد، مردم را شیفته علم و نفوذ کلام و اخلاق خود نماید...

مثلا او را در خانه در بسته‌های که کلید آن پیش فرماندار مدینه باشد جای دهند و معلمی را ناظر درس و احتیاجات او کنند...

همینکه معلم مزبور خواست درس را آغاز کند، امام پرسید میخواهی از کجا تدریس کنی؟ گفت الفبا. گفت میدانم. گفت فلان سوره قس آن. گفت میدانم... چون برای معلم کشف شد که او خود دریای مواجی است که هر کس میتواند بحد رفع تشنگی از آن بهره بر گیرد، تغییر روش داده از شیعیان و دوستان اهل بیت پیامبر گردید!.. و کلید را بفرماندار تسلیم نمود که من باید از او استفاضه کنم نه او، از من.. بدین ترتیب چون دیدند معلم دوم و سوم وعده‌ای از مأموران تحت تأثیر قرار میگیرند، خود دیوار محاصره را شکستند!.. (مروج الذهب مسعودی) ناصبی‌ها گروهی از مسلمان‌نماها هستند که با ائمه اطهار دشمنی داشته و دارند که در زمان جمهوری اسلامی گروهکهای وابسته بشرق و غرب که در حق امام و علمای متعهد شایعه سازی میکنند و احیاناً از بیم مسلمانان، از خود امام گذشته

نسبت‌های ناروا بنزدیکان او، امثال آیات عظام حسینعلی منتظری و طاهری و خادمی و ربانی شیرازی و علی خامنه‌ای و دکتربهشتی و علی اکبر رفسنجانی و معادینخواه و وو میدهند، از برادران آنها میباشند... حالاسخنی از زبان احمد بن عبدالله خاقان (از معاصرین حضرت امام حسن عسکری پدر بزرگوار امام زمان) که از ناصبی‌ها و دشمنان مشهور بوده است بعنوان «الفضل ماشهدت به الاعداء» می‌شنویم! پدر این شخص وزیر دربار و خود بمناسبت دشمنی‌ای که با امام داشته مقرب در گناه خلیفه و مأمور اخذ مالیات در نواحی قم بوده است!

روزی در مجلس او، هر يك از حاضران سخنی از اخلاق و اندیشه نوادگان

حجة الاسلام محمد فاضل واعظ تبریزی از روی یکی از شایعات که در کارگاه‌های استعمار ساخته و پرداخته شده و ناجوانمردانه خود امام و عالم روحانیت را متهم و در نتیجه پایه اعتماد مردم بی‌خبر را سست مینمایند برداشت! او چنین نقل نمود که مردی همسر خود را از دو هکین یافته علت را جویا میگردد زن پس از آه و آفسوس جواب میدهد «من فلان موقع گردن بند خود را به محضر امام خمینی تقدیم نمودم تا در پیشرفت اسلام و انقلاب بکار آید. متأسفانه در فلان مجلس، جواهر آلات خود را در گردن عیال فلان واعظ دیدم!»

این تهمت با امامی زده میشود که او بقول حسین هیگل نویسنده مصری بجز از يك تشك و يك جامه دان لباس چیزی ندارد. (روزنامه بایم و جمهوری اسلامی امامی که بفرزند عزیزش احمد آقا میگوید «بعصمت جدّه فاطمه سوگند اگر در امور انقلاب اسلامی مداخله ناصواب نمائی اعدامت مینمایم»

امامی که در دوره تحصیل آقا مصطفی در قضاوت میان او و طلبه دیگر چنان جانب عدالت را مراعات میکند که اعجاب خلق را برمی‌انگیزد. (این خبر باختصار از آیه الله بنی فضل نقل شد)

علی علیه السلام گفتند، چون توبت باو رسید گفت من در سامراء از اولاد علی بسیار کس دیده‌ام. اما هیچیک مثل حسن عسکری نیست!

او بداشتن فضیلت و عفاف و عرفان و ابهت در میان آل علی عدیم‌النظیر می‌باشد! حسن عسکری در سامراء بر همگان، از اعیان و رجال علوی و عباسی گرفته تا امرای سپاه و قضات و وزراء و شخصیت‌های برجسته بی هیچ تکلف و اجباری برتری و تقدم دارد! و همه با منتهای میل و رغبت او را بر خویشتن مقدم می‌شمرند! فراموش نمی‌کنم. روز عیدی که پدرم با دعای داده بود ناظر آمد و شد بزرگان بودم. بناگاه پرده دار مخصوص پدرم گفت ابو محمد، حسن بر در نالار، انتظار اجازه ورود دارد. وزیر اعظم فریاد کشید! زود هر چه سریعتر بگنویید تشریف بیاورد!

من بیادندارم که در حضور پدرم جز خلیفه و ولیمهد و خواص دربار کسیرا بکنیه و آن احترام که او را نام بردند، نام ببر ندا
من با خود می‌گفتم پدرم با حاجب خود پر خاش خواهد نمود که چرا او را این چنین با احترام یاد کرد تا او هم بکمال خضوع بگوید «تشریف بیاورند».. چشم بدر دوخته بودم تا این مرد محترم را به بینم که چه هیأت و شمایلی دارد!

مردی جوان وارد شد. گندمگون، خوش هیكل، زیبا روی و بینهایت متشخص و موقر بود!

تا چشم پدرم با او افتاد از جای خود پرید و بطرف او دوید. در آغوش گرفته صورت و سینه‌اش را غرق بوسه نمود!

آنکاه دستش را گرفت و با خود در مسند خویش نشاند... روی از همه جا بر گرفت و با او بگفتگو پرداخت!

من می شنیدم که پدرم چند بار کلمه فدایت شوم را تکرار کرد و باز بخاطر دارم که وقتی هم گفت «پدر و مادرم فدای تو باد...»
در این میان پرده دار، پرده را کنار کشید و گفت «موفق می آید» (ولیعهد)
پدرم بدون آنکه از صحبت ابو محمد بجای دیگر متوجه شود همچنان گرم گفته بود...

غلامان موفق از درب بیرونی تادم تالار از چپ و راست ایستاده کوجهای تشکیل دادند و موفق از میان آنها گذشته وارد تالار شد.
در این وقت پدرم بانهایت احترام گفت حالا اگر اراده فرمائید خدا حافظ و مراقب شما!...

آنگاه با او بیخاسته بغلام خود سپرد، او را از پشت صف بیرید تا موفق او را ببیند!

من مشتاقانه از غلامان پدر می پرسیدم این ابو محمد کیست؟ آنها بسادگی جواب میدادند «ابن الرضا» که این جواب کوتاه آنها تشنگی مرا فرو نمی نشاند!
آنروز را تا شب در فکر ابن الرضا بودم. همینکه پدرم گزارش روز را تهیه کرد که پیش خلیفه ببرد پیش رفتم و نشستم. پرسید احمد کاری داری؟ گفتم بلی اگر اجازه فرمائید!

در باره ابو محمد پرسش نمودم که آن چه کسی بود که اینهمه تعظیمش کردی و سر و سینه اش را بوسه زدی و پدر و مادرا فدایش کردی؟!...

با کمی فکر گفت او ابو محمد، حسن بن علی پیشوای رافضیان است. بعد گفت اگر خلافت از خلفای ماسلب شود هیچکس در میان آل علی ع جز او شایسته مقام خلافت نیست برای اینکه او فضل و علم دارد، تقوی و عفاف دارد، زهد و عبادت و اخلاق جمیل و تربیت پسندیده دارد. مردی شریف و صالح میباشد! افسوس

که پدرش را ندیدی ، اگر دیده بودی ، او را جامع عظمت و شرافت می یافتی !
این گفتار پدر باعث شد تا از بزرگان و قضات و شخصیت‌های برجسته تحقیق
کنم . که چون کردم معلوم شد در پیش همه ، کسی مثل او هوجبه و محترم و
محبوب نبود ! ...

چندی بعد که ابو محمد رحلت نمود . شهر سامرا از دربار تا بازار . و از
علوی تا عباسی چنان سوگواری نمودند که من هرگز نظیر آنرا در مرگ
کسی ندیده‌ام !

از عجایب اینکه پس از ابو محمد روزی برادرش جعفر بدیدار پدرم آمد
و گفت از شما خواهشی دارم و اگر این خواسته عملی شود سالیانه بیست هزار
سکه زر تقدیم خواهم نمود !

پدرم پرسید چه می‌خواهید ؟ گفت مرا یاری کنید تا احترام و پیشوائی
برادر را پیش پیروانش بدست آورم !

پدرم بشدت خشمناک شده ناسزا گویان ، جوابداد « برو احمق نمی بینی
خلیفه شمشیرش را بروی کسانی که پدر و برادرت را امام میدانند ، میکشد ولی
مردم از عقیده خود دل بر نمیکنند و تمام فشار دستگاه کوچکترین تزلزلی در
ایمان آنها نسبت بولایت پدر و برادرت ایجاد نمی نماید ! تو گمان میکنی که
امامت يك منصب عادی است که خلیفه بهر کس داد مورد استقبال قرار گیرد؟ ..
برو و دیگر برنگرد . (کلینی ، مفید و سید محسن امین و)

بدین ترتیب امام حسن عسکری با آن علم و بصیرت خدا داد و بینشی که
از غیبت فرزند و احتیاج شیعیان بمراجع ذیصلاح ، داشت ، بانوشتن تفسیری بر
قرآن و افزودن آن بر روی دستورالعملهای ۲۵۰ ساله ائمه پیشین ، همه را
بکانون «اجتهاد» و دست فقهای جامع الشرائطی مثل شیخ مفید سپرد که فی‌المثل

اگر یکبار در اجتهاد و صدور فتوی دچار اشتباه شد، خود امام زمان عجل الله فرجه از پشت پرده غیبت، اصلاحش کرد!

بمحمد کلینی سپرد که اصول کافی او تیر جانگداز است که در چشم دشمن فرو می‌رود.

بطبری سپرد که تفسیر مجمع البیان او پس از آنکه قرن‌ها مورد قهر قرار گرفته بود، بوسیله مرحوم شیخ شلتوت، فاتحانه وارد دانشگاه الازهر مصر گردید!

بعلامه حلی‌ای واگذار کرد که شاه مغول، او را از عراق بمنظره بسا دانشمندان اهل سنت ایران فراخوانده از شنیدن جوابهای منطقی و مستدل او خانه دل را از هر عقیده غیر شیعی پیراست و تشیع اختیار نمود!

بشیخ حر عاملی واگذار کرد که او در ایامیکه بیمار بود در عالم خواب، بنوشیدن جامی از دست آخرین طبیب نفوس یعنی ولی عصر ع، سلامت خود را بازیافته دست بکار تألیف وسائل الشیعه شد که یکی از کواکب درخشان عالم اسلام میباشد.

بابو جعفر طوسی، صدوق، ابن بابویه، آربلی، علامه مجلسی، علامه امینی، آقابزرگ تهرانی، عبدالحسین شرف‌الدین، شیخ جعفر آل‌کاشف‌الغطاء هبة الدین شهرستانی و و سپرد که آثار قلمی هر يك در بانی پر از لؤلؤ و مرجان می‌باشد.

بسید ابوالحسن اصفهانی سپرد که علاوه از اینکه جهان اسلام از نخل پر بار حیات او شیرین‌کام گردید، پس از مرگش نیز همینکه خبرش به تبریز، که آنروز در زیر چکمه روسها در لباس حزب توده و دموکرات در تبری بیش از ۴۰ درجه حرارت می‌سوخت، رسید؛ حتی در میان سران حزب، رقت و تحسری

ایجاد نمود که استعمار را که چشم طمع بتجزیه آذربایجان دوخته بود یقین شد که تلقینات ضد دینی چندین ساله او، نقش بر آب یا مصداق « عرض خود بردن و زحمت ماداشتن » بوده است

بمیرزا حسن آشتیانی سپرد که او در اجرای فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی که از عراق صادر فرموده بود، قلیان را بعنوان شکستن فرمان ناصرالدینشاه، پیش چشم او بشکست که منجر به تبعید شدتش گردید! بسید محمد حجت سپرد که او همچون سایر همسنگران خود؛ زهد و حمایت از مستضعفان را از امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارث برده بود. او با پذیرفتن تقاضای شاه مخلوع که میخواست بتزویر و ریا بدیدن او برود و راهی بقلوب مقلدین او پیدا کند، دیو استعمار را در آتشی ازخشم فرو برد که تا آخر عمرش زبانه میکشید!

بثقة الاسلام علی بن موسی سپرد که او در راه حفظ تمامیت ایران، در روز عاشورا در تبریز با عدهای از همسنگران بسر چوبه دار رفت و توطئه قزاقها را نقش بر آب نمود!

بشیخ عبدالکریم حائری که زهد و بینش او زباتر است سپرد که او در حالی که مالی در دسترس نداشت حوزه علمیه قم را بتانهاده علوم و آوازه اسلام را بوسیله تلامیذ عالیقدری همچون امام خمینی بسمع جهانیان رساند.

در اختیار آیه الله سید محمد هادی میلانی گذاشت که فداکاریهای او در خرداد خونین و همچنین در پی ریزی مسئله تحصن فقهای ایران در جهت استخلاص امام خمینی از چنگال دژخیم پهلوی و بالاخره در آخر عمر، گفتن اینکه از فرزندان من کسی آن صلاحیت را ندارد که ریاست حوزه را در عهده بگیرد تا سیل وجوهات مردم بسوی او سرازیر شود! تیرهای جان ستانی بود که بر جان

طاغوت می نشست!

بآیات عظام محمد حسین نائینی، محمد کاظم خراسانی، میرزا حسین تهرانی، شیخ عبدالله مازندرانی سپرد که آنان در تداوم جنبش تنباکو و مشروطیت، نخستین بار در تاریخ فرمان خلع محمد علیشاه را صادر و پرداخت مالیات بدولت او را تحریم نمودند!

بمجتبی نواب صفوی و سایر اعضای « فدائیان اسلام » سپرد که راه مبارزه مسلحانه با رژیم پهلوی را بر گشودند!

بامام خمینی سپرد که از اول عمر، مخصوصاً از جلوس محمد رضای مخلوع مبارزات خود را پی ریزی کرد و بشمر رساند. تا علیرغم تبلیغات سوء و کارشکنی های دشمنان داخل و خارج، از طرف جهانیان بمرد سال مشهور شد و محبت او بحدی در قلوب پاک فرو رفت که بعضی از آزاد مردان جهان، نوزادان خود را « خمینی » نام نهادند و در کنفرانسهایی که در آمریکای لاتین تشکیل می یافت گفته میشد (اگر خمینی را چند روزی بساینبجا بیاوریم، میتوانیم ریشه سلطه ممالک متحده آمریکا را قطع کنیم)^۱

۱- از مکتب فقهای صالح امثال مقدس اردبیلی، صاحب ابن عباد، خواجده نصیر طوسی، محسن فیض، ملا صدرا، هادی سبزواری، میرزا صادق تبریزی (رضاخان او را بتهران جلب و در هاله ای از ابهام بزند گیش خاتمه داد)

و فتح الله شهیدی و محمود دوزدوزانی (میگویند پس از غائله دموکراتهای تبریز، شاه مخلوع به تبریز آمد، آخوندی که کم کم باخوند درباری ملقب شد، باستقبالش رفت و برای خود شیرینی گفت «شهیدی و دوزدوزانی معذرت نمودند که بعلت مرض یا گرفتاری نتوانستند شرفیاب شوند...» بعداً این دو فقیه عالیقدر با اعتراض کردند که ما کی و کجا این و کالت را بشما داده ←

در پایان این بحث که قطره‌ای از دریای اصالت و فضل پدر و اجداد مهدی موعود، بمیان آمد، مبرهن گردید که یگانه منبع و سرچشمه زلال که در میدان تر کنازی «شرق و غرب» عطش جهانیان را فرو خواهد نشاند، در خانه پیامبر اسلام ﷺ بوده از آنجا بنحانه علی و حسن و حسین تا حسن عسکری و امام زمان علیه السلام در جریان بوده و می‌باشد.

← بودیم!...

این آخوند از آن روزی بعد بقم رفت و مرجع تقلید گردید!!.. و آن‌دو عالم پاك در حالی که از او خوندل داشتند، دارفانی را وداع گفتند!

ورضوانی، صادقی، شریعتی، میرزا مهدی اصفهانی، میر داماد، محقق اول و ثانی، سه شهید مشهور و صد شهید فضیلت (ص ۱۲۸ ر)

که چراغ محبت خاندان پیامبر ﷺ و مشعل فرزندان نهضت علوی را نسل بنسل روشن نگاه داشتند، قهرمانانی همچون خلیل طهماسبی، خلیل ملکی، بخارائی، صفاری هرندی، سعید امائی، نیک نژاد، سید حسین امامی، علی اندرزگو، محمد صادق اسلامی و و و و بر خاسته، باقطع ریشه حیات کسروی دینساز! هژیر (وزیر دربار خائن)، علی رزم آراء و حسنعلی منصور (نخست وزیران و ظنفر و ش) گاه و بیگاه انفجاری در ظلمت بوجود آورده توطنه‌های استعمار را نقش بر آب و اساس سلطنت را متزلزل و زمینه انقلاب اسلامی را فراهم ساختند!

همچنین سردارانی امثال دکتر مصطفی چمران، حسین شهرامفر، حاج سید محمد قدس حسینی بر خاسته پیشاپیش صدها رزمنده شهید، خون خود را در پای شجره انقلاب ریخته جلوی تهاجمات جهانخواران را که بقول شیروزی شهید «جمهوری اسلامی مورد هجوم آمریکا و روس و عراق می‌باشد»، گرفتند!

و بالاخره نتیجه فعالیت مستمر مسجد فیضیه قم بزعامت امام خمینی بود ←

گرچه از محبوب عالمیان و آخرین کشتی نجات و جامه تحقّق پوشاننده باهدف پیامبران ، مطلب نوشتن برای نویسنده روح افزا و برای خواننده جزء حسنات است ولی مسائل ضروری دیگر اقتضا میکند که این بحث را با ذکر قطعاتی بطور گلچین خاتمه دهیم و علاقمندان را بکتاب «غیبت» و کمال الدین و

← که بقول آیه الله جنتی در اوائل حمله عراق ، بیش از دو هزار طلبه بمقابله دشمن شتافته ، در همان ماههای نخستین ، زیادتر از ۶۰ شهید دادند ...

ماحصل اینکه اگر بخواهیم ثمرات درخت پر بار دین و ولایت را در دو جمله خلاصه کنیم و آنها را از زبان دشمن بشنویم گوش بسخترانی مارگارت تاچر نخست وزیر دولت محافظه کار انگلستان میدهیم که او مثل همتای سابق خود «کلادستون» گفت «ما از موشکها و سلاحهای کمونیستها نمیترسیم تنها از اسلام هراس داریم» «مطبوعات فرزدین ۶۰» ...

و با از رژیم سعودی که بنمایندگی از آمریکا و صهیونیسم بر مردم ستم دیده عربستان حکومت میکند و قیمت روزانه بیش از ۱۱ میلیون بشکه نفت را به بانکداران آمریکا میسپارد ، می شنویم که با قطع بودجه تبلیغ اسلامی «رابطة العالم الاسلامی در آمریکا» دستور داد از گرایش مسلمانان آمریکا به مکتب ، پر تحرك و انسان ساز تشیع ، ممانعت نمایند (روزنامه نبرد ملت ۳/۵/۶۰) ...

از رژیم سعودی آمریکائی این قبیل اعمال خلاف اسلام ، بعید نمی باشد . چه که گذشتگان آنهم ، شیعیان علی علیه السلام بخصوص پیروان زید شهید را رافضی یعنی ترك شده و خارج از اسلام نامیدند و جسد خود زید را مدتها از درخت آویختند ! چنانکه خواجه تاش آنها یعنی رژیم پهلوی نیز بهترین فرزندان شیعه ، مثل دکتر صمدیه لبافی نژاد و دکتر مجید شریف واقفی را که حاضر نشده بودند اسلام راستین را ترك و مجری اهداف مجاهدین خلق شوند ، بدست ←

داد گستر جهان و عدل گستر جهان و المهدی و بسوی نور و نشانی از خورشید و صدها کتاب دیگر، ارجاع نمائیم.

۱- ایادی استعمار امثال موسی جارا لله و احمد امین و شیخ مردوخ و احمد کسروی (نویسنده کتاب شیعیگری و بخوانند و داوری کنند) از دیدن اینکه شیعه بتعلیم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ انتظار فرج را عبادتی بزرگ می‌شمارد و در راه انتظار یعنی اعتراض بوضع حاضر، لحظه‌ای از پای نمی‌نشیند، شهرت بدهند که مهدویت از ساخته‌های تشیع میباشد!

— تقی شهرام که ساواکی درنده‌ای بود که بلباس مجاهدین خلق در آمده بود ترور نمودند... سرانجام در علت هراس رژیم سعودی از گسترش مکتب تشیع گفتنی است که آنها میدانند از عاشورا ببعده سیل اشک شیعه توأم با غرش نوحه و ناله و سینه زنی رعد آسا جمع شده رژیم اموی و عباسی و پهلوی رادر هم پیچیده بنخاموشخانه تاریخ سپرد.

۱- امروزه نوك تیز حر به استعمار علاوه از آنکه متوجه شیعه است متوجه ملتی مثل لبنان و ایرلند و السالوادور و افغان و لهستان است که در جهاد برای کسب آزادی، با شیعه همسو میباشند که نمونه‌ای از آن بمباران شدن لبنان بوسیله اسرائیل و بخاک و خون کشیده شدن بیش از هزار انسان میباشد (۲۶/۴/۶۰)... یاسر عرفات در اعتراض بسکوت رهبران خود فروخته کشورهای عربی و اسلامی میگوید «ما برای نجات از این مظالم بشمشیر شما نیازمندیم نه دعا و اظهار همدردی شما» و سرانجام بقول آن بزرگمرد الجزایری که با تائید رژیم «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی ایران» تمام ممالک اسلامی را باخذ و ادامه طریق آن دعوت مینماید، تنها ره رهایی بکار بستن وحدت اسلامی و کسبختن زنجیر استعمار میباشد.

اینک در جواب گفته میشود مهدیت از مباحث روز پیامبر و یاران بود و اگر بیش از پانصد^۱ کتاب بزرگ و کوچک که از قبل از غیبت امام تا زمان حاضر نوشته شده است نادیده گرفته شود که آن مثل نادیده گرفتن آفتاب خواهد بود، از شهادت برادران اهل سنت که حتی برخی تمام کتاب خود را مختص بتاریخ ولادت و زندگی و غیبت امام دوازدهم نموده‌اند نمیتوان گذشت!

از قبیل: نور الانوار. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان. البیان فی اخبار صاحب الزمان. کفایة الطالب. العرف الوردی فی اخبار المهدی. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول. سنن الامام. صفة المهدی و

همچنین از کتاب سلیم بن قیس و حسن بن محبوب و عیسی بن مهرا ن و فضل بن شاذان و عبدالله بن جعفر حمیری و و و که از زمان قبل از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه راجع به غیبت او دست بتألیف زده‌اند، نمیتوان گذشت (معارف جعفری و منتخب الاثر ص ۳۲۰)

همچنین از ذکر خیر دیگر برادران اهل سنت که بخشی از کتاب خود را بذکر تاریخ ولادت و غیبت و نواب خاصه و معجزات و کرامات مهدی عجل الله تعالی فرجه و القاب و شمائل و خصال او و بشارات مربوطه اختصاص داده‌اند، نمیتوان خودداری کرد (جزاهم الله خیراً)

از قبیل ینابیع الموده، اربعین حافظ ابو نعیم، اسعاف الراغبین، یواقیت و جواهر و فتوحات مکیه، فصل الخطاب - در المنظوم - فصول المهمد فی معرفة الائمة تذکرة الائمة، طبقات شیخ حسن عراقی (این نویسنده شخصاً بزیارت امام

۱- ۳۵۵ جلد از این کتابها چنانکه در کتابنامه امام مهدی بچاپ رسیده است بوسیله انجمن حجتیة تهران بمعرض نمایش گذارده شد. بقیه کتب نایاب بود که احتیاج به تجسس بیشتر داشت.

مهدی نائل شده است. (ص ۸۸ المهدی) لواقع الابصار- نور الابصار- فرائد السمطين صحاح الاخبار- سبائك الذهب و

گذشته از اینها بطور کلی بزرگان اهل سنت باندازه‌ای از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم راجع بخروج سفیانی و دجال قبل از ظهور مهدی و نیز از غیبت و ظهور و حکومت جهانی آنحضرت حدیث متواتر نقل نموده‌اند که کوچکترین شکی باقی نمی‌ماند که از روزهای نخست، مسئله امام مورد توجه رسول گرامی اسلام بوده است (علاقمندان بکتاب جامع منتخب الاثر که بوسیله هزاران راوی، هزاران حدیث پیرامون مسئله مهدویت ارائه مینمایند مراجعه واسم راویان اهل سنت را مخصوصاً ذیل صفحه ۳-۴ ملاحظه نمایند)^۱

خداوند دانا و توانا برای اینکه در حقیقت و امکان طول عمر آنحضرت مثال زنده‌ای ارائه نموده باشد، حدود ۴ هزار سال قبل از این همیشه زنده بودن حضرت خضر را که بآب حیات خوردن تعبیر میکنند بسر زبانها انداخت و در ادبیات ملل مختلف عنوان خاصی بدان بخشید تا برای هدایت منکران و سخت باوران برهان و امثال ادبی و تاریخی نیز در دست باشد: و اینک نمونه‌ای از بحث خضر و آب حیات :

۱- ینابیع الموده در صفحه ۴۹۶ از حضرت امیر علیه السلام نقل میکند که فرمود روزی با رسول خدا در رهگذری از مدینه شیخ برومند با محاسنی را ملاقات نمودیم. او بر رسول خدا سلام و تر حیب کرد. سپس مرا بعنوان خلیفه پیامبر،

۱- بکتاب مهدی موعود که در خلال ۱۳۰۰ صفحه گنجینه‌ای از دانستنیها پیرامون زندگانی منجی بشر عرضه مینماید و نیز بکتاب امام مهدی در قرآن، نوشته صادق شیرازی ترجمه انصاری که حدود یکصد آیه قرآن را بروایت عامه و خاصه شاهد وجود و غیبت امام مهدی مطرح میکند مراجعه فرمائید

مخاطب ساخته سلام گفت و پس از مذاکرایی ، راه خود را در پیش گرفت و رفت .
از رسول خدا ﷺ پرسیدم ، کیست که مرا بنام خلیفه خطاب نمود ؟
جواب داد برادرت خضر بود !

۲- آیه الله سید مرتضی حسینی فیروزآبادی در ص ۳۷ و ۴۳ جلد ۳ کتاب
ذیقیمت خود فضائل الخمسه دو حدیث راجع به حضور جناب خضر بر سر جنازه
رسول اکرم ﷺ نقل میکند که مایکی را باختصار مینویسم :
علی رضی الله عنه نقل میکند که آماده غسل رسول خدا ص بودم که از گوشه ای
صدائی آمد که یا علی ، محمد ، طیب و طاهر است ، غسلش مده !
گفتم وای بر تو ، کیستی ؟ خود رسول اکرم ، ما را بغسل دادنش امر فرموده
و این کار سنت اوست چرا ترک کنیم ؟ !

در این میان صدای غیبی بلند دیگری شنیدم که گفت یا علی ، غسلش
بده ...

« آن صدای نخست صدای شیطان بود که از راه کینه و حسد آنچنان
میگفت تا رسول خدا بدون غسل وارد قبر شود ! »
علی میگوید گفتم خدا ترا جزای خیر دهد که مرا خبر دادی ... پس
خود تو کیستی ؟ جواب داد من خضر هستم که بر سر جنازه رسول خدا حاضر
شده ام .

از نظامی گنجوی نمونه ای درباره خضر :

سکندر بتاریکی آرد شتاب ره روشنی خضر یابد بر آب

سعدی :

ای خضر حالات نکنم چشمه حیوان - دانی که سکندر بچه محنت طلبیده است؟!

حافظ :

گرت هواست که با خضر همنشین باشی
 ای قصه بهشت ز رویت حکایتی
 انفاس عیسی از لب لعلت لطیفه ای
 ... فیض ازل بزور و زرار آمدی بدست
 ... دریا و کوه در ره و من خسته و ضعیف
 نهان ز چشم سکندر چو آب حیوان باش
 شرح جمال خور ز رویت روایتی
 آب خضر ز نوش لبانت کنایتی
 آب خضر نصیبه اسکندر آمدی
 ای خضر پی خجسته مدد کن به متم

صائب :

ما از این هستی ده روزه بتنگ آمده ایم
 ای خضر، خوش ز همسفران دور مانده ای
 وای بر خضر که محکوم به عمر ابد است
 جز بیکسی نتیجه عمر دراز چیست

مولوی :

عمر و حق این هر دو با حق خوش بود
 از برادران اهل سنت مؤلف کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان میگوید
 بقای امام زمان بلا اشکال است چون عیسی و خضر نیز زنده اند .
 ز مخشری در ربیع الابرار میگوید : چهار نفر از انبیاء زنده می باشند
 ادیس و عیسی در آسمان ، الیاس و خضر در روی زمین .

۱- صاحب عقد الدرر از نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل میکند که فرمود مردی
 از اهل بیت من خروج میکند که نام او چون نام من و خلق او چون خلق من
 است زمین را پر از عدل و داد مینماید !

۲- آیه الله صدر در ترجمه المهدی ص ۱۳۷ بنقل از صحیح مسلم نقل میکند که عبدالرحمن بن سمره از پیامبر ﷺ خواست تا او را براه نجات هدایت فرماید ...

فرمود ای پسر سمره وقتی که در میان آراء اختلاف افتاد بر تو واجب است که دامن علی بن ابیطالب را بگیری زیرا امام امت و خلیفه من است. تا آنجا که فرمود از امامهای امت من و بزرگ اهل بهشت، حسن و حسین و ۹ نفر از فرزندان حسین است که نهم آنان قائم امت من میباشد!

۳- مرحوم نعمانی از نویسندگان قرن ۴ از قول عمر بن خطاب نقل میکند که رسول اکرم ﷺ حدیثی فرمود که حاصل مضمون آن اینست که در شب معراج از خداوند متعال ندا رسید که چه کسی را در زمین جانشین خود قرار دادی؟ گفتم برادرم علی را.

فرمود یا محمد! من بکره ارض نگر یستم و ترا بر گزیدم، هر جا اسم من ذکر شود نام ترا نیز بدنبال می آورد، من محمود و تو محمد!..

باز نگر یستم و علی را بوصایت تو بر گزیدم. تو سید الانبیائی و علی سید الاوصیاست اسم او را از اسم خودم مشتق نموده ام من اعلی و او علی است!

یا محمد من، علی و فاطمه و حسن و حسین را از نور واحد آفریدم و آن گاه ولایت آنها را بملائکة نشان دادم هر که پذیرفت از مقربان در گاه شد و آنکه نپذیرفت جزء کفار گردید! یا محمد اگر بنده ای تمام عمر را عبادت کند، در حالی که منکر ولایت آنها باشد او را داخل آتش خواهم نمود. باز صدا آمد یا محمد میخواهی اولیاء را به بینی گفتم بلی، فرمود بنگر!

نگریستم. علی و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجة القائم (علیهم السلام) را دیدم. نور مهدی در میان آنها مثل

ستاره دری تلاً لؤ میگرد!

باز ندا آمد اینها ائمه و آن آخری قائم آنهاست که حلال و حرام مرا
بمورد اجرا در خواهد آورد و از دشمنانم انتقام خواهد گرفت!
یا محمد او را دوست بدار که من او را و دوستانش را دوست می‌دارم.
(اقتباس و تلخیص از منتخب الاثر ص ۱۱۹ ...)

۴- توضیح اینکه امروزه در کره ارض تنها کشوری که با امام زمان و
دوستاری آنحضرت منتسب است جمهوری اسلامی ایران میباشد. پس بفرموده
خدا کسانی که امام خمینی و بزرگان ایران را دوست دارند دوستان خدا
می‌باشند. و برعکس ...

۵- از علائم ظهور آنحضرت یکی هم کثرت جنگ و قتل و کشتار است.
بحدی که حدود $\frac{2}{3}$ سکنه زمین کشته می‌شوند و آنانکه جان سالم بدر می‌برند
چنان از حکومتها و قوانین خود ساخته آنها متنفر می‌شوند که دست رد بسینه
هر مدعی می‌زنند و خود خواهان حکومت الهی میشوند!

بشریت آنروز همانند آن شخص استخوان شکسته یا سیاه زخم گرفته،
میشود که از بیم درد حاضر بجراحی نبود. اما همینکه آثار مرگ را دید، از
جراح استقبال کرده تسلیم تیغ او شد و نجات یافت!

یعنی بدنبال نو میدی از رژیمهای سوسیالیسم و کمونیسم و کاپیتالیسم و ...
است که بشریت بر سر عقل آمده از حکومت خدا استقبال میکند و خداوند هم
با آنحضرت اجازه ظهور میدهد. پرچمی بر بالای سرش باهتزاز در می‌آید که
روی آن نوشته میشود «البیعة لله».

۶- همچنانکه طرز حکومت، از خانوادگی، ابتدائی، بدوی و قبیلہ‌ای ترقی
کرده امروزه بجائی رسیده است که در اغلب ممالک، قانون (اگرچه ناقص و

نارساست) حکومت میکند .

در ظهور مهدی هم در اثر ترقی عقول ، قانون الهی یعنی قرآن حکومت می نماید .

۷- حضرت صادق فرمود. وقتی قائم ماقیام کند خداوند شیعیان ، را نیروئی می بخشد و چشم و گوش آنها را چنان قوی مینماید که بدون احتیاج به واسطه (تلگراف - تلفن - تلکس و تلویزیون و...) آنحضرت با آنها در هر کجا باشند مکالمه مینماید و آنها حضرت را در محل خود مشاهده میکنند .

باز از آن حضرت منقول است که فرمود در زمان قائم ما دو نفر مؤمن که یکی در مشرق و آندیکر در مغرب باشد. یکدیگر را می بینند . (احوال الائمه جلد ۳ ص ۷۲)

۸- پیامبر ﷺ فرمود همچنانکه بدنبال شب سیاه ، خورشید فرامیرسد و نور خود را بهمه جا میگستراند، این دین نیز در ظهور مهدی همه جا را فرا میگردد (سالنامه معارف جعفری) برای استحضار از تأثیر عمیق این حدیث و صدها نظیر آن در تشجیع و شادابی روح و جسم شیعه و تأمین سعادت فرد و اجتماع توجه خواننده را بخبری از حضرت صادق جلب مینمائیم که فرمود:

آنچه را که همت و اراده نفس در آن نیرومند گردد و جداً مورد توجه شخص واقع شود، بدن از انجام آن ناتوانی نشان نمیدهد .

بعبارت دیگر حضور دائمی امام زمان در وجدان انسانها و اجتماعات آنها و در دسترس بودن برنامه و دستورالعملهای پدران او ، موجب تداوم تحرك و جهانی نمودن انقلاب مستضعفین میباشد که جمهوری اسلامی ایران نشانه ای از آنست !

۹- پیامبر ﷺ فرمود مهدی درمکه ظاهر میشود. مردم میان رکن

و مقام با ادبیعت مینمایند. آنگاه متوجه شام می شود. جبرئیل از پیش روی و میکائیل از پشت سر او حرکت مینمایند. اهل آسمان و زمین و همچنین طیر و وحش و ماهی شاد می شوند. (البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان و ص ۴۲۳ منتخب الاثر)

۱۰- رسول خدا فرمود بشارت باد شما را که در زمانی که فتنه و اختلاف در میان مردم تلاطم و لرزه ایجاد میکند خداوند، مهدی امت را برمی انگیزد او زمین را همچنانکه از ظلم پر شده باشد از عدل و داد پر مینماید. بیت المال را بتساوی قسمت میکند. فقر و احتیاج بکلی از میان میرود. سکنه آسمان و زمین از اورا ضی می شوند. (الدر المنثور سیوطی شافعی جلد ۶ ص ۵۰ بنقل از صحاح احمد، ترمذی، ابو داود و ابن ماجه)

۱۱- ابن مغازلی در مناقب میگوید: رسول خدا در ساعات آخر عمر بناله فاطمه علیها السلام چشمها را باز کرده بعنوان تسلی خاطر او گفت «خداوند بما اهل بیت هفت خصلت اعطا فرموده است که همچو فضائلی نه بکسی داده شده و نه داده میشود. افضل همه پیامبران از ماست و او پدرتست. و وصی ما افضل همه اوصیاء است و او علی علیه السلام، شوهرتست.

شهادت ما برترین شهادت و او حمزه عموی پدر تو میباشد!

و از ماست کسی که با او دو بال اعطا شده، در بهشت هر وقت و هر کهجا خواست پرواز مینماید و او جعفر طیار عموی تست. از ماست دو سبط پیامبر، دو رئیس جوانان اهل بهشت که آنان فرزندان تو، حسین میباشد. سو گند بخدائستی که جانم بدست اوست، مهدی این امت که عیسی بن مریم علیه السلام پشت سرش نماز میگزارد؛ از اولاد تو میباشد. (نقل از شبهای پیشاور علامه سلطان الواعظین طبع ۱۲ ص ۶۵۰)

۱۲- پیامبر خدا ﷺ فرمود ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزید. همانا خاندان من پس از من با بلاهای سخت روبرو خواهند شد. تا اینکه قومی از مشرق با پرچمهای سیاه ظاهر شوند.^۱ آنها مطالبه حق و خیر می کنند ولی بآنها داده نمی شود. تا اینکه کارزار

۱- این قطعه از ترجمه فارسی زمامدار آینده . تألیف علامه محمد جواد

مغنیه نقل شد

... از خداوند مسألت مینمائیم که جمهوری اسلامی را که از روی قرائن زیاد و داشتن پرچم سیاه حسینی و قیام کرد نشان بر علیه ظلم، همان قوم مشرق زمین هستند و نیز همان قوم عدالتخواه هستند که حضرت باقر خیر داده (ص ۲۷۳ الغیبة النعمانیة) از گز ندر روزگار محفوظ نگاه دارد. برادرانه یاد آوری میشود که شهدای کربلا و گروه توابعین و یاران زید شهید و یحیی در جهاد و بخون غلطیدن خود و نیز ائمه و اصحاب در بزنجیر کشیده شدن و شهادت رسیدن خود، هدفی جز این نداشتند که در پناه خدا بتأسیس حکومت مستقل علوی نائل آیند! پس بعد از بدست آمدن آن نعمت عظمی باید توجه داشت که مخالفت با حکومت جمهوری اسلامی، مخالفت با امام حسین ع و صالحان می باشد.

«تو خواهی از سخنم پند گیر خواه ملال»

تو خواهی دوستار بیش از ۷۲ شهید باش که در دفتر حزب جمهوری اسلامی در سنکر مجلس و دولت و قوه قضائیه و سپاه پاسداران، با انفجار بمب بشهادت رسیدند، باش، خواهی دوستار قاتلین آنها، که قساوت را از نرون و چنگیز و ابن ملجم و شمر بارث برده اند!.. (مسعود رجوی فراری رئیس مجاهدین خلق در جواب خبرنگار بی بی سی، بتلویح مسؤلیت این ترورها را بعهدہ گرفت) خواهی دوستار محمد حسن نوری دادیار دادگاه تبریز و حجج اسلام ←

نمایند و نصرت یابند. پس آنچه را خودشان میخواستند بآنها میدهند. آنها از پای نمی‌نشینند، تا اینکه زمام حکومت را بدست میگیرند و بمهدی می‌سپارند که اودنیا را پراز عدل و داد مینماید... (سنن ابن ماجه ج ۲)

۱۳- حدیقه پیرامون حدیث عمر جهان و ظهور امام عادل که در ص ۲۰۰ گذشت، نقل میکند که همینکه پیامبر ص حتمی بودن ظهور فرزند خود را مطرح و اضافه نمود که موعود اسلام همانم خود او خواهد بود، جناب سلمان پرسید مهدی از نسل کدامیک از فرزندان تو خواهد بود؟

پیامبر دست بشانه امام حسین علیه السلام زد و فرمود از نسل این یسرم. (از مرحوم محب الدین طبری، سنی در ذخائر العقبی ص ۱۳۶)

در این زمینه مزدوران استعمار با غیر عملی وانمود کردن این مواعد که شیعیان هر چند گاه بیاد مهدی انقلاب مینمایند و سکوت و آرامش گورستانی آریامهری و بنی‌صدری را می‌شکنند، شهرت می‌دهند که حال که شرط ظهور آنحضرت پر شدن زمین از ظلم میباشد، چه بهتر که مسلمانان مکتبی بی تفاوت بنشینند تا دنیا ازستم پر شود و آنحضرت زودتر ظهور کند!

که در جواب باید حدیث فوق را با حدیث دیگر که عقل و تاریخ نیز آنرا تأیید مینمایند، تلفیق نمود که میفرماید: همچنانکه در گذشته روزی نبوده است که گروه حق، میدان را برای تاخت و تاز کافر و ستمگر خالی گذاشته باشند، همچنانهم روزی نخواهد آمد که حقیرستان گوشه نشینی کنند و عرصه

بخر دیان و دانشجو و دهها شهید مظلوم خرد سال و بزرگسال، دولت‌مرد و غیر آن که بگلواره و بمب سازمانهای دوزخین خلقی و یاران بنی‌صدر فراری از پای در می‌آیند باش و خواهی... ولی غافل مباش که «ان ربك لبالمرصاد.. سریع الحساب... سریع العقاب میباشد. قرآن»

را بستمگران بسپارند!

پس برای منتظران دولت حق که ناگزیر کارش با استعمارگران بجنک خواهد کشید. واجب است در ازدیناد نیرو و انظار، سعی لازم معمول دارند. (شهید مطهری)

۱۴- شیخ منصور علی ناصف، استاد دانشگاه الازهر مصر و شارح معروف صحاح ششگانه اهل سنت میگوید در میان دانشمندان اهل تسنن مشهور است که باید در آخر الزمان مردی از دودمان نبوت بنام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ ظهور کند و بنتر ممالک اسلامی! مسلط شود و مسلمانان نیز از وی پیروی نمایند... مهدی در میان مردم بعدالت رفتار میکند و دین اسلام را تأیید مینماید... احادیث مهدی را گروهی از برگزیدگان صحابه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کرده‌اند و بزرگان محدثان مانند ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، احمد حنبل و حاکم نیشابوری رضی الله عنهم در کتاب خود آورده‌اند.

۱۵- احمد زینی دحلان مفتی بزرگ مکه... میگوید:

احادیثی که در آنها سخن از مهدی بنیان آمده بسیار و در حد توانس میباشد. در میان احادیث مزبور حدیث صحیح و بر عکس حدیث ضعیف نیز بسیار پیدا می‌شود ولی این مهم است که کثرت احادیث و فزونی راویان وابسته بسیاری از محدثین سنی اخبار مهدی ع را در کتب خود، آورده‌اند و جود مهدی مورد قطع و یقین میباشد. (در حدیث اخیر از کتاب نشانی از خورشید نقل شد)

راجع بمسئله غیبت آنحضرت و نحوه آن، گفتنی است که در طول تاریخ بسیار دیده شده است که اراده خدا باعث پنهان ماندن ولی خدا از چشم دشمنان گردیده است.

الف - دیده نشدن موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ که فرستادگان فرعون، ولادت او

را شنیده بخانه‌اش ریختند و همه جا را گشتند اما بیچه را نیافتند و حتی مادرش را سیلی زدند که بیچه کجاست؟ (زندگانی پیامبران، مطبعی ج ۲ ص ۴)

ب - دیده نشدن رسول اکرم در شب هجرت.
ج - غائب شدن حضرت سجاد از دست مأموران عبدالملک مروان که حتی ابن حجر نویسنده متصب سنی نیز آنرا در صواعق نقل نموده است!

امام علی النقی فرمود «امام زمان چهار صفت دارد که چهار پیامبر علیهم السلام داشتند.»

خصلتی شبیه به موسی علیه السلام کسه مدتی از قوم غائب شد. خصلتی شبیه عیسی علیه السلام که از طرف یهود تحت تعقیب و مراقبت بود (شایع کردند که مرد ولی نمرده بود - گفتند اعدام شد ولی اعدام نشده بود)

صفتی از یوسف علیه السلام از لحاظ جمال و سخاوت و اینکه در میان برادران بود ولی آنها او را نمی شناختند!

و صفتی از جد بزرگوارش، محمد صلى الله عليه وآله (از نظر تکیه بشمشیر داشتن، اثبات الوصیه مسعودی ص ۲۲۴)

پس از قبول اینکه علاوه از اسلام، ملل مختلف دیگر نیز معتقدند که سرانجام، دنیا بدست مرد عدل سپرده خواهد شد، گفتنی است که بقرض مجال اگر نظریه ناباوران طول عمر امام مورد عمل واقع میشد و مثلاً هزاران سال پس از امام حسن عسکری ع شخصی از طرف خداوند مأمور اصلاح جامعه میگردد، قیل و قالها و اشکالاتی در آنجا بوجود می آمد که بمراتب بزرگتر از اشکال طول عمر میبود! مثلاً مصلحتی که مورد نظر پیامبران بود اگر بطور خلق الساعه قدم بر صه و اصلاح می گذاشت، گذشته از اینکه این کار عجیبتر و ناباور کردنی تر

بود، مدتی وقت لازم بود که صلحای عالم او را بشناسند و زیر پرچمش گسرد
آیند که اشکال شهرت یافتن و شناخته شدن او و جان بدر بردنش از چنگ
ستمگران، بمراتب بیشتر از اشکال غیبت امام حق بود!

... تاریخ فراموش نمیکند که حتی بیست سال پس از آغاز غیبت، خلیفه
فرمان داد خانه امام را که صولت داد گستری اولرزه براندام هر ستمگرانداخته
ومی اندازد، بناگاه تحت محاصره در آید و سر امام پیش او برده شود (غیبت طوسی
ص ۱۶۰ و شواهد النبوه جامی حنفی)

تاریخ فراموش نمی کند که خلیفه عباسی برای بدست آوردن «سرنخ» که
بتواند مچ نواب عامه و خاصه و خود امام غائب را بگیرد، بچه نیرنگها متشبث
گردید! (ص ۲۲۵ گذشت. تفصیل را بکتاب گروه رستگاران، ج ۲ ص ۲۳۵
و کافی م. ف)

علاوه از اینها کسیکه از خانواده مجهول الهویه‌ای قدم بعرصه حیات
بگذارد، چگونه میتواند منشأ کاری باشد و بیای امام برحق برسد؟!
شخص کم نام چگونه میتواند برای جلب مردم، از کارهای پدر و اجداد
تمثیل بزند و استشهاد کند؟ در حالی که قبل از اینکه یگانه فرزند امام حسن
عسکری ع، لب بمعرفی خود و خاندان خود بگشاید حالا دنیا می شناسد که
پدران او کسانی بودند که در اوج قدرت، عفو و در کمال نعمت و رفاه زهد داشتند
در عین بی نیازی بجاه و مال، برای گسترش عدل در صفوف دشمن پیش میرفتند و
در عین نیاز، ایثار مینمودند.

در علم سر آمد و در حلم و صبر شهرة آفاق بودند!

آوازه عدل و علم علی و صادق ع مرزهای زمان و مکان را در نور دیده است.
هنوز هم استقبال پر شکوه از امام علی النقی که هنگام احضار شدنش از مدینه

بسامراء علیه السلام منع خلیفه، مردم بعمل آوردند و نیز علم و صولت امام حسن عسکری ع با وجود آنکه اغلب محبوس و محصور بود. ورد زبان خاص و عام می باشد!

خلاصه اینکه مهدی خلق الساعه که پاره‌ای از ملت‌ها معتقد به پیدایش او هستند، کی و کجا می‌تواند بگردد شهرت و تأثیر وجود حضرت حجة ابن الحسن برسد؟

بچشم خود می‌بینم که هر وقت اسم شریفش (قائم) در مجلسی ذکر می‌شود گوئی انفجاری رخ میدهد. مردم قیام میکنند و صلوات می‌فرستند و با آن قیام خود، مثل دیدن حضرتش اعلام مینمایند که ما با خود سازی و تهیه زمینه قیام همگانی، تمام تمام ذرات وجودمان را آماده اجرای او مینمائیم!

... امام علیه السلام در جواب سائل فرمود «حکمت اصلی غیبت ولی عصر علیه السلام

بعد از ظهور آنحضرت کشف میشود همچنانکه در سوره کهف میخوانیم، فلسفه کارهای عجیب حضرت خضر که کشتی را سوراخ نمود، جوان را کشت و دیوار را تعمیر نمود، قبلا برای حضرت موسی، مجهول و سؤال انگیز بود!

علاوه از آن، از دهها آیات قرآن برمیآید که خداوند، بندگانش را بتفکر و تعقل و تدبیر و بیداری و بصیرت امر و تشویق میفرماید و کسانی را که بیدار و مواظب اوضاع باشند و از عهده امتحان برآیند مورد عنایت قرار میدهد... همه اینها برای این اصل است که خدا می‌خواهد بندگانش را بجای جمود و خمود و رخوت، هر چه بیشتر برشد و تکامل و کیاست خود بیفزایند تا هم در این دنیا بعنوان لقمه لطیف و سهل الهضم مورد طمع جهانخواران قرار نگیرند! و هم در

۱- امام خمینی فرمود استعمار می‌خواهد ما را بخواب مصنوعی فرو برد

ما باید بیدار باشیم!

آخرت که سرنوشت آدمی بروی افکار و اعمال دنیوی او قرار میگیرد، بمقامات عالی بهشت راه یابند... با این حال تاریخ صدر اسلام می گوید بجز از علی و یاران او، کسی در راه هوشیاری و آموزش نحوه برخورد با غوامض و معضلات سیاسی و اجتماعی چندان رغبت نشان نداد. شاید علت آن، این بوده باشد که میگفتند جائی که مشکل گشائی همچون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وجود دارد، چه لزوم دارد که بفکر و اندیشه پردازیم و نتیجه را یادداشت کنیم؟ عوام شیعه نیز میگفتند با وجود امامان چه حاجت بتعمق در مسائل داریم؟ یعنی پیش آمدن غیبت است که مسلمان و بخصوص شیعه را مجبور ساخته است در آیات و احادیث هر چه بیشتر بحث و دقت نماید، بتقوای سیاسی بیفزاید و همیشه در صحنه باشد. تا در برابر دشمن که از هر طرف با او خواهد تاخت درنماید و این بدان میماند که رئیس تجار، تخانه یا کارگاه بزرگی مدتی مؤسسه را بعهده فرزند و شاگرد بگذارد و مسافرت کند و آنها هر چه در توان دارند بکار اندازند تا هم در کار خود موفق و هم بهنگام برگشتن رئیس سرافراز باشند!

* * *

مرحوم علامه شبستری از دو نفر جوان هم سن در يك مؤسسه مثال میزد که رشد و تکامل یکنی بحدیست که نوع متاع، استحکام، محل ساخت، شهرت کارخانه، هزینه گمرک، فراوان یا نایاب بودن وسائل یدکی، مقدار انرژی که در آن بکار رفته و مقدار نیرو و انرژی که آن، مصرف میکند و پس می دهد و چیزهای دیگر را میداند و خود جوانی پاك سرشت است ولی دومی عاطل و باطل میباشد. بدیهی است که اولی در تجارت و نبرد زندگي، موفق ولی دومی و سرمایه او در معرض تطاول و نابودی میباشد.

* * *

قرآن از بلده طیبه سبأ و فراوانی نعمت و غفران خدا مثال میزند که در اثر کفران نعمت از دست رفت

* * *

تاریخ اسلام می گوید در حکومت عدل علی علیه السلام بارغم از دل مستضعفان زدوده میشد و مستکبران بناچار خوی درندگی را ترک میکردند ولی در اثر ناسپاسی و عدم آگاهی و پذیرش مردم، از دست رفت!

تاریخ اسلام، فراموش نمیکند که حکومت ظلم و استبداد اموی، با قیام امام حسین و نهضت زید شهید و سایر افراد خاندان علوی، متزلزل و سرانجام بدست ایرانیان که تشنه حکومت ائمه هدی بودند مضمحل شد. ولی بعزت نا اهلی ابومسلم خراسانی و یاتر دید و نا آگاهی ابوسلمه که هم امام صادق و هم محمد بن عبدالله بن حسن مثنی را بقبول حکومت دعوت نمود، به نتیجه مطلوب نرسید و بلکه خاری بیار آورد که عباسیان درنده تر از گرگ و خطرناکتر از مار، پیکر اجتماع را بخون کشیدند و حالانیز پس از حصول نعمت «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» کسی نمیتواند بتمام معنی مدعی شود که با وجود نا آگاهی و اطاعت نکردن از رهبر، و روحانیت، باز نعمت خدا داد بر جای خود خواهد ماند. مگر اینکه همچنانکه معصومین علیهم السلام نوید داده اند و مسلمانان نیز از طریق ایمان و توکل و حضور در صحنه، آنرا جامه عمل میپوشانند، بخواست خدا انقلاب تداوم خواهد یافت و بقیام مهدی علیه السلام خواهد پیوست (سفینه بحار ج ۲ ص ۴۴۶ و غیبت نعمانی ۲۷۳)

... ایادی استعمار از قرن ۱۸ بعد جهد کردند مردم را با وعده های خوش ظاهر، مشغول نمایند. گروهی گفتند:

پیشرفت علم، تمام سعادت بشر را تأمین مینماید. گروه دیگر فلسفه

اشتراکی انگلس و مارکس را درمان تمام دردهای اجتماع نامیدند و بدنبال آنها حزب «بابی بهائی» که نطفه آن در روسیه تزاری منعقد، و در دامن انگلیس و یاران او بزرگ شد، بت پرستی نوینی بوجود آورده رنگ دین بدان زدند ولی بمصداق آنکه «مردم را برای همیشه نمیتوان فریب داد» بزودی بیرنگ بودن حنای هر يك از آنها برای بسیاری از مردم فاش... ولی عدهای هنوز هم در دام آنها دست و پا میزنند.^۱

۱- بدنبال گرایش بعلم و فلسفه اشتراکی و امثال آنها ثابت شد که علم بدون دین بقول سعدی بدست زنگی مست شمشیر دادن و فلسفه مارکیستی هم داستان آن زن زشترو میباشد که بکابین مرد نایبائی در آمده همه روزه از حسن و جمال خویش سخن میراند تا اینکه شوهر بیچاره با گفتن اینکه «اگر چنانکه میگوئی، میبودی، با وجود اینکه بینایان، نصیب من نمیشدی» بخود ستائیهای سنواتی او خاتمه داد...
...

... در بحث آزاد تلویزیونی که میان آقایان حجة الاسلام مصباحزاده و دکتر عبدالکریم سروش، از طرف مسلمانان و احسان طبری و فرخ نگهدار از جانب کمونیستها بعمل آمد، دیده شد که کمونیستها پس از آنکه مدتها نتیجه يك آزمایش ناقص آنهم از یکی از جزئی ترین پدیده های آفرینش را عنوان نموده آنرا با آب و تاب تمام، بنام قانون همگانی عالم، برخ مردم بیسواد میکشیدند و با دادن نام «مارکسیسم علمی!» بدان، چنان وانمود میکردند که آنها در عرش اعلائی فلسفه و دیگران در حد صفر و پله اول قرار دارند، چنان محکوم و مغلوب شدند که دیگر حاضر با ادامه بحث نگریدند...

این عمل آنها یادآور گفتار ابن ابی العوجاء دانشمند ملحد دهری را که دوستانش تحریکش نمودند که در بحث آزاد حضرت صادق، شرکت ←

... آدم فریبان ، مخصوصاً بهائیان و ناصبی‌ها هنوز هم برای سست نمودن عقیده مردم نسبت باسلام و روحانیت و غیبت امام و طول عمر آنحضرت ، در نقاط استعمارزده ، دام میکسترانند و مثلاً می گویند چه مانعی داشت که خداوند پس از امام حسن عسکری ع تا مدتی که صلاح میدانست فاصله می داد . آنگاه رهبری برمی انگیزت و دنیا را اصلاح می کرد؟!!

در صورتیکه باید توجه داشت اولاً خالی بودن جهان از رهبر معصوم ، خلاف مشیت الهی و موجب هلاکت جنبدگان است (کافی جلد ۲)
ثانیاً اگر فرض شود همچو فردی در زمانهای بعد آفریده شود ، نعوذ بالله این امر ، از جانب خدا بیعدالتی است که نسل امام حسین ع را با آنهمه پاکی اصل و تن دادن با نچنان شهادت جانگداز که شجره دین را با خون خود ، حیات تازه داد ، از داشتن و پروردن امام زمان که باقیام خود ، کام جهانیان را شیرین خواهد نمود ، در حضرت حسن عسکری بخشکاند و این امتیاز را بعدها بشخص بی اصالت ببخشد!

← کند بیاد می آورد که از او پرسیده بودند «خود را در پیش امام صادق چگونه یافتی گفته بود «مثل گنجشکی در چنگال عقاب» ...

در خانمه گفتنی است که در مقابل دعوتی که سیمای جمهوری اسلامی از گروهکها برای بحث آزاد تلویزیونی بعمل آورد ، بنی صدر که تا آنوقت بشاگرد مکتب دکتر مصدق و عضو جبهه ملی بودن خود میباید و خود را بگراف اندیشه قرن مینامید و همچنین همسفر آینده اومسعود رجوی (فرار در لباس زنانه و پناهندگی بدامن فرانسه) که خود را قهرمان میدان فلسفه و ایده نولوژی می خواند و با انتشار کتابهای التقاطی ای بنام شناخت ، تبیین جهان و ووبازی خوردگان را بسوی خویش جلب می نمود ، نتوانستند در بحث مزبور شرکت نمایند.

در صورتی که بر عکس ، احادیث بسیار در دست است که خداوند در قبال شهادت مصیبت بار امام حسین علیه السلام ، وجود امام را در نسل او قرارداد که آخرین آنها همان قائم آل محمد است .

و از اینها گذشته چرا مردم دهها امور عجیبه در قرآن و کتب عهدین و مطبوعات و احیاناً بچشم خود دیده و میگذرند ولی تنها در اینجا فریاد اعتراضشان بلند می شود ؟

مثلاً ۱- در قرآن میخوانیم هزاران نفر از بنی اسرائیل بفرمان خدا مردند و بعد زنده شدند !

۲- اصحاب کهف بعد از خواب عمیق ۳۰۹ ساله بیدار شدند و اوضاع را بررسی کردند و خوابیدند !

۳- عزیز صد سال بخواب رفت و بیدار شد ! مرگش را پوسیده و طعام و آبش را غیر متغیر یافت !..

۴- نوح نهصد و پنجاه سال عمر کرد ...

۵- عیسی از گل مرغ ساخت که پیرواز در آمد !

۶- خداوند گفت اگر یونس تسبیح نمی نمود همچنان در شکم ماهی تا قیامت بحال محبوس میماند (زنده ماندن ماهی و یونس در شکم آن بفرموده خدا ۷- در انجیلها میخوانیم عیسی مردگان را زنده کرد .

۸- خود عیسی پس از آنکه مدتی در قبر ماند برخاست و براه افتاد!

۹- او میگفت تا انقراض عالم خواهم ماند (انجیل متی ۲۸/۲۰)

۱۰- روزنامه اطلاعات می نویسد در ممسنی بچه سه ماهه سخن میگوید.

۱۱- در شماره دیگر از مطبوعات خارجی نقل می کنند که زن ۲۵ ساله

نابینائی از شنیدن فوت شوهر و بچه ، بینائی از سر گرفت (۴۶/۷/۱۰ و

(۵۲/۲/۱۲)

۱۲- روزنامه کیهان بنقل از منابع شوروی می نویسد بچه ۱۴ ماهه تمام حروف رومی شناسد و نشان میدهد و پروفیسور کالینا رئیس بخش اطفال میگوید من چنین اعجوبه‌ای ندیده‌ام!

۱۳- وباز در شماره دیگر مینویسد: در مشهد شتری از کشتار گاه تاصحن مطهر امام رضا علیه السلام آنهمه راه را از میان آنهمه از دحام و سائل نقلیه و انبوه جمعیت، دوان دوان گذشته در برابر پنجره ای که قبر مطهر دیده میشود نشست و اشک ریخت... متولشی دستور داد از صاحبش بخرند و اجازه دهند در مراتع موقوفه، مادام العمر استراحت نماید! (۱۰۱۸۰ و ۲۷/۴/۵۱...)

(این واقعیت، حقیقت پیش رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمدن شتر سالخورده‌ای را که از دست قصاب؛ فرار کرده فواصل زمانی و مکانی زیادیرا گذشته بآن حضرت پناهنده شده بود؛ تجدید مینماید. بقیه را از کتاب محمد و علمی و بنوه الاوصیاء ص ۵۷ مطالعه فرمائید)

۱۴- مجله دانشمند که پرتیراثرترین... است در شماره مسلسل ۱۶۳ بتلخیص از کتابی که منحصراً درباره طبابت مرد بیسوادی از برزیل، که در تمام رشته‌ها علیرغم ممنوعیت نظام پزشکی، اعجاز مینماید، مطالبی مینویسد که بسیار حیرت انگیز می‌باشد!

مثلاً بمحض رؤیت، نوع بیماری و تعداد ضربات قلب و میزان فشار خون را تشخیص و هفتگی ۱۵۰۰ عمل جراحی را با موفقیت ۹۵٪ انجام میدهد و در درمانگاهش از پزشکان متخصص که از آمریکا و اروپا بعضی برای معالجه و برخی برای تحقیق مراجعه می‌کنند موج میزند...!!

حالا این سؤال مطرح است که کسی با دیدن خوابی و خواندن دعائی از

کتاب مقدس باینهمه موفقیت نائل آید ، چه استبعاد دارد ، امام زمان ، آخرین سفیر الهی که خود و پدر و جدش علی علیه السلام را قرآن و تفسیر امام مبین ، و دمن عنده علم الکتاب ، یعنی آشنا با سراسر جهان میخواند ، (۱۲/۳۶ و ۴۳/۱۳) با خواندن دعائی از قرآن که خود ، سرآمد و مهیمن تمام کتب آسمانی است بامر ممتدیکه خدا برایش معین نموده است برسد و از پشت پرده غیبت ، گره از کار دوستارانش بازگشاید ؟

۱۵- از معتمدینی که بچشم و گوش ، دیده و شنیده بودند ، از جمله (حجة الاسلام سید اکرم قرشی کلجاهی مقیم تبریز) تحقیق شد که سردی در اثر دعا و دیدن خوابی ، قرآن را از اول تا آخر حفظاً میخواند. او بدعوت مرحوم آیه الله بر و جردی زعیم وقت شیعه بقم آمد و در مقابل چشمان حیرت زده دریائی از جمعیت که بآنجا سرازیر شده بودند ، از عهده امتحان برآمد

در باز جوئیها معلوم گردید . قبلاً چیزی نمیدانست . تفصیل را از کتاب خدای جهان بخوانید .

۱۶- يك جوان فلج ، سیزده ساله بنام علی رستمی فرزند حسین ، ساکن روستای قره باغ ارومیه که با صندلی چرخدار راه می رفت و پزشکان تبریز و تهران ، از معالجه اش عاجز شده بودند ، روز ۲۸ صفر با توسل بحضرت معصومه قم ، شفا یافت .. همچنین جوان لالی ، زبان گشود (روزنامه اطلاعات ۵۵/۱۱/۳۰ صفحه آخر)

۱۷- در جاده هراز کامیونی در تصادف بکوه ؛ بجاده پائین پرت شده روی اتوبوس افتاد . اما همه سر نشینان ماشین سواره از میان آهن پاره ها جان سالم بدر بردند . (روزنامه کیهان ۵۴/۵/۴)

۱۸- زنی در حال خشم، از گوش شوهر خود که لال بود بشدت کشید،
زبان شوهر باز شد!

۱۹- در لندن، مردی که از ۲ سال پیش کور شده بود؛ از پله‌ها سقوط کرد.
سرش بشدت بزمین برخورد. بینائی از سر گرفت (کیهان ۱۰/۳/۵۳ - ۴)
از جمله اطلاعاتی که آدمیزاد از محیط خود کسب و بخاطر می‌سپارد یکی
هم اینست که بدون کوچکترین خدشهای باور دارد که ماهی اگر از آب در
آید میمیرد.

در صورتیکه توجه ندارد در غالب قوانین خلقت، استثناهائی موجود
است که آنها هم از قوانین دیگر که خارج از علم بشر است تبعیت می‌نمایند که
استثنائی که در زیر گفته می‌شود و نیز استثنای طول عمر بعضی از اولیاء خدا
مثل خضر و عیسی و امام زمان علیهم‌السلام و حتی برخی از دشمنان خدا مانند
ابلیس و ابن صیاد و دجال از آنجمله است.

۲۰- در آبهای سواحل هند و جنوب آسیا و در آبهای افریقا نوعی ماهی
خاردار زندگی میکند که دارای گوشتی لذیذ میباشد. این ماهی از آب خارج
شده با سرعتی حدود ساعتی دو بیست متر در روی خاک راه می‌رود. هلزون و میگو
و حشرات را صید میکند. بعضاً بالای درخت نارگیل و درخت خرما می‌رود و از
شیره و میوه آنها تغذیه مینماید... دانشمندان نظر میدهند که شاید او آلتی در
دستگاه تنفسی دارد که ماهیهای دیگر ندارند! (مجله دانشمند) ۱۷۶

۲۱- هنوز کرامات مرحوم آیه‌الله حسنعای خراسانی مشهور «نخودی»
از خاطر کسانی که با او آشنائی داشتند نرفته است. شخصی از نداشتن اولاد با او
متوسل گردید. او دوعده انجیر داده گفت «زن و شوهر این‌ها را بخورید»
نخوردند و صاحب فرزند شدند..

۲۲- پسر استاندار خراسان مریض شد ، پزشکان ایران و خارجه از
علاجش درماندند . استاندار بمرحوم خراسانی توسل جست و پسرش بهبودی
یافت !

همین استاندار در ایجاد خیابانی که مسیرش قبر یکی از بزرگان اسلام را
در بر میگرفت و تخریب مینمود ، با همان آیه الله مشورت نموده چنان کرد که
خیابان با کمی انحنا از کنار قبر و بدون آسیب زدن بقبر مبارک گذشت ! روزی
با نگرانی بزیارت آیه الله آمده گفت رفیقان ، مراتب را برضا شاه گزارش
داده اند و او بتازگی بافتتاح خیابان خواهد آمد . چه باید کرد ؟

آیه الله فرمود ، او هرگز بمشهد نمی آید !! (چندی نگذشت در شهر یوز
۲۰- ایران باشغال متفقین در آمد و رضا شاه تبعید گردید . ۳ نقل قول از آیه الله سید
محمد علی خوانساری امام جماعت مسجد امام زمان خیابان آزادی تهران) .
۲۳- از مرحوم محمد تقی خوانساری پدر آیه الله خوانساری فوق الذکر

گرامانی نقل میکنند که ما بذکر خیری از او اکتفا نمودیم رحمة الله علیهم
۲۴- پسر بیچای در ۳ سالگی قادر بمطالعه کتاب بود . درشش سالگی بهمراه
پدر بکتابفروشی رفت تا کتاب دل بخواه انتخاب کند . کتابفروش همین که او را
مثل دانشمند بزرگ دید تعظیم واحترام نمود !

از او در نهسالگی پرسیدند « میخواهی پزشک شوی یا منجم ؟ جواب داد
پزشک میشوم تا اقوام خود را معالجه کنم . نمیخواهم از کراتی صحبت کنم که
هزار سال نوری باما فاصله دارند»

(اقتباس از صفحه ۲۰۵ اصول روانشناسی ، از کتب درسی دانشگاه ملی
تألیف دکتر سیروس عظیمی)

۲۵- کسانی که مرحوم شیخ مجتبی قزوینی ؛ یکی از شاگردان آیه الله میرزا

مهدی اصفهانی را دیده‌اند نقل میکنند در اثر تهذیب و تزکیه نفس، بچنان قرب حق رسیده و چنان موزد توجه حضرت ولی عصر عجل فرار گرفته بود که هر دعائی میکرد مستجاب میشد. یسکسی از آشنایان او از رنجوری یسکسی از مسلمانان آگاهی ساخته بود که فلانی در اثر ضعف اعصاب، خواب راحت ندارد. فرموده بود بگوئید بخوابد ... همان لحظه که این فرمایش را کرده بود آن مرد شفا یافته بود ... (نقل قول از آیه‌الله خزعلی عضو شورای نگهبان) ...

دل مرد گی است که آدمی اینهمه معجزه طب و صنعت از قبیل پیوند قلب، بکار گذاشتن چشم در بدن دیگر، شنیدن و دیدن صدا و سیما از آن طرف دنیا، مسافرت بکرات و پیدایش مغز الکترونیک که از اختراعات بشر است به بیند و باور کند ولی در زنده نگاهداشته شدن فردی بازاده خالق بشر که همه داستان از آن خبر داده‌اند، عناد و چون و چرا نماید! ...

(برای استحضار از اینکه چگونه بیولوژیستها در آزمایشگاه خود، عمر جانداران را صدها بار افزایش میدهند، بکتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» و شگفتی در چیست مراجعه فرمائید)

نهایت غفلت یا عناد است که آدمی، انجام یافتن امور عجیبهای را از پزشکان و طبیعت شناسان مجرب بشنود باور کند ولی در زنده ماندن کسی که او بموهبت الهی سر آمد همه دانشمندانست و میتواند در خوردن و نوشیدن، تعادلی را رعایت کند که مدتهای مدید زنده بماند، تردید نماید. (در زبان زیاد روی در خوراک و امور جنسی، همین بس که رئیس یکی از بیمارستانهای آمریکا و نیز یکی از پزشکان روسیه میگویند «اکثریت قریب با اتفاق خلاق، بدست شکم و شهوترانی، قبر خویش را میکنند!») ...

نهایت عناد است که آدمی از تاریخ راستان، بشنود که خلفای ستمگر،

بخاطر اینکه اصلاح طلبان ، گردشمن و وجود ائمه حق جمع نکردند و خودسری و مظلالم حکام را فاش سازند و قیام نکنند ، ائمه را می کشتند و لسی نپذیرد که (بقول امام صادق) اگر امام دوازدهم از چشم دشمنان پنهان نشود او را هم می کشند !

بعلاوه با وجود دیده شدن آنحضرت بچشم شیعیان خاص که کتاب مهدی موعود و نجم ثاقب پاره‌ای از آنها را نقل نموده است ، اگر قرار بر این میشد که او بچشم همه شیعیان درآید ، خود این ظاهر شدن ، باعث میشد که حکام جور بیش از پیش بجان شیعه بیفتند و شکنجه دهند که او را بما هم نشان بدهید : همچنانکه مادرش را دو سال بهمان عناوین ، حبس نمودند ! (گروه دستگاران) حالا پس از آشنائی با مکتب ولایت از دید گاه قرآن ، از آنجا که قرآن شرح و بسط رابعه پیامبر ﷺ محول فرموده است . گوشه‌هایی از احادیث آنحضرت و نیز از آنجا که پیامبر ﷺ تبلیغ رابعه علی علیه السلام بر گزار کرده ، پاره‌ای از سخنان علی علیه السلام و بالاخره سخنانی از ائمه و دستگاران و احیاناً دشمنان آنان را با جمال مطالعه مینمائیم :

قبل از همه شمه‌ای از بشارات انبیاء درباره دوازده امام را از نظر میگذرانیم ... گرچه دست خیانت و تحریف ، کتب آسمانی قبل از اسلام را از اصالت افکنده است باز در خلال آنها مثل پیدا شدن جواهر در گوشه و کنار خزینه ، حقایقی بچشم میخورد که از نظر گوهر شناسان منطبق با صفات ائمه اطهار می باشد . (نقل از کتب عهدین طبع ص ۱۹۴۷)

- ۱- تورات ، پیدایش ۱۷ / ۲۰ خدا با بر اهیم گفت از این پسر تو قومی بزرگ می آورم و از میان آنها دوازده رئیس بر میگزینم .
- ۲- در تورات ، (اشعیا ۵۳ / ۶ در مورد مظلومیت و شهید شدن مرد خدا که

که ذریه اش انتقام او را خواهد گرفت ، صفاتی ذکر شده که حالا خاطره شهادت امام حسین و اخبار متواتر اسلامی را که همین فرزندان آنحضرت ، انتقام جد بزرگوار را خواهد گرفت ، در خاطر ها زنده نگاه میدارد !

۳- منبع فوق فصل ۳۵ . ضمن چندین بشارت از آبادی زمین در ظهور موعود ، میگوید « کوران و کران شفا می یابند لنگان مثل آهنوان جست و خیز میکنند. زبان گنگ ، خواهد سرود ، خداوند انتقام مستضعفین را میگیرد اسیران را آزاد میسازد دوران غم و ناله با آخر میرسد نجان از فعالیت در میمانند» ... توضیح : تحقق این بشارت را بهنگام ظهور ، از حضرت باقر و صادق و کاظم علیهم السلام داریم که فرموده اند ؛ قائم ماعقل بشر را بعد کمال میرساند ، کلیه علوم ۲۷ حرف است . آنچه بشر تا آنوقت دانسته در حرف بیشتر نیست . همینکه قائم ظاهر میشود ۲۵ حرف دیگر یعنی تمام علوم را تکمیل مینماید!

خداوند عقول و علوم شیعه را بعد کمال میرساند . خداوند هر دشواری را بدست از آسان مینماید همه او را در هر جا باشد ، می بینند و کلام او را هر کس بزبان خویش می شنود !!...

سه قرن پیش که مرحوم مجلسی این قبیل اخبار بساورد نکردنی را در بحار نقل مینمود ، خبری از این همه صنایع در میان نبود و این پیشرفت صنایع بشری طلوعه و گواهی اینست که خدای بشر بدست آخرین ولی خود ، پایه علوم را بعد اعجاز خواهد رساند. اقتباس از مجله مکتب اسلام ۴/۵

۴- کتاب صفیانیی از رسالات تورات قسمت اعظم فصل اول بر این محور چرخ میزند که میگوید روز خدا نزدیک است . مرد زور آور بتلخی بر سر شریران فریاد میزند و جهان را اصلاح در میآورد... که قبای این حکومت خدا داد بر قامت کسی جز حضرت حجت استوار نیست . همچنانکه می بینیم فریاد

نائب او امام خمینی مقدمتاً بر جان جهان کفر، چنان لرزه بر انداخته است که اعتراض نائب رئیس مجلس ملی لبنان آیه الله شمس الدین بر حکومت‌های مرتجع منطقه که در تحت پوشش اسلام، عامل اجرای توطئه‌های استعمار گرانند.

و نیز راه پیمائی هزاران ژاپونی آزادیخواه در سالروز بمباران شدن هیروشیما، و همچنین اعتصاب غذا نمودن بابی‌سازندگان در ایرلند شمالی و با شوب کشاندن شهرها بر علیه استعمارگر فرتوت، و اعتصابات سرتاسری لهستان، و بالاخره اعتراضات پی در پی رنگین پوستان آمریکا و اعتصاب ۱۲ هزار کارمند ترافیک هوائی آن و سرانجام، فعالیت گروه‌های آزادیبخش سعودی، بحدی که رژیم مجبور شده بحجاج ایرانی، اولتیماتوم بدهد که اگر کتابی و عکسی از امام خمینی بیاورید یا سخنی بگوئید و تظاهراتی بکنید کتابها اخذ و دست و زبانه‌ها قطع میشود، و نیز جهاد طاعت بر انداز مسلمانان اریتره، فیلیپین، مرو، «صحرا» و همه و همه از عوارض بارز همان بانگ اعتراض نائب‌الامام خمینی میباشد!

۵- تورات، مزمور ۳۷ خداوند بداد تسلی میدهد که از شر پیران ملول مشو، آنها مثل علف سبز بریده خواهند شد. صالحان وارث زمین خواهند گردید.

ابد الابد

۶- مزمور ۷۲. ای خدا انصاف خود را پیادشاه بده و عدالت خویش را بپسر پادشاه. او قوم ترا بعدالت داوری خواهد نمود. فقیران را نجات خواهد داد ظالمان را زبون خواهد ساخت. از تو خواهند ترسید. تا آفتاب و ماه باقی است. او مثل باران، زمین را سیراب خواهد نمود. جمیع امتها او را بندگی خواهند نمود. فراوانی غله باندازه کوهها خواهد بود. (این مشخصات پسر و پدر و پسر تنها منطبق با پیامبر اسلام ﷺ و فرزند و الانبارش مهدی عجلت الله تعالی فرجه میباشد.)

۷- کتاب دانیال نبی ۱۲/۳ در آن روز سخت که از اول عالم نظیر آن دیده

نشده است. بسیاری از آنانکه در خاک خوابیده‌اند بیدار خواهند شد. اما اینان بجهت حیات جاودانی و آنان برای خجالت و حقارت جاودانی.

توضیح: نظیر این پیشگوئی، در کتب اسلامی بخصوص در کتب «رجعت» ذیل آیاتی نظیر یوم نحش من کل امة فوجاً ۲۷/۸۳ بچشم می‌خورد. بدین معنی که در ظهور قائم عجل الله فرجه بمردگان نیکوکار تکلیف میشود که برای یاری بامام زمان میتوانند، حیات خود را بازیابند. همچنین به تبهاران ...

۱- مکاشفه یوحنا فصل دوازدهم میگوید ... زنی که خورشید را در بر و ماه را زیر قدم و تاجی از دوازده ستاره بر سر دارد، از درد زایمان می‌نالد. پسر عظیم الشانی میزاید که همه امتها را بعصای آهنین حکومت خواهد نمود سپس اضافه میکند که ازدهای هفت سر شاخداری برای بلعیدن بیچه می‌آید. ولی فرشتگان او را حفظ مینمایند و چندین حوادث دیگر که کلاً تلخیصش نمودیم ...

اما در بحار الانوار و کتب معتبر اسلامی، شرح حالی برای تولد حضرت بقیة الله بچشم می‌خورد که یادآور همان حوادث عجیب است که رساله مسیحی بکنایه واستعاره از آن، پیشگوئی نموده است.

بدین ترتیب که درد زایمانی شدیدتر از این، چه میتواند تصور شود که حضرت نرجس خاتون در خفقانی وضع حمل میکند که بجز از حلیمه خاتون، عمه حضرت عسکری کسی در آنجا نیست. زیرا خطر قتل در يك قدمی است!! ازدهای هفت سری مثل دربار خلافت خوناشام که بتمام گوش هوش مراقب اوضاع است، در انتظار بودن بیچه میباشد (درص ۲۱۴ و ۲۵۱ اشاره شد).

عصای آهنین کنایه از قدرت حکومت جهانی است که خیاط ازل جامعه آنرا منحصرأ بر سر و قامت امام زمان دوخته است!

حالا گفته میشود، از اولاد آدم، بجز از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه کیست که در آن شرایط متولد شده باشد؟

کیست که اجدادش وجود او را در دوران غیبت بافتاب تشبیه کرده باشند که از پشت ابرها فیوضات خود را بزمین میرساند؟

چه قمری در زیر پا، از این برتر که ریشه نرجس خاتون بیه یسی از اوصیاء عیسی، (از اولاد حضرت داود) میرسد!

چه تاج دوازده ستاره‌ای برتر از اینک که مادرش محبوب دوازده امام و همه صالحان می باشد.

۹- انجیل لوقا ۲۴/۴۸، عیسی گفت موعود پدر یعنی موعود خدا را بر شما میفرستم.

۱۰- نعتل دانشمند بزرگ یهودی محضر پیامبر ﷺ رسیده از توحید و رسالت خود آنحضرت و اوصیاء او سوالاتی نمود و حتی پرسید وصی نخستین و دومین و سومین تو بچه علت ها از دنیا میروند... و چون جوابها و اسم دوازده امام ﷺ را مطابق آنچه از طریق کتب خودشان از موسی ﷺ شنیده بود، درست یافت بشرف اسلام در آمد و گفت.

«موسی بامت خود خبر داده است که در آخر الزمان پیامبری مبعوث میگردد، احمد و محمد نامیده میشود و پس از او پیامبری نیست. دوازده نفر جانشین دارد بعدد اسباط بنی اسرائیل. اولین آنها عموزاده و دامادش علی ﷺ و دوم و سوم آنها دو فرزند علی ع... میباشند.

۱۱- نه وصی دیگر از اولاد امام حسین ع خواهند بود...

پیامبر پرسید دوازده سبط بنی اسرائیل را می شناسی گفت می شناسم، او اسم آنها را بر شمرد و اضافه نمود که لاوی اولین آنها مدتی غائب شد و بعداً ظهور

نموده با قسطی پادشاه وقت جنگید و او را بقتل رساند و دین خدا را قوت بخشید.
رسول اکرم گفت آنچه در اسرائیل رخ داده در این امت هم نظایر آن
وقوع خواهد یافت. فرزند دوازدهم من هم غائب میشود و در زمانی که از اسلام
جزا ستم و از قرآن جز درس باقی نماند، خداوند او را ظاهر میسازد!
او دین را احیاء میکند ...

در این جا نعل اشعاری در نعت چهارده معصوم سروده در بیت آخر آن
گفت «امام منتظر تشنگان عدل را سیراب می کند. هر کس، از اوصیاء تو
اعراض کند. جزایش آتش جهنم است (ینابیع الموده ۴۴۲ و منتخب الاثر ۹۷)
۱۲- انجیل یوحنا ۱۴/۲۸ عیسی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت میروم و بر میگردم. این
بر گشتن مضمون حدیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمود عیسی ظاهر میشود، دجال
را می کشد. پشت سر مهدی نماز میخواند!

۱۳- انجیل متی ۲۵/۳۲ پسر انسان، بر کرسی جلال می نشیند. جمیع
امتها از او فرمان میبرند.

۱۴- انجیل متی، سراسر باب ۲۴ و انجیل مرقس باب ۱۳، سخن حول حوادث
آینده و نشانه های برگشت عیسی چرخ میزند که آنحضرت جواب میدهد. وقت
برگشت را غیر از خدا کسی نمیداند. اما از علائم برگشت، پیدا شدن انبیاء
کذبه است. که حالا می بینیم، پیدا شدن امثال عبدالله مهدی، محمد احمد
سودانی: عبدالله بن میمون و نوه او محمد بن تومرت، مهدی سنوسی، اسحق
سبتی زوی، مهدی طرابلسی، احمد کسروی، عبدالله کیلانی، احمد
قادیانی (درهند)، علیمحمد باب و از شاخه او حسینعلی بهاء، احمد سهرابی،
میسن ریمی آمریکائی، جمشید معانی و جوانه های دیگر میرزا حسینعلی بهاء و
احمد قادیانی و و که با آمدن از جانب استعمارگران و ادعای مهدویت و پیامبری و

حتی ادعای خدائی کردن خویش ، پیشگوئیهای حضرت عیسی ع را جامه تحقق پوشاندند.

(اسم بعضی از این مدعیان کذبہ در مقدمه ابن خلدون ، فصل سوم و بعضی در مهدویت دارمستتر فرانسوی و بقیه در تواریخ اسلامی موجود است)

همچنین از علائم بر کشت و ظهور از زبان حضرت عیسی عليه السلام یکی هم رسیدن اخبار فتنه‌ها و جنگها و قحطیها و زلزله‌ها و بالأخره رو باز دیاد بودن گناه و جمع شدن کرکسان ، بروی جیفه یعنی از دیاد مال پرستان و مصرف بودن تمام همتها بر شکمخوارگی و شهوت ، آزاد شدن قومی و گرفتار شدن قوم دیگر ، در هول و هراس بودن و رو بفرار داشتن یهود و نصاری است که در آن هنگام بناگاه پسرانسان (مصلح جهان) با برگزیدگان خدا (اشاره به ۳۱۳ نفر یاران خاص امام زمان) ظاهر می‌شود که این ظهور همانند وقوع طوفان نوح برای تبهاران ، دردناک خواهد بود...

در رهگذر تأسیس حکومت اسلامی و تداوم آن

پس از استحضار از اینکه رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اولین روز ورود بمدینه، حکومت اسلامی را بنیانگذاری کرد و هر وقت مدینه را ترک مینمود جانشینی میگماشت و در شهرهایی که فتح میشد نماینده‌ای منصوب میکرد، (عتاب بن اسید در مکه و علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه و یمن). حالا برای رسیدن باصل ولایت فقیه، این استحضار لازم است که بدانیم بموازات آیات فراوان ولایت که تا کنون پیاره‌ای از آن‌ها اشاره شد، رسول خدا چه دستورهایی در تأکید بر لزوم حمایت و تقویت حکومت ائمه حق و وابستگان آنها ایراد فرموده است.

آنحضرت بر خلاف روش دیگران که بعضی معتقدند، تنها رهبر لایق، میتواند مرزها را حراست و شهرها را آباد و رعیت را مرفه نگاهدارد و بعضی دیگر اعتقاد دارند تنها قانون کامل ضامن بقای ملك و ملت است، از طرف خدا مأوریت داشت که بگوید «هم قانون آنهم قانون آسمانی و هم مجری و آنهم منصوص و منصوب آسمانی توأمان باید باشند تا سعادت جامعه تأمین شود» (الا له الخلق والأمر ۷/۵۴)

و دلایل این امر نیز بیداهت معلوم میباشد.

بدین معنی که بطوریکه در صفحات بعد پیاره‌ای از مظالم زمامداران خود ساخته اشاره خواهیم نمود.

و همچنان بطوریکه امروزه جزء مسلمات صنعت، برای همه ثابت شده که کارخانه ایکه يك پدیده صنعتی را صادر میکند، بیش از دیگران بخصوصیات آن آشنا بوده طرز کاربرد آنرا در کتابچه‌ای گوشزد مینماید،

خدا هم که خالق بشر است، انسان ناشناخته را چنانکه باید شناخته،

قانون مدنی او را که قرآن نامیده میشود، خود صادر فرموده اشخاص صلاحیتداری را که خود آنها را شناخته است و بالأخره فقهای واجد شرائطی را که باید از طرف همان برگزیدگان، انتخاب شوند، مأمور اجرای قانون نموده است! و حالا برای اینکه بدانیم پیامبر اسلام چه سفارشهایی درباره حکومت ائمه نموده است، پاره‌ای از گفتار حضرتش را مطالعه مینمائیم

بقول مسعودی صاحب اثبات الوصیه، پیامبر بیکه از ۷۳ بخش اسم اعظم، ۷۲ بخش آن باو و هدیچنان بعلی اعطا شده و بعد از او، هم بقریب بحسن و حسین و فرزندان معصوم او علیهم السلام منتقل گردیده است، چه لزوم داشت که همواره ب فکر آنها بوده مودت و همراهی با آنها را سفارش فرماید، جز اینکه از قرآن بیاد داشته باشیم که خدا پیامبر ﷺ میگوید بگو آنچه از مودت اهل بیت بعنوان اجر رسالت از شما خواستم آنهم محض سعادت شما بود (۳۴/۴۷) ... ائمه ایکه سوره هل اتی درباره احسان و ایثار آنها نازل شده (الغدير ج ۳ ص ۱۱۱) نخستین فرد آنان امام علی عليه السلام، بهنگام طواف کعبه، مسکینی را می بیند و بمدینه دعوت میکند و ملک خویش میفرشد و او را غنی مینماید، کسیکه بنوشته سیره ابن هشام دوازده نفر از کافران خوناشام احد، بدست او از پای در آمده اند ...

یا علی و حسین پدر و پسر بیکه قولاً و عملاً میگویند پروردگارا اگر تمایلی برای بدست گرفتن زمام امور داریم آنهم برای اقامه دین تو و برای رفع ظلم از ستمدیدگان است، چه حاجت بسفارش خدا و رسول داشتند و همچنین ائمه دیگر چه حاجت بتوصیه داشتند!؟

جز اینکه بدانیم پیامبر ص رحمت، کسیکه از تجسم رنج آینه امت، دل پر خون دارد از طرف خدا مأموریت یافته بود برای تأمین وابدیت سعادت امت

در هر فرصتی امامت و رهبری خاندان خویش را که ولایت فقیه از آنجا سرچشمه
میگیرد، بمردم گوشزد فرماید^۱

۱- آنانکه در مقابل اینهمه سفارشهای پیامبر ﷺ، ائمه حق را تنها
گذاشتند و بنی خالد بن ولیدها چسبیدند که او مسلمانانی بنام مالک بن نویره را بخاطر
علاقه‌ایکه بزین او داشت، بیهانه قصور در پرداخت زکوة کشت و بدون رعایت
«عدم» همان شب با او همبستر شد. در پیشگاه عدل الهی چه جوابی خواهند
داشت؟

همچنانکه حالا در حکومت اسلامی، کسانی که بفکر تنها گذاشتن امام
امت، و بقدرت رساندن مسعود رجوی عامل استعمار، فعالیت مینمایند و یاران
امام را ترور میکنند (بهشتی‌ها و ملا صالح خسروی و بچه خردسال او از برادران
اهل سنت سنندج رحمة الله علیهم) و و چه جوابی خواهند داشت؟!

و حالانیز بازماندگان خالدها هستند که بتوشته روزنامه رویتر و مطبوعات،
از بیت المال مسلمین یکصد تانک میخرند و بیاری صدام حسین می‌فرستند
تا بپیش از پیش مسلمانان جمهوری اسلامی را قتل و غارت کند! ...

و نیز بازماندگان آنها هستند که معادن «صحرا» را از دست مسلمانان
ببازماندگان آورده در اختیار استعمارگران می‌گذرانند تا تحت حمایت آنها
سلطنت کنند و و و

نمونه هائی از سفارشهای پیامبر و امامان

از جمله احادیث متواتری که میان شیعه و سنی مشهور میباشد حدیث ثقلین است که رسول خدا ﷺ فرمود من میان شما دو امانت بزرگ بجا میگذارم که عبارتند از کتاب خدا و اهل بیت من.

آنها هرگز از یکدیگر جدا نمیشوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بمن ملحق شوند. هر که بآن دو تمسک جوید نجات یافته است و هر که از آنها دوری گزیند ، بتحقیق هلاک شده است ...

کتاب شبهای پبشاور صفحه ۲۲۵ ط ۱۲ بیش از ۳۰ کتاب از اهل سنت با شماره صفحه برمی شمرد که این حدیث را با مختصر اختلاف لفظی و غالباً بقید تواتر نقل نموده اند .

حال از دیدگاه عقل دور از تعصب ، معنی حدیث اینست که پیامبر خدا قانون نامه ای را با مجری آن معرفی و تودیع نموده است در این حدیث علاوه از پیشگوئی پیامبر ﷺ که میفرماید دعوی همیشه با قرآن و قرآن با علی علیه السلام خواهد بود ، يك معنای دیگر نیز موجود است و آن اینکه این قانون را تنها این شخص باید اجرا کند و شما هم تا وقتی که بآن دو توأمان ، چنگ زدید گمراه نخواهید بود !

رسول خدا ﷺ از چهارده قرن پیش با نظایر این حدیث شریف دست رد بر سینه شاه معدوم و بنی صدر مخلوع که در آرزوی جدائی دین از سیاست جان داده و میدهند زده است .

و بالنتیجه بر طبق احادیثی که راجع به نیابت فقهای جامع الشرائط از امام زمان موجود است که بآنها هم اشاره خواهد شد ، در زمان غیبت ، فقیه

است که بقائم مقامی از علی و ائمه اطهار علیهم السلام مجری قرآن میباشد.

۲- پیامبر خدا ﷺ فرمود یا علی خدا ترا زینت و مزینتی داده است که هیچکس را نداده است ... حب دنیا را از قلب تو زدوده است بنحوی که جاه و مال لحظه‌ای از اوقات ترا اشغال نمینماید.

دوستی فقرا و طبقه زحمتکش را چنان در قلب تو جایگزین کرده است که آنها با امامت و رهبری تو خوشنود و توبه تشیع آنها راضی میشی (کفایت الطالب وحلیة الاولیاء و علی و السنه صفحه ۲۱)

۳- رسول اکرم خطاب بمسلمانان فرمود خداوند فرمائید مرا بر شما واجب و نافرمانی را حرام نموده است بعد از من اطاعت از علی را واجب و مخالفت او را منع فرموده است. او وصی و وارث من است.

او، از من و من از اویم. حب او ایمان و بغض او کفر است. دوستار او دوستار من و دشمن او دشمن من است او سرپرست کسی است که من سرپرست اویم ... من و علی پدر این امت میشیم (مناقب و مناقب الموده ص ۱۲۳)

۴- عمار یاسر نقل میکند که پیامبر بمن فرمود یا عمار اگر همه مردم براهی رفتند، علی براهی رفت، تو راهی را که علی رفته در پیش گیر و بقیه را رها کن. ای عمار علی ترا از راه هدایت برنگرداند و ترا دلالت بر هلاکت و گمراهی نماید. ای عمار اطاعت علی اطاعت من و اطاعت من اطاعت خداست گروه دستگاران ج ۲ ص ۸۶۱

۵- احمد حنبل رئیس فرقه حنبلی در مسند خود از پیامبر ﷺ روایت میکند که فرمود یا علی سوگند بخدائی که جانم در اختیار اوست اگر بیم این نبود که طایفه‌ای در حق تو همان گویند که نصاری در حق عیسی ع گفتند (خدایش

خواندند) در حق تو کلماتی میگفتم که از پیش جمعیتی نمیگذشتی ، جز اینکه خاك زیر پایت را بعنوان تبرك اخذ میکردند (ینابیع الموده ص ۱۳۱ و شرح نهج البلاغه حدید ج ۵ ص ۴)

۶- رسول خدا ﷺ خطاب بمردم ثقیف و ولیعہ فرمود «متنبه می شوید و ایمان می آورید یا کسیرا مأمور جهاد با شما کنم که او نفس من و مثل من میباشد . امر مرا اجرا میکند جنگاوران را می کشد ... (مسند احمد و استیعاب ج ۳ شرح نهج حدیدی)

۷- پیامبر ﷺ فرمود در شب معراج در میان پیامبران بودم که از طرف خدا وحی رسید که از اینها پرس که بچه چیز مبعوث شدند ؟ .. انبیاء همگان جواب دادند باینکه خدائی جز خدای واحد نیست و اقرار به نبوت تو و قبول ولایت علی بن ابیطالب . از کتب سنی حلیة الاولیاء و کفایة الطالب بنقل علی والسنة ص ۲۸

۸- ینابیع الموده از ابن عباس نقل میکند که پیامبر فرمود « همینکه در برابر خدا قرار گرفتم و خدا مرا مخاطب ساخت و آموزش داد ، چیزی نیاموختم جز اینکه آنرا بعلی هم آموزش دادم و او باب علم من است !

۹- مسلم در صحیح خود که دومین کتاب معتبر برادران اهل سنت میباشد بنقل از عایشه ، در حدیث مفصلی مینویسد رسول اکرم ص علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام را زیر عبائی جمع کرد و آیه تطهیر را تلاوت فرمود (۳۳/۳۳) . آنگاه گفت خداوند از ما اهل بیت ، پلیدی ظاهری و باطنی را برداشته است .

۱۰- همین دانشمند از قول زید بن ارقم نقل نموده که روزی رسول خدا دستور داد درب خانه های اصحاب را که بمسجد باز میشد ، بستند جز درب علی . چون سبب این کار پرسیده شد جواب داد در این کار مجری فرمان خدا بودم

(ینابیع الموده ص ۸۷ و ۱۰۷)

۱۱- منافقی چند در حضور رسول خدا ﷺ زبان به غیبت و اعتراض از علی علیه السلام گشودند. رسول خدا فرمود مقصودتان چیست؟ علی از من است و من از اویم و او بعد از من رهبر و سرپرست شماست (کنزالعمال و مقام امیر المؤمنین از نظر خلفای راشدین)

۱۲- ... من سید انبیاء و علی سید اوصیاست . من خاتم انبیاء و علی خاتم اوصیاء است ینابیع ص ۱۷۵ و ۴۴۵

۱۳- به پیامبر خیر آوردند که لشکری جرار از وادی الرمل برای قتل و غارت بجانب مدینه در حرکت است . حضرت نخست «اولی و بعد دومی» و سپس عمرو بن عاص را در رأس لشکر اسلام به مقابله فرستاد ولی هر يك از آنها مرعوب یا شکست خورده برگشت. در این موقع که فضای مدینه را ابری از غم و نگرانی فرا گرفته بود ، رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام را مأمور دفع آنها نمود. علی ع با تاکتیکی که مخصوص خود او بود لشکر را از پای در آورده باز گشت پیامبر ص با استقبال رفت و جمله تاریخی تشبیه علی بسه عیسی علیهم السلام را تکرار فرمود (فروغ ابدیت ص ۷۰۲)

۱۴- پیامبر فرمود «این علی، امیر المؤمنین و رئیس المسلمین و گنجینه علم من و دروازه ایست که از آن بسوی علم من وارد میشوند (مقدمه نهج البلاغه انگلیسی)

۱۵- در مسافرتها علی علیه السلام مواظب تعمیر کفشهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تمطیف لباسهای آنحضرت میشد.

روزی دو پیشتاز مشهور نزد پیامبر آمده درخواست نمودند جانشین خود را معرفی کند آنحضرت تذکر داد که مبادا از دور خلیفه من متفرق شوید ، همچنانکه بنی اسرائیل در غیاب موسی علیه السلام از گرد هارون متفرق شدند و رسید

با آنها از ذلت و پراکندگی آنچه رسید ... پس از رفتن آنها دختر یکی از آنها سؤال نمود که یا رسول الله جانشین شما کیست؟ فرمود کسیکه زیر آن درخت کفشها را وصله میزند (حلیة الاولیاء، استیعاب، تاریخ ابن عساکر و روایت عایشه و ام السالمه، الغدیر جلد ۲ ص ۳۱۹ (هارون در ص ۱۱۲ گذشت)

۱۶- کتب معتبر اهل سنت نقل میکنند روزی علی و ابوبکر رو بروی هم در آمدند. ابوبکر تبسم کنان در روی علی می نگریست. از سبب تبسم پرسیده شد. جواب داد از پیامبر شنیدم «کسی نمیتواند از پل صراط بگذرد جز اینکه جواز عبور از علی در دست داشته باشد» الغدیر ج ۲ ص ۳۲۳

۱۷- عایشه و ابوهریره و کسان دیگر از پیامبر نقل نموده اند که «نظر کردن بر روی علی عبادتست (فضائل خمه ج ۲ ص ۱۱۴)

۱۸- پیامبر ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود «جز نبوت که با من ختم میشود تو شریک مسئولیت من میباشی. بعد از من بارسنگین تبلیغ بردوش تو خواهد بود. تو وزیر این مهم خواهی بود ... آینده پر مسئولیتی بعهده تست (پاسداران وحی ص ۱۰۱)

۱۹- عمر از رسول خدا روایت کرد که شنیدم آنحضرت در باره ایمان علی علیه السلام میفرمود «اگر هفت طبقه آسمانها و زمین، در کفه ترازویی و ایمان علی در کفه دیگر ترازو گذاشته شود محققاً ایمان علی سنگینتر خواهد آمد» (فضائل خمه ج ۱ ص ۱۹۱ بنقل از بزرگان اهل سنت)

۲۰- (گروه رستگاران جلد ۲ ص ۱۳) بر روایت ازدهها نویسنده بزرگ اهل سنت، باقید نام کتاب و شماره صفحه درباره اعتراف عمر باینکه اگر علی نبود من هلاک میشدم یا دعای او برای علی که همینکه در مسائل علمی و سیاسی در میماند و علی بدادش میرسید، میگفت «ای علی، خدا یکر روز مرا بدون تو و

بعد از تو باقی نگذارد»، شواهد مهم نقل نموده است .

۲۱- ابن ابی الحدید در شرح نهج تحشیه محمد ابوالفضل جلد ۱۹ ص ۶۲
بیعد میگوید همینکه علی بمقابله عمرو بن عبود، رفت رسول اکرم گفت «حالا
تمام ایمان با تمام کفر رو بر و شده است». و چون علی ع را از پای
در آورد و کفار منهزم شدند پیامبر ص فرمود دوره نهاجم مشرکین تمام شد
از این بیعد حمله با ما است ... ابوبکر و عمر از دیدن دلآوری علی ع برخاسته
روی علی ع و پیامبر ص را بوسه زدند !

۲۲- در جنگ احد جبرئیل از دیدن جانفشانی علی ع گفت یا رسول الله،
علی چه مسادات میکند؟! جوابداد آری او از من است و من از اویم جبرئیل
گفت منم از شما هستم (شرح ابن ابی الحدید ج ۱۰ ص ۱۸۲)

۲۳- فضائل خمه جلد ۲ ص ۲۵۲ بنقل از بزرگان اهل سنت از رسول اکرم
نقل میکند که بعلی فرمود «توئی که بعد از من بیان کننده حق و دفع کننده
اختلافات امت میباشی»

۲۴- انس خدمتگزار رسول اکرم ص نقل می کند پیامبر بمن فرمود «حالا
هر که از این درب وارد شود او رئیس مسلمین، سرور سفید رویان (سرافرازان)
و آخر اوصیاء میباشد» ص ۱۵۳/۲ م ف... در این اثنا علی وارد شد. پیامبر
برخواست و معانقه نمود... گفت توئی که کارهای مرا انجام میدهی... و ندای مرا
بمردم میرسانی. منبع فوق. (مکتب علی ع شخصیتهای بزرگی مثل حجج اسلام
اسدآبادی، منتظری، اکبر رفسنجانی، چمران و امام خمینی تربیت نمود که
در خارج از ایران، ندای اسلام را با قضا نقاط جهان رسانند.)

۲۵- پیامبر ص ضمن اشاره بخاتمیت خود که دیگر نبوت به علی داده
نمیشود، بعلی ع گفت تو بهفت خصلت با مردم مواجه میکنی که کسی از قریش

بداشتن صفات مزبور نمیتواند با تو برابری و زبان آوری کند. تو اول کسی هستی که بخدا ایمان آوردی - وفادارترین مردم بعهد خدا هستی - باستقامتترین مردم در امر خدا - در بقساوی تقسیم نمودن بیت المال از همه برتری - عادلترین مردم برای رعیت - بیناترین مردم در قضایا - بزرگترین بندگان از نظر مزیت در درگاه خدا ... (فضائل الخمسه من الصحاح السته)

۲۶- پیامبر به بریده فرمود هر که از علی کناره گیری کند از من کناره گیری کرده است. همچنانکه من مولی و سرپرست مؤمنین هستم، علی هم مولی و سرپرست مؤمنین است. فضائل خمسه جلد اول ص ۳۵۴

۲۷- رسول خدا، مثل پدرمهر بانی که از گول خوردن فرزند خود بیمناک باشد و بدان اصل، او را بنیازار ببرد و طاقه شالی را که تنها رنگ و ظاهر آن توجه طفل را جلب نموده است، کاملاً بطفل نشان دهد. گاه تمام شال را رو بر و شنائی بگیرد و نقاط ضعف و مورد خورده آنرا ارائه نماید، گاه نخعی از آن بدر آورده بیتابی آنرا برای فرزند ثابت کند، مدعیان کذب و دشمنان ولایت و امت را به مردم، نشان میداد.

تاریخ پر است از اینکه پیامبر ص نشان داد فیلان و فلان و عمر و و زید فقاهت، شجاعت و لیاقت زمامداری ندارند. نشان داد که معاویه چگونه وابسته شکم و آژمند ریاست و شهوت است. اعلام نمود که اگر معاویه و عمر و عاص را در يك جا دیدید آن هر دو را بکشید ... گوشزد کرد که وای بر روزی از امت که سی نفر اموی اجتماع کرده باشند! (گردانندگان دستگاہ)

گفتنی است که بعضی ها گمان میکنند تنها شیعه است که از راه گرایش بائمه اطهار علیهم السلام از برادران اهل سنت جدا مانده اند. در صورتیکه اگر توجه فرمایند، شیاطین انسان نما بحدی در میان خود اهل سنت (وفقههم الله لما یحب ویرضی)

تفاق افکنده که حتی در آن مورد، کتابهایی بنام «اختلاف» نوشته‌اند. از جمله اینکه شافعی درباره ابوحنیفه میگوید ۱۳۰ ورق برخلاف قرآن و سنت نوشته است. همچنین مالک رئیس فرقه مالکی درباره فرقه‌های دیگر چیزها گفته که در اینجا از طرح آنها خودداری میشود.

از رویی که مسئله رهبری از محور اصلی خارج شده است هر يك از فرقه‌ها بشعبات و فرقی گوناگون منقسم شده است که احیاناً نشانه خون یکدیگر میشوند... معتزله که فرقه کوچکی از آنهاست، خود به بیش از ۲۰ فرقه تجزیه شده است گروه رستگاران و توضیح الاسماء ص ۷۱

۲۸- پیام برص پس از جریان غدیر خم که در صفحه ۱۵۳/۲ گذشت با صاحب میفرمود علی را بعنوان امیر المؤمنین خطاب و سلام کنید (ارشاد مفید ص ۲۲ و اثبات الهداة ص ۶۵۹ و ۶۶۳ و مناقب ابن مردویه بنقل از علی و السنه ص ۶۳. از زبان شیخین)

۲۹- انس نقل میکند که در خدمت رسول خدا بودم مرغ بریانی در پیش داشت، گفت خدایا محبوبترین بندگان در گاهت را برسان تا بامن تناول کند در این اثنا علی عليه السلام وارد و هم‌غذا شد! ذخائر عقبی ص ۶۲ باختصار

۳۰- روزی ابوبکر را با آیاتی از سوره بقره که متضمن غضب خدا و رسول بر کفار بود بسوی مکه فرستاد تا در جمع بت پرستان قسرائت کند. او در نیمه راه بود که علی با او رسید و گفت ما، و ریت دارم که آیات را بگیرم و برسانم.. ابوبکر بر گشته از علت عزل خود، جویا گردید. رسول اکرم فرمود جبرئیل آمد و گفت «حق ترا بجز از خود تو یا مردی از خود تو ادا نمیکند» بدنیال این جریان در تاریخ آمده است که هنگامی که علی آیات را تلاوت نمود، کفار مخصوصاً آنان که کسانشان در دست علی کشته شده بودند

بطرف آنحضرت هجوم آوردند ولی از دیدن ابهت و سطوت او، مثل چوب خشک بر جای ماندند (الغدیر جلد ۳ ص ۲۴۴ و جلد ۶ ص ۳۳۸ بتفصیل از کتب معتبر اهل سنت)

۳۱- رسول اکرم صلی الله علیه و آله در قبال عهد شکنی‌های یهود خیبر، ناگزیر شد آنجا را پاکسازی نماید. پس از دو سه هفته تأخیر که پیشگامان ریاست طلب می‌رفتند و از دیدن هیبت مرحب روی بفرار می‌نهادند روزی فرمود فردا پرچم را بدست کسی میدهم که او، خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست میدارند او جنگاور غیر فرار است ... فردا علی راپیش خواند... چشمانش را که درد میکرد باعجاز شفا داده مأمور فتح خیبر نمود.

علی مرحب را از پای درآورد. درب خیبر را از جای کنده مسلمانان را از روی آن وارد قلعه نموده فاتحانه برگشت (ذخائر عقبی ۷۲ و سایر کتب معتبر اهل سنت ده)

۳۲- در نزول آیه کَلْ شِئْیَ احْصِیْنَاهُ فِیْ اِمَامِ مَبِیْنٍ. اصحاب پرسیدند امام مبین تورات است؟ انجیل یا قرآنست؟ رسول خدا جواب دادنه در این موقع علی از در وارد شد. پیامبر فرمود امام مبین علی است که خدا او را با علم همه چیز آشنا کرده است. ینابیع الموده ص ۷۷.

۳۳- پیامبر فرمود حکمت ده بخش است نه بخش آن بعلی و یک بخش دیگر میان عموم تقسیم شده است ... الغدیر

توضیح اینکه لزوم علم لدنی داشتن پیشوا را قرآن، امضا مینماید. آنجا که برای طرد ریاست طلبان میفرماید «ما بسلیمان تفهیم نمودیم...» یا در آیه دیگر میفرماید «کسیکه بدون استفاده از دیگری هدایت میکند، سزاوار است که پیشوا شود؟ یا کسیکه باید هدایت شود تا هدایت کند؟ ۲۱/۷۹ و ۱۰/۳۵

۳۴- رسول خدا فرمود هر که مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر که بمن عصیان ورزد بن خدا عصیان ورزیده . هر که بعلی اطاعت کند بمن اطاعت نموده و هر که فرمان او را رد کند، فرمان مرا اردنموده است (الغدیر ج ۱۰ ص ۲۷۸)

۳۵- پیامبر فرمود خدا علی را بمن سفارش فرمود و گفت او پرچم هدایت و نور ایمان و پیشوای دوستان و نور جمیع فرمانبرداران من میباشد. منبع فوق

۳۶- یا علی ترا دوست ندارد مگر مؤمن و دشمن ندارد مگر منافق ...

اصحاب رسول ص اجماع دارند که منافق را از دشمنی کردنش با علی می شناختیم^۱

۳۷- پیامبر فرمود زود باشد که بعد از من قومی با علی بجنگ بر میخیزند. مردم باید در راه خدا با آنان جهاد کنند - اگر جهاد با دست ممکن نشد ، با زبان و اگر آنهم نشد بقلب ...!

۳۸- یا علی بروز قیامت ، تو و شیعیان تو از خدا راضی هستید... دشمنانت در آن روز خوار و خشمنا کند ...

۳۹- پیامبر فرمود : هر کس میخواهد حیات و مماتش همانند زندگی و مرگ من باشد و در بهشت عدنی سکونت نماید که درختانش با من خدایم ، نشانده شده است، بعد از من ، علی و اولیاء او را بولایت بپذیرد و از ائمه بعد از من پیروی نماید. پس بدرستی که آنان اهل بیت منند . و از طینت من خلاق شده اند. بآنها فهم و دانش اعطا شده است .

بدا بحال کسانی از امت من که ایشان را تکذیب نمایند . کسانی که با قطع رابطه با آنها ، صله رحم مرا مراعات نکنند ... خدا شفاعت مرا شامل آنها نمی نماید .

۱- چهل حدیث در فضیلت علی را از الغدیر جلد ۱۰ ص ۲۷۷ مطالعه فرمائید

۴۰- پیامبر گرامی پس از جنگ حنین و نزول سوره اذا جاء نصر الله و الفتح بسیار تسبیح میگفت و استغفار مینمود ... بعلی ع فرمود آنچه خدا در باره فتح و ورود مردم در دین وعده فرموده بود ، بجای آورد و مردم گروه گروه بشفای اسلام نائل میشوند .

بتحقیق هیچکس لیاقت رسیدن بمقام مرا جز تو ندارد بسبب اینکه در قبول اسلام بهمه تقدم داری . نزدیکترین کسان بمن و عموزاده و داماد من هستی فاطمه سیده زنان جهان همسر تست . قبل از این نیز پدرت ابوطالب از نزول قرآن تا دم مرگ متحمل بلای دین گردید . . من علاقمندم فداکاریهای او را در باره فرزندش مراعات نمایم!.. شرح نهج حدیدی ج ۹ ص ۱۷۰ و ۱۷۴

۴۱- رسول خدا فرمود «علی قاضیترین امت من میباشد» بزرگان اهل سنت (ره) از جمله عمر بن خطاب این حدیث را نقل نموده اند. ذخائر عقبی ص ۸۳

۴۲- امام رضا از پیامبر نقل میکنند که خداوند میفرماید «ولایت علی بن ابیطالب قلعه من است ، هر کس باندرون در آید ، از عذاب من ایمن شده است. امالی شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۳۵

۴۳- حدیثی از رسول خدا نقل میکنند که فرمود «اگر علی را بخلافت بپذیرید که گمان نمیکنم چنین کنید !! او را رهبری با بصیرت خواهید یافت که شما را براه راست رهبری خواهد نمود. (شیعه در اسلام علامه طباطبائی ص ۱۱۷ از منابع اهل سنت)

پیامبر ص با آگاهی بآینده دو نوه خویش و اولاد آنها و روابط امت با ایشان. از طرف خدا مأموریت داشت، مقام آنها و وسیله نجات و سعادت بودنشان را بطریق گوناگون نشان دهد. روزی میگفت حسن و حسین سرور جوانان بهشتند. روزی میگفت آنها بهترین خلائقند و پدر و مادرشان از آنها برتر.

گاه میفرمود این دو پسرانم پیشوایانند . قیام کنند یا بنشینند !
 گاه دیده میشد که حسین علیهما السلام را بیشت خود سوار کرده و در
 جواب کسیکه بآنها گفت چه مر کب خوبی دارید ؟!

فوراً فرمود «بلکه من چه سواران خوبی دارم!» (الغدیر جلد ۲ ص ۲۶۴)
 با نگرشی با حدیثی که رسول خدا بسائر ائمه اطهار و اسماء شریف آنها
 اشاره فرمود، است؛ میتوان دریافت که آنحضرت رسالت داشته است مردم را
 زیر پرچم حسین و بعد از حسین، زیر پرچم نه فرزند او گرد آورد.

۱- مرحوم علامه امینی در جلد دوم الغدیر ص ۳۰۱ از چند نفر محدث و
 نویسنده بزرگ اهل سنت رحمه الله علیهم نقل میکند که پیامبر فرمود «مثل
 خاندان من در میان شما مثل کشتی نوح میباشد. هر که سوار آن شد نجات یافت
 و هر که از آن دور شد، غرق گشت.»

توضیح اینکه با احادیث متواتری که امثال «من الفقهاء من کان صائناً...
 و اما الحوادث الواقعة...» راجع با استمرار امامت بودن ولایت فقیه، در زمان
 غیبت، زینت بخش کتب اسلامی میباشد، کوچکترین تردیدی باقی نمی ماند
 که اطاعت از حکومت فقیه جامع شرایط، وسیله نجات و دوری از او موجب
 گرفتاری میباشد. و حالا کسانی که در جمهوری اسلامی (تاسا رضیان مجلس
 اول و خلقی های محارب و ملی گرایان خودباخته) سعی می کنند دست امت را
 از دامن امام قطع کنند، در حقیقت خطرناکترین دشمنانند که میخواهند مردم
 را بطرف ذلتی بکشانند که پیامبر از آن بر حذر داشته است

۲- جابر بن سهره از پیامبر نقل میکند که فرمود این دین تا قیامت پایدار

خواهد بود و درازده خلیفه بر امت من ، امامت خواهند نمود (صلح امام حسن
تألیف آل یس ترجمه حجة الاسلام علی خامنه‌ای)

۳- رسول خدا فرمود هر که بنخواهد زندگانی او شبیه زندگانی انبیاء
و مرگش شبیه مرگ شهدا باشد و بی‌هستی راه یابد که خداوند اشجار آنرا با
دست قدرت خویش نشانده است ، باید بولایت علی و ولایت ائمه بعد از او کردن
نهد که آنها خاندان من هستند و از تربت من آفریده شده‌اند (اصول کافی ج ۱
ص ۳۹۹)

۴- رسول اکرم فرمود کسی با قدمهای استوار از صراط میگذرد که در
دنیا در حب اهل بیت و اصحاب من ثابت قدم باشد. خوارزمی و بعضی از برادران
اهل سنت . پیرامون این حدیث آورده‌اند: دو گونه صراط موجود است یکی
دنیوی و دیگری اخروی . صراط دنیوی علی ابیطالب و صراط اخروی پلی است
که بر روی جهنم زده میشود. هر کس صراط دنیا را بشناسد (حقیق بجای آورد)
از صراط آخرت میگذرد!

۵- شیخ سلیمان حنفی رحمه الله علیه در ینابیع الموده ص ۴۴۰ بنقل از
منابع موثق حدیث مفصلی از رسول اکرم آورده است که در بخشی از آن
می‌فرماید :

یا علی تو سرپرست هر مؤمن و مؤمنه هستی - من در نزول قرآن جهاد
نمودم . تو در تبلیغ و تأویل آن جهاد مینمائی - تو برای من بمنزله هارون هستی
از موسی (جز نبوت) توئی که ریسمان محکم خداوندی هستی - توئی که بعد از
من هر چه را که برای مردم مشتبه شود توضیح میدهی - توئی که سنت مرا اخذ
و محفوظ نگاه میداری - توئی که بدعتها را از دین من بر طرف میکنی - اول
کسانی که وارد بهشت می‌شوند من و تو و فاطمه و حسن و حسین میباشیم. یا علی

از کینه مردم بر حذر باش که بعد از من آشکار خواهند نمود. آنها کسانی هستند که خدا و هر لعنت کننده‌ای بر آنان لعنت میکنند.

۶- رسول اکرم ص برای رها کردن امت از گمراهی و بی‌اتکلیفی تمثیلی زد و فرمود:

خدا مرا بمنزله خورشید و علی را بمنزله ماه، حسن و حسین را بمنزله دو ستاره فرقدان و فقه امام دیگر را نسلاً بعد نسل بمنزله ستارگان قرار داد که با غروب نمودن یکی، آن دیگری محیط را نور باران مینماید (فضائل خمسه جلد ۲ ص ۵۳)

۷- پیامبر ص فرمود برای هر پیغامبری معجزه‌ایست... این علی معجزه‌ایست که خدا بمن اعطا فرموده است. ائمه طاهرین از نسل او هستند که آیات خدا در زمین می‌باشند. (ینابیع الموده ص ۲۵۹)

۸- پیامبر خدا ضمن حدیث مفصلی، بعد از آنکه اخلاق و خون علی را اخلاق و خون خود و سینه او را صندوق علم خویش و گردن نهادن بحکومت علی و اهل بیت را وسیله نجات میخواند، اضافه میکند که هیچ عبادتی بدون قبول ولایت ائمه مقبول نیست و آدمی را از آتش نجات نمیدهد... الغدیر ج ۱۰ ص ۹. هر که بعیرد و امام زمان خویش را نشناسد (یعنی در اطاعت معصوم نباشد) مرده او مرده جاهلیت است (ینابیع الموده ۵۲۴ و گروه دستگاران ج ۲ ص ۲۸۱. روی زمین هر گز از حجت خدا خالی نمیماند (اثبات الهداة ص ۲۱۵)

۱۰- سلمان فادسی نقل میکند در محضر رسول خدا بودیم. امام حسین روی زانوی آنحضرت بود. در این وقت پیامبر ص در روی امام حسین نگرید و گفت تو یا ابا عبد الله سیدی از سادات و امامی از امامان و پدر فقه امام هستی که نه من آنها قائمشان میباشم. منتخب الاثر ص ۹۶

۱۱- صاحب کشف الیقین از مسند احمد بن حنبل آورده که پیامبر فرمود
فرزندم حسین، امام و برادر امام و پدر نه امام است که نهمین آنان قائمشان
میباشد (منبع فوق)

۱۲- گذشته از عالم شیعه که کتب آنها مشحون بنام دوازده امام می باشد.
بسیاری از نویسندگان عامه نیز دوازده نفر بودن ائمه و اسم آنها را در کتب
خود نقل نموده اند. امثال ینابیع الموده، فتوحات مکیه، یوافت و جواهر و
نور الابصار و...

شیخ طوسی در غیبت خود در حدیث مفصلی نقل میکند جبرئیل صحیفه‌ای
محتوی دوازده انگشتی از طلا بر سولا کرم آورده ضمن ابلاغ سلام از خداوند
گفت صحیفه را بمنتهج اهل بیت می سپاری. او انگشتی اول را از آن جدا
نموده مطابق نقش آن عمل مینماید. آنگاه صحیفه را بوسی خود میدهد. او
هم مطابق نقش انگشتی دوم عمل میکند آنگاه بوسی خود می دهد. او نیز
انگشتی سوم را از صحیفه گرفته طبق نقش آن رفتار میکند. او هم در آخر عمر،
به یگانه فرزند خود علی سجاده میدهد، علی انگشتی چهارم را در آورده مطابق
نقش آن عمل مینماید بدین ترتیب تا بوسی دوازدهم میرسد (منتخب الاثر ص ۴۲ و ۲۱۰)

۱۳- رسول کرم صلی الله علیه و آله بعلی فرمود من جهت مؤمنین از خودشان اولی
بتصرف میباشم. تو نیز برای آنها اولی بتصرف هستی. بعد از تو حسن اولی
بتصرف و بعد از او حسین اولی بتصرف است. بدین ترتیب بقیه ائمه علیهم السلام
را بنام علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد با قید
اولی بتصرف بودن فرد فرد آنها نامبرده در پایان اضافه نمود که اینان پیشوایان
ابرار هستند. آنها باحق و حق با ایشان میباشد. (منتخب الاثر بنقل از کفایت الاثر)
۱۴- رسول کرم در هر فرصتی اسم یکایک ائمه را بیان میفرمود که صدها

مورد آن در منتخب الاثر موجود است که از جمله آنها دو مورد فوق و جریبان
نشر ف نعتل است (درص ۹۳ و ۲۶۸ گذشت).

۱۵- شیخ صدوق در اکمال الدین از امام حسین نقل میکند که با برادر
حسن/پیش رسول خدا رفتم ما را روی زانوان خود نشاند و ما را بوسید و گفت
پدر و مادرم بفدای شما دونفر پیشوا و دو نوه پیامبر باشند^۱

۱- شاید اینگونه تمجید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دو فرزند خود برای کسانی ،
سؤال انگیز باشد. در صورتیکه تاریخ ، در توجیه آن میگوید «اگر برای
همای سعادت اسلام جهت رهایی از غل و زنجیر بنی امیه که بنام اسلام ریشه
اسلام را میزدند ، دو بال فرض کنیم ، آن دو بال ، صلح امام حسن و قیام امام
حسین بود ! و نیز اگر برای رهایی ایران از چنگال استبداد و استعمار ، مبدئی و
منازلی و مقصدی قائل شویم ، مبدء ، قتلگاه امام حسین در عاشورای ۶۱ و نساله
زینب و منازل آن که در نبودن تأییدات خداوندی ، تنها یکی از صدها مخاطرات
و فراز و نشیبها کافی بود ، کاروان را از حرکت بازدارد ، بترتیب ، بدنبال نهضت‌های
خونین شیعیان در طول تاریخ ، مجلس درس اخلاق تأسیس نمودن امام خمینی -
منتشر شدن کتاب کشف الاسرار و اعتراض کردنشان بدولت اسداله علم که
مسئله تحلیف بقران را تبدیل به تحلیف کتب آسمانی مینمود. اعتراض مجدد
که شمائی که بمردان ، اجازه آزادی و دخالت در انتخابات نمی‌دهید چرا
عوام‌فریبانه بقانون اساسی دستبرد میزنید و میگوئید زنان را آزادی و حق
شرکت در انتخابات میدهم !

تلگرام و نیز نطق طاغوت بر انداز امام در عاشورای ۱۳۸۳- ر بوده شدن امام و پیاختن
مسلمانان در خرداد خونین - تحصن دو ماهه ۶۰ نفر از روحانیون برای نجات امام-
آزادی امام و نطق مهیجتر او بر ضد شاه - تبعید شدن امام بقر کیه و عراق ←

خداوند شمارا از من و پدر و مادرتان برگزید و از صلب توای حسین نه
 امام برگزید که نهمین آنها قائمشان میباشد. همه شان از نظر فضیلت دربار گاه
 الهی برابرند (منتخب الاثر ۹۳)

← تأسیس جمعیت‌های مؤتلفه اسلامی بر هبری امام و بمدیريت آیات عظام
 مطهری، بهشتی، منتظری و مهدی عراقی... - صدور اعلامیه‌ها از طرف امام -
 تکثیر و توزیع آنها بوسیله شاگردان امام - که حق فراموش نشدنی بگردن
 مستضعفین دارند. پشت بام رفتن و تکبیر گفتن و لرزه بر اندام استبداد انداختن -
 بقر بانگ‌ها جمعه سیاه رفتن و پنج‌هزار شهید دادن - ناظر آدم سوزی در سینما
 و کس آبادان شدن که ابتکار تازه شاه بود - شاهد با آتش کشیده شدن مسجد و
 قرآن بوسیله ساواک در کرمان و یزد و شیراز شدن - ناظر کشتار در قم و تبریز
 و یزد و مشهد و اصفهان و قزوین و کرمانشاه و دیگر شهرها شدن - در ماتم شهدا از
 بازاری و دانشجو و دانش‌آموز و طلبه و مجتهد و معلم و استاد دانشگاه نشستن که
 اسم سه طفل معصوم که در مسجد شهدای شیراز بنام‌های ابوذر فیروزی، سید
 حسن شیرازی، احمد مفتاحی و مجتهد بزرگی بنام مصطفی خمینی و اساتیدی
 بنام دکتر نجات الهی و دکتر شریعتی، در سراوحه نام هزاران شهید، زینت
 تاریخ خواهد بود - سخنرانیه‌های افشاگرانه حجج اسلام در سرتاسر ایران -
 تحصن روحانیون تهران در مسجد دانشگاه و سخنرانسی آتشین حجة الاسلام
 رفسنجانی در آن - بانقلاب پیوستن نظامیان و ژاندارم‌های مسلمان به پیشاهنگی
 نیروی هوایی - خروج شاه و ورود امام و استقبال ۴ - ۶ میلیون نفری تهران -
 سخنرانی امام در بهشت زهرا و گفتن این که بشاپور بختیار نخست وزیر آمریکائی
 تو دهنی میزنم - درهم شکسته شدن حکومت نظامی ۱۶ ساعته رژیم مخلوع
 بفرمان امام - شکستن و گذشتن از روی سنگها و «بهمنها» که آمریکا بر سر ←

۱۶- ابوالقاسم قمی از شاگردان صدوق علیهما الرحمه در کفایة الاثر از رسول خدا نقل میکند که فرمود: پیشوایان دین، پس از من دوازده نفرند که نفرشان از صلب حسین علیه السلام میباشد. نهمین آنها قائمشان می باشد. ما را دشمن نمی دارد مگر منافق ...

← راه می انداخت و رسیدن به بهمن پیروز!

ایجاد سپاه پاسداران و جهاد سازندگی و بسیج - اعلام همبستگی نمودن مسیحیت ایران در رأس اقلیتها - انجام رفراندمهای طاعوت شکن در انتخاب نام رژیم جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی - پشت سر گذاشتن نوطه ها از قبیل هجوم آمریکا از راه طبرستان، طرح کودتا از پایگاه نوژه، تجزیه طلبی حزب خلق مسلمان! در تبریز و دموکرات و کومله در کردستان و مورد تأیید قرار گرفتن آنها از جانب جهانخواران - اشغال شدن لانه جاسوسی آمریکا که منجر به فاش شدن سازشکاری و خیانت وزرای دولت موقت مهندس بازرگان گردید! (کابینه از ساوا کیمها امثال رستگاری و رومی گراهای جاسوس بیوطن مثل امیر انتظام و میناچی و نزیه تشکیل یافته بود) - درگیری با آمریکا و اذتاب او که دستشان از آستین صدام و منافقین داخلی بدر آمد - بوجود آمدن گروه پیشمرگان کرد مسلمان و بمقابله قاسملو و عزالدین و شیخ عثمان و طنفر و ش برخاستن آنها - خنثی شدن نوطه منافقین خلق که بفرمان ابرقدرتها نغمه انحلال آرتش و انقلاب بر ضد اسلام را ساز کرده بجننگ مسلحانه برخاسته بودند - فاش شدن همکاری همان خلقی ها با بنی صدر آمریکائی و فرانسوی که منجر به عزل بنی صدر و فتنه سی ام خرداد و شهید شدن امثال علی مازندرانی به تیغ موکت بری گردید - فرار کردن بنی صدر با مسعود رجوی بوسیله هواپیمائی که سرهنگ معزی خائن قبلاً شاه را برده بود - پذیرائی فرانسه و پشتیبانی ←

۱۷- زید فرزند امام سجاد نقل میکند پیش پدرم بودم جابر بن عبدالله وارد شد. در اثنائی که با پدرم مشغول بحث بود. برادرم محمد از در آمد. چشمان جابر از شادی برق زد. خواهش نمود قدمی چند راه برود. چون رفتن او را دید گفت شمائلش مثل شمائل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است سپس سر و دستش را بوسید و گفت ای محمد؛ جدت سلامت رساند... رسول خدا بمن بشارت داده بود که ترا زیارت خواهم نمود و گفته بود تو شبیه ترین مردم باو میباشی. و باز گفته بود علم و حکمت تو، علم و حکمت پیامبر خواهد بود و نیز بشارت داده بود که هفت معصوم از نسل تو (از صلب صادق) خواهد بود که هفتمین آنها مهدی است که دنیا را پیراز عدل میکند. (منتخب الاثر ۲۱۱)

← آمریکا از آنها - در نطفه خفه کردن «جنک جمل» تهران در روز عزول بنی صدر که خانم ^{دوست} اسودابه اعتراف نموداگر حجة الاسلام هادی غفاری نماینده مردم در مجلس، لوله سلاح خود را بر رویم نگرفته بود دست از فرماندهی احزاب بر نمیداشتم. (رادبولندن) - ر بوده شدن کشتی ایران بنام تبرزین توسط فراریان ایران تحت حمایت فرانسه و و که سرانجام همه فداکاریها، رسیدن بمقصد و سپرده شدن زمام امور جمهوری بدست امام معصوم و آغاز انقلاب جهانی! خواهد بود!.. انشاء الله

ائمه رهبران بعدی را نصب و معرفی مینمایند

حالا پس از مبرهن شدن امامت علی وائمه، بانتصاب خدا و پیامبر، ضرورت دارد، نگرشی کوتاه هم بسفارش علی درباره امام و سفارش خود آنها درباره ائمه بعدی خود و نیز تصریح آنها درباره ولایت فقیه در زمان غیبت، نموده باشیم.

علی شهسوار میدان «سلوئی قبل ان تفقدونی» که ابن ابی الحدید، شش قرن بعد از آنحضرت، پاره‌ای از پیشگوئیهای تحقق یافته او را در جلد ۲ و ۷ شرح نهج خود بر می‌شمرد، باینش غیبی و دیدگان حق بین خود، اوصاف اوصیاء یازده گانه بعد از خود را چنان توصیف مینماید که گوئی عمری با فرد آنان مجالست نموده است. بصفات ممتازی از آنها متذکر میشود که تا جهان چشم گشوده صفات مزبور را جز درائمه اثنی عشر ندیده است! که در اینجا باقتضای کوچکی کتاب، باندکی از آنها بتلخیص اشاره میشود:

مثل آل محمد مثل ستارگان آسمانست وقتی ستاره‌ای غروب کرد ستاره

دیگر طلوع مینماید^۱ (نهج خطبه ۹۹)

۱- آمریکا از دیدن اینکه سیل خروشان از ناحیه دین سرچشمه گرفت. نشنکان فلسفه را سیراب و کاخ استبداد را در هم کوبید، تصمیم گرفت، بوسیله گروه‌هایی که بتوانند رنگ دین بخود بزنند، انقلاب دینی را از مسیر اصلی منحرف سازد... بدین اصل گروه فرقان، خلق مسلمان و مجاهدین خلق و اروپا بعرصه نهادند... سازمان مجاهدین خلق که از بس بزرگانسان مثل تقی شهرام، محمد رضا سعادت، موسی خیابانی و مسعود رجوی، در زندان با ساواک همکاری نمودند و در بیرون، جاسوسی کردند، شایعه ساختند و ناراضی تر اشیدند و نفرات آنها خرمن‌ها سوختند و مرتکب فحشاء شدند و ترور نمودند و بمب گذاری ←

... ما را در رهبری حقی است ، خدائی . اگر واگذارمان کردند تحویل
میگیریم . والا اگر چه در زحمت باشیم ، آنرا بکلی ترك نمیکنیم ! امامت ما ،
مقامی است از هواب الهی ، که گروهی از روی بخل مانع رسیدن حق بحقدار
میشوند . امامت بجز از ائمه ای از قریش . آنهم از نسل هاشم ، در خور کسی نیست !

← کردند روحانی و پاسدار کشته شهید دزدیدند و مظلوم نمائی کردند ، بمنافقین
مشهور شدند . برای سال ۱۳۵۹

تقویم دیواری دوازده صفحه‌ای با تصاویر و شعارهای رنگین و فریبنده
چاپ و منتشر کردند که در اینجائزدهها نشانه نفاق به سه فقره آنها اشاره میشود .
۱- روی جلد ، عکسی از امام خمینی و آیه الله طالقانی و مسعود رجوی
چاپ نموده زیر آن نوشته اند «انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس
عالی» - دیری نگذشت ، راه خیانتشان با امام و حذف کردن نام شریف او ، از رهبری
انقلاب برای همه معلوم شد و باز معلوم شد که بدنبال «پدر طالقانی ، گفتن ها»
همینکه آیه الله طالقانی بر خلاف انتظار کودکان آنها ، بجای مخالفت و جبهه
گیری با امام خمینی ، گفت «من از امام الهام میگیرم و امیدوار میشوم» از او
بریدند و هفته‌ای نگذشت که پدر طالقانی در پرده‌ای از ابهام بر حمت اینزدی
پیوست ! رجوی و انجمن اسلامی مربوطه او بجای در ترك نماز و جهاد و سایر
عبادات و عصیان بدولت اسلامی پرده دردی کردند که پس از فرار کردنش بفرانسه
صدای آمریکا و اذتاب او مسلمانان نامیدند و تعریفش کردند و بدر بدر شدنش
اشك حسرت و تأسف ریختند . (شش ماه قبل که تازه کتاب زیر چاپ رفته بود ،
بدجال صفتی و شهید دزدی و دختر بازی و ساوا کیگری آنها در صفحه ۹۱ و ۲۰۶ و
۱۹۲ و ۲۳۹ و ۲۹۱ اشاه شد)

۲- روی جلد ، فرمایش علی علیه السلام در مورد ستارگان هدایت بودن ←

هیچکس از امت اسلام، قابل قیاس با آل محمد نیست. دورماندگان و درماندگان خود را با آنها میرسانند و حبل الله که خداوند میفرماید بدان چنگ بزنید ما خاندان پیامبریم. حیوة القلوب ج ۳ ص ۴۷

(این کلام، در این مورد یادآور فرمایش پیامبر در غیر قابل قیاس بودن

— ائمه را با عکسهای هفت نفر از کسانی که بدست شاه کشته شدند آنهم هر عکسی در وسط ستاره خون رنگی به علامت اینکه اینها جزء کسانی هستند که علی علیه السلام از آنها یاد نموده است بچشم میخورد. این سوء استفاده از سخن علی ع، در جزوه تبیین جهان آنها نیز مشهود است. در صورتیکه همه شارحین نهج البلاغه، حدیث مزبور را که ما از خطبه ۹۹ نقل نمودیم تنها مر بوط بدوازده امام میدانند نه کشته شدگانی که بروی عقائد مارکیستی، رنگ اسلام زده باشند (بقول مهندس غروی استاندار سابق تبریز، اینها مزدوران آمریکای هستند که رهگذرشان از مسکو است)

۳- این گروه که بدستور اربابان، شرکت در فرایند تصویب قانون اساسی اسلامی را تحریم نموده بودند، پس از آنکه علی رغم آنها قانون پیروز شد و مرحله انتخاب ریاست جمهوری بمیان آمد، دو نفر را کاندید نمودند امام خمینی، مسعود رجوی. در صورتیکه امام با بودنشان در رأس مرجعیت و ولایت فقیه بکاندیدائی، آنهم از طرف منافقین نیازی نداشت. یعنی این قیاس آنها باین میماند که کودکی بگوید «کوه البرزیا قل خاک - شط کارون یا آب ناودان» خدا بحافظ رحمت کند که گفت (ای مگس عرصه شاهین نه جلولا نکه تست. عرض خود میبری و زحمت مامیداری).

اینها از تهران تا روستاها در در و دیوارها نوشتند «مسعود رجوی را انتخاب کنید تا عدل علی را اجرا نماید. در صورتیکه برعکس، دیده می شود ←

ائمه است . حیوة القلوب ج ۳ ص ۴۷ وینابیع ۲۴)

ائمه ، پایدار کنندگان نام خدا و معرفی کنندگان اویند . دیگران از علوم آنان برخوردار میشوند ولی هرگز بیای آنها نمیرسند . آنان اساس و ستون دین و یقینند . چون لب گشایند راست میگویند... کسی نمیتواند بر آنان سبقت گیرد . خصائص رهبری و وصایت پیامبر با آنهاست . پدر و مادرم بفدای آنان باد که نامشان در آسمانها معروف و در زمین مجهول است . امامان حافظ راز و گنجینه دانش پیامبرند . آنان سلسله جبال دین و نگهدار قرآن و سنت پیامبرند . در پناه آنان خمیدگی پشت دین ، راست میشود و لرزش اقدام آن از میان میرود . چگونه حیران و سرگردان میشوید در حالی که عترت پیامبر در میان شماست . عترتی که پیامبر در حق آنها گفت « هر که از ما برید مرده است گرچه میت نیست ... »

بر دباریشان حاکی از دانائیشان و سکوتشان دلیل استحکام منطقشان است . با حق مخالفت نمیکند . در قول و فعل آنها اختلاف نیست . (بر خلاف زعما و فلاسفه غیر اسلامی که حتی در میان دو نفرشان وحدت نظر دیده نمیشود) آنانند که بوسیله آنها حق بجایگاه خود بر میگردد... آنانند که دین را می شناسند اما نه شناختی که مبتنی بر تعلم باشد . روی زمین از ما حجت‌های خدا خالی نمیماند . در هر عصری حجتی با آشکارا یا از پشت پرده غیبت متکفل هدایت و رهبری می شود . چون غائب ، ظهور کند در سرتاسر جهان هوای نفس سرکش

← بعنوان نمونه ، برای دهها امثال خسرو و روزبه و پارتیس لومومبای غیر مسلمان و مارکسیست ؛ روز شهادت یاد میکنند و ستایشها مینمایند (اردیبهشت و بهمن) ولی حتی از روحانیان متعهد ، امثال آیه الله مطهری و آیه الله قاضی و داکتر مفتح که سال قبل بشهادت رسیدند و هنوز خونشان خشک نشده بود ، نامی هم نبردند !! ←

را مطیع فرمان هدایت میکند - رأی هوی پرستان را تابع قرآن می نماید -
 زمین کلید بر خورداری از نعمتها را تقدیم او میکند - او، اجرای عدالت اجتماعی
 را عملاً نشان میدهد ، قوانین متروک شده قرآن و سنت را احیا می نماید -

← در خاتمه ، بعنوان تذکر خیر خواهانه بجوانان بازیخورده و اولیاء آنها ،
 گوشه‌هایی از اعترافات و ضد و نقیضهای منافقین را از روزنامه خودشان (مجاهد)
 می‌آوریم و قبلاً درباره صدها ترور ناجوانمردانه اینها (حرمت ترور در ص ۴۳ گذشت)
 سخنی از حجة الاسلام سید حسین موسوی رئیس داد گاه تبریز نقل می کنیم که
 در ۶/۹/۶۰ روز شهادت محمد علی رجائی ، رئیس جمهور، شهید انفجار بمب که
 با رأی بیش از سیزده میلیون انسان انتخاب شده بود و نخست وزیر او حجة الاسلام
 دکتر محمد جواد باهنر که ملت، مثل جان شیرین، دوستش داشتند و برای عزابه
 خیابانها ریخته بودند گفت دست اینها بجز از روحانیان و رجال بزرگ
 اسلامی و پاسداران که استعمارگران نشنه خون آنها هستند، بخون هیچ کافر
 مهاجم و سازاکی و فتودال استثمارگر و وطن فروش آلوده نشده است»

و اینك اعترافات از روزنامه خودشان: چندی بعد از آنکه امام امت فرمود
 « بسوی کردستان ، حرکت و برادران و خواهران کرد مسلمان را از دست
 بیگانه پرستان نجات دهید ، مسعود رجوی برشت رفت و در سخنرانی گفت
 «... ما تا کنون بسوی کسی شلیک نکرده ایم . ۱۶/۱۲/۵۸» این بدان میماند
 که دزدان مال و ناموس بخانه‌ای بریزند و پدر فریاد استمداد بر آرد. اما فرزند
 بجای دفاع از خانه ، فردا در سخنرانی ، افتخار کند که ما گلوله‌ای نینداختیم!!
 منافقان برای جلب نظر مسلمانان در روزهای نخست ، آیه قرآن یعنی
 فضل الله المجاهدین ... را بعنوان مارك در صدر نوشته‌ها بکار بردند و اما
 همینکه جمعی و شهرتی بدست آوردند ، مسلمانانی را فراموش و سخن امام ←

آنوقت است که دنیا بطرف ما اقبال میکند همچون اقبال کردن شتر جموش
 بطرف فرزند خود. (نهج فیض الاسلام ص ۲۰۴ و ۷۴۷ و ۱۰۸۷ و ۱۱۷۰ و)
 علی علیه السلام در کرم کرم جنگ صفین، از شدت نفوذ و ورود در میدان

← را که فرموده بود «کسیکه بقانون اساسی رأی نداده و اعتقاد ندارد، حق
 کاندیدائی ریاست جمهوری را ندارد. تخطئه کردند. ۵۸/۱۲/۵ - برای جلب
 نظر امثال خود، در کشوری که ۹۸٪ آن مسلمان و خواهان آنند که رئیس
 جمهور، مسلمان و مجری قرآن باشد. گفتند چه لزوم دارد رئیس جمهور مسلمان
 باشد!! ۵۸/۱۱/۲۰»

در عین خدمتگزار آمریکا بودن، برای اینکه شوروی را هم از خود راضی
 کنند، بر خلاف نظر امام و شورای انقلاب که از مردان پاک و آگاهی امثال آیات
 عظام مطهری، بهشتی، موسوی اردبیلی، رفسنجانی، خامنه‌ای و مفتح و بازرگان...
 تشکیل یافته بود و نیز بدون در نظر گرفتن اندوه مسلمانان جهان که برادرانشان
 در افغانستان بدست ارتش مهاجم روس قتل عام میگشتند، بشدت خواستار سرکوت
 و رشکاران ایران در المپیک مسکوشدند. ۵۹/۳/۶ و بالاخره خواستار انحلال ارتش
 شدن (۵۸/۱۲/۷) و بر و حائیان متعهد امثال آیات عظام قدوسی و بهشتی و مشکینی
 و معادینخواه و هادی غفاری و خلیجالی و چمران و... ناسزا نوشتن، در خانه های
 تیمی مرتکب فحشاء شدن و گناه آنرا بگردن دیگران انداختن که چرا فاش
 می کنند! برای کمونیستی مثل خسر و روزبه سالر و زاهدت نوشتن و در کرم کرم
 جنگ، در آبادان و دیگر شهرها خانه تیمی کشودن و بجا سوسی و جمع اسلحه
 پرداختن. اعلامیه تأییدیه عزالدین حسینی تجزیه طلب را خواندن و از همکاری او
 شادمانی کردن و دهها امثال آن، دال بر نفاق آنان میباشد. ۵۸/۱۲/۷ و ۳/۱ و ۵۹ و
 پناه بخدا از کوری آخرت که از کوردلی این دنیا عارض میشود قرآن ۱۲۶/۲۰. اتک

جنگ شدن، حسین علیه السلام مانع میشد و می فرمود مبادا با قتل آنها نسل پیامبر قطع شود.

امام حسن علیه السلام در حدیث طولانی فرمود تنها فردی از ما که بیعت طاغوتی را بگردن ندارد، مهدی، همین فرزند برادرم حسین است. مادرش سیده کنیزانست. خداوند، او را از عمری طولانی بر خوردار میکند. روز ظهور کمتر از ۴۰ ساله بنظر می رسد.

حضرت سجاد علیه السلام در صحیفه خود (ص ۲۶۶) ضمن دعا و صلوات بر آل محمد از مقامات عالیله آل محمد که از نسل او پای بعرضه حیات میگذارند، سخن بمیان می آورد و بدان وسیله بدون اینکه دشمنان درنده درک کنند، هشت امام دیگر را معرفی مینماید و می گوید خدایا علم پیامبر را بارت ما دادی تا تفسیر کنیم ما را بر دیگران برتری دادی ...

امام باقر بحضرت صادق گفت تربیت امت را بتو می سپارم. جواب داد جانم بفدای تو، آنها را بمقامی در علم برسانم که در هر شهری باشند، محتاج سؤال از دیگری نشوند. (امام صادق؛ شخصیت تاریخی ص ۳۰۸)

امام صادق چهار هزار دانش آموز تربیت کرد که از جمله آنها همه رؤسای مذاهب برادران اهل سنت بودند که بعدها صاحب اسم و رسم شدند (صادق آل محمد نوشته منشی ص ۱۵۵)

امام صادق علیه السلام با اشاره بموسی کاظم فرمود صاحب امر ما از صلب او ظاهر می شود. دنیا در برابرش سر تسلیم فرود می آورد (وصایت در ص ۱۸۲ گذشت) امام موسی کاظم علیه السلام در حدیث طولانی یکی از اصحاب را زدار گفت وقتی پنجمین فرزند از هفتمین امام غائب شد (از نسل علی الرضا) بخاطر خدا مواظب دین خود باشید. مبادا کسی رخنه ای بیابد و تزلزل ایجاد نماید. راوی

پرسید . کیست که غائب می شود . فرمود هنوز زود است که نام او و جریان کارش بتفصیل گفته شود ... محنت عظیمی خواهد بود از جانب خدا که باغائب شدن مهدی ، مردم مورد آزمایش قرار خواهند گرفت . تفصیل چهار حدیث فوق در منتخب الاثر ص ۲۰۵ و ۲۱۷ و ۲۱۸

دعبل خزاعی نقل میکند در ولایتمهدی امام رضا علیه السلام قصیده ای برایش خواندم . امام گفت منم در بیت بآن اضافه کنم ... بعد از اضافه نمودن که متضمن پیشگوئی امام ، از شهادت رسیدن خود و مدفون شدنش در طوس و خروج امام عادل و رفع نمودن هم و غم از آل محمد بود ... بقیه اشعار را خواندم و سخن را در آنجا خاتمه دادم که حتماً امامی ظهور میکند ، حق و باطل را از هم جدا میسازد و روی زمین را از عدل و برکت پر مینماید . امام گریست و گفت ای دعبل روح القدس ، این کلمات را بر زبان تو جاری ساخت . آیا آن امام عادل را که تعریف نمودی می شناسی ؟ گفتم ، از خاندان شماست . امام فرمود بعد از من پسر محمد ، بعد از او فرزندش علی . بعد از علی پسرش حسن و بعد از حسن یگانه فرزندش حجت قائم منتظر است که با ظهور خود دنیا را پر از عدل میکند ... وقت ظهورش همانند قیامت بر کسی معلوم نیست . بخت ظهور مینماید .

راوی نقل میکند وارد محضر امام محمد تقی علیه السلام شدم تا سؤال کنم ، مهدی اوست یا کس دیگر است ؟ . قبل از پرسش ، گفت مهدی کسی است که واجب است در غیبت او انتظار کشید . و چون ظهور کرد اطاعت نمود . او سومین فرزند من است .

امام علی النقی فرمود امام بعد از من فرزندم حسن و بعد از او فرزندش قائم است که دنیا را ...

احمد بن اسحاق اشعری میگوید وارد محضر امام یازدهم شدم تا از چنانچه

اوپر سرش نمایم . پیش از سوال، گفت و احمد خداوند روی زمین را از آدم تا کنون از حجتی که دافع بلا باشد خالی نگذاشته و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت، (اشاره به ظهور و رجعت) آنگاه باندرون رفته بیچه سه ساله‌ای را که همانند پدر بود در آغوش خود آورد و گفت . ای احمد اگر کرامت خدا بر تو شامل نبود امکان نداشت حجت خدا را بر تو نشان دهم ... بعد از آنکه حضرت، غیبت و ظهور و داد گستری فرزند را شرح داد ، خواستم نشانه‌ای بنخواهم که متوجه شدم خود بیچه علیه السلام بزبان فصیح میگوید «من بقیة الله ومنتقم دشمنان خدايم» (دفع معرفی دیگر نیز در ص ۱۸۱ و ۱۸۷ گذشت . تفصیل ۷ حدیث فوق را از منتخب الاثر و منابع آن ص ۲۰۶ و ۲۱۷ تا ۲۲۸ مطالعه فرمائید)

در مورد معرفی امام ، جانشین پس از خود ، باید بدانیم که از نظر حفظ جان امام بعدی ، از گزند گزارشگران طاغوت ، بعدی سخت بود که سالها میگذشت که بجز از خواص شیعه کسی با خبر نمیشد که امام از میان دو یا چند برادر ، کدامیک را بعنوان رهبر مقرر ض الطاعه معرفی مینماید ! در فاجعه کربلا خواست خدا و وصیت امام حسین علیه السلام و آگاهی دو خواهر او زینب و ام کلثوم ، ظواهر کار را طوری بر گزار کرد که کسی از دشمنان بی‌امانت حضرت سجاد بوئی نبرد ... عصر عاشورا در حمله همگانی برای غارت خیمه‌ها، شمر که گمان میکرد همه افراد نکور خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله از میان رفته‌اند، از دیدن سجاد که بحال بیمار در گوشه‌ای از خیمه‌ای افتاده بود با قسادی که داشت دوید و روی سینه او نشست تا سر از بدنش جدا سازد. اینجا بود که خواست خدایا ولایت نکوینی امام سجاد ، قلب عمر سعد را بطرف حق متوجه ساخت . او بعمر گفت می بینی او خود با من که دست بگریبان است . این سخن رئیس لشکر ، کسیکه نه بعلی اصغر شش ماهه و نه بحبیب بن مظاهر هشتاد ساله رحم نموده بود، باعث

نجات آنحضرت شد... بار دیگر در مجلس عام عبیدالله زیاد وجود آنحضرت توجه او را نسبت بخود جلب نمود. پرسشهایی نمود و جوابهایی که انتظار نداشت از يك نفر اسیر بشنود شنید. امر نمود گردنش بزنند که در اینجا هم گریه زینب و گفتن اینکه تمام مردان ما را کشتی اقلماً بگذار این ، بعنوان سرپرست ، بماند تا تأثیر خود را در میان آن جمع داد و امام جان سالم بدربرد. نظیر این جریانات در شام هم تا وقتی که آنحضرت ، بالای منبر رفت و با معرفی خویش یزید را آتش زد و انقلاب ایجاد نمود ، تکرار شد . و حتی گفته اند در عین دعوی امامت نکردن جناب محمد حنیفه فرزند علی علیه السلام مقدر آن بود که تفاهماتی نسبت با امامت او هم بمریان آید تا در میان شك و یقین دشمن ، امام حقیقی سالم بماند ، همچنین حکمت الهی بود که حضرت سجاد در جهاد عاشورا بعنوان بیماری از رفتن بکمک پدر و امام زمان خویش معذور و سرانجام از تیغ دشمن سالم بماند .

حضرت حسین فرمود «قائم این امت ، نهمین فرزند من است و او صاحب خبیثت میباشد . او همان کسی است که میراث او در حالیکه زنده است تقسیم میشود . (پس از آنکه سعی معتمد خلیفه در پیدا کردن امام دوازدهم بجائی نرسید دستور داد تا میراث آنحضرت را تقسیم نمودند . بنابراین ...)

نظر دیگران در باره ائمه

حال برای اینکه ثابت شود پیامبر و ائمه در انتصاب جانشین کاملاً مصیب و عاری از خطا بوده‌اند و پیشوایان شیعه قولاً و عملاً بهترین پیشوایان و آشناترین زمامداران با امور سیاسی و اجتماعی بوده‌اند، از دیگران و بزرگان عالم نظر خواهی می‌نمائیم.

ابوبکر از پاسخگویی بسؤالات درمآند و گفت دست از من بردارید و بیعت خود فسخ کنید؛ مادام که علی در میان شماست؛ من بهتر از شما نیستم. (الامامة والسياسة ص ۲۰)

عمر بن خطاب حدود هشتاد مورد، در مسائل علمی و سیاسی درمآند و بعدی مراجعه کرد و چون گره از کارش گشوده شد با مضامین گوناگون سپاسگزاری کرد. یکی از آنها اینکه خدا یکروز مرا بدون تو نگاه ندارد. القدير عمر میگوید در زمان پیامبر ﷺ مقام علی چنان رفیع بود که او را بدیده ستاره در آسمان می‌نگریستیم. پیامبر تألیف رهنما. در زمان عثمان شخصی بعنوان اعتراض بر عقیده اسلامی، استخوان جمجمه کافر مشهوری را از قبرش بدر آورده گفت اگر کافر در آتش خواهد بود، چرا اثری از گر می‌در این استخوان محسوس نیست. خلیفه درمآند و بدنبال علی کس فرستاد. امام بفرا خود حال حاضران و نیز بفرا خود حال شخص معترض که اگر آمادگی درک و فهم دلائل قرآنی را میداشت و نیز اگر عاری از جهل و تعصب بود، چنین سؤالی نمیکرد، از همان دری وارد شد که او وارد شده بود یعنی فوراً قطعه آهنی را بسنگی کوبید تا جرقه آتش ظاهر شد. آنگاه گفت همچنانکه آتش در درون سنگ و آهن محسوس نیست، آتش عذاب کافر هم قابل درک نیست. خلیفه خوشحال شده گفت اگر علی نبود عثمان هلاک میشد. اقتباس باختصار از مجله مکتب اسلام.

عبدالله زبیر در حضور معاویه درباره شجاعت خود ستائی کرد. معاویه گفت «اگر تو و پدرت در برابر علی فرار میکردتید، علی هر دو را بدست چپ نقش زمین می کرد.»

چون خبر شهادت علی بمعاویه رسید گفت مادر روزگار همچون او را بوجدنمی آورد. اوافقه ناس بود. (علی چهره درخشان اسلام)

معاویه کیسه ای زر در پیش نهاد و گفت «هر که درباره علی علیه السلام آن حقیقت را بگوید که در اوست، این کیسه از آن او خواهد بود.» حاضران متملق از سب و ناسزا هر چه توانستند گفتند ولی معاویه قانع نشد. سر انجام عمروعاص ابیاتی سرود و گفت «امور صواب با آل محمد شناخته شد. قرآن بخانه آنها نازل گردید. علی سفینه نوح در میان امت است..» (ص ۲۸۵ گذشت) گروه دستکار ج ۲

معاویه در ستایش فصاحت امام حسن میگوید «اینها مردمی هستند که سخن گفتن بآنها الهام شده است» عقد الفرید ج ۲

همچنین درباره شجاعت آنحضرت گفت او فرزند کسی است که چون واردکارزار میشد کسی جز از فرار یا هلاکت چاره ای نداشت... منبع فوق معاویه، از ضرار که یکی از یاران علی ع بود باصرار تمام درخواست نمود پاره ای از صفات علی را در پیش او و بزرگان بنی امیه برشمرد، چون ضرار مجبور شد شمه ای از زهد و عبادت و رأفت آنحضرت نسبت بایتام و بیچارگان و تواضعش بیاران و برعکس از هیبتش باهمل زور و ستم بمیان آورد. معاویه بسا آنهمه عداوتی که داشت عنان اختیار از دست بداد... سیل اشک بر خسار جاری ساخته گفت خداعلی را رحمت کند آری؛ علی همچنان بود فضائل خمسسه جلد ۳. ۲۸ توضیح: کتب الغدیر و فضائل خمسسه، النهی و الاجتهاد و علی و السنه و

علی امیر المؤمنین عن نظر خلفاء الراشدین که از آنها اتخان سند میشود، اسناد همه آنها از منابع بزرگ اهل سنت میباشد. رحمة الله علیهم
در جنگ صفین علی علیه السلام وارد میدان شده بنخود معاویه پیام داد که او هم وارد میدان شود... معاویه با عمرو عاص مشورت کرد، او تصویب نمود که معاویه با علی روبرو شود. معاویه گفت این خیانت تست که میخواهی مرا بکشتن بدهی من کجا و لاف مبارزه با علی کجا؟!

بتر است خود اینکار را انجام دهی... عمرو همان کسی که فاتح مصر بود بمیدان رفت و بایک اشاره علی نقش زمین شد. پستی بکار آورده شلوار خود در آورد. علی روی برگرداند و فهرمان! نجات یافت. علی چهره درخشان اسلام ص ۳۱
روزی متملقی پیش معاویه رفته در جواب سؤال معاویه که پرسید از کجا میآئی، گفت از نزد کسی که بخل و جبن و لثامت و کنگی زبانش از همه بیشتر است. یعنی علی. معاویه بر آشفته با گفتن فصلی از سخاوت و وجود و شجاعت و فصاحت علی، آنمرد را بشدت توبیخ نمود. تلخیص از سخاوت و دنائت.

مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی پس از آنکه خود واجدادش مدتها علی ع را بدیده دشمنی نگریستند، آنگاه که لشکر خراسان و در پیشاپیش آن، عبدالله بن محمد را که بنی امیه را منقرض کرد، دید. بیاد جوانمردی علی ع گفت ایکاش بجای عبدالله، علی ابن ابیطالب فر مانده این لشکر بود. نهج البلاغه
فیض ۲۶۹

این قبیل اعترافات که مثلا عثمان هم آنگاه که در برابر انقلابیون مصر، آخرین ساعات خود را می گذراند، گفت «علی را خبر کنید که هر چه حکم کند راضیم، پیشگوئی ائمه را که دنیا در برابر حضرت مهدی تسلیم خواهد شد، قوت می بخشد و تأیید مینماید!!

عائشه گفت علی، اعلم الناس بر سنت است. فضائل خمسه ج ۲ ص ۲۴۵
 ابوالحسن سعود شافعی تمام صفات نیک اصحاب رسول خدا از سبقت
 ایمان، هجرت، نصرت، قناعت، فداکاری، جهاد، آشنائی بکتاب و سنت، علم
 قضا و غیره را نام میبرد و میگوید علی در تمام اینها مقدم بر همه بود. پژوهشی
 درباره قرآن و پیامبر ص ۳۴۱ بنقل از مروج الذهب
 معاویه بمراد مملقی گفت اگر علی خانه‌ای پر از گاه و خانه‌ای پر از طلا
 میداشت، طلا را پیش از گاه می بخشید. شرح ابن ابی الحدید
 پروفسور محمد کامل استاد دانشگاه الازهر: علی در همه علوم دینی، سیاسی
 فلسفی و اخلاقی پیشوا و رهبر بود. مقدمه نهج البلاغه انگلیسی
 سعید بن مسیب گفت جز از علی علیه السلام احدی «سلوئی» نگفته است. (ص ۲۹۳ ک)
 ابن حجر در صواعق از قول شخصی نقل میکند اگر علی از جنگ فراغت
 پیدا میکرد، از علوم او بقدری بمامیر رسید که دلها تاب ضبط آنرا نداشت.
 .. مؤلف شهسوار اسلام در ص ۱۰۲ میگوید علی در روز رسیدن بخلافت
 سیاسی در پیش گرفت که بهتر از آن بنظر نمیرسد.
 هارون الرشید يك قرن بعد از علی علیه السلام حاضران مجلس خود را امر
 کرد فضیلتی درباره علی بگویند. چون نوبت به خودش رسید گفت «نا کسی، علی
 را سب میکرد در زندانش نمودم بر و با دیدم مسخ شده، بیدار شدم بدیدنش رفتم
 معلوم شد مسخ شده است. بروید ببینید (زند گانی موسی کاظم)
 هارون بابونواس شاعر گفت شعری در فضل علی بگو، از ضمن ابیانی گفت
 بمن میگویند علی را مدح کنم که مدح او آتش جهنم را خاموش میکند. گفتم
 من در حق کسی که حتی قومی خدایش خواندند و ستایش کردند چه بگویم ...
 منبع فوق

جلال الدین سیوطی صاحب تاریخ و تفسیر ۹ قرن بعد از علی ع میگوید
 «... خدا پیامبر را بوسیله علی مؤید کرد» فضائل خمسہ ج ۱ ص ۱۷۵
 همین دانشمند در تفسیر آیه ۵۸/۲ قولوا بحطه... از پیامبر نقل میکند که
 در امت من ائمه اطهار بمنزله حطه بنی اسرائیل میباشند. هر که در برابر او امر
 آنها سر فرود آورد رستگار شد (خلافت و ولایت از نظر قرآن)

ابن جوزی حنفی شش قرن بعد از علی میگوید من درباره علی که
 دشمنانش در پنهان داشتن فضائل او کوشیدند و دوستانش از بیم آنها لب فرود
 بستند و با همه اینها شهرت و مناقب او دنیا را فرا گرفت چه بگویم!

این نویسنده از قول احمد حنبل میگوید خلافت زینت و افتخاری بعلی
 نداد بلکه علی بود که مقام خلافت را زین فرمود... اقوال الائمة ج ۶ ص ۲۵۰
 محب الدین طبری شافعی مذهب امام جمعه مسجد الحرام گوید قومی چنان
 شیفته فضائل و کرامتهای علی شدند که قائل بخدائی او گردیدند... در زمان
 پیامبر همینکه پرچم فرماندهی بدست علی سپرده می شد او بر نمیکشت مگر اینکه
 فتح مینمود. ذخائر العقبی

امام غزالی میگوید «علی در آشنائی بکتاب خدا بر همه اصحاب مقدم
 بود» (فضائل خمسہ ص ۲ ص ۳۹۵ و ۴۴۱)

فخر رازی در ربیع خود میگوید ریشه همه علوم بعلی میرسد.
 عائشه ام المؤمنین از شنیدن اینکه خوارج نهران بدست علی ع ناروغان
 شدند در فکر فرو رفت! یکی از نزدیکانش او را سوگند داد که از موجب فکرت
 و تعجب او را هم آگاه سازد. عائشه گفت از پیامبر شنیدم که فرمود «خوارج
 بدترین گروهند که بعد از من بدست بهترین خلائق کشته میشوند. کشته آنها
 بهترین وسیله نجات است». (مسند احمد و علی و السنه ص ۵۹)

امام شافعی رئیس مذهب با اشاره بصلوات تشهد نماز که سقط آن موجب بطلان نماز است میگوید :

یا اهل بیت رسول الله حبکم - فرض علینا فی القرآن انزله

کفیکم عن عظیم القدر انکم - من لم یصل علیکم لاصلوة له

مجدالدین آدم سنائی شاعر مشهور دوره غزنوی پس از آنکه از بیم تکفیر قشریون ، دیگران را مدح میکند سر انجام رشته سخن را بمدح علی میکشاند و در یک بیت شیرین که از نظر لطف معنی ، سر بر آسمان رفعت کتیده و از درك دشمنان علی خارج بود ، میگوید با مدیحش مدایح مطلق - زهق الباطل است و جاء الحق . در این تشبیه متبهرانه اشاره بآیه قرآن می کند «همین که حق وارد شد ، باطل رفت .»

ما نیز موظفیم برای حفظ جمهوری اسلامی که مخصوصاً کنفرانس طائف میخواهد خصومت شیعه و سنی برآه اندازد ، از گفتن مطلبی که منحل اخوت و وحدت باشد که قرآنهم باتحاد دستور میدهد خودداری نمائیم (توطئه طائف در ۱۳۱ گذشت)

معهودی که چندی پس از او مرحوم سید رضی نهج البلاغه را جمع و تألیف نموده است در جلد دوم مروج الذهب تحت عنوان پرتوی از کلام و زهد علی علیه السلام میگوید آنچه مردم از خطابه های علی در مباحث و مقامات مختلف حفظ کرده اند از چهار صد و هشتاد میگذرد که آنحضرت همه آنها را بالبداهه و بدون یادداشت بیان فرموده است .

عبدالرحمن نباته که در ایراد خطبه شهرت بسزا دارد میگوید « صد فصل از سخنان علی را حفظ کردم که آنها برای من گنجی پایان ناپذیر بود»

عبدالحمید کاتب دبیر دربار مروانیان که مقالات او در جهان اسلام از

شهرت بسزائی برخوردار است ، میگوید « هفتاد خطبه از خطبه‌های علی عليه السلام را حفظ کردم . پس از آن ذهنم جوشید که جوشیدم ، (هر ۳ اقتباس از سیری در نهج البلاغه) ... علاوه از نهج البلاغه ، در حال حاضر چهارمجله دیگر از سخنان آنحضرت بنام نهج السعاده و نیز غرر و درر در دسترس علاقمندان میباشد)

شخصی در مسأله‌ای با عمر خلیفه دوم بمقام نزاع در آمد ، خلیفه گفت میان من و تو ، این علی حکمیت کند آمدن مرد با حقارت بآنحضرت نگریسته گفت این ؟! عمر از جای برخاسته از گلویش گرفت و گفت آیا میدانی چه کسیرا کوچک شمردی ؟ او سلطان و سرپرست من و همه مسلمین است . فضائل خمسه ج ۲ - ۲۸۸

فرید وجدی در دائرة المعارف خود (جلد ۶ - ۶۳۶) بحثی دارد که ما جملائی از آن انتخاب مینمائیم :

بعد از عثمان کسی برای خلافت لایقتر از علی نبود - گروهی از اصحاب ، راجع بمسئله خلافت پیش اورفتند ، او پذیرفت . (بعد از جریان سقیفه . علی از بیم بوجود آمدن تفرقه رضا بقضاء داد - ۱۲۴ گذشت)

علی توجه بآبادی شهرها و آسایش بندگان را بیابای رسانده بود که میگفت « شما مردم در پیشگاه خدا مسئول هستید حتی درباره قطعات خالی زمین و حیوانات !

در علی خصالی جمع شده بود که در هیچیک از خلفاء نبود یعنی علم عمیق و نافذ و شجاعت کامل و فصاحت کلام و...

در چنان قله رفیعی از شجاعت قرار داشت که شجاعان بزرگ از رو بر و شدن با او اجتناب داشتند! در تمام جنگها در کنار پیامبر بود و لشکر دشمن را درهم می ریخت و غصه‌ها را از دل پیامبر صلی الله علیه و آله دفع و زایل مینمود - از همه دلاوران

بانسلاوب جنگ داناتر بود. هرگز و در هیچ جنگی، نوشته نشده است که او از جنگ فرار کرده باشد. در روزیکه علی نمیکذاشت حتی دیناری از مال خدا حیف و میل شود، معاویه کیسه‌ها و صد هزارها بگردنکشان میداد.

این نویسنده رشته سخن را بتعریف امام حسن ع می‌کشانند و او را سید قریش و شکوفه شجره نبوت خوانده می‌گوید در علم و فقه بیابهای بود که یگانه دهر نامیده می‌شد؟

نویسنده برای اینکه بآیندگان برساند که کسانی که دانسته یا ندانسته معاویه را بحکومت برداشتند و او هم یزید را ولیعهد خود نمود، بچه خطای بزرگی در اسلام مرتکب شدند... می‌گوید «معاویه یزید را که در فساد غرق شده بود ولیعهدی و خلافت داد در صورتیکه خود میدانست او حتی تدبیر منزل خود را هم نمیداندا! (ج ۶ ص ۶۲۲).

محمود عقاد مصری از اساتید بزرگوار مصر در کتاب خود بنام شخصیت حضرت علی که آقای غضبان ترجمه‌اش نموده است، بحقائق زیر اشاره نموده است
علی مثل همه موجودات فیاض عالم، بدوست و دشمن فیض محض بود -
انتظار پاداش نداشت - برخلاف تهمت معاویه، علی علیه السلام از عثمان دفاع کرد ولی اشتباهات او بحدی بود که دفاع علی ع بجائی نرسید - علی مظهر تمام صفات و فضائل عالمی بود (شجاعت، صفا، ایمان، وفا، گذشت، اعتماد بنفس)

علی زره خود را در دست یکنفر نصرانی دید. بقاضی ایکه خود گماشته بود شکایت برد - قاضی مدارک علی را کافی ندانست. چون علی از ادعای خود صرف نظر نمود. نصرانی از دیدن صداقت و اسلام علی ع که حتی در باز پس گرفتن مال خود هم مقررات را رعایت می‌کند و خشم و نفوذ خویش را حبس می‌نماید، بگناه خود اعتراف نمود و زره علی را پس داد و خود بشرف اسلام نائل آمد و

بعدها بفیض شهادت نیز رسید - درشوراها رأی علی در میان آراء دیگران مثل ماه میدرخشید - پیامبر صلی الله علیه و آله شجاعت علی ع را می ستود و میفرمود ، او در راه خدا به تنهایی مثل يك لشکر است - علی صلاحیت داشت پس از پیامبر خلیفه شود - اگر چنین میشد شیرازه حکومت اسلامی تا قیامت پاره نمیشد - او وقتی بحکومت رسید که اگر غیر او بود هیچکاری نمیتوانست انجام دهد.

توضیح : این سخن استاد راپروین اعتصامی در قالب نظم ریخته می گوید
 «آمد طبیب بر سر بیمار و لیک فرصت گذشته بود ، مداوا اثر نداد. شعر از کتاب
 برگزیدگان خدا ص ۶۷

حسن بصری از رجال مشهور اهل سنت میگوید «علی تیری بود نافذ و اصابت
 کننده که از کمان حق بر سینه دشمنان خدا پرتاب میشد (خورشید ایمان ص ۷۱)
 عمر بن عبدالعزیز که خود از زهاد عالم بود می گوید «علی زاهدترین
 مردم بود (صوت المعداة لآلسانیه)

خوارزمی در مناقب بر روایت از جابر بن عبدالله مینویسد در محضر پیامبر
 بودیم ، علی وارد شد. پیامبر دست بدیوار کعبه زد و گفت «سو کند بخدا این
 علی و شیعه او بروز قیامت دستکارند» .

بشنوی کرد از شعرای قرن ۴ اشعار غزائی در مدح علی با اشاره بجزریان
 غدیر خم و حدیث مؤاخات و منزلت و میسر اید و آنکاه قبول سرپرستی دوازده
 تن را از شروط ایمان و هدایت و سعادت می شمارد. الغدیر ج ۴ ص ۳۵

ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه که بفاصله یکی دو هفته بعد از
 اتمام کتاب گرانقدر بیست جلدی او بغداد بتصرف هلاکودرآمد که مهلت پایان
 کتاب، خود نشانه‌ای از شمول کرامت مولی امیر المؤمنین است - پس از شرح و
 بسط ۲۴ فضیلت از فضائل علی علیه السلام (جلد ۹ ص ۱۲۳) میگوید من این

فضائل را برای رد تهمت دشمنان علی نقل کردم که آنان حضرتش را بکبر و فخر فروشی متهم مینمایند. (ص ۲۸۴ گذشت)؛
 باینکه علی بواسطه تقریبی که بر رسول خدا داشت و از فضائل زیادی که دارا بود، اگر با آسمان میرفت و بر فرشتگان و... فخر میفر وخت جای سرزنش نبود. بلکه باز هم حق بجانب او بود، با همه این مقام رفیع، از او کبری دیده نشد... از همه مردم؛ اخلاقش لطیفتر، طبیعتش کریمتر، حلم و خضوعش بیشتر و چهره اش بشاش و گشاده تر بود. تا حدی که گروهی حضرتش را بمزاح متهم نمودند که این خود میرساند که نسبت فخر و کبر بآن حضرت دادن صرفاً جنبه تهمت داشته است. زیرا کبر و مزاح در يك آدم جمع نمیشود! این دانشمندان مقاله خود را با آیه ۳۵/۱۰ ختم میکنند که خدا میفرماید آیا سزاوار است که این چنین صاحب فضیلتی رهبر و پیشوا باشد؟ یا ...

همین دانشمندان سنی ضمن بحث و تشریح تدابیر جنگ و مملکتداری علی ع بنقل از بزرگان دیگر همچون ابو جعفر نقیب بصره میگویند سیاست آنحضرت بر مبنای و مجرای سیاست خود پیامبر صلی الله علیه و آله منطبق بود. (ج ۱۰ ص ۲۱۲) ... باز میگویند تنها علی ع بود که گفت «سلوئی قبل ان تفقدونی» و بخوبی هم از عهد بر آمد. با این توضیح که در طول تاریخ هر کسی جز او همچو ادعائی کرد، از جواب درماند و مفتضح شد. جلد ۲ ص ۲۶۵. (ص ۲۹۳ گذشت)

او در خطبه ۹۰ ج ۶ ص ۳۹۸ دریای بیکران دانش علی ع و زرفای معانی علمی و عرفانی آنحضرت را می بیند که دستایش خدا و وصف آفرینش آسمانها و فرشتگان و خصوصیات آنها و خلقت زمین و حرکت توأم با آرامش آن، سخنرانی کرده و نظر صائب داده است، میگوید نه در جاهلیت و نه در اسلام کسی سخنی بدین پایه فصاحت و عمق معانی نگفته است. و در موارد دیگر کلام دیگران را

در برابر کلام علی، بجویبار باریک معقل بصره در برابر نهر خروشان خدا یا همانند خاک سیاه در برابر لعل و مرجان تمثیل میزند!.

مورخین بزرگ همچون سیوطی، ابن هشام و حاکم و ابن شهر آشوب در شأن نزول آیه ۲۵/۳۳ کفی الله المؤمنین القتال .. میگویند عمرو و عبود با غرور و نخوت اینکه در جزیره العرب همچو پهلوانی نیست از خندق گذشته تا نزدیکی خیمه پیامبر پیش آمد و مبارز طلبید. سکوت مرگبار بر سر اصحاب سایه گسترده بود. پیامبر از هر کسی از اصحاب میخواست که بمیدان عمرو و برود پاسخ عجز و بیم مرگ می شنید. تا اینکه علی ع رفت و سر عمر و رایش پای پیامبر افکند ... پیامبر فرمود یا علی بشارت باد ترا که اگر عمل امت را تا روز قیامت با عمل امر و زتو مقایسه کنند، عمل تو برتر خواهد بود. ینابیع الموده ص ۹۶ باختصار.

در همین جنگ بود که خواهر عمرو و بر سر جنازه برادر آمده از دیدن اینکه آنحضرت دست بکمر بند زرین او نزده است گفت برادر آمده بودم مویه کنم اما می بینم سزاوار گریه نیستی چون در دست مرد کریم کشته شده ای - از اینجا فرق وسعت و رفعت پایگاه کرامت علی ع و آن یاران پیامبر را که بر - خلاف ناتوانیشان، حرصشان زبانه میکشید و افسوس میخوردند که علی چرا کمر بند زرین را بر نداشته است، میتوان بخوبی تمیز داد!

در انتظار تداوم انقلاب اسلامی و سپرده شدن آن بدست مهدی و دیدن کرامت علی گونه او! (خط رابط را در ص ۲۱۰ بخوانید)

ابو محمد بن شیخ صنعان میگوید «نهج البلاغه علی، نور الهی و مشعل هدایت و کلید خزائن و اسرار و رموز است» (برگزیدگان خدا ص ۷۶
مرحوم شیخ محمد عبده مفتی اسبق مصر که بر حسب تصادف، از راه آشنائی

با سید جمال‌الدین اسدآبادی بگنجینه نهج البلاغه راه یافته و در مکتب شاگرد علی یعنی سید جمال بمقامی رسیده که روز ورود او بممالک شمال آفریقا را سرآغاز نشر اسلام در آن نواحی میدانند، میگوید «در میان عرب کسی نیست جز اینکه معتقد است سخن علی ع بعد از کلام خدا و رسول شریفترین و بلیغترین و جامعترین و پرمعنیترین سخنان است» آنگاه در قسمت دیگر میگوید قطع نظر از سخنان علی، بطور کلی روح علی ع يك روح وسیع و همه جانبه و چند بعدی است. علی همواره... بداشتن این صفت ستایش شده است. او زمامدار است عادل و مهربان و رقیق القلب. فرماندهی است لایق. عابد است شب زنده دار که در محراب عبادت گریبان و در میدان جنگ خندان است. علی خطیبی است ژرف اندیش... بطور خلاصه علی هم خطیب، هم معلم، هم مفتی، هم کشاورز، هم نویسنده است. انسان کاملی است که بر همه دنیاها روحی بشریت احاطه دارد (اقتباس از سیری در نهج)

احمد حنبل رئیس فرقه حنبلی میگوید علی ع نخستین مردی است که ایمان آورده... همین... روح... در قسمتی از سخنان خود میگوید شخصی با تعجب بابن عباس گفت علی چه فضائل و مناقب عالی دارد؟! کمان میکنم فضائل او بسه هزار برسد ابن عباس جواب داد چرا نکفتی بسی هزار؟!.

علامه مصطفی نجیب استاد دانشگاه الازهر مصر در کتاب «حیات اسلام» درباره علی ع مطالبی میگوید که گوشه‌ای از آن اینکه، علی بزرگترین شخصیت علمی مکتب اسلام بود - نطق و شجاعتش شهرت داشت - کارهایش از روی قوانین خدا و برای خدا بود - از سیاستی که معاویه‌ها داشته و دارند بیزار و دوستار عدالت و حقیقت بود - دانشمندان یهود و نصاری او را بعنوان فیلسوف بزرگ، دوست میدادند (نهج البلاغه انگلیسی)

دکتر وردی نویسنده بزرگ عراق در تجلیل از علی ع و شیعیان آنحضرت میگوید « در نهضت استقلال عراق دیده نشد که علمای اهل سنت در مقابل استعمار انگلیس قدم علم کنند. بکشند یا کشته شوند ولی رهبران شیعه در صف مقدم جبهه جنگ بودند» (اقوال الائمه ج ۵ ص ۶۷)

همین دانشمند در جای دیگر، نهر اسیدن علی از کفار مهاجم و خوابیدن در رختخواب پیامبر در شب هجرت را که تنها از او ساخته بود بدیده تحسین و تعظیم مینگرد.

شکیب ارسلان که از فرط مهارت در فن نویسندگی بلقب امیرالبیان مشهور شده است در مجلسی که با افتخار او در مصر تشکیل شده و یکی از سخنگویان گفته بود « دو نفر در تاریخ اسلام پیدا شده اند که بحق شایسته اند امیر سخن نامیده شوند، علی و شکیب ارسلان» شکیب با اظهار ملالت از مدح او بر خاسته پشت تریبون قرار میگردد و از دوست خود گله میکند و میگوید «من کجا و علی کجا. من بند کفش علی هم بحساب نمی آیم» (سیری در نهج ...)

ابن معتوق از آزاد اندیشان مصر رحمة الله علیهم، در دیوان خود پس از نعت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد مدائح ائمه حق میشود و آنها را دریا کی و طهارت بآب زلالی که از ابر میچکد تشبیه مینماید. در بیت دیگر می گوید اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسانی هستند که خداوند قبل از خلقت، از همگان درباره ولایت آنها عهد و پیمان گرفته است.

عبدالله بن عمر درباره علم حسنین گفت آنها علم را از جد خود همچنانکه جوجه، غذا را از کلو گاه مادر اخذ میکند اخذ نموده اند. فضائل خمه

شخصی به عمر بن سعد رئیس سپاه ابن زیاد؛ در کر بلا اعتراض کرد که این همه لشکر برای عده قلیل چیست؟ جواب داد در میان اینها حسین و عباس هستند که

هر نیروئی در مقابل آنها اندکست! حیات حسین .

یزید حضرت سجاد را که با سارت بشام کشانده بود، برای اینکه حشمت و جبروت خود را با او بنماید؛ او را با خود بمسجد برد... حضرت بگفتار خطیب که یزید را می ستود اعتراض کرده اجازه خواست او هم سخنرانی کند. یزید اجازه نداد اطرافیان اصرار کردند. یزید گفت من اینها را می شناسم. اینها چنانکه باید از علم سرشارند. گروه دستگاران ج ۲ ص ۳۰۲

ابن سعد در طبقات میگوید «علی بن الحسین درست گفتار، حدیثگوی

عالی مقام، خدا ترس و مورد اعتماد مردم بود، اعیان الشیعه ج ۴ ص ۴۱۵

محمد علی جناح که از رهبران بزرگ آزادی هند و پاکستان از چنگال انگلیس بود^۱ میگوید: هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آنچه امام حسین در

۱- برای پی بردن بعمق تأثیر اسلام و فداکاری رجال آن در آزادی شبهه -

قاره هند، کتاب نهضت مسلمانان در آزادی هند... ترجمه آیه الله مجاهد سید علی خامنه ای را مطالعه فرمائید.. تریخ آینده نیز در اشاره بانقلاب اسلامی خواهد گفت: برخلاف اباطیل و نزعیلات دولت آمریکا که از گلوی بنی صدر مرتد بر آمد و از بلندگوهای مستکبران همچون فرانسه پخش شد، مردم مسلمان از شنیدن خبر انفجار بمب و شهادت رسیدن رئیس جمهور و نخست وزیر (رجائی و باهنر) بدون هیچگونه نگرانی ای آنکه رزمندگان بودند در تمام جبهه ها بنام و با احترام آندو شهید، چنان ضربتی بدشمن زدند که دشمن با قبول تلفات سنگین و بجا گذاشتن اسیر و مهمات زیاد بدون در نظر گرفتن اینکه رژیم عراق، اغلب عقب نشستگان را اعدام مینماید چندین کیلومتر عقب نشستند! و آنکه مردم پشت جبهه یعنی مسلمانان تهران و دیگر شهرها بودند جهت تشییع جنازه و اعلام وفاداری بآندو یار امام و امت چنان به خیابانها ←

فداکاری نشان داد، پیدانمیشود. بعقیده من تمام مسلمین باید جهت کسب آزادی از امام حسین سر مشق بگیرند.

← ریختند و ازدحام کردند که حتی روزنامه‌های بیگانه پرست مثل لومائین و امانیته نتوانستند پنهان کنند و ناچار اعتراف نمودند که دولت جمهوری اسلامی چنان در قلب ملت خود نفوذ دارد که با انتشار يك خبر، مردم را بخوابانها میکشاند و این نشان میدهد که دولت از پشتیبانی اکثریت مردم بهره مند و این بمبگذاران و آشوبگران عده‌ای قلیل و ناجیز میباشند.

توضیح اینکه نخست . شاخه لندن منافقان خلیق (ص ۲۹۷ ک) افتخار بمبگذاری را بعهدہ گرفت! ولی بعد که این جنایت آنها بزبان آن ازدحام شکوهمند مردم و نیز از طرف ملل جهان محکوم و تقبیح شد و پرچمهای هند و انساندوستان دیگر بحال نیمه افراشته درآمد، رجوی رئیس منافقان، از ترس تنگ و رسوائی در قبول آن به «چون و چرا و اما و اگر» متشبث گردید. دیگر از دو روئیا یا شاهکارهای مسعود رجوی، اینکه آدرس همفکران خود مثل محمد حنیف نژاد و حتی کروکی منزل بدیعزادگان را بساوک داد، آنها اعدام شدند و این جناب از اعدام رست!.. رجوی بعد از آنکه دو سال مخالفت خود با ولایت فقیه را درسینه خود پنهان نگاهداشت سرانجام در فرانسہ از پشت بلندگوی مستکبران آنرا بخوش آیند ارباب بزرگ، بسمع امثال خود رساند. نیمه شهریور شصت

توضیح دیگر اینکه برخلاف آرزو و مصاحبه بنی صدر و ارباب او، در مقابل سانحه‌ای باین بزرگی که باصطلاح آبی از آب تکان نخورد و این نیز بیرکت وجود ولایت فقیه و امام بود که مردم در طوفان حوادث، با داشتن کشتیبان نوح - گونه آرامش خود را حفظ مینمایند!

لیاقت علیخان شخصیت بزرگ جهانی میگوید روز عاشورا یکی از حزن آورترین روزهاست... شهادت امام حسین در عین غم انگیزی موجب فتح نهائی بود زهری میگوید من پر هیز کارتر از علی سجاد ندیدم - نورالابصار و مکتب تشیع عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی از اطرافیان پرسید «امروزه شرافت و فضیلت از آن کیست؟» هر يك تملق و مداهنه‌ای کرد که خلیفه روی درهم کشیده و گفت «فضیلت و شرافت از آن علی بن الحسین است». زقدگانی امام

عبدالله عطا دانشمند بزرگ، سرگذشت دیدن حکم بزرگترین دانشمندان عصر، در محضر حضرت باقر را چنین توصیف میکند «کسیرا مثل او که در محضر امام باقر همانند بچه دبستانی محقر بود، محقر ندیدم». اعیان الشیعه.

ابن حجر در صواعق میگوید امام باقر گنجینه حقائق احکام، معارف، حکم و لطائف بود. منبع فوق

هشام خلیفه اموی حضرت باقر را بدمشق و از آنجا باصره آمد بمیدان تیراندازی کشاند و از دیدن مهارت او، تحت فشار افکار حاضران ناگزیر زبان بتحسین گشاد (ص ۲۲۳ گذشت. تفصیل را از کتاب امام صادق یک شخصیت تاریخی ص ۶۴ بخوانید)

امام باقر در این سفر پس از مراجعت از دربار بجمعی از نصاری رسید که دانشمندان با عالمی بزرگ بحث مینمودند - حضرت نیز پیش رفته با آن عالم بزرگ بمنظره پرداخت. سرانجام آن عالم از دیدن کمال علم امام بقولی بشرف اسلام نائل آمد، این امر بگوش هشام رسید... او از مرخصی اینکه باو داده بود پشیمان شده بفرمانداران شهرهای سر راه بخشنامه کرد که مبادا بگذارند امام با کسی مرادده کند، مبادا کسی باو چیزی بفروشد! منبع فوق

(اولین سکه در اسلام نیز با استمداد خلیفه از امام باقر و راهنمایی او زده شد)

قاضی بهجت آفندی (ص ۱۲۴ ک) در تاریخ آل محمد ضمن مقدمه مفصلی میگوید بنا بر گفته عبدالله عباس نه سهم از ده سهم علوم بشری پیش علی بوده و آنحضرت در آن يك سهم هم با دیگران سهیم بوده است. و بر طبق آن حدیث که «علم پیامبر کلاً بعلی و از آنحضرت بترتیب بائمه اطهار منتقل شده است» باین نتیجه میرسیم که امام جعفر صادق دریای بیکران علم بوده و نیز باین حساب که یادداشتهای یکی از شاگردانش (جابر بن حیان) بالغ بر پانصد رساله میباشد، مجموع یادداشتهای چهار هزار شاگردان او در انواع علوم بچند میزان خواهد رسید خدایمیداند. (صادق از فرصتی که از تنازع بنی امیه و بنی عباس بدست آمده بود برای نشر اسلام استفاده نمود) قاضی بهجت بدنیال این مقدمه، از زبان بایزید بسطامی، عارف مشهور نقل میکند که گفت به نود و نه استاد کامل خدمت کردم هر گاه امام صادق را ندیده بودم بی ایمان بقبر میرفتم.

این مرحوم در ادامه سخن خود، گفتگوی دو نفر از مشاهیر اهل تسنن را با مقدمه‌ای چنین نقل میکند.

منصور، ابوحنیفه را بتأسیس دیوان قضا امر نمود. او نپذیرفت. ابو یوسف که از شاگردان نزدیکان او بود علت را جویا گردید. ابوحنیفه گفت احکام شرعی بحر عمیق است. ابو یوسف گفت امواج بحر عمیق را با کشتی علم می‌توان شکافت. جوابداد کشتی علم تنها خاندان پیامبر و امروزه جعفر است.

سیزده قرن قبل از اینکه بشر در کره ماه پیاده شود و حرکت وضعی و انتقالی زمین را مورد تحقیق قرار دهد امام صادق آنرا بیان کرده بود و این میرساند که آنحضرت به نیروی جاذبه و دافعه اجرام سماوی نیز آشنا بوده است... وجود او کسیرن در هوا و ایدرژن در آب را امام بیان فرمود... و دهها رموز علمی دیگر که امروزه علمای غرب تأیید میکنند، آنحضرت مصدر و منبع همه

علوم بوده است ... امام چیزهایی را ادراک میکرد که دیگران قادر بادراکش نبودند و چشمش چیزهایی را میدید که دیگران نمیتوانستند به بینند. صفحه ۱۲۰ و ۲۶۷ کتاب مغز متفکر جهان شیعه، جعفر صادق ... ازمرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ فرانسه

ابوحنیفه رئیس مذهب حنفی میگوید: منصور خلیفه مراوا داشت در حضور بزرگان، مسائل بفرنج علمی از امام صادق پرسم تا نداند و شرمسار شود. چهل حدیث پرسیدم جواب گفت و ما را در دریای حیرت فرو برد! من فقیه تر از جعفر ندیدم. امام صادق يك شخصیت ص ۳۲۷ و ۴۲۰ و ص ۱۸۱ گ

فرید وجدی در دائرة المعارف میگوید جعفر بجهت صدق کلام بصادق مشهور شد. یکی از شاگردان او جابر بن حیان بود که او در علم کیمیا (شیمی) و جبر، مقالات مفید دارد. جابر در هزار صفحه کتابی نوشت که متضمن اقوال جعفر بود عليه السلام

در زمان هادی خلیفه عباسی خواستند کعبه را توسعه دهند بعضی از صاحبان خانه های مجاور، حاضر بفروش خانه نشدند. همه درمانده بودند. خواه و ناخواه با اجازه خلیفه، مسئله را از امام موسی کاظم پرسیدند. آنحضرت فرمود قرآن میگوید در آن بیابان، اولین خانه ای که بنا شده است، کعبه میباشد یعنی خانه های دیگر طفیلی کعبه میباشند. حالا که تراحم بمیان آمده است باید قیمت متعارف بگیرند و عقب نشینی کنند. خلیفه از این علم و استدلال متحیر ماند و تحسین نمود. زندگانی امام موسی کاظم عليه السلام

مأمون قتل میکند در رکاب پدرم در راه مکه بمدینه رسیدیم همینکه موسی کاظم را که بدیدنش می آمد، از دور دید ما را امر نمود استقبالش کنیم. زین اسبش بگیریم. موقع مراجعت اونیز همین دستور تکرار شد. بعدا پرسیدم

این که بود؟ پدرم جوابداد: این، پسر پیامبر، حجت خدا یگانه دهر و صاحب واقعی این مسند میباشد! گفتم اگر این مسند مال اوست چرا رد نمیکنی جوابداد «الملك عقیم اگر تو که نور چشم منی چشم طمع بخلافت من دوخته باشی رشته حیاتت قطع میکنم»

مؤلفین کتاب مکتب تشیع (شماره ۲) که بچهار زبان انتشار یافته و شهید دکتر باهنر نیز در تالیف آن سهیم بوده.

از قول چهار نویسنده بزرگ شیعی (ابن حجر، ابن خلیکان، بستانی و شبلینجی) آورده اند که امام جعفر، بمناسبت راستگوئیش بصادق ملقب شد. علم و فضل آنحضرت مشهورتر از آنست که ذکر شود.

در بخش دیگر از این کتاب، از قول صداعی محرقه آمده است که امام موسی کاظم وارث علم پدرش در علم و فضل و کمال و معرفت بود.

بدنبال تشویقی که خلفای عباسی، بمنظور جلب و اشتغال مردم از مکتب اسلام بکتاب فلسفی بعمل آوردند و کتب فلسفی را عبری ترجمه و در دسترس قرار دادند امواج افکار دهری و ضد اسلامی، شهرها را فرا گرفت. ائمه حقیق برای حفظ قرآن لازم دیدند در مجالس بحث شرکت کنند... مخصوصاً مأمون علاقمند بود مجالس بحث در پیش او تشکیل یابد و نظرش این بود که اگر امام رضا فائق آید او سرافراز خواهد بود که چنین دین استدلالی دارد و اگر برعکس شود، خلیفه که از نفوذ امام و روز افزونی شیعه نگران است، خوشوقت خواهد گردید!

در تمام مباحث که بزرگان یهود و نصاری و ستاده پسرستان و زرتشتیان و دهریان تشکیل میدادند، حاکمیت از آن امام رضا علیه السلام بود. در این موارد بود که مأمون زبان بمحسین میگشود و میگفت «آری پسران پیامبر عالم را از

جد خود بارث برده‌اند» نقل باختصار از زندگانی و شهادت امام رضا نوشته احسان بنقل از عقدالفرید)

سید محسن امین در اعیان الشیعه ج ۱ ص ۳۲۸ بنقل از دیگران می‌نویسد از حضرت رضا هیجده هزار مسئله پرسیدند همه آنها را بلافاصله جواب داد... مأمون از رجاء بن ضحاک که او را مأمور دعوت یا جلب امام رضا نموده بود پرسید در عرض راه او را چگونه دیدی؟ جواب داد هر چه می‌پرسیدند جواب می‌گفت. مأمون گفت « این علی حالا بهترین و داناترین بندگان در روی زمین است !

مأمون در سر راه شکار خود حضرت محمد تقی را که تازه یتیم شده بود در کنار اطفالی که بازی می‌کردند دید. سؤالاتی کرد جواب‌هایی شنید که خیلی اعجاب انگیز بود. لذا گفت تو راست می‌گوئی پدرانت هم راستگو بودند... کم‌کم این تجلیل بآنجا کشید که مأمون او را بدربار آورد و دختر خود با او داد... بزرگان عباسی اعتراض کردند. گفت من این خانواده را می‌شناسم اینها در تمام فضائل سر آمدند. اگر باور ندارید مجلس بحث ترتیب دهید. تا معلومتان شود که در علم اینها کمی سن تأثیر ندارد !..

جلساتی ترتیب یافت و بزرگترین دانشمندان شرکت کردند و بفرنجی‌ترین مسائل را مطرح نمودند. امام علاوه از این که همه سؤالات آنها را پاسخ گفت، نقص سؤالات را نیز گوشزد فرمود که همه متحیر ماندند... خود مأمون هم که ادعایش ثابت شده بود از فرط شادی در پوست خود نمی‌کنجید و می‌گفت « این شخصیت بزرگ که به ظاهر کودک است امروزه عالم عدیم النظیر می‌باشد. منبع فوق باختصار .

پس از شهادت امام محمد تقی علیه السلام خلیفه وقت بصوابدید بزرگان دربار،

فرماندار مدینه را مأموریت داد تا مانع مرآده فرزند او علی النقی با شیعیان شود. بفرمان او، معلمی، علی النقی را در خانه‌های جای داد و در برب رابست ... همینکه خواست درس قرآن را آغاز کند، دید او بهتر از معلم می‌داند هر سؤال علمی بعمل آورد، او را دریای مواج یافت ... کلیدها را رد کرد و گفت من باید از او تحصیل علم کنم!.. اثبات الوصیه مسعودی. ارشاد مفید

گوشه‌ای از علم امام حسن عسکری و پدرش در ص ۱۴۸ و ۲۲۹ و ۲۳۲ گذشت

در پایان این بحث ، لازم بتذکر است که همچنانکه برای خورشید و ماه حد و مرزی نیست و آنها مخلوق فیاضی هستند که انوار روحبخش خود را بهمه جا میکسترانند و در نتیجه همه ذرات بخصوص نبات و حیوان بزبانحال سخن از عطایا و مواهب بیهضایقه آنها میگویند ، و نیز همچنانکه قرآن و محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنام پیام آور جهانی همانند ابر رحمت ، حدود و ثغور جغرافیائی را پست سر - گذاشته انسانها را تحت تعلیم و تربیت خود قرار میدهند ، همچنانکه علی عیشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همچون ماه تابیدن گرفته جامعهها را از فیض رهبری بر خوردار مینماید. و اگر چه تا کنون ابرهای کینه و تعصب و استعمار تا آنجا که توانسته سد راه خورشید و ماه شده اند مع الوصف عالم مطبوعات ، شخصیتهای بزرگی را می شناسد که در سرتاسر جهان از هر کیش و آئین و ملیتی ، زبان بمدح و تعریف آنان گشوده اند . که نام پاره ای از گویندگان و نویسندگان غیر اسلامی که حضرت رسول را مدح گفته اند در الغدیر - محمد در نظر دیگران - اسلام از دید گاه غرب - و اسلام از نظر و لثرو و آمده است

همچنین راجع بحضرت علی علیه السلام مدایح زیادی از روانشادان ، دانشمندان غیر اسلامی در الغدیر (جلد سوم) و کتب دیگر موجود می باشد که نظم و نثر پاره ای از آنان از هزار بیت وسطر میگردد و بعضاً کتاب مستقلی را تشکیل میدهد . که از جمله آنها قصاید علوی عبدال مسیح انطاکی در ۵۴۷ صفحه - اشعار تحلیلی استاد بولس سلامه قاضی بیروت شامل بیش از ۳ هزار بیت در ۳ جلد - کتاب صوت العدا له الانسانیه استاد و روزنامه نگار ، جرج جرداق مسیحی در ۶ جلد چند هزار صفحه ای - علی مشعلی و دژی تألیف استاد کتانی - علی خداوند شمشیر و قلم تألیف دانشمند آلمانی و می باشد.

شاید کسانی بگویند علی خورشید است که خود معرف عظمت و فیاض

بودن خود می باشد و بتعریف این و آن احتیاجی نیست .

که در جواب گفته می شود با این وجود، خود رسول اکرم ص آفتاب بزرگی بود که نسبت بجهان غرب قرنها در پس ابرهای غرض و استعمار مستور مانده بود تا جایی که ولتر فیلسوف فرانسوی ابتدا در آثار قلمی خود نسبت بآنحضرت، ناروا میگوید بعد که بتشویق ناپلئون و دیگران حضرتش را بیشتر می شناسد، میگوید من نسبت بمحمد ناسزا گفته ام - خیلی ناسزا گفته ام!! (اسلام از نظر ولتر) یعنی همچنانکه وصف حضرت محمد بوسیله مسلمانان بسمع مردم رسید و کم کم مردان منصفی مثل کارلایل و جان دیون پورث (مؤلفان کتاب قهر مانان و عذر تقصیر به پیشگاه قرآن و محمد) پیدا شده دامن همت بکمر زدند و تا حد مقدور موانع را از پیش زلال اسلام برداشتند.

همچنان هم در زمانی که امیر یالیسم آمریکا و سایر دشمنان شیعه مخصوصاً پس از پیدایش جمهوری اسلامی از هر طرف می تازند و حقائق را معکوس جلوه می دهند سعی مینمایند تا قدرت روحانیت شیعه را تضعیف و انکار نمایند.

در زمانی که ۱۴ قرن بعد از جنگ احزاب، این دفعه هم مکتب علی و فرزند او امام خمینی در برابر احزاب کافر جهانی واقع و دانشجویان مسلمان شیعی در ممالک آمریکا، کانادا، انگلستان و فرانسه و و بهنگام ادای نماز مورد هجوم و ضرب ساوا کیهای فراری قرار می گیرند!

در زمانی که افسران و ساوا کیهای فراری، کشتی ایران را می دزدند و دولت فرانسه برخلاف تمام موازین بین المللی از تحویل آنها بایران خودداری مینماید - در زمانی که دولت فرانسه برخلاف قرارداد فی مابین دولتین بجای تحویل دادن بنی صدر خائن و جانی، یاره گوئیهای او را بر علیه دولت پیرو و منتسب بعلی پخش مینماید!

در زمانی که شیخ عبدالحمید کوشک روحانی مجاهد مصر بجرم حمایت از جمهوری اسلامی ایران توقیف و با بیش از هزار و پانصد نفر از مسلمانان روانه زندان میشوند .

در زمانی که سید محمد علی رجائی آنکه از یتیمی به یتیم نوازی رسیده ، آنکه بقول خودش از دستفروشی و همافری و معلمی و صدارت بریاست جمهوری نائل شده ، آنکه با اعتراف ۳۵ میلیون ایرانی ، هلی ترین و محبوبترین رئیس جمهوری در میان تمام جمهوری های دنیا بوده با نخست وزیر و رئیس شهر بانی (سرهنگ و حید دستگردی و عده ای از کارمندان نخست وزیر و دفتریان و ...) با بمب آمریکائی که منافقان یا پیکاریها و فدائی اقلیت یا کمونیستهای دوستار امپریالیسم !! کار میگذارند ، ولی اعتراضی از حامیان حقوق بشر شنیده نمی شود!

در جهانی که طلبه های دستخالی ، باشاده طاغوت از تبریز بقم میرود و در مدتی کمتر از ربع قرن ، از برکت «سهم امام» ثروت و تمکنی دست می یابد که صاحب چاپخانه و کارخانه می شود که در دامادی فرزندی، برای پذیرائی بعد از ولیمه ، سبدهای موز با تریلی بمنزلش سرازیر میشود و این خود این نگرانی و سؤال را برمی انگیزد که این مستغلات و این بیش از ده اطاق مفروش باقالی های پر قیمت و این سفره رنگین را با خانه ساده و سفره خالی علی ع که این بزرگوار دعوی نیابت آنحضرت را میکند چه نسبت است؟! ..

(گذشته از اینکه بموجب نص صریح آیه ... آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ۵۹/۴ .. اطاعت از حکومت اسلامی ، واجب و مخالفت با آن ، مخالفت با قرآن و خدا بود) در زمانی که بگشته شدن نگهبانی در بام آقای شریعتمداری (حامی حزب خلق مسلمان برای منازعه با دولت اسلامی) یا بگشته

شدن معممی در راه بازگشت از منزل مشارالیه که آنهم معلوم نبود این دو قتل با اشاره خودی یا غیر خودی بود، احمد علیزاده لیدر همان حزب میگوید «اگر موئی از سر آقای شریعتمداری کم شود ایران را ویران میکنیم» و بدنبال آن اشرار از تبریز و نقاط دیگر بقم میریزند و میزنند و می شکنند ولی در مقابل همه روزه چندین نفر از پاسداران و کارگزاران صدیق اسلامی و همچنین از ژاندارمها و عشایر و رزمندگان و علمای متعهد، بسلاح و بمب کشته میشوند^۱ و سکوت بمعنی رضا در همه جا حکمفرما میشود!

۱- انتظار میرود عذر مؤلف در پیشگاه ارواح پاک شهدا و بازماندگان آنها پذیرفته شود که نتوانست، اسم همه را پیدا و در این مختصر درج کند. با اینحال با اهداء سوره الحمد بهمه آنان؛ از محضرشان استبجازه میشود تا نام مشاهیری از آنان بعنوان سمبل و سر حلقه یا یکی از هزاران سرباز شهید که در آینده، مردم آزاده از شناخت آنها، نسبت بادامه راه سعادت آفرینشان، تشویق و در عین حال، مزدوران استعمار از شنیدن نام آنها که در بوستان محمدی چه گلهای معطر و چمن آرائی را پرپر نموده اند، رسوا و متزلزل می شوند، و نیز بامید بر خورداری از شفاعتشان که مخصوصاً از دوستاران امام، گروه گروه را از جهنم آزاد خواهند نمود در اینجا نقل میشود. شهادتی که نسخه ثنائی باران علی و حسین علیهما السلام بودند (امثال حجر، رشید، میثم تمار، جعفر، عون - قاسم - زهیر و مسلم ..)

توضیح اینکه همه اینها آیات و حجج اسلام بودند اعم از اینکه ملبس بلباس روحانیت بودند یا غیر آن. درسنگر مجلس اسلامی و دولت و قوه قضائیه بودند یا جبهه غرب و جنوب و مسجد! - از نیروی دریائی و هوائی بودند یا زمینی و گروه نامنظم دکتر چمران. با این وجود نخست از معممین محترم که با ←

بر هر مسلمانی واجب میشود بهر وسیله شرعی، چهارده معصوم علیهم السلام را که یکی پس از دیگری برای بازستاندن قدرت و تشکیل دولت عدل و به نوا رساندن بینوایان، مثل کسیکه راهزنی مال او را غصب کرده باشد و او قدم بقدم

← عزیمت بمیدان، اثبات نمودند که مصداق فرمایش امیر المؤمنین هستند که هر چه در فضیلت شرکت در جهاد بدیگران گفتند؛ اول خود بآن عمل نمودند و بقاء الله پیوستند.

آشوری، شیخ ابوتراب - آل طاهر - ابوترابی - اعلمی، محمد - احمدی پناه، علی - اسلامی، قاسم - اکبری، علی - انصاری، نصرت الله - اوسطی، علی - باغانی، علی اصغر - باقری شاهرودی، محمد حسین - بزازی، ابوالقاسم - بخردیان - بهشتی نژاد، حسن، با طفل معصوم - بعثی، عبدالله - بهبودی، محمد - تبریزی، سید احمد - توحیدی، در آبادان - ترور شد - توانا - پیریمی، محمد حسن - جلالی زاده با فرزند بر زمین از اهل سنت - جمی، در جبهه آبادان - حسینی بهشتی، دکتر محمد - خضری، محمود - خمینی، مصطفی - دانش، غلامرضا - دانشجو، عبدالرحیم، امام جمعه - دیباجی، مؤسس دو صندوق قرض الحسنه در تهران، با دو فرزند بنامهای سید محمد و سید علی، بهنگام خروج از مسجد، بعد از نماز مغرب - رحیمی، سید فخرالدین - روحبخش، سید محمد - رودباری، سید یونس اولین شهید انقلاب در مسجد فیضیه قم - زارع، محمد حسین - شمس فریدنی - شیرازی شهید در عراق بدست صدام - صادقی؛ محمد حسین - دکتر صادقی - صدر، محمد باقر و خواهرش زیر شکنجه صدام - طباطبائی نژاد، سید نورالدین - طیبی؛ محمد حسن - عبدالحی، کریم - علم الهدی، سید حسین - غرویان، عبدالحمید - غفاری؛ حسین - غفاری، عبدالله - فیض بر مولوی، از اهل سنت - قاسمی، عبدالوهاب - قدوسی، علی، دادستان کل انقلاب شهید انفجار بمب و فرزند او مهندس حجة الاسلام محمد - ←

پشت سر او فریاد بر آورد و افشاگری کند، حقائق را گفتند^۱ و خود و اصحابشان بشهادت رسیدند، بمستضعفان و تشنگان عدل معرفی نماید زیرا از دیاد دوست و مسلمان صدیق از هر ملتی باشد، باعث تقویت حق و ظهور دولت عدل مهدی

← قریشی، سید کاظم - کامیاب - کریمی. عماد الدین - کشائی، ستار - محمدی زنجانی، یعقوبعلی - مدنی، سید اسدالله - مطهری، مرتضی - مفتوح، محمد - منتظری، محمد - موسوی زنجانی، عبدالقادر - مهدوی که در سقز ترور شد - ناصری، علی اصغر - ناطق نوری، عباسعلی - نورالدینی، سید علی - وزین، شعبانعلی - هاشمی، سنجابی - جهانبخش، علی اکبر - قاضی طباطبائی، محمد علی .. اینهم نمثالی از شهدای غیر مابس بلباس روحانیت. از نماینده مجلس، استاد دانشگاه، دانشجو، نظامی، پلیس ژاندارم، همافر، پاسدار، بازاری، کسبه و معلم و عشایر، کرد پیشمرگ، بلوچ و (شهادت ۲۷ نماینده از روابط عمومی مجلس) آیت، دکتر حسن نماینده مجلس خبرگان و مجلس اسلامی که اولین دفعه پرده از روی مأمور آمریکا بودن بنی صدر برداشت و سرانجام هم بدست مزدوران آمریکا ترور شد - اجاره دار - اخباری، سروان خلبان - ادیبان فاتح - اسدالله زاده - اکبر نژاد، قنبر - اکبری، حسین - امین زاده - امینی، هادی - ←

۱- همینکه هارون الرشید بحضرت موسی کاظم گفت حدود فدک را که گذشتگان از مادرت فاطمه علیها السلام غصب کردند تعیین کنید تا بگویم مسترد شود جواب داد حدود ملک ما که غصب شده است همان حدود تمام ممالک اسلامی میباشد که امروزه در دست تست. برای استحضار از علت حبس و یا شهادت اصحاب ائمه مثل معلی بن خنیس و هشام بن حکم و جابر جعفی و و که افسران رازدار ائمه بودند باصول کافی و بحار و امام صادق یک شخصیت تاریخی ص ۲۸۹ و ۳۵۰

مراجعه فرمائید

خواهد بود، لذا با امید توسعه هر چه بیشتر مکتب علوی، به تبعیت از الغدیر، جمله هائی از ائمه شناسان غیر مسلمان در اینجا نقل و بضرورت، خواننده را بعمل سفارش استدلالی استاد مطهری که درص ۲۵۰ گذشت ارجاع مینمائیم. استادیکه همچون رئیس مظلوم مذهبش امام حسین علیه السلام که بابصدا در آوردن بوق و طبل در کربلا

← ایچی، سعید - پاك نژاد، د کتر سید رضا نماینده مجلس که بایش از ۷۰ نفر در دفتر حزب جمهوری اسلامی با انفجار بمب بوسیله منافق آمریکائی بشهادت رسید. پوربقال، اکبر - پوریوسف، رضا - تفویضی زوارهای - جامی، درخشان - چمران - حسین زاده، علی - حسینی لواسانی، د کتر محمد باقر - حسینی، د کتر شمس الدین - حسینی طباطبای، سید حسن - حسینی زنجانی، سروان... - حسینی میلانی، میر جواد - حمزه نژاد - حنائی نژاد - خدایار باویلی، حسن - خوش زبان - خلیلی، غلامرضا - خرمی، دختر مالا علی از اهل سنت - دانش آشتیانی، محمد حسین - دهقان، علی اکبر - دیالمه، د کتر عبدالحمید - رجائی، سید محمد علی رئیس جمهور - رفیعی، عزت الله - رضائی، حسن - رواقی - زمانی، اصغر - زمانی، هوشنگ - سلیمی، علی اکبر - سلیم فرد - شاهسون - شرافت، سید جواد - شریف طبع قنوتی - شفیع، علی - شکوری، ناصر - شهرامفر - شیرودی - شمس تبریزی دانشجوئی که در آمریکا در دست پلیس بشهادت رسید - شهشهانی، مهندس - صدیقی، فاطمه - طالب زاده، اکبر - طاهباز - طباطبائی نژاد، نورالله - عباسپور، د کتر حسن وزیر نیرو - عبدالکریمی، سیف الله - عراقی، مهدی و حیان - عزیززاده، اسماعیل - علوی، مهدی - فرشیاف، محمد - فلاح، علی اکبر - فهمیده، حسین - فیاض بخش، د کتر محمد علی وزیر... - قلمبر، حمید - قندی، د کتر... وزیر پست - کر کوتی اسکوتی، علی - کچوئی - کلانتری، موسی وزیر راه - مالکی، حبیب - مجیدی، علیمحمد - محمد پناه - محمدی - مرتضوی، عرفان - ←

نگذاشتند صدایش بگوش غافلان برسد ، ... صدای مطهری را هم با تحریم نمودن کتابهایش قطع کردند؛ مبادا منافقان و مزدوران بیگانه پرست بخوانند و بیدار

— معتمدی، غلامعلی - دکتر معیری - مقبلی، ابراهیم - منتظر قائم، وقتی سر هنک خائن، باقری در طبس، برای نابود کردن اسناد آریکائی، هلیکوپترهای آنها را منهدم میکرد، این پاسدار هم در پردهای از ابهام کشته شد. موسائیان، اکبر - موسوی فرد - مولائی، حسن - مهمانچی - نجات الهی؛ دکتر کامران - نجار محمودی - نورعینی - نهاوندی - وجدانی، سروان ... وحید دستگردی - همراه قراملکی - یثربی نژاد - یزدان نیاز، سروان منصور...

گفتنی است که ۱۰ در اجتماع پرشکوه میلیونی تشییع کنندگان جنازه آیه الله مجاهد مدنی؛ امام جمعه تبریز که روز جمعه بیستم شهریور میان دو نماز با انفجار نارنجک منافی در محراب، شهید شده و با شهادت خود همچون شهدای دیگر؛ خون تازه در شرائین انقلاب دمیده بودند و مردم تبریز و اطراف بخیا بانها ریخته و از مجاهدانی که او در عراق و ایران در استقرار جمهوری اسلامی نموده بود قدردانی میکردند. از جمله شعارهایی که در پشتیبانی از مذهب و امام خمینی و اظهار انزجار از آمریکا و مزدوران او بعمل می آمد، این شعارها بیشتر جلب توجه مینمود. مگرامت بمیرد، امام تنها بماند - برای دفن شهدا مهدی بیا مهدی بیا - ایران شده کرب و بلا مهدی بیا مهدی بیا - نماز جمعه ما نماز کربلا شد - محراب خونین جاویدان - تا ابد زنده یاد شهیدان - آنکه بر ظلم شه حمله ور شد - ای خمینی! تو بودی تو بودی - مدنی، مدنی سرور ما بود - اسدالله شیر خدا یار امام بود!

۳ - بهتر است قاتلان شهدا توجه داشته باشند که از سر پنجه انتقام در این دنیا و عذاب آخرت رهایی ندارند. بطوریکه فردای عاشورا، خولی که بامید —

شوند و باین هم کفایت نکرده خود استاد را ترور نمودند تا قلب استعمارگران «شرق و غرب» که از جهاد و رهبری انقلابی او بتنگ آمده بود شاد شود!

← اخذ جایزه اسب تاخته و سر امام حسین را بکوفه رسانده و پس از اندک توقفی در منزل، پیش ابن زیاد رفته بود، بجرم اینکه چرا درنگ نموده است با لگد ابن زیاد از پای در آمد و حارس، قاتل طفلان مسلم همان روز بفرمان ابن زیاد کشته شد... کم کم مختار قیام کرده قتله کربلا را از بیغوله‌ها پیدا و روانه جهنم ساخت و حتی خود یزید بقولی در صحرا بهنگام دور افتادن از همراهان، بدست مجاهدیکه در انتظار بدست آوردن دشمنان امام حسین بود بقتل رسید.

اینک خلاصه‌ای از اقوال روانشادان، ائمه شناسان از ملل مختلف

قبلا سخنی از المبرم که پیش از ولادت علی، آنحضرت راهی شناخت ا
 نبی اکرم بعد از حدیث طولانی راجع بنور واحد بودن خود و علی و تا
 حدی شبیه و هماهنگ بودن ولادت علی با عیسی (این یکی در داخل خانه خدا
 و آن دیگر خارج آن دنیا آمد) ،

از قول ابوطالب نقل نمود که بمرد عابد زاهدی بنام المبرم رسیدم . او
 بدیدن من برخاست و پیشانی مرا بوسید. سپس همینکه دانست من نواده هاشم و
 از تهامه مکه هستم ، دوباره برجسته پیشانیم بوسید ! چون سبب پرسیدم گفت
 ۲۰۹ سال عبادت کردم ولی چیزی از خدا نخواستم . جز اینکه ولی خود را بمن
 بنماید ... تا جایی که حالا میدانم ولی خدا در صلب تست !...

(ابوطالب ... علی را در اندرون کعبه در آغوش گرفته مناجات نمود که
 اسم او را خدا تعیین کند. سرش آواز داد ، اسم او علی است ... (محمد و علی و
 بنوہ الاوصیاء ج ۱ ص ۳۰۳)

حجة الاسلام نجم الدین عسکری در جلد دوم این کتاب حدیث مشابهی
 می نویسد : عابد دعای میکند. از بهشت مائده میرسد. دو نفری میخورند؛ نطفه علی
 منعقد میشود . روز انعقاد نطفه ؛ شهر مکه را زلزله فرا میگیرد . ابوطالب
 می گوید اگر بولایت و امامت فرزندم کردن نهید دعایکنم زلزله فرو مینشیند.
 همچنان نیز میکنند و زلزله ساکت می شود! (پیشنهاد می شود سخت باوران
 نمودهای از عجائب جهان را از ص ۲۵۸ دوباره بخوانند !)

۱- دامق مسیحی از شعرا و دلاوران قرن سوم هجری :

آیا در غدیر خم ، محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ، علی را بپا نهادت و بحاضران نگفت
 کسیرا که من مولای او هستم ، علی فرزند فاطمه بنت اسد مولای اوست ؟ و

آنگاه نگفت که خدایا دوستانش را دوست و دشمنانش را دشمن بدار!؟
 آیا علی نبود که در جنگ احزاب، عمر و را غرقه بخون ساخت؟
 تو یا علی در راه خدا در مقابل تمام عرب ایستادگی کردی. در کار خیر
 از ملامت نهر اسیدی. بعد از محمد صلی الله علیه و آله و سلم از همگان شایسته تر بودی زیرا جاهل
 با عالم یکسان نیست!

۲- زینبا فرزند اسحق ر سعنی موصلی مسیحی:

نمیخواهم از دودمان عدی و تیم (شیخین) بزشتی نام ببرم .. من دوستار
 بنی هاشم. عشقی از علی و قوم او در دل دارم که وقتی از آن سخن بمیان می آید
 خود را چنان می یابم که از هیچ ملامتگری نمیترسم.

می گویند از چیست که مسیحیان و خردمندان عرب و عجم آنها را دوست
 می دارند؟ بآنها جواب می دهم که دوستی آنها در دل همه خلایق، حتی حیوانات
 هم راه یافته است. (مؤلف پزشک مسیحی دیگر برا می شناسد که در مطب خود،
 اگر علویان را بشناسد تکریماً نصف حق معاینه را اهداء میکند)

۳- مسیحی دیگر گوید: علی امیر المؤمنین را عزمی استوار است. جز او
 دیگر را در خلافت طمع داشتن روانیست.

او، از نظر نسب عالی داشتن و اول مسلمین بودن، بر همه فضیلت دارد،
 مسلمانان همه بآن معترفند.

علی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از همگان پرهیز کارتر و باورعتر و شجاعتر و
 برتر بود!

۴- ابو یعقوب مسیحی: این شخص بیدار دل با اشاره بشجره طیبه (در
 ص ۱۸۹ ک) اشعار خود را باین جمله خاتمه می دهد که من از راه دوستی محمد
 و اهل بیت، آرزو دارم فردا بقیامت نجات یابم و با گروه برتر محشور شوم.

هر چهار از ترجمه الغدیر جلد ۵

۵- عبدالملک انطاکی مصری که کتاب ضخیمی در مدح علی نوشته است می گوید: بعقیده اهل یقین، علی مرتضی پس از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مقامی بس بلند دارد که حتی طرفداران فلسفه مادی هم از مقام و بزرگواری او در شکفتند. در سراسر زمین مدح علی با اشعار نغز و دایچسب نقل مجالس است. دل مسیحیان شیفته محبت علی است! بر اثر این محبت، آنها سرود خوانی مینمایند. در خانه‌ها و کلیساها و دیورها پیش کشیشان و راهبان بروتا محبت و احترام همگان رانست بمرتضی علی بشنوی - دلیران ترك و دیلم در هر جنگی به علی و یاد او پناهنده می شوند و تصویر زیبای او را بر شمشیر خود حک مینمایند. ایمان دارند که این کار، پیروزی آنها را تضمین مینماید (نهج البلاغه انگلیسی)

۶- استاد بولس سلامه قاضی مسیحی بیروت، بدیدن کتاب الغدیر بیش از ۳ هزار بیت در مدح علی و اصالت کتاب الغدیر می سراید ..

حجة الاسلام جعفر سبحانی تبریزی، در کتاب فروغ ابدیت ص ۲۸۷؛ شجاعت و شهامت این مرد بزرگ مسیحی را مورد توجه قرار میدهد و می گوید جوان با شهامتی در حجاز، دور از اطلاع ایادی استعمار که نمی گذارند از علی و پدرش ابوطالب و فرزندان آنها سخنی بمیان آید، کتابی بنام «ابوطالب مؤمن قریبش» تألیف و آنرا در بیروت در ۳۴۰ صفحه بطبع میرساند. همین استاد بولس بکتاب مزبور تقریظ می نویسد ... از این طرف؛ این راز بگوش شیاطین سعودی میرسد و جوان، محکوم باعدام می شود... شفاعت بزرگان شیعه از مرگ نجاتش می دهد ... (چنین بنظر می رسد که علاوه از مطامع توسعه طلبی که با ذرات بدن اسرائیل غاصب عجین شده است، دیگر از موجبات بیکار گماشتن دژخیمانی بسرپرستی سرگرد حداد در لبنان و حملات سبعانه بمسلمانان، همان

قطع ریشه اسلام و تشیع می باشد .)

۷- جرج شجاعان جرداق مسیحی در تألیف کرائقدر خود بنام صوت العدالة الانسانیه پس از بحث مفصل در آئین ملکداری ، انساندوستی ، فضائل و مناقب حیرت انگیز علی علیه السلام ، می گوید علی ، خورشید است که بر سراسر زمین کوهها ، بیابانها ، درهها ، بلندیها ، خشکیها ، دریاها یکسان نور میدهد... نویسنده سپس با حسرت و التماس میگوید ای جهان چه میشد اگر هر چه در قوه داشتی بکار می بستی و در هر زمان يك علی با آن قلب ، عقل ، زبان و ذوالفقارش بعالم بشری اعطا می نمودی؟!

علی از وقتی که چشم دنیا گشود مشتاق داد گستری و سنگر دادخواهی بود. بینوایان ورنجبران را بر اداری غمخوار و جباران را صاعقه‌ای مر کبار بود. زبانش شعله آتش بر جان استعمارگران میزد ...

۸- میخائیل نعیمه نو سنده دیگر مسیحی لبنانی در مقدمه ای که بر کتاب الامام علی ، نوشته می گوید :

علی تنها در میدان جنگ قهرمان نبود. بلکه در صفای دل، پاکی وجدان ، جذاییت سحر آمیز بیان ، انسانیت واقعی ، حرارت ایمان ، آرامش شکوهمند ، یاری مظلومان ، عمق اندیشه ، بلندی همت و تسلیم حق بودن ، قهرمان بود. علی با اینکه در عرب وجود آمد و با اینکه اسلام ، چشمه‌های فضیلت را در وجود او بجوش و فیضان در آورد اما او تنها برای اسلام نبود .

اواگر تنها برای اسلام بود چگونه ممکن بود زند کسی افتخار آمیزش روح نویسنده مسیحی لبنان را بیدار و شعله ور سازد تا او بتجزیه و تحلیل بپردازد و کتاب نام آوری بوجود آورد .

در بخش دیگر آثار قلمی این استاد آمده است : زند گینامه علی که

جرج جرداق راجع بآن کتاب نوشته است تصویر زنده‌ای از بزرگترین مرد عرب پس از پیامبر میباشد - اگر ما روح و نظر اصلاح داشته باشیم بسایند دست نیاز بسوی علی دراز کنیم و از حضرتش مدد بگیریم (سیری در نهج البلاغه و منابع دیگر...) سخنان این اندیشمند مسیحی یادآور کلام مولای متقیان است... که میگفت «اگر دین و تقوی نبود من در فراسیاه و احتیال و فکر سرآمد عرب بودم... تحف العقول ص ۹۹»

۹- سلیمان کتانی، مؤلف کتاب (علی مشعلی و دژی) می گوید:

علی خلیفه‌ای بود که بیک پیراهن کرباس و یک نیم تنه وصله داری قناعت نمود - خوراک او در دوران حکومت، مستی جو بود که خود با دستاس آرد می کرد و بصورت نان خشکی در میآورد. نه در کاخ بلکه در ساده‌ترین کلبه‌ای سکونت می نمود.

او مثل سوار تیز تکی که بمیدان جهاد بشتابد، از لذائذ دنیا در گذشت. او دنیا را از نظر اینکه بعضی‌ها آنرا بزرگ می‌شمردند خیلی پست و حقیر ولی از نظر اینکه بتوان بوسیله دنیا به هدف عالیت، تکامل و رضای حق رسید، بس گرامی و مغتنم می‌شمرد!

علی می گفت خدا فرمانروایان عادل را مـوظف کرده که خود را با ناتوانترین افراد تطبیق دهد تا با بسنگین ناداری، مستمندان را نیازارد. یعنی اطمینان داشته باشند که رهبر مملکت هم مثل آنها و بفکر آنهاست!

۱۰- مسیو پول لهوژور فرانسوی استاد دارالفنون پاریس در رساله مختصری که درباره خاتم النبیین علیه السلام نوشته و نیز جرج جیس سال انگلیسی در بخشی از رساله خود که راجع بخاتم النبیین تألیف نموده است. بحديث الدار و اینکه رسول خدا ص علی را در آغاز بعثت بوزارت و وصایت و خلافت معرفی نمود، اشاره نموده اند.

(ص ۱۶۳ ک) (گروه دستگاران ج ۲ ص ۶۰۵)

۱۳- بارون کارادو مورخ فرانسوی می گوید. علی آن شجاعی است که پهلوی پهلوی پیامبر می جنگید - علی اعمال معجز آسای زیاد داشت - علی مورد وثوق پیامبر بود. روزی پیامبر فرمود « هر که رامن مولا و سرپرست هستم این علی مولا و سرپرست اوست ». مقدمه ترجمه کتاب «الامام علی» نوشته عبدالفتاح عبدالمقصود مصری، ترجمه آیه الله طالقانی

۱۴- شبیل شمیل از پیروان ثوری داروین و ماده گرایان ؛ می گوید امام علی بن ابیطالب بزرگ بزرگان جهان ، نسخه منحصر بفرد زمان بود که جهان شرق و غرب در عالم قدیم و جدید صورتی بدان این نسخه که مطابق اصل باشد بخود ندیده است . (منبع فوق)

۱۵- توماس کارلایل انگلیسی گویا از بیم جهانخواران نمیتواند، مستقلاً کتابی در تعریف حضرت محمد و دین او بنویسد لذا ناگزیر در وصف چند قهرمان قلمفرسایی می کند تا نوبت بمحمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میرسد که آنجا از بهترین اخلاص و خدمت فرو گزار نمی شود ... او در جایی می گوید عالم انسانی نمیتواند با علی عشق نوردد زیرا صفات عالی انسانی همچون سیل از وجود علی جاری میشد - شجاعت و دلیری از دلس زبانه میکشید اما شجاعتی که با رأفت و مهر هماهنگ بود. یعنی قهرمانی علی برای اصلاح اجتماع ، شبیه جراحی پزشک حاذقی است که با بریدن عضو فاسد ، بدن را از مرگ حتمی نجات می دهد. در تعریف عدل علی همین بس که اگر عدل او را در یک کفه ترازو داد گری جهان بشری را در کفه دیگر بگذارند داد گری علی برتر خواهد بود - بهنگام نماز غافلگیر و کشته شد (اقتباس از محمد پیامبر شناخته شده ص ۱۲۸ / ۷۸ و ۷۹)

۱۶- جبران خلیل مسیحی می گوید علی بدست عظمتش شهید گردید . در

حال نماز بود که مرگ او را دریافت. علی از دنیا چنان رفت که پیامبران رفتند! علی لبریز از شوق خدا و احدیت بود. اعراب او را نشناختند تا اینکه کم کم همسایگان رسیدند و جواهر را از میان سنگریزه‌ها بر گرفتند. (این سخن این دانشمند، آن تعریف پیامبر را بخاطر می آورد که فرمود، هم میهنان سلمان، دست تشیع بدامنش میزنند...) (منبع فوق)

۱۷- جان دیون پورت مؤلف «عذر تفصیر به پیشگاه قرآن و محمد»

می گوید علی پیش از همه ایمان آورد. محمد همه جا علی را برادر و وزیر و خلیفه خود می خواند.

۱۸- جرجی زیدان مسیحی در کتاب تاریخ تمدن اسلام می نویسد ما که

سیزده قرن با علی و معاویه فاصله داریم چگونه می توانیم آن دور را از هم تمیز دهیم جز اینکه باید گفتار آنها را بررسی کنیم:

معاویه همواره بفرمانداران خود دستور می داد که بهر نحوی است تسلط

خود را بر مردم بیشتر کنید. زر و سیم بیشتر بدست آورده بخزانه بفرستید...

اما علی، در تمام نامه‌ها به عمال خود توصیه مینمود که پرهیز کار باشید. از خدا

بترسید - نماز را بوقت خود ادا نمائید - نسبت بزیر دستان رحم و مروت داشته

باشید. یتیمان و قرضداران و نیازمندان را فراموش نکنید - بدانید که پایان کار،

گذشتن و گذشتن و پیاداش اعمال رسیدن است...

۱۹- پرسسی سیان رئیس منشیان قنصلگری انگلیس در عراق ضمن گفتار

مفصلی از فصاحت و بلاغت لفظی و معنوی نهج البلاغه، می گوید اگر این گوینده

با عظمت امروز بر منبر کوفه قرار گیرد مسلمانان می بینند که مسجد کوفه با

همه وسعتی که دارد از اجتماع مردم مغرب زمین برای استفاده از دریای خروشان

دانش علی، موج میزند! (ماهو نهج البلاغه)

۲۰- امین نخیله دانشمند عیسوی می گوید ... نهج البلاغه را باز کردم
گوئی بدریائی از جواهر وارد شده ام . نمیدانستم از میان آن همه جواهر، کدام
را انتخاب کنم ... کلمات علی اشعه‌ای از نور بلاغت و غنچه هائی از شکوفه های
فصاحت است (منبع فوق)

۲۱- مستر گرنیکوی انگلیسی استاد ادبیات در دانشکده علیگری هند در
پاسخ کسانی که از او درباره اعجاز قرآن پرسیده بودند ، میگوید «حالا قرآن
را برادر کوچکی است بنام نهج البلاغه . آیا کسیرا (غیر از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ) امکان
این هست که همچو کتابی بیاورد ، تا ما را مجال بحث از برادر بزرگ آن ،
قرآن و امکان آوردن نظیر آن باشد ؟ (منبع فوق)

۲۲- مسیودار مستتر دانشمند فرانسوی قرن ۱۹ که درباره متمدنیان و
مشخصات آنها کتاب نوشته است می گوید عصمت و عدالت علی چه در زمان
پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و چه بعد از او، در میان امت اسلامی اعم از دوست و دشمن متفق
علیه بود (پژوهشی درباره قرآن و پیامبر).

۲۳- کاندی بنیانگذار هند آزاد می گوید من زندقینامه امام حسین، آن
شهید بزرگ را بدقت خوانده ام - و بر من ثابت شده اگر هندوستان بخواند
پیروز گردد باید سر مشق حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را بکار بندد

۲۴- پورشوتا از دانشمندان بزرگ می گوید شهادت امام حسین از آن
زمان که طفلی بودم ، در من تأثیر عمیق بخشید. من اهمیت بر یادداشتن مراسم
این حادثه را میدانم ... این فداکاریهای عالم از قبیل شهادت حسین سطح بشریت
را ارتقاء بخشید. خاطره آن شایسته است همیشه بماند و یادآوری شود.

۲۵- گیبون می گوید در طی قرون آینده بشریت و در سرزمین های مختلف
شرح صحنه حزن آور شهادت حسین ، موجب بیداری قلب خونسردترین خواننده

خواهد شد!

۲۶- چارلز دیکنس درباره نهضت حسین علیه السلام می گوید اگر منظور امام حسین جنگ در راه خواسته های دنیائی بود، من نمیفهمم چرا خواهران و زنان و اطفال را به همراه برد. پس عقل چنین می گوید که او فقط بخاطر اسلام، فداکاری کرد.

۲۷- ادوارد براون میگوید اقلیتی پیدا نمیشود وقتی واقعه کربلا را بشنود محزون نشود. عظمت روح حسین را انکار کند!

(این تعریف از ادوارد مأمور سیاسی انگلیس، عجیب است زیرا کارهایی که در اقامت یکساله خود در ایران، در راه تضعیف اسلام راستین و روحانیت آن و تقویت گروه های نو ظهور (بابی، ازلی، صوفی، درویش) نموده از چشم خرد پنهان نیست! ریزه کاریهای کتاب یکسال در میان ایرانیان او و تاریخ ادبیات آنچنانسی او دلیل مدعاست. برای شناخت ماهیت ادواردهای زمان که مخصوصاً مزدوران بیگانه و فراماسونرها تعریف و تمجید شان می کنند، هدایت خدائی و عینکی از تقوی لازم است.)

۲۸- سر فردریک جمس می گوید خلاصه درس امام حسین و هر قهرمان شهید اینست که باید در برابر ظلم ایستاد تا عدالت را احیا نمود.

۲۹- ل. م بوید میگوید در طی قرون، افراد بشر همیشه شهادت، پر دلی عظمت روح و او را دوست داشته اند.

حسین همه اینها را داشت که تسلیم ظلم نشد... اگر چه سیزده قرن از حادثه کربلا میگذرد، من خوشوقتم که پاکستان در روز سالگرد آن، خاطره عاشورا را زنده می کند!

۳۰- واشنگتن ایروینگ مورخ آمریکائی گوید: برای امام حسین ممکن

بود که با تسلیم شدن بیزید ، خود را نجات دهد. اما مسئولیت پیشوائی دین ، اجازه نمی داد. او بمنظور نجات اسلام از چنگال بنی امیه قیام کرد و در روی ریکهای نفقیده جان داد .

هشت فقره فوق از کتاب درسی که امام حسین بانسانها آموخت ، تألیف حجة الاسلام مجاهد عبدالکریم هاشمی نژاد . اقتباس و تلخیص شد .

۳۱- توماس ماساریک مینویسد مورخین ما از کم و کیف عزاداری حسین آگاه نبودند و جاهلانه سخن میگفتند غافل از این که جنبش حسین تحولات نجاتبخشی بوجود آورده که هیچکس بوجود نیاورده است . ترقیات در یست ساله پیروان علی در هندوستان مرهون عزاداری آنها از حسین میباشد . کشیشان ، درباره مصائب حضرت مسیح بسیار سخن می گویند اما اگر میلیونها دلار هم در آن راه خرج کنند بازبپای تأثیر عزاداری حسین نمی رسند . گویا مصائب مسیح در برابر مصائب حسین مثل پر کاهی در برابر کوه عظیم است .

۳۲- موریس دو کبری می گوید اگر نویسندگان ، حقیقت عاشورا را درک می کردند عزاداران را مجنون نمی پنداشتند زیرا عزاداران می گویند به پیروی از حسین نباید زیر بار پستی ، استعمار و استثمار رفت !

ملتی که از کهواره تا گور عقیده حسین را دنبال میکند، بدیهی است که دارای چه عظمت روحی میباشد ... در آسیا اصلاحات بجز از راه مذهب امکان پذیر نیست ... استقلال مسلمانان از برکت جهاد سر بازان است . مسلمانان اگر اتحاد کنند مشرق و مغرب را مطیع خود میسازند!

۳۳- دکتر زوزف فرانسوی در کتاب «اسلام و اسلامیان» میگوید شیعیان زیر بار مظالم معاویه نرفتند .. ترقیات روزافزون شیعه بر اثر شهادت حسین است ...

می توان پیش بینی کرد که عده شیعه در دو قرن آینده بر سایر فرق افزونی خواهد داشت و این بزرگت اثر عزاداری حسین میباشد. اقلماً در هر جای دنیا دوسه نفری پیدا میشوند که نمی گذارند خاطره حسین فراموش شود! عربی را در بندر مارسیل که گریه کنان احسان می کرد، دیدم احسان روز عاشورای مسلمانان بالغ بر میلیونها دلار می شود. (۳ فقره تلخیص از قیام حسین و یارانش).

۳۴- طبیب نصرانی پرسیان پرسیان پیش امام موسی کاظم می آید، همینکه جواب مسایل خود را راجع بدین طبیعت، دریافت می کند بشف اسلام در می آید. اصول کافی جلد ۲

توضیح: هیچ انسان آزاده ای نمیتواند منکر تأثیر دین و نقش روحانیت باشد. چنانکه اگر پرده های غرض در میان نبود، همه عالمیان از زبان خبرنگاران خود دریافت مینمودند که در تمام راه پیمائیها که مثال زنده آنها راه پیمائی عید فطر میدان قیصریه تهران سال ۹۶ و راه پیمائی عید فطر میدان شهیداسال بعد و راه پیمائی تاسوعا و عاشورا از میدان امام حسین تا میدان آزادی می باشد، روحانیان مبارز بدون هر اس از تجهیزات و کشتار در خیما، باقد مردانه خود صف مقدم را تشکیل می دادند و پس از پیروزی انقلاب هم روحانیان بزرگ بودند که مورد انتقامجویی استعمار قرار گرفتند. تاریخ ناظر و فکران را در دانست که در ازای آزادی کشور خود، چگونه از دین و روحانیت تقدیر خواهند نمود. من لم یشکر الناس؛ لم یشکر الخالق.

بدنبال ذکر فضائل اهل بیت از زبان خودی و بیگانه، تاریخ در برابر این نقطه سؤال قرار میگیرد که چرا ائمه اطهار در برابر طاغوتهای زمان قیام نکردند؟!

که در جواب و توضیح این تهمت ، از انجام دو کار زیر ناگزیر می باشیم .
 ۱- سرگذشت پیامبران را از دید گاه قرآن مرور کنیم . ۲- تاریخ زندگی
 ائمه اطهار را که خود در خود تالیف کتب ضخیم و مفصل میباشد مورد مطالعه
 قرار دهیم که ما بضرورت بذکر نمونه‌هایی از آن هر دو اکتفا و سخن را با يك
 مثل و يك مثال عقلی آغاز مینمائیم .

«کارها در گرو اوقات مربوطه میباشند» ...

همچنانکه کشاورز خوب کسی است که موسم بذر را بداند و گرنه بذر -
 افشانی او اگر مصادف با گرما باشد می خشکد و اگر در چله زمستان باشد
 منجمد می شود ، همچنانهم مصالح بصیر و شایسته کسی است که مقتضیات زمان را
 درك کند و گرنه نتیجه معکوس خواهد گرفت !

و اینك این شما محقق گرامی و اینهم حقائق تلخ تاریخ !

ما که پیامبران را آئینه تمام نمای عقل و کمال میدانیم ، با اندك تعمقی
 در حیات آنها باین نتیجه میرسیم که نوحی که شیخ الانبیاء لقب گرفته است در
 عمر طولانی خود چنان از جهل و عناد قوم بتنگ می آید که چاره‌ای جز نفرین
 نمی یابد !

ابراهیم خلیل که مبتکر بت شکنی است ، کسی که در ظلمت خفقان و سکوت
 گورستانی نمرود ، فریاد رعد آسا و در عین حال مستدل او ، مردم را تکان داد و
 موجب شد که بخود آیند و در حقیق رژیم استثمار و استبداد عمیقتر بیندیشند ،
 ابراهیمی که جهت رهاندن حضرت لوط از چنگال ستمگران رومی ، برای
 نخستین بار پرچمی ساخت و صف آرائی نمود ، باقتضای زمان ، چنان دست بسته
 می شود که راه عزلت درپیش می گیرد !

موسی عليه السلام با آن سطوت و صولت که فرعون و لشکر او را بکام دریا سپرد

مجاهدات ائمه در راه احیای حکومت علوی

در اوایل بعثت ناگزیر از فرار شد و در آخر نیز آنگاه که قوم جاهل دعوتش کردند که برای آنها بت بسازد، غیر از مدارای تربیتی چاره‌ای نداشت! موسائی که دیروز فریادش کاخ فرعون را بلرزاند می‌آورد امر و زنا گزیر میشود، در خود داری کردن قوم از جهاد بادشمنان، خون دل بخورد و خاموش باشد!

برادرش هارون که قبلاً نیز شمه‌ای از تاریخ حیاتش گفته شد (ص ۱۷۴ و ۲۷۷) و پیامبری و کاردانی و فصاحت او مورد تأیید قرآنست، چنان در دست جهال در می‌ماند که می‌گوید «مستکبران، ناتوانم کردند و نزدیک بود رشته حیاتم قطع نمایند». حضرت لوط در برابر هجوم قوم که میخواستند نسبت بمهمانان غیبی او، بی‌عفتی روا دارند، دست تأسف بهم می‌فشارد و می‌گوید «ایکاش مرا بر منع شما اقتداری بود...»

عیسائی که از پیش از ولادت بنام نجات دهنده بنی اسرائیل مشهور شده است و توصیه‌اش برای جهاد این میباشد که «شم شیر تهیه کنید...» (انجیل لوقا ۲۲: ۳۸) چنان اسیر ظلم میشود و بقول ویلدورانت، از دست خود فروختگان یهود، عرصه بر حضرتش تنگ میگردد که ناگزیر مهاجرت کرده صبح را در شهری وعصر را در شهر دیگر تبلیغ رسالت مینماید!

حضرت محمد با آن همه علم و ابتکار و سیاست که مورد تأیید همگان میباشد کارش بجائی می‌رسد که بعنوان تاکتیک دیگر شبانه زادگاه خود را ترک و مهاجرت می‌نماید!

حضرت علی با آن همه قدرت و بینش، آنگاه که معاویه بخدعه، قرآن را بر سر نیزه میکند و مزدورانش در داخل لشکر علی؛ تفرقه افکنی می‌نمایند مسئله حکمیت، آنهم حکمیت ساده لوحی^۱ مثل ابوموسی را که عداوت و کارشکنی او

با حضرتش مشهور میباشد با تمام تلخی و مرارت پذیرا میشود!

امام حسن با آن شجاعت بی نظیر که بحق باید او را فاتح جنگ جمل نامید. (پای شتر عایشه را با وجود حراست هزاران جنگاور، قطع و فریبخوردگان را متفرق و منهزم ساخت) باقتضای زمان همینکه دید، حتی سر لشکر و عموزاده اش عبیدالله بن عباس، کیسه های طلای معاویه را گرفت و باو ملحق شد و سرداران دیگر نیز دین را بدینا میفروشتند، بناچار پیشنهاد معاویه، راجع بمتار که جنگ را پذیرا شده بتقویت مکتب پرداخت و معترضان را آگاهی داد که مادام که افشاگری نشود و مردم نیز نگها و عهدشکنی های معاویه را در نیابند، مبارزه مسلحانه با او محال میباشد!

امام سجاد با آن همه شهامت و بیان معجز آسا که حتی در روزگار اسارت، بایک سخنرانی، آنهم در حضور قاتل پدر! بزرگان قوم را از خواب غفلت بیدار و نیزید را ناگزیر از آزاد ساختن اسیران نمود، از نداشتن یار و یاور؛ چاره ای جز این نداشت که از یکطرف قرآن را بصورت دعا بمیان اجتماعات پیرد و از طرف دیگر با افشاگری، پرده از روی جنایات بنی امیه بر گیرد!

امام باقر با آن همه علم و آگاهی بغنون نبرد که در ۲۲۳ گذشت، از نداشتن نیروی نظامی که پس از فاجعه کربلا می توان گفت شیعه از نو بنیانگذاری شده بود، از طرفی بتربیت و توسعه مکتب پرداخت و از طرف دیگر وصیت نمود که برای افزودن بمیزان آگاهی مردم و بارور نمودن شهادت پسر وجد که منتهی بتأسیس حکومت علوی، خمینی شود از تر که او، همه ساله در ایام حج منزلی را در مجامع مهم بذکر مصائب آل علی اختصاص دهند!..

امام صادق با کمال علم و رشادت، علیرغم خلفا، مبارزه را از تعلیم و تربیت آغاز و چون از شاگردان او امثال معلی بن خنیس مورد سوء ظن درباریان قرار

گرفتند ، با آنها توصیه نمود که مبادا اسرار ما را فاش کنید که سخن یکی از شیعیان نمایانگر اصالت و تحریک مکتب میباشد.

آنجا که در جواب شکنجه گر که نام و مقام شیعیان را از او می خواست ، جواب داد بود اگر نام آنها زیر پایم هم باشد باز تا جان دارم آنرا بر نمی دارم و ارائه نمی کنم. (توحید تألیف آشوری ص ۲۹۸ .. این قبیل فشارها و خطرات بود که یاران نزدیک ائمه امثال جابر جعفی و بهلول دانا را مجبور می کرد که برای بقای حیات و خدمات هر چه بیشتر ، احیاناً مدتی خود را بدیوانگی بزنند. (اصول کافی ج ۲ ص ۳۶۰ و امام صادق یک شخصیت تاریخی)

موسی بن جعفر بحدی برای تربیت شیعه و قبضه نمودن قدرت؛ فداکاری و از جان سرمایه گذاری کرد که سرانجام بزندان افتاد و آنجا نیز همینکه شنید هارون بیکی از دو کار خطرناک مصمم شده است ، (قتل عام شیعه یا اعدام رئیس آن موسی کاظم) از خدا خواست خشم هارون را بقتل خود او فرو نشاند و شیعه را برای تشکیل دولت حق محفوظ نگاهدارد. (کافی ج ۲ ص ۹ ترجمه بهبودی)

همچنین ائمه دیگر تا امام زمان که در جهت تأسیس حکومت خدائی علوی فداکاری کردند و بشهادت رسیدند .

... در اینجا اقتضا دارد باز کر گوشه ای از دشمنی زمامداران خود سر با ائمه حق ، برهن سازیم که اهل بیت پیامبر ، از راه مبارزه با ستمگران ، بحدی در چشم سلاطین و استعمار ، خار غیر قابل تحمل بوده اند که حتی دودمان پهلوی امثال کسرویها را بیاد سرائی درباره یازده ائمه کسه سیزده قرن پیش بشهادت رسیده اند ، مأموریت میداد !..

در دبیرستانی ، اخلاق و ادبیات تدریس می کردم ، روزی شاگردی گفت شما و کتابهای درسی ، از خاندان پیامبر ﷺ تعریفهایی می کنید که آقای

کسروی عکس آنها را می نویسد . گفتم شاید اشتباه می کنید ! گفت اینک کتاب او « بخوانید و داوری کنید » .

من آن کتاب را ندیده بودم . با اجازه او ، کتاب را بمنزل بردم تا بخوانم و قضاوت کنم !

آقای احمد کسروی بائمه اسلام افتراها و تهمتها زده بود که کوچکترین آنها متهم بمنزوی گردنشان بود !

مسلماً مورخ بزرگ !! خواسته بود در جهت تضعیف روحانیت شیعه ، از ائمه اطهار که همانند جد اعلای خود ابراهیم بت شکن ، حملات و صدمات مهلك بر بتهای متحرك و استعمار گران فرود آورده اند ، انتقام بگیرد !

روز دیگر که میخواستیم کتاب را پس بدهم متحیر بودم که سخن را از کجا آغاز کنم ! در این اثنا چشم بنوشتهای که با خط درشت بر روی دیگر جلد کتاب چاپ شده بود افتاد « این کتاب برای فروش نیست بلکه بزرگان ، و کلاء ، سفرا و استانداران ، اهداء میشود... از مشاهده جمله مزبور کلید معما بدست آمده بود ! درس کلاس پرسیدم « پدر شما از صنف کدامیک از بزرگان می باشد که کتاب را با اهداء ولی بمن یا رئیس دبیرستان ، نشان نداده اند ؟ » جوابداد از هیچ يك از آنها بلکه کارگر کارخانه است که آنجا کتاب را باو داده اند !

از این تناقض ، که کتاب را برای سفرا نوشته ولی دزدانه در کارخانهها پخش کرده بودند ، میچ دروغگو باز شد !..

شاگردان از امانت قاضی و مورخ بزرگ !! غرق در حیرت شده بودند که من درس را پی گرفتم !...

در طول تاریخ ، انسانهای وارسته و منصف ، کسروی را گرچه مرده باشد

موزد استیضاح قرار می دهند که شما برای تقرب باستعمار و برای مقام و سفره رنگین داشتن، در زمانی برای کوبیدن مکتب تشیع قلم بدست گرفتید که دستگاہ پهلوی باطائف الحیل از قبیل ایجاد کاخ و کانون جوانان و اختلاط نکور و افانک در آنها و ترویج شطرنج و بازیهای مختلف عمر بر باد ده، فرصت مطالعه در تواریخ راستین را از کف جوانان غریزه ربوده بود و کافی بود که از شما بشنوند و سینه بسینه، اٹمہ را با نوزاد طلبی متهم نمایند!

شما امام سجاد را متهم نمودید که بهنگامی که غسل میتش می دادند علاوه از اثر زنجیر اسارت سیاسی، بگردن داشتن؛ روی شانہ اولکہ سیاهی بود که مردم از درک علت آن درمانده بودند. تا اینکه امام باقر گفت « اثر ریسمان حمل شبانہ خوار بار بخانہ مستمندان است .

شما امام باقری را متهم به بیکاری نمودید که او علاوه از رهبری خلق، چنان در مزرعه خود کار می کرد که فضولی، باو اعتراض کرد که اینهمه کار چرا؟ ...

شما امام صادقی را راحت طلب نامیدید که او روح تحریک ب مردم میدمید و باصحاب خود توصیه میکرد که اسرار را فاش نکنید، سه بار نزدیک شده که فداکاریهای ما در تأسیس حکومت اسلامی بشمر برسد که جاسوسان باخبر شده اساس مکتب را کوبیده اند ... هر که اسرار ما را فاش سازد با ما بجننگ برخاسته است (اثبات الوصیہ مسعودی ص ۲۰۸)

شما امام صادقی را متهم نمودید که فعالیتهای آشکار و نهان او با اندازه ای دستگاہ ستم را متزلزل کرده است که منصور، جاسوسان را پول میدهد و در لباس وظواهر شیعه پیش امام و بزرگان شیعه می فرستد تا فردا امام صادق را بیای میز محاکمه بکشد که پولها را در خرید چه نوع سلاح خرج نمودید؟!

شما موسى بن جعفر را متهم نموديد^۱ كه هارون الرشيد با آن قدرت ،
 ميگفت دنيا از من حساب مي برد، من هم از آن زنداني (موسی) درنگراني بسر مي برم^۲
 شما امامي را متهم بگوشه نشيني كرديد كه او مكتب پدر را كه در اواخر
 عمر او، بزرگان شيعه از ترس خليفه جز در لباس فروشنده دوره گرد، نميتوانستند
 رئيس مذهب را ملاقات كنند ، چنان توسعه داد و در پيكر شيعه شكنجه ديده ،
 روح تازه دميد كه فرزند او امام خميني ، در پيكر مستضعفان جهان دميد !!

۱- صد و ۹ جنبش علوی در يك قرن را از ۱۰ ماهيت حكومت اسلامي
 ازديد گاه آية الله نائيني بخوانيد .

۲- چه قرينه و شباهت مناسبي ميان بنی صدر و محمد رضا و هارون خونخوار
 از يك طرف و ميان آیات خدا ، بهشتی و مدنی و امام خمینی و موسی کاظم از طرف
 ديگر بچشم مي خورد !

بنی صدر آمریکائی با امید بحال كه بلکه با كشته شدن روحانيان متعهد ،
 اوضاع و جو سياسي ايران منقلب شود و او دوباره مثل محمد رضا و پينوشه ،
 بايران و كاخ رياست بر گردد و دوباره دفتر هماهنگي اي از ساوا كيه او مطرودين
 و تصفيه شدگان ارتش و ادارات بوجود آرد. دستور ترور روحانيان را صادر
 ميکند. بهشتی با بیش از ۷۰ روحانی معمم و غیر معمم در دفتر حزب بهنگام شوری
 و آية الله مدنی بهنگام نماز با شش مسلمان نماز گزار با انفجار بمب و نارنجك
 بشهادت ميرسند !...

محمد رضا با آن جبروت كاذب كه فضاي گيتي را پر نموده بود ، تنها از
 شنيدن كلمه خميني از افسريكه تصادفاً شهرتش با پسوند خميني ختم ميشد از
 ياد امام خميني خود را باخته ، ترسان و لرزان ، يادگان را ترك مي گويد .
 (سخنراني شهيد دكتر مفتاح)

شما امامی را منزوی گفتید که یکی از صدها گرویدگان مکتب او
محمد بن ابی عمیر است که حدود صد جلد کتاب و رساله دارد! هارون و عامون
مدتها در صدد جذب او بدستگاه و سپردن دارالقضاء باو بر آمدند، وعده و وعید
نمودند ولی نپذیرفت (نامه دانشوران)

شما حسن عسکری را متهم نمودید که آنحضرت با وجود تحت نظر بودن
در لشکرگاه؛ دقیقه‌ای از سرمایه گذاری جانی برای تأسیس حکومت اسلامی
غفلت ندارد. او بیکى از یاران محرم راز چوب عصائی شکلی می‌دهد که بجناب
عثمان بن سعید برساند. او نقل میکند که در راه سقائی با استرچموش پیش آمد.
استرچنان ازبتم کرد که ناگزیر شدم باهمان چوب ضربه‌ای باو بزدم ... بعد
متوجه شدم که چوب تر کیده است. از خلال تر کیدگی دریافتم که اندرون
چوب را خالی کرده محرمانه نامه‌هایی در آن گنجانده‌اند که حاکی از جریان
فعالیت سیاسی زیرزمینی بود .. (توحید ص ۳۶۴ - نوشته آشوری)

در راه ولایت فقیه

مطالعه موارد زیر، در این راه ضرور می‌نماید

۱- هر مسلمان بندهای خدا که در قرآن حکومت را از ستمگران سلب مینماید و یا اجازه نمیدهد کافران بر مؤمنان مسلط گردند و بخصوص مؤمنان را دستور میدهد که با صادقان باشند (در ص ۱۶۵ گذشت) وظیفه دارد خود را بامام معصوم در غیبت او بوابستگیان او از فقهاء برساند...

این گرایش افراد صالح بامام و فقیه، همانند قطرات باران که از بهم پیوستن آنها جدول و جویبار و نهر و شط بوجود می‌آید، منجر بتشکیل حکومت صالح میشود که همگان در انتظار آنند!

۲- در زمان خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین، افراد آموزش دیده، از امر کز بسوی ولایات اعزام می‌شدند که حکومت خود علی علیه السلام در زمان پیامبر در یمن و حکومت عثمان بن طلحه و عتاب بن اسید در مکه و بفرماندهی منصوب شدن اسامه هیجده ساله که حتی بفرمان پیامبر بجز از علی همه اصحاب مثل ابوبکر و عمر را هم زیر فرمان داشت و فقاهاست معاذ در مکه و یمن و همچنین حکومت محمد بن ابی بکر و عثمان بن حنیف و قیس بن سعد و فرزندان عباس، شاهد اینست که رعایت منحصر ابدست صالحا و فقها سپرده می‌شد.

میگویند شخصی از عمر کار خواست. او پرسید؛ از قرآن چقدر میداننی؟ جواب داد نمی‌دانم. گفت برو یاد بگیر و بیا کار بدهم... پس از مدتی خلیفه او را دید و پرسید چرا برنگشتی؟ گفت بعد از آموزش قرآن (تدبیر منزل؛ سیاست، اقتصاد و...) حالا نیازی باستخدام شدن ندارم!

۳- چنانکه در صفحه ۱۶۹ گذشت؛ قرآن میگوید آنچه نمی‌دانید از اهل ذکر یعنی خاندان پیامبر سؤال کنید و حالا در غیبت امام؛ تنها فقهای مفهم

و خود ساز هستند که بر اساس تعالیمی که از قرآن و سنت و سیره معصومین کسب نموده و بعد تخصص رسیده‌اند با استنباط و تطبیق فروع بر اصول تمام مسائل کشور اسلامی را حل و فصل می‌نمایند!

۴. قرآن در آیه ۸۳/۴ می‌گوید منافقان یا اشخاص جبون و ناپخته چرا باید هر خبری را که از میدان جنگ یا از امور دیگر می‌شنوند؛ پخش کنند؟ اگر آنرا پیامبر و اولی الامر که «استنباط» دارند ارجاع دهند، آنها تدابیر لازم را بعمل می‌آورند... که در اینجا نیز بقضای عقل و آنچه از بیوگرافی فقها بدست می‌آید؛ فقهای واجد شرائط؛ در مقدم صف مرجعیت و رتق و فتق امور قرار دارند و اصل شورای نگهبان قانون اساسی نیز متکی بر آن می‌باشد.

۵. قرآن در ۱۶/۱۱۲ شهری را عنوان میکند که اهل آن بعلمت کفران نعمت؛ امنیتشان بخوف و اقتصاد و رفاه عالیشان بفقیر مبدل گردید!

حالا پس از استقرار جمهوری اسلامی؛ قضایات با خواننده است که این راه و رسم سیاست‌گذاری بود که روحانیت، طلسم استبداد و شیطان بزرگ را شکست و گروهاکها نیز بشکستن روحانیت متحد شدند؟! روحانیت به مبارزه با شیطان بطری و مواد مخدر پرداخت و مسلمان نماها و روحانی نماها هم بمبارزه با آن پرداختند؟

۶. آیا این گفتار امام حسین که فرمود «نه دست ذات بشما می‌دهم و نه مثل برده از پیش شما فرار میکنم» غیر از ولایت خود امام و فقهای که منصوب از جانب آنحضرت و یازده امام دیگر باشند، راهی برای اطاعت از شاهها و انورسادانها باقی میگذارد؟

۷. با مشاهده و مقایسه اینکه برادران و خواهران شاه و اولاد و بستگان دور و نزدیک « هزار فایله‌شان » بار دوش ملت شده بودند و زور می‌گفتند و

در آمد کشور را تباه می کردند؛ ولی امام خمینی باین مضمون اعلام نمود که اولاد و نزدیکان من همانند افراد ملتند. هر چه بگویند نظر فرد خودشان است، باز عقل و دین و مروت اجازه میدهد که کسی در ولایت او و همزمان او؛ از روحانیت، چون و چرا نماید؟!

۸. رسول خدا ﷺ فرمود خوشا بحال کسانی که پس از من به نیکان عترت من بیعت کنند و با اهل فقه و حکمت، انس و اختلاط و رزق و از مسکینان صله رحم بجای آرند.

۹. باز از آنحضرت است که فرمود هر کسی بکاریکه پادشاه مرتکب شده و خدا را بخشم می آورد؛ راضی باشد؛ از دین خدا خارج شده است. (تحف العقول ص ۳۰ و ۵۷)

۱۰. مسلمان پس از خواندن این حقیقت در قرآن که مؤمنین یهود پس از در بدری و چشیدن طعم مظالم جالوت؛ پیامبر زمان خود پناه آوردند و از طرف خدا جناب طالوت را که نه پیامبر و نه امام بود (بداشتن علم و شجاعت) بریاست لشکر برگزید تا دشمن را از پای در آورد، جای کوچکترین چون و چرائی در قبول ولایت فقیه آنهام ولایت فقیهی همچون آیه الله امام خمینی و منتظری و خامنه‌ای و رفسنجانی و خادمی و طبسی و جوادی عاملی که طاغوت را شکستند؛ باقی میماند؟... شیعه عدالت را یکی از اصول مذهب شمرده متعهد است که اگر رئیس خانواده، مدرسه، کارخانه، شهر و مملکت شود عدالت را اجرا نماید؛ آیا معقول است که این چنین عدالتخواهی در گوشه‌ای بنشیند و تماشاگر برد و باخت و زد و بند نصیریها و پرویز ثابتیها و خسرو دادها باشد؟ (ایسن تیمسار آخری در بحران انقلاب، در قم وارد خانه آقای شریعتمداری شده طلاب مبارز بدون سلاحی را که آنجا به پناه آمده بودند! و میزبان دانا و متنقد هم آنها را

در چنگال دژخیم گذاشته باندرون تشریف برده بود!... مجبور بگفتن « جاوید شاه » می نماید و چون بر عکس انتظار او؛ دو نفر از آنها مبادرت بگفتن « مرگ بر شاه میکنند » و فرزندان را باشلیک دو گلوله نقش دیوار و زمین مینماید)

۱۱- علی ع فرمود زشت ترین مردم در پیشگاه خداییشوای ستمکاری است که خود گمراه باشد و دیگران هم بوسیله او گمراه شوند. سنت راترک و بدعتها را تجدید کند (نهج فیض ص ۵۱۸)

در پرسش از علت مغضوب خدا بودن ستمگر و تابعان او، عقل و تاریخ و جامعه شناسی می گوید مگر ندیدید که در اثر فروخته شدن رژیم پهلوی، تمام ملت بزندان و شکنجه کشیده شدند؟! مگر ندیدید که رژیم پهلوی، کسروی و «عناقاً» کارمند وزارت دارائی را در دین سازی و شهریار را در سرودن اشعار امر د بازاری و مسائل خلاف دین، تشویق و یا اقلماً آزاد گذاشت؟ و فیلم سینماها را چنان بلجن کشید که حتی بیگانگان نفرت نمودند! مگر نمی شنوید که کشور اسلامی مصری که در زمان عبدالناصر مر کز مبارزه با استعمار شده بود در اثر خود فروختگی انورسادات مر کز توطئه صهیونیسم و آمریکا شده است؟!

مگر نمی شنوید که استاد فخرالدین حجازی نماینده مجلس می گوید در انگلستان و آلمان و سوئیس و ایتالیا بهر جا رفتم، پلیس و ژاندارم خشن آمریکا را لمس نمودم؟!

مگر از صدها کتاب و صدها گوینده مثل سازمان عفو بین المللی و بالاخره از رادیو لندن نمی شنوید که حکومت شوروی در جهت بیخبر نگاه داشتن رعیت گرفتار اخبار خارجی را تحریم و در مقابل امواج رادیوهای خارجی پادارزیت ایجاد می کند؟!

مگر جرج دبلیو کرنین در کتاب «حقایق درباره کمونیسم» نمی گوید

حتی برای کنترل محاورات مردم در خانواده‌ها پلیس مخفی‌ای از جوانان ۶ ساله بی‌الا تشکیل شده است؟! مگر ندیدید که کار کاتوریستهای غربی بظنر نشان دادند که بر ژنرف بکارگران معترض لهستان که راه‌پیمائی می‌کردند بانگ میزد که متفرق شوید؟! مگر در اطلاعات ۱۳/۶/۵۴ نخواندید که در شوروی میلیونها ضدانقلاب چگونه قلع و قمع شدند!

مگر از خود نویسندگان آمریکائی نشنیدید که می‌گویند در انتخابات آمریکا، دلار و سیاه‌پوستیست عامل مؤثر می‌باشند؟! مگر از هارتین لوتر کینگ نویسنده سیاه‌پوست آمریکائی نشنیدید که گفت ما حتی در کنار کاخ سازمان ملل هم امنیت نداریم!

مگر ندیدید که از سوءسیاست زمامداران انگلستان و ایتالیا آمریکاگران از مرز دو سه میلیون گذشت؟

مگر نشنیدید که در آلمان و سایر کشورهای سرمایه‌داری با اصطلاح دموکراسی! در مقابل آنهمه آسمانخراشها، هنوز هم عده زیادی در زاغه‌ها بسر می‌برند؟ مگر ندیدید که هنوز هم در آمریکا جوانان سیاه‌پوست، رزومه و نابود میشوند و دولت، خم بابر و نمی‌آورد؟!

مگر نشنیدید که مائوتسه‌تنگ در تصیفه فرهنگی بیش از ۵ میلیون انسان را اعدام کرد و درب مساجد و معابد را بست و علا نشان داد که درخشونت و آدمکشی همانند دوبرادر خود لنین و استالین می‌باشد؟!

در خلاف عقل بودن رژیم شاهنشاهی مگر در روزنامه انقلاب اسلامی ۳/۲/۶۰ نخواندید که در جشن دامادی ولیعهد ابوظبئی ۳۵ میلیون دلار صرف خرید فشفشه‌هایی شده بود که آنها صدای بلبل در می‌آوردند؟!

مگر از رادیو تهران نشنیدید که معاون صدام حسین گفت جنگ را

پادشاه سعودی (از طرف ارباب) بما تحمیل کرد؟

مگر نشنیدید که ژنرال دستن و فرانسوا میتران، رؤسای جمهوری فرانسه با مردم مروچاد چه معامله سبعانه کردند و چگونه اجازه دادند زنان را بفحشا بکشانند. یا از طیاره بزمین افکنند؟! مگر ندیدید که مدعیان آزادی و حقوق بشر و دموکراسی، چگونه قرآن‌ها و نهج البلاغه‌ها را از مردم چاد و از دانشجویان مسلمان مقیم فرانسه گرفتند و با آتش افکندند؟

مگر ندیدید که اگر زمام حکومت در دست کافری مثل صدام باشد، ناجوانمر دانه پاسداران زندانی دوله تو رایک جا می کشد و در عین دعوی دشمنی کردن با صهیونیسم، بصلاحدید آمریکا اجازه می دهد هواپیماهای او، از مرز عراق بگذرند و منابع اتمی عراق را در عمق ۴۰ متری زمین از کار انداخته، صحیح و سالم بمقر خود باز گردند؟!

۱۲- با دیدن حکومت حضرت سلیمان که با آنها به قدرت بی نظیر، قدمی از راه عدل و تواضع بیرون نهاد و با دیدن حکومت مدبرانه حضرت یوسف و بخشندگی و بخشایشگری^۱ او و با مشاهده حکومت عدل رسول اکرم که حتی آخر عمر تازیانه بدست معترض داد تا اگر رنجشی از او دارد قصاص کند! و با دیدن عدل علی که بجناب قنبر امر نمود، بی تازیانه بمجرمی بزند، و چون قنبر بیکیینه ای که از مجرم داشت سه ضربه زیادتر زد، علی تحمل نیاورد و سه ضربه را با کمال محبتی که بقنبر داشت بخود قنبر باز پس کرد! (نقل از آیه الله مشکینی) و نیز با دیدن نحوه ولایتعهدی امام رضا که با بردگان مجالست

۱- مطالعه کتاب جلوه فضیلت در سرگذشت یوسف علیه السلام که در جهت

اصلاح اخلاق و پیشرفت ادبیات جوانان، توسط حقیر تقدیم عالم مطبوعات شده است، توصیه می شود.

مینمود و بر دل‌های شکسته مرهم می‌نهاد و پایان شب سیه را نوید می‌داد. و همچنین با کسب اطلاع از وزارت حکیمانانه خواجه نصیر طوسی که ممانع آن گردید که هلاک و مثل جدش چنگیز، سیل خون برآورداند! یا کتب و آثار تمدن اسلامی را نابود سازد! و بالاخره با دیدن تدبیر او که با کمترین تلفات از طرفین، بزرگترین موفقیت یعنی برچیده شدن حکومت ظلم پانصد ساله بنی عباس بدست آمد، و سرانجام با دیدن امام خمینی که پس از سالها تبعید و چشیدن مرارتها که شهادت فرزند بررومند، نمونه یکی از آنها بود!

همینکه طبق وظیفه شرعی ناگزیر از قبول زحمت شده بر سر حکومت قرار گرفت، خانه بی‌آلایش مفروش بموکت را مقر حکومت قرار داده علی‌وار هیئتهای بزرگ را بحضور پذیرفت.^۱

و بقول پریزدنت الیاس سرکیس رئیس جمهوری لبنان « هر نقصی را با نفس عیسوی خود ترمیم کرد » و از راه تواضع، اشتباه دیگران را بخود نسبت داد و بارها گفت مرا خد، تکزار بگویند، بهتر از اینست که رهبر بگویند... رهبر ما آن کودک ۱۲ - ۱۳ ساله است که بمب را بکمر بست وزیر تانک صدام

۱- دول استعمارگر و ایادی آنها همینکه می‌شنوند در حکومت امام خمینی چند نفری از مزدوران آنها یعنی منافقین مسلح که بهشتی‌ها و رجائی‌ها و باهنرها و قدوسی‌ها را ترور نمودند، اعدام شدند، بدون توجه بکشتارهای خود، بانگ اعتراضشان، با آسمان بلند می‌شود! در صورتیکه هر جامعه شناس منصفی تأیید می‌نماید که شرط عدالت، سر جای خود نشانیدن یا قتل ستمگرا نیست تا آزادگان بتوانند، در سایه امنیت، زندگی نمایند. بر همین اصل بود که پیامبر رحمت، چند صد نفر از عهد شکنان یهود بنی قریظه را بر طبق آئین خودشان کردن زد و علی اصحاب جمل را بشکست و مارقین را بتیغ شرر باران پای در آورد!

رفت و کشت و کشته شد! (حسین فهمیده)

(آیا با دیدن حقائق و با شنیدن شعار میلیون‌ها ایرانی صالح که می‌گویند «تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست» ، دشمنی دیگران از حکومت اسلامی را بجز از جهل یا استعمار زدگی یا خودخواهی می‌توان توجیه نمود؟!)

۱۳- پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِ السَّلَام حکومت اسلامی را بنیان‌گذاری کردند ، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیز برای بازگرداندن سر رشته امور، از بنی‌امیه بدست خود و صلحاء در حالی که گفته پدر از لبانش جاری بود «خدا یا ما را در حکومت هوسی نیست ، جز اینکه احکام تو اجرا و حق بندگانت حفظ شود» قیام کرد و به شهادت رسید و بقیه ائمه نیز تا پیش آمدن غیبت ، از جان گذشتگیها نمودند و فقهاء هم چنانکه تحت عنوان «قضاوت کنید» مطالعه خواهید نمود ، تیرهای نهمت و ملامت را بجان خریدند و راه را برای بوجود آمدن جمهوری اسلامی تسطیح نمودند! که شهادت بیش از یکصد فقیه که علامه امینی شرح زندگی آنها را در کتاب شهداء الفضیله گرد آورده است .

و نیز د کتر شریعتی که چکیده افکار و اعمال فقهاء را در یک جمله ادا نموده است ، شاهد مقال می‌باشد « بر وید ذیل عهدنامه‌ها را بخوانید در زیر هیچیک از آنها که ایران را برباد داده‌اند، امضای فقیهی را مشاهده نخواهید نمود » یعنی امضاء و خیانت امثال میرزا آقاسی ، عین الدوله ، حسن تقی‌زاده ، سر لشکر زاهدی ، علی امینی ، شریف امامی و بختیار و و را مشاهده خواهید کرد که دست و پای ملت را بسزنجیر اسارت بیگانگان بستند و در روزیکه خود در تسخیر صنعت غرب بودند و مثلاً برای عمل ساده لوزه درباریان ، از اسرائیل ، جراح می‌آوردند ، رؤیای رسیدن به دروازه تمدن می‌دیدند ! توجه توجه

۱۴- حضرت حسین عَلَيْهِ السَّلَام در سبب قیام خود ، حدیثی از پیامبر نقل می‌کند

که ملخص آن اینک: هر کس سلطان ستمگر را به بیند که حرام خدا را حلال مینماید. عهد خدا را می شکند. با سنت پیامبر مخالفت میورزد. در میان بندگان خدا گناه میکند و کینه تیزی مینماید... با این حال با آن سلطان نه با عمل و نه با قول مخالفت نکند، خداوند او را بهمان آتشی وارد میکند که همان سلطان را وارد مینماید. (انقلاب تکامل.. جلال الدین فارسی ص ۵۶۸)

۱۵- جناب یونس بن عبدالرحمن که صدها کتاب نوشته و مورد تأیید ائمه حق میباشد، از معصومین نقل میکند که وقتی بدعتها آشکار گردد، بر عهد عالم است که علم خود را جهت اجرای حکم خدا آشکار نماید. و گرنه نودایمان از او سلب میشود. (گروه دستکاران ج ۲ ص ۲۰۹)

آیه الله صافی گلپایگانی در ص ۱۳ کتاب پاسخ ده پرسش از حضرت باقر و صادق بترتیب دو حدیث نقل میکند که ایجاب مینمایند، هر مسلمانی با استقرار حکومتی جز ولایت فقیه نکوشد و گرنه دین و اعمالش تباه و عذاب خدا در انتظار اوست: الف - خداوند میفرماید البته عذاب خواهم نمود هر رعیتی را که تسلیم حکومت ستمگری باشد که از جانب خدا نیست، گرچه آن رعیت، در کارهای خود نیکو کار و پرهیزکار باشد... و البته عفو میکنم از رعیت متدینی که بولایت امام عادل که از جانب خداست گردن نهد. این رعیت اگر گناهی هم نسبت بخویش داشته باشد از آن می گذرم. ب - کسیکه بحکومت ستمگران که از جانب خدا نیست گردن نهد، نه دین دارد نه عبادت!

۱۷- همین آیه الله در کتاب دیگرشان، منتخب الاثر ص ۷۸ حدیث مفصلی نقل میکند که بتلخیص آن اکتفا میکنم.

علی علیه السلام در جنگ صفین از کسانی که یقین داشتند آیات انما ولیکم الله - اطیعوا... اولی الامر منکم - ولم یتخذوا ولیجه... و آیه تطهیر و کونوا مع الصادقین -

والیوم اکملت لکم دینکم... در حق اهل بیت نازل شده است
و آنان دیده و شنیدند که رسول خدا در جواب پرسش سلمان اطاعت از
حکومت، دوازده تن را تا دامن قیامت واجب شمرد، برخیزند و بهر دو اصل
شهادت بدهند که بر خاستند و شهادت دادند!

پس از قبول حکم بالا، این حقیقت پیش می آید که همان حاکی که اطاعت از او
واجب شده است، در موارد زیاد اطاعت از فقهایی واجد شرایط او واجب ورد کردن
آنها را بمنزله رد کردن حکم ائمه ورد کردن حکم ائمه را مثل رد کردن حکم
خدا و پیامبر شمرده است. (وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۰۱. طرح کلی نظام اجتماعی
ص ۵۷۰. مبانی تفکر شیعه ص ۲۸. احتجاج جلد ۲ ص ۲۶۴ و اکمال دین باب توقیعات
و غیبت شیخ و در تحت عنوان فاما الحوادث الواقعة ...

توضیح اینکه در حکومت فقهاء علاوه از صدها مزایا که خودشان علی وار
زندگی می کنند. دین و اقتصاد و مردم را نمی فرورشد، این امید جانبخش نیز
موجود می باشد که بموجب آیه ۶/۲ و توقیع حضرت ولی عصر که بشیخ مفید
گفت شما را حمایت میکنیم، خدا و حضرات معصومین پشتیبان فقهایی پاک
می باشند. (بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۱۷۵ و مجله دایت. شعبان ص ۱۳۹۹) ... ظاهر شدن
ولی عصر علیه السلام بعلامه حلی که در ص ۱۷۱ گذشت و نیز ظاهر شدن امام زمان و یاری
کردن بعلامه حلی که کتابی را در عرض يك شب استنساخ و رد نمودند

و اصلاح فتوای شیخ مفید که باعث نجات آن طفل از رحم آن مادر بیجان
شد و مشاهده دهها کرامت بویژه در جبهه جنگ عراق و ایران، سند زنده
نصرت خدا و حضرت حجت بمسلمانان میباشد!

۱۸- از حضرت صادق پرسیده شد که چگونه است که خداوند، یهود و

نصارا را از لحاظ پیروی از علمای خودشان مورد نکوهش قرار میدهد در حالی

کہ در اسلام این چنین نیست؟

آنحضرت ضمن کلام مستوفائی کہ اینجا گنجایش آنرا ندارد میفرماید کلیمیان و عیسویان در عین آشنائی بفساد و خیانت کشیشان و راهبان خود، باز از آنها تبعیت مینمودند. در اسلام هم امر شده مردم از فقیہ پا کدامن و مبارز و طاغوت شکن تقلید کنند و گرنه این قبیل مسلمانان نیز مورد ذم و نکوهشند (وسائل الشیعہ جلد ۱۸)

و باز از آنحضرت روایت شده است کہ در مورد خود جوشی و زرف نگری فقیہ و زعیم فرمود. ارزش شیعیان، را بکیفیتی کہ از ما روایت میکنند شناسائی کنید. بددرستی، فقیہ را فقیہ واقعی نمیکوئیم مگر اینکه از بساطنش باو القاء شود. پرمیده شد مگر ممکن است بقیہ الهام شود. فرمود مؤمن تیزهوش و فہیم است ... نقل باختصار از وسائل الشیعہ و احتجاج وغیرہ

۱۹- سراسر خطبہ‌ها و نامہ‌ها و دستورہائی کہ امیر المؤمنین علی علیه السلام تحت عنوان فرمان مالک یا عثمان بن حنیف و دیگران گفته و صادر فرموده منحصرأ متضمن اطاعت از حکومت فقہاء میباشد کہ بعلمت ضیق زمینہ، ترجمہ و نقل آنها را از نهج البلاغہ بفرصت دیگر موکول مینمائیم

جز اینکه یادآور می‌شویم علی در ہمہ جا با الهام از قرآن و سنت با مضامین گوناگون تذکراتی می‌دهد کہ معلوم می‌شود بیش از نہ دہم احکام الہی راجع بہ جہاد و دفاع و اقتصاد و سیاست و حدود و قصاص و دفع اشرار میباشد و در لغو و ابطال نظر مخالفان ولایت فقیہ اعلام مینماید کہ حکومت اسلامی (ولایت فقیہ) از همان روز رحلت پیامبر باصالت خود باقی بود. جز اینکه اختلاف بر سر این بود کہ ولایت بدست عمر و باشد یا زید؟!

متأسفانہ کم کم بسیاری از آیندگان بفشار طاغوتها ہمہ را بدست فراموشی

سپرده در رساله‌های عملیه خود، فقط بتوضیح مسائل طهارت و عبادت و احکامی که کاری بکار گران و پلنگان نداشته باشد پرداختند!!

بشهادت مجله پیام شادی $\frac{۱}{۴}$ در سنوات ۱-۱۰۰ در خلال ۱۱۶ جلد کتاب که هر يك بزبانهای مهم ترجمه و پخش شد، هر گونه تهمت و افتراء شیعه بستند ولی در کشور شیعه بجز روحانیانی که اغلب در بند یا تبعید یا تحت نظر بودند، اعتراضی بعمل نیامد. زیرا انتشار کتب مزبور از همانجائی آب می‌خورد که تقویت شاهنشاهی می‌خورد!! (امپریالیسم آمریکا)

کوئی پس از پیامبر و علی که تبهکاران رادست می‌بریدند و رجم می‌کردند و با دشمنان داخل و خارج قتال می‌نمودند، همه متجاوزان نابود شدند یا درندگی را از سر بدر نهادند!!

بجز از امثال شیخ طوسی و امام خمینی و معدود دیگر که اولی در انهایه و دومی در تحریر الوسیله ج ۱ ص ۴۸۵ مسئله دفاع را مورد توجه قرار دادند، بقیه بمنزله این که مسائل دفاع و اقتصاد و سیاست و مبارزه با منهیات بدوران بعد از امر ک آدمی یا بدوران بعد از ظهور امام زمان عجل الله فرجه اختصاص دارد!! از طرح و بحث آنها خودداری کردند...

دانشمندان اهل سنت برای پنجروزه رفاه زندگی بجدائی دین از سیاست کردن نهادند و دانشمندان بلاد شیعه جز امثال آخوند محمد کاظم یزدی و شیخ فضل الله نوری که می‌گفتند حکومت باید مشروطه مشروعه باشد و در آن راه نیز کشته شدند؛ مثل چوب خشک با جریان آب پیش رفتند و در مقابل نائینی‌ها و طالقانی‌ها و امام خمینی‌ها که حکومت اسلامی را حق و وظیفه فقهاء دانسته و میدانند بمخالفت برخاستند. (ابسانر زمان آیه الله طالقانی در زندان تفسیر پر توی از قرآن را نوشت و بدون اینکه ساواک بوئی ببرد، از یغما گریهای دو دمان

پہلوئی پر دہ برداشت!

علمای درباری بابی اعتنائی بقرآن و سنت کہ مخصوصاً درہ ضمن آیات نظیر (متعتم و ابائهم - یر دو کم الی اعقابکم م ۱۳۹:۳ و ۱۸:۲۵) شاہنشاهی و تعیین ولیعهد را میزنند و نہی می نمایند؛ روز تو اند رضا پھاوی را تبریک گفتند و در جشن سلطنت کہ ملت را دو ہزار و پانصد سال بقہقرامی کشاند، شرکت کردند! (امام خمینی آخوندی را بعلمت بدر بار رفتن و تبریک گفتن تو بیخ کرد. او بگریست و معذرت نمود. نہضت امام خمینی ص ۱۰۵ ... نہی از اطاعت سلطان جائز در تحریف العقول ص ۵۷ و ۵۸) (بین تفاوت رہ از کجاست تا بکجا؟) یکی تبریک میگوید و آندیکر، اورا تو بیخ مینماید!

یکی ببوسیدن دست شاہ افتخار میکند و آندیکر همان دست را کہ محیلانہ بعنوان استمالت بسویش دراز می شود رد میکند کہ نجس است!!...

ولایت فقیه

تا کنون مطالبی از ولایت پیامبر صلی الله علیه و آله که ائمه اطهار نیز بجز نام پیامبری، در ولایت قائم مقام آنحضرت بودند، سخن گفته شد و بیان کردید که پیامبر صلی الله علیه و آله بمحض رسیدن بمدینه، حکومت تشکیل داد و علی علیه السلام نیز برای قبضه کردن خلافت، حجت را بتمام و کمال ابلاغ کرد و سرانجام ۲۵ سال دیگر که انقلابیون مصر بدرش هجوم آورده بقبول خلافتش اصرار نمودند، با اینکه کار از کار گذشته و تمام بلاد اسلامی را فساد فرا گرفته بود که پروین آنرا دیک بیت ادا نموده که درص ۳۱۱ گذشت، باز تمام امور را بدست گرفت و آیات قرآن را که مبتنی بر اجرای عدالت است جامه تحقق پوشاند!

خانم فاطمه برای اثبات ولایت امام زمان خود (علی) بدر ب اصحاب پیامبر رفته، وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم را بیاد آنها آورد. روزی هم که زنان آنها بعیادتش آمده بودند بوسیله آنها بشوهرانشان پیام داد که در ابوالحسن (علی) چه نقصی دیدند که بیعت خود شکستند؟!...

موسی بن جعفر، در تعیین حدود فدک، اولویت خود بخلافت را با این وجود که از شمشیر هارون، خون میچکید، برخ او فرو خواند و در بر خورد دیگر که با هارون بزیارت قبر پیامبر می رفتند، هارون تفاخر کنان، پیامبر را پسر عم گفت و ندانست که امام موسی کاظم، آنحضرت را پدر خطاب خواهد نمود و در پیش آن جمع مدلل خواهد نمود که اگر خلافت از روی وراثت هم باشد، ائمه، از طبقه اولند مقدم بر همه می باشند!...

روزی که مأمون، در پوشش ارادت، برای سرپوش گذاشتن بروی جنبش علویان، خواست حضرت رضا را بمرور، مرکز خلافت خود بکشاند و تحت نظر و حتی مجبوس نگاهدارد، آنحضرت بطرزیکه حساسیت گزارشگران مأمون را

بر نینگیزد و کار بجان نکشد و در عین حال بمسلمانان و سینه تاریخ برساند که خلافت از آن اهل بیت است و خلفای اموی و عباسی غاصب حق میباشند اعمال و گفتارهایی ارائه نمود که بدنبال آنچه در ص ۲۲۶ و ۲۲۷ گذشت بفهرستی از آن قناعت می شود .

در زیارت مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ چنان وداع و خدا حافظی کرد که فرزند خردسالش محمد تقی از آن بگریست و حاضران دریافتند که امام رضا ﷺ از این سفر بر نمیگردد. خلافت هم خلافت اربع است که بزور و اجبار پسر پیامبر را از جوار پیامبر می ربایند و تبعید میکنند! ... در سر راه مردم نیشابور که باستقبال آمده بودند از حضرتش حدیثی خواستند. آنحضرت حدیث ثقلین را که در ص ۲۷۴ گذشت ، در قالب دیگر ریخته برای رساندن نام ائمه اطهار بگوش جهانیان که غاصبان حق، نام آنها را از یادها میبردند، فرصت را مغتنم شمرده ، گفت از پدرم موسی ، شنیدم . او هم از پدرش ، جعفر صادق - او هم از پدرش باقر و او هم از پدرش علی سجاد - او هم از پدرش حسین شهید کربلا - او هم از پدرش علی ، او هم از نبی اکرم ﷺ او هم از جبرئیل - جبرئیل هم از خدا شنید که می فرماید « ولایت علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی ». هزاران زرین قلمان این حدیث را نوشتند و آنرا بحدیث سلسله الذهب موسوم کردند ولی منتظر بودند که پیرامون حدیث توضیح داده شود. آنگاه باز سر از کجاوه بدر آورد و گفت بشرطها و شروطها و انا من شرطها یعنی بگانه راه دستکاری ، ایمان و آنهم توأم با ولایت ائمه می باشد و بس .. و روزیکه در مرور مجلس جشن منعقد شده بود شاعری برخاست و ولایتعهدی امام رضا را تبریک گفت . حضرت سخن او را قطع کرد و گفت تبریک نگوئید بلکه تسلیمت! .. یعنی من برضای خود باینجا نیامده ام و آخر هم شهید میشوم! .. مأمون برای اینکه بنا را ضیان برساند که اگر ظلم و

نارسانی هائی هست امام هم با ولایتعهدی خود آنرا امضاء میفرماید ، در این راه روزی به حضرتش گفت در فلان شهر ، فلانی سر بعضیان کشیده است . او را نصیحت کن . حضرت پذیرفت یعنی من خلافت ترا تأیید نمیکنم تا او را هم بگویم تأیید کند !

(۳ فقره اخیر از حجة الاسلام قرائتی . از سیمای جمهوری اسلامی اقتباس شد . .)

همچنین سلاطین دیگر که ستمگران و متملقان را بر سر سفره رنگین خود فرا خواندند و حکومت اسلامی را که پیامبر بدست امامان و درغیبت آخرین آنها بدست فقهای واجد شرائط سپرده بود ، خارج ساختند و کار را بجائی رساندند که حتی در کشور شیعه هم دربار پهلوی و بنی صدر مخلوع ، زمره جدائی دین از سیاست را ساز کردند و کسانی امثال آیات عظام ، میرزا صادق ، میر یونس و آقا زاده که گفتند مگر در زمان پیامبر و علی ، دین از سیاست جدا بود ؟ مگر پیامبر و علی با اسلحه بمقابله دشمن نمی شتافتند ؟ مگر قصاص نمی کردند . مگر دست نمی بریدند ؟ مگر جناب سلمان فقیه سالخورده تا دم مرگ ، مدائن ، مرکز ایران را بهترین وجه ، حدود ده سال اداره نکرد ، مگر مقداد و ابازر در عین زهد و فقاقت در رأس لشکر بمیادین جنگ نمی شتافتند ؟ فوراً شاهان خود فروخته مستبد ، بآنها لکه زدند . جلب و حبشان نمودند . زبانشان بریدنند یا کشتند .

پس با مدد گیری از دلائل فوق و با استمداد از آیات و احادیثی که پیاره ای از آنها اشاره می شود ، این نتیجه بدست میآید که ولایت و حکومت از آن خدا و پیامبر و امام و درغیبت امام از آن نایب عام او بوده در شرائطی که او اهلیت نشان دهد و مردم نیز اقبال کنند ملزم و موظف بتشکیل حکومت میباشد . و اگر در این میان روحانی نمائی ، چنانکه در حزب خلق مسلمان دیده شد بخواهد با

ولایت فقیه مخالفت کند ، خدا و مردم از او می پرسند « تو که با دست خالی از تبریز بقم رفته بودی ، بجز از عنوان ولایت فقیه بچه مجوزی پولهای مردم را گرفتی و بالوف و آلف رسیدی ؟ » .. (همین روحانی نمایس از لجاجت ها و سنگ اندازی ها بسر راه ماده ۱۱۰ قانون اساسی اسلامی ، اصالت ولایت فقیه زادرمجله شماره ۴ الهادی تأیید فرموده اند!؟)

وما بخواست خدا مسئله ولایت فقیه را باختصار از دید گاه قرآن ، خبر ، تبحر به تاریخی ، مقایسه و استدلال مورد بحث قرار میدهم. قرآن میگوید زندگی رسول اکرم بهترین اسوه و سرمشق شماست . پس درجائی که پیامبر ﷺ حکومت مستقل اسلامی تشکیل داد ، مسلمان نمیتواند ذلت اسارت و بندگی دول دیگر را بپذیرد! (۲۱/۳۳)

قرآن شالوده بعثت انبیاء را بر مبنای متوجه ساختن مردم ببندهگی خدا و دور نگاه داشتن از طاغوت و در نتیجه استقرار عدل در روی زمین قرار می دهد و اضافه مینماید اگرستمگران دست ازستمکاری برندارند باید با سلاح بمقابله آنها شتافت ... درحالی که این امر امکان پذیر نیست جز اینکه پیران قرآن به تبعیت از فقیه ، خود حکومت تشکیل دهند. (آیات ۱۶/۳۶ و ۲۵/۵۷ و ۹/۱۲۲ . اجتنبوا الطاغوت . ليقوم الناس بالقسط . لیتفقھوا..)

یعنی اگر فقیه درسر کار نباشد ، بطوریکه تاریخ نشان میدهد و حالانیز دنیا در دست طاغوتها میسوزد ، گردنکشان بر اوضاع مسلط می شوند. و این خلاف امر خداست که درقرآن میفرماید مراجعات و محاکمات راپیش طاغوت نبرید ، بلکه از اولی الامریکه از خودتان یعنی مسلمان هستند اطاعت نمائید (تفسیر معتبر ذیل آیات ۴/۵۹ و ۴۴:۶۴ و ۲/۷۷ و ۲:۱۵۹ و ۹/۳۱ و ۱۸/۹۴ و احتجاج طبرسی جلد ۲ ص ۲۶۴ و وسائل الشیعه جلد ۱۸ ص ۹۴)

قرآن اجازه نمی‌دهد کافر بر مؤمن مسلط و فرمانروا باشد. ۱۴۱/۴
 قرآن که تا روز قیامت بر نامه سعادت انسانهاست، مسلمانان را
 عزیز و سرافراز می‌خواند و برای تحقق عزت و سعادت آنان دستور می‌دهد با
 شایعه ساز، غاصب، دزد مال، روسپی و دزد ناموس، آشوبگر، باغی، محارب،
 فتنه انگیز، متعدی، قاتل، ایادی مسلح بیگانه و خود بیگانه، نیروهای خود را
 مجهز سازند و بشدت مقابله نمایند. پس اگر زمام امور در دست غیر فقیه؛ امثال
 شاه معدوم و اتور سادات باشد، بدیهی است که آنها هرگز راضی به حد شرعی
 خوردن و قصاص شدن ایادی خود و ارباب خویش نخواهند بود و در نتیجه فرامین
 خدا و قرآن معطل و بندگان خدا در رنج خواهند بود و این خلاف نظر
 قرآن می‌باشد.^۱

قرآن با فرمان لاینال عهدی الظالمین، شاهان ستمگر را طرد می‌کند
 (۱۲۴/۲) در صورتیکه از سکوت پاره‌ای از فقهاء، طاغوت چنان مسلط شده بود
 که روحانیان و پیروان آنها بعضی در داخل زندانها و بعضی در خارج، گرفتار
 شکنجه و خفقان بودند ولی فریادشان بجائی نمی‌رسید.

فرهنگ اسلامی چنان تغییر یافته بود که شعرای زمان بجای انتقاد؛
 گریه درنده را جامه فرشته می‌پوشاندند و صله می‌گرفتند. روحانیت را تحقیر و
 فکل و کراوات را که نشانه وابستگی فرهنگی است، تجلیل می‌کردند مثال ...
 سوم اسفند خود جشن درفش کاویان - جشن دوم نیز شد در مرز و بوم بابکان.

۱- آیات ۳۳/۶۰ مر جفون - ۳۸/۵ والسارقه فا قطعوا ایدیهما - ۲/۲۴

الزانیه والزانى فاجلدوا - ۱۹۳/۲ .. قاتلوهم حتى لا تكون فتنه .. ۹/۴۹ فقاتلوا اللتى

تبغى - ۳۳/۱۷ من قتل مظلوماً - ۶۱/۳۳ اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا - ۶۰/۸

واعدوا لهم - ۱۲/۹ وقاتلوا ائمة الكفر. ۴:۴۷ ضرب الرقاب .. وور)

اولی جشن تجدد از رضا شاه کبیر!! دومی جشن تکامل از شهنشاہ جوان.. حکم بر تقسیم املاک خود اول میکند - چون نباشد در قلوب ملت خود حکمران؟ پادشاهها سایه مهر از سر ما وامگیر - کافتاب تاج سر بادوسپهرت سایبان ... بیابتحت حنک دل میند و کار میند - برو گره بکراوات زن که کار گشاست! بنه بگردن، بنداز فکل که آزادی است! - عمامه را ز سر خویش باز کن که کلاست!.. تعریف شوکت الملک امیر علم بر روز گاریکه از خون روحانیان و جوانان مسلمان روی زمین لاله گون شده بود! کلیات دیوان شهریار ۲۷۴ و ۳۲۳ و وو

قرآن در آیه ۳/۱۰۴ میگوید ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر... در حالی که اگر حکومت از فقهاء سلب و بدست انور ساداتها سپرده شود فوراً خود را رئیس جمهور مادام العمر میکنند، قرارداد تنگین کمپ دیوید را امضاء مینمایند مسلمانان را بخون کشیده درب مساجد را بجز بر روی خطبای خود فروخته می بندند (نیمه دوم شهریور شصت)

قرآن میگوید لا تطیعوا امر المرءین ۲۶/۱۵۱. اگر زمام امور بدست شاهی باشد که خلع و معدوم شد، کمترین اسرافش این می شود که برای قبر خود میلیاردها دلار بودجه تأمین میکند و زرش بهزینه بیش از پنجاه میلیون دلاری کتابی در تعریف سلسله پهلوی بچند زبان طبع و در خارج از کشور پخش مینماید. شاه حسین از این و آن اسلحه میگیرد و در اختیار صدام کافر میگذارد!.

قرآن می گوید (۴/۸۳) اگر در پیشامدها بر سول و اولی الامر و وابستگان آنها ارجاع کنند آنها مسئله را چنانکه باید دریافته عمل مینمایند. در صورتیکه بفرمایش امام خمینی « در دوره پهلوی، بدنبال اینکه از علمای عامل بحقارت یاد کردند و فقهای بزرگ مثل آقا میر یونس و آقا زاده را جلب و با شبکلاه بداد گاه کشاندند » یا کسرویهها و شریعت سنگلجی های قلم فروخته را آزاد ولی مدرسها

و شریعتی‌ها را حبس و طرد کردند، کار با آنجا کشید که بجای حرمت بعالم روحانیت،
رانندگان ماشینها از پذیرفتن مسافر روحانی کراهت داشتند!

قرآن و سنت از مختصات شاهان و مترفین که امروزه فتودال و لیبرال و
خوشگذران نامیده میشوند، یکی هم این را بقلم می‌آورد که آنها بهر کجا
برسند فساد میکنند و عزیزان را خوار میسازند که تعیین ولیعهد نمودن و بیعت
خواستن از ملت از آن جمله است. (۳۴:۲۷ و ۳۲:۳۴ و ۱۸:۲۵)

در راه مخالفت ورد کردن سلطنت بود که اسلام آنرا در ایران و روم و یمن و مصر..
بر انداخت.. در راه مخالفت با این شیوه‌ها بود که امام حسن مسموم و امام حسین قیام
کرد و شهید شد. و این فرق نمی‌کند زمامدار اسلامی، نام شاه یا رئیس جمهوری یا دبیر
کل حزب داشته باشد. (فساد شاه را دیدیم و انور سادات و ملک خالد را شناختیم
که با ایجاد خفقان در مصر و سعودی راه اسرائیل غاصب را بسوی کشورهای
اسلامی باز می‌نمایند و بر ژرف راز زبان لو کوفسکی تبعیدی روسیه می‌شناسیم
که گفت در روسیه ۲۵۰ میلیون زندانی وجود دارد. (کیهان ۴/۱۱/۵۵)

و حالا تشخیص با مقلدین است که خدا و وجدان خود را حکم قرار دهند
و بیندیشند که آیا نائب الامام خمینی را که همیشه با مبارزه نمودن با طاغوت،
قدم بجای قدم امام حسین گذاشته است بر رهبری و ریاست کسل‌قوا بپذیرند یا
کسیرا که هر بلایی در داخل و خارج ایران بسراسلام آوردند، صدا در نیاورد!
اما همینکه جمهوری اسلامی بوجود آمد، خواست جرأت خود را بمورد
آزمایش بگذارد؟! که خداوند پرده ریا را بردرید و نشان داد که او در لباس مجتهد
دشمن اسلام و دوست و همکار عزالدین حسینی و قاسملوی ضداسلام و تجزیه طلب است!
خداوند در آیه ۳۳ ر ۳۹ در باره حاملان رسالت، یعنی پیامبران و وابستگان
آنها میگوید آنها تنها از خدا میترسند. از خشم و جبروت خلق کوچکتربین

هر اس ندارند! پس در اینجا هم تجارب تاریخی ثابت میکنند که حکومت باید تنها در دست اسدآبادیها، شیرازیها، نائینیها، مدرسهها، محمد خیابانیها، کاشانیها و خمینیها باشد که از خدا میترسند و خشم ابر قدرتها و نوکرانشان را نادیده میگیرند. نه در دست امثال شاه باشد که چون کارتس جواب تبریک او را بتأخیر انداخت، فرح رابا جیب و دامان پر از هدایا بتعقیب آن فرستاد! نه در دست روحانی نما باشد که مسجدالاقصی را آتش زدند. در نقاط اشغالی، بدامن قرآن دست تحریف گشودند، کاپیتولاسیون را احیا کردند، از غرب و جنوب، ایران را با اشغال نظامی در آوردند... اعتراضی نکرد و بلکه برعکس شنیده شد که کسانی برای عزیمت بجهت جنگ با کفار، از حضرشان استفتا نمودند. جواب منفی شنیدند!

قرآن، اسلام را دین کامل و پیروز شونده بر تمام ادیان میداند. از طهارت تادیات بر نامه زندگی دارد. برای افراد از قبل از تولد تا پس از مرگ دستور العمل میدهد و برای دولت خود خزانه زایندهای بنام خمس و زکوة و صدقات و انفال و و دارد. پس آیا رواست که چنین دینی طفیلی و زیر دست کفار و ستمگران باشد؟

دینی که قرآن آن میگوید «لَا تَرَكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» ۱۱۳ و امیر المؤمنین آن نقل میکند «...الایقار و اعلى كظة الظالم ولا سغب مظلوم» و امام صادق آن در بیش از پنجاه حدیث میگوید از سلاطین جور دوری کنید! /
رواست که پیروان آن ذخائر ارضی و مالیات خود را در اختیار نماینده استعمار بگذارند تا هم بخورد و هم جیب اربابان کافر ستمگر را پر نماید؟.. (ولایت فقیه امام خمینی بنقل از وسائل الشیعه)

اسلامی که خدا و رسول و امیر المؤمنین آن مخصوصاً در فرمان مالک اشتر

تمام دقائق و رموز حکومت انسانی و دلپذیر را میآموزند، رواست که امت آن روی گنج بخواهد ولی گرسنه جان دهد؟ رواست که قانون اساسی آنرا از بلژیک و مشاور آنوا از آمریکا بیارند؟

اسلامی که با فرامینی نظیر: اذن للذین ظلموا ۳۹ و ۲۴... و ما لکم لاتقاتلون ۷۵ و ۴... مسلمانان را بجهاد در راه خدا و استخلاص مستضعفین امر و تحریض میکند چگونه ممکن است مسلمانان با امر خدا قیام کنند در حالی در ایران دیدیم و از مصر و اردن و مراکش و و خبر میرسد که حتی مسلمانان، اجازه و تأمین طرح و بیان تبهکاریهای دولت خود را ندارند!!

اسلامی که پیامبر آن میگوید مسلمانانی اگر فریاد استغاثه کسی را گرچه غیر مسلمان باشد بشنود و بیداد او نشنابد مسلمان نیست - یا کسی که صبح کند و در امور مسلمین اهتمام نوزد مسلمان نیست! اگر زمام حکومت بدست خود نباشد چگونه میتواند بشفارش پیامبر جامه عمل بپوشاند (در حدیث بترتیب از آیات عظام طالقانی و امام خمینی)

قرآن در آیه ۲۹: ۸ و ۲۸: ۵۷ میفرماید اگر تقوی کنید برای شما قوه مشخصه‌ای و نوری می‌دهم که در ضیاء آن بدون سگته و سقوط راه میروید و موانع را از پیش پای خود بر میدارید. حالا آیا دیدن خطاهای بیشمار نیکسوتها، کارتها و دریگانها و میترانها از یکطرف و دیدن بینش و رأی صائب سلمانها محمدی کیلانیها و امام خمینیها، از طرف دیگر، مدلل نمیکند که اصلح آنست که حکومت در دست فقها باشد؟

حالا در اینجا اسناد دیگر را هم بطور خلاصه مطالعه مینمائیم

۱- برادران شیعه و سنی از رسول اکرم نقل نموده‌اند که فرمود علمای امت من مثل انبیاء بنی اسرائیل یا علماء وراث انبیاء میباشند (وسائل الشیعه و

ینابیع ص ۴۷۵)

۲- علی از رسول اکرم نقل نمود که ۳ بار فرمود خدایا خلفای مرا رحمت کن. پرسیدند آنها چه کسانیند جواب داد آنها که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا روایت می کنند و بمردم یاد می دهند حالا هر صاحب شعوری درک می کند که اگر امت محمدی زیر ابر سیاهی مثل دوران پهلوی گرفتار شوند امکان تبلیغ نخواهند داشت. پس نظر رسول خدا بمرور عمل در نخواهد آمد مگر اینکه خلفای او یعنی فقهاء آزادی بیان داشته باشند و آن نیز ممکن نیست مگر اینکه حکومت بدست آنها باشد. ولایت فقیه ص ۶۷

۳- علی بنقل از پیامبر اکرم ص در حدیث مفصلی صفات زمامدار اسلامی را ترسیم میکند و میگوید: حاکم نباید بخیل و دنیا دار و بجمع مسال حریص باشد. حاکم نباید جاهل باشد تا با جهل خود مردم را بگمراهی بکشاند و نباید ظالم باشد که بجهت ظلم او مردم از او قطع مرادده کنند. نباید ترسو باشد تا بجهت با این دولت، دوست و با آند دیگری دشمن باشد. نباید رشوه خوار باشد مبادا حقوق مردم را پایمال و مانع رسیدن حق بحقدار باشد و نباید سنت و قانون را تعطیل کند که کار مردم بگمراهی و تباهی کشیده شود.

در جای دیگر میفرماید بهترین حاکم، حاکم عادل است که هدایت یافته و هدایتگری میکند... سنت پیامبر را اقامه و بدعتها را از پیکر اسلام می زداید. حد شرعی را در حق مجرمان جاری و بیت المال را بصاحبان میرساند. بهترین حاکم آنست که معیشت خود را با مردم تنگدست برابر نهاد تا مستمندان را پریشانیشان فشار نیارد و بار غمشان نیفزاید.

پس بدین ترتیب باز مدلل می شود که تنها فقهای واجد شرطند که قانون الهی را می شناسند و بدون خوف و هراس از این و آن بکار می بندند و چون از

خدا میترسند و بزندگی ساده نیز عادت دارند؛ صرف نظر از اینکه رشوه نمی گیرند بلکه مثل جناب سلمان فارسی و شیخ مرتضی انصاری و امام خمینی بودجه دولتی هم دست نمی زنند و جهد می کنند مثل امیر المؤمنین سطح معاش خود را در سطح مستمندان نگاهدارند... و بطوریکه تاریخ معرفی و بدیده خود هم می بینیم، اغلب فقهای کرام حتی از مکروهات هم اجتناب دارند و لذت زندقی را در آن میدانند که نیروی خود را در راه خدا و هدایت و سعادت مردم صرف نمایند (نهج فیض ص ۲۶۹ و ۳۰۰ و ۳۹۸ و ۶۵۳)

۴- باز علی علیه السلام در خطبه ۲۱۳ ذیل آیه ۳۷۲۴ . رجال لاتلهیهم تجارة... درباره بینش وسیع بندگان خاص خدا مخصوصاً در ایامی که دست مردم از دامن انبیاء کوتاه شده باشد اشاراتی دارد که کوئی از پشت پرده های زمان، امام خمینی ها و راهنمائیها و اعلامیه های پیامبر گونه آنها را دیده و آنها را معرفی می نماید و ما برای توجه کسانی که وسوسه های « شیطان بزرگ » آنها را بخصوصت با مردان پاک واداشته است؛ جملاتی اقتباس مینمائیم:

خدا از طریق عقل و افکار بایندگان صالح راز می گوید. آنها غیر از او امر و نواهی خدای بسخن نمی گشایند. آنها همچون راهنمایانی هستند که درماندگان بیابان ضلالت را از تمایل بر است و چپ نجات میدهند (می توان گفت نظر امام از کلمات شرق و غرب، علاوه از نهی از افراط و تفریط، متضمن شعار جمهوری اسلامی است « نه شرقی نه غربی.. ») فقهاء از گناه نهی و باطاعت و اجرای عدالت دعوت مینمایند.

از آلودگی بدنیا چنان پاک و بلند نظرند که گویا دنیا را پشت سر گذاشته اند. آنچه مردم نمی بینند آنها می بینند. وضع اهل بهشت و جهنم پیش چشم

آنهاست!

هر دوی را که بسوی خدا باشد میزنند ...

حکام خدائی مال را بعد از میان صاحبان تسهیم می کنند. در اجرای حکم

خدا سازشکاری و فروتنی نمینمایند و رشوه نمی پذیرند ...

کسیکه سنت پیامبر را را کند میگذارد نباید پیشوای مردم شود که امت

را بقیاهی میکشد. (نهج فیض ص ۳۹۹ و ۱۱۲۷ و ...)

۵- عمرو بن ابی مقدم نقل میکند که در خانه خدا مشغول طواف بودم؛

امام باقر ع نیز طواف میکرد. مردی فریاد زد «بدادم برسید این دو نفر شب هنگام

برادرم را از خانه به بیرون خواندند ... اژهنوز بر نگشته و از سر نوشت او خبری

نیست!» امام از آن دو توضیح خواست، جواب دادند «صدایش کردیم و بعد از صحبت

دوباره بمنزل برگشت» حضرت فرمود فردا بیائید.

فردا قضاوت را با امام صادق ارجاع نمود. آنحضرت که در جایگاه نماز

نشسته بود از آن دو پرسید ... آنها جواب دیر روز را تکرار کردند. امام گفت

پیامبر ص فرموده است «هر کس، شخصی را بهنگام شب به بیرون بخواند، ضامن

جان اوست مگر اینکه مدرک و بینهای راجع بمرگش او بمنزل خود نشان دهد!

چون آنها مدرکی نداشتند. امام بآن شاکی گفت گردن آن مرد را بزن! آن مرد

گفت «ای پسر پیامبر مرا نکشید من نکشتم بلکه نگاهش داشتم رفیقم بناگاه

او را کشت ...» قاتل گفت من بایک ضرب به بقتلش رساندم بدون اینکه شکنجه ای

کرده باشم!

حضرت اجازه داد آن برادر، قاتل برادر را بکشد و آن دیگری را حبس

ابد نماید و سالیانه ۵۰ تازیانه باو بزند. این صدور حکم نشان می دهد ائمه برای

اجرای حکم الهی خود را اولیتر میدیدند و احتیاج نداشتند از طاغوت کسب اجازه

نمایند. اقتباس از مجله مکتب اسلام ۱۲:۲۰. مسالك و وسائل الشیعه ج ۱۹ ص ۳۰۶

۶- حضرت صادق بجمعی از شیعیان فرمود وقتی در میان شما خصومتی یا مسئله‌ای از اخذ و عطا پیش آمد، مبادا بیکی از این فساق و ظالمه و سلطان جائز مراجعه کنید! بلکه میان خودتان مردی را که آشنا بحلال و حرام ماست تعیین کنید. من او را تأیید مینمایم. (وسایل الشیعه جلد ۱۸)

۷- در ترجمه فارسی المیزان ج ۸ دو حدیث مترادف بیچشم میخورد که یکی تحت عنوان «لا طاعة لمخلوق فی معصیة الله» اطاعت از امثال شاه را که با بدعت‌گزارها و ترویج فحشاء و شرب خمر و غیره موجبات معصیت بخدا را فراهم می‌آورند نهی و در دیگری اطاعت از اولی الامر اسلامی را تا وقتی که با فسق و گناه مبارزه مینمایند، لازم و بالمآل اطاعت از ولایت فقیه را که حلال‌خداوند بما عطا فرموده است واجب می‌شمرد!

۸- استاد مطهری در کتاب «ختم نبوت ص ۴۰» بنقل از صدر المتألهین، مفاتیح الغیب و شواهد الربوبیه حدیثی نقل میکند که باز برای بازیخوردگان و منافقان، آنان که بندگان محبوب خدا و خالق امثال حجج اسلام سید عبدالکریم هاشمی نژاد^۱ و عبدالحسین مبشری را بخون خود می‌غلطانند و یا آنانکه، با خرابکاری در هواپیمای حامل سرداران رشید اسلام (سرلشکر ولی الله فلاحتی و سر تیپ جواد فکوری و سر تیپ موسی نامجو و قائم مقام سپاه پاسداران؛ رحیم کلاهدوز) امام عصر و امام امت و مقربان خدا را تمزده مینمایند، درخور توجه می‌باشد.

تا از خدا و دست انتقام بیندیشند ... ان لله عباداً لیسوا بانبیاء یغبطهم النبوه ...
خدا را بندگان است که پیامبر نیستند ولی خود نبوت بمقام آنها غبطه میبرد!

۱- در دوره طاغوت کتابها نوشت، فعالیت‌های سیاسی نمود. بزندانها افتاد.

و شکنجه‌ها دید. روانش با شهدای دیگر جاودانه شادباد!

در توضیح حدیث فوق شمه‌ای از تفصیل کرامات نواب اربعه و سایر اولیاء خدا را که در صفتی از ولایت و قرب خدا قرار دارند گسه بترتیب ؛ نبی اکرم و سیزده معصوم دیگر در اول آن ، قرار دارند؛ از کتاب مهدی موعود و گرده دستگاران (ج ۲ ص ۲۴۸) و نجم ثاقب و در مطالعه می‌نمائیم . تا راه بسرای درك عظمت مقام نواب عام دیگر که در هر عصری مصابیح هدایت بوده و میباشند باز شود . و چون درج تفصیل کرامت‌های رجال الهی بمنزله گنجاندن دریا در سبو میباشد ، لذا فقط بچند فقره بطور اختصار اشاره مینمائیم تا معلوم شود در هر عصری جمعی از بندگان خاص خدا که نبوت بمقام آنها غبطه پیبرد بوده هستند!!

(قبلاً راجع بعظمت مقام علامه حلی و مقدس از بیلی حول ص ۱۷۰)

کلماتی نگاشته شد) و حالا چهار کرامت از چهار نایب خاص امام زمان:

۱- شخصی نقل می‌کند که زنی پارچه‌ای بمن داد که بجناب عثمان بن سعید نایب اول امام زمان عج (در غیبت صغری) برسانم، من آنرا هم کنار پارچه‌های دیگر، از راه دور بیفداد رساندم . جناب عثمان دستور داد همه را به محمد بن عباس قمی بده ... تحویل دادم . بعداً سفارش آنجناب رسید که پارچه آن زن را چرا ندادی؟! من هر چه گشتم پارچه آن زن را نیافتم و ملول شدم . از آنجناب سفارش رسید که غمگین مباش ، پیدا می‌کنی ! بعداً پیدا کردم و تحویل دادم!

۲- شخصی میگوید جناب محمد بن عثمان نایب دوم امام ، مرا خواسته

يك بسته امانت که محتوی پارچه بود ، با کیسه‌ای درهم بمن داد و گفت لازم است همین الآن بشهر واسط (حدود سیصد کیلومتری کوفه و بصره) حرکت کنی و امانتها را بکسی که قبل از ورود ، در کنار فرات بتو میرسد تحویل دهی ! من غمگین بودم که برای رساندن این امانت کوچک چرا باید اینهمه راه طی کنم ! تا گزیر سواره بجانب واسط حرکت نمودم در محل موعود ، از شخصی

که پیش آمد ، محمد بن قطاه را که شخص سرشناس و متصدی موقوفات بود جو یا شدم گفت من خودم هستم . من با سلام گفتم و سلام جناب محمد را نیز ابلاغ کردم آنگاه او (مثل کسیکه قبلاً با او تلگراف و تلفن شده باشد) مرا باسم خودم مورد خطاب قرار داد و گفت فلان مؤمن از دنیا رفته من بتجهیز و کفن و دفن اومی روم . چون امانتها را کشود معلوم گردید . امانت محتوی کفن و کافور و دستمزد حمال و گور کن میباشد !

۳- شخصی سرور نام حکایت میکند که من در کودکی لال بودم . طبابت هم بجائی نرسید . پدر و عمویم مرا پیش جناب حسین بن روح نایب سوم امام زمان عجل بر دند و خواهش کردند در حق من دعا فرمایند تا زبانم باز شود . آنجناب (مثل کسی که امام زمان در کنار اوست) گفت دستور اینست که بکر بلا بروید . ما رفتیم در صحن مطهر حضرت حسین علیه السلام مشغول زیارت شدیم . در این اثنا پدر و عمویم مرا صدا زدند و من که زبانم باز شده بود بفصاحت جواب دادم . (هر سه فقره از کتاب مهدی موعود ترجمه حجة الاسلام علی دوانی)

۴- ابن بابویه که از رجال علمی و با تقوای ری بود ، نامه ای بجناب علی بن محمد سمری آخرین نایب خاص حضرت بقیة الله نوشت و تقاضا کرد که سلامش را بحضرت برساند تا آنحضرت از خدا بخواهد خداوند برای او اولاد صالح مرحمت کند. (شاید قبلاً يك پسر داشته است) ..

بیر کت دعای امام دو فرزند بر و مند بنام ابو جعفر ملقب بصدوق و ابو عبدالله بدنیا آمدند . در قدرت درك و حافظه یگانه دهر بودند . کتب و رسالات و خدمات آنها غیر قابل توصیف میباشد . علاقمندان بنامه دانشوران و مجالس المؤمنین و تذکرة العلماء و کتب رجال و اعیان الشیعه مراجعه فرمایند ...

روزی جناب علی بن محمد از ابن بابویه سخن بمیان آورد و گفت خدا

رحمتش کند! حاضران گفتند او نمرده جوابداد الساعه مرده است! ۱۷ روز بعد نامه وفات رسید و معلوم شد بفرموده علی علیه السلام آنچه دیگران نمی بینند؛ رجال الهی می بینند ...

حالا مصلحت چنان مینماید که قبل از رسیدن بحضرت امام خمینی که بعنوان خدمتگزاری؛ سطری چند نوشته خواهد شد، سخن در خلال واقعیتی که در این زمینه بخود مؤلف اتفاق افتاده است بمیان آید. بایکی از دوستان که دکتر داروساز است پیرامون رجال الهی امثال امام خمینی بحثی بمیان آمد.

او که گفتارش و نیز کم علاقه شدنش بنماز جمعه نشان میداد که از هواداران جنبش مسلمانان مبارز می باشد، در ضمن بحث که معلوم شد از هفته نامه امت (۱۳۴۰) و از سخنرانیهای لیدر آن تأثیر پذیرفته است رهبریت را زیر نقطه سؤال قرار داده گفت «خودشان باشباه؛ اعتراف میکنند و علاوه از آن، اینهمه نیرو که در گروه کمانگیری و سپس در آزادسازی آنها هدر شد جزء اشتباهات می باشد! وجه تضمینی در میانست که اشتباهات گذشته؛ از قبیل تأیید دولت موقت و ریاست جمهوری بنی صدر تکرار نشود؟

در پاسخ قبلاً برای اینکه گمان نکنند مردم نمیدانند متاعشان از کدام کارخانه است گفته شد آری لیدر گروه شما از این اعتراضات بسیار دارد! جمعه شبی قبل از پیروزی انقلاب؛ که استعمار؛ ایادی خود را در جنب سخنرانان راستین؛ بمیان اجتماعات میفرستاد؛ تا برای فردای ایران از آنها اصرامی بسازد، آقای دکتر پیمان در مسجد کانون توحید تهران سخنرانی داشت، استادیکه هفته نامه مربوطه او غالباً «ما چنین و چنان گفتیم» می گوید و امثال ابریشمی و رجوی خائن را کاندیدای مجلس اسلامی مینماید! سخنی گفت که از

منطق تاریخ اسلام فرسنگها فاصله داشت. هفته بعد موضوع را بخودشان گفتم و خواهش نمودم؛ خود درمیان جمع اصلاح کند که پذیرفت و عمل نکرد! روزی هم در دانشگاه تبریز سخنرانی داشت. اسمی از رهبر انقلاب بمیان نیامد. اعتراضات دیگر نیز داشتم که خواستم بنویسم و تقدیم کنم که با کمال تعجب دیدم آقای دکتر سؤالات از پیش ساخته ای را! در دست گرفته باصطلاح آنها را جواب می دهد یعنی اعتراض من، در دستم مانند آنگاه متوجه اصل اعتراض شده به آقای دکتر داروساز گفتم:

شما توجه نمیفرمائید نحوه تأیید ازبازرگان و بنی صدر، خود شروع یک مبارزه دقیق ازسوی امام درجهت طرد و نفی ملی گرایی و غربزدگی آنها بود روزیکه آقای بازرگان را در آن شرایط بحرانی بصدارت منصوب و بدانگونه مورد تأیید قرار دادند، هنوز مشت ملی گرایی او باز نشده بود و کسی نمیدانست که کابینه او معجونی از دستکارپوره های سادا کی و امیر انتظامها و میناچی های آمریکائی خواهد شد. و باز معلوم نبود که آقای بازرگان پس از عمری مسلمانی، نمایندگان همشان خود، امثال آقایان ابراهیم یزدی، سبحانی و صباغیان را جهت همصدا شدن در مخالفت با جمهوری اسلامی، در هفتم اسفند ۵۹ بمیدان امجدیه خواهد کشاند و راه را برای هرزه گوئی بنی صدر باز خواهد نمود! آن روز هیچکس نمیدانست آقای مهدی بازرگان پیشاپیش ۱۴ نفر از نمایندگان همشان خود که یکی از آنان احمد سلامتیان بود که مسلمانی او را تنها بنی صدر تأیید کرد و اعتبارنامه اش را از مجلس گذراند، مجلس اسلامی را ترک میگوید و بشادی «شیطان بزرگ»، آنرا از اکثریت می اندازد!

۱- رفقای دیگرشان آقایان علی اکبر معین فر؛ غضنفر پور، نقوی، اخوتیان

صباغیان، شهاب محموی، ابوسعیدی، منوچهری، عالیپور، بیانی و کاظم سامی بودند.

آنروز کسی نمیدانست که بقول روزنامه اطلاعات ۵۷۱۲۵ ص ۵ ،
شاپور بختیار از مرز «بازرگان» خواهد گریخت!
کسی نمی دانست که ساواکیها دسته جمعی در برابر کاخ نخست وزیری
جهت مطالبه حقوق معوقه صف خواهند کشید و آنها را آزاد خواهد گذاشت
تا بخیانت‌های خود ادامه دهند.

کسی نمی دانست که آقای بازرگان در صدد افزودن بنام جمهوری
اسلامی خواهد بود تا روزنه‌ای برای تردد افکار دموکراتی که جهان‌خواران،
زیر نام آن دنیا را خراب می کنند، موجود باشد. کسی نمی دانست که او با
نوشتن نامه تند بیکی از آیات عظام، ریشه عقیده و احترام بروحانیت متعهد را
خواهد زد! (کیهان ۵۹۵۸ ص ۵۹)

کسی نمی دانست که او در حق حسن تزیه که امروز با بختیار نخست وزیر
طاغوت، بر علیه اسلام توطئه می کند، خواهد گفت اگر تزیه برود، منم
باید بروم!

کسی نمی دانست که او برای راه یافتن مسعود رجوی بمجلس و مقامات
بالا مصاحبه خواهد نمود. در صورتیکه سابقه رجوی برای مردم آشکار بود
یعنی مردم می دانستند که همچنانکه برخی از اعضاء، در کار گاهها، شیکار
می شوند، رجوی هم «زندانی نبود بلکه زندانکار» ساواک بود تا مثل تقی شهرام که
درص ۲۳۸ گذشت، در وقت مناسب بهتر بتواند با مظلوم‌نمایی کودکان را فریب دهد!
کسی نمی دانست اشغال لانه جاسوسی که برای ملت، انقلاب دوم
محسوب شد برای آقای بازرگان مایه تأسف خواهد بود!

کسی نمی دانست آقای بازرگان از منافقان سرور نیست در مجلس دفاع
خواهد نمود و مورد اعتراض اکثریت نمایندگان قرار خواهد گرفت!

کسی نمی‌دانست او روزنامه «میزان» منتشر می‌کند و با روزنامه انقلاب اسلامی بنی‌صدر، همدست شده در تضعیف دولت اسلامی هر چه زهر در بن دندان دارند فرو میریزند!

در مورد بنی‌صدر هم که محیلانه در معیت امام، بسایران بازگشت و با استفاده از روحانیت پدر و دستبوسی برخی از روحانیان، خود را بشکل مسلمان در آورد و انتخاب شد، باید باقای دکتر بگویم که نه تنها نایب‌الامام خمینی، بلکه اگر خود حضرات معصومین هم می‌بودند، با اینکه سیاهی قلب بنی‌صدر برای آنها هویدا بود،

باز در مقابل کار انجام شده از نظر رعایت مصالح عموم نمی‌توانستند برخلاف اکثریتی که باو رأی داده بودند از تأیید او خودداری نمایند. جز اینکه مرارت را تحمل می‌کردند تا بویه زقوم و حنظل بیارمی نشست و خود مردم و نمایندگان آنها (در مجلس) بیرونش می‌کردند! چنانکه جراح حاذق نیز قبل از اینکه دمل بعد آمادگی برسد، بیشترش نمیزند!

علاوه از اینها رئیس هر خانواده‌ای گرچه از بعضی از وابستگان دل‌پر خونی داشته باشد، باز با احترام و مصالح خانه، تا وقتی که خود آن مصالح، گناه و ناهماهنگی را از حد بگذراند، راز دل را فاش نمی‌نماید...

لطف حق با تو مداراها کند
چونکه از حد بگذری رسوا کند!

وبالاتر از آن، اگر رئیس خانواده‌ای، برای حفظ اعتبار فرزندان تواضع کند و بگوید ما اشتباه کردیم، انصاف اجازه می‌دهد که گفته شود او اشتباه کرد؟

در پایان بحث که دکتر تا حدی نرم شده بود در جواب اعتراضشان نسبت بگروگانگیری و آزادسازی گفته شد شما از بنی‌صدر و رفیق او که حالا در

فرانسه بر علیه دولت اسلامی یاده سرائی میکنند و از «کیسه حاتم می بخشند» و فرانسه‌ی استعمارگر هم بامیدیکه انشاءالله هرگز بشهر نخواهد رسید آنها را تأیید و صدایشان را پخش می‌کند، تقلید نکنید. آنها بقول حافظ «طوطیانی هستند که آنچه استعمار میگوید بگویند میگویند!» در کروگانگیری و آزادسازی لطفاً بطور مقدمه توجه فرمائید که روزه گرفتن که در رمضان واجب و در سایر ایام مستحب است، وقتی فرا میرسد که برعکس، روزه حرام و موجب عذاب می‌گردد که آن روزه عید فطر است! نماز یومیه که ستون دین است اگر لحظه‌ای قبل یا بعد از وقت ادا شود بچیزی نمی‌ارزد!

کروگانگیری و نشان دادن دستگامها و آثار جاسوسی، بهترین افشاگری و ضربه سیاسی بود که بر پیکر استعمار وارد آمد همچنانکه آزادسازی باموقع آنهم با آن عهد و پیمانی که توسط دولت الجزائر گرفته شد، شکستی بود که برای اولین بار دولت آمریکا را در امر سیاسی خود با آن مواجه ساخت! اگر شکستی در میان نبود، کارتر تنظیم و امضای آنرا بتعویق نمی‌انداخت و موقوف تا آخرین ساعت خروج از کاخ ریاست جمهوری نمی‌کرد. همچنین ریگان از دادگاه عالی قضائی استمداد نمی‌کرد که اجازه دهند بعنوان اینکه کارتر، قرارداد را در خارج از وقت ریاست خود امضاء نموده است لغو کند که با جواب رد مواجه شد! (رادیو لندن و مطبوعات)

بعبارت دیگر دولت مرحوم رجائی که خارچشم بنی‌صدر و ارباب او بود کروگانها را پس از افشاگری و بهره برداری سیاسی از وجود آنها و خانواده هایشان که آزاد کردن سیاهان و زنان و بیماران و معامله انسانی نمودن با آنها از آن جمله بود؛ در وقتی آزاد نمود که هیچیک از دورقیب یعنی کارتر و ریگان نتوانست مدال افتخار آزادی آنها را بسینه بزند.. (ص ۲۱۹ رادوباره ...)

و بالاتر از همه باید توجه فرمائید که دردنیای آزادی و امتحان ، بلعم باعور، سوابق درخشان خود را زیر پا گذاشت و فاسد شد.

حسان شاعر رسول اکرم ص که از الطاف آنحضرت برخوردار بود ، تمام رشته‌ها را پنبه کرد و حتی اشرار را بر علیه مولای متقیان شوراند !

طلحه و زبیر با آن سابقه درخشان ، از عهده امتحان بر نیامدند . عهد و بیعت شکستند و عالم اسلام را بنخاک و خون کشیدند !^۱

شریح قاضی بر گشت و علیه امام حسین فتوی داد ! زیاد بن مروان و علی بن ابی حمزه و عثمان بن عیسی بمحض اینکه شنیدند امام موسی کاظم علیه السلام بزندان افتاده و شهید شد هر چه بیت المال درپیش خود داشتند ، فرو کشیدند و فرقه واقفیه را بنیانگذار شدند !

پس در عالمی که چنین تحولات عجیب در اخلاق و ایمان بزرگان رخ می‌دهد از ریاکاری و انحراف بنی صدر نیز نباید متعجب بود و بر سر بیدار دل اعتراض نمود که چرا حکم ریاست جمهوری و ریاست کل قوایی او را تنفیذ کرد یا چرا او را تأیید نمود ؟!

۱- پس از خاموش شدن نائره جنگ جمل که در آن ، طلحه بدست مروان ، دوست تازه یادشمن دیرینه‌اش کشته شده بود ، علی علیه السلام از سر جنازه طلحه گذشت و گفت « ایکاش پیش از سی سال یعنی زمان پیامبر و قبل از آلوده شدن بجنایت ، کشته شده بود ... بی‌یقین در جمهوری اسلامی نیز اگر علی بر سر جنازه طلحه های زمان بگذرد ، می‌فرماید ایکاش قبل از پیروزی انقلاب مرده بودند !!

توجه توجه

شما در این دادگاه قاضی باشید

در صفحات گذشته ضمن اشاره پیاره^۱ از آیات و احادیث راجع بوجوب حراست و اطاعت از ولایت فقیه، وعده داده شد، نکات برجسته‌ای از تاریخ حیات دو گروه زمامداران یعنی فقهاء و غیر آنها که شاهان و رؤسای جمهوری باشند، مورد بحث قرار گیرد. تا بمصداق و تعرف الاشیاء باضدادها، شما خوانندگان محترم خود بیندیشید و قضاوت کنید که صلاح مملکت و ملت در زمامداری کدامیک از آنها می‌باشد. بشرطی که پیش از صدور رأی، مثالها و نمونه‌هایی را که از دو گروه تقدیم میشود در دو کفه ترازوی عدل مقابله کنید!

۱- زهد و بلند نظری فقهاء و علم و حقوقدانی و جهان بینی و شجاعت و انصاف و حدت ذهن و تواضع آنها و اینکه مردم از رحلت رسول خدا باینطرف، آنها را تنها از دیدگاه اعلی‌ت و عدلیت انتخاب می‌کنند، در یک کفه و بغل و سفاکی و دناوت و مال پرستی و کوتاه نظری و عادت بعیش و عشرت داشتن شاهان و رؤسای جمهوری و معاونینشان و اینکه آنها به نیروی زور و زر و تزویر یا از طریق ولایتمهدی بر سر کار می‌آیند و آنکاه تحت سیطره اهریمنی، مردم را باطاعت از خویش مجبور مینمایند، در کفه دیگر (ص ۱۰۳ و ۱۴۳ را دوباره بخوانید)

۲- تأیید شیخ طوسی در النهایه، طبرسی در احتجاج، شیخ حر عاملی در وسائل، آندیکران در عروه و تنقیح و وورا که علی علیه السلام، پس از عثمان، شریح را بشرطی در مسند قضا ابقا فرمود که اتمام احکام را بنظر امام برساند، در یک کفه و بقضا گذاشتن شاهان، بهائی‌ها و کمونیست‌ها و دزد مال و ناهوس را در کفه دیگر که پر بودن زندانها از بیگناهان و بدهها سال کشیدن مهاکمت و روبازدیداد بودن فرزندان نامشروع و بیایمال شدن حقوق مستضعفان، از نتایج آن بود!

۳- یار مظلومان و خصم ستمگران و حافظ ملک و ملت و عفت و ناموس

بودن و کنج قناعت بر گزیدن گروه اول را در کفه اول. و عامل استعمار و مروج بی‌عفتی بودن و در مقام قدرت، دندان طمع و چنگال خونفشان باقصی نقاط عالم کشودن گروه دوم در کفه دوم... که واقعیت زیر بعنوان «مشت نمونه خروار» قابل توجه می‌باشد.

پدر پزشکی از آشنایان بنام حاج اسماعیل قاری قرآن تبریزی که در بازار تبریز حوالی مسجد آیه الله شهیدی مغازه داشت، آهی سرد از اعماق سینه بر آورد و گفت «پسرم پس از پایان تحصیلات پزشکی، و انجام خدمت سربازی که از خود صداقت و حذاقت نشان داده بود، بدربار دعوت شد که استخدام شود. تطمیع و تهدید، کار خود را کرد و او بیهوداری دربار رفت! پسرم که نصایح پیشوایان دین را در رعایت عفت و ناموس آویزه گوش هوش نموده بود بفاصله ۳-۴ سال خدمت در دربار از دیدن بی‌بند و بیاری و رواج بازار «تز فریید و ما کیاول» تصمیم گرفت برای رهایی از دریای طوفانزا، زورق شکسته را بساحل بکشد!! تقاضای انتقال نمود پذیرفته نشد! استعفا نمود و بهر دری متوسل شد، بجائی نرسید. ناگزیر خود را بدیهوانگی زده مدتها زجر و محرومیت کشید و ملامت شنید تا آزاد شد! او در قصبه ایلخچی مطب باز نموده گمنامی و کمی درآمد آجا را بر شهرت جهنمی و درآمد سرشار تر جیح داد!... در رعایت شدن امانت در رژیم شاهنشاهی همین بس که دستگاہها یاد در خلاف جهت منافع مسلمانان کار می‌کردند یا سکوت مینمودند. مسلمانان مالیات و سر باز میدادند. شاه آنها را در بمباران نمودن ظفار بکار می‌برد. تلگراف يك وسیله بین‌المللی است ولی رژیم پهلوی همینکه می‌دید؛ خبر بنفع مسلمانانست کار نمی‌کرد! در روزهای قبل از پیروزی انقلاب آیه الله رضوانی؛ آنکه در اربعین شهدای قم، بر جان رژیم پهلوی آتش زد، در حالی که فقیه بزرگ پاکستانی، در قم در

کنار ایشان بود گفت به حضرت ایشان دهها تلگراف زدیم که نرسانده اند!!
 ۴- ظلم و فشار و محرومیت و ناداری چشیدن و احیاً در راه خدا
 زندان و تبعید دیدن صنف اول که بهتر میتواند از رنج دردمندان آگاه شوند
 و کذب و تهمت را تشخیص دهند، در کفهای و شاهزادگی و در بیوستان قنعم
 زیستن صنف دیگر را که حتی از درك رنج فقر وسیلی زور خوردن عاجزند در
 کفه دیگر!

۵- سختگیری عادلانه حجة الاسلام صادق خلخالی و سایر قضات جمهوری
 اسلامی، با فروشندگان هر وئین که سلامت جوانان و سعادت خانواده‌ها را
 تضمین نمود، در طرفی و تسامح و تبعیض رژیم پهلوی که مطبوعات خارجی آنروز
 نوشتند « اشرف پهلوی بهنگام حمل هر وئین در سوئیس گرفتار و سفارش برادرش
 آزاد شد! یا هر وئین فروشی برخی از درباریان و مجلسیان آنروز که در ماشین
 خود مواد مخدر را حمل و نقل میکردند ولی مأمورین و ژاندارمها بحرمت
 مصونیت درباری و پارلمانی داشتن آنها دیده‌ها را نادیده می گرفتند در طرف
 دیگر ...

۶- حدیث نبوی را که چنان از سلطنت رنج میبرد و نفرت دارد که حتی
 دوستی و مراد داشتن فقهاء با سلاطین را نکوهش می کند، در يك کفه ترازو و
 در عین ادعای مسلمانی داشتن، سلطنت نمودن پهلویها، تعیین ولیعهد کردن‌ها و
 اسرائیل خونخوار را بر سمیت شناختن‌ها را در کفه دیگر (حدیث که از اصول
 کافی و ولایت فقیه امام نقل میشود، اینست: «... فقهاء، امنای پیامبرند مادام که
 وارد دنیا نشده باشند! گفته شد یا رسول الله وارد دنیا شد نشان را توضیح فرمائید!
 جواب داد تبعیت کردنشان از سلطان! پس وقتی که دیدید فقهاء درباری شده‌اند،
 از صدماتی که از آنها متوجه دینتان میشود بر حذر باشید!»

۷- رحمت و جاذبه گروه اول که کاروان دلها بجانب آنها روانست در يك طرف و زمام گسیختگی شاهان که انسانها از آنان گریزان میشوند در طرف دیگر! (تنها انگیزه فرار ابن سینا و ابوسهل مسیحی و انسانهای دیگر از پایتخت محمود غزنوی، ترس از سفاکی و قساوت قلب او بود... چهارمقاله عروسی)

۸- اینکه مردم همیشه در آرزو و اشتیاقند که فقهاء بشهر و دیار آنها وارد شوند، در يك کفه و در انتظار از قدرت افتادن زمامداران بودن مردم، در کفه دیگر^۱

۹- از يك طرف نظری بسید جمال الدین اسدآبادی بیفکنید که عمر شصت ساله خود را بدون کوچکترین وقفه که حتی موفق با ازدواج هم نشد، صرف تبلیغ اسلام نمود. آنها تبلیغ توأم با استعمار زدائی.

که بر اثر ایمان و اخلاص با آزادی انسانها و داشتن هوش و استعداد و جاذبه کلام که شهد اسلام را در کامها فرو میریخت بهر جا روی میآورد با استقبال توده های محروم مواجه و برعکس مورد خشم انگلیسها می گردید که از بیداری مردم

۱- پس از شکست محمد خوارزمشاه از چنگیز، عده ای صلاح را در آن دیدند که شاه برای راحت و تجدید قوی بهمازندران برود، ولی او، از بیم انتقام مردم نپذیرفت! ... در سفری که کارتر بایران آمده و با شاه هم پیاله شد که تلویزیون نیز صحنه را نشان داد، از بس که شاه، از بمنزله پدر ملت بودن خود سخن گفته بود، کارتر پرسیده بود اگر حالا يك نفر اندم آزاد بعمل بیاید، چند نفر بشما رأی میدهند؟ شاه گفته بود «تقریباً همه مردم» کارتر جواب داده بود حتی يك نفر!!...

جشن و پایکوبی مردم در مرگ فرانکو دیکتاتور اسپانیا و جشن چراغانی مصریان در روز ترور انور سادات مؤید این حقیقت میباشد

سخت و وحشت داشتند .

در یکطرف سید را در مصر به بینید که امثال داکتر محمد عبده را با نهج البلاغه آشنا میکند و این آشنائی آغاز نهضت اسلام در شمال افریقا میگردد . و سرانجام دیو استعمار از بیداری توده ها بو حشت می افتد و سید را بپند تبعید می کند! ... سید را با روح خصومت انگلیس در هندوستان به بینید که در میان انبوه استقبال کنندگان می گوید : « ... گفتاری که او را با سلعیدن دوست میلیون مردم هند و آشامیدن رودخانه های سند و گنگ سیر نکرده است بلکه دهن باز نموده است تا آبهای نیل و جیحون را نیز بلع کند! » که این قبیل نطقها باعث آن می شود که در هند هم آزادش نگذارند ، از دکن به کلکته و از کلکته بافغانستان تبعید نمایند ! سید را در ایران به بینید که از نزدیک ، مظالم دربار ناصرالدینشاه را مشاهده می کند و خروش بر می دارد و لاسرزه بر اندام ستمگران می اندازد تا روزی به نیرنگ اینک دولت «بایبها» را میگیرد؛ سید را میگیرد و بافغانستان تبعید میکند! (کتاب خوش یا رقلی میگوید ، در آن ایام کسی با فرقه بایبه کاری نداشت . تنها کسیکه گرفتار شد سید جمال مسلمان بود ! .

سید را در افغانستان به بینید که استعمارگر ، وجود او را مخالف مطامع خود می بیند و از شهری بشهر دیگر تعقیبش می کند تا سید خود را در روسیه می بیند !

سید را در روسیه به بینید که از یکطرف روح بیداری و اخوت سنی و شیعه را در مسلمانان می دهد و از طرف دیگر مشروحاً ————— ورد هجوم استعمار قرار گرفتن ایران و انعقاد قرارداد منحوس تنباکو را با سامراء محضر مجتهد وقت محمد حسن شیرازی مینویسد که منجر بصدور فرمان تحریم تنباکو و پنبه شدن رشته های انگلستان میگردد .

سید را در نوشتن کتاب (نیچریه در رد دهریون) ... به بینید! سید را در
استانبول و ایران به بینید که میخواهند با دادن پست و مقام، از جوش و خروش
بر علیه جهانخواران، آرامش کنند نمی پذیرد!

سید را در فرانسه به بینید که روزنامه عروة الوثقی را بزبان عربی منتشر
و ممالک عربی را بقیام علیه استعمار فرانسه و انگلیس، تحریک مینماید!

سید را در ترکیه در حال توبیخ کردن شاگردش میرزا رضای کرمانی
به بینید که می گوید بجای گریه، آماده انتقام از دولت شاه ایران شو! که در نتیجه
ناصرالدینشاه ترور می شود و آزادی ای بدست می آید و کم کم مشروطیت را
بیاد می آورد!

از طرف دیگر نظری بیزید بن معاویه بیندازید که بمنحصری از اخلاق او
در ص ۳۱۰ اشاره شد. یزیدیکه در ولیعهدی خود، در اثنای لشکر کشی، کنیزی
بچنگ آورده بعیش و نوش پرداخت ... هوای گرم و فقدان وسائل زندگی؛
لشکریان را از پای در می آورد ولی او همچنان، از جوانی بهره میگرفت!

۱- دل نازک و حساس احمد کسروی از منبع روح والهام و تحریک بودن اسلام
و از بیدارگری و انسانسازی علمای متعهد و نیز از خروش اسدآبادی که
نگذاشتند انگلیس تمام جهان را بلع کند و با ضربات خود مقدمات زوال قدرت
استعمار پیر را فراهم آوردند؛ بدرد می آید و در نوشته های خود انتقام جوئی
مینماید. و چون نمیتواند آفتاب را بگل بیالاید،

در تاریخ مشروطیت میگوید اگر سید بجای جهانگردی در ایران میماند
و تبلیغ می کرد بهتر می بود! ... غافل از اینکه اولاً او را نگذاشتند در ایران
بماند و ثانیاً نهنگ خود را در پیچ و خم تنگه و خلیج و دریاچه معطل نمی کند.
بلکه میدان فعالیت او دریاها و اقیانوس هاست!

نظری بسولید فرزند مروان بیفکنید که او در مقابل اینکه قرآن بهنگام استخاره، کلمه خشم و عذاب خدا برستمگران را بر او اراه نمود، قرآن را تیر باران کرد.

نظری بفرزند او یزید بیفکنید که در دوره خلافت، چنان در لجنزار عشق و شهوت کم شده بود که چون، معشوقه اش از دنیا رفت؛ بیتا بیها کرد و با بی اعتنائی بر سوائی و بدون توجه بنصیحت اطرافیان، مستانه سر، چند شبی هم بالتذاز از لاشه، گذراند!!

نظری بشاه مخلوع و برادرانش بیفکنید که یکی از القاب آنها دزد ناموس، بود.

نظری باشرف پهلوی بیفکنید که چون محمد مسعود، مدیر روزنامه مرد امروز، بطنز و کنایه او را ملکه عفت خواند! از طرف «لاشخواران اشرف» ترور شد!

نظری بزنان و مردان دربار پهلوی بیفکنید که راوی گفت در مغازه زرگری، دست در کیف کردند ولی پولی نیافتند. فوراً در مغازه رابستند و همه جا را حتی جیب مشتریان دیگر راهم گشتند... بعد که بخانه تلفن کردند و معلوم شد در خانه مانده است. یکی از حاضران بمحض لب باعتراض کشودن گلوله ای خورد که دیگر بر نخاست!

راوی دیگر می گوید یکی از شاپورها، صاحب ملکسی را در کبیرج احضار نمود که آنرا بفروش بدن!... چون حاضر بمعامله نشد، فردا ترور شد! نظری برعب شاپورها دردل مردم بیفکنید که هر شرکت و کارخانه ای که می شنیدند در آمد خوبی دارد تمام یا بخشی از آنرا بدون اینکه کسی جسرات استقامت و مخالفت داشته باشد میخریدند!

۱۰- ولایت فقیه را که حکومت ایده آل و نمونه حکومت عدل علی بودنش، مخصوصاً در روز ترور شدن مرحوم رجائی و نخست وزیرش دکتر باهنر، در سطح جهان ثابت شد (ص ۳۱۶ گذشت) وسیل اشک مردم در سراسر ایران؛ نشان داد که خلق شیفته خدمات آنها بودند که از اصل ولایت فقیه بیار آمده بودند، در کفه اول و حکومت باصطلاح دو کراسی و منتخب مردم را که در روز ترور انورسادات، از بیم ازهم گسیختن زنجیر اسارت و آزاد شدن قلمها و زبانها، یکسال حالت فوق العاده اعلام کردند و از بیم انتقام جوئی ملت، جسدش را بدست دشمنان اسلام، امثال مناخیم بگین «جلاد دیر یاسین» و کیسینجر دلال صهیونیسم و متران عامل امپریالیسم و نیکسون^۱ رسوای و اثر گیت بخاک سپردند در کفه دوم!..

ولایت فقیه را که از صدر اسلام، هر وقت امکان یافته بعنوان چشم ناظر و پاسدار عدالت و موتور محرک اجتماع و عامل وحدت انسانها و روشن نگاهدارنده ی

۱- وقتی رئیس جمهور، از راه تقلب انتخاب شود که در ص ۱۰۳ گفته شد. و وقتی آن رئیس جمهور استراق سمع میکند و افتضاح و اثر گیت را بیار می آورد، برادر زاده اوهم، تاجر هر وئین می شود و آن فامیل دیگرش در عضویت مافیاد آنسوم-ی در عضویت سازمان ضد سیاهان فعالیت مینمایند. (روزنامه کیهان ۲۳/۴/۵۳ و اطلاعات ۲۰/۱/۵۳) ... نتیجه اینکه اگر پشت سر رئیس جمهور چشم ناظر و کنترل کننده ای بنام ولایت فقیه نظارت نداشته باشد تا بهنگام طغیان، طردش کند، حتی انتخابات صحیح هم در دیرا دوا نمی کند. و این لکه نقص همیشه بر جبین تاریخ خواهد بود که بنی صدر با تردستی و چابکی، یازده میلیون رأی آورد. ولی اگر ولایت فقیه بداد ملت نرسیده بود، بنی صدر نسخه ثانسی شاه معدوم و یا از او هم خطرناکتر شده بود!؟

چراغ هدایت ، جهاد نموده است ... شرح زندگی فقهاء را که در عین قناعت بمعیشت ساده ، عالیترین آگاهی را ب مردم داده و بزرگترین ضربات را بطاغوت و استعمار زده و متقابلاً آماج تیرهای زهر آگین شده اند ، ... زندگی افتخار آمیز فقهاء را که در برابر مصائب ، استقامت ورزیده نهضت انبیاء را در گسترش عدل و شاداب نگاهداشتن جوانه امید مستضعفین ، تداوم بخشیده اند ، در کفه اول و در کفه دوم ، پرورنده عیاشیها و شب نشینی های شاهان و نیز پرورنده پشته ها و تپه ها سر و کله بی گناهان و جویها خونی که بدست شاهان براه افتاده ... و صدها کیلو گرم چشم و زبان بیگناه که بامر امثال چنگیز و تیمور و متوکل و نادر و آغامحمد کنده شده اند ! و هزاران انسانی که در زندان منصورها و حجاجها و پهلویها و انور ساداتها و ریگانها و مائوها و استالینها زیر شکنجه یا از گرسنگی ، جان داده اند و نیز پرورنده هزاران آزاد مسرد وزن که با هجوم غافلگیرانه سربازان روم و انگلیس و فرانسه ، در فاسطین و ایرلند و اردن و کشمیر^۱ باسارت درآمده در بازارها فروخته شده اند و همچنین پرورنده میلیونها انسان که با خیانت يك یا چند رهبر خائن باسارت استعمار درآمده اند ، ... پرورنده میلیونها انسان که بامر ترنها و کشیشها و هیتلرها بکام شیران و کوره های آتش افکننده یا اعدام شده اند و در حال حاضر نیز ریخته می شوند و اموالشان بغارت میرود ! ...

۱- کتاب کشمیر یا ایران صغیر را بخوانید تا معلوم شود ژنرال انگلیسی چگونه کشمیر را در مقابل « ثمن بخشی » بحکومت هند واگذار کرد که هنوز هم از پیکر کشمیر خون میچکد ولی کسی توجه نمی کند - تاریخ ایرلند را بخوانید تا بدانید گر انول پادشاه انگلیس چگونه ایرلند را بزور متصرف شد و مردان و زنان را بازار بردگان کشاند !! ...

برای اینکه در این سنجش ، توفیق بیشتر حاصل شود ، توضیحات زیر ضرور می‌نماید :

قرآن در آیاتی نظیر ... فلا تخضعن ولا تبرجن ۳۳: ۳۲
و همچنین احادیث نبوی تأکید دارند که زن مسلمان نباید بامردان بیگانه ملاقات داشته باشد !

دلی روزنامه کیهان ۱۵/۷/۶۰ بنقل از منابع موثق ، عکسی را نشان می‌دهد که در یک طرف زن انورسادات و مناخیم بگین ، مشغول تبادل بوسه‌اند . و در پهلوئی آنها انورسادات مثل سردار فاتح ، بنظراره ایستاده است !
باز قرآن ، ضمن آیه ۸۲/۵ و نیز سنت پیامبر ، تأکید دارند که یهود ، سرسختترین دشمنان اسلام میباشد .

و حالا روزنامه فوق‌الذکر بنقل از منابع جهانی میگوید : ملك خالد دستور داد سر بازان دریائی سعودی ، حدود سه شبانه روز جانفشانی کردند تا کشتی بگل نشسته اسرائیل را نجات دادند ! (همان کشتی که با موشک‌هایی که حمل میکنند مسلمانان لبنان را میکشد !^۱ و خانه مسلمانان را ویران میکند !
حال شما خواننده در برابر وجدان و در دادگاه قیامت ، مورد پرسش هستید که آیا این رهبران ، در ادعای خود که دعوی اسلام و تسنن می‌نمایند صداقت دارند ؟

آیا رهبران پیشین آنها و رهبران معاصر آنها از حسن و حسین و

۱- بر روز قیامت از خود ملك خالد بازخواست میشود در کعبه ای که قرآن و سنت ، آنرا برای همه مسلمین خانه امن و قیام میخوانند ، شما حجاج ایرانی را بجرم « مرگ بر اسرائیل گفتن » جلب و توقیف کردید و بعضی را هم تا حد قتل مضروب نمودید ... و بجواب منطقی امام خمینی توجه نکردید !

حبیب بنور قبیله و سوهارتو و ضیاء الحق و وو صداقت داشته و دارند ۱۴

آیا حسنی مبارک رئیس جمهور آمریکائی مصر که حالا بقلع و قمع مسلمانان تصمیم گرفته و افسران مسلمان را از آرتش اخراج میکند، در دعوی دیر و زش که خود را مسلمان میخواند؛ صدیق بود؟...

شیعه در دادگاه خدا مورد بازخواست قرار می گیرد که شما با وجود اعتراف بولایت معصوم و با وجود عقیده بقائم مقامی فقهاء واجد شرط ازائمه اطهار علیهم السلام و در عین استحضار از اقوال بزرگان دین مثل شیخ طوسی، محمد حسین نائینی، علامه نراقی، حاج میرزا خلیل تهرانی، محمد حسن شیرازی و محمد تقی شیرازی، مصطفی و ابوالقاسم کاشانی و محمد تقی خوانساری و شیخ فضل الله نوری و محمد کاظم خراسانی که قولاً یا عملاً با هر دو، جانشین پیامبر و امام بودن فقیه واجد شرط را بطور الأقدم فالأقدم جهت اجرائیات احکام، معتبر میدانند باز در قبول ولایت فقیه در جمهوری اسلامی، تردد و کارشکنی کردید؟!..

منافقان و فدائیان اقلیت، که امروزه بگروهك بنی صدر و رجوی و اشرف دهقانی و رضا پهلوی و بختیار و قاسملو و عزالدین و شیخ عثمان، معروفند در پیشگاه تاریخ و وجدان و خدا مؤاخذه می شوند که شما چرا قیامت و جزای اعمال را نادیده گرفتید؟

چرا در تهران و شیراز چند ماشین خط واحد را که پراز مسافر بودند با آتش کشیده پیران و اطفال بیگناه را که پای فراد نداشتند کشتید؟

ژنرالها و افسران و بزرگان شیعه و سنی ممالک عربی، مورد بازخواست قرار میگیرند که شما اطلاع یافتید که سران ۶ کشور حوزه خلیج فارس، بارزش ۴۰ میلیون دلار سلاح در اختیار صدام حسین گذاشتند که او آنها را در تهاجم بایران مسلمان بکاربرد ولی شما عکس العمل نشان ندادید (اقتباس از

رادیو تهران ، تفسیر دکتر حسین ابوترابیان)

شما نظاره گر آن شدید که از کویت واردن و مصر، مسلمانان را بیدان

جنگه ایران مسلمان میکشاند ولی دم دریاوردید؟!

شما در قرآن (سوره مائده) خواندید که خدا طی سه آیه ، کسانی را که

حاکم و مجری احکام خدا نشوند کافر و ظالم و فاسق نامیده و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز

اجتناب از حکام آنچنانی را توصیه فرمود (صحاح سته) ولی شما تسامح نمودید؟!

شیعه و سنی مورد بازخواست قرار میگیرند که خدا در آیه الکفرسی اشاره

فرموده بود که شما از طاغوت کناره گیری کنید !

مورد بازخواست قرار میگیرند که در سوره نساء گفته بودم که شما در

راه خدا بجنکید اما شما برعکس در راه طاغوت قدم برداشتید و برادران اسلامی

خود را عرب باشند یا عجم کشتید ؟ ...!

برادران اهل سنت مورد بازخواست قرار میگیرند که شما دیدید که

اورسادات و حسنی مبارک و سران دیگر منطقه ، کشورهای اسلامی را بمذبح

کفر و استعمار بردند ولی اعتراض نکردید ؟ ...!

شیخ بیضاء رئیس دانشگاه الازهر را دیدید که بجای اینکه با سازشکارها

و قرارداد تنگین کمپ دیوید مخالفت کند ، باستقبال سران صهیونیسم رفت .

سرانی که در غصب و اشغال فلسطین از خونها جویها ساختند و حالا هم در صدد

فرو کشیدن کوههای زعیترو منی واحد و بلعیدن فرات و نیل میباشند !

بازخواست می شوند که شما دیدید ملک خالدی که برای ادامه زندگی

اشرافی خود ، تنها بیک زورق تفریحی و تفتنی خویش ۴۰ میلیون دلار خرج

کرده است ، در صدد ایجاد کمپ دیوید دوم یعنی بر رسمیت شناختن اسرائیل

غاصب در آمد ولی شما اعتراض نکردید ؟ ...!

مورد بازخواست قرار میگیرند که شما پس از دیدن این همه خیانت رهبران خود و شنیدن اینکه پرنسپل احمد بن بلا رئیس اسبق جمهوری الجزایر گفت «بزرگان عرب با سپردن ۲۳۰ میلیارد دلار بیافکهای، خارجی (اقتصاد داخلی را لنگه) و اقتصاد دشمنان را شاداب نگاه می دارند». باز آنها حمایت نمودید؟! ... مورد بازخواست قرار میگیرند که شما دیدید که شاه حسین ۵۵ میلیون دلار کمک نظامی بصادق متجاوز داد، اعتراض نکردید! در جنگ شش روزه با دشمنان اسلام و عرب به نجوی نشست اعتراض نکردید (روزنامه صبح آزادگان ۱۸/۹/۵۹ و ۷۰)

بازخواست می شوند که شاه حسین در سپتامبر سیاه بیست هزار مسلمان فلسطینی را از پای در آورد ولی شما نظاره گر میدان شدید؟! بزرگان کرد مورد بازخواست قرار میگیرند که دیدید که امثال شیخ عثمان رزگاری در روزهای اشغال بوکان و عزالدین حسینی در سنندج و مر یوان و سایر بلاد اسلامی سنی دستور دادند، پاسداران و اعضای جهاد سازندگی و حتی پیشمرگان کرد را که گناهی جز مسلمان بودن نداشتند سر ببرند... درب مساجد را به بندند ولی اعتراض نکردید و نگفتید که شما و گذشتگان امثال شما از قدیم الایام، از جنس «شیطان بزرگ»، و روس و انگلیس بوده اید که بلباس روحانیت در آمده بجای ایجاد اتحاد، اختلاف انداختید! بجای اینکه مشتاقان را بکعبه حق ببرید، بخانه صیاد بردید!؟

در سراسر ممالک سنی رجال و بزرگان، مورد بازخواست قرار میگیرند که در افغانستان پنججاه هزار مسلمان زندانی بدست بیرک کارمل روسی و نیز سی هزار مسلمان در بمباران هرات کشته شدند و نیز دوازده خلبان که در بمباران هرات همکاری نکردند، اعدام شدند ولی دولتی جزایران اسلامی اعتراض نکرد و

شما هم اقلاب بزرگان خود معترض نشدید که چرا از چارچوب دعوی مسلمانی و سنی نمودن قدمی فراتر ننهادید؟! (اقتباس از کیهان ۱۴/۳/۶۰ و مطبوعات و تلویزیون ۳/۲/۶۰ .

برای نسل آینده موجب شگفتی خواهد بود که دوهواپیمای مراکش را آزادینخواهان صحرا و پولیساریوسرنگون کردند ولی ملک حسن سیاستی که دروغ بودن آن بر همه آشکار بود، برادران سنی خود، الجزائر و موریتانی را بزدن هواپیماها متهم مینمود؟! (سنی در جنگ سنی ۱۹۹)

همچنین موجب تعجب خواهد بود که همچنانکه انور سادات و حسنی مبارک و جعفر نمیری، در نام و پوشش اهل سنت، مسلمانان سنی را از ارتش اخراج و سنی‌های انقلابی غیر ارتشی را نیز جلب و شکنجه مینمایند، اسلاف آنها هم در پوشش اهل سنت، مظالمی را مرتکب میشدند که شرحتش تا امریک «شیطان بزرگ» و کنفرانس طائف، مصلحت نمی‌باشد! (ص ۱۳۰ و ۲۲۷ ک)

همچنانکه اگر انور سادات و حسنی مبارک و همدستان آمریکائی آنها اگر اسمی و عنوانی بالاتر از «اهل سنت بودن» پیدا میکردند، بخود میبستند و در شعاع آن مرزهای برادران اهل سنت لیبیائی خود را بیشتر مورد تهدید قرار میدادند، انور ساداتهای پیشین هم، با همان اسم و عنوان، فریبنده، مظالمی را مرتکب شدند که مکتب اسلام از آنها داغدار است!

توضیح اینکه ماه قبل نیز آمریکا بحریم لیبی، تجاوز و دوهواپیمای آنرا سرنگون نموده بود... پس باید هوشیار بود که روزی دست «شیطان بزرگ» در ستم روا داشتن بر مسلمانان (شیعه و سنی) آشکار میشود و روز دیگر به مصلحتی از آستین ریاست طلبان بدر می‌آید!!...

روزی که سلطان سلیم عثمانی، در ترکیه، ۳۰ - ۴۰ هزار شیعه را اعدام

کرد! جز اهل بصیرت که آنها هم از بیم جان نمیتوانستند اظهار کنند، کسی ندانست که طرح قتل از جانب انگلستان و اجرای آن بدست دیکتاتور ترکیه است!

لا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون ...

ممکن است خواننده عزیز، از اطاله کلام در پیرامون زمامدار، خسته شود ولی امید است توجه فرماید که بطوریکه در باب رهبری (۸۰ - ۱۰۰) ملاحظه شد، و بطوریکه بشهادت تاریخ ثابت میشود که انحراف از ولایت فقیه؛ انحراف از ولایت ائمه و پیامبر و خداست، اساس سعادت و شقاوت هر اجتماع بستگی بطرز حکومتی دارد که بر آن فرمانروائی می کند!

یعنی در کشوری که حاکم آن، ظالم و قمار باز و مشروب و رشوه خوار و بی بند و بار باشد، جز نوادری، وزیر او و معاون وزیر او... و بخشدار و کارمند و دهدار او، در دور افتاده ترین نقاط کشور، باو تاسی مینمایند و بجای ایجاد اتحاد، تفرقه اندازی میکنند که امید است مثالهای زیر نیز مؤید و روشنگر سخن باشند:

الف - فطرت آدمی بر مدد طلبی و سرمشق گیری نهاده شده است. اگر بمدد صحیح، دسترسی نداشته باشد حتماً از مدد غلط پیروی خواهد نمود... جناب حر و پسر و همراهان او و آن سی و اند نفر که شب عاشورا بملشکر امام حسین علیه السلام پیوستند، اگر امام حسین را نیافته بودند، بدون تردید تادم مر که زیر پرچم یزید بودند یعنی جزء کسانی بودند که از هیچ کار نادر او خودداری نمی کردند!

دکتر حسین نصر، مرد دانشمندی بود که از وجودش انتظار خیر میرفت ولی به محض پیوستن بدربار، از نیکان برید و بشکل آنها درآمد و باندازه ای با

صلحاء بیگانه شد که با اینکه در جشنواره اسلامی لندن، از طرف ایران، همه کاره بود، باز نه قدم مثبتی برداشت و نه اجازه داد که کسی در آن جشن بتفیع اسلام قدمی بردارد! (جشن را اهل سنت بنا نهادند. فرخ پهلوی افتتاحش کرد!) پس بروی این حکمت بود که خداوند در روز تاریخی غدیر خم که بوسیله پیامبر خاتم، دوازده نمونه کامل انسانیت، به حکومت معرفی شدند، بسکمال رسیدن نعمت و فیوضات خود را که انسانها در سایه دین و با تاسی بر هبران خویش میتوانند باوج کمال برسند، اعلام فرمود!...

اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام

دیا ۳/۵

ب- همچنانکه چون آدمی بافردرون هواپیما یا کشتی در آمد، بسیاری از اختیارات از او سلب میشود و به مقصد رسیدن او، موقوف به مهارت و صداقت خلبان و ناو خدا می باشد، همچنان هم، پس از سپردن زمام امور بدست حاکم بسیاری از اختیارات از اجتماع سلب میشود که پیدایش استعمار نو بیانگر این حقیقت میباشد. در این عصر هیچ انسان آزاده ای نمی تواند شك کند که شاهان و رؤسای جمهور منطقه، باتکیه بر نیزه بجای اینکه اجتماع را بطرف خانه خدا رهبری کنند بخانه شیطان رهبری کردند!

ج- کسیکه عده ای گوسفند یا مرغ را در اطرافك تنگ، حمل می کنند؛ بالطبع، حیوانات بر اثر فقدان، فضای باز بجان یکدیگر می افتند! در اجتماع نیز همینکه رهبر خائن، شیر و حیات اجتماع را مکیدن گرفت! مردم بناچار بجان یکدیگر می افتند... در زمان طاغوت با اینکه ساواک چندان اجازه نمیداد حوادث مهم در روزنامه ها درج شود، باز صفحه ای مخصوص حوادث بود. از قبیل فلانی زن خود را کشت... دوفر باغبان بر سر تصاحب آب جنگیدند

و کشته و یازخمی شدند ... که گناه مورد اول بر سر تسهیلات و آزادی نامحدود زن و گناه دوم بر سر کمی آب بود ... اگر بجای کاباره و عشرت‌نکسده ساختن ، باز دیاد چاههای عمیق ، همت گماشته می شد ، خصومتی نمی شد و بقتل نمی انجامید ! پس بنا بر موارد فوق ، نگارش این سطور مبتنی بر امید رسیدن بر رحمت خدا و اصلاح شدن اجتماع و مشمول شدن پیاداش تبلیغ دین حق است که پیشوایان دین ، رسیدن پیاداش پایان ناپذیر تبلیغ را ضمن احادیث متنوع وعده و بشارت فرموده اند (حسن مصطفوی در ترجمه احتجاج طبرسی در خلال ۱۷ صفحه ، احادیث گرانبها در فواید پیاداش تبلیغ نقل نموده است . برای مزید اطلاعات مراجعه فرمائید .)

نا گفته پیدا است ، فلسفه تبلیغ که نام دیگرش امر به معروف و نهی از منکر است .

اگر برای گذشتگان ، پوشیده بود امروزه برای بسیاری از مسلمانان پوشیده نمی باشد .

امروز باید کسانی که با سیاست استعمارگران و آبادی آنها آشنائی دارند برادران و خواهرانی که در جهان جوانی و بیخبری ! در مسیر هر بادی براه می افتند ، ابلاغ نمایند که اگر روزی اشرف دهقانی را ساواک بزنند کشیده بود ؛ فلسفه اش این بود که میخواست برای فردای انقلاب ، از وجود او بتی بسازد و کشور را بدست او با آتش بکشد !

اگر مسعود رجوی و موسی خیابانی ، چند روزی پشت سر آیه الله طالقانی نماز خواندند و با او عکس گرفتند و پدر طالقانی و پدر طالقانی گفتند برای این بود که از سایه و نفوذ او در فردای انقلاب که دستگاه منحوس ، از دور نمای آن متوحش بود ، بهره برداری کنند ! (آیه الله طالقانی در اواخر عمر با گفتن

اینکه اینها خود را وکیل مردم نموده‌اند، طردشان نمود). آگاهان باید شهد تبلیغ را در کام ناآگاهان فرو ریزند که اگر محمد رضا کلاهی و منافقان دیگر، مدتها اخلاص نشان دادند، برای این بود که دفتر حزب جمهوری و دفتر ریاست جمهوری و دفتر دادستان انقلاب و محراب امام جمعه تبریز را در لباس دوستی منفجر نمایند. (ازمورد توجه قرار دادن نوارهای سخنرانی هر يك این بیش از چند صد شهید عالم عامل، میتوان به خوبی دریافت که استعمار بدست جوانان غافل چه گلهای چمن آرا و عطر آگین را در بوستان اسلام نابود ساخت؟)

همچنین باید آگاهی بدهند که اگر تروریستها بسراغ آیات عظام موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، علی خامنه‌ای، ربیانی املشی و شجونی و عمیدی و امثال آنها میروند، (گر چه تیرشان بسنگ خورده) آنها با این حجج کرام سابقه دشمنی ندارند، بلکه اربابشان بقول امام خمینی از اسلام سیلی خورده و اینها را مأموریت داده است که با کشتن روحانیان، اسلام را تضعیف نمایند؟!...

۱۱- نظری بزنند کی امام خمینی بیفکنید که اخلاق او که ما گوشه‌ای از آنرا مطالعه مینمائیم، جهان را متحیر نموده است:

جهان بینی او در بنیانگذاری جمهوری اسلامی، زهدش در رد کردن رشوه صد میلیون ریالی شاه مخلوع که کوتاه نظرانه میخواست، بقول حافظ « بر عنقای بلند آشیان دام نهد »!... یا نیالودن دست بحطام دنیا که بزند کی ساده روی موکت نشستن قناعت میکند و با رهبری انقلاب، تحرکاتی ایجاد مینماید که جان و جهان مستکبران را بلرزه درمیآورد!

شجاعت و دل دریا داشتن او، در رد کردن نمایندگان کارتری یا گفتن اینکه

مسلتی که شهادت برای آن سعادتست ، پیروز است ... بکشید ما را که ما تسلیم
نشدیم نخواهیم شد ... ما اهل کار زاریم ... من تنها هم باشم بر علیه شاه ظالم
قیام مینمایم !..

وظیفه شناسی اودر راه خدا در گفتن اینکه مانه برای غالب و نه برای
مغلوب شدن ، جنگ می کنیم ، بلکه وظیفه دینی ماست که از حریم اسلام
دفاع کنیم !

رضا بقضا دادش که مخصوصاً در شهادت فرزند برومند ، مجتهد مجاهد
آیه الله مصطفی خمینی که الحق و بقول خودشان ، امید اسلام بود جزو انما لله و
الله الیه راجعون ، سخنی نگفت و بقول حجة الاسلام دعائی که از نزدیک ناظر
اوضاع بوده با آن سکوت و آرامش کوه مانند خود ، پوزه دشمن را که برای
ارزیابی احوال امام، مأمورین را بنظارت فرستاده بود ، بر خاک مالید :

روانکاری روانشناسیش را در رد کردن منافقان که از ایران به عراق و
بخدمتش رفتند تا جای پائی برای ادعای سهم بودن در انقلاب پیدا کنند که
متقابلاً منافق و التقاطی بودن آنها را از چندین سال قبل معلوم فرمود ... سازمان
جهانی عقوبین المللی را که از بیست سال باینطرف ، در لباس حمایت از ستمدیدگان
ومحرمان، در حال توسعه و کسب شهرت بود، برای نخستین بار بتلویح بدنیامعرفی
کرد که سازمان مزبور که جنایات ابرقدرتها را نادیده میگیرد ... از بودجه
امپریالیسم و صهیونیسم تغذیه مینماید و عناصر با عطفه‌ای! مثل فردینان مارکوس
ویکتاور فیلیپین و انور سادات ، فرعون مصر و کاظم رجوی ساواکی و شاپور
بختیار آمریکائی و حسن نزیه خائن در آن عضویت دارند !

صبرش در ۱۵ سال به حبس و حصر و تبعید تن در دادن و نیز از دست

منافقان ، زهر جفا خوردن و لب فرودستن و استقامت ورزیدن !

... صراحت لهجه‌اش در گفتن اینکه ما با کسی عهد اخوت بسته‌ایم هر وزیر و یا دولتمردی خیانت کرد کنار می‌رود!...

حقوق‌شناسی و قدردانیش در گفتن این قبیل کلمات که، مثلاً در حیات شهید بهشتی گفت «از بهشتی می‌ترسند برای اینکه مرد لایقی است»!...

و باز روانشناسیش در اولتیماتوم سیاسی دادن به بنی صدر که فرمود: «بترسید از روزی که مردم بسیاهی باطن شما پی ببرند،... شما غلط می‌کنید منافقان را مسلح می‌کنید!...»

و بالأخره رحم و قسط و عدالتش در صدور فرمان رعایت عدل اسلامی درباره منافقانی که صدها پاسدار و روحانی و وزیر و کیل و محبوبترین کسانش را ترور کردند!

همچنین در این طرف نظری به‌مصلحین پیشین او، از آیات و حجج الهی و شهدا بیفکنید، امثال ابوذر و زید شهید و فرزندش یحیی و حسین شهید فتح و نواب اربعه و شهدای ثلاثه و سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد حسن شیرازی و محمد تقی شیرازی و محمد کاظم خراسانی و عبدالله مازندرانی و سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی و حسین قمی و حسن مدرس و فضل‌الله نوری و محمد کاظم یزدی و مجتبی نواب صفوی و مصطفی و ابوالقاسم کاشانی که جمهوری اسلامی، از خانه‌های کلین و نفس گرم و خروش رعد آسا و مسجد و محبس و تبعیدگاه و شکنجه‌گاه و مقتل آنها که اغلب با شهادت از دنیا رفته‌اند تغذیه نموده است^۱ -

۱- این قبیل رجال الهی هستند که صحیح بخاری، بزرگترین و اصیلترین کتب اهل سنت (خدا بتقرب محمد و آلش، بر هبران خائنانشان، پیروزشان گرداند) بر روایت از پیامبر آورده است که فرمود در بنی اسرائیل و هر زمان دیگر مردمی پابعد و وجود گذاشته و می‌گذارند که پیامبر نبوده و نیستند ولی تقرب ←

و در آن طرف عبدالرحمن عوف را بنگرید که خلیفه دوم ق.ارون امش
مینامید. او کلید دار شورای شش نفری شد و با حق «وتو» ای که بار داده شده
بود، برادرزن خود عثمان را بخلافت برگزید. و چون بر اثر فشار افکار عمومی،
ناگزیر شد به تبعیض و خلافتکاری منتخب خود، اعتراض کند؟! لگدی از خلیفه
خورد که تا پایان حیات لنگید و وصیت کرد «چون بمیرد، ضارب را بنمازمیت
خواندنش راه ندهند!»

۵. چنین نظری بدیگر زمامداران مخصوصاً بائیان سازمان ملل متحد
بیندازید و به بینید که پنج کشور بزرگ، تحت عنوان «حق و توداشتن» چگونه
سازمان را بوجود آوردند و با دادن نازلترین سهم به ملتهای دیگر، بدروغ، نام
آنها سازمان ملل نهادند!

مثلاً ترومن رئیس جمهوری آمریکا سالوسانه با ماسک کمک و همکاری،
وارد کشورهای عقب افتاده مثل ایران شده بلطائف الحیل، جای پای خود را
محکم کرد!

آنگاه با تحمیل و بکار گماشتن مستشاران آمریکائی اقتصادیات دامکیده
وارد شریان آمریکا نمود و سرانجام نیز با کودتای تنگین سال ۳۲ ضربه آخر را
فرود آورده ایران را در ظلمتی ازاختناق و تضعیف مذهب فرود برد که اگر

← خیلی نزدیک با خدا دارند! (مفاهیم قرآن ص ۱۶۳)

۲. بضرر قاطع گفته می شود که ریشه های اصلی جمهوری اسلامی از
درب و بازوی شکسته فاطمه و محراب خونین علی و مقتل حسین و جگرهای از
زهر پاره پاره شده یازده معصوم دیگر و قبور آنها و اسارت خاندان پیامبر ﷺ
و نیز آناً فاناً از خون شهدا امثال مالک اشتر و ابراهیم اشتر و محمد بن ابی بکر و
میثم تمار تغذیه نموده و بارور شده است

خورشید عنایت خدا نتابیده بود، خلاصی از آن، محال مینمود!

همین ترومن بمب اتمی را که در زمان رئیس جمهوری سلف او (روزولت) اختراع شده و جای مناسبی لازم بود تا قدرت تخریبی آن آزمایش و تعیین شود بدو شهر ژاپون بنام هیروشیما و نازاکازا کی افکنده آنرا با خاک یکسان نمود! و بدنبال این مقدمه بود که ژاپون را تحت سلطه خود آورد!

همچنین در قانون شکنی و سفاکی استمالین همین بس که مجله نجات نسل جوان و کیهان ۱۰۱۸۱ نقل نمود، پس از مرگ او که مختصر آزادی بیان به مردم داده شد، خروشچف نخست وزیر وقت با اشاره بجنایات او لگدی بر قبرش زد و گفت «جسد او را از قبرستان بزرگان بیرون ببرید»!

همچنین وینستون چرچیل که در رابطه او با رعایت حق و قانون، ناگزیر اعتراف خود او را مدرك قرار می دهیم که او در خاطرات خود مینویسد «باینکه با ایران پیمان صلح داشتیم باینحال مصلحت بریتانیای کبیر ایجاب کرد که ایران را با اشغال نظامی قوای متفقین در آریم، و...»

و بالأخره رعایت شرائط زیر هم قبل از صدور رأی، مورد تقاضا می باشد.

۱- توجه نمود همچنانکه پیشوایان معصوم، مظلوم واقع شدند و ابرهای

۱- بروی این قبیل جنایات آمریکا و نیز بروی اینکه آمریکا از ورود

اکثر فرستادگان ایران به نیویورک و سازمان ملل ممانعت نمود، جناب سید حسین موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، در گزارش خود به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کرد که سازمان ملل از آمریکا بکشوریکه حق «وتو» ندارد، منتقل شود... پرنیونت معمر قذافی هم در مصاحبه های خود همین موضوع را مطرح فرمودند.

کینه نگذاشت علوم وافکار آنها در سطح جهان پخش شود^۱ فقهاء نیز مظلوم واقع شدند و حالا هر چه از خصال بزرگان دین نوشته می شود کلمه ایست از هزار، زیرا بطوریکه مثالهای زیر مدلل میکند هر فقیه یا کداهنی، یا مورد حسد آخوندهای مادی و درباری شده بقتل میرسد و یا بمحض اینکه اعتراضی بر طاغوت

۱- گذشته از اینکه همه ائمه اطهار بشمشیر یا بزهر کشته شدند و کس رویها و شیخ مردوخها بشخصیت و قبر آنها شمشیر کشیدند، یکی دیگر از مظلومیت‌های امامان؛ اینکه اگر چه ائمه مأموریت داشتند آدمیان را تربیت کرده از دست نفس تجاوزگر و دیو و دد برهانند تا محیط و اجتماع انسانی بوجود آید و راه برای اکتشافات و رفاه هر چه بهتر باز شود ...

باز ائمه در خلال گفتار خویش، باسراری از طبیعت رهنمون شده‌اند که دستهای آلوده نگذاشته‌اند افکار و رهنمودهای آنان از خلال کتاب و مدرسه و حداکثر از مرز کشور شیعه به بیرون تابش کند! در صورتیکه اکتشافات نوابع جهان حتی در حیاتشان از اقلیمی باقلیمی دیگر رفته و عالمگیر شده است. تاریخ علوم، روانشادان، پاستور، رابنهام کاشف میکرب و رابرت کخ و ویبر رابنهام کاشف میکرب سل و سیاه زخم و وبا و جان هوس آلمانی راباسم مکتشف گردش خون و کپلر و کپرنیک و گالیله راباسم مکتشف حرکت زمین یادداشت مینماید. در صورتیکه امام اول شیعه، ۱۳-۱۴ قرن قبل از آنها در خلال نامه‌ها و خطبه‌های کهر بار، از گردش خون، حرکت زمین، حاوی بودن آب سالم بذرات جان‌دار مفید و از آفرینش شکفت انگیز طاوس و یک پارچه بودن کاینات و از هم جدا شدن آنها و دیگر حقائق سخن میگوید!

همچنین امام چهارم ضمن دعا‌های خود که قرآن انسان‌ساز را به میان اجتماعات میبرد، بجریان خون و محل حیات و محل تکثیر میکرب «وبا» ←

زمان میگرد و یا فی المثل اگر سنگ فلاخنی بطرف درندگان ایادی استبداد و استعمار می افکند ؛ بیرحمانه بایتك تحقیر و تهمت مواجه گردیده بسا محامد و خصال انسانی او قبل از اینکه بسینه کتاب درآید در ظلمت خفقان ، مستور و بسا جسد خود او در زیر خاک دفن و حتی بازگو کننده احوال او بزندان یا دست جلاد سپرده شده است !

الف : از خود آیه الله سید ابوالقاسم کاشانی و کسان او منقول است که روزی شخصی که کم کم سرپنجه انتقام طبیعت سراغش آمده و ناگزیرش کرده بود که برای عمل جراحی با روپا برود ، بحضور میرسد و تقاضای عفو و بخشودگی می نماید !

آیه الله می پرسد از چه راه و رابطه ای بمن ستم روا داشته اید ؟ میگوید نمی توانم بگویم ! و بالاخره اعتراف می کند که با گروهی از مزدوران بیگانه مأموریت داشته برای پراکندن مردم از اطراف او سایر آیات و حجج اسلام که نقش مؤثری در ملی نمودن نفت داشتند ، شایعه بسازند و پیراهن طهارت و قدس آنها را لکه دار نمایند . (نقل از جناب اصغری وزیر داد گستری)

نتیجه شایعه پراکنی در ایام پس از پیروزی انقلاب اسلامی بجائی رسید که

← بودن آب اشاره میکنند ...

امام رضا در پاسخ سؤال از لطیف و خبیر بودن خدا که در قرآن از آن سخن به میان آمده است ، میفرماید خداوند علاوه از این همه جانداران بزرگ و کوچک که بچشم دیده می شوند حیوانات بسیار کوچکتر نیز آفریده است و همه روزه ناظر روزی و توالد و تکثیر آنها میباشد ... (نهج البلاغه فیض ص ۹۰ و ۶۶۲ و ۸۴۲ و صحیفه سجادیه فیض الاسلام دعای ۲۵ و ۲۷ ، ص ۱۷۰ و ۱۸۵ و کتاب مکتب تشیع تألیف جناب دکتر حسین خراسانی و و)

در همه جا ، جوانان فریبخورده منافق که از آمریکائیه ماده روحی میشدند! روحانیت را تهمت بستند و ناسزا گفتند . روحانیت مظلومی که در پیاسداری از سنگر اسلام و نگاهداری مردم از ذلت و ضلالت و کوبیدن طاغوت ، عمری را در مطالعه و مجروحیت و زندان و تبعید گاه گذرانده است!

ب : خود نویسنده به مناسبت همدشهری بودن با آیه الله سید محمد هادی میلانی و نیز از طرف مادر، نسبت خانوادگی داشتن با او، در مرض موتش که در تهران تحت معالجه قرار گرفته بود ، جهد نمودم بعیادت بروم... منظور خود را با آقای حاج سید جواد (م . م) که با آیه الله خیلی نزدیک بود ، در میان نهادم او بسابقه آشنائی ممتدیکه نسبت بر ازداری نویسنده داشت ، محرمانه گفت دولت بعلت اینکه آیه الله در سال ۴۲ در گرد آوری روحانیان ، برای اعتراض به گرفتاری امام خمینی و نیز برای چاره جوئی باستخلاص او و کارهای ضد طاغوتی، نقش مؤثری داشته است بانتقام او بر خاسته . مانع ملاقات می شود . مبادا آیه الله در محیط خلوت سخنی بگوید که پنخش شدن آن ؛ از محبوبیت شاه بکاهد و مقام روحانیت را بالا ببرد!

شرط دوم : داشتن انصاف و آشنائی بتاریخ اسلام است تا اساس قضاوت ، یکی هم این باشد که مسلمانان باتمام تضییقات و فشارها و احیاناً حبس و شکنجه های طاغوت ، بطوریکه در روزهای وفات و عزاداری آیات و سادات کرام (ابوالحسن اصفهانی، محسن حکیم ، حسین بر و جردی ، محمد هادی میلانی، محمود شاهرودی و حسن انگجی و...) دیده شد ، محبت فقهاء را بجان میخرند^۱ و برعکس بر اثر

۱- قابل توجه است که اینهمه تکریم در درجه اول متوجه فقهای نظیر محمد حسن و محمد تقی شیرازی، سید حسن مدرس و فضل الله نوری و امام خمینی می باشد که با دیو طاغوت پنجه در افکندند . و گرنه جائی که خداوند در ←

ظلم و فشاریکه از ناحیه شاهان بر آنها وارد می‌شود ، روز سقوط یسا مرگ بسیاری از شاهان را جشن میگیرند که جشن و چراغانی و نقل و نباتبارانی مردم در روزهای انتقال رضاخان بجزیره موریس و نیز روز فرار محمد رضا بمراکش، از خاطرات فراموش نشدنی می‌باشد !

توضیح اینکه ضجرت و نفرت از زمامداران خود سر، اختصاص بایران و تشیع ندارد . روزیکه ملك فاروق در مصر از سلطنت خلسع و نیز روزیکه انورسادات ترور شد و همچنین وقتی که ملك فيصل و وزیر خائنش نوری‌السمید در عراق با کودتای عبدالکریم قاسم بقتل رسیدند، سرور و شادی مردم غیر قابل توصیف بود !

← خلال آیاتی نظیر (لئن اشرکت... ولو تقول علينا ۳۹/۶۵ و ۶۹/۴۴) حتی اشرف کاینات را مورد عتاب قرار می‌دهد !! و درجائی که می‌گوید تلك الرسل فضلنا بعضهم علی بعض ۲/۲۵۳ نتیجه گرفته می‌شود که مقام میانه روها و محافظه کاران و سازشگران و وعاظ السلاطین و آلودگان؛ در درجه دوم و سوم و پائینتر می‌باشد. که دو حدیث «من الفقهاء من كان صائنا و واما الحوادث الواقعة...» که در صفحه ۳۶۱ گذشت روشنگر قضیه میباشد !!

« در قضاوت عجله نباید کرد »

در عین اینکه امید میرود پس از تقدیم معیارهای اصیل دینی ، کوچکترین تردید بتوافق شما خواننده عزیز با رجحیت فقهای واجد شرایط و صدور رأی مساعد بحکومت آنها باقی نمانده باشد ،

باز بگمان اینکه شاید يك درصد خوانندگان گرامی ، هنوز هم پس از استحضار از خیانت و جنایت شاهان و رؤسای جمهوری ، خواهان حکومت آنها می باشند ، از تقدیم مقدمه و گوشه‌ای از تاریخ حیات طرفین ناگزیر میباشیم .

مقدمه : بجای دور نمیرویم ، آنچه را در این دو سال واندی پس از پیروزی انقلاب دیدیم و شنیدیم مورد بحث قرار می دهیم و از خواننده ای که مخالفت ولایت فقیه است میخواهیم تمام اشتباهات و یا مغفون شدن ها و گول خوردنهای کم یا زیاد خود را که در مدت عمر با آنها مواجه شده است ، اشتباه گوش فرادادن بفرمان تجزیه طلبانه لیدر معمم حزب باصطلاح خلق مسلمان یا بِنفع بنی صدر آمریکائی و رجوی مزدور رأی دادن را نیز با آنها بیفزاید و وجدان و خدای خویش را پاسخگو باشد :

عزالدین حسینی وقاسملو و شیخ عثمان بتحریرك بیگانه باعث خونریزیها شدند . لیدر معمم ! در آذربایجان دم از تجزیه طلبی زد و براهی رفت که اراده شیطان بزرگ و کوچک در آن بود !

بنی صدر خود را اندیشه قرن خوانده در صدد قبضه کردن تمام اختیارات و حذف ولایت فقیه درآمد ! و سرانجام معلوم شد تنها از همکار آمریکائی خود ، شاپور بختیار ۱۲ میلیون فرانك دریافت نموده تا ایران را ویران کند و چنان که دیدیم با همکار خود مسعود رجوی آمریکائی بترور هائی فرمان دادند و باعث قتلها شدند که هر يك از صدها کشتگان آنها از نظر علم و تخصص و تقوی هزاران

بیش بود! (اعترافات تلویزیونی سودابه رئیس دفتر هماهنگی بنی صدر!)
 و در خارج از ایران نیز توجه باعمال ضد بشری شاهان و رؤسای جمهوری
 که مثلاً وزیر ملک حسن درعین دعوی اسلام کردن، گفت «مسلمانان خطرناکتر
 از کونیستها هستند باید تحت تعقیب باشند». یا حسنی مبارک و جعفر نمیری دهها
 هزار مسلمان را از خانه‌های خود بیرون کشیدند و مورد شکنجه قرار دادند یا
 فردینان مارکوس بکشتارهای وحشتناک دست زد و یا ریگان علی‌رغم اعتراض
 مردم صلحدوست، با مستقر کردن بمبهای نیترونی در اینجا و آنجای دنیا،
 مقدمات جنگ سوم جهانی را فراهم می‌آورد... بسته به میزان انصاف و تدبیر
 کسی است که مخالف ولایت فقیه می‌باشد!

و اینک مختصری از شرح زندگی فقهاء که درعین اینکه آنها علاقه‌ای

بقدرت نمائی ندارند بازجامه فاخر حکومت بقامت آنها دوخته شده است!

این فقهاء در عین قناعت بخانه و زندگی ساده که باقتضای زمان، زمام

امور را بعنوان ولایت فقیه در دست میگیرند، سخن حضرت علی و امام

حسین علیهما السلام را بخاطر می‌آورند که فرمودند «خدایا ما را آرزوی قدرت

و حکومت نیست جز اینکه حکم و عدل ترا در روی زمین مستقر سازیم!...»

۱- ریحانه الادب ج ۲ ص ۶۵ و کتاب زندگانی جناب سلمان اواز جمله کسانی

است که معلوم ظاهر و باطن قرآن آشنا بود و اسم اعظم میدانست و از شدت

علاقه بچهارده معصوم علیه السلام از زبان پیامبر بافتخار «السلامان منا اهل البیت» نائل

آمد و باز پیامبر در حق او فرمود سلمان دریائی است که خشک نمی‌شود و گنجی

است که پایان ندارد. سلمان، دارای مقامات عالی و کرامات نامحدود بود!

حضرت علی در حق او فرمود «سلمان مانند لقان حکیم است. عدل و م

اولین و آخرین را می‌داند!»

خلیفه دوم از طرز رفتار حاکم مدائن رضایت نداشت. تا گزیر مناسبتر از سلمان را بجانشینی او نیافت ... سلمان بدون تشریفات وارد مدائن گردید. خانه‌اش بیش از دو اطاق نداشت که آنها را هم با حصیر فرش کرده بود. بخوراک ساده قناعت میورزید و از راه بافتن زنبیل، معاش خود را تأمین مینمود. هر چه بنام حقوق از بیت‌المال عایدش میشد، صرف مستمندان می‌گردید!

احیاناً اتفاق می‌افتاد که موقعی که ناشناس و بدون اسکورت در بازار گردش می‌کرد، مردم او را برساندن بارشان بمنزل دعوت می‌کردند و او نیز با جبین باز می‌پذیرفت!

دولتمردان و آنان که زندگی را برای فضل‌فروشی و علو طالبی می‌دانستند از زندگی ساده سلمان که اقتضا داشت آنها هم با او تآسی کرده صورت و لباس زیبای ظاهر را بسیرت زیبا مبدل کنند بتنگک آمده بخلیفه شکایت نمودند ... سلمان در جواب استیضاح خلیفه نوشت. مرا درباره زنبیل بافتن و بیاری مردم شتافتن و بزنگی ساده قانع شدن، ملامت نکنید! من از پیامبر خدا پیروی می‌کنم که او بعد از بدون جهاز سوار می‌شد و در راه مانند گان را هم ردیف می‌کشید، پیراهن ساده و خشن میپوشید و بنان خشک میساخت و مازاد همه را به مستمندان میرساند! ... از پیامبر شنیدم که هر کس سرپرستی عده ای را بپذیرد و عدالت نکند یا علوی طلب باشد مغضوب خداست ...

پس از حدود ده سال حکومت و استقرار آرامش و عدل در مدائن و نقاط تابعه در حالی که خود از وضع وساعت مرگ خویش خبر می‌داد بدرود حیات گفت (ص ۴۷ را دوباره بخوانید)

۲- ابوذر: رسول اکرم فرمود، در امت من زهد ابوذر همانند زهد عیسی بن مریم است! آسمان سبز گون سایه نیفکنده و زمین تیره گون، حمل نکرده است کسیرا

که دانستگوتر از ابوذر باشد (استیعاب)

علی رضی الله عنه فرمود ابوذر علومی را حفظ کرده بود که مردم از درك و حفظ آنها عاجز بودند ...

ابوذر در برابر بیعدالتیهای خلیفه عصر تحمل نیاورد. در میان مردم آیاتی را از قرآن می خواند که منطبق با حال خلیفه و حاکی از مورد خشم خدا بودن او بود!

روزی خلیفه کیسه‌ای زربوسيله برده خود با ابوذر فرستاد تا مگر زبان اعتراض او را به بندد، ابوذر نپذیرفت. برده گفت خلیفه بمن وعده نموده است اگر بتوانم زر را تحویل شما بدهم، مرا آزاد کند، ابوذر نپذیرفت و گفت، تو چگونه راضی می شوی خودت آزاد شوی ولی من در گرو زر، بنده زبان بسته خلیفه باشم.

خلیفه او را بشام فرستاد تا از انتقادات و شمشیر زبانش در آسمان باشد ابوذر در شام هم از پای نشست. معاویه که نتوانسته بود نه با زر و نه با زور زبان خنکوی او را به بندد ناگزیر بحکم خلیفه، او را بر شتری چموش نشانده پاهایش را از زیر شکم آن بست و با مأمور خشنی روانه مدینه نمود! ابوذر قبل از اینکه بیاساید، یغماگری خلیفه و بخشیدن بیت‌المال به اقوام خویش را مورد اعتراض قرار داد. سرانجام خلیفه راحت خود را در هلاک او دیده او را بصحرای خشک بنام ربنه فرستاد. مرد خدا در آنجا بر رحمت خدا پیوست!...

از هوش و بیداری ابوذر همین بس که در دوره جاهلیت از دیدن اینکفه حیوانی بتنی رایبالود، از آن دل بر کند و بمدینه رفت و نفرینجم بود که اسلام آورد. در صورتی که سالیان دراز، میلیونها آدمی، صدها واقعه نظیر ملوث کاری مزبور را دیده و در غفلت خود باقی مانده بودند.

ابوذر در حیات پیامبر ص و بعد از آن، در لشکر کشیهای زیاد شرکت کرد و دلاوریهای قابل تحسین انجام داد! گروه دستگزار ج ۱ ص ۲۵۸

۳- حجر بن عدی، عالم پا کبازیکه بجرم دفاع از حریم حق بفرمان ابن زیاد گرفتار و با عده‌ای از هم‌سنگران بشام فرستاده شد! معاویه انتقال آنها به مرکز خلافت را خلاف امنیت دانسته دستور داد در مرج عذراء نگاهشان دارند و اگر از علی ع تبری کنند آزادشان نمایند. عدی گفت همه چیز برای من آسان ولی از علی بر گشتن که او بر اصل فطر تست مهال است ... این بگفت و شهید شد ...

۴- عمار یاسر در زمان عمر والی کوفه بود. عمار بود که لشکر پیاده نمودن یزد کرد و م بنهارند را بسرعت به مرکز خلافت گزارش داد و فتح الفتوح را بیار آورد

عمار از مردانی بود که پیشوای اسلام آنها را عابدان شب و شیران روز نامیده است وقتی عمر او را از ولایت کوفه عزل کرد، از او پرسید چطور می‌توان جواب داد نه در انتصاب خوشوقت بودم و نه در اعتزال ملول؟!

ابوذر نه تنها در جهاد در جهت اصلاح جامعه و در بخشیدن مال ایشار مینمود و رفاه دیگران را بر خود مقدم می‌داشت، بلکه در مسئله فداکاری و از جان گذشتگی نیز جوانمردی را بنهایت رسانده بود که از نمونه‌های آن کفالت نمودنش از قاتل محکوم باعدام میباشد که اگر همان محکوم ناشناس، ساعتی تأخیر نموده بود، ابوذر بجای او کشته شده بود و این از مکتب انسانان اسلام تنها نادره اعجاب انگیز نمی‌باشد بلکه سراسر زندگی ائمه هدی و فقهای کرام متضمن از جان گذشتگیهایی باشد! حالا حبسها و تبعیدهای ممتد آیات عظام ابوذرهای زمان، طالقانی و امام خمینی را میتوان ارائه نمود که آنها برای نجات دیگران، زنجیر اسارت را با جبین بساز پذیرا می‌شدند!

رأی عمار باندازه‌ای صائب بود که در میان اصحاب رسول الله شهرت داشت که عمار همیشه بر حق است!...

وقتی اصحاب رسول خدا در شکایت از مظالم حکومت طوماری تهیه کردند که پیش حاکم بیرند و برای این کار ده نفر را مأمور رساندن طومار کردند!... آنها در اثنای راه، یکی یکی متفرق شدند! عمار به تنهایی طومار را پیش خلیفه برد!... خلیفه بر آشفت و آنقدر با لگد بر او زد که عمار بیهوش شد!... مردان وزیر خلیفه گفت تا این برده سیاه (عمار) را نسکشی مردم سر جای خود نمی‌نشینند!...

پیامبر ﷺ در حق او میفرمود دوستی عمار؛ دوستی خدا و دشمنی با او دشمنی خداست! عمار در جنگ یمامه آن‌گاه که مسلمانان، روی بهزیمت نهادند! بالای سنگی قرار گرفته در حالی که گوشش بریده شده مثل گوشواره آویزان بود! فریاد بر آورد «مردم از بهشت فرار میکنند؟!» این هشدار او مسلمانان را جرأت داد تا بر گشتند و پیروز شدند!

در جنگ صفین پیشاپیش اصحاب رسول خدا شمشیر می‌زد! معاویه از شکست لشکریان خود هراسان شده عبدالله فرزند عمرو عاص را روانه میدان او نمود! عمرو عاص آه و ناله سرداده می‌گفت «وای وای پسر من! معاویه گفت مقرر شده کشته نمیشود! جوابداد آیا اگر پسرت یزید وارد این معرکه شده بود نمی‌ترسیدی؟!...»

سرانجام عمار بشهادت رسید و شهادت او نیز مایه دلگرمی سپاهیان علی و سرافکنندگی سپاه معاویه گردید. زیرا پیامبر پیشگوئی کرده بود که «وای عمار ترا گروه متمکران بقتل میرسانند»... اختصار و اقتباس از کتاب یاران پیامبر ﷺ را بشناسید!

هشام بن حکم روزی در حالی که نوجوان بود خدمت امام صادق رسید. جمع کثیری از شیوخ شیعه حضور داشتند آنحضرت او را محبت فرمود و در صدر مجلس، مقدم بر همه جای داد امام چون از قرائن دریافت که بزرگان از بزرگان آن نوجوان در شکفتند، گفت این هشام بقلب و زبان و دست، ناصر مباحی باشد سپس از اسماء الله واشتقاق آنها سؤالانی از او نمود و جوابهای صواب شنید! آنگاه رو به هشام کرد و پرسید ای هشام فهمی بدست آوردی که بکمک خدا بوسیله آن فهم، دشمنان و ملاحدین را دفع کنی؟ جواب داد: بلی... حضرت باین مضمون دعایش فرمود «خدا ترا نفع بدهد و در این راه ثابت نگاهدارد» بعدها هشام میگفت بخدا سوگند، در مباحث توحیدی کسی مرا مغلوب نساخت! روزی در محضر امام صادق سخن از احتجاجات ماهرانه هشام بمیان آمد که فلان دانشمند را محکوم و مجاب نمود!

آنحضرت از خود او سؤال نمود. جواب داد ناشناس با تحمل رنج راه از کوفه به بصره رفته در صف شاگردان عمر و بن عبید دانشمند معتزلی که اعتقاد بولایت ندارد نشستم. همینکه فراغت حاصل نمود گفتم سؤالی دارم گفت پرس گفتم شما آیا میگوئید آدمی بمنحصر ایمان بخدا و پیامبر و قیامت؛ می تواند مستقلاً در جزایط حق، بوظایف عبادی خود عمل کند و دستکار شود؟ گفت چنین است. گفتم شما چشم دارید جواب داد دارم ولی این چه سؤال احمقانه است؟... گفتم گوش دارید گفت دارم... آنگاه گفتم این اعضاء مستقلاً می توانند باعمال حیاتی خود ادامه دهند؟ گفت هرگز! بلکه از ناحیه قلب دمبدم با آنها کمک می رسد. گفتم پس مسلمان هم در عین استقلال، بقلب جهان نیازمند است که آن؛ امام زمانست که واسطه فیض الهی میباشد! همینکه سخن بدینجا رسید و جوابی نیارست دادن! گفت شما حتماً هشام هستید!... مرا پهلوی خود نشانند و اکرام

تمود! نقل باختصار از کافی ج ۱ ص ۳۳۳

توضیح همچنانکه در عالم ماده، نور خورشید؛ وسیله فیض و حیات است، در عالم معنویت نیز ائمه حق همان موقعیت را دارا می باشند!... اگر در کشوری رهبر صالح بر سر کار نباشد حتی نیکوکاران هم از احسان؛ درمیمانند. بیدین معنی که اگر بخواهند بذل و بخشش کنند فوراً مأمور داری و بدنبال او مأمور ساواک میرسد که مالیات لازم داریم بده! جشن دوهزار و پانصد ساله داریم بده! جشن تولد شاه و ولیعهد داریم بده و و اگر آدمی شخصاً بخواهد مرد خوب و مبارزی باشد؛ در هر پیشامدی که بر علیه طاغوت رخ دهد فوراً بسراغ او میروند! و چنانکه در رژیم شاهنشاهی دیدیم او را شکنجه می دهند که اختیار را نشان بده! در شجاعت و شهامت هشام همین بس که آنگاه که هنوز هم از خنجر امتویان خون میریخت! از او پرسیدند؛ معاویه در جنگ بدر حضور داشت؟ جواب داد آری! ولی در صف دشمنان اسلام!...

هشام تألیفات زیاد دارد که اغلب در رد عقائد باطله می باشد. برای اطلاعات بیشتر؛ صفحه ۱۵۶ را دوباره خوانده سر گذشت و صلاحیت هزاران شاگرد امام صادق و سائر ائمه امثال مقداد، میثم، اصبح، کمیل، جابر بن جعفری، جابر بن حیان، ابوبصیر، محمد بن مسلم، زراره و یونس ابن عبدالرحمن و و و را که خود، انسانهای سرشناس بودند، از تراجم احوال و رجال اسلامی مطالعه فرمائید.

۶- شیخ مفید، عبدالله محمد؛ از جوانی چنان بحلیه علم و دانش و تقوی آراسته گردید که قاضی شهر او را مفید لقب داد. در روزی بطور ناشناس در مجلس درس و بحث قاضی عبدالجبار معتزلی حاضر شده در پائین مجلس، کنار کفش ها نشست. بعد از ساعتی اجازه گرفت سؤالی

مطرح کند ... سؤال را مطرح کرد و جوابی شنید که بطوریکه در ۱۳۱ گذشت امروزه بعلمت در کمین بودن کنفرائس باصطلاح «اسلامی طائف» که ایادی آمریکا می‌خواهند میان برادران سنی و شیعه اختلاف براندازند و حکومت کنند، از شرح مسئله می‌گذریم و خواننده را بکتاب مجالس المؤمنین ص ۴۶۴ ارجاع می‌کنیم.

محمد سؤالی دیگر کرد که در جواب آن، قاضی ناگزیر بود در میان انبوه دانشمندان جواب پیشین خود را نقض کند که آنهم محال بود؟! قاضی درمانده چاره‌ای جز این ندید که از جای خود بر خیزد و دست محمد جوان را بگیرد و بر جای خود نشاند. و چون، چنین کرد، شاگردان اعتراض کردند!

قاضی گفت من جوابی ندارم. شما اگر دارید بفرمائید!! چون همگان، درماندند، قاضی، بفرموده پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که شکستن نفس علوی طلب و سرکش را «جهاد اکبر» نامید همچنان در ادامه تجلیل جوان؛ او را مفید لقب داد! که حالا در جهان اسلام بهمان لقب شهرت دارد! همین شیخ مفید است که می‌گویند از او درباره اینکه زنی مرده و بیچه‌ای در شکم دارد، استفتا کردند، او جواب داد که دفنش کنند! بعد از چندی جوانی را با او معرفی کردند، که همانست که شما اجازه دادید از شکم مادرش بیرون آوردیم! مفید هم آنجا نفس را می‌شکند و می‌گوید «من هنوزم در آن عقیده‌ام که نمی‌توان شکم مرده را پاره کرد. پس آن دست، دست امام زمان بوده که فتوای مرا اصلاح فرموده است!»

در علو مقام شیخ مفید می‌گویند شبی بخواب می‌بیند که خانم فاطمه زهرا حسنین علیهم السلام را به مکتب آورد که تعلیمشان دهد! صبح در حالی که در

اندیشه رؤبای دوشین بود، دید که مادر دوسید جلیل‌القدر مرتضی و رضی از دست آنها گرفته وارد شد که تدریسشان نماید!...

... شیخ مفید سه مرتبه موفق بدربافت توقیع از ولی عصر عیج شد و چون در گذشت با هشتاد هزار نفر شیعه و سنی تشییع گردید و از ناحیه مقدسه امام زمان مرثیه‌ای بر قبرش نقش شد!...

۷- سید مرتضی علم‌الهدی: کرامت و تشابه سید مرتضی و برادرش بحسین، در تلمذ از مکتب شیخ مفید در ۴۲۰ گذشت.

این سید جلیل‌القدر، از علم و حکمت که میراث انبیاء است و از قدرت مالی که آنهم از موهبات الهی است برخوردار بود از درآمد مزرعه خود مدرسه‌ای دایر و طلاب علوم را حقوق می‌داد. در شرح حال او آمده است که بکنفر یهودی در یکی از سالهای قحط بعنوان تحصیل بمکتب ادرفت و سرانجام بشرف اسلام نائل آمد!

آنروز که هر دانشمندی مکتبی میگشود و باعث انشعاب و تفرقه میگردد خلیفه وقت تصمیم گرفت مذاهب بزرگ از قبیل حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی را ثبت کند و بر سمیت بشناسد.

سید مرتضی تلاش نمود بهر وسیله است نگذارد، این ظلم را عملی و شیعه را غیر- رسمی منظور دارند. حتی گفته‌اند که تمام اموال خود را تبدیل بدینار کرده بخلیفه تقدیم نمود ولی از خلیفه جواب شنید که این معامله بکمتر از یکصد هزار دینار انجام نمی‌گیرد! سید از پرداخت آن عاجز ماند و شیعه بنام رافضی که از اقترای امویان بود باقی ماند!... و چوب آن ظلم را در طول تاریخ خورد و میخورد!

وزیر یکی از خلفای معاصر عباسی برض صعب‌العلاج گرفتار شد. بهر طبیبی مراجعه کرد، مؤثر نیفتاد. شبی در خواب، مولای متقیان علی ع را دید و استمداد

نمود. آنحضرت فرمود، از سید مرتضی (علم الهدی) دعا بخواه چون بیدار شد با صوابدید خلیفه بسید مراجعه کرد و شفا یافت! خلیفه گفت لقبی را که جدت علی بتو اعطا فرموده است منهم تأئید مینمایم «مرتضی علم الهدی»! لغتنامه دهخدا و مجله دانشمند و منابع دیگر... شهادت و شجاعت این فقیه عالیقدر را که چگونه منطق بدون استدال قاضی القضاة خلیفه را می شکند در ص ۲۵۵ گروه دستیکاران ج ۱ بخوانید. یکی از آثار این فقیه کتاب گرانقدر تنزیه الانبیاء میباشد ۸- ابوالاحمد ملقب بطاهر ذی المناقب به داشتن تمام صفات پسندیده، در دولت بستی عباس و آل بویه، شهرت داشت، پنج نوبت به حکومت طالبین رسید. و اینک شرح حال پسرش سید رضی که صلاحیت ولایت فقیه را از پدر واجداد پلوت برد.

سید رضی ۲۱ ساله بود که مقام پدر با او گذار شد. درسی سالکی در اندک مدتی قرآن را حفظ کرد بسیار بلند همت و شریف النفس بود. از کسی صیله نمی پذیرفت. روز تولد فرزندش وزیر خلیفه عباسی ۱۰۰۰ دینار هدیه فرستاد. سید رضی نپذیرفت! وزیر دوباره بر گرداند که این هدیه مال آن طفل است. جواب فرستاد که کودکان ما هم هدیه نمی پذیرند. نوبت سوم هدیه را فرستاد و پیام داد که این پول را بقبله بدهید! رضی قبول نکرد که زنان ما بقبله بیگانه نیازمند نمی شوند!

وقتی گویند سید روزی پشت سر برادر بزرگش علم الهدی نماز میخواند بناگاه از جماعت قصد انفراد نمود... علت پرسیدند. جواب داد برادرم را دیدم که در دریایی از خون دست و پا می زند! در این مورد تحقیقات بعمل آمد، معلوم شد علم الهدی قبل از نماز در مسائل حیض، بحث داشته و در اثنای نماز، خاطرش

نوسانی به مسئله قبلی نموده است که بر ادرش بدیده خدایین، آنحال را مشاهده و قصد انفراد نموده است! ...

سید رضی روزی در محضر خلیفه بود. یکی دو بار دست به جاسن بخنود کشید. خلیفه که قبلاً احساس نموده بود، سید رضی در صدد قبضه نمودن قدرت و خلافت میباشد، گفت «گویا از ریش خود بوی خلافت استشمام می کنید، فوراً جوابداد بلکه بوی نبوت! زیرا من پسر پیامبرم (قصص العلماء ص ۴۱۲) چنانکه ملاحظه می شود؛ بر خلاف آرزوی استعمارگران و بر خلاف نظر علماء درباری و قوادال عوام، همچنانکه خودائمه در صدد تجدید حکومت علوی بودند تا احکام الهی را بدون دخالت طاغوتها بمورد اجرا بگذارند، همچنان هم فقهای بزرگ بمعنی واقعی «شیخ» پایبند به پای نهادند. و این جواب همان تداوم نهضت عدل علوی یا نظیر جواب امام صادق و امام موسی کاظم، ع به منصور و هارون بود که به مضامین مختلف ولی به معنی واحد، میگفتند ما پسران پیامبریم. اگر خلافت، مسئله موروثی هم بوده باشد باز ما اولیتریم! ...

ابن ابی الحدید شارح معتزلی نهج البلاغه نقل می کند شیخ محمد مفید شبی بن خواب دید خانم فاطمه از دست حسین علیه السلام گرفته وارد مدرسه او شد و فرمود، اینهارا فقه بیاموز. پس بشکفت تمام بیدار شد. بامدادان، فاطمه مادر محمد «علم الهدی» و علی سید رضی در میان کنیزان از دست دو فرزند خود گرفته به مدرسه آمد و فرزندان را برای تعلیم فقه بشیخ مفید سپرد. شیخ گریه کنان خواب روشن را باز گفت و تعلیم را آغاز نمود! ...

سید رضی خطبه ها و کلمات قصار و رسالات علی علیه السلام را در مجموعی بنام نهج البلاغه گرد آورد، که امروزه بعد از قرآن و کلام نبوی صلی الله علیه و آله اولین کتاب انسانی است که لرنه بر اندام استکبار جهانی می اندازد و او هم در

نابودی آن ، از هیچ ستمی فروگذار نمی‌شود. که بعنوان شاهد گفته می‌شود در تونس رژیم حبیب بورقبیه ، در حالی که کاری بکار مبلغین مارکسیستی ندارد ! مجامع اسلامی و قرآن و بویژه نهج البلاغه را توقیف مینماید !

۹- ابوریحان : در فن حکمت و ریاضی و طب و هیئت و حید زمان بود ... بدون مجامله سخن می‌گفت . دهی از تعلم و تعلیم آرامش نداشت ! موقعی که کتاب قانون مسعودی را نوشت ، سلطان مسعود غزنوی یکبار فیل ، نفره بسوی بخشید . ابوریحان با کمال استغناء از پذیرفتن آن خودداری کرد ! ابوریحان آثار زیاد از خود پیاد کار گذاشته است ...

در غزنه و بلخ و جوزجان رصد خافه بنا کرد . قابوس بن وشمگیر او را بوزارت خویش دعوت نمود . نپذیرفت . مأمون خوارزمشاه بسیار مشتاق زیارت او میبود و هر وقت او را می‌دید از اسب پیاده می‌شد !

در دستگاه شاه خوارزم ، عده‌ای از بزرگان ، امثال بوعلی سینا و بوعلی مسکویه و بوسهل مسیحی و بو نصر عراقی و ابن‌الخمار و ابوریحان با نیاز و تنعم بسر می‌بردند . سلطان محمود از اجتماع آنان باخبر شده حسن میکال را فرستاد تا آنها را بدربار غزنه دعوت کند . شاه خوارزم که دانست این دعوت موجب نابودی آنها خواهد بود ! پیش از آمدن میکال آنان را در جریان امر قرارداد ناکسیکه حاضر بر رفتن به پیش سلطان محمود نیست ، قبل از طرح مسئله جلسه و شهر را ترك گوید !! همه جز ابوریحان و دو نفر دیگر فرار کردند ! (فردوسی و چهارصد شاعر دربار غزنوی ، در پیشگاه خدا و تاریخ ، مورد بازخواست قرار می‌گیرند که چرا دیکتاتور دانش کش را که ابن‌سیناها از هیولای او فرار کردند و ابوریحانها بامر او بزدان رفتند ! ستودند !)

ابوریحان چون بفرزین رسید ارکان دولت از او تعریف نمودند و گفتند

درستاره شناسی بی نظیر می باشد! سلطان گفت «تنها خدا همه چیز را می داند»
 ابوریحان که بعلم خود وثوق داشت گفت «عند الامتحان یکرم الرجل اویهان»
 سلطان که عادت و انتظار نداشت کسی بدون تعریف و تعظیم و تملق سخنی بگوید،
 خشمناک شده گفت «تعیین کن که از کدامیک از دوازده در کاخ بیرون خواهم
 رفت؟» آنگاه که ابوریحان جواب را نوشته ولی هنوز بدست شاه نرسیده بود،
 سلطان دستور داد دیوار رو برو را شکافتند و او، از آنجا بیرون رفت! همینکه
 جواب ابوریحان را خواند که نوشته بود «دیوار مقابل شکافته می شود و شاه
 بیرون میرود» بر شدت غضبش افزوده شد. دستور داد ابوریحان را از بام کاخ
 فرو اندازند!

حسن می کمال تدبیری اندیشید که ابوریحان با کمترین آسیب بسطح

زمین رسید!؟

بعدها که خشم سلطان فرونشسته بود، از وضع ابوریحان جويا گردید.

حسن جریان و در حال حیات بودن ابوریحان را گزارش کرد!

سلطان، ابوریحان را احضار نموده گفت «تو که آنچنان از عالم هیئت

اطلاع داری چرا جریان فر و افکنده شدن خود را ندانستی؟ ابوریحان بلافاصله

۱- تاریخ همچو جائزه فر و افکنده شدن بیچاره ای از بام قصر را در شرح حال

یکسی از سلاطین عرب نیز نقل نموده است ... شاه معمار را برای بنای کاخی دعوت

مینماید. پس از پایان کار می پرسد همچو کاخی زیبا بکسی ساخته است؟ جواب

می دهد نه!

شاه او را از بام قصر فرو می اندازد و در علت آن جواب می دهد که نخواستم

زنده بماند و قصری نظیر قصر من بکسی بسازد که آن مغایر انحصار طلبی من

می باشد! ... کتاب بحر الجواهر ذیل نام و ضرب المثل جزاء صنماری؟!

طالع تحویل خود را بیرون آورد که بدون کم و کاست آنرا هم نوشته بود! سلطان که باز هم با عمل بدون انتظار روبرو شده بود، فرمان داد ابوریحان را شش ماه در حبس کردند. در این مدت جز غلامی که متصدی آب و غذا بود، کسی حق مراوده با ابوریحان را نداشت!

روزی حسن میکال در شکار گاه فرصت یافته از زندانی بودن ابوریحان سخن به میان آورد و جوابی شنید که در خور توجه سلطنت طلبان می باشد که نیک بیندیشند که آیا مملکت زیر فرمان این قبیل خود خواهان باشد بهتر است یا زیر فرمان امام خمینی و امثال او که فرمود « مرا خدمتگزار بگوئید بهتر است که رهبر بگوئید؟! رهبر ما آن کودک سیزده ساله است که بابوب زیر تانک دشمن رفته کشت و کشته شد! » ... (حسین فهمیده)

آیا زیر فرمان ریگان باشد که می گوید « اگر در ایران پانصد نفر به بند کشیده میشوند، انقلاب پیروز نمی شد بهتر است؟ یا زیر فرمان فقیه باشد که گوش بفرمان علی ع است که می گوید اگر دنیا را بمن بدهند تا پوست جوی را از دست مورچه‌ای بگیرم قبول نمیکنم؟! »

و اینک جواب سلطان محمود:

... ابوریحان در آن دو حکم، برخلاف نظر من، نظر داده بود. نسبت به پادشاهان باید سخنی گفت که موافق با رأی آنها باشد؟! اکنون دستورده او را از زندان آزاد کرده اسب و غلام و کنیز و هزار دینار در اختیارش بگذارند!

ترجمه روضات الجنات ج ۱ ص ۴۲۶

(شرح کشتن هزاران عالم ربانی و سوختن کتب آنها را که سلطان محمود در فتح ری و در برابر انداختن سلاطین آل بویه مرتکب شده و نیز اظهار نظر در آن خشم بیجا و این بخشش بیحد را که سلطان برای بدست آوردن آن مال، دهها خانه

را ویران و صاحبان را بزنجیر می کشید یا نابود می کرد، به فرصت دیگر
مو کول مینمائیم!...)

۱۰- اسماعیل، صاحب ابن عباد، وزیر دیالامه: برای اینکه بی اساس بودن
و یا استعمار و استثمار ساز بودن «تز» جدائی دین از سیاست، هر چه بیشتر آشکار
و بقول امام خمینی و هم زمان گذشته و معاصر او، در متن دین بودن سیاست، ثابت
شود، مختصری از شرح زندگی این فقیه و وزیر دانشمند و وزیر زاده را که
یدر و پسر در بسط عدالت و آبادی بلاد آلبویه تأثیر بسزا داشتند، مطالعه
می نمائیم.

قبلاً متذکر میشویم که صاحب لقب اسماعیل است و در فقاہت او همین بس
که محمد تقی مجلسی و پسرش علامه محمد باقر، صاحب را از افقه فقهاء و محدثین
و متکلمین گذشته و معاصر خوانده اند (ص ۱۷۲ ترجمه روضات...) و سید رضی او
را مدح گفته و در سو گواری مرگ او عالیترین قصیده سروده است. همچنین
فقیه عالیقدر و بی نظیر زمان، شیخ صدوق (آنکه در اثر دعای امام زمان، پای
بهر سه حیات گذاشته) کتاب عیون اخبار رضا علیه السلام را در حالی که دو قطعه از
اشعار خود صاحب را در مقدمه آن آورده است، بنام او تألیف و اهداء نموده است
همچنین برادر صدوق او را مدح گفته است.

و اینک اقوال بزرگان دیگر در حق او:

تعالی می گوید او صدر بزرگواری و شرافت و سرچشمه دادگری و احسان
بود. هر کسی او را بهر عنوانی بستاید سخنی بگزاف نگفته است. میتوان چنین
خلاصه کرد که اگر او وجود نداشت، بازار فضائل در روزگار او کساد بود!
مجلس او مجمع فضلا و دانشمندان بود. عدهی سرایندگان مجلس او که
صفات واقعی صاحب را ستودند اگر از عده مداحان رشید (هارون) زیادتر نباشد

کمتر نیست. (بر خلاف مداحان متملق شاهان و وزیران طاغی) ... صاحب در تأمین نیازمندیهای مادی و معنوی صدها ارباب رجوع که روزانه از اطراف و اکناف عالم بحضورش می‌رسیدند از هیچگونه مساعدتی دریغ نمی‌داشت.

نظم و نثر خود او، هم مرز اعجاز می‌باشد. آثارش در مسیر خورشید پیش رفته و شرق و غرب را پر نموده است.

ابو سعید رستمی مینویسد من نمی‌توانم شعری انشاد کنم که علم و ادب و رفعت شأن و کرم صاحب را که در بخشش منحصر بفرد بود، برساند! زیرا مرغ همت من ناتوانتر از آنست که بتواند بدامنه قله رفعت او پرواز کند ...

صاحب، فن حدیث را از پدر و فن ادب را از ابوالحسین فارسی استاد نحو و ابن عمید وزیر مشهور فرا گرفته بود!

شوشتری (شهید ثالث) در مجالس المؤمنین و ابن خلکان در وفیات الاعیان گفته‌اند هر وزیر یکه بعد از صاحب بوزارت می‌رسید، او را هم بافتخار صاحب ابن عباد، صاحب می‌گفتند ... پس از وفات مؤبد الدوله، برادرش فخرالدوله بحکومت رسید، صاحب را که قبلاً وزارت داشت بهمکاری دعوت نمود. صاحب پذیرفت، فخرالدوله گفت همچنانکه امارت بارت بما رسیده وزارت نیز بارت بشما رسیده. باید حق خود را ادا نمائیم ... صاحب ناچار در وزارت باقی ماند.

صاحب؛ پیش فخرالدوله بسیار معزز و محترم و از نفوذ کامل برخوردار بود. منشی او درباره خدمات و بخششهای صاحب که در راه ترویج تشیع بیکسار بسته بود می‌گوید «علاوه از خدم و حشم، در دفتر او ملاحظه نمودم که ۸۲۰ عماله خز بعلوی‌ها و فقهاء و سرایندگان بخشیده بود!»

شیخ عبدالقاهر بطرز دیگر صاحب را می‌ستاید که بعنوان احترام از تکرار لفظ از آن می‌گذریم ...

نوح بن سلیمان ، وقتی او را بوزارت دعوت نمود ، پذیرفت که ۴۰۰ شتر
میباید تا کتابهای مرا حمل کنند !

از خود صاحب نقل شده که در جوانی برای کسب علم ، بمحضر ابن عمید
وزیرمیر قتم، در یکی از عصرهای ماه رمضان ، ملاحظه کردم که مجلس اوز فقهاء
ومتکلمان که بحث و مناظره داشتند پر بود ، چون وقت افطار فرا رسید ، همه
اجازه گرفته رفتند . این عمل وزیر که با آن ثروتی که داشت نمیتوانست همه
را افطار دهد ولی نداد ، برهن ناگوار آمد . تصمیم گرفتم اگر به مقام وزارت
برسم نگذارم عمل او از من سر بزند .

بدین اصل بود که پیوسته و مخصوصاً در رمضان ، همه روزه قریب بهزار
نفر بمحضر او می رسیدند . و از افطار و جائزه و کمک مالی صاحب برخوردار
می شدند !

ابومنصور ربیع در توضیح او گفته روزی وارد مجلس او شدم ساعتها با
سخنان خود مشغولش نمودم . موقع وداع خواستم معذرت نمایم گفت من وقت
شما را گرفتم !

عمیدی که از قضاوت سرشناس بود کتب پر محتوایی را که ظاهر خوبی
نداشتند بکتابخانه صاحب اهداء و از نازیبائی آنها معذرت نمود . صاحب منظوماً
جواب نوشت ما از همه کسانی که کتاب می دهند می پذیریم و آنها را با قیات
صالحات قرار میدهیم . مرام من آن نیست که زیادی را غنیمت شمارم بلکه
طبع من اینست که می گویم « بگیر و نهی گویم بیار و بده »

۱- تاریخ از زمانی که مخصوصاً پای بیگانگان بعنوان ، کار آموز تجدید !!
بایران باز شده کسیرا که نظیر صاحب ، دانا و بی طمع و بخشنده و صدیق باشد
سراغ ندارد ! پس آیا صلاح این نبود که مردم بپا خاسته که با فتوای دو فقیه ←

سیوطی مؤلف بغیه می گوید مادر صاحب در خرد سالی او که برای تحصیل بمسجد می رفت ، هر روز یکدینار و یک درهم با او می داد که با اولین فقیر یکه پیش می آید بدهد . صاحب این شیوه نیکو را در عصر وزارت نیز مراعات می کرد . و برای اینکه مبادا فراموش شود ، بخدمتگزار خود توصیه کرده بود ، هر شب همان مبلغ

← متنفذ (آیه الله حواری و کاشانی) پیروزی سی ام تیر را بچنگ آورده بودند ، خود آیه الله کاشانی را که در صفات نیک ، نظیر و تالی صاحب بود ، بصدارت برگزیده مانع آن می شدند که ملت پس از آزادی از زنجیر استعمار انگلیس (در اثر غفلت و بی خبری دکتر مصدق از قرآن و فقه اسلامی) بزنجیر استعمار آمریکا بسته شود ؟

و آیا سزاوار نیست که به مصداق لایلدغ المؤمن من جحر مرتین (مؤمن از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نمیشود)

حالا ملت با پشتیبانی کامل از ولایت فقیه ، گذشته ها را جبران و از باز شدن پای بنی صدرها و رجوی ها و آموزگارها و ادیسی ها و آریاناها و بختیارها و دیگر تربیت شدگان دامن استعمار که در کمینند ، جلوی نمایند ؟

و آیا سزاوار نیست که جوانان متجدد ! در فلسفه مصونیت عباس هویدای بهائی زاده که در مدت سیزده سال صدارتش کسی نتوانست معارض او شود و نیز در فلسفه سالم ماندن بنی صدر که در یکسال و نیم ریاست جمهوری و پس از فرار کردنش ؛ در اثر بهمکاری فرا خواندن سادا کیهان و مزدوران آمریکا ، امثال سرهنک معزی (خلبان شاه بهنگام فرار) و منوچهر مسعودی (همکار و مشاور سر لشکر نصیری رئیس ساواک) و مسعود رجوی (ساواکی زندانکار) ، آسیبی متوجه او نگردید ولی برعکس ، رجائی و باهنر (رئیس جمهور و نخست وزیر) بجرم مسلمان بودن و عدم سازش با استعمار ، در مدت کمتر از یک ماه ترور شدند ، ←

را زیر رختخواب او بگذارد و فردا بمستحق برساند!

شبی خادم آنرا فراموش کرد، نیمه شب که صاحب برخاست تا عبادت بجای آرد، آن پول را ندید و فراموش شدن آن احسان را بفال با آخر رسیدن عمر تلقی کرده بعنوان کفاره تأخیر احسان؛ فرایشان را احضار نمود و گفت هر چه در آن منزل بوده همه را با اولین فقیر بیکه فردا ملاقات می کنند بدهند. قضا را نابینائی هاشمی دست در دست زشش پیش آمد. گفتند بایستید و این فروش و پستی دیبا را تحویل بگیرید! نابینا بشنیدن این سخن، بیهوش و نقش زمین

← بیندیشید و حقیقت را دریابند که استثمار تنها از دست اسلام ضربه خورده و میخورد و تنها خصومتش با اسلام می باشد؟ یعنی آیا وقت آن نرسیده که بیندیشند که استثمار از عزاداری عاشوراها آسیب دیده و بدان مناسبت بنی صدر خود را دستور میداد با سخنرانی در عاشورا و ایجاد تفرقه و تشنج، ملت را از ثمرات عاشورا بی نصیب نماید؟ و آیا شروع شدن ترورها بلافاصله از عزل بنی صدر، خود گواهی نمی دهد که آمریکا بخشم از دست دادن بنی صدر، مزدوران از خدا برگشته خود را بجان، فقهاء و رجال اسلامی انداخت؟

۱- استثمار میداند روزیکه شخص متدین نماز شب خوانی مصدر امور شود آن روز آخر عمر اوست. لذا رجوی را مأمور اضلال مینماید و او در روزنامه مجاهد ۲/۱۱/۵۸ مینویسد چه مانعی دارد در کشور اسلامی، رئیس جمهوری مسلمان نباشد؟! پس از آنکه آن دو همکار فراری، در آغوش استثمار فرانسه نفسی براحت می آورند، بنی صدر همان توصیه ارباب را در دادن صدارت بر رجوی مراعات میکند و رجوی هم در اعلام برنامه دولت خودمائی کذائی خویش از جمله چیزهائی که از «کیسه حاتم» می بخشد یکی هم دادن اجازه پذیرفتن قانون ارت اسلام بزنان و اجازه بی بند و باری نامحدود آنها بود!

شد. غلامان جریان را بصاحب رساندند، صاحب احضارشان کرده علت بیهوش افتادن را پرسید. نایبنا گفت از زخم پیرسید. صاحب گفت خودت بگو، گفت دختری بشوهر داده‌ایم که جهیزیه او عمدتاً يك فرش و پشتهی دیبا کسر داشت. زخم اصرار بتهیه آنها می کرد ولی من قدرت خرید نداشتم ناگزیر صبح براه افتادیم تا خود خدا چه کند! از این طرف چون غلامان، نام نیازمندیهای ما را به میان آوردند، از خوشحالی بیهوش شدم. (قلبها و کارها در دست خداست!)

شوشتری پس از نقل مناقب صاحب از روی کتب عامه و خاصه، می گوید صاحب، کتب زیادی را تألیف نمود که از جمله آنها «المحیط» است که در ۷-۱۰ جلد تدوین شده است. و دیگر کتاب اسماء الله و دیگر کتابی در مدح امیر المؤمنین و یازده امام دیگر علیهم السلام و وابستگان آنها دارد.

در رعایت دواصل تولی و تبری، آورده‌اند که یکی از اولاد اموی ابیانی پیش صاحب فرستاده صله خواست. صاحب در جواب او نوشت «من شیعه هستم و اموی جز اندکی؛ ارزشی پیش من ندارد. مرا با خاندان مصطفی وا گذارید و بدانید، همچنانکه محبت خاندان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سراسر وجود مرا اشغال نموده، دشمنان آنها نیز در وجودم ثابت است! اگر یکی از اعضای از محبت ائمه اعراض کند، خواهید دید که سایر اعضای از او بیزار خواهند بود!»

۱- شاه حسین ها و دیگر زمامداران خود فر و خسته، از طرف خدا مورد بازخواست قرار می گیرند، شما تحت پوشش نام اسلام، دست ناپاکترین کسان را بوسیدید و از آن راه برای بقای خود چنگال متمگران را در پیکر مستضعفان مستحکم نمودید. شما که با صد عمل خلاف اسلام خود، از جمله رعایت نکردن تولی و تبری ثابت نمودید که مسلمان نبودید، چرا دعوی اسلام نمودید؟ ... جایی که در کشور شما حتی نازلترین مصنوعات هم ساخته نمی شود، چرا برضای اربابان خود ←

شهید ثانی گفته است که در مجلس درس صاحب ۶ نفر مقرر، گفته های او را بصدای بلند می گفتند و بسمع هزاران دانشجو میرساندند!
از ابیاتی که از خود صاحب بجای مانده معلوم می شود علاوه از مرکز و غرب ایران امروز که تحت نظر دولت آلبویه بهترین وجه اداره میشد، کشور عراق نیز بحسن سیاست آلبویه از آبادی و رفاه برخوردار بوده است (ص ۱۷۵ ترجمه روضات الجنات)

از اشعار نغز و پر معنی صاحب که سید مرتضی در کتاب غرر نقل کرده دو بیتی ای را انتخاب میکنیم که معنی آن اینست .. اگر دل من شکافته شود، دو سطر که بقلم قدرت در آن، نقش بسته است جلب توجه خواهد نمود یکی متضمن توحید و عدل و دیگری حب اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ...

صاحب در خلال اشعار آبدار خود دست التماس بسوی حضرت حسین و سایر شهدای کربلا دراز و تقاضای شفاعت می نماید و در عمل نیز عزاداری را ترویج می کند.

از هم نشینان او که هر يك در آسمان علم و ادب ستاره درخشانی بودند...
میتوان ابو بکر خوارزمی و ابوالعباس ضبی و ابوالحسن سلامی و ابوطالب مأمونی و ابوالحسن بدیهی و ابوسعید رستمی و ابوالحسن جرجانی و خازن اصفهانی و بدیع الزمان همدانی و ابوعلی، حسن رازی استاد لغت و نحو و ابوالعلاء اسدی و

← شهرت دادید که کشور را بدر و از تتمدن میرسانیم... سعدی سراینده اشعار بنی آدم اعضای یکدیگرند... مورد بازخواست قرار می گیرد اصل شعر شما از حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله سر مایه گرفته است، آیا پیامبر مؤمنین را بساعضای یک پیکر تشبیه کرده یا تمام بنی آدم را؟ آیا قابل قبول است که گفته شود اگر آیشمن، موشه دایان، صدام حسین و امثال آنها بدر آیند خانواده انسانیت بدرد می آید؟!...

ابودلف خزرچی و ابوسعید و حفص شهرزوری و اسماعیلی و ابوفیاض طبری را می‌توان نام برد!

وقتی صاحب، بیمار شد و بزودی شفا یافت، آنوقت بلافاصله با و گزارش دادند که دوستش ابوهاشم، بزرگ خان‌دان علوی، بیمار شده است. نامه منظومی با ابوهاشم فرستاد که به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت توسل کند...

ابوهاشم که تا آن وقت مکتوم داشته بود، منظوماً جواب داد، وقتی شنیدم شما بیمار شده‌اید، از خدا خواستم مرا بجای شما بیمار گرداند که پذیرفته شده است. صاحب در جواب نوشت: با قبول این محبت که بیماری خود و شفای مرا خواسته‌اید، باید بگویم که من بدان راضی نبودم و آسایش نخواهم داشت تا خبر بهبودی شما را نشنوم... روزی اگر بیمار شدید از خدا بخواهید مرا بجای شما بیمار سازد!

صاحب در شعرشناسی و شاعری دریائی بود. از آثار عمرانی او تجدید باروی قزوین و ایجاد ۲۶۰ برج و ۷ دروازه آن شهر را می‌توان نام برد که آن هنگام خدمت شایان سپاس بوده است. روزیکه سال ۳۸۵ هـ. ق زندگانی را بدورد گفت: خود شاه نمازش خواند و در عزایش نشست و مردم نیز عزای عمومی اعلام کردند!...

۱۱- ابو جعفر محمد طوسی: بعد از شیخ مفید اشهر فقهای شیعه و شخصیت مورد احترام فریقین بود. بداشتن فضل و کمال زاید الوصف، مورد حسد برخی از علمای عصر قرار گرفت! او برای استیضاحی به پیش خلیفه و مقامات غلاظ و شداد کشانده شد!! در بغداد، خانه او را آتش زدند... در این سوء قصد بسیاری از تألیفات خود و دیگران که داشت از بین رفت! او تفسیر مشهور و عالیقدر تبیان را تألیف و رساله

عملیه‌ای بنام النهایه در اختیار همگان گذاشت. در این باره در کتاب «توضیح اینک» آمده است: «این فقیه ربانی که چندان فاصله‌ای با عصر ائمه و آغاز غیبت کبری ندارد، با الهام از قرآن و سنت، در راه تجدید و تداوم حکومت علوی، از هیچ کوششی رویگردان نبود. هموست که در رساله النهایه، در باب دفاع میگوید در حکومت اسلامی گرچه عصمت و عدالت زمامدار پیمای عصمت حضرات معصومین علیهم السلام فرسد باز به ملاحظه اینک که او مجری احکام قرآن است لازم الاطاعه می باشد و هر کس مسلحانه به مخالفت با حکومت اسلامی قیام کند مهدور الدم است». ^۱

توضیح اینک که اصل تأسیس حکومت اسلامی، که از قرآن و سنت ۱۴ معصوم علیهم السلام سرچشمه می گیرد، در آثار فقهای بزرگ مثل شیخ طوسی و علامه نراقی و آیه الله نائینی و خراسانی بطور زنده و شاداب باقی میماند که همگان، فقیه واجد شرط را برای تشکیل حکومت اسلامی، قائم مقام امام معصوم می دانند... همین شجره طیبه است که آیات عظام محمد حسن و محمد تقی شیرازی و محمد تقی خوانساری و مصطفی و ابوالقاسم کاشانی به عنوان شاخه‌های برومند آن، در عراق بر علیه حکومت دست نشانده انگلیس قیام، و دست غارتگران را از ذخائر عراق کوتاه می کنند و بدنبال آنها کم کم امام خمینی شاخه برومند تر دیگر که بقول حسنی هیکل و روزنامه نگاران خارجی، «سر نوشت، او را برای انقلاب اسلامی تدارک دیده بود»، بحیات رژیم غارتگر

۱- قابل توجه آقای مهدی بازرگان است که او در اثر نوسان ایمان، در مجلس اسلامی، از منافقین مسلح که بر علیه جمهوری اسلامی اعلان جنگ دادند، دفاع نمود!.. این نوسان ایمان در آقای بازرگان تا آن گوی تدارک بطوریکه در زمان دکتر مصدق نیز ملی گرایی و پامدیریت او بحدی نوسان و تنزل نمود که دکتر مصدق، او را از ریاست «خلع ید و شرکت نفت» عزل نمود.

پهلوی آمریکائی خاتمه می دهد! روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۴/۲

پس از سالیان دراز که سازمان ملل و حامیان حقوق بشر، بطور ساختگی اعتباری کسب می کنند، شریک جرم بودنشان را امام خمینی با نشان دادن تخریبهای غرب ایران، ثابت مینماید: آنجا که صدام حسین برخلاف تمام موازین بین المللی، نقاط مسکونی و مدارس و بیمارستانها را با موشکها و توپهای دور زن تخریب مینماید، ولی سازمانها از اینکه جنایت از ناحیه خودشان یعنی «شیطان بزرگ» است دم در نمی آورند... طلسم دیوسلطنت را چنان می شکند که روزنامه نگاران حقیرست علیرغم سمپاشیهای امپریالیسم، انقلاب ایران را به بهمنی تشبیه می کنند که بناگاه فرود آمده طاعون را خفه نمود و دوستان او را دم داد!... چنان موجی ایجاد نمود که حتی دشمنانش از جمله موشه دیان گفت، انقلاب ایران تمام خاورمیانه را بلرزه در آورد!.. در برابر طوفانهای سهمگین که از همه جا وزیدن گرفت، راحت و آرامشی بوجود آورد که مجله المختار، چاپ مصر نوشت «جهان نگران ایران است ولی ایران بر هبری خمینی با قلبی بساستواری کوه همچنان پیش میرود»!... (کیهان ۶۰/۷/۲۶) و سرانجام امام جمعه صنعا گفت «ایران را تحت محاصره اقتصادی در آوردند ولی امام خمینی حصارها را با سرانگشت تدبیر خنثی ساخت!...

۱۲- ابوعلی طبیرسی مؤلف تفسیر مشهور مجمع البیان و دهها کتاب و رساله از رجال مشهور شیعه بود. در حمیت و شهادت او همین بس که در دوره اختلف، شهرت عامه داشت و طرف توجه همگان بود... بطور اسرار آمیز بقاء الله پیوست! مشهور اینست که مسمومش نمودند! (ص ۲۳۴ گذشت) شهیدان راه فضیلت)

این دانشمند ربانی از فراز ده قرن پیش در تفسیر جامع الجوامع، ذیل

آیه « انی جاءک للناس اماماً ص ۲۵ » از حضرت صادق بمراجع مجاهد و متعهد مثل امام خمینی که در مسیر تاریخ پشای بعرضه ظهور میگذارند حامل پیام تأییدیه است. بدین معنی که پیشوای اسلامی موظف بتدبیر امور و دخالت در سیاست اسلامی جامعه می باشد نه عزالت!

و در عین حال طبرسی با پیام مزبور، افشاء کننده خطای مراجع درباری می باشد که آنها در مقابل بدعتگزاریهای طاغوت، سکوت اختیار می کنند ولی بعد بیدار شده!! در تنظیم قانون اساسی اسلامی که حامل ولایت و سیاست فقیه است، پرخاشگرانه مانع کار میشوند! سیعلم الذین ظلموا...

۱۳- طلایع بن رزیک که بسبب دلیری و شجاعتش به « ابوالغارات » ملقبش کردند! از جمله کسانی است که خدا دین و دنیا را توأمان بآنها داده است. با جمعی از یاران بزیارت قبر امیر المؤمنین میرود. همان شب یکی از یاکان، حضرت امیر علیه السلام را بخواب می بیند و آنحضرت با او میفرماید « از میان زوار طلایع بن رزیک را بگو که بمصر برو که ما ترا والی گردانیدیم » ... فردا در شهر منادی کرده طلایع را پیدا و سفارش را ابلاغ مینماید.

طلایع از نجف روانه مصر میشود. روز بروز، کار و شهرتش بالامی گیرد... روزی وزیر خلیفه بنام نصر بن عباس، خلیفه را بقتل میرساند و قدرت را در دست میگیرد! زنان دربار جهت اخذ انتقام به طلایع متوسل می شوند. طلایع با کسان خود بطرف وزیر هجوم آورده بکیفر میرساند. مردم از دیدن جوانمردیهای او، وزارتش را گردن می نهند!

طلایع مدتها از طرف خلیفه که طفل خردسال بود بعدل و داد حکومت میراند. تا حدیکه درباریان فاسد که طلایع مانع زمام گسیختگی آنها نبود، در کمینش می نشینند و بقتلش میرسانند. این مرد در ایام مصیبت اهل بیت

بسوی گوارای می نشست و سرانجام نیز روز ضربت خوردن علی ع بشهادت رسید؟!...

راه فضیلت ص ۱۰۹

۱۴- علامه سید تاج الدین آوی مردی فاضل و بلند همت و با اقتدار بود.

سلطان محمد خدا بنده پس از آنکه مذهب تشیع اختیار کرد (۱۳۴ ک)؛

سید را بدربار خواست و از مقر بان خویش گرداند.

سید با اصلاح عیق دست زد... عدوهای از رجال دولت که عدل شیعه را

مخالف هوای خویش می دیدند، کینه اش را در دل گرفتند و پس از مرگ سلطان؛

او را به مدستی بادشمنان و مخالفت با دولت متهم نموده بقتلش رساندند... فضیلت ۱۳۳

۱۵- عزالدین آقاسی: روزی مستنصر خلیفه از بغداد بزیارت قبر جناب

سلمان بمدائن رفت. از دوری راه و فرط خستگی؛ بعزالدین که از ملتزمین رکاب

بود؛ گفت غالیان شیعه میگویند علی برای کفن و دفن سلمان اینهمه راه را

آید و بر گشت؟! (ص ۴۷ گذشت)... او بالبداهه شعری سرود که مضمونش اینست

« تو بمدائن آمدن و بر گشتن وصی پیامبر ص را انکار میکنی و معتقدین آنرا

غالی مینامی. در حالی که در قرآن می خوانی که آصف، تخت بلقیس را از سبا

بارض قدس آورد. باین وجود اگر معتقدین بایاب و ذهاب علی علیه السلام را غلو

میگوئید، بگوئید که من از آنهایم!»

شما خوانندگان گرامی شهادت عزالدین را که از عمق ایمان او سرچشمه

گرفته خشم خلیفه را بجان میخرید؛ با شهادت شاهان قاجار و پهلوی که

گذشته از خود امپراطوران؛ حتی هر سخنان سفیران روس و انگلیس و آمریکا

را نیز تأیید و اجرا می کردند؛ مقایسه کنید... تاریخ مقارن فتنه علیمحمد باب

را بخوانید تا معلوم شود محمد شاه که اعلیحضرت قدر قدرتش میخواندند! چگونه

دست منوچهر خان گرجی، استاندارا صفهان را که وابسته امپراطور روس بود،

در تحریر يك باب دید و معلوم شد که باب از زندان شیراز بطرف اصفهان فرار کرده و منوچهر خان گرجی، امام جمعه اصفهان را با استقبال او فرستاده با سلام و صلوات وارد اصفهان نموده پذیرائی شاهانه کرده است !! ... باز نتوانست فتنه را بخواباند ... همچنین فرزندش قبله عالم !!، ناصرالدینشاه شخصیتی بزرگ که مثل محمد تقی امیر کبیر را بعنوان فرمانبرداری از بیگانگان و پادشاهی دشمن از پای در آورد ... بیچارگی ناصرالدین در برابر بیگانگان را از این واقعه میتوان دریافت که در همان فتنه باب با و گزارش دادند که باب، آلت دست میرزا حسینعلی بهاء است که بابر ادرش میرزا مجید در سفارتخانه روسیه کار میکنند. او مأمور فرستاد تا جلبش کنند. سفیر از تسلیم او خود داری کرد ... چون شاه اصرار نمود سفیر، نامه سر بهمیری بنخست وزیر نوشت که این حسینعلی بهاء امسالت دولت روسیه است. در حفظ و جراست او کوتاهی نکنید. (نقل از کتب بهائی، تاریخ نبیل زرنندی ص ۱۹۰ و ۳۰۱ و ۳۵۶ و ۵۴۹ و ۶۶۷ - قرن بیستم ج ۲ ص ۶۴ و ۸۳ - مقاله شخص سیاح ص ۱۶ و ۷۷)

و بالاخره شجاعت رستم و دل دریا داشتن محمد رضا را هم که در دین رسیدن جواب تبریکش که ملکه فرح را بتعقیب فرستاد در ص ۳۶۸ و ۳۷۲ خواندید!

۱۶- سید عزالدین یحیی: او از ذریه امام سجاد بود در زهد و فضیلت و دانش و مردانگی، سرآمد رؤسای شیعه بود. در تاریخ اسلام و ایران در وقتی سلطان خوارزمشاه تکش بر ری و حوالی آن مستولی شد، هن که را که از علم و اقتدار و برافندگی بر خوردار بود، از دم تمشیر گذراند که عزالدین در رأس آنها بود! جنایت این سلطان؛ نظریه بلیقیس ملکه سبأ درباره شاهان را که آنها بهر جای برسند خرابکاری میکنند و عزیزان را خوار مینمایند، به مجسم

مینماید ... (خداوند همان گفتار بلیقیس را که از واقعیت سرچشمه گرفته است در قرآن نقل فرموده است ۲۷/۳۴ و شهیدان راه فضیلت ص ۹۵)

۱۷- ابوالحسن جر جرائی: این دانشمند شیعی کتابی دارد بنام «ایمان ابوطالب» مردی پاک بود و پیاکی نیز امروز منکرات نهی مینمود! اشار بر اثر فضائلی که داشت و نبلیغی که می کرد بقتلش رساندند! شهیدان راه فضیلت ص ۶۷

۱۸- سید مرتضی داعی رازی: این شخصیت برجسته علم و عمل، د. فقاہت و اصول بکمال بود. روزی در مجلس بحث امام محمد غزالی که خود، شهره آفاق بود حاضر شد. غزالی از هر دری وارد شد، جواب قانع کننده شنید. اما همینکه سید مرتضی مسائلی طرح نمود؛ غزالی از جواب درماند! و سرانجام به مذهب تشیع درآمد. شاگردانش که در محضر اوصاف کشیده بودند، گفتند اگر استقامت میکردی، سید را مجاب مینمودی. جواب داد «سید آنچه باید بگوید گفت و مرا غیر از لجاجت چاره‌ای نبود! و خود سید مرتضی بدیده باطن، این حال مرا دریافته بود!»

غزالی این بیت را آنجا انشاد نموده است.

شیخ بر ما عرض ایمان کرد و رفت کهنه گیری را مسلمان کرد و رفت
قصص العلماء ص ۴۱۷

پس از این جریان تحولی برای غزالی پیش آمد که استاد مطهری میگوید غزالی از نوری که در قلب او تابیدن گرفته بود، از ریاست دانشگاه نظامیه بغداد استعفاء داد ولی ملک‌شاه نپذیرفت. سرانجام بی‌هانه عزیمت بزیارت کعبه مرخصی گرفت ... چون بدمشق رسید. خاک نشینی وزندگی در عالم گمنامی را بر ذرق و برق شهرت و تشخص که لازمه اش غالباً زیرپانهادن حقوق و حقائق است ترجیح

داد و از پذیرفتن مقامی که سلجوقیان میدادند سر باز زد^۱)

۱۹- علامه حلی از مفاخر علمای شیعه در قرن هفتم است که دانشمندان سنی و شیعه از شرح و بسط قدرت علمی و شهامت و نفوذ و نطق او اظهار عجز و اعجاب نموده‌اند .

شمه‌ای از شرح حال این دانشمند در ص ۱۷۱ و ۲۳۴ و ۳۶۱ گذشت .

در اینجا سخن از آنجا شروع میشود که سلطان خدا بنده زن خود را در يك جلسه - طلاقه نموده بود . چون خواست ، بنکاح نخستین برگردد با مخالفت مقامات مذهبی اهل سنت مواجه گردید . ناگزیر علامه حلی را از شهر حله بایران دعوت نمود . علامه با ادله جامع ، همه دانشمندان را در مجلس مناظره محکوم نمود . شاه از اصالت مذهب و از قدرت بیان و شهامت علامه که همه را عجب نمود در شگفت شد و مذهب تشیع اختیار نمود . گروه رستگار ج ۱ ص ۶۰۹

علامه در جوانی پیش یکی از اساتید اهل سنت تلمذ می کرد . استاد کتابی تألیف نموده پیش حاضران می خواند و تهمت‌های ناروا بشعیان میزد . علامه چون آن کتاب را ندیده بود و بعلاوه استاد با اجازه دفاع نمی داد در مانده بود که چگونه مشت دروغگور باز کند . کتاب را بامانت خواست که استنساخ کند؛ استاد نداد... اصرار علامه بجائی نرسید . روزی گفت اقلأ کتاب را برای يك شب بامانت بمن بدهید . استاد بگمان اینکه در عرض يك شب امکان نیست کتاب ، استنساخ یا خوانده شود . کتاب را بعلامه داد . او هر چه در قدرت داشت رونویسی کرد ولی از

۱- قابل توجه است که در هر عصری ، جهانخواران ، از مسئله بر سر کار آمدن این قبیل فقهاء که استاد استادان را تکان میدهند و بیدارش میسازند ، در وحشت بوده و میباشند که بشهادت رسیدن مطهری و دکتر مفتاح و حسینی بهشتی و هاشمی نژاد و دهها عالم دیگر ، از آن جمله است!

فرط بیخوابی از کار بازماند. چون عملش از اخلاص و عبادت سرچشمه گرفته بود، حضرت حجت ظاهر شده گفت شما بخواهید من رو نویسی را با تمام میرسانم... مجالس المؤمنین ص ۵۷۳... علامه پانصد جلد کتاب بقلم خود نوشت. مکتب اسلام ۹/۴ ۲۰- موید الدین اسماعیل طغرایی: از اولاد ابوالاسود دثلی است که او، سر مشقی از مولی امیر المؤمنین گرفته علم خود را بنانهاد.

اسماعیل در عصریکه مذهب تشیع داشتن جرم شناخته می شد (قرن ۶) دلش سرشار از محبت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود. یکی از آثار جاویدان او اشعار لامیه العجم است که شهادت و شجاعت و فضل و مردانگی از خلال آن تراوش مینماید. کمتر کسی از اهل فضل پیدا می شود که آنرا نخوانده و بسراينده آن مهر نوز زیده باشد.

سلطان محمود سلجوقی، دوستش میداشت، ولی وزیرش بمقام او رشک میبرد تا سرانجام بر او تهمت الحاد بسته کسان خود را بقتل او بر گماشت!؟ شهیدان راه فضیلت ص ۸۰

۲۱- خواجه نصیر الدین طوسی: مدت ها از طرف ملاحده اسماعیلیه مورد آزار و اذیت قرار گرفته بود. هلا کوخان مغول، او را بوزارت خویش بر گزید. در عهدیکه کمی مانده بود نام ایران و آثار دانشمندان آن در اثر خشم هلا کوخان از میان برود (میخواست هر چه کتاب پیدا می شود با آتش افکنده شود). کمر همت بر حفظ و نگهداری آنها بر میان بست. و از خان خشمگین اجازه گرفت که اقله کتب مربوط به ستاره شناسی را از حریق نجات دهد! و آن و موفقیت بدین طرز بود که شاه گفت «آشنائی با آثار ستارگان بچه درد می خورد!؟» خواجه جواب داد، علم باینکه در آینه چه حوادث جوی از خسوف و کسوف و غیره اتفاق خواهد افتاد، باعث میشود که آدمی. خود را نبارد و بفکر چاره باشد!

حالا اجازه بدهید طشتی را از بالای بام فرو اندازند تا علت را به عرض مبارک برسانم! اجازه داده شد ... بجز شاه و وزیر، همه از صدای طشت بشدت هراسان شده بودند! خواجه با آن فصاحت و جاذبه‌ای که داشت، شاه را قانع نمود که ترسیدن دیگران و ترسیدن ما مبتنی بر این بود که آنها نمیدانستند، همچو واقعهای رخ میدهد!

بدین ترتیب بخشی از کتب دیگر نیز بطفیلی کتب هیئت، از حریرق مصون ماند!

بهنگامی که خان بفرک تسخیر عراق و برانداختن خلفای عباسی افتاد، خواجه تدابیر لازم بکار بست تا عراق با کمترین تلفات جانی گشوده شد و اقتدار خلفای عباسی که بیش از پنج قرن، با زور و طلا و تسبیح! بر جان و مال و نوامیس چیره شده بودند، از میان رفت.

میگویند متملقانی که از عیاشیها و سفره‌های رنگین خلفا حظی وافر داشتند، بخان مغول عرضه نمودند که اعتقاد ما بر آنست که اگر موئی از سر خلیفه که پسر عم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است!؟ کم شود، دنیا زیر و زبر میگردد! در این میان بود که مظالم فراموش نشدنی خلفاء که حتی خود خواجه هم از آن متأثر بود مانع آن شد که خواجه از هلاک و بخواهد تا از خون او درگذرد ... سرانجام مستعصم خلیفه را در نمدی پیچیدند و چندان مالش دادند و این طرف و آن طرف کردند تا بهلاک رسید!

خواجه نصیر در مراغه رصد خانهای بنا نهاده سیل کتب را بسوی آن روانه ساخت که تعداد آنرا تا چهار صد هزار جلد نوشته‌اند. و نیز مدرسه عالی دیگری تأسیس نمود که آثار آنهر دو هنوز هم باقی است!

جنازه خواجه را در پائین پای قبر مطهر امام موسی کاظم و امام محمد تقی

بخاک سپردند و بقولای بر طبق وصیت آن مرحوم که میخواست غایت خلوص و تواضع خود را بخاندان پیامبر عرضه نماید، بر سر قبرش آیه مربوطه بک اصحاب کهف را درج نمودند. (و کلبهم باط ذراعیه بالوصیط)

در بازه تسلط خواجه نصیر بر ریاضیات آورده اند که وقتی با جمعی از کفار و مسلمانان سوار کشتی می شود، کشتی بحال غرق در می آید. ناخدا میگوید اگر نصف جمعیت بدریا ریخته شود امید نجات دیگران باقی است! همگان که سرک را در یک قدمی میدیدند توافق نمودند که دایره وار بنشینند آنگاه نه نه شمرده شده نفر نهم افکنده شود! در اینجا خواجه در نشان دادن جمعیت مهارتی بکار برد که همه کافران بدریا رفتند و بقیه جان سالم بدر بردند.

سرانجام خواجه در حالی که محبتش قلوب مردم ایران و عراق را تسخیر نموده بود بر حمت ایزدی پیوست.

تشییع باشکوهی که بعمل آمد، نشان داد که مردم، فقیهی را که در مسند وزارت قرار گیرد و برای اجرای احکام الهی، نقد جان بر کف نهاد از دل و جان دوست میدارند. ریحانة الادب و قصص العلماء و غیره.

۲۲- شهید اول، شمس الدین محمد بن کمال مکی عاملی، در فقاہت جز معدودی از دانشمندان کسی بیای او نمی رسد. در دارا بودن معلوم معقول و منقول و همچنین در زهد و عبادت و داشتن نفس زکیه قدسیه یگانه دهر بود.

قاضی صیدا بنام ابن الجاعه که خود از هیکللی فر به بر خوردار بود خواست نسبت بضعیف الجثه بودنش توهین کند، شهید با این جواب که از فرزند شخص واحد بزرگتر از این جثه نباید انتظار داشت، قاضی را سرافکنده نمود! بارها میان شهید و قاضی و سایر دانشمندان بر ادران اهل سنت مناظره بعمل آمد. در همه آنها فائق بود و این اساس دشمنی آنها بود که سرانجام موجب قتل او گردید!

ستودن این دانشمند به مثابه ستودن خورشید میباشد در صورتی که خورشید
بستایشگر احتیاج ندارد!

در عصر برقوق از سلاطین (چهر کسی بسال ۷۸۶ در ۵۲ سالگی) بفتوای
برهان الدین مالکی و ابن الجماعه فوق الذکر بتهمت رافضی (شیعه) بودن یکسال
محبوسش کردند. آنگاه از زندان در آورده شهیدش نمودند و پس از مدتی
مصلوب نمودند، جنازه را آتش زدند... و عملاً نشان دادند که در حکومت غیر اسلامی
بجز از عدل، هر کاری قابل اجراست!

لمعه را که حالا فقهاء بزرگ برای تحصیل آن ماهها و سالها وقت صرف
مینمایند، بقول ۷ روز، آنهم در محبس برشته تحریر در آورده است. و این
حکایت از سعه صدر و عظمت روح او مینماید که در حالی که در همو مواقع یعنی
در چند قدمی اعدام، اغلب خلق، خود را میبازند، او به پیروی از سرور شهیدان
امام حسین علیه السلام چنان مشمول آیه مطمئنه راضیه مرضیه است که آنچنان کتاب
را برشته تحریر در میآورد!

ابی الفلاح مورخ نقل میکند روز شهادت او نظم آسمان بهم خورد و زمین
و کوهها بحر کت در آمدند!

قاضی میر حسین کرکی در رساله وجوب نماز جمعه نامی از شهید به میان
میآورد و میگوید « شهید از هزار نفر از علماء و فقهاء عصر اجازه اجتهاد داشت »
(شهداء الفضیله و ریحانه و و)

۲۳- زین الدین، علی شهید ثانی از گوهرهای نفیس روزگار و دریای
بیکران دانش و تقوی و استاد فقیهان بزرگ بود!

صاحب روضات الجنات میگوید بعد از دو قرن از شهادت او تا کنون
هیچیک از دانشمندان بزرگ، جلالت و سعه صدر و عظمت شأن او را نداشته

است! شهید ثانی دائره‌های بود که دانشمندان در مسیر اشعه آن بودند!
 شهید ثانی از فلسفه و عقیده شناسی و اصول و شعر و ادب و علوم طبیعی و ریاضی
 حظی کافی داشت! مهندس و محاسب زبردست بود. با کمال قدرت از طلوع و
 غروب کواکب و مدارات آنها خبر میداد. خاندان او، از گذشتگان و آیندگان
 همه ارباب فضل و کمال بودند.

شهید ثانی در عین داشتن شخصیت بزرگ، خیلی متواضع بود و با
 خوشروئی، حاجت نیازمندان را رفع مینمود. ابن عودی که یکی از شاگردان
 او بوده و جهت بهره‌گیری هر چه بیشتر، در بسیاری از سفرها با او همراه می‌بود
 نقل می‌کند که شبی او را دیدم که همیشه‌ای از صحرا تهیه کرده با حمار به طرف
 منزل حمل می‌کرد!...

برخلاف بسیاری از دانشمندان که یا متکی بسلاطین و صاحبان قدرت
 بودند و یا اقلأ از ناحیه آنها خاطری آسوده داشتند؛ شهید ثانی بر اثر اینکه
 مورد رشک قضاات درباری قرار میگرفت، و از او پیش قدرتمندان سعایت میشد،
 پیوسته در بیم و هراس بسر میبرد. و احياناً از دست بدخواهان متواری میبود!

شهید در علوم قرآن مفسری زبردست و در فنون سیرتها و تواریخ، مورخی
 ماهر بود.

وقایع و سوانح گذشتگان را بزبان سحرآمیز بیان مینمود! آثار او
 با اندازه‌ای زیاد است که هر دانشمندی را قدرت احصاء و استقصاء نام آنها نیست...
 کلامش مانند مروارید غلطان بود. تنها يك کتاب او بنام شرح لعمه که پس از
 شهادتش مورد بحث قرار گرفته و دهها نویسنده بزرگ شرح آن پرداخته‌اند،
 حاکی از تبحر و رسوخ او در علوم اسلامی و علوم معقول و منقول می‌باشد. همچنین

شرح ارشاد و شرح الفیه و سایر کتب او که دو بیست^۱ جلد از آنها تنها به خط خودش باقی می‌باشد! گواه صادق بر نبوغ فوق‌العاده اوست!

در سفر یکه از لبنان برای تحقیق و تبلیغ به مصر رفته بود، حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بخواب می‌بیند. آنحضرت با و وعده خیر میدهد... بعد که بزیارت قبر مطهر آنحضرت نائل می‌شود، با اشعار نغزی حصول وعده را خواستار می‌شود. و در نتیجه بدرجهای از فضل و کمال میرسد که هنگامی که بر مسند درس قرار می‌گیرد، هزاران محدث برای فرا گرفتن حقائق و معارف، پای منبر او جمع میشوند و از درس او که بوسیله مقرردها (بلندگوها) بگوش میرسید استفاده میکردند. روضات الجنات فارسی ج ۲ ص ۱۷۵ و ج ۴ ص ۹۰ ببعد... در عصر شهید ثانی چنان متداول بوده که هر کسی که از لبنان که از توابع ترکیه عثمانی بود؛ به مرکز کشور ترکیه مسافرت میکرد، میبایست از قاضی، صیدا معرفینامه‌ای دریافت میداشت. تا بتواند در مدارس که از عواید موقوفات دایر برده سکنی گزینند و تعلیم و تربیت نماید!

حتی در این راه گفته‌اند اگر ابوحنیفه که رئیس سنی مذهب آن نواحی است، بدون معرفینامه مزبور وارد قسطنطنیه می‌شد کسی توجهی به او نمی‌نمود!

۱- خدا در سوره کوثر بر رسول خود صلی الله علیه و آله وعده فرمود که بتو خیر کثیر می‌دهم. حالا این یکی از آثار خیر کثیر است که علی علیه السلام اولین کسی است که در اسلام دست بتألیف زده و سلمان و ابوذر و عمار و اصبع بن نباته و ابن ابی رافع راه او را در تألیف پیش گرفتند تا نوبت جابر بن حیان و شیخ مفید و محمد کلینی رسید هر نضی و برادرش سید رضی و صاحب بن عباد و شهید و و رسید که آثار آنها مثل ستارگان بشمار در نمی‌آید... ترجمه روضات ج ۴ ص ۳۰۳

علیرغم این رسم، شهید ثانی لازم نمی بیند از همان قاضی که شاگرد نمک شناس او بوده معرفی نامه بگیرد. پس بدون معرفی نامه وارد پایتخت میشود، نور علم و تقوای شهید، سرعت همه جا را فرا میگیرد و از همه مباحثات سرافراز بیرون می آید و حق هم همین میباشد زیرا کسیکه علاوه از تبحر و اجتهاد در معارف و فقه شیعه، چنان بر معارف و فقه اهل سنت محیط باشد که ارباب رجوع را در محاکمات مربوط، بهر یک از مذاهب اربعه که معتقد باشند، طبق آن مذهب حکم دهد، بافتابی میماند که «نمی توان بگلش اندود». سرانجام انتشار آوازه و شهرت او، علاوه از حسد قبلی، کینه دیگر نیز در دل قاضی بهم میرساند. تا اینکه روزی از اینکه شهید میان دو نفر قضاوت نموده و بر طبق مذهب خودشان یکی را حاکم و دیگری را محکوم کرده بود و محکوم، پیش همان قاضی شکایت برده بود، قاضی بهانه بدست آورده امر با حضار شهید مینماید!

شهید بر اثر عداوتی که از قاضی احساس مینمود، بقصد زیارت حج جلای وطن می کند!

قاضی که از عدم دسترسی باو، تیرش بسنگ بر خورده بود، بیادشاه وقت تر کیه شکایت مینماید. و عنوان شکایت هم این افترا می شود که در این منطقه شخصی پیدا شده که بهیچیک از مذاهب اربعه معتقد نمی باشد بلکه مذهب جدید آورده بدعتگزاری میکند.^۱

۱- این یکی از چوبهای تکفیر بود که به پیکر شیعه، اسلام وارد آمد زیرا بطوریکه در صفحه ۴۲۱ اشاره شد خلیفه وقت (گویا قادر بالله ج ۵ ص ۱۱۷ ترجمه روضات) بهانه جلوگیری از انشعاب مذاهب، مقرر میفرماید که صاحبان هر مذهبی هر یک وجه معتنابهی (صد هزار دینار تهیه و بخلیفه پردازند تا مذهبشان تثبیت شود. چهار مذهب برادران اهل سنت آنرا می پردازند و ...

شاه دستور می دهد که او را بدربار بفرستند تا میان طرفین مناظره بعمل آید!... مأمورین، شهید را پیدا کردند. شهید تقاضا نمود، اجازه دهند اعمال حج بجای آرد آنگاه، دستگیرش نمایند...

— مسلمان شناخته می شوند و چون شیعه از برداخت آن در میماند، ناگزیر بنام مطرود و بدعتگزار موسوم میگردد! از حکومتی که فقیه بجانشینی امام و پیامبر ص در آن نظارت نداشته باشد و بالعکس از حاکی که بجای مجری حق و عدل بودن، اخاذ و رشوه خوار باشد، بیش از این، نباید انتظار داشت!

بعبارت دیگر چه کاری اعجاب انگیزتر از اینسکه وراثت اصلی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بقتلگامها و زندانها بکشانند و وابستگان آنها را هم با تهدید و ارباب و رشوه خواستن، بکنار بزنند؛ آنوقت در غیاب آنها تر که را تقسیم و معترض را بدعتگزار نامند!

حالا شما خواننده گرامسی هستید که در انتخاب ولایت فقیه یا غیر آن بخوبی بیندیشید و در نظر بیارید که از وقتی که آن معامله صد هزار دیناری انجام پذیرفت! چه اندازه حقها پایمال و چه اندازه مالها غارت و نوامیس هتک و کتابها سوخته و مسلمانان قربانی شدند در اسلام راستین بضعف گرائید؟! تا اینسکه کم کم انسان آزاده و منصفی مثل شیخ شلتوت رئیس اسبق دانشگاه الازهر مصر، محدودیت را شکسته شیعه را بر سمیت شناخت و انسان منصف دیسگسر بنام بن قاسم، از رجال دولت الجزائر قد مردانگی برافراشته در کتابی که بنام انقلاب اسلامی ایران تألیف میکند، گرد و غبار تهمت را دفع مینماید و میگوید «امروزه از تمام مسالک اسلامی تنها حکومت امام خمینی است که فدای اسلام راستین را بگوش جهانیان میرساند!» (رادیو تهران)

نتیجه اینسکه خدا از دشمنان ولایت فقیه باز خواست میکند که اگر ←

مأموران ، پس از بجای آوردن مناسک حج دستگیرش کرده بر راه افتادند. در اثنای راه شیطانی از شیاطین انس بآنها رسید و گفت « اگر این راپیش شاه بپرید ، او از نفوذی که در مرکز دارد استفاده نموده بر علیه شما شکایت خواهد نمود. بهتر است رشته حیاتش قطع و خود را از نگرانی نجات دهید ! »

عالم ربانی را می کشند ! سرش را بدر بار می فرستند و جسدش را بدریا می افکنند !... و بر وایت دیگر جنازه در صحرا بر روی خاک می ماند تا اینکه رهگذران از دور متوجه میشوند که از نقطه‌ای نور متصاعد میشود... سر می‌رسند و دفنش مینمایند ! (ترجمه روضات ج ۴ ص ۱۰۵) ... این جنایت ورق سیاه دیگری بر اوراق تاریخ شاهنشاهی می‌افزاید و ثابت میکند که در رژیمهای غیر خدائی هر شاهکی فاعل مایشاء میگردد !

از کرامات شهید اینکه وقتی با شیخ حسین (پدر علاءه شیخ بهائی) از مکانی می گذشتند ، شهید میگوید در همین مکان ؛ کسی کشته می‌شود که پیش خدا صاحب منزلت است . شیخ پس از شهادت او اطلاع پیدا میکند که شهید در همانجا کشته شده !... روزی شیخ حسین او را در منزلش متفکر می‌بیند و علت می‌پرسد ؛ شهید جواب میدهد گمان می‌کنم شهید دوم شوم ؛ زیرا امشب شهید اول را بخواب دیدم که او علماء را به مهمانی فراخوانده بود ... مرا پیش خواند و کنار خویش نشاند ! ترجمه روضات ج ۴ ص ۷۴

۲۴- شهاب الدین تستری خراسانی ملقب بشهید ، فقه و علوم را در جبل

← از معاویه ها ، منصورها متوکلها و قادر بالله ها و محمد رضاها و ملوک و زمامداران ظالم دیگر پشتیبانی نمی کردید ، اینهمه فجایع و جراحات بر پیکر اجتماع وارد نمیشد ! شما زمام امور را بدست آزمندانی سپردید که دوزخ وار هر چه فرو کشیدند ، « هل من مزید » گفتند ! (قرآن آیه ۵۰ / ۳۰)

عامل و کربلائیایان رساند. آن گاه روی بلشکر گاه شهریار صفوی نهاد، شهریار موافقت نمود او در خراسان تبلیغ نماید ... او در پیش مردم و شاه مورد احترام بود .

در سال ۹۹۷ ، ازبکان بر مشهد مسلط شدند و او را بماوراء النهر بردند تا میان او و علمای اهل سنت مناظره بعمل آید ... در تمام مناظرات موفق و سرافراز بود. رقبای چون در مقابل حق و منطق درماندند ، با موافقت شاه ازبکان او را با کارد کشتند و جسدش را با آتش کشیدند . این یکی دیگر از شاهکارهایی است که تاریخ از ناحیه فرمانروایان خود سر مشاهده نموده است ! از ما تهیه و تنظیم پرونده و از شما قضاوت عادلانه ... شهیدان راه فضیلت ص ۲۸۰

۲۵- میرزا هاشم همدانی متخلص با حیاء :

درست اندیش ، شیرین بیان ، تیز هوش و با حافظه و حاضر جواب بود . در تمام علوم حتی رشته پزشکی سر بقله کمال کشیده بود . محضرش در همدان مرجع اهل ذوق و نیازمندان بود . در غائله استیلای ترکان عثمانی که در همدان دست بقتل عام زدند، این استاد نیز بشهادت رسید! سال ۱۱۳۶ . شهیدان راه فضیلت ص ۳۷۳

۲۶- سید عبدالباقی از دانشمندان مشهور بود . با وجود رفعت مقام و مشاغل سیاسی ، لحظه‌ای از یاد بینوایان غافل نبود . شاه اسماعیل او را بصدارت برگزیده عقد و حل امور رابا سپرد . بعدیکه در قلمرو صفوی هیچ فرمان سیاسی یا اقتصادی بدون صوابدید او صادر نمی شد . در جنگی که سال ۹۲۰ با سلاطین عثمانی اتفاق افتاد بشهادت رسید! (نمونه‌ای از ولایت فقیه در عصر صفوی .) منبع فوق

۲۷- امیرسید شریف استرآبادی از سادات جلیل‌القدر بود که شاه اسماعیل او را بصدارت برگزید . او در نشر فضائل خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و بسط عدل

مجاهدتها نمود و سرانجام در جنگ با سلطان سلیم عثمانی بشهادت رسید! (این دو فقیه مثل همه فقهاء صدیق، ثابت نمودند که اگر مردم را بجهاد می خوانند، خود در مقدم صف قرار میگیرند!) شهیدان راه فضیلت

۲۸- احمد مقدس اردبیلی: عالمی فقیه و متکلمی صمدانی بود. در زهد و کمال و وثاقت و فضل بالاتر از آنست که این قلم نارسا تعریفش کند: در شجاعت و سخاوت مثل پیامبر ص و علی ع و... بود در اینکه قفل روضه علی باعجاز باز شد و او با آنحضرت و ولی عصر گفتگو نمود، شمه‌ای در ص ۱۶۹ نگارش یافت.

این عالم ربانی در قحط سالی، خوراکی را که در خانه داشت با بینوایان در میان می گذاشت. در یکی از اوقات که این عمل را تکرار می کرد زنش اعتراض نمود ولی او بدون جواب؛ بسوی مسجد رفت و با عتکاف نشست! در غیبت او مرد عربی، مقداری گندم بیخته بوسیله چارپای خود به منزل او آورده گفت این گندم را مقدس برای شما تهیه نموده است... مقدس بدون اینکه تقدس نشان دهد که گندم؛ فرستاده غیبی خدا بوده است، شرط شکر بجای می آورد!

مقدس وقتی مر کبی را از کسی کرایه نمود که از نجف بکاظمین برود و برگردد. در اثنای راه شخصی پاکتی باو داد که در کاظمین بکسی برساند. مقدس باین احتیاط که من موقع قطع کرایه، قید نکرده‌ام پاکتی اضافی هم بر مر کب تحمیل کنم. تا رسیدن به مقصد پیاده رفت!...

در راه نجف شخصی که او را نمی شناخت لباسی باو داد که در سر چشمه‌ای که در پیش است آنرا بشوید و بفلان منزل برساند. مقدس پذیرفته لباس را شست. موقعی که میخواست تحویل دهد، عده‌ای او را شناخته صاحب لباس را بچنین بی ادبی توبیخ نمودند! مقدس فرمود جای توبیخ نیست، حق مؤمن از برادر خود بالاتر از اینست!

مقدس در غذا بحلال بودن آن توجه میکرد نه خوبی و لذت آن!
مقدس عطیه کسی را رد نمی کرد. اگر لباس نومی بساو داده می شد که
پوشد می پوشید.

بارها اتفاق می افتاد که عمامه زرخریدی با او داده می شد، او در سر راه هر بخشی
از آن را بهر نیازمندی میداد و آخر کار دیده می شد، بیش از نیم متر بخودش
نمانده است!

مقدس طی نامه ای که سیدی را بشاه طهماسب سفارش میکند که در حقش
توجه شود، شاه را برادر خود خطاب میکند. شاه از دیدن نامه؛ از جای خود
برخاسته نامه را خود قرائت می کند و از شادی اینکه مقدس او را برادر خود
خوانده؛ دستور می دهد کفنش را حاضر میکنند، آنوقت نامه را در کفن
می گذارد و سفارش، میکند نامه را در قبر، زیر سرش قرار دهند.

همین مقدس نامه زیر را هم بشاه عباس در توصیه شخصی که بصحن مطهر
امیر المؤمنین پناهنده شده بود مینویسد و با در نظر گرفتن خشونت عباس، لحن
نامه را عوض میکند: که در عین حال نامه نمایانگر عظمت و ابهت نویسنده نیز میباشد
بدین معنی که مقدس از دنیا میگردد و بهمه چیز میرسد... «بانی ملک عاریت عباس،
بدانکه اگر چه این مرد اول ظالم بود، اکنون مظلوم مینماید. چنانچه از تقصیر
او بگذری شاید که حق سبحانه و تعالی از پاره ای از تقصیرات تو بگذرد! کتبه بنده
شاه ولایت، احمد اردبیلی» باز پاسخی که شاه عباس با او نوشته، از کمال صلاحیت
مقدس و نظارت او بر امور دولت حکایت میکند!

«بعرض میرساند، عباس که خدماتی برای او مقرر فرموده بودند بجان
منت داشته بتقدیم رسانید. امید که این محب را از دعای خیر فراموش نکنند
کتبه کلب آستانه علی عليه السلام عباس» بتلخیص از ترجمه روضات الجنات ج ۱ ص ۱۲۰

۲۹- شیخ زین الدین عاملی از علمای عامل و فقهاء مشهور بود. آوازه فضیلت و تقوایش همه جا را فرا گرفته بود. مردم جبل عامل تقاضا نمودند که برای ارشاد، بدیار آنها عزیمت نماید. از بحر العلوم اجازه گرفته از نجف عزیمت نمودند. همه مردم از كوچك و بزرگ، فرمانبردار با استقبالش شتافتند.

هر روز در مسجد می نشست و بدرد مردم میرسید و حوائج نیازمندان را رفع می نمود.

اودر ترویج مبادی دین و فضائل اهل بیت میکوشید. سرانجام بدست احمد پاشا از عمال سلاطین عثمانی که از کثرت آدم کشی بقصاب معروف شده بود بشهادت رسید! قصاب دستور داد جنازه اش را آتش زدند و کتابخانه اش را که پیش از ۳ هزار جلد کتاب داشت طعمه حریق نمودند!

بطوریکه در سر نوشت شهید ثانی نیز دیدیم (ص ۴۴۵) بیزاری دین از سلاطین تنها از این نظر نیست که شاهان، ظلم و استبداد مینمایند بلکه از این نظر است که هزاران شاهک از خدا بر گشته، بدون نگرانی از مرگ، جان و مال و ناموس مردم را بازیچه هوی و هوس خود قرار میدهند! شهیدان راه فضیلت ص ۴۱۴

۳۰- سید هبة الله ابوالبرکات: در شهر صور از بلاد لبنان مجلس درس و وعظ داشت. همان احمد پاشا شهر را محاصره کرد و همه فضلا را از دم شمشیر گذراند که از جمله آنها این عالم ربانی بود! پس از کشتار، کتابهای شهید را بنانوائی ها داد که چندین روز، سوختنی آنها را تأمین نمود! منبع فوق

۳۱- خطیب کرمانشاهی: در ۷ سالگی از پدر و مادر خود که مذهب تسنن داشتند فرار نموده بجا کم شهر پناهنده شد. در علم و پاکی بکمال رسید. نادر شاه آوازه شهرت او بشنید و قاضی آرتش خویش گردانید. اما حسودان از

پای نشستند، چندان سخن چینی کردند که نادر بقتاش فرمان داد (نمونه دیگر از مفاسد استبداد. شهیدان راه فضیلت ص ۳۷۴)

۳۲. قاضی نورالله مرعشی تستری (شوشتری): مشعلی بود از دین و دانش. در دیار هند به برقراری نظم و احکام اسلام همت گماشت. جهل و سیاهی را که مردم آن دیار را آلوده بود، از هم برگست. شاید او اولین مبلغ شیعی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله بود. که با دریائی از علم و نبوغ و تقوی بر آن سرزمین راه یافته بود! کتابی دارد بنام احقاق الحق که آنرا در رد و جواب فضل بن روزبهان که بعلامه حلی افترا بسته بود، برشته تحریر در آورده است! و کتاب دیگرش «جالس المؤمنین» است و قریب بصد کتاب و رساله دیگر نیز دارد!!
فضل و فراست این مجتهد عالیقدر، اکبر شاه دکنی را بر آن داشت که او را بدربار احضار و منصب قضاوت کشور باد بسپارد.

قاضی که تشیع خود را مستور میداشت، بشرطی منصب قضاوت را پذیرا شد که در صدور رأی، بعقیده یکی از چهار مذهب اهل سنت، استناد نماید و این شرط که از تقوی و تبهر او در آشنائی بهریک از مذاهب اربعه اهل سنت حکایت مینمود، برای این بود که او به بیند در مسائل و قضاوتهای روز، کدام رأی به حقیقت اسلام نزدیکتر است، بعنوان الایم فالایم، برضای خدا آنرا بکار بندد. این شیوه مرضیه ادامه داشت تا اکبر شاه در گذشت و جهانگیر شاه فرمانفرمای کشور شد. حاسدان و بدخواهان که تا آن دم بضرورت سکوت نموده بودند، پیش شاه، تعییب نمودند که او رافضی است و احکامی که صادر میکند، قریب با حکام رافضی (شیعه) میباشد. شاه گفت او خود بشرطی این مقام را پذیرفته است که یکی از ۴ مذهب رأی بدهد، حالا اگر از آن شرط تخلفی نموده است، ارائه نمائید تا مجازات شود. حاسدان چیزی نیافتند... ناگزیر

حیل‌های اندیشیدند تا شیعه بودن او را ثابت و علنی نمایند!
یکی از اقران را مأموریت دادند بنام دانشجویی بخانه او آمد و رفت
نماید... او پس از مدتی کشف و اثبات نمود که قاضی، مذهب تشیع دارد و کتابی
بنام مجالس المؤمنین در شرح حال بزرگان شیعه تألیف نموده است!..

متأفقان از شاه اجازه گرفتند؛ تا او را تازیانه بزنند اما بتازیانه زدن قناعت
نمودند بلکه بفجیعترین وضع بسال ۱۰۱۹ شهیدش ساختند و جنازه‌اش را روی
سنگها کشاندند!... (قبرش در آگره زیارتگاه است). ص ۲۸۵ شهیدان..

سلطنت طلبان، خود قضاوت نمایند! آیا فرمانروائی در دست کسی باشد
که چیزی نداند و بناحق اجازه تازیانه زدن بدهد و آنگاه چنان غرق شهوات
شود که نداند تازیانه را مبدل بشمشیر میکنند، بهتر است؟ یا در دست متبحری
باشد که بر همه مذاهب احاطه دارد و در تقوی در مقامی است که نقد جان
بر کف میگذارد و در آشپزخانه درندگان انسان دنیا، باحقاق حق میپردازد؟!!

۳۳- سید محمد بحر العلوم طباطبائی، دارای مقام و علوم و آثار گرانبھائی
است که این مختصر گنجایش درج آنرا ندارد. جز اینکه نقل نموده اند شیخ جعفر
آل کاشف الغطاء که خود استاد علی الاطلاق و از مجاهدان و نوادر دهر بوده است،
کشف بحر العلوم را تمیز مینموده است... از مفاخر بحر العلوم، یکی هم اینکه
حضرت بقیة الله عجل بر او ظاهر شده و با او بگفتگو نشسته است. ریحانه الادب و وو

۳۴- نورالدین محقق عاملی کرکی، از بزرگترین فقهاء عصر بود. در علم
تفسیر، دریائی بود و در دانش و فضل کثیر شهره آفاق... در خردمندی و حسن
تدبیر طرف توجه خاص و عام بود!

بدرخواست شاه طهماسب از لبنان بایران آمد و بنشر حقائق دین همت
گماشت. شاه طهماسب هر مانعی در سر راه او میدید برمی داشت. تا حدیکه او

منشأ کارهای بزرگی شد که کمتر کسی موفق با انجام نظایر آن شده است !
 حسن بیگ روملو در تاریخ خود میگوید پس از خواجه نصیر طوسی ، هیچ
 عالمی آن موقعیت را که استاد بزرگ کسب نمود ، کسب ننموده است .
 ایت دانشمند ، دین دابه متن اجتماع آورد و حاکمیت داد . بدعتها را
 بزود و سنن و مبانی دین را جایگزین آنها نمود . نماز جماعت و نماز جمعه را
 اقامه نمود ... تألیفاتش از ۲۰ جلد میگذرد !

شاه طهماسب بتمام ولایات منشور صادر نمود که محقق به نیابت از امام
 زمان عیج حکومت خواهد نمود و من نیز جزء والیان بخدمت خواهم بود
 ۳۵- مولی علی زنجانی از بزرگترین پرچمداران علم و فضیلت و فقه و
 ارشاد بود . بسال ۱۱۳۶ که عثمانیها با روسها تباری نموده ایران را میدان

۱- از مطالعه سرگذشت این عالم عامل ۴ نتیجه مهم گرفته میشود ! نخست
 ولایت فقیه که مرحوم شاه طهماسب بآن اعتقاد داشته و آنرا به مرحله عمل
 درآورد یعنی که حکومت از آن خدا و ائمه و در غیاب حضرت حجت ، از آن
 فقهاء می باشد .

۲- سیاق کلام حاکی از استیلاء ایران بشهر نجف و شهر حله می باشد
 شهیدان راه فضیلت ص ۲۰۰

۳- حسن نیت شاه طهماسب بفقهاء و در رأس امور قرار دادن آنها باعث
 شده است که مقدس اردبیلی او را برادر خطاب نموده (ص ۴۵۳ گذشت)

۴- چنان که متن شرح زندگی این عالم عامل نشان می دهد ، دشمنان
 دین و دولات ، او را مسموم نموده اند ... این طور ترورها و خالی نمودن سنگرها از
 فقهاء را که در صفحات گذشته ، نمونه های زیادی ارائه شد میتوان مقدمه و علت
 ضعف و سرآغاز غروب ستاره اقبال صفویه دانست !!

ناخت و تاز خود قرار دادند این عالم ربانی در حوالی زنجبان با گروهی از مجاهدان اسلامی به مقابله شتافته پس از وارد آوردن ضربات شدید بر دشمن بشهادت رسید . منبع فوق ص ۳۸۶

۳۶- مولی عبدالصمد همدانی از پرچمداران علم و عمل و تحقیق و تقوی و از عرفاء و زهاد بشمار می رفت . از این فقیه عالیقدر کتب و رسالات زیاد در دست می باشد . او در جریان حمله و هتایهای حجاز بکربلا کشته شد ... جریبان شهادت او و صدها فقیه دیگر، اینک و هتایها که بر کربلا و قبر مطهر سید الشهداء مسلط می شوند عقبات را غارت و فقهاء و بزرگان را از خانه های خود بیرون کشیده اعدام مینمایند که از جمله آنها مولی عبدالصمد و شیخ محمد ودانای پرهیزکار و شیخ عینعلی و علوی شریف و سید صادق و دلیر علی و و (شهیدان راه فضیلت ص ۴۳۲ ...)

در اینجا نیز این نکته قابل توجه است که از وهابیانی که بکمک انگلستان بر جزیره العرب مسلط شده اند جز این اعمال خلاف که هفت هزار نفر از بزرگان و دانشمندان را اذم شمشیر گذراندند ، نمی توان انتظار داشت .^۱ همچنانکه

۱- استعمار زمامداری را بر سر کار می آورد که در افساد و ایجاد اختلاف کاملاً مطیع او باشند . مثلاً در عربستان اذم گروه متخاصم که اولی نسبت بشیعیان ، رفتار برادرانه و آندیکر؛ خصمانه داشت ، دومی را بر اولی غالب می گرداند (... نتیجه این پیروزی بآنجا منتهی میشود که بقول حجة الاسلام ؛ سید ابوالفضل موسوی نماینده مردم تبریز در مجلس اسلامی ، در حجاز در همان کوچه ای که در اوائل آن فلان مأمور باصطلاح امنیتی سعودی چندین خانه و آپارتمان دارد ، بسیاری از خانواده ها با اندازه ای از فقر غذائی رنج می برند که باقیمانده غذای حجاج را باولع خاص ؛ جمع و حمل مینمایند !) همچنین ←

امروز جز طرح هشت ماده‌ای کمپ دیوید دوم که می‌خواهد صهیونیسم را
الی‌الابد ابقاء نماید نمیتوان شاهکار دیگر توقع داشت (و هائیه‌ها غیر از خودشان
همه مسلمانان را کافر و نجس میدانند!)

رادبو تهران و سوریه بهترین وجه طرح سعودی را ارزیابی نموده
گفتند، طرح مزبور، تحت نظر خود صهیونیسم تهیه شده است ولی در مقدمات،
امر، اسرائیل برای گمراه کردن افکار، مخصوصاً افکار گروه‌های آزادیخواه

← استعمار در افغانستان همین که می‌بیند امیر امان‌الله میان برادران سنی و
شیعه طرح وحدت و محبت میریزد. بایک آشوب تصنعی، او را از سلطنت خلع
مینماید... (نتیجه این افساد است که از باب بی‌کامی سر میرسد و می‌خواهد
کشور افغان را بلع نماید که انشاءالله با مقاومت مجاهدین اسلامی، تیرش
بسنگ بر خواهد خورد.

و حالاً بنیت خداوندی و بضر المثل «فواره چون بلند شود سرنگون شود»
همان انگلستان که تمام قاره‌ها دست اندازی می‌کرد، از همه جا رانده شده و
از اندرون خویش نیز فرو میریزد. بیش از ۷ میلیون نفر مخصوصاً در ایرلند شمالی
از فقر غذائی رنج می‌برند... و بخواست خدا چنانکه دکتر ابوترابیان «مفسر
مطبوعات جهان و انقلاب اسلامی ایران» پیش بینی میکنند دیری نمی‌گذرد،
آمریکا نیز بکیفر تجاوزات خود میرسد و کشوری بنام ایالات متحده باقی
نمی‌ماند! شنیدن صدای اعتراض هزاران معترض از آلمان فدرال و یونان و
بر علیه آمریکا و نیز دیدن تصویر تلویزیونی، آزادیخواهان برزیل که کیسینجر،
فرستاده مخصوص ریگان را در بارانی از سنگ و تخم مرغ و گوجه فرنگی قرار
داده گفتند؛ ظالم بخانه‌ات برگردد، امید سرنگونی رژیم زور آمریکای
تقویت می‌نماید،

عرب ظاهراً به مخالفت با آن برخاسته است! امام خمینی نیز ضمن محکوم نمودن طرح مزبور به مسلمانان هشدار داد که اسرائیل در فکر دست یافتن به مکه و مدینه می باشد!

۳۷- فیلسوف شرق، ملاحادی سبزواری، سالی به مکه رفت. از امن نبودن راهها ناگزیر از راه هندوستان بوطن برگشت. در کرمان از مال دنیا چیزی باخود نداشت. عفت و علو طبع نیز او را اجازه عرض حاجت بکسی نمی داد... به مدرسه‌ای رفت و از خادم آنجا تقاضا نمود که خدمتگزاری او را بپذیرد و اجازه دهد در مدرسه منزل کند!

فیلسوف بلند همت، سه سال، طلاب مدرسه را خدمت نمود و در بحثهای آنان بدون اینکه اظهار کند که سینه اوردربای مباحث آنهاست شرکت جست! خادم مدرسه از دیدن صداقت او، دختر خویش را ببنکاح او در آورد. بعدها که بسبزواری برگشت و مدرسه‌ای تأسیس نمود و آوازه آن سرتاسر ایران را فرا گرفت، طلاب همان مدرسه کرمان نیز برای تکمیل معلومات با آنجا مراجعه کرده آن کوه استوار را که مدت‌ها برای ایشان خدمت کرده بود رئیس مدرسه یافتند!! شبها ۴ ساعت بعبادت می پرداخت. يك جفت گاو و يك باغچه داشت. ثلث محصول را بفقرا میداد. بکسی از اغنیا اعتنا نداشت و از کسی تحفه‌ای نمی پذیرفت. ناصرالدینشاه بزيارتش رفت. او برخلاف همشهریان، استقبال نکرد. شاه بکلبه او فرود آمد... گفت اجازه بدهید از آشپزخانه سلطنتی غذائی بیآورند باهم صرف کنیم. پذیرفت و گفت شما از آبدوغي که خواهم داد صرف کنید و مطمئن باشید که حلال است. از دسترنج خودم تهیه کرده ام. شاه خواست انعامی بکند. پذیرفت. شاه گفت چیزی بنویسم تا باغچه شما از مالیات معاف شود. گفت هرگز هرگز!! زیرا بامعاف شدن من بالطبع بر میزان مالیات

همشهریان دیگرم افزوده خواهد شد و این جائز نیست !
 شاه پس از مراجعت در حالی که همت عالی حاجی از زبانش نعی افتاد
 پانصد تومان به مدرسه او فرستاد. او بدون اینکه بدیناری از آن دست بزند
 همه را میان طلاب و فقرا تقسیم کرد. تألیقاتش از ۳۶ می گذرد که بعضی از آنها
 شهرت جهانی دارد !

روزی که مرد ۱۷ تومان نقد و بهمان اندازه قرض داشت ! استاد مطهری
 ضمن بحث در احوال سبزواری، فرمود این خلوص و مقام رفیع را برای سبزواری،
 آشنائی ای که او به مکتب سقراط و افلاطون و ارسطو و فارابی و ابن سینا داشت
 بیار نیارد. بلکه مکتب اسلام بود که او را انسان با فضیلتی ساخت !

۳۸- شیخ حسین آل عصفور، از علمای خداترس و فضیلتی متقی و محقق بود.
 بر اثر خدمات ذیقیمتی که در قرن سیزدهم هجری در ترویج دین مبین اسلام،
 نموده او را مجدد دین نامیده اند !

در قدرت حافظه ضرب المثل بوده متجاوز از چهل کتاب و رساله تألیف
 نمود و سرانجام نیز بدست استعمارگران بهنگام تصرف بحرین بشهادت رسید !
 از نبوغ و حافظه او نقل کرده اند که در سفر حج، بدیدار عالم بزرگ
 بنام محمد صندید قطیفی میرود. در منزل قطیفی، بکتاب ذیقیمتی دسترسی پیدا
 میکند که نادر و کمیاب بوده است ! از میزبان خواهش میکند که کتاب را
 بعنوان امانت تاموقع مراجعت از حج بامانت باو بدهد ولی او بعنوان اینکه مبادا
 در سر راه از میان برود، قبول نمیکند، تنها اجازه میدهد که چند روزی که
 در منزل او مهمان می باشد مطالعه نماید ... آیه الله پس از چند روزی توقف،
 خانه قطیفی را بقصد کعبه ترک می نماید ... چند ماه بعد که پس از مناسک حج
 دوباره بخانه قطیفی مراجعت میکند، عین کتاب او را که در سفر، بخط خویش

برشته تحریر در آورده بود ، ارائه می نماید چون تطبیق میکنند جز در چند مورد ناچیز با نسخه اصلی فرق نداشته است . و این موجب نهایت شکفتی میشود که چگونه بایک مرتبه خواندن ، مطالب را بخاطر سپرده و بروی کاغذ در آورده است !؟ شهیدان راه فضیلت ص ۴۵۷

۳۹- علامه میرزا مهدی اصفهانی، از نظر دانش و فقه و پرهیزکاری ، سرآمد اقران بود . دانشمندان بزرگ که به میزان علم و تقوای او آشنائی داشتند ، پس از شهادتش شهید چهارم خواندند .!

جریان شهادتش اینکه سلاطین قاجار با احترام نادر شاه افشار ، نوه او نادر میرزا را والی خراسان نمودند ! نادر میرزا کم کم سر بطغیان برداشت تا حدیکه فتحعلی شاه لشکریان را مأمور قتل و پاکسازی خراسان نمود .

نادر میرزا دروازه های مشهد را بروی مهاجمین بست . روزها بدین منوال گذشت . مردم از قحط و نایابی بتنگ آمدند !

این عالم جلیل القدر که مثل علمای دیگر ، تحت عنوان ولایت فقیه از رنج مردم برنجند ؛ پیش نادر میرزا کس فرستاد که سرکشی را ترک گوید و دروازه ها را باز نماید و چون با مخالفت نادر میرزا روبه رو شد ، خود بکسان خویش دستور داد که دروازه ها را باز نمایند !...

نادر میرزا بکینه این عمل ، او را به مراد داشته با فتحعلی شاه متهم و در موقعی که در صحن مطهر رضوی علیه السلام مشغول نماز و دعا بود ، مورد ضربات و لطمات شدید قرار داد تا بشهادت رسید ! (شهیدان راه فضیلت ص ۴۲۰)

توضیح : نادر میرزا عوام فریبانه بصحن مطهر میرفت و شاید راجع به مقام امن بودن آنجا بحثها می نمود ولی چون امیال باطل او بخطر افتاد چهره عوض کرد ! همچنانکه پهلوهای مخلوع هم در چهره عوض کردن و بخون کشیدن

آستان مقدس و مسجد گوهرشاد درندگی او را شدیداً دنبال کردند!

۴۰- میرزا محمد رضا از مجتهدین زنجان: در آن روز کاره‌نویز ماهیانه‌ای از درآمد اوقاف، با و طلاب مدرسه اوداده میشد. پس از مدتی که اجلاس فرارسید، از وصیتنامه ای که بدست آمد؛ این فقرات جلب توجه میکرد: « پولیکه به من میدادند من اطمینان نداشتم که عایدی اوقاف، عاری از ریب و ریا و نیز واقف، از ظلم و جور بر کنار بوده باشد و بالآخر از همه نمی‌دانستم از نظر واقف واجد شرط پول طلبگی گرفتار یانه؟! وجوه رایبه مجتهدین بدهید آنان خود می‌دانند! قصص العلماء ورو»

۴۱- آیه الله محمد حسین نائینی متوفای ۱۳۵۵ ه. ق

این رجل اسلام، در تمام عمر با زور گوئی و زور شنوائی مبارزه کرد و بنام اینکه ایجاد حکومت مشروطه، نهالی است که بتدریج حکومت خدا و اولیاء را بیار می‌آورد در تحکیم مبانی آن کوشید.

پس از استقرار مشروطه موقعی که در جنگ بین الملل اول، ایران باشغال قوای روس و انگلیس درآمد و فتوایها و ایادی بیگانه دست بانتخابات فرمایشی زدند نائینی، انتخابات کذائی را تحریم نمود!

يك لبه شمیر نائینی متوجه علمای درباری بود که آنها با سکوت و بی تفاوتی خود، باعث تجری هر چه بیشتر ظلمه میشدند. نائینی دادن آگاهی به ملت را اصل اساسی موفقیت شمرده توجه مردم را بر مشق گرفتن از پیامبر ﷺ و مولای متقیان جلب مینمود و در استدالات خود سیره نبی اکرم ﷺ را بیاد آنها می‌آورد که آنحضرت در برابر جباران و ستمگران لحظه‌ای سکوت روا نمی‌داشت! و همچنین متذکر سیره علی می‌شد که آنحضرت، استرداد قطایع و تیولات، از دست هزار فامیل و متنفذین خلافت را جزء برنامه

آسمانی خود قرار داده بود!

نائینی در جهت احیای حکومت عدل، مخالفان و منافقان را تذکر میداد که: نتیجه سکوت و مماشات شما با حکام است که آنها را بدرجه استبداد و خود کامگی کشانده است! اگر شما هم مثل اطرافیان خلفای نخستین، آنها را استنطاق میکردید و تهدید می نمودید که «اگر از جاده عدل، انحراف نمائید با شمشیر عدل اصلاح میشوید» این همه بی عدالتیها بوجود نمی آمد؟!!

نائینی نیک دریافته بود که از نا آگاهی مردم بسیاست دینی خودشان است که سلاطین متظاهر باسلام با نداشتن هیچگونه صلاحیتی، قدرت را در دست میگیرند؟!!

و نیز بخوبی دریافته بود که سازشکاری و عاظ السلاطین! باعث جرأت یافتن حکمرانان می شود لذا برای آگاهی مردم و پاکسازی علماء بود که شجاعانه از مخالفت و کارشکنی آنها نهراسیده رساله «تنبيه الامه و تنزیه المله» را منتشر نمود! و یادآور شد که حضرت ابا عبدالله اگر امید می داشت که با سکوت و سازشکاری؛ اساس دین از دستبرد متجاوزان اموی محفوظ می ماند، قیام نمی کرد؟!... یعنی چاره کار را تنها در قبضه شمشیر می دید و علماء نیز باید چنان بینند!

نائینی عموم سلاطین را غاصب می دانست و مبارزه در جهت استرداد حکومت را واجب می شمرد! و بر این اصل بود که پرداخت مالیات به محمد علی شاه را تحریم و دست روس را در حمایت از شاه و بتوپ بستن مجلس نشان داد! دکتر فریدون آدمیت در کتاب ایده اولوژی نهضت مشروطیت که نسبت به عالم روحانیت و مجاهدین اسلامی حق کشی ها نموده است، هر چه کوشیده نتوانسته آفتاب را بگل بیالاید، لذا اعتراف نموده که «او علاوه بر رشته تخصص خود،

در حکمت عملی نیز دست داشت ، با کتب سیاسی زمان خویش آشنا و از جریانات سیاسی دوره اول مشروطه ، آگاه بود ... نسبت بتعرض دول غرب بکشورهای اسلامی ، حساس و در انتقاد سیاسی ، بسیار توانا و بطور کلی مردی وارسته و بزرگوار بود !

۱- نظریه دکتر آدمیت از ص ۲۶ کتاب « ماهیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیه الله نائینی » ... نقل شد ...

در باره تنگ نظری دکتر آدمیت بجهان اسلام ، گفتنی است که او در تألیف خود کوشیده است ، مساعی دینی آیات عظام ، مثل حسن آشتیانی را که بنمایندگی از آیه الله محمد حسن شیرازی و آیه الله نائینی ، در برابر کاخ ناصرالدینشاه بعنوان تحریم تنباکو ، سرقلیان را شکست و تبعید شد و مجاهدات آیات عظام نظیر محمد باقر شیرازی که پیشاپیش صفوف مسلمانان پیش رفت و بشهادت رسید ! و مساعی مجاهدان اسلامی را که مخالفت با استبداد و شاهنشاهی را از جلسات زیرزمینی آغاز و تا میدان مبارزه ادامه دادند و ناصرالدین آنها را (بقول استاد فخرالدین حجازی) در گودالی ریخته یکایک را گردن زد ، رنگ رفته طلبی و خصومت شخصی بزند و از ارزش دادن بجهاد اسلامی شهدای مشروطیت ، خودداری نماید !

در خاتمه برای اینکه آقای آدمیت و مارکسیستهای دیگر نتوانند حق فراموش نشدنی اسلام و روحانیت را با پرده اغراض خویش مستور نمایند ، نقل قول یکی از بزرگان مارکسیستها بنام پرنزدت فیدل کاسترو رئیس جمهوری کوبا ضرور مینماید ، آنجا که گفت « قدرت روح اسلام بود که بفساد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و سلطه آمریکا خاتمه داد و آزادی و سرافرازی بیار آورد ! »

۴۲- سید محمد علی هبة الدین شهرستانی در زمان ملك فيصل عراق، به وزارت معارف منصوب و توفیقات زیاد در ترویج حقائق و فضائل اسلام، کسب نمود. در سال ۱۳۳۰ هـ ق استعفاء و دو سال بعد بریاست دیوان عالی تمیز که به مجلس جعفری موسوم بود گماشته شد. سپس از طرف مردم روانه مجلس گردید. همه جا از راه کتابت و گفتار دقیقه‌ای از افشاگری مظالم استعمار انگلیس در ممالک اسلامی بازنايستاد. او از جمله مشاوران آية الله محمد تقی شیرازی در جهاد رهائی بخش عراق بود. کتاب اسلام و هیئت و چند کتاب تحقیقی و علمی از آثار اوست.

۴۳- آية الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، ابر مرد زهد و تقوی و علم و بینش، استادی که حوزه علمیه اصفهان را تأسیس و با توسعه داده آنگاه از یکطرف با دیدن اینکه ناصرالدینشاه و احمد شاه و ملتزمین رکاب آنها، از مسافرت‌های اروپائی خود، افکار ضد دینی و الحاد بتهران آوردند، و از طرف دیگر به مناسبت در کنار تهران بودن شهر قم که می‌تواند جوابگوی انحرافات تهران شده سمومات را دفع و تب و التهاب الحاد را فرونشاند، و نیز از اینکه قم بیرکت در دل خود داشتن قبر مطهر خانم معصومه، مهین دخت موسی بن جعفر که روزانه هزاران زوار را بسوی خود جلب مینماید، تأسیس دانشگاه دینی قم را بسال ۱۳۴۰ وجه همت عالی خود قرار داد که امام خمینی از فارغ التحصیل‌های شاخص آن میباشد! او میخواست تحصیل السنه خارجه نیز در مدرسه متداول شود

۱- در همین مدرسه بود که شجاعت که از لوازم زعامت است، از امام خمینی که دوران جوانی را میگذراند متجلی گردید و آنچنان بود که طلبه قوی هیکلی نه نزاکت طلبه بودن را رعایت میکرد و نه منزل را تخلیه مینمود. و تذکر آية الله حائری هم بجائی نمی‌رسید! تا روزیکه امام در محضر استاد بود، خادم مدرسه ←

که موفق نشد! این استاد کبیر؛ از خود آثار و خصال حمیده‌ای بیاد کار گذاشت که بچند فقره آن درباره زهد و تواضع و قناعت، اشاره میشود.

۱- با جوانی همدرس و هم منزل بود. هزینه ماهانه‌ای که از ایران برای آنها بخرافه میرسید تأخیر کرده بود. بعد از آنکه روزی با گرسنگی میگذاشتند، قرار بر این می‌نهند که حائری، از بقال رهگذر قرض کند یا نسیه بخرد تا سد جوع کنند... بعد از ساعاتی که بر میگردد معلوم میشود که او گرسنه ماندن را بر سر فرود آوردن برای قرض ترجیح داده است. ۲- با آنهمه وجوه شرعی که بحوزه سران میر می‌شد، شب وفاتش مردم نگران بودند که خانواده‌اش نان شب دارند یا نه!

۳- سید حسن مدرس: خود آن مرحوم نقل مینموده در کودکی پدرم به ما می‌آه و خت که چگونه در شبانه روز بیک وعده غذا عادت کنیم و چگونه لباس خود را تمیز نگاه داریم تا فکر تهیه آنها ما را از کار باز ندارد. زیرا کسیکه دمبدم در فکر گرم نگاه داشتن تنور شکم و پوشیدن لباس نو نباشد، تسلیم زر و مقام نمی‌شود. غذایش نوعاً پنیر و پیراهنش همیشه از کرباس بود!

در مکتب پدر چنان پرورش یافته بود که تحمل هر مشکلی برایش آسان بود!

با اینکه مراجعات زیاد داشت. رسیدگی بوضع مستمندان را در رأس امور قرارداد بود!

از کسی هدیه نمی‌پذیرفت. در روزمره که فقط ۲۴ تومان نقدینه داشت! از اصفهان بنمایندگی مجلس برگزیده شد، با کاری، خود را به تهران

← مدرسه اظهار عجز نمود که از دست طلبه مزبور درمانده است! امام خمینی با بیرون خواندن او و نواختن کشیده‌ای از بنا گوش او، منزل را تخلیه و خاطر استاد را آسوده ساخت. (نقل قول از آیه الله بنی فضل)

رساند (نقل قول از امام خمینی)

در مجلس می گفت « من ده نخست وزیر و ۴۰ - ۵۰ وزیر دیده‌ام، اگر یکی از آنان مدعی شود که مدرس توقعاتی از من داشته است، آن شخص خیلی مرد است!

سفیر انگلیس چکی برای اومی فرستد. مدرس از حامل چک می پرسد، این را چکنم میگوید در بانک تبدیل بریال کرده خرج کن، بشوخی جواب می دهد «از من بسفیر بگو جز سکه زر؛ آنهم با اندازه‌ی باریک شتر نمی پذیرم»!... سفیر می گوید این سید می خواهد آبروی ما را در دنیا ببرد! - (همچنانکه با دریدن پسرده خیانت قرازداد ۱۹۱۹ برد! فریادش جرقه‌ای بود که بر خرمن حیات استعمار انگلیس زد!)

یکی از اساتیدش؛ محمد حسن شیرازی می گفته این سید، پا کدامن را از اجداد خود بارث برده است! هوش و فراستش شکفت انگیز می باشد. در اندک مدتی از همه همدرسان گذشت. قوه قضاوت او در حد کمال و در نهایت امانت و تقواست!

دکتر مصدق در پشت تریبون مجلس گفت « مگر نبود که مدرس در همین جا سیلی خورد مگر نه اینست که او شربت شهادت نوشید...» اگر از قرآن نیز نظر خواهی شود می گوید من در آیه ۲۶/۳۸ حکومت را پیامبرانی مثل داود سپردم و خاطر نشان نمودم که انبیاء یا کسان آنها قضاوت و وکالت را نیز در عهده بگیرند ۴۵- آیه الله کاشانی: در صفحه ۵۷ بحثی از آیه الله کاشانی به میان آمد و اینجا نیز در مقایسه با سیاستمداران خود باختة! گفته می شود که او در ۲۸ سالگی بدرجه اجتهاد رسید. ولی ب فکر انتشار رساله و جمع مقلسد نیفتاد. در نجف بفرمان مجتهد اعلم یعنی محمد تقی شیرازی، دوشا دوش پدر و محمد تقی خوانساری بجنبه

جنگ با انگلیس رفت ...

حاکم عراق او را غیاباً محکوم باعدام نمود. در عراق مدرسه علوی را تأسیس نمود و در آن مدرسه بر خلاف عقیده قشریون، تحصیل زبان خارجه را جزء برنامه قرارداد. در حکومت عبدالحسین هژیر که در صدد بی‌اعتمادی به مبانی اسلام بود در عید فطر و قربان، راه‌پیمائی برای انداختن دشمن را فرسنگها به عقب زد!

در بهمن ۲۷ که بنوی شاه تیر اندازی شد؛ آیه‌الله کاشانی را دستگیر و زندانی و سپس بلبنان تبعید کردند.

در سازشکاری شاه با دولت انگلستان در مورد نفت که به قرارداد کس و گلشائیان مشهور شد اعلامیه داد و مردم را از خیانتی که نسبت به مخازن نفت روا داشته میشد مستحضر ساخت! حسنعلی منصور از در دوستی وارد شد و دست ارادت بسویش دراز کرد ولی او سابقه آشنائی که با تبه‌کاری او داشت، دست رد بسینه او زد. همچنین در مقابل یغماگری حسنعلی منصور به مخالفت برخاست. از یاد داشته‌هایی که بهنگام ملی شدن نفت و بیرون رفتن نماینده انگلستان، از منزل سفیر بدست آمد معلوم شد او بدولت متبوع خود می‌نوشته «عمده مانع کار ما کاشانی است، باید از سر راه برداشته شود»

در نهضت ملی کردن نفت آیه‌الله محمد تقی خوانساری فتوی داد که نهضتی که در رأس آن آیه‌الله کاشانی وجود داشته باشد، اصیل میباشد! یعنی اگر آیه‌الله خوانساری آن فتوی را نداده بود و طلاب علوم دینی حوزه علمیه قم به پشتیبانی برخاسته بودند نفت ایران ملی نشده بود! هرچنانکه در نهضت مشروطیت اگر آیات عظام طباطبائی و بهبهانی و شیخ محمد خیابانی تبریزی و و و بر نخاسته بودند، کار بجائی نمیرسید! (اقتباس از مطبوعات عصر)

همچنین آنگاه که محمد علی شاه مجلس را بتوپ بست اگر نائینی و خراسانی حکم تحریم پرداخت مالیات را صادر نکرده بودند محمد علی شاه که از روسها مدد میگرفت، استبداد را از نو زنده کرده بود!

بدین اصل کاشانی که قبلاً بنام پدر آزادی عراق موسوم شده بود، اگر بنام پدر نهضت ملی شدن نفت ایران نیز موسوم شود باز حق مجاهدات او ادا نشده است!

تأثیر اعلامیه کاشانی و اطاعت مردم بود که انگلیس جهانخوار از ایران طرد شد. متأسفانه دکتر مصدق از راه بیخبری یا بی اعتنائی بدین، فریب ظواهر اصل ۴ ترورمن را خورده آمریکائیان را بر سر کار آورد و این غفلت او توأم با خیانت حزب توده ایران که بقول مجله عربی «اگر در مسکو باران بیارد اینها در هر جا باشند چتر خود را باز میکنند»

زمینه ضعف دولت و وقوع کودتای ۲۸ مرداد را آماده کرد! و در نتیجه؛ این تجربه تلخ تجدید شد که هر وقت مسلمانان بتذکر و هشدار قرآن که از جمله میگوید «کافران را محرم اسرار خود قرار ندهید و اعتمادشان نکنید» بی اعتنائی کردند، بیای خود باستقبال خسارات جبران ناپذیر رفتند! یعنی پس از کشودن زنجیر اسارت انگلیس، ایرانیان نفسی بر راحت نیاورده بودند که بزنجیر آمریکا که محکمتر از اولی بود گرفتار شدند! تا اینکه دست غیب از آستین ابر مرد تاریخ، امام خمینی بدر آمده درب زندانها بگشود و زنجیرها را پاره کرد!

۱- دیگر از انتباهات دکتر مصدق محبوس نگاهداشتن نواب صفوی و یاران او بود. یعنی فدائیان اسلام که آنها راه مبارزه مسلحانه با شاه خائن را بر گشوده بودند!

۴۶- امام موسی صدر: شیعیان لبنان برای زعامت امور، از ایرانیان بکشور خود دعوتش کردند. او به مناسبت داشتن علم و آگاهی و تأسیس مدارس درس و حرفه و ابتکارات بیشمار دیگر از محبوبیت خاص برخوردار بود. او بداشتن ففاهت و سیاست و رشادت و گیرائی چهره و طلاقت لسان و حدت ذهن و اصالت خانوادگی شهره آفاق بود.

کتبی که در ترویج اسلام برشته تحریر در آورده از تعریف و توصیف مستغنی میباشد! از برای شرکت در نهمین سالگرد استقلال لیبی، به آن کشور دعوت شد. دو جلسه بحث با پرزیدنت قذافی در عالم خلوص و محبت گذراند. اما جلسه سوم بسر دی گزائید. تا اینکه از نظرها ناپدید و زمزمه زبوده شدنش منتشر گردید!

از کلمات اوست: حکومت هدف نیست ولی چون بدون تشکیلات و تأمین سازمان نمی توان، مجری احکام الهی شد، لذا هر مسلمانی باید در احیای حکومت اسلامی و حراست آن مجاهدت نماید (مجله مکتب اسلام)

۴۷- حجة الاسلام، سید عبدالکریم هاشمی نژاد؛ اهل مشهد، از ستارگان قدر اول انقلاب اسلامی و از علمای عامل و از نویسندگان و گویندگان وارسته بود.

نویسنده این سطور، از منابر و نوارهای ضبط صوت و کتب او محفوظ بوده ام. او هم از طریق تألیفات و هم از طریق وعظ و خطابه، از یکطرف مشعل فروزان هدایت؛ و از طرف دیگر، اخگر سوزنده ای بود که خرمین آرزوی امپریالیسم و کمونیسم را میسوخت و تبدیل بنخاکستر مینمود!...

او در دوره طاغوت بجزم نوشتن کتاب، بخصوص کتاب آموزنده و پرهیجتهای «دکتر و پیر» که بیش از ده نوبت تجدید طبع شده و روز بروز نیز بر تعداد

خوانندگان آن افزوده میشود و نیز کتاب «درسی که حسین علیه السلام بسانسانها آموخت»، بارها جلب وزندانی شد!

هاشمی نژاد، پس از پیروزی انقلاب، در مسیر پیشبرد اهداف مقدس اسلام و امام مجاهدات ذیقیمت عرضه نمود. آنگاه که منافقان، بر علیه حزب جمهوری اسلامی و رهبران سرکزی آن به رنگ و خدعهای متشبه می شدند، تا اسلام و انقلاب را بدلیخواه آمریکا متوقف و ضعیف سازند!

هاشمی نژاد در شاخه مشهد حزب سمت نمایندگی و دبیری داشته شجاعانه از اسلام راستین در مقابل تهاجمات منافقان، دفاع مینمود. تا اینکه کم کم بنی صدر که از دوران اقامت در پاریس، از طرف «سیای» آمریکا مأیوریت داشت، برای روز مبادا، خود را مسلمان انقلابی و دوستار امام خمینی جلسوه دهد، رنگ عوض نموده بیامید و گمان اینکه در تحت حمایت سلاح عناصر ضد انقلاب، خواهد توانست بر او خود بسوی آمریکا ادامه دهد، رسوائی را از حد گذرانند تا بر کنار شد. و با عزل او، امپریالیسم تیر خورده به مزدوران داخلی خود دستور فرور داده صدها رهبر و مجاهد اسلامی، اعم از شیعه و سنی امثال حاج قاسم اسلامی و سید جمال آل طاهر و ملا صالح خسروی و ملا عبدالکریم کرد و شیخ مصطفی و جلالی زاده (پدر ویس) و شریعتی فر و رحیمی یزدی را بنخون خویش غلطاند!

۱- شاید نسل آینده را باور نکردنی باشد که آمریکای متمدن که آوازه کمکهای بلاعوض او و نیز اصل ۴ کمکهای ترومن او در جهان پیچیده بود، در ایران مرتکب اینهمه قتل و جنایت شده است. لذا با ذکر مثالی و واقعیهائی مبرهن می دارد که چون انقلاب اسلامی ایران بر اهزنیها و غارتگریهای آمریکا نقطه پایان گذاشت و به محض پیروزی، جریان نفت خود را بروی ←

۴۸- محمد تقی شیرازی : در علم و تقوی و نفوذ کلام ، در سرحد کمال بود
مجلس درس و بحثش از مجتهدین بزرگک موج میزد .
از چنان علو رتبت و طهارت برخوردار بود که مسلمانان آرزو داشتند او
بر سر جنازه آنها نماز بگزارد !

— فرزند نامشروع او ، اسرائیل قطع نمود ، آنها هم اذتاب خود ، امثال صدام
و ملک حسین و انور سادات و حسنی مبارک را بحمله بایران و نیز تروریستهای داخلی
خود را بکشتن روحانیان و وابستگان آنها مأموریت دادند !

۱- گر به خوشخط و خال ناموقمی که طعمه را از صاحبخانه تر بوده است ،
تربیت شده و با اصطلاح متمدن جلوه گر میشود ، ولی بهنگام بازستاندن شکار ،
چنگ و دندان نشان می دهد و اگر بتواند ، دشمن را از پای درمی آورد !!

۲- بمحض اینکه دولت اسرائیل در سایه کمکهای مالی ادموند جیمز روچیلد
و برادران او یعنی بانکداران صهیونیستی و بزور و نفوذ و سلاح آمریکا و انگلیس
و بتوافق شوروی ! پای بعرضه وجود گذاشت ، محمد رضای مخلوع از نخستین
دولتها بود که او را بر سمیت شناخت و بدون توجه بناله و فریاد برادران اسلامی
عرب ، با او روابط همگانی برقرار نموده ایران را جولانگاه و بازیچه او قرار
داد ... در جنگهای اعراب و اسرائیل جانب اسرائیل را گرفته سیل بنزین به
مخازن جنگنده های آن سرازیر نمود ... آنکاه که اعراب بعنوان گوشمال
دادن با اسرائیل و هواداران او در جنگ ، از صدور نفت خودداری کردند ،
محمد رضا ما بحتاج آنها را تأمین نمود !!

بازش ۴۱ میلیون دلار سلاح خرید و همه را در اختیار اسرائیل گذاشت
و خون هزاران مسلمان ایران را که در جنگ ۶ روزه بتشویق روحانیت ،
برادران زخمی بکشورهای مصر و اردن و فلسطین اهداء نموده بودند ، ←

در بالا بردن مقام زن و شخصیت دادن باو، میگفت و خود نیز مورد عمل قرار میداد که زن شوهر داریکه خانه و تربیت اسلامی اولاد و کنج عفت را گردن نهاد، شوهرش حق تحکم باو را ندارد!

یکی از آشنایان بعیادتش آمده بود. آشی از دم در باطاقش گذاشتند که

← باسرائیل فرستاد و در جواب اعتراض، گفت هواپیما اشتباهاً باسرائیل رفت و اسرائیل هم خونهارا تصاحب کرد. (نقل قول از حجة الاسلام سید رضی بلاغی تبریزی) در حالی که با انقلاب اسلامی، ورق برگشت و عقرب به منافع آمریکا در ایران ۱۸۰ درجه تغییر جهت داد. آمریکا بهر نیرنگی و قوطه‌های متوسل شد، نتیجه معکوس گرفت. دست بمانور نظامی در مصر و طرح هشت ماده‌ای شاهزاده فهد سعودی زد. که فرمایش سه شخصیت بزرگ ایران، نمایانگر وحشت و خشم و عمق نیرنگ آمریکا میباشد! (۱- امام خمینی: هر کس با طرح فهد مخالفت نکند خائن با اسلام است ... ۲- حجة الاسلام خاмене‌ای رئیس جمهور بسفرای بیست کشور اسلامی هشدار داد که حضور سیاسی و نظامی آمریکا در خاورمیانه، مقدمه‌ای بر تجاوز بکشورهای اسلامی منطقه و برسمیت شناساندن اسرائیل خائن میباشد ... ۳- امام جمعه تبریز، آیه الله مسلم ملکوتی گفت طرح مزبور هدف و مرام آمریکاست که از حلقوم ولیعهد عربستان سعودی بیرون می‌آید!) ... ۴- شاه بنمایندگی از آمریکا در مبارزه با اسلام و فساد کشاندن خانواده‌ها که اولین مکتب تربیتی است، در پوشش زیبا و عوام‌فریب خائنانه‌ای بنام حمایت از خانواده‌ها که تنها بیک ماده آن اشاره می‌شود، صمیمیت و امن و امان خانه‌ها را بر باد میداد در حالی که انقلاب اسلامی، شخصیت پاک و ملکوتی اسلامی زنان را که «زیرپایشان برای فرزندان پاک و تربیت شده‌شان بهشت است» بنخودشان باز گرداند یعنی با اعدام یکی دوزن خائن و هرزه کرد، عفت عمومی را بیمه و محفوظ ←

بخورد ... میهمان رفت و آیه الله هم که قادر به برخاستن و برداشتن آتش نبود؛ ناگزیر صبر کرد. بعد از ساعاتی که اهل خانه وضع را آنچنان دیدند، پرسیدند چرا میل نفرمودید؟ گفت خود نتوانستم برخیزم و حق هم نداشتیم که فرمان بدهم! میگویند برای اینکه درازجاع کاریبچه‌ها مرتکب مکر واهی نشده باشد بآنها مقرری جزئی معین کرد!

علامه آقابزرگ تهرانی صاحب ذریعه. در طبقات اعلام میگوید: «او پیشوای انقلاب عراق بر علیه انگلستان و نخستین پر خاشاک بر علیه کفر بود!» محمد تقی شیرازی، استقامت و آگاهی و حفاظت از دین را که از لوازم اجتهاد و رجوعیت است تمام و کمال دارا بود. با قاطعیت کم نظیر بر تحقق آرمانهای اسلامی اصرار میوردید و آگاهانه پیش میرفت ... پسرش میرزا محمد رضا زیر پرچم پدر بجهد ادامه داد تا گرفتار و محبوس شد! بدین ترتیب آیه الله؛ استقلال کشور عراق را بیهای جانفشانیهای خود و فرزندانش باز خرید.

او با همه بینشی که داشت، از مشاوره با صاحب نظران حتی رؤسای قبائل عراق غفلت نداشت! از جمله مشاورین او سید مصطفی کاشانی و فرزند او ابوالقاسم کاشانی و سید هادی زوین و هبة الدین شهرستانی بودند. که اولی شهید

← نگاهداشت!

بدین ترتیب که شاه بجای اجرای حد اسلامی که با اعدام یکزن روسپی، از سرایت فحشاء جلوگیری و آبروی شهر و مملکت را حفظ مینماید، در ص ۴۳ کتاب «مجموعه قوانین حمایت از خانواده»، (ماده ۲۱۱) کیفریکه بهمچو زن فاسد معین میکند، عبارت از چند ماه حبس می باشد که بسا با عفو عمومی و عفوین ناگفتنی! مرخص شده بی بند و باریرا از سر گرفته با ترویج فحشاء، خانواده‌های همشان خود را با آتش میکشید!

شد. دوم و سوم حبه‌ها و شکنجه‌ها دیدند و چهارمی بقولی بدست پزشک انگلیسی، بینائی از دست بداد!

از فتوای آن «جاهد نستوه یکی اینکه نوشت «مسلمان را جائر نیست زیر فرمان حکومت غیر اسلامی برود!»

دوم اینکه بر مردم عراق و ایران مطالبه حقوقشان واجب است. اگر استعمار انگلیس نداد می‌توانند دست بسلاح ببرند! بپس کت این دو فرمان بود که پای انگلیس در عراق شکسته شد متأسفانه صدام رشته‌های او را پنبه کرد... (مجله مکتب اسلام ۲۰/۱۰)

۴۹- آیه الله محمد حسین طباطبائی تبریزی: این متفکر و فیلسوف که برای جهان اسلام موهبتی بود، از پنج سالگی تا نزدیک بهشتاد سال عمر، آنی از اندیشه تعلم و تعلیم آرام نداشت.

بقول یکی از تلامیذ خود (آیه الله جوادی عاملی) او شخصیت و شهرتی بهم رساند که هم نام اساتید خود امثال آیات عظام میرزا محمد تهرانی و آخوند صدر ابوتراب خوانساری را و هم طلاب زیادی همچون آیات عظام استاد مطهری، دکتر بهشتی، دکتر مفتوح و دکتر باهنر و قاضی طباطبائی و او را که خود بر اثر علم جهاد بر علیه استبداد و کفر برافراشتن و بقیض شهادت رسیدن، در عالیترین نقطه قلب مسلمانان جای دارند؛ ابدیت بخشید!

یکی از آثار گرانبهای او تفسیر المیزان است که در ۲۰ جلد برشته تخریر درآمده است. در عظمت مقام این تفسیر که می‌تواند بنام مجموعه معارف اسلامی نامیده شود، همین بس که به محض انتشار، بزبان فارسی نیز ترجمه و پخش شده است.

دیگر از دهها کتب و رسالات او کتاب يك جلدی «شیعه در اسلام میباشد

که آن در مسیر برادر بزرگتر خود « الغدیر » بسبب استناد از منابع معتبر برادران اهل سنت (رضی الله عنهم و نصرهم و سلطهم علی اعدائهم) میتواند برای مسلمانان غیر شیعی نیز قانع کننده بوده در ایجاد تفاهم و ترازی میان شیعه و سنی نقش مؤثری ایفاء نماید!

علامه عالیقدر را که پس از احاطه بر فلسفه اسلامی بویژه کتاب اسفار ملاحظه در، مصاحبه های ممتدی با دانشمندان غرب بعمل آورد، می توان از بزرگترین فاتحان یا رهگشایان فلسفه اسلامی بسوی اروپا و آمریکا بشمار آورد!... پروفیسور هانری کربن که در دانشگاه تهران سمت استادی داشت، از محضر او کسب فیض نموده، در بر کشت بفرانسه، در پیش اساتید و دانشمندان آنجا از اصالت اسلام و حقی که اسلام در ابداع و انتشار علوم بگردن دیگران دارد، سخنرانی مینماید. این سخنرانی او در رابطه با روشنگری و ظلمت زدائی اسلام، بعدی در ذائقه شنوندگان، اثر میگذارد که اشک شوق و استقبال از دیدگان آنها صادر میگردد. (مکتب تشیع)

۵۰- آیه الله سید محمود طالقانی: در مجاهدات طاغوت بر انداز این عالم مجاهد در صفحات ۳۳۸ و ۳۶۳ و ۴۰۲ شمه ای به میان آمد. برای شرح زندگی پرماجرای او کتاب مستقلی در خور است که نشان دهد از او ائیل رژیم پهلوی تا روزمرگی چگونه با وعظ و تفسیر قرآن با طاغوت و استعمار مبارزه کرد و چگونه قسمت اعظم عمر را در گرفتاری و تبعید و زندان و شکنجه گذراند. تنها در اینجا با اشارات کوتاه بسنده میشود.

۱- حوالی کودتای تنگین ۳۲ که مخفیانه از تبعید گاه به تبریز آمده بود، بالای منبر رفت. مثل دریا از علوم اسلامی و عشق ترویج آنها موج میزد. جذبه و شوقی درمن در رابطه با استقبال از اسلام و خدمتگزاری بائمه اطهار و فقهاء

گرام و جهاد با استعمار ایجاد نمود که نسبت بسی سال قبل که در مجالس وعظ دیگران شرکت میکردم خیلی بی سابقه بود.

۲- گروهک مجاهدین خلق که در زندان و خارج آن؛ با امید باطلی، پاس حرمتش نگاه می داشتند، کوشیدند تا او را هم مثل آخوند (تبریزی ساکن قم) بتجزیه طلبی، تحریک نمایند تا خود و اربابشان بنوائی برسند!... در تنگنایی که یکی از فرزندان آیه الله طالقانی بتهمت فعالیت های ضد جمهوری اسلامی، تحت تعقیب قرار گرفت. منافقان مزدور در اجرای نقشه دیرینه، اطراف آیه الله طالقانی را گرفته پیشنهاد نمودند که اجازه دهد مسلحانه، مجری فرمان او شده از حریم او دفاع نمایند!... روزیکه در این توطئه از منجنیق فلک بارفتنه میبارید، شنیده شد که کسی از محضر امام خمینی کسب تکلیف مینماید... جواب میفرماید که خود او در این روزها بقم میآید!... همچنان هم آیه الله طالقانی در قم بحضور امام مشرف میشود! پس از مرخصی، در دو سه هفته ای که بامامت خود در نماز جمعه تهران ادامه داد تا فوت یا شهید شد، همواره میگفت «... اگر لازم شود بفرمان امام خمینی سلاح بدست میگیرم... هر وقت او را زیارت میکنم، از استقامت و نفس گرم امام الهام میگیرم و امیدوارتر میشوم...»

۴۱- آیه الله دکتر محمد حسینی بهشتی: راجع باین شهید بزرگ که امام شهید مظلوم نامید و راجع بهمروز زمان کنگون کفن او، از روحانیان بزرگ (استاد مطهری، دکتر مفتاح؛ دکتر باهنر، قاضی طباطبائی و امثال آنها، از نمایندگان مجلس و هیئت دولت) که هم حیات پر بار و هم شهادتشان در مفتضح نمودن منافقان و مقتریان، خون تازه در پیکر انقلاب اسلامی دمید و نیرو و طراوت بخصوص با اجتماع، داد، در صفحات ۲۰۹ و ۲۹۰ و ۳۵۰ و ۴۰۵ اشاراتی بعمل آمد و چون این کتابچه گنجایش شرح مجاهدات طاعوت شکنی همه آنها و نیز گنجایش

تشریح این را ندارد که چگونه امپریالیسم در عاجز ماندن از نفوذ و تطمیع و تهدید آنها تصمیم بر ترور آنها گرفت، بنابراین، لذا با قید معذرت از پیشگاه روح پر فتوح آنها بهمین نامبردن از ایشان اکتفا و تنها در سطور آینده بعنوان دسته کلی، از گفتار و کردار اسلامی آنها به محضر پژوهشگران، تقدیم میشود. تا الی الابد صدای آنها که حتی دردم آغشته شدن بخون خویش و نیز زیر آوارها «مرگ بر آمریکا» میگفتند تلقینات شیاطین شرق و غرب و اذتاب آنها را که بنفع استعمارگران نفعه «جدائی دین از سیاست» ساز میکنند، ابطال نمایند. دکتر بهشتی میگفت تا زنده ایم تحت هیچ شرایطی تسلیم آمریکا و اقمار اروپائیش نمی شویم... آقای ریگان بشنو فریاد اعتراض ملت خشمگین را که هنوز بشدت روزهای نخستین انقلاب فریاد مرگ بر آمریکا سر می دهند. (برای آشنائی با قدرت مدیریت و دریای صبر این مجاهد شهید که به طوره استقامت و دومین رجل سیاسی جمهوری اسلامی نامیده شد، بگزارشها و فیلمهای مجلس خبرگان مراجعه کنید تا معلوم شود در برابر عناصر ضد ولایت فقیه؛ امثال مقدم مراغه‌ای و ابوالحسن بنی صدر چگونه حوصله و معنات بخرج داده مجلس را از طوفان تشنجات؛ بساحل نجات رساند!

و نیز برای برخورداری از مطالعات عمیق اودر ایده اولوژی مبارکس و کفاردیگر بفیلمهای درس «شناخت» و فیلمهای بحث آزاد مربوطه رجوع و بالاخره برای اینکه بدانید او، از پیشقدمان تهیه اسلحه و قیام مسلحانه بود، نطق جناب ناطق نوری نماینده مجلس را که درباره برادر شهید خود عباسعلی ناطق نوری ایراد فرمود، مطالعه فرمائید... این مطالعات از آن نظر، بیشتر ارزنده است که سند بدست آمده از جاسوسخانه آمریکا مورد تأیید قرار میگیرد که آمریکا پس از آنکه نتوانست گروه آیه الله بهشتی را بتهدید و تطمیع، رام نماید، به مزدوران

خود یعنی منافقان خلقی دستور داد شخصیت آنها را با شایعه سازی و خودشان را با بمب ، ترور نمایند !

۴۲- محمد منتظری : مبارزه با استبداد و استعمار را از همان اوائل تحصیل شروع کرد . برای فرا گرفتن فنون چربکی و آوردن سلاح و بعدها برای رساندن ناله مظلومانه ملت بگوش جهانیان ، مسافرتها نمود و تا آخرین نفس که منافقان با منفجر نمودن سالن حزب جمهوری اسلامی ، بیش از ۷۰ نفر را زیر آوار گذاشتند ، مرگ بر آمریکا گفتن را ترک نکرد ... اومی گفت آمریکا هنوز در این کشور وجود دارد . بایستی با تمام نیرو تا محو کامل بسا او مقابله شود ... آمریکا میخواهد بوسیله ایادی خود ؛ ما را در کشور خویش خفه نماید ما باید ایادی او را سر کوب کنیم !

۴۳- سید محمد کاظم دانش : کتاب دو جلدی « سیمای فداکاران » که از آثار قلمی اوست حاکی از مبارزات پیکر ابر علیه استبداد و استعمار میباشد !

۴۴- سید فخرالدین رحیمی : حجة الاسلامی که زندانها و تبعیدهای طاغوتی ، کوچکترین تزلزلی در روح پر خاشاک او بوجود نیاورد و سرانجام نیز با انتشار رساله « امام با عشایر سخن میگوید » وفاداری خود با امام و دشمنی خویش با استعمار را با ثبات رساند و زیر آوار شهید شد !

۴۵- دکتر غلامرضا دانش : حجة الاسلامی که دخترش محبوبه در کشتار ۱۷ شهریور بقاء الله پیوست ، ناسه سال بعد بر در بهشت برین ، با استقبال پسر شهید شتابد . حجة الاسلام دانش همیشه درسنگر درس و سخنرانی فجایع استبداد و استعمار را افشاء و مسلمانان را بصبر و استقامت دعوت مینمود !

۴۶- دکتر حجة الاسلام محمد باقر حسینی لواسانی (پزشک روحانی زاده) در مسیر برادران خود دکتر شریعتی و استاد مطهری ، با تأسیس انجمن اسلامی

دانشجویان پزشکی، میان طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه پهلوی زده خدمات ارزنده‌ای را بعالم اسلام تقدیم نمود و سرانجام زیر آوار شهید شد.

۴۷- مهندس محمود تفویضی زاده هم در ایام تحصیل و هم پس از فراغ، در انجمنهای اسلامی دانشجویان و همچنین در راه چاپ و پخش اعلامیه‌های طاغوت‌شکنی؛ خدمات ارزنده‌ای نمود و شهید شد.

۴۸- شهید محمد صادق اسلامی در سال ۱۳۳۰ با تفاق شهید صادق امانی گروه «شیعیان» را تأسیس نمود ... بعدها به هیئت مؤتلفه اسلامی پیوسته به همراه اعضای هیئت مدیره آن بفعالیت بر علیه استبداد و استعمار ادامه داد و چون حسنعلی منصور، نخست وزیر طاغوت؛ کشته شد بجرم همکاری با قانلین ۲ سال زندانی گردید ... این شهید تا وقتی که سازمان مجاهدین خلق منحرف نشده و بخدمت بیگانگان در نیامده بودند، با آنها نیز همکاری داشت ولی با احساس انحراف، از آنها جدا و با سید علی اندرزگو اقدام بتشکیل گروه ضربت بر علیه شاه نمود.

... در تنگنای شهادت اندرزگو، با شهدائی امثال حاجی درخشان عسکری و اولادی و بادامچیان دوباره بزندان کشیده شد ... پس از آزادی، دربراه انداختن راه‌پیمائیها و استقبال از امام و نیز پاسداری از آنحضرت، خدمات ذیقیمت داشت!

۴۹- حجة الاسلام غلامحسین حقانی: در زندان طاغوت، هم‌بند آیات عظام طالقانی، منتظری، رفسنجانی و محمد رضا مهدوی کنی بود. پس از مرخصی عضو شورای عالی اسلامی بود تا انقلاب بشمر رسید و نمایندگی از امام خمینی امام جمعه بندر عباس گردید ... از آنجا بنمایندگی مجلس انتخاب و بعد با ۲۷ نماینده دیگر بتوطئه آمریکا و یادی ادبشهادت رسید.

۵۰ - حجة الاسلام عبدالوهاب قاسمی از سال قیام ۴۲ از نخستین طلابی بود که مسلحانه به مأمورین رژیم حمله مینمود .

۵۱ - حجة الاسلام عباسعلی ناطق نوری : در تأسیس و اداره هیئت مؤتلفه، نقش مؤثری داشت ... در روشنگری مردم و افشاگری بر علیه رژیم طاغوت؛ هیچ مانعی نمی توانست، در اراده او خلیلی وارد آرد. پس از ترور شدن منصور، از نیز با دیگر اعضای هیئت مؤتلفه گرفتار گردید ... پس از آزادی، در راه تفسیر قرآن و بیداری جوانان اسلامی به مبارزات خود ادامه داد... تحت رهبری استاد شهید مطهری، گروه فدای اسلام را پایه گذاری کرد ... بسا رهنمود آیه الله حسینی بهشتی، اقدام بواردنمودن سلاح کرد، بسا اعلامیه ها توسط خود و برادر و فرزندان او طبع و پخش گردید... (از ضمیمه روزنامه کیهان ۱۵/۵/۶۰ استفاده شد. برای استحضار از شرح زندگانی روحانیان دیگر که در راه سیاست دین شهید شدند بکتاب زندگینامه ۷۲ شهید مراجعه فرمائید)

۵۲ - در صفحات ۵۴ و ۳۲۸ و ۳۵۰ شمه ای از موقعیت و سخنان آیه الله سید اسدالله مدنی متولد ۱۲۹۳ و شهید شهریور ۶۰ به میان آمد .

او مدتی در قم از محضر امام خمینی و آیه الله حجت تلمذ کرد... در قباستانها که همچون طلاب دیگر جهت تبلیغ؛ بنقاط دیگر میرفت، از اندوخته های خود، برای طلابیکه در مضیقه مالی بودند، کارسازی میکرد!

رژیم پهلوی، از نظر اینکه او سخت علاقمند دین و تبلیغ بود و به مخالفت با زمام گسیختگی ها بر میخواست، از قم بزادگاهش آذر شهر و بعدها بمسئنی فارس تبعید نمود!

۱- در سیاست و طاعون شکنی این عالم ربانی شمه ای در ص ۱۵۵ و ۱۷۶ و

۲۳۵ نگاشته شد .

تحصیلاتش در مرز اجتهاد بود که بعراق رفته مدتها از مجلس درس آیات عظام، سید محسن حکیم و محمد تقی خوانساری رسید محمود حسنی شاهرودی برخوردار گردیده به مقام اجتهاد رسید... در راه قدردانی از اسلام و استاد بود که وقتی که رژیم بعث عراق (دوره عبدالکریم قاسم یا عبدالرحمن عارف) در یکی از مطبوعات، نسبت بساحت مقدس آیه الله حکیم اسائه ادب نمود، او بعنوان اعتراض پیشاپیش شاگردان خود و مسلمانان حقیقتشاس، راه پیمائیها براه انداخت و دشمن را مجبور بعقب نشینی کرد!

موقعی که امام خمینی، در ایام تبعید، از ترکیه بعراق مهاجرت فرمودند؛ آیه الله مدنی هماهنگ با مجتهدین و فقهای بزرگ آنجا، هم از طریق بعمل آوردن استقبال باشکوه از امام که موجب رضای خدا و امام زمان بود و هم از راه فراخواندن تشنگان علم و فلسفه و اخلاق به مجلس درس امام، تا آخرین نقطه قلب شاه و ساواک و حسودان شب پیره صفت را که آنهمه تجلیل؛ از امام، برای آنها غیر منتظره و تلخ بود، بآتش کشید!

آیه الله مدنی برای افشاگری از مظالم شاه و اربابان او مسافرت هائمی نیز به مصر و تر که نمود.

میکویند آیه الله مدنی، در عراق، مرحوم مجتبی نواب صفوی را که خود در مبارزه با طاغوت؛ خمیره مستعدی داشت، تشویق و با دل و دست پر روانه ایران نمود... چندی بعد آیه الله بفرمان امام بایران مراجعت نموده در همدان

۱- شهید نواب و همزمان او بنام فدائیان اسلام، حسنعلی منصور را در خفقانی ترور نمودند که شاه تا چند روز، خود را باخته نتوانست خبر اعدام انقلابی منصور را پخش کند و بهنگام پخش نیز نتوانست بگوید تربیت شدگان مکتب امام خمینی؛ این کار را کرده اند! بلکه گفت منصور را اشخاص ←

و نقاط دیگر بتعلیم و تربیت و ادامه دادن و زنده نگاه داشتن قیام سال ۴۲ پرداخت که الحق باید. بعد از امام خمینی، او را از پرچمداران انقلاب نامید. چند روز به پیروزی انقلاب می ماند که امام او را در مقابل طومار تقاضای مردم تبریز با شهر اعزام فرمود. بیدآبادی معدوم (فرماندار نظامی طاغوت) شبانه او را دستگیر و تبعید نمود!

بعد از پیروزی انقلاب؛ از طرف امام خمینی مأمور رحل و فصل دعای مردم تبریز گردید و از وقتی که آیه الله قاضی طباطبائی (امام جمعه تبریز پس از عمری سعی در پیشرفت اسلام و مبارزه با کفر نمودن ها و توقیف و تبعید شدن ها، به هنگام مراجعت از نماز هشاء بدست منافقان آمریکائی) ترور شد، وظیفه او نیز راجع با امام جمعه تبریز بودن بعهد آیه الله مدنی محول گردید.

بسا اتفاق می افتاد که در آغاز و اثنای خطبه های نماز با اشک چشم که از قلب رؤف و رقیق سر چشمه میگرفت، نخست خود و سپس دیگران را بترس از خدا و رعایت تقوی، مخاطب می ساخت!

روزی در دارالشرع او بودم که زن و شوهری که کارشان بجدائی و طلاق میکشید با کسان خود وارد شدند. ما با اشاره او برای اینکه مزاحمتی ایجاد

← متدین گشتند!... بعد از ترور منصور، نوبت شاه بود که نواب در حکومت دکتر مصدق، گرفتار و زندانی و بعد اعدام شد!... این زندانی شدن نواب در عهد مصدق و نیز راه یافتن چند کمونیست بکابینه مصدق و نیز کارشکنی های آمریکا که خود مصدق، با استقبال نمودن از اصل ۴ ترور من، نفوذ مستشاران آمریکائی را روز افزون نموده بود، و بالأخره گذشتن کار از کار، امکان نداد آیه الله بروجردی و آیه الله کاشانی بهنگام کودتای آمریکائی، از دکتر مصدق حمایت نمایند!

نکرده باشیم ، با طاق میجاور رفتیم ...

گفتگوها بگوش میرسید . ابتدا با سکون و تأنی ای که از صفات ممتاز قاضی است ، اظهارات طرفین را استماع نمود و چون بیشترین گناه را از شوهر و مادر شوهر تشخیص داد ، آنها را توبیخ نمود ولی پس از آنکه پیوند آنها را تحکیم و میان زن و شوهر ، آشتی برقرار نمود ؛ آنها را در حالی مرخص کرد که همگان ، راضی و شادمان بودند و او با چهره متواضعانه نسبت به عتاب و خطابی که بشوهر نموده بود پوزش خواست و ملتزم دعا گردید ...

(از خوانندگان حقیرست تقاضا میشود ، اگر از یک قاضی و مقام بزرگ و اقلأ از یک بخشدار و کارمند ، غیر روحانی ، از این قبیل اخلاق نیکو که از روحانیان نقل شد و میشود و نیز نظیر صداقت و بی طمعی قضات دادگاههای انقلاب را که در این سی ماه ، بیشتر از مدت عمر پهلوی ! بدعاوی رسیدگی کرده احقاق حق نمودند ، از دیگران دیدند ، سلام ما را بآنها ابلاغ نمایند !

آیه الله علی مشکینی که بطور موقت بجانشینی آیه الله مدنی به تبریز آمد ... در بحثی از اخلاق او ، گفت امام خمینی دستور داده بود به موجودی ، شهید رسیدگی کنم .

«آن مرحوم وجوهاتی که بدستش میرسیده فوراً آنها را در پاکتهای جداگانه ای گذاشته موارد مصرف هر يك را روی آنها می نوشت . از میان وجوهات شرعی زیاد که در روزهای قبل از شهادت بدستش رسیده بود ، بجز سه هزار تومان که مخارج خدمه بود ، دیناری بخود اختصاص نداده بود ! در وصیتنامه ای که بدست آمد ، نوشته بود پول ناجیزی بدخترش بدهند و بقیه را به بیت المال یا امام خمینی تقدیم نمایند ،»

بهمان غذائی بسنده میکرد که برای خدمه تهیه میشد . بیرکت پاکی او

بود که در یکی از نوبت‌ها که بدست آیه الله مدنی اعاناتی از تبریز بجهت جنگ اهداء شد، علاوه از اموال دیگر، تقدینه آن نوبت، پنج میلیون تومان بود! در اوج فتنه حزب باصطلاح خلق مسلمان، مسلمانان کذائی! جایگاه نماز جمعه آیه الله مدنی را با آتش کشیدند... خود او را گروگان گرفتند، نزدیک بود، رشته حیاتش بگسلاند که سر رسیدن عده‌ای از مسلمانان؛ باعث رهائی او گردید!...

یکی از بستگان او نقل نمود که در روزیکه «خلق مسلمان» ادارات را اشغال نمودند، بسراغ آیه الله آمدند در این موقع او بعزم نماز جماعت به مسجد شکلی میرفت. با او گفته شد «خطر جانی در میان است» جواب داد من از شما کله دارم که مرا از وظیفه دینی منع میکنید،..

حجة الاسلام سید حسین موسوی دادستان انقلاب گفت «منافقان تهدید کرده بودند که اگر بنماز بروی، کشته خواهی شد! جواب داده بود مرا از جهاد منع میکنید؟ من میروم و سنگ را خالی نمی‌گذارم!» همچنین دادستان انقلاب نقل نمود که وقتی بر اثر گزارشی که درباره سوء رفتاری یکی از کارمندان بحضورش گزارش شده بود، بکارمند مزبور پر خاش نموده بود. ولی بعد که من توضیح دادم که گزارش مزبور، اصالت چندانی نداشته است، فوراً آن مرد را احضار و در میان جمع پژوهش خواسته بسود! (خود شکنی بسالان از دشمن شکنی است)

دامادشان در مصاحبه تلویزیونی که بعد از شهادت پدر زن بعمل آورد، اظهار داشت آیه الله مدنی در میدان مبارزه بانفس، از افراد کم نظیر بود، شاید توان گفت که او در ردیف سلمان و ابابزر بود.

از کسانی شنیده شد که او می‌گفته «هر چه از خدا خواسته‌ام داده است.

جز شهادت ! »

که سرانجام بدان نیز رسید. بدین ترتیب که بدست منافقی از هواداران بنی صدر آمریکائی که بهنگام انفجار نارنجك، خود نیز واصل جهنم شد، مثل جد خود امیر المؤمنین علیه السلام در محراب عبادت بقاء الله پیوست !

۵۳ - علامه استاد سید حسن امین (از جبل عامل لبنان) در تداوم راه اجداد خود، از علی علیه السلام باین طرف و نیز در تداوم راه پدر (سید محسن امین) که با تألیف گرانقدر خود « اعیان الشیعه » راه تحقیق را بروی جهان عرب باز نمود، ... دست به کار تألیف دائرة المعارف شیعه بزبان انگلیسی شده در تازه‌ای از نور خدا بروی جهانیان افتتاح نمود که تا جهان باقی است روانش - شاد و ذکر جمیلش مستدام خواهد بود ... (بنوشته مجله مکتب اسلام ۱۳ / ۱۰ مؤسسه‌ای در قم بنام دائرة المعارف شیعه با استمداد از شیعیان مشغول به کار است تا کتاب را از انگلیسی بزبانهای دیگر نیز در آورند ...)

علی علیه السلام می گوید «تاریخ را آئینه عبرت قرار دهید»

پس از اجمالاً که توأمان در شرح حال بزرگان دین و طاغوتها بعمل آمد و از خواننده خواسته شد که درست بیندیشد و در قضاوت عجله نکند، یکبار دیگر برای عبرت اندوزی هر چه بیشتر، شاهباز سبکبال اندیشه را که به موهبت الهی میتواند اعصار قدیم و جدید تاریخ را پیبوده شما را به نتیجه مطلوب برساند، مأمور بررسی مینمائیم تا در پاسداری از دین و ولایت فقیه سعی لازم بعمل آید که به مصداق قرآن هر چه در این راه، از جان و مال سرمایه - گذاری کنیم، از همان لحظه، سود سرشار آن عاید خود و آیندگان ما خواهد بود... فرستاده ما قایل فرزند حضرت آدم را می بیند که او، بر اثر اینکه قربانی برادرش هابیل که مردی متقی بوده است مورد قبول در گناه احدیت شد و لسی قربانی او پذیرفته نشد؛ برادر را میکشد و آنگاه مثل همه تبهکاران و متکبران بنا چیز بودن خود پی میبرد که از فضیحت برادر کشی و درماندگی هر امان میشود! تا سرانجام از کلاغ یاد میگیرد که جسد برادر را چگونه زیر خاک پنهان نماید!.. فرستاده، قوم نوح را می بیند که در فکر و افتخار مال اندوزی، جهان را بفساد میکشاند و عرصه را بر خداپرستان تنگ مینمایند و در شیطانیت به مهارتی میرسند که حتی زن نوح عَلَيْهَا و یکی از فرزندان آنحضرت را از راه خدا منحرف میکنند و سرانجام گرفتار طوفان بی امان میشوند!..

فرستاده سبکبال، امت حضرت صالح یعنی قوم ثمود را می بیند که آنها با همه هوشیاری ای که داشتند بغرور قدرت و فریب شیطان، کوری و خواب - آلودگی را بر هدایت و سعادت ابدی ترجیح داده پیامبر دلسوز خویش جوابهای ناروا گفتند: قیامت را تکذیب کرده مؤمنین را استهزاء نمودند. بر هب آسمانی گفتند «ما امیدوار بودیم که تو آئینه خوبی داشته باشی آیا ما را از عبادت در

برابر بتها که بتقلید از پدرانمان بجای می‌آوریم، منع می‌کنی؟
 سرانجام بگمان اینکه صالح از آوردن معجزه درخواستی آنها درمیماند
 و عزت و احترام خود را در میان مردم از دست میدهد، از او معجزه خواستند و
 عهد کردند که اگر مطلوب آنها که همان بیرون آمدن شتری بابچه خود، از
 اندرون کوه است، عملی شود، سرطاعت در برابر فرمان پیامبر خدا فرود آرند.
 ولی آنها همچون همه کفار که در قافله موس حیات آنها وفا نمهد وجود ندارد،
 شتر را که پس از بیرون آمدن از شکم کوه مدتها با آنها شیر داده بود با همدستی
 دوسه نفر زن اشرافی و هرزه‌گرد! کشتند و بچه آنرا آواره بیابانها نمودند.

۱- قرآن ۱۱/۶۲ ... تقلید عقلائی، از قبیل اینکه پزشکی از پزشک دیگر
 و صنعتگری از صنعتگر دوم، در کسب موفقیت بیشتر در معامله و ابتکار و
 پیشرفت فن، تقلید مینماید و نیز تقلید از فقیه که او اعمال عبادی و سیاسی و عقود
 و ایقاعات را از منابع دین، اخذ و بکار می‌بندد، مستحسن ولی تقلید کور کورانه
 که کفار از پدران می‌کنند، زشت می‌باشد. تقلید از امام خمینی که ابر قدرت
 شرق را مخصوصاً در اشغال افغانستان و ابر قدرت غرب را در رابطه با هزار جنایت
 محکوم نمود، واجب، ولی تقلید از آخوند تبریزی، گناه نابخشودنی میباشد.
 آنجا که همینکه کسانی یعنی حزب باصطلاح خلق مسلمان، با استفاده از صبر
 و کظم مسلمانان تبریز، سازمان صدا و سیما، آذربایجان و استانداری و ادارات
 حساس آنرا اشغال نمودند، سیاستمداران اعلامیه داد که مسلمانان؛ آرایش
 خود را حفظ کنند... در حالی که مسلمانان در صفوف چندین صد هزار نفری
 هجوم آورده متجاسرین را بیرون ریخته ثابت نمودند که آنها تنها از امام صادق
 و پیروان او اطاعت می‌کنند که فرمود هر فقیهی در خور تقلید نیست! (احتجاج
 طبرسی جلد ۲ ص ۲۶۳)

سپس در صدد قتل خود صالح بر آمدند که بصاعقه و صیحه آسمانی چنان از پای درآمدند که گوئی اصلاً نبوده‌اند^۱

طائر اندیشه ، نمرود ، دیکتاتور عصر حضرت ابراهیم را که از فرط ظلم ، بعباد ملقب شده بود ، می‌بیند. او از جهل مردم استفاده نموده خود را بسلطنت شهر بابل میرساند و از آنجا مقام ریاست بتکده را نیز اشغال نموده از راه ترویج شایعات ، خلق را به بت پرستی و دادن نذورات به بتکده که شامل تقدینه‌ها و جواهرات و اغنام و کنیزان ماهر خ میشود ، تشویق مینماید که بدون اینکه کسی بداند یا حقی چون و چرا داشته باشد بیشترین عواید بتکده بطرف

۱- خیلی بجاست که ابر قدرتها و مزدوران آنها از قوم نمود عبرت بگیرند که آنها با اینکه در تمتعات حیوانی و داشتن ساختمانهای سنگی (نسبت بزمان خویش) . از ابر قدرتهای زمان ما پیشرفته‌تر بودند، باز بکیفر تبهکاری چنان نابود شدند که جز نامی از آنها باقی نماند، همچنانکه رستن سوریه و لیبی و الجزائر و ایران و فریاد رعد آسای مردم السالواد در فیلیپین و ایرلند شمالی و لهستان و افغانستان و اریتره و مخصوصاً بتشنج کشیده شدن و شکست خوردن طرح فهد در کنفرانس وزرای عرب (مراکش آخر محرم ۱۴۰۲) ناقوس مرگ استعمار و صدای بیل و کلنگ کور کن آن می‌باشد... (آیه الله حسینعلی منتظری و جناب میر حسین موسوی نخست وزیر طی اعلامیه‌های خود خاطر نشان نمودند که این شکست افتضاح آمیز در مرحله اول ببرکت رهنمود امام خمینی بود که طرح مزبور را طرح آمریکا خواند و نیز نمره راهپیمائی میلیونها مسلمانان ایران بود که در جمعه ۲۹/۸/۶۰ صدای اعتراض خود را بگوش جهانیان رساندند!)

دربار او می‌رود!

روزی در اثنای اینکه متملقان و بذله‌گویان جیره‌خوار ، پایسه تخت و شوکت نمرود را در قالب الفاظ ! بالا می‌بردند ، ستاره شناسان ؛ خبر دادند که فلان شب ، نطفه شخصی منعقد می‌شود که او پرده‌ها را بالا می‌زند و طومار عزت نمرود را درهم می‌پیچد !

می‌گویند همان شب ، بدست‌وو نمرود همه مردان ، از لشکری و کشوری و بازاری و غیره ، زن و خانه را ترک و به خارج شهر می‌روند . غافل از اینکه کسی که در رأس اجرای این حکم قرار دارد ، پس از نقل و انتقالات ، مخفیانه به منزل ، کنار زن بر می‌گردد و این بر گشتن بحکم خداوند توانا ، بانعقاد نطفه حضرت ابراهیم بت شکن می‌انجامد ! ابراهیم در محیط اختفاء بحد بلوغ می‌رسد و به پیامبری مبعوث می‌شود !

شاید قبول این حقیقت برای کسانی که از زهر حکومت‌های طاغوتی ، تلخکام نشده‌اند دشوار باشد ، که چگونه ممکن است رنج يك کشور را در کاه‌یابی يك نفر خلاصه کنند ! چگونه ممکن است نمرود بتواند که بگوید بخاطر بقای من ، امر زناشوئی را مختل سازید ! ولی ما دیدیم و هر کسی در

۱- کلمبی در کتاب خود بنام اصنام ، از شخصی نقل می‌کند که گفت يك جفت کفش بدرواز بان بتکده تحفه آوردم با خوشروئی پذیرفت . نقش این تحفه‌ها در ترویج موهومات و بالا بردن مقام بت ، بر کسی پوشیده نمی‌باشد... همچنانکه دیدیم عبدالله ریاضی رئیس مجلس طاغوتی با دادن لقب « آریامهر ، خورشید شرق » بشاه مخلوع که پایه‌اش باد پندار بود ! مقام جبروتی شاه را برای غارت نمودن هر چه بیشتر ، بالا برده موجبات خود کامگی و عیش و عشرت گردانندگان بتکده را فراهمتر نمود !

کشوریکه ولایت فقیه ندارد، می بیند که هر صدای ناموافقی که از خارج یا داخل نسبت بشاه یا رئیس جمهور بلند میشود، گردانندگان بتکده ها بدون اینکه نام طاغوت را به میان آرند، بزریا زور، آن صدا را باین عنوان خاموش می کنند که « مملکت در خطر است »!

نمرود برای حفظ وضع موجود، دعوت حضرت ابراهیم را رد می کند، منطق مستدل او را بجواب کودکانه بر گزار می نماید... همیشه از موضع قدرت سخن میگوید که نظیر آن در مانور ستاره درخشان آمریکا در مصر و ورود آتش سرخ شوروی بافغانستان، مشاهده می شود... دستور بآتش افکندن مصلح آسمانی را صادر میکند و سرانجام بانیش پشهای ضعیف میبرد!

چند روز قبل از بآتش افکنده شدن آنحضرت که باعجاز خداوندی، آتش گلستان میشود، فرستاده ما پیرزنی را می بیند که پشتهای خار را نفس زنان بطرف صحرائی که قرار بود، آتش در آنجا فروخته شود، حمل میکند! از او سبب این فداکاری را سؤال می کند، از جواب می دهد « هر کسی برای تقرب به بتها و برای جلب رضای نمرود مقداری هیزم اهداء نموده است. من برای اینکه از سعادت همکاری محروم نبوده باشم! کهنه کلیمی که داشتم فرو ختم و این مقدار خار را که قیمتش خیلی گران شده است خریدم... دود از سر پش و هشگر بالا میرود که حکام جنایتکار، از قدیم تا کنون چگونه و با چه دسائسی افکار ستمگرانه خود را بخلاق خدا تزریق و تحمیل مینمایند! (قصص قرآن، صحنی)

فرستاده، امت حضرت هود را که در تاریخ بنام قوم عاد و سمعیل بدبختی مشهور شده اند می بیند که آنها نشانه های خدا را دیدند و انکار کردند و بتلقین ریاست طلبان گردنکش، که امروزه بنی صدر و رجوی مثال زنده آنها هستند در برابر پیامبران خدا علم عصیان برافراشتند. قیامت را تکذیب کردند و این بریدن از

حکومت حق ، کارشان را با نجا رساند که از هر شاه و شاهکسی و جبار و عنودی پیروی کرده حقوق ضعفا را پایمال نمودند تا در دنیا و آخرت ، خوشبختی را از دست بدادند و خواری و عذاب را پذیرا گردیدند ! (بوزیدن باد سخت خود ، نقش زمین شدند و منازلشان زیر شنها مدفون گردید) عمده مشخصات آنها این بود که بر هبر آسمانی که بدون انتظار پاداشی ، از مصائب و شدائد استقبال می کرد و داروی بهبودی و تربیت را در کام آنها فرو میریخت (امام خمینی نمونه بارز آن) ! میگفتند در قبال اینکه به بتهای ما اسائه ادب نموده ای آنها مغز و افکار ترا آسیب رسانده اند .

ما بسخن تو ، دست از دامن بتهای (ابر جنایتها) بر نمی داریم و همچنین بسه مؤمنین هود یعنی بهشتی های آن زمان تهمت و افترا بستند ... (قرآن سوره هود) فرستاده سبکبال ، امت حضرت لوط را می بیند که آنها بجای حسن استقبال از نصایح آنحضرت ، بمال و گرز و کوپال خود مغرور شده رهبر و مؤمنین را تهدید نمودند که اگر دست از تبلیغ بر ندارید تبعید می شوید . آخر کار ، زن آنحضرت را هم بلطائف الحیل ، از راه خدا بدر بردند ... آنها با وجود نهی پیامبر ، مرتکب عمل شنیع ، همجنسگرایی شدند و سرانجام بزلزله دبارائی از سنگ و گل که نام و مأموریت هر سنگی روی آن نقش شده بود ، از پای درآمدند ...

۱- قرآن (۱۱/۴۳) میگوید چنین بلاها که کیفر ظالمان است ، قطع نخواهد شد ... و باز می گوید (۱۱/۸۹) نقل آوازه قلع و قمع شدن قوم لوط سالیان دراز زنگ خطر بود برای امتهای بعد . همچنانکه امروزه نیز بقول فرهنگنامه کتاب قصص قرآن تألیف حجة الاسلام صدر بلاغی ، سر بدر آوردن شهرهای زیر و رو شده عاد و ثمود و امثال آنها از زیر خاک ، هم زنگ خطر ←

طائر اندیشه ، شعیب پیامبر را می بیند که امت او برای تجسس، در رهگذرها می نشینند و... راهزنی مینمایند... کم فروشی و خیانت و دزدی، از صفات مشهور آنهاست. هر چه رهبر آسمانی آنها پند میدهد و سرگذشت بعذاب الهی گرفتار شدن قوم نوح و هود و صالح و لوط را با آنها بازگو مینماید نفع نمی دهد. آنها بشیوه همه نگویختن دیگر که سخن هر گوینده را با میزان مال و کسان گوینده ارزیابی می کنند، حضرت شعیب را که عده و آلانی نداشت، بعنوان مردی ناتوان در نظر آورده بفساد خویش ادامه می دهند و رهبر را تهدید بسنگسار شدن مینمایند تا کم کم بتأثیر تبهکاریها پایه اجتماعشان متزلزل و سرانجام بعذاب الهی گرفتار میگردند.

طائر اندیشه، فرعون مصر را می بیند که خوابگزاران باو خبر میدهند که عنقریب، از یکی از خانواده های بنی اسرائیل، پسری بدنیا می آید که تاج و تخت ترا بنا بودی میکشاند... فرعون دستور میدهد موالید ذکور را اعدام نمایند. بقول محمد مولوی «صد هزاران طفل، سر بریده میشود»، ولی کسیرا یعنی موسی را که خدا خواسته بود؛ از تنگنا جان سالم بدر میبرد... در خانه خود فرعون بزرگ میشود... موسی عليه السلام پس از آنکه به مأمور متجاوز فرعون يك سیلی میزند، او بر خلاف انتظار موسی، جان تسلیم میکند. موسی پا- بفرار می گذارد... از این طرف سبب ساز حقیقی در مقابل اینکه شعیب پیامبر با وجود قهرامت لحظه ای از یاد خدا و نصیحت امت غفلت نمی ورزد، موسی را بنخانه او میکشاند و بدامادی او در می آورد و شبان گوسفندان او میماند:

← است برای ستمگران و هم جزء معجزات قرآن است که از ۱۴ قرن

پیش، سر نوشت زیر خاک رفتن آنها را خبر داده و حالا حفاریها آنها را اثبات می نمایند!

موسی پس از مدتی با زن و کوسفندان ، مدین ، شهر پدر زن را بسوی مصر ترك میگوید . در اثنای راه از طرف خدا مأموریت پیدا میکند که زن و احشام را بحال خود گذاشته بابرادرش هارون ؛ فرعون را بسوی خدا دعوت کنند . فرعون که بر تخت کبریائی تکیه زده است و حاضر نیست کسی را بالاتر از خود به بیند ، بیهانه های گوناگون ، نصایح آنها را تخطئه و همیشه از موضع قدرت سخن می گوید .

گاه میگوید خدای شما که باشد؟! گاه می گوید خود من خدا هستم و این کشور و سرچشمه ها از آن منست . روزی به موسی تهمت میزند که آمده است اراضی مردم را از کفشان بگیرد . و روز دیگر بمردم میگوید بنام یاری خدایان ، موسی را بکشید و چون معجزات و تائیدات خداوند ، پشتیبان موسی است ، موفق نمی شود . در عین حال برای حفظ موقعیت خود و استمالت و تحمیر مردم ، شهرت می دهد که موسی عليه السلام را بخاطر شما نمی کشم ، اجازه دهید بکشم تا بینم خدایش ، چگونه بداد او میرسد؟! فرعون که از اژدها شدن عصای موسی سخت بو حشت افتاده است بکسان خود دستور داده است آنها را بدر بار راه ندهند . (در حالی که موسی و همه پیامبران و وابستگان آنها ، به همراه داروی تربیت و سعادت خلق ، قدم بقدم گریز پایان را دنبال مینمایند.) روزیکه گریزیائی درخ نمودن فرعون ، موسی و هارون را بستوه آورده است خداوند ، یکی از نزدیکان فرعون را با آنها می رساند . او می گوید دختر من در حال مرگ است اگر خدای شما او را شفا بدهد من ، راه ملاقات شما با فرعون را نشان میدهم بدعای موسی دختر بهبود می یابد و آن شخص ایمان می آورد و می گوید فلان روز ، فرعون از فلان راه به شکار خواهد رفت ...

فرستادگان خدا که نمی خواهند فرعون ؛ در گمراهی بماند و بندگان

خدا را در قید بردگی و شکنجه نگاهدارد، سر راه بر فرعون و اطرافیان
میگیرند و برای چندمین بار بلطف و مدارا پیام میرسانند ...

فرعون هر چه نرمی می بیند و با معجزات موسی مواجه می شود بر عنادش
افزوده میگردد. اما چه کند که کاخ خداوند گاریش از درون فرو می ریخت.
روزی زرش به موسی ع ایمان می آورد و شوهر رامورد اعتراض قراره میداد و شهید
می شد و روز دیگر، مؤمن آل فرعون که از مقر بان در گاه بود، بدفاع از موسی
بر میخواست و نطقی ایراد می کرد که اگر فرعون، گوش شنوا داشت می پذیرفت
و او را تعقیب نمی کرد!

در این موقع بتلقین اطرافیان متملق، معجزه موسی را بدیده سحر نگر بسته
ساحران را با وعده جوایز گرانها به میدان اومی فرستد ولی آنها بدیدن معجزه،
به موسی ایمان می آورند. فرعون بر آنها بانگ میزند که بجزای بدون اجازه
ایمان آوردنتان بدست جلاد می سپارم!.. با اینحال کار از کار گذشته بود هر
روزی که میگذرد بر آگاهی مردم و اعتراضشان بفرعون افزوده می شود؛ تا
ناگزیر اجازه می دهد که موسی، قوم خود را بردارد و مصر را ترک گوید ...

متأسفانه فرعون مثل همه جباران، بقول و امضای خود ارزشی قیایل
نیست. پس از اجازه خروج دادن، آنها را تعقیب میکند و در حالی بآنها میرسد
که دریا باعجاز خداوندی خشک شده قوم موسی عليه السلام از آن گذشته و لشکریان
فرعون، در وسط دریا قرار گرفته بودند ... آب که تا لحظه قبل مثل قطعات
کوه باز ایستاده و راه داده بود؛ بهم بر می آید و فرعون و لشکریان را که با سنگینی
از گناه بدوش داشتند هلاک میسازد.

۱- قابل توجه کسانی است که میگویند آمریکا کاری بکار مذهب مردم
ندارد! آمریکا بوسیله دونفر از مزدوران آمریکائی خود کتابی بنام زمینه ←

فرستاده ما از تجسم این همه فرازونشیب ، از خود می پرسد؛ آیا زمام امور بدست کسانی مثل نمرود و فرعون و محمد رضا سپرده شود که دم از خدایگانی بزنند یا کسانی مثل حضرت محمد و وابستگان او که دمی از یاد خدا و رحمت و تواضع در برابر بندگان خدا غافل نمیشوند ؟

بدست فرعون سپرده شود که بگوید آنچه من می گویم صوابست ! چرا قبل از کسب اجازه از من ایمان آوردید ؟ بدست سلطان محمود سپرده شود که ابوریحان را از بام قصر فرو اندازد و بگوید در عین اینکه پیشگوئی تو درست است

← جامعه شناسی تهیه نموده آنرا بوسیله کسی که از بازیگران عصر طاغوت بود ، ترجمه و در ایران ، پخش مینماید ! از آن طرف اکثر دانشکده های کشور؛ دانشجویان را مجبور میکنند که آنرا مطالعه کنند و امتحان بدهند ! حالا وقتی این اجبار، مورد بررسی قرار میگیرد ، معلوم میشود . این کتاب برای شستشوی مغز دانشجویان موحد بدانشکده برده شده است ... از عجایب این کتاب که از آن طرف اقیانوسها بارمغان آمده است .! اینکه از واقعیتی بدان بزرگی که یهود و نصاری و اسلام یعنی اکثریت دنیا، شکافته شدن دریا و گذشتن جامعه های و غرق شدن جامعه دیگر ، بدان اعتقاد دارند؛ خبری نیست.

ولی از نحوه پیدایش مذهب از طریق شعبده بازی ، ماربازی و اجنه بازی يك مشت مردم موهوماتی ، سخن بسیار به میان آمده است تا بگمان باطل خود ، عقیده دانشجویان موحد را متزلزل نمایند!

ندیدن عصائی که ازدها میشود و تمام مارهای جادویی ساحران را بسلسع میکند و نیز ندیدن دریای قلزم که با اشاره همان عصای موسی ؛ خشك و کوچه ، کوچه می شود ، ولی دیدن طبل دونفر طبائیل فلان دهکده و مارفلان شعبده باز از مشخصات جامعه شناسان استعماری میباشد !

اما چرا باید خلاف نظر من سخن بگوئی! بدست محمد رضا سپرده شود که بگوید هر که حاضر نشود بعصویت حزب رستاخیز من در آید، کشور را ترک گوید؟! یا بدست حضرت محمد و تربیت یافتگان مکتب او سپرده شود که آنحضرت در عین فرمانروای ملک « ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ... علمه شدید القوی ... » بودن و اسم اعظم دانستن، وقتی در شورای جنگ احد، اکثریت آراء بر آن قرار گرفت که لشکر اسلام، مدینه را ترک و باستقبال دشمن شتابد باینکه مصلحت نمی‌دید و نتیجه جنگ نیز بصواب بودن رأی آنحضرت را ثابت نمود باز بپذیرفتن رأی اکثریت، یاران خود را شخصیت داد؟!!

بدست فرعون و محمد رضا سپرده شود که دانشمندان نیک اندیش را بکشد یا زندانی و تبعید نماید یا بدست حضرت محمد سپرده شود که چون، مکه، شهر بزرگترین دشمنان را فتح کند؛ ... اشک از دیدگان فرو ریزد و بگوید « بروید که همه‌تان آزاد شد گانید ». بدست فرعونها و محمد رضاها و بنی‌صدرها سپرده شود که دو تای اولی خود را خدایگان میخواندند و بنی‌صدر هم در عین جهل و خود کم کردن، خویش را اندیشه قرن میخواند و یا بدست فقهاء که بتأسی از حضرت محمد می‌گویند خدایا بمیزان علم مان بیفزا و اشیاء را چنانکه هستند بمان!

بدست فرعونها و صدامها سپرده شود که قول خود در آزاد ساختن قوم می‌شکند و جان میلیونها سر باز خود را بخطر می‌اندازد و میلیاردها دلار بودجه را تلف مینماید یا بدست محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تربیت شدگان او مثل امام خمینی سپرده شود که بگوید ما سر جنگ نداریم بلکه صدام با تجاوز بخاک اسلام، جنگ را آغاز نموده است، هر وقت بر گشت و تسلیم داد گاه شد، جنگ تمام می‌شود!

بدست فرعونها و محمد رضاها سپرده شود که خود و کسانی که فساد کنند و

بشخصیت پاکی مثل موسی علیه السلام اهمیت فساد بزنند یا بدست امثال امام خمینی
ببشارند که کسان او در اثر صدق و صفای خود؛ ریشه های فساد را یکی پس از
دیگری قطع مینمایند!

بدست فرعونها و محمد رضاها سپرده شود که ملت را گروه گروه نموده
بجان یکدیگر بیندازند یا بدست امام خمینی ها که بیشتر بن سفارشش بر
اتحاد است؟

بدست فرعون و محمد رضا سپرده شود که اولی زن پاکی همچون آسیه و دومی
زنان پاکی مثل لیلا زمر دیان و محبوبه افرا زور و آلاپوش و فاطمه امینی را
بدست جلاد سپرد! یا بدست امام خمینی که شخصیت و احترام تاراج شده زنان پاک
را بخودشان عودت داد!

بدست اسراف کنندگان مثل فرعون و محمد رضا سپرده شود که حتی
برای قبر خود میلیونها دلار هزینه بر آورد می کنند یا بدست امام خمینی و
امثال او که از بزرگترین مهمان خود در خانه محقر، روی موکت باغذای
خیلی ساده پذیرائی میکنند؟

بفرعون سپرده شود که بمصداق قرآن، ملت را زیر زور و ستم بخواری
و خفقان کشید و ملت بیچاره هم در آرامش گورستانی! اطاعتش نمودند! بریگان
سپرده شود... که همیشه از م... وضع قدرت سخن می گوید
که نمونه ای از آن راجع بایران در ۴۲۶ گذشت... بحسنی مبارک سپرده شود
که با قلع و قمع مسلمانان و پر کردن زندانها از آزادیخواهان، پایه های لرزان
حکومت آمریکائی خود را مستحکم نمود. بخواهر پطر کبیر روسیه سپرده
شود که برادر خرد سال را تبعید نمود و با استبداد و خودکامگی پرداخت... آیا
به پطر سپرده شود که از فرط توسعه طلبی، گفت ما باید از راه هند و افغانستان،

راهی باقیانوس هند باز کنیم. بگوستانهوزاک سپرده شود که بکمک آرتش شوروی (پیمان ورشو) دوبچک را که مورد قبول و احترام ملت چکوسلواکی بود، از کار برکنار و خود در آرامش خفقان به حکومت پرداخت. یا به حضرت محمد و تربیت شدگان دین او سپرده شود که آنحضرت پس از ده سال فرمانداری خدائی در مدینه و شهرهای تابع، پایه عدالت را تا آنجا بالا برد که در حلیت خواستن از مردم، گفت مرگ من نزدیک شده است! هر کسی طلبی از من دارد بگوید و بستاند و اگر رنجشی دارد، بر خیزد و قصاص نماید. که در آن میان تنها یک نفر بلند شده گفت در فلان صف آرائی، سر تازیانه شما بشانه من که لغت بود بر خورده است. من تا قصاص نکنم رضایت نمی دهم! همینکه حضرت پیراهن را از شانه مبارک، کنار میزند تا تازیانه را پذیرا شود، مردم حیرت زده مشاهده می کنند که آن مرد با اشک شوق (با امید آمرزش گناه خویش)، بر شانه مبارک (روی مهر نبوت) بوسه می زند!

طائر اندیشه در سر راه خود دقیانوس شاه رومی بیند که خداوند او را بعنوان آزمایش، نیرو میدهد. دقیانوس بر ممالک و جاویر حمله میبرد و همه را مغلوب و مقهور نموده با غنائم و اسرائی که از جمله آنها پسران پادشاهان بود، به کشور خویش بر میگردد. کم کم سیل در آمد که همه چیز را از طلا می سازد و مجسمه هائی از آن تهیه میکند و قصری از فیروزه و جواهرات برایش تهیه میشود. باد پندار او را میر باید تا دعوی خدائی میکند ...

بهریک ازشش شاهزاده جوان اسیر خدمتی بزرگ معین میکند ... بعدها یکی از پادشاهان دور دست نامدای بازمینویسد که تو آنچه باید از قدرت و سلطنت بر خوردار شدی اکنون زمان آن رسیده است که زمام امور را بمن بسپاری و گرنه با لشکری جرار می آیم و چنین چنان میکنم! ... دقیانوس که قدرت

مقابله را در خود نمی بیند از اندرون فرو میریزد ولی اثری بر روز نمی دهد ... روزی گربهای جست و نظر فسی از بلندی افتاد و صدای وحشتناک ایجاد کرد ... دقیانوس که فکر حمله شاه دیگر او را از پای در آورده بود، بشنیدن آن صدا رنگ رخ، از دست میدهد. یکی از شاهزادگان را که ناظر اوضاع بود سندی زنده بدست می آید که اگر او خدا بود، چنین خود را نمی باخت ... این جریان را با دیگر شاهزادگان در میان میگذارد ... که همه آنها از دقیانوس روی میگردانند و بغاری پناهنده میشوند که بعدها با صاحب کهف مشهور میگردند.

توضیح اینکه از اعجازهای قرآنست که از این حقیقت پرده برمی دارد و ۱۴ قرن بعد شخصی از رادیو بی بی سی می پرسد که این قضیه در اسناد غیر اسلامی هم آمده است؟ جواب میدهد؛ آری در تاریخ روم قدیم آمده است! و آنها بهفت برادران مشهورند!

طائر اندیشه در میان قوم یهود قدم می زند که متوجه می شود چند نفر جوان شهوت پرست از زن یا کدامین ویر بچهری، کام میخوانند و چون جواب رد می شنوند، از امثال خود استشهادی تهیه نموده پیش حکومت وقت طرح دعوی مینمایند که او را داده است باید کیفر ببیند ... حضرت داود هنوز سکوت اختیار نموده تا دستوری از خدا برسد در این میان حضرت سلیمان که طفلی نو رسیده است بتعلیم غیبی، شهود را احضار و از فرد فرد آنها بطور جدا گانه بازجوئی میماید و با دیدن اختلاف در شهادت آنها کشف میکند که آنها شاهد زور میباشند! ...

(اقتباس از قصص قرآن ابوبکر عتیق، تحشیه استاد یحیی مهدوی)

توضیح: چگونه رواست که جامعه ها همه چیز را که از جمله آنها طرز بازجوئی جدا گانه است؛ از پیامبران بدست آرند ولی دستاران و مجریسان احکام آنها یعنی فقهاء را از حکومت برکنار کنند؟

پژوهشگر، حضرت زکریا را می بیند که گریزان، از راههای پرییچ و خم فلسطین میگذرد و چون بدرخت بزرگی که شکافی در ساقه داشت، میرسد، از هول جان در اندرون درخت قرار میگیرد و دعا میکند، ساقه بهم بر میآید و او را میپوشاند. و از پشت سرا و جلادان یهود را می بیند که پسران پسران فرا میرسند و چون از شیطانی می شنوند که زکریا در اندرون درخت مخفی شده است درخت را بسا مقیم آن از ساقه قطع مینمایند.

چندی بعد، فرزند او، حضرت یحیی را که بحکم خداوند از دوران صباوت به نبوت و حکمت رسیده بود می بیند که باز جلادان یهود میگیرند و سرش را در طشت زرین، از تن جدا مینمایند!

پژوهشگر نتیجه تحقیق از این دو جنایت را که پیامبران یعنی معلمین معصوم بشریت این چنین مظلومانه گشته می شوند، با انجامیرساند که در دوران استیلای روم، فلسطین، در آتش بیداد ساخت و باخت پادشاهان با نماینده روم میسوخته و هر پیامبری یا مصلحی سخنی بر خلاف میل «آریامهر آزمان» میگفته، یا به لکه تهمت آلوده میشد و سپس بقتل میرسید و یا زندانی شده بعداً سرش پیش پادشاه برده میشد! (انجیل متی ۱۴/۷)

حالا دوری در اینکه چرا باید حکومت بدست بیخردانی سپرده شود که این چنین بجان معلمین بشریت بیفتند با شماشت! معلمینی که علاوه از تنظیم امور و روابط اجتماعی، یکی طرز لباس دوختن دیگری طرز محاکمه و آن سومی راه تشخیص گیاهان خوردنی و آن چهارمی طرز اهلی کردن اسبان را ب مردم آموخته و حق بزرگی بگردن خلق دارند!

طائر اندیشه سابقه آشنائی با تن بذلت دادن بنی اسرائیل که مدتها از طرف فرعون و مصریان پایمال شدند و عکس العمل نشان ندادند تا حضرت موسی

نجاتشان داد! و نیز بسابقه آشنائی با راحت و رفاه طلبی آنها که بجای شکر از نجات خود و نزول مائده آسمانی؛ فریاد «کو سیر وعدس؟» را با آسمان بلند کردند؛ تا حضرت موسی عليه السلام با آنها هشدار داد که میتوانید بشهر بر گردید اما بسایید بپذیرید که اگر در شهر حکومت خدائی مستقر نباشد؛ همان خفقان و ذلت در انتظار شماست! و سرانجام بسابقه معرفت با کوتاه فکری و لجاجت و قسوت آنها که در غیاب حضرت موسی عليه السلام بگو ساله سامری گردیدند و حضرت هارون را که منجی آنها بود باستضعاف کشیدند و از شرکت در جهاد خودداری کردند تا رهبر دلسوز غصه مرگک شد!...

پس از آنکه سالها گذشت و آنها حکومتی تشکیل دادند، روزی فرستاده ما بدنبال لشکریان آنها برای افتاد تا رفتار آنها را با دشمن، مشاهده نماید؛ و از این طرف کرد و غبار جنگ و بوی خون باندازه ای فضا را گرفته بود که نتوانست چنانکه باید اطلاعات لازم کسب کند. لذا بگفتگوی آنها گوش میدهد و چنین می شنود: عوج ملک باشان را بحدی شکست دادیم که احدی از برای وی باقی نماند!.. همه را هلاک نمودیم، چنانکه بسا سیحون ملک حشون کسره بودیم... هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم. تمامی بهائم و اموال را بغارت بردیم! (تورات، تثنیه باب سوم) شهر را که خدا بملکیت تو در میآورد هیچ ذی نفسی را زنده نگذار! (تثنیه ۲۰/۱۷)

لازم بتذکر است که نواده های این قوم خونخوار و نژاد پرستند که در قصبات دیر یاسین و کفر قاسم برای ارباب و انهزام سکنه، سیل خون برآه انداختند... همانها که برای پیشروی بداخل لبنان، هر روز با توپ و بمب شهرها را تخریب و نفوس را مقتول مینمایند. آنها که شاهزاده عهد برای برسمیت شناخته شدن آنها، باکاتر «عرق میریزد» (عکس آندوهم پیاله در روزنامه اطلاعات)

...فرستاده سری هم بروم میزند و آنجا خود کامگیها و کشتارهای نرون را می بیند. سپس ژولسزار را می بیند که او در محیط خفقان، از مجلس ملی میگذراند که ژولسزار مالك جان و مال و... مردم میباشد؛

قیصرهای دیگر را می بیند که اغلب سرگرم جنگ با ایرانیانند که گاه غلبه میکنند و گاه مغلوب می شوند. تنها چیزی که جلب توجه می کند از دست رفتن نفوس و اموال مردم می باشد (نظیر مسابقه تسلیحاتی شرق و غرب امروز که سالیانه بیش از ۵۵۰ میلیارد دلار پول هدر میشود)

قیصرها وقتی هم که از جنگ ایران فراغت حاصل می کنند، دستور هجوم و شبیخون زدن بنقاط ضعیف را صادر مینمایند تا برای آنها برده و غارت بیاورند که فلسطین، یکی از این کشورهاست که با تهاجمات غافلگیرانه بتصرف روم درآمده بود!

فرستاده، هیرودیس پادشاه فلسطین و پیلاط نماینده روم را می بیند که آنها باتکیه بامپراطور روم استبداد را از حد گذرانده اند. هیرودیس شاهی که معاصر طفولیت حضرت عیسی است، اطفال را بدست جلادان می سپارد تا مسیح موعود، از میان برود. همچنین هیرودیس معاصر سی و اند سالگی آنحضرت را می بیند که او، مسیح را بجرم اینکه از ضعفاء حمایت و مردم را بسکب استقلال و آزادی دعوت و فتودالها را توبیخ میکند، دستگیر و بچوبه دار می سپارد که باعجاز خداوندی، عیسی ناپدید میشود تا بار دیگر به مدلول انجیل و قرآن، با ظهور مهدی موعود که علت غیبتش مثل علت غیبت عیسی و خفقان و تحت کنترل بودن تولد او مثل تحت کنترل بودن ابراهیم و موسی و عیسی بود که در صفحات گذشته با آنها اشاره شد، ظاهر شده دجال را بکشد و مردم را بقبول امامت آنحضرت دعوت نماید (انجیل یوحنا ۶/۱۵ و ۱۴/۲۱ و متی ۲۰/۲۸ و ۱۷/۲ و ۱۴/۲۳ و ۲۴/۲۴ و

لوقا ۱۶ / ۱۵) و یوحنا ۱۴: ۲۸ و نسا ۹: ۲

فرستاده ، کیکاوس را که همان بقول بیرونی است (ص ۴۹۰ گذشت) می بیند . هر چه در اخلاق او مطالعه میکند جز عیاشی و بدون تحقیق قضاوت کردن که بعنوان نمونه «بوسوسه زن بوالهوس خویش؛ بر فرزند پادشاه کد امنی مثل سیاوش ، خشم میگیرد» چیزی مشاهده نمی کند !

تا آنجا که سیاوش با فراسیاب که در حق کشی و بدون تحقیق فرمان دادن همانند کیکاوس بود پناهنده شده مظلومانه کشته می شود که جنگهای صد ساله ایران و توران را که هزاران انسان را نابود و اموال بیکران را تبدیل بخاکستر مینماید ، بیار می آورد !

(شاه ترکان سخن مدعیان می شنود ... شرمش از مظلومه خون - سیاوشش باد. حافظ)

از کیکاوس جز این نمی بیند که او وقتی بغرور سلطنت سوار عقابان نیزه -ر میشود و با آسمان و بجنک خدا می رود و دل و بازو شکسته بر می گردد و وقت دیگر هوس تسخیر اژندران می کند و خود و لشکریان را بزندان و تباهی میکشاند... طائر اندیشه - ساهزاده یا بزرگزاده ای از اهل یمن و تبع بنام ذونواس را می بیند که او به راه لشکریان وارد یثرب می شوند و اموال یهودیان را غارت می نمایند !

یهودیان صدیق می گویند ما بیهوده در این بیابان شهر سازی نکرده ایم . بلکه از اینکه از حضرت موسی عليه السلام شنیده ایم که «حمد و الله و الله و الله» پیامبر آخر الزمان پس از بعثت ، باین نقطه مهاجرت مینماید ، سراغ او آمده و با انتظار نشسته ایم... لشکریان ، اموال آنها را پس می دهند و ذونواس هم کیش یهودیت را قبول مینماید و تصمیم می گیرد یهودیت را بجهه جاگسترش دهد ... چندی بعد بذونواس که خود حاکم یمن می شود خبر میرسد که مردم بجران بر اثر کرامتهائی

که از شخصی مسیحی بنام فیمیون ، دیده‌اند بآئین او در آمده‌اند.

... ذونواس با لشکر جرار وارد نجران شده خلق را بترك مسیحیت یا کشته شدن منخیر میسازد ! و چون مردم در دین خود استقامت بخرج میدهند . فرمان میدهد آتشی بر می‌افروزند و مردم را در آن می‌افکنند ...^۱
فرستاده ، یکی از مسیحیان را می‌بیند که ، از آتش ذونواس جان بدر برده خود را بقیصر روم که اسماً مسیحی بود رساند و درخواست کمک نمود . قیصر دوری راه را بهانه قرار داده گفت تنها میتوانم پادشاه حبشه که هم کیش منست توصیه کنم ... سفارش قیصر بنجاشی رسید . او هم ابرهه را با لشکری مجهز بجنک

۱- خلاصه‌ای از تفسیر صافی ذیل آیه ۲/۸۹ بستفتحون و قصص قرآن نوشته موسوی وغفاری ... بنظر مؤلف ، یکی از هدفهای قرآن ، در بمیان کشیدن ذکری از این جنایت شاهانه اینست که هشدار دهد که جامعه‌ایکه در برابر شاهنشاهی وزائیده آن یعنی ولایتعهدی ، سر تسلیم فرود آرد باید مظلومه آنرا هم در نظر بگیرد و جریمه آنرا هم که براه افتادن جوی خون و خا کستر شدن انسانهاست باید بپردازد که سینه تاریخ ، از امثال آنها هزارها نشانه دارد! اگر ذونواس عاری از تعصب بیجا بود یا حوصله مطالعه میداشت یا میدانست که در عقائد باطنی مردم نباید بزور متوسل شد و یا اقلامی دانست که حضرت عیسی علیه السلام دین تازه نیاورده بود بلکه بقول انجیل متی (۵/۱۸) برای اتمام تورات و بقبول قرآن ، برای حکمت آموزی و رفع اختلاف از یهودیان آمده بود ، این فاجعه را بوجود نمی‌آورد . همچنانکه اگر یهود و نصاری تعصب باطل را کنار گذشته توجه می‌کردند که قرآن برای حفظ اصالت کتب قبلی و رفع اختلاف از میان امم گذشته آمده است ؛ اینهمه کار شکنی نمی‌کردند (قرآن ، آیه ۶ بروج و ۴۳/۶۳ و ۱۶/۳۹)

ذونواس فرستاد. ذونواس روی بفرار نهاد و یمن بتصرف ابرهه درآمد... چندی بعد ابرهه از مشاهده اینکه مردم یمن برسم ج... اهلیت بزیارت بتهای بیت الله الحرام بمکه میروند، بیتی در یمن ساخته با جواهرات بیاراست و گفت راه را کوتاه کردم، هر کس باید بجای کعبه باین بیت روی بیاورد!

این تکلیف شاق، مخصوصاً برای اهل مکه گران آمد... یکی از جهال مکه بتعصب جاهلیت بیمن رفته فرصت را برای آوردن «بیت شه ساخته» غنیمت شمرد! ابرهه بتلافی این اهانت و رقابت مذهبی با لشکری عظیم و پیلان جنگی وارد مکه شد تا خانه خدا را ویران کند که بمصداق قرآن؛ طیرا باییل باراده خدا با سنگهایی که بمنقار آورده بودند، همه را تارومار کردند! خود ابرهه هم تا صنعا فرار کرد ولی نتوانست جان بدر برد...^۱ ما شرح جنبه اعجازی این

۱- خداوند را لشکریانی است غیبی که همه جای دنیا بر سلطه آنهاست: گاه بخاطر ابراهیم علیه السلام آتش را گلستان می کنند! گاه بخاطر موسی علیه السلام دریا را می شکافند! زمانی بخاطر حفظ کعبه، ابرهه و لشکریان را نقش زمین مینمایند و زمانی دیگر بکمک رزمندگان اسلامی میروند و سرود دست ۷۰ تن از بزرگان کفر را کنار چاههای بدر؛ می شکنند. وقتی بکمک روح الله خمینی و روحانیت مبارز میروند و بحیات منجوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی خاتمه میدهند و وقت دیگر بکمک پاسداران و بسیج و عشایر و دیگر رزمندگان ایرانی میروند و آنها را در باز پس گرفتن شهر بستان باری میدهند!... (خلاصه‌ای از سخنرانی جنابان تیمساران سلیمی وزیر جنگ؛ ظهیر نژاد، صیاد شیرازی، افضل و بهرامی...)

گفتنی است که در مهرماه ۶۰ بعیادت یکی از برادران، اعضای انجمن حجتییه تبریز (ناصر-م) که زخم عمیقی در جنبه سوسنگرد برداشته و از اطاق عمل جراحی بیمارستان مشهد بطور عاجز آسا بسلامت بیرون آمده، دوران ←

واقعه وحشت انگیز را که آمدن فیاها و معدوم شدن آنها با سواران ، مدتها برای اعراب ، مبدء تاریخ شده بود ، بعهد نویسنده کان بزرگ می گذاریم . تنها از حسابگران منصف می پرسیم : آیا اگر ابرهه علم می داشت که کعبه را بت پرستان نساخته اند بلکه حضرت آدم بنا نهاده و حضرت ابراهیم و اسماعیل

۳ - نقاحت رابه تبریز تشریف آورده بود ، رفتیم . درخلال این بحث که در تمام جبهه ها خدا و امام زمان علیه السلام ، ازما حمایت میکنند ، گفت روزی بدنبال این که ۳۳ بار ، برادر دیده بایم بمن که متصدی هدف گیری و آتش تانک بودم ، دستور آتش داد ولی من بر خلاف روزهای قبل (شاید بعلت غافل بودن از مبدء (اعلی) نتوانستم هدف را بزنم... تصمیم گرفتم تانک را روغنکاری و بازرسی نمایم . برای آخرین بار که گلوله را بجایش می گذاشتم . روی لفافه آن با قلم مازیک نوشتم « این گلوله را بنیابت از ولی عصر علیه السلام بسوی دشمنان آنحضرت شلیک مینمایم » دیری نگذشت که دیده بان خبر داد که يك « نفر بر » و چندین خودرو را با سر نشینان منهدم نمودی !..

شهد آیه الله مدنی از قول رزمندگان مسلمان در جنگ تحمیلی ، نقل نمود که اسرائیلی گرفتیم ... آنها خواهش نمودند که فرمانده خود را بما نشان بدهید . هر کس را نشان دادیم گفتند این نبود ... ما کسیرا دیدیم که بسرعت برق حرکت کرد . با ورود او بکارزار ، وضع جنگ بنفع ایرانیان تغییر نمود و ما اسیر شدیم ... (امام زمان . قوای غیبی !... فاستجاب لکم انی ممدکم بالرف من الملائله مردفین... مارمیت اذرمیت ولکن الله رمی) (سوره انفال ۹ و ۱۷)

... پدر سید ناصر علایی در تلویزیون گفت ناصر از ۱۴ سالگی با جان و مال بنفع انقلاب جهاد میکرد تا وارد سپاه پاسداران شد . می خواست بجبهه برود ولی خانواده تاب جدائی او را نداشت . دریک تصادف ، چشمش بسختی آسیب ←

آنها تجدید بنا نموده‌اند و این غلبه جهال است که خانه خدا را خانه بتها
نموده‌اند! باز اقدام بتخریب مینمود؟

گذشته از عالم مذهبی آیا یکنفر یهودی یا عیسوی صدیق که نشانه‌های
از ایمان بن خدا داشته باشد خود و دیگران را بچنین مهلکه‌ای می‌اندازد؟
بالآخره آیا یکنفر خردمند در پاسخ عمل نامعقول یکنفر جاهل، بچنین کار
خطرناکی که تلفات جانی و هزینه هنگفتی را دربر دارد، دست می‌زند؟
آیا در میان مسبین و آغازگران و آتش‌افروزان اینهمه جنگها از قدیم
و معاصر، امثال جنگهای هفتساله اول و دوم و جنگهای سی‌ساله اول و دوم اروپا
و محاربات بین‌المللی اول و دوم و محاربات صلیبی، یکنفر متدین و فقیه اسلامی
دیده می‌شود؟

فرستاده، دو برادر کمبوجیه و بردیارا می‌بیند که اولی در نهان برادر را
می‌کشد و عازم جبهه جنگ می‌شود و قصدش اینست که در مراجعت، بدون

← دید. بتهران بردیم. جراحان وارد عمل شدند. روزی سید ناصر گفت پدر را
دست بده معامله‌ای بکنیم. نذر کنیم اگر چشم بهبود یافت اجازه بدهید بجبهه
بروم. قبول کردم... دیری نگذشت دکتر گفت داروی شفای ناصر از جانب
خدا بود که اینچنین بخوبی و بسرعت معالجه شد... روزی ناصر گفت بخواب دیدم
که در درب حرم حضرت حسین ایستاده‌ام. درب باز شد. بان درون رفتم. میگریستم
که اماما از خدا بخواه دل خانواده را برای جبهه رفتنم نرم کند. امام از قبر
ظاهر شد و گفت ناصر عجله مکن، تو هم بما میرسی... پدر میگوید پس از شنیدن
این خواب و بعد از آن عهد که کرده بودیم. اجازه دادیم. رفت و همچنانکه
امام حسین فرموده بود همچون شهدای کربلا جنگید و بآنها پیوست!

داستن رقیب^۱، فرمانروائی کند. غافل از اینکه، یکی از کار گزاران دربار، بنام گماتا از خیانت کمبوجیه بهره برداری نموده نقابی برخ می اندازد و خود را باسم وشکل بر دیا در می آورد و بر تخت می نشیند و حکومت میراند و کمبوجیه هم که ثمره برادر کشی او را گماتا چیده بود، خود کشی مینماید! (تاریخ عباس پرویز)

۱- ۸۷ سال قبل مجله زن؛ روز نوشته بود که نیکلای امپراطور روس در ملاقات با ناپلئون، رئیس جمهور فرانسه گفته بود «جهان برای دونفری ما تنگ است... پیرامون علوی طلبی آنها و هر طاعوت دیگر گفتنی است که هیچ انسان بدون غرض و مرضی حاضر نمی شود تحت حکومت طاعوت زندگی کند بلکه حکومت امثال شیخ مرتضی انصاری دوست دارد که او، از وجوهائی که از اکناف جهان تشیع به حوزه اش سرازیر بود برای شخص خود استفاده نکرد و روزی هم که رحلت نمود، چیزی نداشت! تا اینکه یکی از تجار، متکفل هزینه مجلس تر حیم او شد! (مجله مکتب اسلام) و نیز حکومت امثال امام خمینی را دوست میدارد که او قدرت را از آن خدادانسته میگوید «مرا خدمتگزار بگویند بهتر است که رهبر...»

براین اصل است که دیده می شود مردم در راهشان که راه خداست، از جان خود و عزیزان خود می گذرند!

۱- در فیلم تلویزیونی مشاهده شد که مادر (علی حسینزاده عضو حجتیه) میگفت «روزی که امام در بیمارستان بستری شد، ضمن دعا، با خداوند داد و بستدی کردم و گفتم «خدا یا محبوبترین فرزندانم را از من بپذیر و امام را صحت عطا فرما...» چیزی نگذشت علی، محبوب خانواده ما که در دوره طاعوت، در پخش اعلامیه ها مورد محبت آیه الله قاضی طباطبائی بود. علی ما که اگر بعنوان عضو جهاد سازندگی بروستاها میرفت؛ چنگال فتوایهای خوناشام را از پیکر مردم قطع و جائی ←

پژوهشگر، خشایارشارا می بیند که از دیگران شکست میخورد و برای اینکه غرور خود را برخ ملت ایران بکشد، بدریا تازیانه میزند! ...
از سلاطین ساسانی شاپور را می بیند که (بقولی) اعراب را که از نداشتن رهبر آسمانی، در میان دولت روم و ایران، وامانده بودند میگیرد و آنها را شانه بشانه می بندد و بشاپور ذوالاکتاف مشهور میشود.

... فیروز شاه را می بیند که برای اینکه رقیبی در سلطنت نداشته باشد ۳ برادر را می کشد و چهارمی را بزند و آنرا می افکند و آنگاه بعنوان فاعل مایشاء حکومت مینماید. (تاریخ طبری ص ۸۷۲)

پژوهشگر، شاپور دوم را مشاهده میکند که او با صد هزار سرباز بجنگ

← در دل مستضعفین برای خود باز میگرد. علی ما که اگر در تبریز در میان پاسداران قرار می گرفت، علاقه و توجه همگان را بخود جلب مینمود، بناگاه جرقه شرکت در جبهه، سراسر وجودش را ملهتب ساخته او از ما خدا حافظی کرد و بجبهه آبادان شتافت ... پس از چندی خبرش آمد که روزی غسل شهادت بجای آورد و با هم زمان بجنگ کفار رفت و در حالی که قرآنی بهمراه داشته و دست و دل و جان را موظف با اجرای فرمان آن نموده بود، جنگیده با عده ای از پاسداران بقاء الله شتافت ...

در مصاحبه هائی که با مادران شهداء بعمل می آید؛ در عده معتنابهی این روح فداکاری و فدا دادنها متجلی است! اجرشان زیاد، روانشان شاد، راهشان مستدام و دشمنانشان مقهور باد!

۲- مادران جوانان گولخورده (مثل طریق الاسلام) همینکه اعدام شدن فرزندان خود و سالم ماندن جمهوری اسلامی از شر منافقان را می شنوند شکر خدا بجای می آورند!

روم میرود. در فرسیده با آسیای صغیر، فرستاده گان فرمانروای ولایات ادینه با تحف و هدایائی پیش ناپور میآیند. شاپور، باد درغبنب می اندازد و می گوید «میبایست خود شاه شما می آمد و بر رکابم بوسه میزد! حالا این هدایا را بفرات بریزید و بگذرید. در بر کشتن، گوشمالی سخت بشاه میدهیم.»

لذا این طرف، پادشاه زخم خورده ادینه تا مراجعت شاپور که تصادفاً شکست خورده و نصف بیشتر لشکریان را از دست داده بود، سر راه بر شاپور می گیرد و بقایای لشکر شاپور را مقتول و پراکنده و خود او را منهزم مینماید. و نتیجه آن با دیندار این میشود که سر بازان بیگناه که بهتر است، آنها را بیچارگان و اسیران شاهنشاهی یا جمهوری دموکراتیک بنامیم! بخون خویش آغشته میگردند و زنان حرمسرای ساسانی بدست اجانب می افتند. (منبع فوق)

پژوهشگر دقت میکند که به بیند شاهان و امپراطوران، در اوقات فراغت از جنگ، چه میکنند، می بیند که آنها بروی این اصل که اگر مردم مجالی برای شنیدن پند مصلحان و اندیشیدن در امور خود، داشته باشند، تن بقبول زور و لشکر کشیهای بیهوده نمی دهند، آن یکی نیروی انسانها را در ساختن آتشکده و هیزم کشیدن بسوی آن و مداحی از آتش هزار ساله تلف مینماید و آندیکر بر تعداد بتکده های افزایش و مداحان را میگمارد تا با وعده و وعید، مردم و نذورات را بطرف بتکده بکشانند!

پژوهشگر، خسروانوشیروان را در جلسه مشورتی مشاهده می کند... چنانکه نتیجه شوری نشان میدهد این مشورت صورت واقعی نداشته بلکه همچنانکه صدها نظائر آن را در طاقوت ایران و مصر و همه جا دیدیم و می بینیم، انوشیروان تصمیم خود را که وضع مالیات بر اراضی بود گرفته بود و این کردهم آئی جنبه تشریفات داشت...

دبیری در آن جلسه در دفاع از زارع و کشاورز میگوید « وضع مالیات بر اراضی ، این نارسائی را دربر دارد که ممکن است وقتی محصول آفت به بیند و زارع در پرداخت مالیات ؛ تحت فشار قرار گیرد . بهتر است مالیات بر مبنای محصول اخذ شود ، انوشیروان که انتظار نداشت کسی غیر از تصدیق و تملق سخنی بگوید ، بانگ میزند که شما در برابر من صلاح اندیشی مینمائید ؟ آنگاه چندان با قلمدان بر سر نماینده دبیران ضربه وارد می شود که جان ، تسلیم مینماید ؟! (تاریخ طبری جلد ۲ ص ۹۶۱)

خزانه انوشیروان در اثر جنگهای ممتد ، خالی میشود . شاه از هر کسی قرض می خواهد جواب منفی می شنود . روزی بوذرجمهر ، شادیکنسان گزارش میدهد که از کفشگری پیدا کردم . بشرطی که دولت اجازه دهد فرزند او هم درس بخواند ، پول لازم در اختیار می گذارد . که با جواب رد مواجه میگردد! (شاهنامه جیبی جلد ۶ ص ۲۵۹) ... بیگمان شاه نخواست ، چشم و گوش تاجر و زحمتکش باز شود ، تابداند که در طبقات بالا از عیش و نوش چه می گذرد... حالا انتخاب با خوانندگان است ، حکومت بسلسله شاهان که آن یکی پروبال مرغ دانش رامی بست و این آخری علوم انسان ساز اسلام را از دانشکده ها حذف مینمود! و آن کلیسا که گالیه ها «جان هوسها» را بجرم اندیشیدن و کشف کردن ، محاکمه یا اعدام مینمود ؛ سپرده شود بهتر است یا بفقهاء یعنی شاگردان و مجریان فرمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله که طلب دانش را واجب نموده گفت از مهد تا لحد دانش بجوئید ؟... همچنین تحقیق در پیرامون این شایعه که شاه پرستان ؛ از زبان حضرت محمد یعنی اشرف مخلوقات خبر سازی نمودند که آن حضرت بولادت خود در زمان همچو شاهی مباحث نمود ، با انصاف و اندیشه خواننده محول می شود!

پژوهشگر، خسرو پروزرا می بیند که برای بدست آوردن تخت و تاج، پدر را بزند و میفرستد و چشمش در میان آورد و بقتلش میرساند !
فرمان خسرو را می شنود که در جواب این گزارش که می گویند « فلان فرماندار را احضار نمودیم ولی نیامد » می گوید « خودش نیامد ، سرش را بیارید کافی است » (دوخبر از فروغ ابدیت ص ۵۲)

خسرو دوبرادر را بسمت رئیس و معاون لشکر با هزاران سرباز، بجنک روم می فرستد . یکی از برادران ، در خواب می بیند که خسرو کشته شده و او بجایش نشسته است ! این رؤیا را بخواص خود میگوید ... سخن بگوش خسرو میرسد ! برادر دیگر دستور میدهد کردن برادر را بزند . او خود داری میکند. این دفعه آن برادر دیگر مأمور قتل این برادر می شود ! او هم از قتل برادر خود داری مینماید ، نتیجه با آنجا منجر می شود که آندو برادر از بیم جان ، با لشکر و آلات جنگی بدولت روم پیوسته بجنک با پرویز می پردازند (قصص قرآن ابوبکر عتیق ترجمه یحیی ص ۳۱۵)

پژوهشگر، خسرو را در حال فرار از انتقام ملت و استمداد از امپراطور روم و بر کشتن بر سر قدرت می بیند ! همچنانکه محمد رضائیز بهمان روم گریخت و با فرمان تازه ای از استعمارگر آمریکا که کودتای ۳۲ را بوجود آورد و بر سر تخت بر گشت !

خسرو با داشتن دوازده هزار کنیز و نوازنده و رامشگر و ۳ هزار زن در حرم سرا که مثل آنها مثل در قفس زرین کردن مرغان زیبا و خوش الحان بود ؛ بشنیدن اینکه پادشاه یمن دختر زیبایی دارد فوراً خواستگار می فرستد و چون جواب رد می شنود فرمان بسیج صادر مینماید ... بیچاره سربازان که علاوه از اجبار و ارباب ، همیشه روحشان با اراجیف « شاه سایه خداست ... چه فرمان

یزدان چه فرمان شاه پیوند خورده است! بایپیلان جنگی یمن را تارومار، پدر رامقتول و دختر را جلب مینمایند (روزنامه آذربادگان ۵۶/۸/۹)

پژوهشگر، در ادامه تحقیقات؛ ملتفت می شود که در تمام دربارها گروهی مأموریت پیدا می کنند بهر نحوی است مردم رامشغول نمایند مثلاً گروهی عشق بازیهای خسرو و آندیکر، عزل شدن فلان گروه از نوازندگان و بر سر کار آمدن گروه دیگر را نقل مجالس مینمایند... از این راه شعرا بنان و نوا میرسند... کار تنویم و اغفال ادامه پیدا می کند تا بعصر پهلوی میرسد و در عصر پهلوی هم در حالی که دیگران در صنعت و تکنیک دواسبه پیش میروند، شاگردان دبیرستان مجبور می شوند، اشعار طرز شریفیات بسریاست نوازندگان رسیدن باربد را بخوانند بخاطر بسیارند...

در عصریکه بیگانگان، نفت کشورهای استعمارزده را بشن بخش میبردند و از آن هزاران نوع ابزار و وسائل ساخته بقیمت روزافزون، بصاحبان اصلی میفروختند و لازم و ضروری بود که دولت، مردم را بتولید و تکثیر محصول کشاورزی و صنعتی تشویق و راهنمایی کند، بجای همه آنها اوقات مردم باین صرف میشد که در قهوه خانه ها از انقلاب باصطلاح سفید شاه تعریف کنند و دور رادیو تلویزیون جمع شوند تا بدانند در قمار بازی ۳ روزه اخیر که بنام بخت - آزمائی رایج شده بود چه کسی برنده اول و چه کسانی دوم و سوم و... شده اند...

۱- شنیده شد که یکنفر قهوه چی از مشوق یا فروشنده بلیط بخت آزمائی خواهش نمود که قهوه خانه را بتعریف و توصیف بلیط بخت آزمائی که منع مذهبی دارد اشغال نکند. چون این سخن بگوش سازمان باصطلاح امنیت رسید، بیچاره را احضار و چنان تهدید نمودند که دوسه روزه جان داد!

و باز شنیده شد که بشاگرد مغازه ای در قرعه کشی بخت آزمائی مبلغ ←

میلیونها نفر پول میدادند و چند نفری برنده می شدند که از آن میان باج سبیل درباریان و سازمانها و متنفذین تأمین می شد!

پژوهشگر، از زیادی کشتار و بوی خون دربار ساسانی که شاهزادگان، بجان هم افتادند تا نوبت سلطنت بدختران و عموها رسید، می خواست آنجا را ترک گوید، بنظرش رسید که وضع فرهنگ ساسانی را که فردوسی در آن مورد می گوید « بدربارش کار آ کهان داشتی - به بیدانشان کار نگذاشتی » بررسی نماید. از شرح و بسط خط میخی که از صدها علامت، تشکیل می شد و خواندن و نوشتن آن خیلی دشوار بود می گذرد و بفارسی ساسانی و خط پهلوی آن میرسد. زبان و خطی که در نقاط شرق ایران، (مخصوصاً در خانواده‌هایی که بتعصب آب کهنه مصانع را بر زلال اسلام ترجیح میدادند،) متداول بود تا کم کم متروک شد! ...

کتب مشهور عصر ساسانی، امثال کارنامه اردشیر بابکان، و نوروزنامه را بدست می آورد و لسی برای خواندن آنها هر چه میکوشد، موفق نمی شود! اشکالات را از استادانی که بخرج دولت و با صوابدید «ساواک» برای فرا گرفتن خط پهلوی بخارج رفته و برگشته بودند می پرسد. جواب می شنود که این زبان و خط آن، نه در زمان حیات، قاعده و دستور داشت و نه حالا دارد!

← معتنابهی، اصابت میکند او از فقهاء می شنود که اینهم نوعی قمار است دهها هزار نفر باخته اند و تو برنده شده ای ... جوان از دریافت پول خودداری می کند. صاحب مغازه که تاجر مسلمانی بوده، بشنیدن این خبر، دختر خود بجوان میدهد و زمام امور بدست او می سپارد: و این عمل، سفارش پیشوایان را بثبوت میرساند که اگر آدمی، از مال و شهوت حرام اجتناب کند، خدا حلالش را باو می رساند!

دانشجویی که میخواهد لیسانس بگیرد باید جملات را حفظ کند^۱ (این نمونه و مثالی است تا معلوم شود ملتی که خطش چنان باشد، فرهنگش چگونه و دانشگاهش در چه پایه بوده است!)

۱- اگر روی کتاب خوانا باشد حفظ کردن آن، برای قبول شدن در جلسه امتحان و برخوردار شدن از حقیق لیسانس، چندانهم دشوار نمیشود که متأسفانه خط هم بیقاعده و ناخوانا میباشد.

چگونه میتوان خطی را مطالعه نمود که مثلاً برای ۳ حرف «ا - ح - خ» تنها يك علامت موجود است. خواننده باید خود تشخیص دهد که آن کلمه آهخ است یا هاخ است یا خاه است و یا ... علاوه از آن، بیش از هزار کلمه بسبب و صورت کلمات کشورهای مجاور نوشته می‌شد و لسی صداه معنای ایرانی میداد مثلاً عشر نوشته میشد و ده تلفظ میگردید. تحما نوشته میشد و ثان قرائت میگردید. بسرا نوشته و گوشت خوانده میشد. یهورنت و یگورن نوشته می‌شد و معنای «بود و میشود» میداد... شاید ملی گرایان را با این تکیه گاه که مادانشگاه جنبدی شاپور داشتیم و فرهنگ پدران ما چنین و چنان بود این حقائق گران آید که در جواب آنها برای اینکه بقول علی عليه السلام بیش از این بساستخوانهای پوسیده، فخر کرده نشود، اسناد و دلائلی چند ارائه میشود.

۱- قرآن در نخستین آیات سوره جمعه، انسانهای قبل از اسلام را در ضلال مبین می‌داند!

۲- همچنانکه ملت ایران در دست رژیم شاهنشاهی بسته و آمده در اوائل هجوم اعراب، از شاه بر گشتند و حتی اهواز و آذربایجان بدون جنگ بتصرف مسلمانان درآمد. چنانهم از دست خط ناخوانا بتنگ آمده بودند با ورود خط عربی، در فاصله کمی، خط و زبان یهلوی متروک گردید ... از امتزاج کلمات عربی و فارسی، ←

فرستاده، یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی را می بیند که او پس از شکست از اسلام، روی بفرار میگذارد و چون حکومتش جنبه اشرافی داشته و بر استبداد نهاده شده است. صرف نظر از اینکه کسی به حمایت از جان او بر نمیخیزد

← زبانی شیرین و خطی خوانا بوجود آمد که فارسی دری نامیدند.

(چو غنم لیب فصاحت فر و شدای حافظ - - تو نطق او بسخن گفتن دری بشکن!)

۳- استاد پورداود بدنبال شعرای ملی گرا در مسیر رضایت اربابان ضد - اسلام، بتعریف ایران باستان و نکوهش جمله اعراب می پردازد. در صورتیکه اگر اسلام نیامده بود هنوز ایرانیان در تاریکی و پیچ و خم امتیازات «طبقاتی» و خط فاخوانای پدران درمانده بودند! (چهارده مقاله حجة الاسلام حجتی و روزنامه اطلاعات شماره ۱۲۷۴۵ و مجله مکتب اسلام سال ۱۳)

۴- شعرا با سرودن اشعاری نظیر «ز خون کیان شرم دارد پلنگ - - و کر کشته یابد ندرد پلنگ ... شهامهر تو کیش و آئین ما - - پرستیدن نام تو دین ما... چنان دان که شاهی و پیغمبری - - دو گوهر بود در یک انگشتری ... لقد سعد الدنيا بـه دام سعدة و و» بستایش شاهان پـداختند و شاهان هم متقابلاً بآنها لقب «حکیم» دادند ... (رضاخان برای شاعر هزاره گرفت و فروغی اولین نخست وزیر طاغوت دوم، گفت خواندن کتاب او بهر جوان محصل ضروری میباشد!) شعرا سلطان محمودیرا بدانش پروری ستودند که ابن سینا با استادش بوسهل مسیحی از هیولای تعصب و سختگیری او راه فرار در پیش گرفتند، شعرا سلطانی را ستودند که او، ابوریحان را از بام قصر فرافکند! ص ۴۲۴ گذشت.

پس دانشگاهی که اکثریت طبقات مردم بآن راه ندارند و زبانی و خطی نیست که وسیله پخش افکار شود چه تعریفی میتواند داشته باشد؟! یعنی ←

بلکه او از ترس انتقام ستمدیدگان ؛ مخفی میشود و سرانجام بدست آسیابان
بقتل میرسد ...

.. یعقوب لیث رامی بیند که او، گرچه از میان طبقه کارگر برخاسته است

← نویسنگانی که در عالم خیال برای انوشیروان ، زنجیر عدل ساخته و حماردیرا
برای دادخواهی بکنار آن کشیدند و همکاران آنها آن مسئله خنده آور را بعنوان
واقعیت در کتب مدارس عصر پهلوی درج کردند، همانها هستند که بزرگنمایی
دانشگاه جندی شاپور در برابر نظامیه بغداد و الازهر اسلامی . مأموریت داشته اند ..
باین حساب ، دانشجوئی هم که از جندی شاپور فارغ التحصیل شده است هرگز
پای فارغ التحصیلهای مکتب اسلام امثال بوعلی و بوریحان و خیام ریاضی دان و
فارابی و سیبویه نمی رسد !

۵- اسماعیل ^{نژادین} اسعد گوگانی در داستان « ویس و رامین » که در زمان
غزنویان بنظم در آورده است میگوید این داستان از داستانهای عصر ساسانیان
میباشد . بخطی که هر که مینوشت حتی خود نیز نمیتوانست آنرا بخواند ، من
آنرا بفارسی شیرین دری در آوردم که خواندن و نوشتنش سهل و آسان
میباشد !... « ولیکن پهلوی باشد زبانش - نداند هر که بر خواند بیانش ...
نه هر کس آن زبان نیکو بداند - و گر خواند بسی معنی نداند ... بدان
طاقت که من دارم بگویم - و زان الفاظ بی معنی بشویم ... فراوان وصف هر
چیزی شمارد - - چو بر خوانی بسی معنی ندارد ... » دیوان مزبور ص ۲۰ و ۳۹۵

۶- مورد تقدیر قرار نگرفتن دانشمندان نیز موجب کساد بازار دانش میشد
بطوریکه بر زویه طبیب که کتاب کلیله و دمنه را با آن رنج فراوان از هندوستان
بایران آورد ، بجای ترفیع ؛ تنزیل دید!... بزرگمهر در عهد انوشیروان چندین
بار بزندان افتاد و سرانجام هم بدست خسرو پروزیز کشته شد (گروه دستکاران)

ولی از نداشتن فقاہت و از ناآشنائی با رموز زمامداری، بغرور زور بازو، تحت تأثیر خدعه معتمد، خلیفه عباسی قرار گرفته با خواص خویش بمیان لشکریان معتمد میرود تا مستقیماً مسائل سیاسی را حل و فصل نمایند! که بناگاه، گماشتگان معتمد از کمینگاه درآمده ایرانیان را تارومار میکنند؛ یعقوب هم گرچه از مهلکه جان بدر میبرد ولی دیری نمی‌پایند!

طاهر ذوالیمینین را مشاهده میکند که بیعتی را که با مأمون نموده است می‌شکند و دم از استقلال می‌زند... اما بزودی، بزهریکه مأمون برایش می‌فرستد مسموم میشود و در میگذرد!...

سلطان محمود را می‌بیند که او چنان دلبسته طلاست که در ظاهر بنام تبلیغ اسلام (زورکی ۱۹) در باطن برای بدست آوردن جواهرات بتکده سومات، بارها به هندوستان لشکر می‌کشد. در داخل کشور نیز حسنک را بوزارت می‌گمارد که او و معاونان او در تصاحب املاک مردم راهی را در پیش میگیرند که بعدها رضاخان در پیش گرفت و مفتضح شد!

پژوهشگر؛ ملک‌شاه را مشاهده میکند که او هم مثل محمود دستخوش متملقان شده است. با اینحال وزیر بنام خواجه نظام الملک دارد که مانع بسیاری از افراط و تفریط‌های شاهانه می‌شود... تا اینکه روزی ملک‌شاه عزلش می‌کند و او هم پیام می‌دهد که تاج تو بدستار من بسته است... خواجه بدست تروریست‌های اسماعیله کشته می‌شود و ملک‌شاه نیز بدنبال او در میگذرد.

سلطان سنجر بن‌مات دشمنان شیعه، زواری را که در سامراء در محل غائب شدن حضرت ولی عصر علیه السلام اجتماع کرده با خدا راز و نیاز برای تسریع در ظهور

۱- پس از مرگ محمود، حسنک بدست مسعود، کشته و ام‌سوالش

مصادره شد.

آنحضرت دعا می کردند و خود سازی مینمودند، متفرق مینمایید... همینکه از آنجا برمی گردد گرفتار جنگ با «غز»ها میشود و با حرمسرا باسارت می افتد... سلطان اتسز خوارزمشاه را می بیند که سر از حکومت مرگزی برمی تابد. سنجر، ادیب صابر ترمذی را مأموریت میدهد که نصیحتش کند. ولی او ادیب را باغوش امواج جیحون می سپارد!

محمد خوارزمشاه را مشاهده می کند که خود را با کسانش گروهی از تبار مغول را می کشند و اموالشان را تصاحب مینمایند. چنگیز نمایندگان گانی جهت جلب قاتلان بدربار اومی فرستد. ولی شاه که روابط خود را با اسلام و فقهاء بریده است مرتکب جنایت دیگر میشود. بدین معنی که دستور می دهد بعنوان اهانت، مژه و ابروان آنها را می کنند و بر می گردانند... که ثمره جنایت شاهانه آن می شود که سیل مغول، کشورهای اسلامی را فرامی گیرد و علاوه از بر باد رفتن اموال و آثار تمدن و فرهنگ، تنها در یک شهر نیشابور، بقولی یک میلیون انسان و حتی حیوانات هم از دم شمشیر میگذرند!

نیمورلنگ، از خاندان مغول را می بیند که تا مسکوپیش میرود و آنجا را آتش می زند. شیراز را بیهانه دبر و کم فرستادن آب لیمو و اصفهان را بیهانه های دیگر بدست غارتگران می سپارد!

نادرشاه را می بیند که از فقه و فقهاء فاصله می گیرد. و در نتیجه کمترین مجازاتش درباره کسانی که مورد تهمت قرار می گیرند، کنده شدن چشمشان از حدقه است که فرزندش رضا قلی میرزا از جمله آنهاست!

بزرگان لشکر بجای اینکه از قاطعیت او، در تداوم بر انداختن دشمنان ایران استفاده نمایند، با کشتن او، چشم و جان بازماندگان را بیمه و حفاظت می کنند!

کریمخان زند بر خلاف نظر فقه و فقهاء ، بیضتین آغامحمد خان قاجار را در میآورد و مقطوع النسبش مینماید و او هم چون بقدرت می رسد ؛ در اثر دوری از دین و فقهاء ، مخصوصاً سلسله زندیه را از دم شمشیر می گذراند و دستور میدهد جسد کریمخان را از قبر در آورده در دربار او زیر پایش دفن نمایند؟! سرانجام در اثر سختگیریها و قتلها که مرتکب می شود بدست افسران خویش بقتل میرسد .

پژوهشگر ، مهد علیا مادر ناصرالدینشاه رامی بیند که او ، از کنترل دقیقی که امجدتقی امیر کبیر در جلو گیری از هوی و هوس درباریان و عمال بیگانگان بعمل میآورد ، سخت وامانده و ملول شده است . تا سرانجام بتلقین سفارتخانه های روس و انگلیس ؛ خود را به بیماری می زند و چون ناصرالدین بعیادتش میآید ، آنچه از حیل و خدعه در سینه دارد ، بکار می بندد تا ناصرالدینشاه که متملقان ؛ او را بشاه عادل ملقب کرده بودند ؛ بر خلاف تمام موازین انسانی و اسلامی ، آن مسلمان فداکار را بدست جلاد می سپارد ؛ و باین عمل شخصیت های وطن دوست را متوحش ساخته بازار تملق و عشرتکده های درباری را رونق میدهد !! شرح قرنهاهی آگم رشکن قاجار و واگذاری عوائد گمرکخانه ها بدولت روس و انگلیس را از کتاب دامیر کبیر ... نوشته حجة الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی مطالعه فرمائید .

فرستاده ما از دیدن خیانت مادر ناصر بیاد جنایت زن ایتالیائی فرهاد چهارم اشکانی می افتد که شوهر را مسموم و مقتول نمود! ...

زن اردشیر بابکان رامی بیند که زهر در طعام شوهر کرد! ..

زن خسرو پرویز یعنی مادر شیرویه رامی بیند که او بدردیکه از هووها در سینه دارد ، فرزند را بکشتن پدر تحریک مینماید! ...

فرستاده ، قطام ، دختر علقمه رامی بیند که بر خلاف روی زیبا ، اندرونی

تاریک و وحشتناک دارد! مارلطیفی است که زهر کشنده را در بن دندان نهفته است! دیو فرشته نمائی است که از پنجره غرقه خود، عابرین را از زیر نظر می گذراند تا مگر غافل نکو نبختی را بدام بکشد!...

عبدالرحمن ابن ملجم، یکی از ۹ خوارجی است که از جنگ با علی علیه السلام

۱- پیامبران و اولیاء خدا جهدشان اینست که این زهر سرپوشیده را که جامعه را فاسد میکند، بشهد صدق و صفا تبدیل کنند. یعنی از دیو و دد انسان فرشته خوی بسازند!... خیلی بجا است که جوانان، احادیث نبوی را بخاطر بسیارند که فرمود النظره سهم مسموم من سهام ابلیس... النساء حباله الشیطان... کلی را که در مزبله میروید نچینید!...

و باز خیلی بجا است که اهل تحقیق بدانند که دنیای متمدن غرب! همه ساله گروهی از خواهران قطام را بعنوان انتخاب دختر زیبا از چهار گوشه دنیا در انگلستان جمع و گروهی از برادران عبدالرحمن را جهت داورى؛ با آنجا دعوت میکنند و شاه مخلوع نیز تا بر سر قدرت بود برای اینکه ثابت کند، ایران اسلامی را بحد تمدن و فرهنگ از بابان رسانده است؛ دختران بیخبر را بدام که حادثه روانه می نمود!

کمترین بهره ای که استعمارگران از این قبیل مسابقات حاصل می کنند اینکه، مسلم است که جز نوادر، از دامن ملکه های زیبائی آنچنانی فرزندان پاکی که از اسلام و حقیقت دفاع کنند بر نمی خیزند!

بلکه ثمره تقوی و صفت است که پدر و مادری فرزندانسی همچون اکبر و علیرضا دوستیار تبریزی را پرورش می دهند و بجهت جنگ میفرستند و چون جنازه هر دو برادر به تبریز بر میگردد زینب وار با استقبالشان میروند و شرط سپاس بجای می آورند! که قربانیهایشان در درگاه احادیث قبول شده است!...

جان سالم بدر برده ، در وقتی قطام آراسته و شکارپیشه را می بیند که بتازگی با دو رفیق خود هم پیمان شده اند که این ، علی ابن ابیطالب علیه السلام را در کوفه و

← (نقل قول از حجة الاسلام عبدالحمید بن ابیسی)

ثمره عفت و حسن تربیت صادر متدین است که بقول حجة الاسلام سید ابوالفضل موسوی نماینده مردم تبریز «بهنگام حمله جهت بازپس گرفتن منطقه بستان، لازم می آید قبلاً «مینهها» از سر راه برداشته شود که ۴ نفر یاسبان یا کزاد، از پیش برآه می افتند و مینهها در شب تاریک بارانی ، زیر پای آنها منفجر می شود ویرکت ایثار و شهادت آنها سپاه ظفر اثر وارد کارزار می شود»

ثمره عفت یا میوه شجره طیبه است که فرزندان فی نظیر آیه الله سید عبدالحسین دستغیب شیرازی را بجهان اسلام تحویل می دهد که او عمری در سنگراسلام بزبان و قلم جهاد می کند . در پیشاپیش آیات و حجج کرام با انتشار انواع اعلامیه ها و نامه ها ، نیرنگ تجزیه طلبی حزب خلق مسلمان تبریزی آمریکائی را افشاء مینماید و سرانجام در راه رفتن بنماز جمعه با بیش از ده نفر همراه خود با بمب منافقان ، بشهادت میرسد ... (علاوه از تفاسیر بسیاری از سوره قرآن ، کتاب ۸۲ پرسش و پاسخ از آثار اوست)

و باز خیلی بجاست که خانمها قدر نعمت اسلام بدانند و زینت خود را در معرض انظار دیگران قرار ندهند که آن نمایش علاوه از اینکه بیننده گرسنه را از پای در می آورد و کسب و تحصیل و مدیریت خانوادگی و زناشوئی او را مختل مینماید، برای خود زیبا رویان نیز سر نوشت ناگوار با روغان می آورد که امیدوارم بتوانم گوشه ای از اثر قهر خدا و کیف طبیعت را برادرانه ارائه نمایم...

۱- شوهری بعلت سوء ظن شدید و وقوف بر بی عفتی عیال ، او را و

بچه هارا کشت و خود کشتی کرد! (مجله مکتب اسلام سال ۱۶ ش ۹۹) ←

آندیکری معاویه را در شام و آن سومی عمرو عاص را در مصر در ۱۹ رمضان بهنگام نماز صبح بقتل برسانند ... در نگاه نخستین، تیر عشق قطام ، عنان اختیار

← ۲- چندی قبل مجله زن روز شماره ۳۲۳ بنقل از مجلات آلمانی چنین

نوشته بود:

در بلژیک در عرض سال ۱۹۶۵ چهارده هزار نفر دست بخود کشی زدند ... بیش از چهار پنجم این عده را زنان و بقیه را کودکان و مردان تشکیل میدادند . در این گروه عظیم بانوان هم آنان باین جنایت یعنی حمله بنفس بدون دفاع پیش قدم بودند که سنین عمر شان از حدود چهل و پنجاه بیالا بود ...

مؤلف این کتاب روی معلوماتی که خود مجله داده بود ، متفحصانه بطور غیابی، بانوان مزبور را مورد بازجوئی قرار داد. که با آنهمه رفاہ ، چرا خود کشی مینمائید؟ بزبان حال جواب دادند... روزیکه از جوانی و طراوت دلفریب برخوردار بودیم ، دست محبت همگان بسوی ما دراز میشد و ما نیز بدون اینکه بدانیم صیدیکه شکار میکنم صاحبی دارد و کشمکش بدنبال میآورد ، دعوت بوالهوسان را اجابت مینمودیم ... آنروز جاذبه ما قوی و تیر کرشمه ما دلدوز بودا.. کر که گرسنه چو گوشت یافت نرسد - - کاین شتر صالح است یا خرد جال . اما دیری نگذشت که دختران جوان وارد بازار شدند و در میدان مسابقه ، گوی سبقت را از ما که پیر شدیم ربودند ... حق هم همانست . زیرا اگر دین و فید و قانونی در میان نباشد و مسئله عشق ، بجوانی و آراستگی ظاهری مو کول گردد ، کسی حاضر نمی شود که با اصطلاح درباغی که هلوهای لطیف و خوشمزه از این شاخه و آن شاخه عرضه میشود ، دست بسوی هلوهای کهنه و چرو کیده دراز کند !. ایکه بر مر کب تا زنده سواری همه گاه آن تونیست - - دیگران در شکم مادر و پشت پدرند! (در بیت از سعدی)

از کف عبدالرحمن ، می رباید و چون خواستگاری می کند ! دختر زیبا که پدر و برادرش جزء خوارج دیگر بدست علی علیه السلام کشته شده اند . قتل علی را اولین شرط نکاح قرار می دهد و در نظر از آشنایان را که آنها نیز در اندیشه قتل آنحضرت ولی جرات اقدام ندارند و با عبدالرحمن همدست نموده با ناز و کرشمه کذابی هر سه را روانه مسجد می کند . عبدالرحمن که عفو و پیوند قطام نیت منحوسش را صد چندان مؤکدتر نموده است امام متقیان را در حال نماز ضربت مهلك میزند و خود نیز بکیفر قتل ، کشته میشود !

فرستاده ماجمه دختر اشعث ، همسر امام حسن مجتبی علیه السلام را می بیند که او بشنیدن وعده دروغین معاویه که اگر شوهر را بکشد ، او را بنکاح ولیعهد خود ، یزید در می آورد ، بهترین مردان زمان را مسموم و شهید مینماید

ام الفضل ، دختر مأمون همسر امام محمد تقی علیه السلام را می بیند که او ، از یکطرف بتحریرك معتصم و دیگر بزرگان عباسی و از طرف دیگر بکینه اینکه آنحضرت ، در شب اول ، بعلت حائض بودن او ، تمتع را بحکم قرآن بحصول طهر موکول کرده بود شوهر را زهر میدهد و کنیزان را هم ازدادن آب منع مینماید . زنان و کنیزکان زیبا روی ترک متوکل عباسی را در حالی می بیند که متوکل ، در واقع ، مهر خلافت را بدست آنان و زمام امور را بیستگان آنها سپرده ، بعیش و نوش می پردازد . زنان ، خصومت هو و گری و همچشمی را با آنجا میرسانند که پسران و کسان بعضی از آنها شبانه میریزند و بحیات متوکل خاتمه میدهند !

۱- متوکل قبر سید الشهداء را منهدم نمود تا منبع الهام و جنبش شیعه نابود شود که نشد ! امام محمد تقی علیه السلام را بمجلس شراب خود کشاند که موقعیت اجتماعی آنحضرت را متزلزل کند که نتوانست ! (بشنیدن سخنان حکیمانه آنحضرت که ناپایداری عزت شاهان و فرارسیدن منتقم حقیقی و روز نکبت ←

فرستاده، هارون الرشید، خلیفه عباسی را که فضل برمکی نیز در کنار او نشسته است، بر سر سفره رنگین افسانه‌ای مشاهده می‌کند... فضل، آهسته و بدون اختیار تبسم مینماید: قضا را هارون ملتفت شده علت تبسم بیموقع را جویا می‌گردد! فضل که خود را در مهلکه می‌بیند، جواب میدهد، شاید بخاطر داشته باشید که چندی قبل سفارش دادید که از گوشت فلان مرغ نادرالوجود غذایی تهیه شود! از آن بیعد همه روزه طعامی از مرغ مزبور تهیه و در گوشه‌ای از سفره نهاد شده است که متأسفانه قبله عالم! متوجه نشده تناول فرموده‌اند. امروز بدیدن اینکه لقمه‌ای میل فرمودند تبسم شدم که آنهمه زحمت و هزینه هنگفت، فدای این یک لقمه گردید!

بار دیگر هارون را می‌بیند که خواهرش عباسه را با ازدواج فضل برمکی در می‌آورد و شرط می‌کند که صحبت و نکاح نکنید! ولی چون جنبش طبیعت، شرط خلیفه را نادیده می‌گیرد، هارون خاندان هزار نفری برمک را اعدام مینماید. (تاریخ قرون وسطی تألیف شیبانی ص ۴۳۶... هارون در خونریزی، از سر و دچنگیز کمتر نبود! (مکتب اسلام سال ۱۷)...

← ظالم را در نظرش مجسم نمود، زارزار بگریست و امام را مرخص کرد! وقت دیگر؛ آنحضرت را با پای پیاده بشکارگاه خود کشاند که با انزجار مردم مواجه شده بفاصله ۳ روز بکیفر اعمال خویش رسید!

۱- کتب اسلامی حاکی از اسرافکارهای هارون میباشد... کنیزی را بعد هزار دینار خرید و شب دوم بیکی از درباریان بخشید.

مبالغی خرج کرد تا دو نفر شیعه فعال بنام حاضر و احمد را بدست آورد و بکشد... دو هزار نفر کنیز داشت که سیصد نفرشان رقاص و رامشگر بودند. مجله

... هارون در قصر سلطنتی نشسته، درباریان نیز سراپا ساکتند! در این
 اثنا هارون سکوت رومی شکند و می گوید: «من از فرزند یحیی بیزارم، چون
 بکاری مأموریتش دادم انجام نداد، در این موقع همه متملقان، هم صد میگویند و ما
 هم بیزاریم، از آنطرف خود یحیی بر مکی سردرگوش خلیفه می گذارد و می گوید
 او جوانست من امر مبارک را انجام میدهم خواهشمندم محبت خود را از فرزندم
 دریغ نفرمائید! هارون می گوید: «من حالا از او راضی هستم. همه میگویند و ما
 هم راضی هستیم.» (... ان امر مهم که یحیی پذیرفته بود زهر دادن بامام موسی
 کاظم علیه السلام بود که شاهک بنو کلاب رئیس شهر بانی بامر یحیی زهر را خورداند! (زهد گانی امام)
 فرستاده ما امین را که هارون ولیعهدش نموده بود، در ایام خلافتش
 می بیند که بایکی از همبازیها بشکار ماهی پرداخته است. در این میان رئیس دفتر
 بعجله میرسد و میگوید لشکر ما شکست خورد و لشکر خراسان وارد بغداد شد.
 جواب می دهد رفیقم سید کرده ولی من نکرده ام!

قرآن سفارش میکند که در روی زمین گردش و خودسازی کنید

فرستاده، از دیدن اینهمه فجایع و جواب دادن بنخویشتن خویش که آنانکه
بمحکومت خدائی انبیاء و وابستگان آنها راضی نشوند، بسنت الهی تاگزیر از
قبول این چنین حکومتها میباشند و نیز با سیاستگراری از این که دست هیچ فقیه
جامع الشرائطی بکوچکترین جنایتی از این جنایتهای بزرگ، آلوده نشده
است تا دشمن اسلام و ضد ولایت فقیه را بهانه‌ای بدست افتد، بپرسی در گذشته
و حال تاریخ ادامه میدهد. در حالی که معذور و متأسف است که کوچکی کتاب
و زیادی مناظر و مرایای عبرت انگیز، امکان شرح و تفصیل را ازادسلب نموده
تنها اجازه میدهد « فهرست و سرفصل، مشهودات » را برای توزین و قیاس
(ولات اسلامی و دیگران) گزارش نماید.

ولات اسلامی که در هر حال موظف بایشاد و عفو و اجرای عدالت می باشند،
(وان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ... ولا تعبدوا ان الله لا یحب المعتدین ...
انه لا یحب المستکبرین ... ولا تفرحوا بما آتاکم ... ولیعرفوا ولیصفحوا) ...

و دیگرانی که بقول مرحوم علامه دهخدا « اندر همه ده جوی نه مارا ... ما
لافرنان که دهخدائیم » عملی که در خور عرضه باشد ندارند!

دیگرانی که از بدو تاریخشان تا زمان حاضر، در جهت دست یافتن باقتصاد
غنی، چراگاه خوب، بازار فروش، جاه و مقام و تفوق بر دیگران و حالا نیز
بتمتعات غیر انسانی؛ همیشه قانون شکنی کرده، کشته و سوخته برده اند و میکشند
و میبرند ولی به محض شنیدن اینکه در جمهوری اسلامی فلان منافق مزدور یا
فلان ددمنش اعدام شده است، بانگ و فریاد بر می آورند که « وحشیت!

وحشیت!

۱- پاپ کریگوارده در مقادیر ظهور اسلام، از مشاهده قتل و غارت و تجاوزات بیحد گفت، اخباری در دست است که اینهمه سقوط، حاکی از نزدیک شدن قیامت میباشد (عظمت مسلمین در اسپانیا)

۲- در سومین کنفرانس سازمان ملل متحد اعلام شد: جهان از جنایات جوانان بستوه آمده است: (چهارده مقاله حجة الاسلام علی حجتی کرمانی)

۳- در قرون وسطی بهنگام تسلط کلیسا بر غرب، ملل غیر اسلامی در ظلمتی از جهل، فرودرفته بودند که اگر جنگهای ۲۰۰-۴۰۰ ساله صلیبی، پیش نمی آمد و غربیان، از نزدیک، با تمدن و فرهنگ غنی اسلامی آشنا نمی شدند و آنرا بعنوان ره آورد جنگ بیلاد خود نبرده بودند، بقول جان پل سارتر پانصد سال وقت لازم بود تا اروپا بیدار شود..... نمونه ای از این کشیشان در دربار نیکلای دوم امپراطور روسیه مشاهده می شود، بنام راسپوتین که در آرامش گورستانی، تمام امور حتی امور دربار و امور مربوط بجهنگ و صلح را در زیر نظر دارد. بقولی راسپوتین جاسوس آلمان بود! (تاریخ عمومی)

۴- کشیش مسن فرانسوی بنام پطرس زاهد، قبور انبیاء و نقاط مذهبی فلسطین را زیارت نمود و در بر گشتن داستانهای از مظالم سلجوقیان و اهانت بقبر حضرت مسیح ع (درست یا نادرست) نقل مجالس نمود تا سیل مهاجم، فلسطین را فرا گرفت.... در حمله اول ده هزار مسلمان را کشتند (انگیزه جنگهای صلیبی نوشته حجة الاسلام علی دوانی ص ۱۳۲)

۵- در جنگهای بعدی، فلسطین ۶ بار دست بدست شد و صدها هزار انسان را بنخاک و خون کشاند، سرانجام با غلبه صلاح الدین ایوبی، آرامش نسبی بفلسطین برگشت!

۶- در روم قدیم اراضی از آن اشراف بود، هر گونه تحمیلات و تعدیات از

ناحیه آنها در حق رعیت بعمل می‌آمد. (تاریخ قرن ۱۹ نصرالله فلسفی ص ۱۲ ...)
 ۷- دولت روم در سنین قبل از میلاد ملل تابعه را مخالف یکدیگر نموده زیر فرمان
 خود جلب مینمود ... اعیان و اشراف روم هم دست شده مناصب عالیه و عضویت
 مجلس سنا را بخود اختصاص داده بودند. فلسفی ص ۳۳

۸- پریشانی عمومی همه جا را فرا گرفته بود. خون هزاران مردم بیگناه
 ریخته شد. مسیحیان، این دوره را دوره شهداء نامیدند. امپراطور، متنفذین و
 متمولین را از ادای مالیات معاف و بار سنگین آنرا بر دوش طبقات پائین گذاشت
 ... امپراطور، رقبای خود را بصرف شام دعوت نموده در حالی که مست بودند
 همه آنها را گردن زد ص ۶۴ و ۸۶ فلسفی

۹- پادشاه «کتها» شبانه وارد پایتخت روم شده جان و مال و قاموس شهر را
 بر لشکریان خود مباح کرد ... برد گائیکه سالها اسیر چنگال متنفذین شده
 بودند فرصت را غنیمت شمرد و بجنایات مخوفتر از دشمن مرتکب شدند.
 کتھاپس از ۶ روز آن شهر را ترک گفتند. در سر راه شهرها و قصبهات آباد و پر
 جمعیت را قتل و غارت نمودند در این راه هیچ کس نتوانست آتش حرص مهاجمان
 را جزم رک شاهشان خاموش کند ...

سرداران برای اینکه دشمنان، قبر شاه را کشف و اهانت نکنند، بردگان
 را بگماشتند تا آب رودخانه مجاور را بگردانند و شاه را در بستر رود دفن
 و آب را رها کردند ... چون اینکار بانجام رسید همه بردگان را کشتند،
 تا رازشان تراوش نکنند! فلسفی ص ۱۱۷

۱۰- دشمن بدون برخوردی وارد ایتالیا شد. سربازان و مردم ناراضی
 ایتالیا سر بشورش برداشته قیصر را گرفتند ... پس از آنکه دست راستش را
 بریدند و مدتی بر الاغی سوار کرده در شهر بگردانند، گردنش زدند ...

۱۱- ... واندالها بهر شهری میرسیدند می کشتند. در مقابل قتل یکی از همکیشان خود، ممکن بود آنها شهر را بکشند و بسوزانند و یا جهت کشف دینه‌ای خون صدهایکناه را بریزند .

۱۲- ... رومیها سعی کردند آتیلائی خونخوار را از هجوم بروم منصرف و متوجه ایران کنند!...

۱۳- ... آتیلا در حمله بروم روستاها و قصبات را پایمال و شهرها را غارت و خون هزاران بیگناه را ریخت (تلخیص از تاریخ قرن ۱۹ نصرالله فلسفی ص ۱۴۷ و ۱۵۴ و ۱۷۸)

۱۴- ... مقارن سنوات میلاد مسیح ص ۱۱۱۱ یکی از طرق تفریح و تفرج قیصر روم و بزرگان، تربیت شیر بود که آنها را بجان بردگان و متهمان می انداختند و حظ می نمودند «سولا صد شیر و قیصر چهارصد و پمپی ششصد شیر داشتند»... آن یکی برده که دریده می شد، آندیکری زهره چاک می شد و بانتظار مرگ می نشست. تاریخ تمدن و یلدورانت. کتاب سوم بخش (قیصر و مسیح) ترجمه حمید عنایت ص ۲۱۶ .

۱۵- ... قیصر از غنائمی که از حمله بگل (فرانسه) بدست آورده بود وجوهی را بهمکاران داد و وجوهی را صرف انتخاب خویش نمود . مبلغی را هم بسناتورها رشوه داد تا نهضت مخالفت با او فرونشست . (منبع فوق ص ۲۸۲)

۱۶- دوشاهزاده اسپانیائی که اولی از پشتیبانی انگلیس و فرانسه و دومی از حمایت اطریش و روسیه برخوردار بود، بمدت ۷ سال لشکر و مردم را بجان هم انداختند و از هیچگونه ظلم و سبعبیت خودداری نکردند . بطور نمونه : یکی مادر دیگر را تیرباران کرد و آندیکر، همین معامله را با ۳۱ تن از زنان و بستگان او انجام داد .

سرانجام آزادی مطبوعات مانعی شد. قانون مخصوص، بوزراء حقیق داد بھر کس سوء ظن بردند، حبس و تبعید کنند! با وجود اشکالات و مضیقه مالی، ملکه از اسرافهای عجیب نسبت بمقر بان خویش خودداری نمیکرد.

۱۷- از اواخر قرن ۱۹ که اسپانیا دارای حکومت مشروطه شد... در انتخابات مجلس، حزبی برنده است که تمام امور کشور در دست اوست! بدین ترتیب؛ و کلاء بوزراء که از طرف شخص شاه بکار گماشته می شوند رأی اعتماد میدهند... در واقع؛ شاه همه کاره است. تلخیص از تاریخ آلبرماله ترجمه حسینخان ص ۶۳۳ و ۶۴۱ و ۶۴۹

۱۸- مسیحیان هر کجا دست یافتند کشتند. معابد را منهدم کردند و کتابخانه ها را سوختند... قیصر روم پس از فتح مصر و بر انداختن اتوان و کلتوپاترا موزه و کتابخانه اسکندریه را آتش زد! (چهار مقاله حجتی کرمانی ص ۹۰)

۱۹- کریستف کلمب نخستین کاشف آمریکا از سفر اول بساره آورده های ذقیقه تی از طلا و جواهرات برگشت و بطور اغراق آمیز، در پیش شاهنشاه گزارش نمود که بجزیره ای رسیده است که کف دریا و رودخانه های آن، پراز طلاست و مردم در ظرف طلا غذا میخورند! پادشاه اسپانیا دهانش بآب افتاد. اصناف مردم از نجباء و دهقانان و کارگران و راهزنان با حرص زاید الوصف آماده بهره برداری شدند. در مدت کمی بامر شاه کشتی بزرگی که حامل صدها انسان زر خخواه بود براه افتاد! و بجزیره هائیتی از جزائر آمریکا رسید... مسافران باولعی که داشتند همه جا رامیکشند ولی نصیبشان از طلا بوفوریکه کریستف کلمب گزارش میکرده، نبود!... دست غارت باموال بومیان گشودند. کار بجائی رسید که در عرض چند سال، بومیان زمینها و حتی لباسهای خود را هم فروختند!!

... فرمانروای جزیره ناگزیر شد بهر يك از مهاجران ۷۰ - ۶۰ نفر کارگر بدهد تا کشاورزی کنند ... ولی اکثر آنها طالب ثروت سهل الحصول بودند! ... پس از چندی کشتی آنها بطرف جزائر دیگر براه افتاد . همینکه از قلمرو جزیره دور شدند ، حرکات سگی که آنها نمی دانستند بچه وسیله ای وارد کشتی شده است توجه همگان را بخود جلب کرد. بدین ترتیب که فهمیدند، حیوان با وفا از صندوق بوئی میبرد و دور آن گردش میکند! در این وقت در صندوق باز شد و جوان ۳۵ ساله ای بنام واسکوئز که همه او را از نجیب زادگان اسپانیا میدانستند از صندوق بدر آمد و معلوم شد نجیبزاده! از بیم اینکه طلبکارها مانع خروج او شوند ، بآن ابتکار متوسل شده است! ... کشتیبان بر او خشم گرفت و او ناگزیر شد با عده ای از یاران ، بازورق جداگانه حرکت کند ... واسکوئز و یاران ، خود را بجزیره ای که حاکم آن کوماگر نام داشت رساندند ... کوماگر آنها را بمجلس مهمانی دعوت و ۴۰۰۰۰ اونس طلا بآنها اهداء نمود. مهمانان برای تصاحب هر چه بیشتر طلا بجان هم افتادند و کار بجائی رسید که کوماگر که اروپائیان او و بومیان را وحشی توصیف کرده اند ، آنها را نصیحت کرد و گفت در این نزدیکی دریائی است که اگر چه راهش تا حدی پر خطر است ولی خرده طلا بسیار دارد و اسکوتز از شنیدن این خبره نزدیک بود از شادی قالب تهی کند . (تلخیص از حساسترین دقائق تاریخ بشری تألیف اشتفان تشوایک ترجمه لاله زاری ص ۷۳)

شاید کسانی که در دوره رضاخان در مدارس دولتی تحصیل کرده اند فراموش ننموده باشند که سفارش امپریالیسم ، نویسندگان کتب قرائت فارسی ، بدون اینکه اشاره ای بکوچکترین جنایات اروپائیان بیومیان آمریکا نمایند ، بسحر قلم از کریستف کلمب و سایر مهاجرین لافزن و زرخواه ، انسانهای

دوست داشتنی می ساختند .

همچنین در دوره محمد رضا بدون توجه بقتل و غارت‌های آمریکائیان ؛ داستان‌هایی از اخلاق پسندیده آنها می ساختند و بخورد کودکان میدادند . مثلاً از تواضع جرج واشنگتن رئیس جمهور که چگونه با تواضع به همراه مادر به مجلس مهمانی رفت و چگونه در حالی که مادر با تکیه داده بود ، بیرون آمد و نیز از اصل ۴ تر و من و از احسان آمریکائیان که بفلان کشور خوار و بار دادند ... در فلانجا پل ساختند و بنیاد فرانکن فلان کتابها را بقیمت ارزان ، ترجمه و توزیع نمود ، مقالات زیاد دیده می شد . ولی از فجایع آنها خبری نبود !

همچنین شاید از یادها نرفته باشد که رژیم شاهنشاهی ، برای اینکه مبادا مطالب ناخوش آیندی از ولیعهد‌های سلسله‌های گذشته به مغز جوانان راه یابد و محصولان بولیعهد زمان خویش بدیده دشمنی بنگرند ؛ دستور میدادند بدون اینکه اشاره‌ای بجنایتهای ولیعهد کرده شود، (درست یا نادرست) از محمد اخلاق آنها کتب درسی را پر نمایند ... مثلاً در کتب تاریخ مدارس چنین می خواندیم « عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه میخواست ارتش ایران را منظم و مجهز کند که متأسفانه اجلاس فرارسید و ایران از داشتن ولیعهدی رشید ولایق ، محروم ماند !

۱- امکانات لازم است تا از میداچی‌ها یا بکطرف صفحه را گفتن و از طرف دیگرش گذشته‌ها پرده برداری شود ! مثلاً با پیش آمدن عصر ماشین ، کارخانه داران بعمله‌های زیاد نیازمند شدند در حالی که جوانان تحصیل میکردند و برده داران نیز حاضر نمی شدند برده‌های خود را در اختیار کارخانه ... داران بگذارند . تا کزیر زمره آزادی بردگان بمیان آمد و بدون اینکه بمردم حالی کنند که این نهال از کجا آب خورد ، در کتابها نوشتند آبراهام لینکلن برده‌داری را لغو نمود . در صورتیکه قرآن است که از آیات ۱۷۷/۲ و ۹۲/۴ و ...

۲۰- سلطان محمد از سلاطین ترکیه ۲۱ - اله بود که خبر مرگ پدر باو رسید . دستور داد برادر خردسال را در حمام کشتند . آنگاه قاتل برادر را هم کشته عازم جنگ با رومیان شد ... در این موقع اختلاف کلیسای کاتولیک و ارتدکس و کلیسای یونان بنهایت رسیده بود (منبع گذشته ص ۱۵)

۲۱- تنبلی و لهو و لعب اغنیاء و خود خواهی آنها و فقر و پیری شانی ضعیفاء و وپستی آنها و بی عفتی عمومی، اساس زندگی را متزلزل کرده بود که کشیشان از نفوذ خود برای زیر فرمان در آوردن مردم استفاده کردند . تاریخ عمومی قرون وسطی .

۲۲- نهر و می گوید بعد از قسطنطین امور، بدست کشیشان افتاد در حالی که اختلافات اندرون کلیسا باعث بیسامانیها و کشتارها میگردد . ویلدورانت

← برده آزاد کردن را بهترین عبادات می شمارد و نبی اکرم صلی الله علیه و آله برده فروش را از تبه کارترین آدم ها قلمداد می کند. پس بدین اصل است که در عصری که دیگران و دول شرق و غرب از برده فروش بالوف و آلف میرسیدند حضرات معصومین و فقهاء مکتب آنها هرگز برده را نخر و ختند بلکه برده را از تربیت اسلامی برخوردار و آزاد ساختند... صفحه دیگر حیات عباس میرزا را نوشتند که او که از برادران نگران بود که بعد از مرگ پدر، سلطنت را از کفش خارج کنند! پس بمحض وعده و وعید روسها که قول دادند، سلطنت او را تأیید نمایند، برادران و کماشکان آنها و وابستگان را از تسلیحات آتشین روسها بر حذر داشته بنوشته تاریخ اصفهان، لشکر ایران را عملاً عقب نشانند که نتیجه آن باعث انعقاد عهدنامه های تنگین تر کمن صحرا و گلستان و واگذاری قسمتی از میهن عزیز ما بر روسها شد ... در ص ۴۹۷ نیز مثالی از شعبده و چشم بندی استعمار در شستشوی مغزی بمیان آمده است!

با در نظر گرفتن قساوتها و اختلافات کلیسا میگوید « علت اصلی سقوط روم ، کلیسا بود » مجله مکتب اسلام ۱۴ / ۲

۲۳- در تائید سخن ویلدورانت ، گفتنی است که در کتاب تاریخ آمریکا تألیف بوروا ترجمه ن - م ص ۶۷ که خود کتاب حاکی است که تاروپود تألیف

۱- آیه الله دکتر محمد مفتوح ؛ از شاگردان امام خمینی ، استاد دانشگاه ، آنکه از بنیانگذاران انقلاب اسلامی و از الفت دهندگان میان طلبه و دانشجو و کسبه و بازاری بود. آنکه در دوره طاغوت زندانها دید و پس از پیروزی انقلاب ، بدست مزدوران استعمار، مظلومانه بشهادت رسید، بارها می گفت خود کامگی گردانندگان کاپیسا که دوران تفتیش عقائد را بوجود آورده مانع گسترش علم شدند ، گردن میلیونها انسان را بجرم تحقیق زدند ، یا زنده زنده در آتش افکندند؛ برای استعمارگران ، بهانه و ملعبه ای شد . بدین معنی که با نویساندن مسئله قساوت و استبداد کشیشان ، در کتب مدارس بچوانسان مسلمان تلقین کردند که اگر حکومت بدست پیشوایان دین بیفتد ، آنها مردم را انجام میزنند و بقتل می کشانند . در صورتی که کشیشی که پیشاپیش لشکر استعمار . در لباس تبشیر ، و پدر روحانی یا تحت عنوان مدرسه و بیمارستان ساختن برآم می افتد و جاده را برای بزنجیر کشیدن انسانها تسطیح می کند ، غیر از فقیه واجد شرط اسلام می باشد . کشیش کتاب معرفی را در دست گرفته بنفع استعمار فعالیت می کند ولی فقیه قرآن سازنده را در دست گرفته بزبان و قلم ، با استعمار می جنگد و بهنگام لزوم ، بجنبه می رود و می کشد و کشته می شود . . .

امام خمینی در گرم بازار آدمکشی شاپور بختیار ، آخرین و مکارترین نخست وزیر طاغوت ، از پاریس که تبعید اجبار ، او را بآنجا کشانده بود ، عازم وطن گردید . عوامل استعمار در لباس خیرخواهی ، از خطرات و عکس العمل ←

و ترجمه از خزانه آمریکا بهره برده است ، بطور ناخود آگاه بعوام فریبی ای
اعتراف شده است که درخور توجه میباشد :

بعد از قلع و قمع سرخپوستان (بومیان اصلی آمریکا)؛ طرز مسیحی نمودن
بقایای سرخپوستان از جمله چنین بوده است که آنها را باطاق کشیش که يك
ساعت دیواری هم در آنجا کار می کرد ، می بردند . آنها با کمال حیرت گمان
میکردند که ساعت ، جان دارد ! مخصوصاً این پندار وقتی بحد یقین میرسید که
کشیش ، ماهرانه وقتی که ساعت مثلاً بعد از ۳ ساعت از ظهر ، ۳ ضربه میزد ،
بساعت میگفت بس است ! آنهم بس می کرد ! آنوقت با تعجب از کشیش اسم آنرا
می پرسیدند جواب میداد « فرمانده » و چون می پرسیدند چه می گوید پاسخ
میداد که می گوید بر خیزید و بروید ... (ولی مسیح و اخلاق مسیحیت را
فراموش نکنید .

← طاغوت تهدید نمودند ! امام جواب داد « من اگر در کنار جوانان و همزمان
کشته شوم بهتر است که سالم بمانم و تماشاگر قتل و غارت استعمار گر باشم ! ...
عجیب اینکه دیواستعمار ، چنان گلو گام دهقانان را فشوده بوده که آنان ،
پس از آنکه احساس می کردند از پیش ازده قرن قبل ، در نیمه از دنیا ، تمام
امتیازات طبقاتی و افتخارات ، بجز بداشتن تقوی ، زیر پای حضرت محمد صلی الله علیه و آله ،
دفن شده است . باز امتیازات موهوم اربابان را کردن می نهادند و عجیبتر از آن
اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، گروهك رجوی و دیگر گروهکهای
وابسته با پیر یالیسم شرق و غرب ، به پیروی از شاه مخلوع ، روحانیان مبارز پاك
را مرتجع خواندند . . امام خمینی در یکی از سخنرانیها فرمودند « اگر ما را
بجرم رعایت اصول استقلال و آزادی اسلام مرتجع میخوانید ؛ بخوانید ولی
بدانید که در آنصورت ، حضرت محمد هم که دنیا را نجات داد مرتجع بود !

سختی این طرز تبلیغ یا چشم بندی، وقتی بیشتر آشکار می شود که آدمی در محضر فقیه اسلامی قرار بگیرد و مشاهده کند که او بکسانی که میخواهند مسلمان شوند میگوید « فکر و تحقیق کنید! مسلمان شدن بدون تحقیق فایده ندارد... قرآن در آیات متعدد، آدمی را بتفکر و تعقل و تدبیر دعوت میکند».

۲۴- کشیشان در عین اینکه اغلب خود بهر گناه و جنابتی آلوده می شوند، در نظر عوام الناس خود را در آمرزش گناهان مسیحیان، مقرب در گناه خدا میخوانند، پول میگیرند و گناه میبخشاند. فی المثل اگر هیتلر و چرچیل و نیکسون و کارتر و ریگان و مناخیم بکین و صدام حسین هم که دنیا را با آتش میکشند، از در آنها که گویا در حضرت عیسی علیه السلام است وارد شوند گناهانشان آمرزیده می شود (رساله پولس بر و میان ۲۵:۳ و ۱۳:۵ و مکتب اسلام ۱۱:۱۴)

... در تاریخ عمومی آمده است کلیسا با اخذ هوارض از مؤمنین بشر و تهای هنگفت نائل آمد.

۲۵-... کلیسا حتی بنمود حضرت عیسی علیه السلام تر فند میزند: بگذریم از اینکه یکی از ۱۲ حواری حضرت عیسی، بطمع جائزه جای مخفی شدن آن حضرت را نشان داد تا چوبه دار و غیبت بمیان آمد (یهودای اسخر یوطی... انجیل مرقس ۱۹:۳)

کلیسا عیسائی را که مثل همه پیامبران برای مبارزه با ظلم آمده بود و میگفت « نیامده ام تا سلامتی بگذارم بلکه برای بکار بردن همشیرا... (انجیل متی ۳۴:۱۰) ... بنفع استعمار تهمت می زند که عیسی علیه السلام گفت « آنچه از قیصر است بقیصر رد کنید... یعنی مالیات را بقیصر بپردازید... انجیل مرقس ۱۲، ۱۴»

۲۶- کلیسا در قرون وسطی پنج میلیون نفر را بجرم فکر کردن بدارزد... در سیه چالها نگهداشت! تنها از ۱۴۸۱ تا ۱۴۹۹، ۱۰۲۲۰ را زنده زنده در

آتش افکند ، ۶۸۶۰ نفر را شقه کرد ، ۹۷۰۲۳ نفر را بحدی شکنجه داد که نابود شدند! (مسلمانان روسیه ص ۷ بنقل از مارسل کاشن) ...

اما همینکه کلیسا از اقتدار افتاد جمع کثیری از کشیشان پیوسته در جوار و خدمت پادشاهان بودند! (منبع فوق. بنقل از تاریخ آلبرماله)

۲۷- در روسیه تزاری خود تزار رئیس کلیسای ارتدکس بود. اسقفها و کشیشها هم بمنزله کارمندان تزار بودند... کلیسا کسانی را که افکار آزادیخواهی و سیاسی داشتند ، بحکومت معرفی می کرد... کلیسا دارای اموال بیحد و حصری بود... منبع فوق

۲۸- کلیسا بزرگترین سرمایه دار ، زمین دار و بزرگترین بانکدار روسیه بود ، کارگران بحدی از استثمار شدن بوسیله کشیشان بتنگ آمدند که کشیشان را طرفداران برده داری ، در لباس کشیشی مینامیدند (مسلمانان - روسیه ص ۱۰)

لومومبا درباره گندم نمائی و جو فروشی کلیسا می گوید در هر گز نفهمیدم چرا در مدارس بماتعلیم می دهند که باید اصول مسیحیت را محترم شمرد!... در حالی که در خارج از مدرسه ، اروپائیان ، اعمالی برخلاف آنچه بماتعلیم میدادند مرتکب می شدند (ص ۱۱ مسلمانان روسیه)

بدین حساب زهی بی انصافی است که کلیسایی که مرکز اجرای اوامر استعمار می شود و کشیشی که با استعمارگران همکاری می کند و ثروت خود را بالوف و آلاف میرساند ، با مسجدیکه بقول امام خمینی سنگر آزادی میگردد و فقیهی که مبارزه با ظلم و ستم را بزرگترین عبادت میشمارد و شکنجه می بیند و تبعید می گردد ، بیک چشم نگر بسته شوند... اگر کشیش کذائی از سیاست بر کنار شد لازمه اش اینست که فقیه مبارز هم باید بر کنار شود!؟

۲۹. آریوس کشیشی بود که مسئله تثلیث والوهیت حضرت عیسی را از روی دلیل رد می نمود. کنستانتین که از سلاطین قسطنطنیه روم بود، مجلسی از کشیشان ترتیب داد. آریوس با دو سه نفر از همفکران؛ در اقلیت ماندند! (حق هم با آریوس بود). شاه دستور داد تمام نوشته های او را آتش زدند و خود و پیروان او را تبعید نمودند (بنظر میرسد که یکی از همفکران؛ نسطوریوس بوده که پیروان او هم بنام مسیحیان نسطوری پناهنده ایران ساسانی شدند. تاریخ قرن ۱۹ نصرالله فلسفی و تاریخ جهان ص ۳۸۰)

... بعقیده کلیسا مشکل عفو یا عذاب خدا نسبت بگناهان بشر؛ لاینحل مانده بود تا خداوند بپیرکت عیسی مسیح آنرا حل کرد بدین طریق که خدا پسر خود را که در عین حال خدا بود در شکم زنی از فرزندان آدم وارد کرد و از او بصورت انسان کاملی متولد شد! او خدا بود زیرا که پسر خدا بود! پسر خدا خود خداست. عیسی بدار آویخته شد تا کفاره تمام گناهان بشر گردد چون که مکتوبست هر که بدار آویخته شود ملعونست (تلخیص از سیری در اسلام تألیف حجة الاسلام علی اکبر قرشی و رساله پولس بگلاطیان ۳: ۱۳)

حالاً با در نظر گرفتن دو بند فوق این نقطه سؤال به پیش می آید: آیا زمام امور بدست امثال کنستانتین سپرده شود که از یکطرف چیزی نمی فهمد و از طرف دیگر گرفتار تعصب جاهلانه است؟ آیا بدست گردانندگان کلیسا سپرده شود که آنها هنوز هم عیسویان ستم دیده را در دهها ابهام نگاهداشته اند: آیا عیسی همان خداست؟ آیا پیامبر خداست؟ آیا شرابساز است؟ آیا شراب می خورد یا نه؟ آیا ملعون است؟ آیا بدار زده شد و ملعون گشت که گناه جنایتکاران آمرزیده شود؟! و (چطور و چگونه!؟)

آیا عیسی همانست که خدای آسمان و زمین را ستایش میکند یا آنست

که می گوید خدا درمن است و من در او؟

آیا عیسی ذلیل و ستم پذیر است که می گوید «اگر بگونه راست بزنند،
گونه دیگر را هم آماده کن. اگر قبا بنخواستند با راهم بده یا همانست که
بیاران خود گفت لباس را بفر و شید و شمشیر بخرید؟ و بدشمنان گفت حتی گردیکه
از شما بر ما می نشیند آنرا بنخودتان می افشانیم» ۱۴

آیا عیسی همانست که بعمال استعمار پر خاش می کند که پیشه را از
خوراک دور می کنید ولی شتر را فرو میبرید؟

... ظاهران مثل روی قبر، تمیز است ولی اندرونتان پر از نجاسات است ۱۴
آیا عیسی همانست که گفت تا انقراض عالم با شما هستم یا همانست که
تاجی از خار بر سرش گذاشتند و اعدامش کردند ۱۴

آیا همانست که از قبر برخاست و خوردنی خواست. یا آنست که
بر سردار دست استغاثه بطرف خدا دراز کرد؟ ... و غائب شد ۱۴

آیا همانست که جبرئیل در دامن مادرش دمید و او متولد گردید؟ (لوقا
۳۲:۱) یا همانست که از نکاح یوسف و مریم متولد شد ۱۴

آیا همانست که گفت «اگر بروم، تسلی دهنده (حضرت محمد) پیش شما
نمی آید. اما چون بروم، او را پیش شما میفرستم! و او همیشه با شما خواهد
بود!» (یوحنا باب ۱۴ و ۱۶)

(انجیل متی ۱۸:۱ و ۵:۲۳ - ۲۴ - ۴۰ و ۲۶:۱۱ و ۲۳:۲۳ و ۱۳:۲۷ و ۲۶:۲۶ و
انجیل لوقا ۱۵:۱ و ۳۶:۲۲)

انجیل مرقس ۵:۱۱ و ۲۳:۱۴ و ۲۶:۲۴

انجیل یوحنا ۲:۲ - ۸ و ۱۸:۱ و ۵۷:۶ و ۲۲:۱۸ و ۲۸:۱۴ و غیره (اختلافات
اناجیل درص ۸۲ گذشت)

پس اگر نه شاه و نه کشیش و نه رئیس جمهوری که انتخاب شدنش بزور و
 زور و تزویر تکیه دارد، (غیر از جمهوری اسلامی که ولایت فقیه بر آن نظارت
 میکنند) فایده استحقاق زمامداری است آیا صلاح جوامع در این نمی باشد که
 زمام امور، بدست فقیهی دانا سپرده شود که او در عین اینکه خود؛ در اثر علم و عمل
 در بلندترین نقطه تقوی و زهد و بلند نظری و روشن نگری قرار دارد^۱ (ص ۵۵ و
 ۳۷۷ گذشت)

از قرآنی الهام میگیرد که در صافی مثل آب زلال و در دارا بودن بتمام
 مواد مورد نیاز بشر، مثل خود طبیعت که حوائج فرزندان خود را رفع مینماید.
 و در روشنائی همانند آفتاب که پیشاپیش علم و عقل پیش میرود و ظلمتها را می شکافد
 و راه صلاح را مینمایاند؟! و و (بخواست خدا جواب از همه جای دنیا مثبت خواهد

۱- در مورد بسط ید و اختیارات این قبیل فقهاء عظام که بتأسی از
 امیرالمؤمنین؛ از مخالف دنیا گذشته هم خود را در گسترش عدل اسلامی مصروف
 میدارند، در اینجا بنقل قول؛ دو نفر از حجج اسلام که از نظر مفهوم، معنی واحدی
 دارند (میرزا جواد بنایی، در منابر تبریز و سید هادی خسروشاهی در ترجمه
 اسلام و صلح جهانی، نوشته (مرحوم سید قطب ص ۲۰۹ چاپ ۱۳۴۲) اکتفاء
 می شود... «حکومت اسلامی علاوه از اینکه اموال مغضوبه و ربوی را بنفع
 اجتماع صادره میکند حتی در تمام امور اختیارات بی قید و شرط و مرز دارد...
 این مسئله در محضر یکی از مراجع بزرگ مطرح شد، (روزی که هنوز از
 جمهوری اسلامی نامی در میان نبوده) جواب فرمودند «حکومت اسلامی تا
 آنجا اختیارات دارد که اگر لازم باشد میتواند لباس ما را هم بگیرد و این
 خود ضامن بقاء و ابدیت اسلام میباشد که در رساله سوسیالیسم نیز در این مورد
 بیشتر بحث نموده ام...» خسروشاهی

بود تا بتدریج موجب ظهور منجی عالم بشریت و کنار رفتن دیو دد گردد!

۳۰- کلود بوس پادشاه ژرمنها (اولین شاهی که پاریس را پایتخت قرار داد) مردی بت پرست بود. او هم از کاتولیکها و هم از فرانکها که بت پرست بودند، حمایت و یا اطاعت میکرد، کاتولیکها دختر زیبا را بنکاح او در آوردند. دختر بشوهر پیشنهاد کرد که بکیش مسیحیت در آید. جواب داد اکثریت با بت پرستان است اما جنگی در پیش دارم اگر خدای مسیح باری کند، کیش او را می پذیرم... پیروز شد و ایمان آورد. ولی یکی از آثار ایمان او این بود که بعنوان بسط قدرت و نفوذ، پسر پادشاه کولون را بکشتن پدرش ریگ کرد... پس از انجام جنایت، خواص خود را فرستاد تا در لباس دوستی و بعنوان نمای جواهرات سلطنتی، پیش او بروند... رفتند و بنا گاه او را هم کشتند تا کلودیس با نجا هم دست یافت! (تاریخ قرن ۱۹ و تاریخ جهان ص ۲۵۵ و ۲۷۰)

کلیسا چنین جنایتکار را مأموری از طرف خدا برای بسط مذهب مسیح میخواند! (تاریخ عمومی قرون وسطی. عبدالحسین شیبانی ص ۲۶۶)

۳۱- در سال ۶۴ میلادی دو سوم شهر روم طعمه حریق مدعش شد. علت واقعی معلوم نشد ولی عقیده عمومی بر این بود که نرون شاه برای تماشای شهر در کام آتش! باین ابتکار دست زده است! نرون برای انحراف افکار عمومی، مسیحیان را که تازه گیها از یهودیان متمایز شده و دین خود را آشکار میکردند با آتش افکند و یا در سیر کجا طعمه حیوانات درنده نمود (تاریخ جهان تألیف دولاندلن ترجمه بهمنش ص ۲۶۶)

۳۲- نرون با مصادره اموال ثروتمندان و وضع مالیاتهای جدید، برای خود قصری ساخت که بقصر طلا مشهور شد... مجلس سنا جرأت مخالفت نداشت... توطئه‌های برای قتل او، کشف و در نطفه خفه شد! او بیگناه و باگناه را کشت...

همسر خود را لگدی زد که از پای درآمد. نرون بهترین سرداران خود بنام کوربولون را اعدام نمود و سرانجام خود کشتی کرد!

۳۳- اواخر سده اول میلادی در اثر اینکه یهودیان فلسطین سر بشورش برداشته بودند، بوسیله سرداران نرون سرکوب شده استقلال سیاسی خود را از دست دادند.

۳۴- امپراتور روم در اثر ساختن عمارات زیاد و بازیهای پرخرج نیازمند پول شده اموال مالداران را مصادره و مالیات جدید وضع نمود و گروهی را بهلاکت رساند. در زمان او عیسویان دوباره دچار شکنجه و آزار شدند! ستمگری و طبیعت خشن امپراتور، موجب وحشت همگانی شده بود... عاقبت بقتل رسید!

۳۵- آرتکادیوس امپراتوری ضعیف النفس و بی اراده بود. اختیارات حکومت را بدست وزیرانی مغرض و رشوه خوار سپرد!

۳۶- شارل فر به که مردی ضعیف و بی لیاقت بود در ۸۸۴ تمام حکومت فرانسه و آلمان و ایتالیا را در دست گرفت... نرمانها پاریس را محاصره کردند و با دادن رشوه و باج، مهاجمین را عقب راندند! سرانجام از سلطنت خلع شد و با فاصله یکسال مرد! تاریخ جهان، بهمنش ۲۶۷ تا ۲۷۷

۳۷- تا سال ۱۹۰۵ در مغرب زمین برای مردم، تغییر مذهب ممنوع بوده و مجازات شدید بدنبال داشت! جامعه بچهار طبقه تقسیم می شد نجباء و روحانیون و تجار و دهقانان.

دو طبقه اول بمحض ولادت ازرقاه و امتیازات خاص برخوردار بودند. تجار که اکثر بیسواد بودند در واقع مأموریت داشتند، کمبودها را از اینجا و آنجا خریدند و در دسترس دو طبقه اول قرار دهند! دهقانان که نه دهم سکنه را تشکیل

میدادند در حکم بنده بودند! آنها جزء ملزومات اراضی محسوب می شدند که دست بدست بملکیت اربابان تازه در می آمدند. حق خرید و فروش و هبه و وصیت نداشتند. ازدواجشان نیز با اجازه ارباب بود. (آلبر ماله ترجمه حسینخان ص ۶۵۰ پیوست)

۳۸- متر نیخ، صدراعظم اطریش؛ پایه استبداد خویش را بحدی بالا برد که خود را ستون دنیا و نایب خدا و دیگران را ابله میخواند (تاریخ قرن ۱۹ نصرالله فلسفی ص ۱۱)

نیکلا در روسیه بهمان طرز استبداد متر نیخ حکومت میکرد. کتب و مطبوعات آزاد نبوده حق اظهار نظر در امور نداشت. از اینکه آزادیخواهان در دارالفنونها تحصیل میکردند، دولت روز بروز از آمار معلمان و محصلان می کاست! هر مسافر خارجی در تمام ایام اقامتش تحت کنترل بود. دولت از استقرار نظم درماند، تروریستی سالها ادامه داشت! منبع فوق ص ۷۱۶ - ۷۲۶.

۳۹- اروپا تنها در نلث آخر قرن نوزدهم صلحی بنخود دیده است. آنها هم بر زخمی میان صلح و جنگ که بدوره صلح مسلح موسوم شد.

۴۰- در صلح مسلح بیطرفی بلژیک از طرف پروس و آلمان تأیید شده بود اما آلمان برای اینکه بفرانسه چیره شود، قانون را زیر پا گذاشت و چنین گفت « ضرورت، قانون نمی شناسد، قوای ما شاید وارد خاک بلژیک شده باشد یعنی برخلاف قول و قانون، بلژیک را اشغال نمودیم!»

این سخن یکطرف جنگ است. سخن طرف دیگر، در مقدمه جنگ دوم جهانی از آنها شکفت انگیزتر است.

... چرچیل در خاطرات خود میگوید « ضرورت جنگ ایجاب نمود که متفقین، بیطرفی ایران را نقض و آنجا را اشغال نمایند!»

۴۱- مقاومت غیر منتظره بلژیکیها، آلمان را خشمگین نمود... دست بقتل

وفات گهوده بکمترین سوء ظن؛ شهرها و قصبات را آتش زدند ! بطور نمونه يك سرباز آلمانی اعتراف نمود که درمدخل قصبه درمقابل نیراندازی يك نفر بلژیکی، دست بکشتار زدیم و چون شب فرا رسید زن و بچه‌ها را مجبور نمودیم . چراغ بدست گرفته اجساد را مشاهده کنند ... غارت شهر لوون و آتش زدن کتابخانه مجلل دارالعلوم آن ، حادثه غم‌انگیزی است که تاریخ فراموش نمیکند . (تاریخ آلبرماله ص ۱۱۳۹ تا ۱۱۴۷)

این گروه‌های از صدها جنایات بزرگان اروپا و آمریکا میباشد. آنها هستند که دائماً در اروپا با یکدیگر جنگیدند و چون آمریکا کشف شد نخست با بومیان آنجا سپس با یکدیگر و آنگاه با نخستین مهاجران سفیدپوست آنجا جنگیدند و خطرناکترین خدعه و نیرنگها را برای از بین بردن دشمن مرتکب شدند .

سران اروپا و آمریکا هستند که جنگهای چین و ژاپون و روس و جنگهای بین‌الملل اول و دوم را بوجود آورده دهها میلیون انسان را کشتند و دهها میلیون دیگر را معلول و اسیر و بیخانمان کردند و صدها میلیارد دلار حتی بکشورهائی که وارد جنگ نشدند ، خسارت زدند .

آنها هستند که بعد از جنگ جهانی اول (۱۴-۱۹۱۸) با تحمیل غرامتهای سنگین بر آلمان ، آن کشور را مجبور نمودند که ازپای ننشیند و برای رهائی از مظالم دول فاتح (روس و انگلیس و آمریکا) خود را بآب و آتش بزند ! که جنگ بزرگ دوم ، نتیجه این کوشش و جان‌کندنها بود . اول آلمان هیتلری و بدنبال آن ژاپن ، از کنفرانس خلع سلاح خارج شدند و با نقض پیمان ورسای نظام سرباز اجباری را مقرر کردند و تمام تعهدات را زیر پا گذاشتند تا جنگ دوم شروع شد ! (جنگ دوم نوشته سید محمد پنجوان ص ۲)

همچنین آنها بودند که پس از همان جنگ اول، چنان شاخ و برگ که امپراطوری
عظیم عثمانی را که هوادار آلمان شده بود بریدند و چنان کسانی را در رأس
حکومت آن قرار دادند که هنوز هم میسوزد و میسازد! (مصطفی کمال بتلقین
فرستاده روس (فتحعلی آخوند زاده) بزور سر نیزه خط اسلامی تسر کیه را بخط
لائین تغییر داده، آنکشور را از سایه همایون فرهنگ اسلامی بدربرد) (ص ۱۶۰ را
دوباره بنخوانید) در صورتیکه فقیه جمهوری اسلامی، کوشش بقرآن و سنت
دارد که می گوید چون پیروز شدی از حد مگذر. چون غالب گشتی عفو کن
(۲: ۱۷۸ و ۲۴: ۲۲)

وبالآخره آنها هستند که آتش محاربات کرده و ویتنام و کامبوج و خاور میانه
عربی را برافروختند و مقدمه حمله انورسادات، یعنی حمله مصر اسلامی و عربی
را بیرادرش لیبی و مقدمه حمله عراق بیرادرش ایران اسلامی را فراهم آوردند!
و در حال حاضر نیز برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی، جریاناتی
براه انداخته اند که جوامع بشری را با کشتارها و خسارات جبران ناپذیر
مواجه می سازد!

چه که هر خردمندی میداند که سر بر آوردن جمهوری اسلامی در جای
در تیم خونخوار و نکبت بار شاهنشاهی، از بزرگترین نعم الهی بوده کفران آن
نیز بمصدق قرآن (۷: ۱۴) و گواهی تاریخ، عذاب
می شود: یهود بنی قریظه مثل همه یهودیان بر اثر مرده ای که از پیامبران خود
شنیده بودند؛ برای تشریف آوردن حضرت محمد بمدینه، انتظار کشیدند و
روز شماری کردند. اما بعد از آمدنش عهد شکنی کردند و دشمنانش پیوستند
و سرانجام در مقابل کفران نعمت، باشاره دوستی که خودشان بحکمیت بر گزیده

بودند کردن مردانشان زده شد! (تفسیر صافی و فروغ ابدیت)
 چه نعمتی بزرگتر از این که بجای رژیم جائر و ظاهرساز، حکومتی
 بوجود آمده است که عدالت قضائی^۱ و اقتصادی، از اساسی‌ترین بر نامه‌های
 آن می‌باشد.

۱- یکی از کارمندان موثق بانک که با حسابداری نیروی هوائی آشنائی
 دارد گفت «بهریک از حدود پنجاه هزار مستشاربیکانه، بهنگام مسافرت بکشور
 خویش ۴۸ هزار تومان و بهریک از رؤساء و بزرگان لشکر بنام «حق لباس»
 ۳۳ هزار تومان فوق‌العاده داده می‌شد ...»

درحالی که در جمهوری اسلامی بالاترین حقوق وزراء و نمایندگان،
 ماهیانه پنج هزار تومان معین گردید.

وباز بقول همان دوست؛ در رژیم پهلوی اگر احساس می‌شد که خلبان یا
 همافری بحکم مذهب «محاسن» میگردد و یا در شب نشینیهای مختلط که زن و
 مرد اجنبی با یکدیگر آشنا می‌شدند و احیاناً پ... ایه هرزگی‌ها
 در آنجا گذاشته می‌شد، شرکت نمی‌کند، مراتب تحت پیگرد قرار میگرفت و
 درجه و ترفیع او، با مشکلات مواجه میگردد! در صورتیکه برعکس اسلام
 کسیراً گرامیتر میداند که تقوایش بیشتر است. و اینک دو گواه

الف - در رژیم پهلوی، افراد هزار فامیل دربار و وابستگان آنها و
 وابستگان ساواک، بنام اینکه سنگینی بار رژیم بر دوش آنهاست در برابر
 بزرگترین جنایت، عملاً مصونیت قضائی داشتند و اگر احیاناً بداد گستری جلب
 می‌شدند، فعل و انفعالاتی در پشت پرده بعمل می‌آمد که یا پرونده از بین می‌رفت
 و یا مسئله دادرسی باندازه‌ای بطول می‌انجامید که یا آن نور چشمی می‌مرد و یا
 این شاکی کشته می‌شد!! و اگر قاضی مربوطه شهادت بنخرج میداد و تسلیم ←

۴۲. عمده درآمد سکنه دشت قپچاق و اطراف آن کسه قسمتی از چین و هند و تبت و ترکستان و آسیای صغیر را فرامی گرفت؛ از تربیت گاو و گوسفند تأمین می شد. آنها برای دست یافتن بچراگاهها بوسیله تیر و کمان هر مانعی را از سر راه بر میداشتند. یعنی قتل و غارت از کارهای عادی آنها بود. که مخصوصاً

← جریان نمی شد، کارش با انتقال و عزل و ترور محول میگردید. در حالی که در جمهوری اسلامی طبق مثال مستندی که نقل می شود، مسند قضا بکسانی داده می شود که تبعیض را گناه میدانند و اجتناب مینمایند!... در مجلس تذکریکه بیاد آیه الله دستغیب و دیگر شهداء در مسجد مقبره تبریز، منعقد شده بود، حجة الاسلام، عبدالحمید بنایی در ادامه بحث از تفقه و بکار بستن آن، گفت «ثمره فقه و عدل اسلامی است که حضرت آیه الله محمدی گیلانی در دادستانی انقلاب اسلامی تهران، همچنانکه جانیان را بجوخه اعدام می سپارد، فرزند خود را هم که با آنها همکاری کرده، می سپارد! چون مسئله بسیار مهم بود، از ایشان پرسیدم «این خبر از کجاست؟ گفت از آیه الله ملکوتی امام جمعه تبریز شنیدم». به حضرت ایشان تلفن زدم ولی تشریف نداشتند. چون نتوانستم تحقیق کنم. ناگز از حجة الاسلام محمد فاضل استمداد نموده جواب گرفتم که گفت «نتوانستم خود معظم له را زیارت کنم ولی دفترشان تلفنی، موضوع را تأیید کرد»!

ب - قضیه ای از قضایا که استعمارگران بضرر دین انجام میدادند، چون جنبه درایت دارد، در اینجا مطرح کردنی می باشد. در سالهای خفقان بعد از کودتای ۳۲، استادی داشتیم بنام «ماهیار-ن» که اغلب تعطیلات تابستان را در اروپا یا آمریکا می گذراند. در سر درس که از خط میخی بحث می شد و متنی را بنام یادگار زریران، تدریس میکرد، بناگاه سخن از جنگ و یشناسب شاه با شاه چین و کشته شدن برادرشاه ایران را قطع کرده گفت «در کر بلا هم دو ←

در عهد آتیلا بنهایت شدت و قساوت رسید .

۴۳- آتیلا سیاست را با شقاوت و حرص جهانگیری ، نوأم داشت . او خود را از مقام بالاتری مأمور قهر و غلبه میدانست ... دست و پای یکصدم اسراء ، بامر او قطع و در آتش افکنده می شد . . آتیلا از طرز بآتش افتادن دست و پا تفأل می کرد !

۴۴- آتیلا از روم شرقی و غربی باج خواست . آنها حاضر شدند هدایائی

← ریاست طلب جنگیدند ، عباس برادر حسین و سپس خود او کشته شدند و کار خاتمه یافت ! این روضه خوانها هستند که مسئله را دامن می زنند ... جائی که فراتسی بآن عظمت جریان دارد و هر جا کنده شود آب در می آید « العطش - العطش » گفتن ، کار بی اصل می باشد ! « بنده حقیر در جواب حقه کشی او ، خواهش نمودم ، حاشیه نرود ! ... بر آشفته گفت « چرا ؟ اینجا دانشکنده است حقائق باید بحث و حلاجی شود ! » (مسلماً تلقینات استعمارگران بود که می خواست منبع الهام و حیات سیاسی شیعه را هدف تیرزهر آگین قرار دهد که خدا نگذاشت)

دوست متدینی داشتم (دکتر جلیل - ت) با گفتن اینکه «متأسفانه شما متکلم و حده می شوید» قهر کنان کلاس را ترک کرد . استاد گفت تا یکسال او را بکلاس نمی پذیرم ! حقیر ، خطر را جدی تر دیده پیشنهاد نمودم « شما درس را ادامه دهید . من طرف درم حضرت اساتید دیگر بشما ثابت می کنم که تشنگی طاقت فرسائی وجود داشته و شما اشتباه می کنید و وو»

پای اساتید دانشمند بمیان آمدن همان بود و شکستن استاد همان ! خنده ای کرد و قسمی یاد نمود و گفت « من خودم مسلمانم نواده وصال شیرازی که آل محمد علیهم السلام را مدح گفته است . همشاگردان در حالیکه بر پیروزی حق علیه باطل میخندیدند ، همدرس را فراخوانده آماده درس شدند ! ...

تقدیم کنند . ولی رئیس دربار آتیلا در جواب آنها نوشت « خداوند من و تو ،
 بتو امر میکند فوراً قصر خود را برای پذیرائی آتیلا آماده کن » ... او با صد هزار
 مرد جنگر ، از فرانسه گذشته وارد روم گردید و بیش از سیصد هزار نفر را از دم
 شمشیر گذراند ؟! او افتخار می کرد که بهر کجا سم اسب او برسد ، علف در
 نمی آورد عمده حمله آتیلا برای بدست آوردن شاهزاده خانم هنریا بود . آتیلا
 دربر گشت از روم دختر زیبایی بنام بایلدیک را با خود برد . شب را با او بود . صبح
 که دربار شد آتیلا مرده بود و دختر هم از بیم اینکه او را متهم کنند ، گریه
 میکرد . (تاریخ قرن ۱۹ نصر الله فلسفی ص ۱۶۶ و ۱۷۷ و ۲۰۰)

(متجاوزان را که فیض شهادت نصیب نمی شود یا در خانه خود می میرند و
 مرگشان موجب فرح مستضعفان میگردد . یا در راه ناخت و تاز می میرند و بر دکان
 در بستر رودخانه دفنشان میکنند ! و کشته میشوند یا در میان کشمکشهای هورها
 بقتل میرسند . یا مثل مائون دربر گشتن از شکاریا مثل بهرام در راه شکار گودخر
 و یا در تمتعات حیوانی می میرند و قتل عشق و افراط میشوند !)

۴۵- ژوستینیان امپراطور روم شرقی ، زمام امور کشور را بملکه سپرد .
 ملکه با آتوینا از زنان دربار شدیداً رقابت داشت . در اثر این رقابت ، بیزاریوس
 سردار شجاع ، از خدمت اخراج شده حبس و کور گردید . این عزلها و کشتارها
 بجدی عمیق و گسترده بود که پس از مرگ ژوستینیان ، شخصیت لایقی در
 عرصه حیات نبود تا حکومت را در عهده بگیرد ... ملکه بوالهوس ، قصر سلطنت
 را از مردان و زنان بوالهوس پر نموده بود . ساعات بسیار در شرب خمر و عیاشی
 سپری می شد . بمشهورترین رجال که برای عرض گزارش می آمدند مجال صحبت
 داده نمی شد . ملکه بسال ۵۴۸ بمرض سرطان در گذشت (تاریخ قرون وسطی

۴۶- آرکادیوس مردی ضعیف و بی لیاقت بود، زمام امور روم را بدست
وزرای مغرض و رشوه خوار سپرد. تاریخ جهان دولاندن- ترجمه بهمنش ص ۲۷۱
۴۷- در کشور پهناور روم که شامل تمام ممالک اروپای امروزی میشد، تا
قرن سوم میلادی فقط ارث باولاد ذکور داده می شد. تاریخ ویلدورانت ج ۴ -
ب . ص ۱۸۹

۴۸- در قرن ۴، شاپور شاه ایران بر اثر خصومت بسادولت روم، دستور داد
شانزده هزار مسیحی را کشتند! منبع فوق
(اینکار از شاهان عجیبی ندارد زیرا آنها نمی خواستند از راه تبلیغ مذهب؛
مردم بیدار شوند! بلکه مقرر فرموده بودند مردم مسیر شکار آنها را آب بپاشند
و عطر آگین کنند! اقوال الائمه ج ۲ ص ۱۹۵ و مرد نامتناهی .

۱- پژوهشگر، از شاهده این تفرعنها از ملوک و رؤسا بیاد امیر المؤمنین
علی علیه السلام می افتد که او در دوره خلافت، بشهر اربار وارد شد و از دیدن اینکه
دهقانان بعبادت دیرینه باستقبال آمده بودند گمی می کنند، پدران آنها را بترک
تشریفات نصیحت فرمود. . و از آنجا بیاد ولایت فقیه می افتد که جز بخواست
خدانمی توان از ذلت قبول تشریفات شاهنشاهی بعزت سایه فقیه رفت که او از کسی
تشریفات نمی خواهد... جز بیاری خدا چگونه می توان زیر سایه ولایت فقیه رفت
که آن، بقول روزنامه های استرالیین، والستی ژورنال که سد تبلیغات صهیونیستی
وامپریالیستی را شکسته اند میگویند ایران با اینکه جنگ بر او تحمیل شده و
ناگزیر از تهیه سلاح است و با اینهمه اصلاحات که بدست جهاد سازندگی در
روستاها انجام داده است و با اینکه يك ششم از فروش نفت سابق را ندارد. باز
دست استقراض پیش صندوقی باز کرده و در عین کمی سلاح، بردشمن غالب می آید
اما رژیم عراق با آنهمه کمکهای آشکار و نهان دول دیگر ۲۰ میلیارد دلار -

۴۹- کلیسا در قرون وسطی قریب ۳۲ هزار نفر از اندیشمندان را سوزاند .
یکی از آنان معتقد بود که عالم آفرینش دائماً در حال توسعه می باشد . (غذای
فکری مسیحیت ص ۱۰)

بنوشته مجله دانشمند و مکتب اسلام ، در عصر حاضر .. از منجمین بزرگ ،
کسانی هستند که در حال گسترش بودن عوالم را تأیید می نمایند. (خدا در قرآن در
آیه ۵۱ : ۴۷ میگوید هائیم که آسمانها را بقدرت برافراشتیم و هائیم که بر آستی ،
توسعه دهند گائیم !)

۵۰- در آلمان ولیعهد شش ساله (هائری ۴) بجای پدر بتخت سلطنت
نشست . در این دوره پاپها بتکثیر ثروت و توسعه تیول پرداختند و چون دولت
بمخالفت بر خاست کار بصف آرائی و جنگ منجر شد .

پاپ گرگوار ۷ ، هائری را تکفیر نمود . مردم سر از اطاعت شاه بر تافتند
هائری پیای پاپ افتاد و توبه کرد و بتاج و تخت برگشت . بر عکس کم کم پاپ از
نفوذ افتاد و در ایتالیا زندانی گردید ... هائری بیهانه نجات پاپ بروم لشکر کشید و
آنجا را غارت نمود . تاریخ جهان ۴۳۵

چه خوبست مخالفان ولایت فقیه ؛ اهم از مسلمان و غیر مسلمان قبل از
اینکه در داد گاه عدل الهی مورد بازخواست قرار گیرند ، این عهد شکنی ها و

« بدکار است ! » ... جز بخواست خدا نمیتوان از رژیمهای نظیر رژیم سعودی ،
دست که او خطباء و علمای زبان و قلم فروخته را وادار بخلاف افکنی
میان مسلمانان میکنند ... قصیمی نام ، کتابی مضمون بتهمت و افترا بشیعه مینویسد
و پیش امام جمعه مکه میرد ... او بعنوان تقریظ در ذیل صفحه اول مینویسد « ما
شیعه را مجرم میدانستیم اما کتاب بود الصراع بین الشیعه والوثنیه » ثابت نمود که
آنان کافرند ! .. بتخلیص از گروه دستگاران .

قتل و غارتها را مورد عبرت قرار دهند! و اطاعت از اولیاء خدا را غنیمت شمارند.

۵۱- نیکلای امپراتور روسیه تزاری، در جنگ اول جهانی، قوای نظامی خود را به همراه قوای آمریکا و انگلیس وارد ایران نمود ... کم کم در صدد برآمدن نسبت بمائیدن دائمی قوای نظامی خود در ایران، مقدماتی تهیه و از مردم اخذ رأی و ارضاء نماید. مسلمانان بانگ اعتراض بر آوردند! روسیه بروی مردم آتش گشود! مسلمانان در مشهد بصحن مطهر حضرت رضا علیه السلام پناهانده شدند. قوای روس برای بیرون ریختن آنها، کتید و مناره مطهر را بتوپ بست ... مسلمانان در تبریز تظاهرات و اعتراض کردند. قوای روس ۲۰ - ۳۵ نفر از بزرگان و مجتهدین را در روز عاشورا حلق آویز کردند ... در این گیر و دار بود که انقلاب داخلی روسیه، امپراتور را از پای در آورد تا قوای نظامی بساطط را در ایران را ترک گفتند.

۵۲- در جنگ دوم جهانی همینکه قوای متفقین برخلاف عهدنامه موجود وارد ایران شدند، نام پنجاه نفر از بزرگان را بشهر بانی داده آنها را تا یکسال حبس کردند. اطلاعات در ربع قرن ۲۲۶

۵۳- تاریخی، سراسر خدعه و نیرنگ و خون: هائری دوم انگلیس، در سال ۱۱۷۱ تمام ایراند را بتصرف خود در آورد ...

پسرش با پادشاه فرانسه همدست شده بر او تاختند ...

فرزند این عاصی بنام ریچارد، با فیلیپ اکوست پادشاه فرانسه، روابط دوستانه داشت که کم کم تیره شد.

ریچارد شخصاً در میدان جنگ صلیبی و غارت اموال بیچارگان شرکت داشت.

پادشاه انگلیس دربر گشت از جنگ، بدست هائری پادشاه آلمان،

گرفتار و زندانی شد ... برادرش از این پیشامد خوشحال شده بجایش بنشست ...
ریچارد پس از هائی، خود را بوطن رساند و بعد از کشمکشها بتخت و تاج رسید...
او با یار دیرینه یعنی اگوست فرانسه، چندین جنگ کرد و سرانجام بقتل رسید.
پسرش ژان بر سر انتخاب اسقف، با کلیسا از در مخالفت بر آمد! پاپ او را از
سلطنت خلع و فرانسه را واداشت که بانگلیس حمله کند ...

ژان که خود را در معرض فنا دید بیای پاپ افتاده بتخت و تخت بر گشت ...
ژان تعهداتی را که با بزرگان داشت زیر پا گذاشت. آنها هم از لوئی، پادشاه
فرانسه کمک گرفته، از پایش در آوردند^۱. تاریخ جهان ص ۴۲۷ بعد

۵۴- از سال ۷۵۶ که شاه فرانسه قسمتی از اراضی دولت را بکشیشها

وا گذاشت. آنها نیرو گرفته در صدد بسط نفوذ در آمدند. در سال ۱۰۷۵ میلادی
پاپ گریگوار ۷ خرید و فروش مناصب روحانی را منسوخ کرد.

۵۴- هانری ۴ امپراطور آلمان این سخن پاپ را بدیده بی اعتنائی گرفته

شدیداً بیپای اعتراض کرد. وسلطنت خود را موهبت الهی خواند (شاه مخلوع هم
همچو ادعای عوامقربانهای داشت) پاپ هانری را تکفیر و از سلطنت آلمان و
ایتالیا خلع نمود. مردم فرمان پاپ را گردن نهاده از حمایت شاه باز ایستادند...

شاه با جامه کهنه توبه کاران؛ سه روز در درب پاپ گریست و پوزش طلبید تا مورد
عفو قرار گرفت و سلطنت بر گشت!

صد سال بعد میان فردریک باربروس و پاپ اختلاف افتاد. باز پاپ او را

هم تکفیر و خلع کرد. فردریک شاه آلمان خود را بیای مر کب پاپ افسکنده
پوزش خواست ... لجام مر کب را بندست پیچیده چند قدم پیشاپیش. رفت ...^۲

۲۹۱- عنایت خداست که احیاناً پاره شدن پرده نفاق «بیار مصلحتی!» را

نشان میدهد تا مردم بدانند رفاقت شاه با پاپ و معاویه با عمر و عاص و بنی صدر با ←

(عدالت اجتماعی ، حجة الاسلام خسرو شاهی ص ۳۷)

۵۵- پاپ نیکلای چهارم و پاپ اریانوس ۶ در قرن ۱۴ م فتوی داده بودند که مکر و ستم گناه است . ولی وفاء در حق مسلمانان گناهش بیشتر از مکر و ستم

← مسعود رجوی برای غرض بوده است !

بنی صدر که بنام دولت در تبعید رجوی را وزیر خود نموده بود ، اخیراً گفته «با اعتماد ندارد»

فرزندان این نجیبها بودند که میرزا علی محمد را بیابیت و امامت و پیامبری و خدائی برانگیختند! پس از آنکه میرزا حسینعلی بهاء نیز تحت عنوان «امانت دولت روس» ایران را با شوب کشاند . تا بغداد تبعید شد؛ سفیر انگلیس فوراً او را دریافتند بخدمت گرفت ! ویکی از قلم فروختگان ایران (م - ق) را استخدام نمود تا تحت عنوان کتاب آسمانی، در امامت و پیامبری و خدائی میرزا حسینعلی! کتابها نوشت : (تلخیص از کتب بهائی . قرن بدیع ج ۲ ص ۳۴ و ۶۶ و ج ۳ ص ۲۹۱ و ۳۴۷ و مبین جدید ص ۵۵ ؛ و بدیع و اشراقات و و)

باز فرزندان آن پادشاهان نجیب بودند که در موقعی که حسینعلی بهاء و برادرش میرزا یحیی در عراق ، هر یک بجانیشینی باب برخاسته پیروان «زرخوید» خود را بجان پیروان یکدیگر انداخته ، عراق را متشنج نمودند و دولت ترکیه هم یکی از آن دورا با درنه و دیگر برا بهیفا و عکا تبعید نمود . فرصت را برای بهره برداری مغتنم شمرده . همچنان میرزا بهاء و پسرش عباس آفندی را برای جاسوسی از دولت ترکیه با استخدام خود در آوردند و به عباس لقب «نایت هود» دادند (قرن بدیع جلد ۳ ص ۲۹۹) و چون در این راه عباس گرفتار و محکوم با اعدام شد . فوراً سفیر انگلیس پای شفاعت و التماس در میان نهاده نجاتش داد . و عباس هم شرط وفاداری بجای آورده جرج پنجم امپراطور انگلیس را دعا نمود ←

است ۱ مجله مکتب اسلام ۸:۸ - ۲۲

۵۶- ارسطو بر خلاف نظریه استادش افلاطون حکم بر ترکی یونانیان بر ملل جهان را صادر نمود ... یونانیانیکه خود را ممتاز و دیگران را بر برمی خواندند .
مکتب اسلام ۸:۱۴

← (مکاتیب عبدالبهاء ج ۲ - ۳۴۷ ...

گفتنی است که رئیس یکی از دبیرستانهای تهران ، در دوره طاعت بحقیر گفت چند نفر بهائی زاده مدرسه مرا در تبلیغ و گمراه کردن مسلمانان و ناسزا گوئی با اسلام با شوب میکشند . گفتم از آنها و مبلغشان ، وقت بگیر رسد تا استعمار ساز بودن آئینشان از روی مدارك خودشان اثبات شود... مجلس در خانه مبلغ بزرگ بهائی تشکیل یافت . ۱۰-۱۵ دختر و پسر بهائی حضور داشتند . مبلغ گفت دین ما حق است ، سازمان ملل متحد بما دست ارادت می دهد . کتب آسمانی ذیقیمت داریم که چنین و چنان است . در برابر دین ما تنها مالاهاى سود جو هستند که مانع کارما میشوند (توجه میفرمائید که در اینجا هم هدف مزدور استعمار ؛ کوبیدن روحانیت اسلام و برعکس انجمن حجّتیّه قصدش زدودن غبار تهمت از چهره پاک روحانیت است) گفتم از سازمان ملل بگذرید که اسرائیل را هم که خاند های مردم را غصب و آنها را بمسلسل بست ، تأئید نمود و شوروی هم که عضو مقتدر سازمان است در عین رقابت داشتن با انگلیس و آمریکا ، بجای اعتراض ، صلاح خود را در تضعیف اسلام و بدی و پناهندگی مسلمانان دانسته اسرائیل را تأئید و تبریک گفت . . . از کتب خودتان بیارید تا معلوم شود چگونه کتب آسمانی دارید ؟ گفت هر چه میخواهید بیارم گفتم مکاتیب عبدالبهاء جلد ۳ را بیاورید ... آورد ... صفحه ۳۴۷ آنرا باز کرده پیش چشم خود و پسرشان گرفتم و دعائی از آنجا خواندم و گفتم « تا کنون روش پیامبران و امامان ←

همچنانکه فرید یهودی بفیلسوف تمتع حیوانی مشهور شده است. ارسطو هم فیلسوفی بوده که بمعلمی اسکندر درآمد و از سفره رنگین او بهره گرفت ... توجه: فقیه اسلام امتیازات را لغو و خود وقتی بحکومت برسد بناز لترین معیشت افراد آبرو مند قناعت میکند ولی دیگران؟! بدربار اسکندر یادستگاه استعمار میروند!

۵۷- برهمنان که شاهان و والیان، از میان آنها انتخاب می شوند. طبقه ممتاز هند هستند! کوچکترین تعلل در اجرای فرامین آنها موجب سخت ترین مجازات است. آنها از نظر تمتع جنسی از حقوق و برتری بر خورد دارند. ویلدورات آمریکائی میگوید «استمتاع از عروسان، در شب اول از آن جمله است» ... آنها در یک چشم بهمزدن میتوانند اجتماع را بهم بزنند. برهمنان اجازه تحصیل بطلقات پائینتر را نمیدهند (مجله مکتب اسلام ۱۴: ۷)

(بہتر است بدانیم کہ بپرکت این شیوہ حکومت؛ حالا در بمبئی نصف جمعیت در خانه های حصیری بسر میبرد. (مجله دانستنیها شماره ۵۷)

۵۸- در تبت و چین، زنان در حکم صغیر و تحت قیمومیت پدر یا شوهر میمانند. تا چند سال قبل (هنوز هم در بعضی از نقاط چین)، ازدواج، یکی از مظاهر ساده

← این بوده است که با دشمنان بشریت مبارزه میکردند. اما امام شما این سنت الهی را شکسته، دولت و شاه انگلستان استعمارگر را دعا نموده است و این هم مددک از خود شما!!

... عذری آورد که زشتتر از گناه بود. خود پسرش با اعتراض نمود که چرا تا کنون این دعا بر شاه انگلیس را بما نشان نداده بودید .. باز عذری آورد که آنها نامعقول بود و کوبیده شد! آنگاه در حالی که همه جوانان بهائیی علاقه داشتند، بحث ما ادامه یابد، ما را مجبور بخروج نمود. ما هم که تا حدی وظیفه خود را انجام داده و دشمن خدا را رسوا کرده بودیم بناچار جلسه را ترک گفتیم.

خرید و فروش است. زن حق غذا خوردن با شوهر یا فرزندان را ندارد. زن باید در کناری بنشیند و پپ شوهر را روشن کند. پس مانده غذای زکور خانواده خوردن زن را تشکیل می دهد. دختران معمولاً ادث نمی برند. بجای ادث، مختصر جهیزیه بآنها داده می شود! (حقوق زن. صدر)

۵۹. در هند و چین زنان حق ورود بمعکده و دادن شهادت ندارند. زن در هندوستان تابع پدر و بعد تابع شوهر و در دوره بیوگی تابع پسر یا اقوام یا شاه است. زن باید اشخاص فوق را بدیده خداوندی بنگردد. زنان در ایام حیض اگر بچیزی لمس کنند آنچه نجس می شود!... متأسفانه این عقیده در اروپای باصطلاح متمدن هم وجود دارد. بعضی از ملوانان معتقدند که وقتی که در کشتی در نزدیکی ملوان، زن حائضی باشد قطب نما طوری که باید صحیح کار نمی کند!! (حقوق زن. صدر)

۶۰. شیلر شاعر و فیلسوف معروف آلمانی میگوید «در انتظار اینکه فلاسفه و متفکرین، بتوانند بر عالم حکومت کنند. علی العجالة شکم و شهوت بجای آنها حکومت میکند.» حقوق زن. حسن صدر ۹۲/۸۹ و ۹۰

توضیح: اشتباه شیلر اینست که باصطلاح با ما مزاده ای متوسل میشود که تا کنون معجزه ای از آن دیده نشده است. ایکاش نظری بقوانین اسلام که فقیه جامع الشرائط مجری آنست. می افکند و رمز انسانیت و سعادت را تماشا میگردد!

۶۱. شاه جهان در هندوستان، برادران را که منازع سلطنت بودند، از

میان برداشت. نوبت پسر خودش رسید. او را تر حماً نگاهداشت. اما سرانجام پسر علم عصیان برافراشت. پدر با او جنگید و شکست خورد. شاهزاده نه سال پدر را در زندان نگاهداشت! حتی بدیدن او هم نرفت. اقول الاثمه ج ۵ - ۶۳

۶۲. خاقان چین بنام شه هوانگتی در قرن سوم قبل از میلاد برای حفظ

مملکت از دست اندازیهای «هونها» دیواری ضخامت ۱۵-۲۵ پا و بطول هزار و پانصد میل ساخت. اما دیوار مانع هجوم نشد. هونها فروریخته شاه را پیرداخت خراج ملزم نمودند. زنان اعیان را میگرقتند و میبردند. یکی از شاهزاده خانمها چنین گزارش داده است «شیر ترشیده و گوشت خام خوراك من است. اینکاش مرغی بودم و از این قفس آزاد می شدم» تاریخ، ص ۱۷۰

اگر از این واقعیت اغماض شود که بقول شهید دکتر شریعتی صدها هزار برده بیچاره در بنای دیوار به بیگار کشیده شدند و جان دادند و دریای دیوار دفن شدند، هر پژوهشگری از خود می پرسد آیا بهتر نبود که این کار طاقت فرسای بی ثمر بر اساس مشورت صادقانه که در میان مردان خدا معمول بوده و هست بعمل می آمد؟

همچنین کسانی که از مشاهده بلندی اهرام مصر انگشت حیرت بردند و میگزند و معماری مصر قدیم را مورد تحسین و تمجید قرار میدهند، آیا از خود پرسیده اند که این همه مصالح و سنگهای بزرگ، از کجا و بچه زحمتی حمل و نقل شده و بدست بنا رسیده است و هزینه آن بجز از جان شیرین طبقه محروم کارگر از کجا تأمین شده است؟

و آیا امروزه بجای تنگ و سرافکنندگی در برابر تاریخ، موجب فخر نبود، اگر دست مردان خد (فقهاء عصر) باز گذاشته می شد و آنها فرمان خدا را رعایت و اجرا می کردند که میفرماید «دستمزد کارگر را قبلاً تعیین کنید و بلافاصله از اتمام کار بپردازید؟». کتاب «آری چنین بود، ای برادر» تألیف دکتر شریعتی را مطالعه فرمائید!

۶۳- قبائل وحشی هندوستان از سیلان تا هیمالا یا (اغلب) دختران خود را

می کشتند. حتی بزرگان و راجدها نیز مرتکب این جنایت می شدند: در نظر

راجه‌ها دختر بی شوهر داشتن و یا بشخص پست دادن عار است (حقوق زن . صدر)
 ۶۴- برتراند راسل متفکر انگلیسی میگوید در روزگاریکه اروپا در
 توحش زندگی میکرد، شعر و فلسفه و هنرهای زیبا در چین و کشورهای اسلامی
 رواج داشت... اروپائیان، بیجهت این دوره را عصر تاریک میگویند. در صورتیکه
 تاریکی تنها بااروپا منحصر بود. آنهم اروپای مسیحی! زیرا کشور اسپانیا که تحت
 تسلط مسلمانان بود دارای تمدن و فرهنگ درخشان بود. (تلخیص از مسلمانان
 روسیه ص ۲۲) تألیف اسماعیل حکیم اوغلو ترجمه سخاوند

در توضیح گفتار راسل گفتنی است که بقول حافظ «آب درد آلود ما
 چونین کند... کاسه پر باشد ندانم چون کند؟»
 راسل از آثار اسلام؛ ذرهای دیده و آنرا می ستاید.

ایکاش مسئله غصب خلافت به میان نمی آمد و بجای امویان و عباسیان؛
 خاندان پیامبر صلوات الله علیه و فقهای وابسته بآنها زمام امور را در دست می گرفتند و
 راسل‌ها می دیدند که مکتب اسلام برای پرورش افکار و پیشرفت تمدن و فرهنگ،
 حاوی چه احکام و گوهرهای بی‌مثال میباشد. مؤید این سخن وجود دانشگاه مصر،
 اثر فاطمیون و نظامیه بغداد اثر خلفای عباسی و خواجه نظام الملک می باشد که
 هر انسانی از دیدن آنها انصاف می دهد که اگر ارزش «سکه قلبی» اینست؟! پس
 بهای سکه اصلی ولایت امام و فقیه در اعتلای علم، چقدر خواهد بود؟

توضیح: در صفحه ۱۴۵ اعتراف مورخ بزرگ و بلندورانت آلمانی (مقیم
 آمریکا) را خواندید... مؤلف، اقوال بیش از صد نفر اسلام شناس بزرگ را که
 اسلام را ستوده و یا آنرا دین آینده بشریت میدانند آماده دارم که بهخواست
 خدا زیر چاپ خواهد رفت.

تنها در اینجا بقول یکی از آنان بنام ریچارد فرای استاد دانشگاه هاروارد

آمریکا که از انقلاب اخیر اسلامی نیز سخن بمیان آورده است. باختصار اشاره می‌شود.

دومی گوید بر خلاف عقائد مرسوم که دوران طلایی ایران را زمان هخامنشیان و پادشاه عباس می‌پنداشتند، من باین نتیجه رسیده‌ام که دوران طلایی ایران در واقع، پس از ورود اسلام و نیز پس از انقلاب اسلامی بر هبری امام خمینی می‌باشد!... نشریه اداره کل ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و روابط بین‌المللی دانشگاه اصفهان، .

علمی که با ایمان توأم نباشد خطرناکتر از جهل است

پژوهشگر، پس از کردوشی گذرا، در تاریخ گذشتهگان؛ در صد تهمینه گزارش بود که عده‌ای زن و مرد غریب‌زده سر رسیدند. زنان بی‌حجاب با روزلب و لاک ناخن و مردان با پایپون و فیکل و کروات. زنانی که بتازگی، از

۱- باینکه ملعنت کشف حجاب بر رضاخان و پلیس طاغوتی میرسد، بازاگر صد سال به پیش از او یعنی سال ۱۲۶۴ هـ ق بر گردیم زرین تاج (طاهره قره‌العین) را می بینیم که او، از شوهر و فرزندان گریخته با میرزا حسینعلی بهاء دریک کجاوه، از تهران به بدشت رفته و پس از ۳ هفته عیش و نوش؛ با مردان (پیر و میرزا علی محمد باب) باز بهمان حال با محمد علی بار فروش بهمانندران عزیزمت نموده است، زرین تاج بنام شکستن رسوم قدیم، حجاب زایل داشته غفلة وارد مجلس چشم-چرانها میشود و منبعد نیز دیگر چادر بسر نمی کند تا سرانجام در باغ مجاور زندان، بسزای بی عفتی خود میرسد و بدنش طعمه جانوران میگردد!

و این واقعیتی است که فرقه باب و بهاء برای اینکه با استعمارگران نشان دهند که برضای آنها، چگونه با اسلام بمخالفت برخاسته‌اند، در کتب خودشان (امثال تذکره الوفاء، قاموس توقیع، نقطه الکاف قرن بدیع جلد ۲، کشف الغطاء - مکاتیب - کواکب الدریه...) بدان متذکر شده‌اند و ادوار بر او را مأمور سیاسی انگلیس نیز نتوانسته آنرا بپوشاند و ناگزیر در مقدمه نقطه الکاف ص ۶۲، با گفتن اینکه «ناگزیر اثری از بی عفتی بوده که مردم مسلمان بآنها هجوم آورده‌اند» گذشته است.

پس جالب توجه خانمهای بی حجاب است. تا بدانند از چه کسی تقلید و پیروی و چگونه استعمارگران را شاد مینمایند!... و بمصداق قرآن بدنبال چه کسی روانه دوزخ خواهند بود!... در مشایعتی که هنگام بجهه رفتن رزمندگان ←

عمل جراحی زیبایی بینی از اسرائیل برگشته و سفری هم با اروپا و آمریکا در پیش دارند تا پزشکان ابروان آنها را بشکل ابروان متجددها در آورند!

مردانی که بنوکر و کلفت خود سقارش نموده‌اند، اطفال آنها را طبق توصیه «سناتور حیات از ناخسن یا تاموی سر با آداب غرب، تربیت نمایند» و خود نیز جشن عروسی فرزندان را بلندن میبرند و چندین میلیون ریخت و پاش مینمایند (مجله فردوسی ... نمی‌دانند که، بروز رستاخیز، بحساب پولی که از کارگر و مشتری ر بوده و از مستمند، دریغ نموده‌اند رسیدگی خواهد شد).

این متجددهای بی‌نماز و روزه که از سیاهی‌پرونده قبله آماشان (مغرب زمینی‌های قدیمی) سرافکنده بودند، باصرار گفتند آنچه تو دیدی انسانهای قبل از عصر علم و تمدن بودند. حالا سری بملل تمدن بزن تا معلوم شود که علم و دانش، انسانها را مخصوصاً از نیم یا ربع قرن باین طرف بچه رفاه و تمدن درخشان رسانده است.

پزوهشگر که خود می‌داند عالم بی‌عمل^۱ خطرناکتر از جاهل است، و

← تبریز بعمل آمد شهید با روح اهل خطیب و شهید احمد تر کمانی تبریزی (اعضای انجمن حجتیه تبریز) با اشاره بدین‌سازی استعمارگران که زمین تاجها را برای ترویج فحشاء تشویق می‌کردند، گفتند «تنها در مقابل این نعمت بزرگی جمهوری اسلامی بر رهبری امام خمینی که عزت بانوان را تضمین و بیمه نمود اکثر همگان بجنبه برویم و بکشیم و کشته شویم، باز شکر نعمت بجای نیاورده‌ایم!»

۱- قرآن علمای بی‌عمل «یهود» را بدرازگوشی تشبیه می‌کند که باری از کتاب تورات حمل میکنند ولی از درک محتوای آن؛ بی‌بهره میباشند!

حضرت علی علیه السلام میفرماید «علم زیاد آموختن ولی آنرا در غیر رضای

خدا بکار بردن، خود سرچشمه گناهان است. ←

میدانست که اگر پدران غربیها آن روز بیگناهان را بوسیله شمشیر و یا شیر درنده یکی یکی میکشند، امروز با پیشرفت علم، هزار نفر را یکجا می کشند، اگر آنروز در سواحل آفریقا، سیاهان را بطور پراکنده بکنفر از اینجا و بکنفر از آنجا شکار نموده در بازارهای آمریکا و انگلیس بفروش می رساندند، امروز استالینها و برژنفها و ملک حسینها و حسنها و خالدها، میلیونها نفر را اسیر میکنند و بامی فروشند. اما باز برای اتمام حجت و نمادین عذرو بهانه‌ای، بخواست آنها سری هم بانسانهای عصر فضا میزند!

و بدین ترتیب که؛ متقابلاً ایشان هم مخالف اسلام و مخالف ولایت فقیه را بمسئله استقبال دنیا از اسلام متوجه میسازد که با وجود کارشکنی‌های امپریالیسم «شرق و غرب» که ابادی آنها بزرگان اسلام رامیزند و ترور می کنند و مرجع مینامند و متهم مینمایند و و، باز باندازمای اسلام در حال گسترش است که امثال لوئی ماسینیون فرانسوی در کتاب «سالنامه دنیای اسلام» مینویسد «تنها در آفریقا سالانه بیش از شصت هزار نفر از سیاهان، با اسلام روی می آورند.» (ص ۸ مقدمه کارنامه سیاه استعمار دیا ...)

و باز آنها را متوجه میسازد که اگر به مسیحیان دو قرن قبل گفته می شد «با وجود مخالفت شدید شما، دبری نمی گذرد که آیندگان شما بضرورت در مسئله طلاق و نیز در مسئله ختنه پسران، راه اسلام را در پیش می گیرند» بسا که از تعجب؛ فحجه می کردند، اما حالا دیده می شود، آن هر دو حکم اسلام بطوعاً و کرهاً عملی شده است ... طلاق در غرب يك مسئله عادی شده و نیز اکثریت

← چو علم آموختی از حرص، آنکه ترس کاند در شب

چو دزدی با چراغ آید گزیده تر بسرد کالا

سندی نامرخصرو

قریب با اتفاق پزشکان آمریکا ختنه را علاوه از منافع دیگر، بهترین وسیله بهداشت زفاشوئی می دانند و مسیحیان نیز برای ختنه پسران نوزاد، در صفوف دراز بر یکدیگر سبقت می گیرند پس پذیرش سایر احکام اسلام نیز مبتنی بر این قبیل ضرورت‌های اجتناب ناپذیر خواهد بود ... (مسئله ختنه از روزنامه اطلاعات ۱۲/۱۲/۵۳ ص ۳ ناخیز شد)

توضیح اینکه برای اختصار، تنها نام منابع فارسی ذکر می شود آنهم روزنامه کیهان باعلاصت «ک» و اطلاعات باعلاصت «اط» و و با این یادآوری که آنها هم از منابع خارجی اقتباس کرده اند ...

الف: ایالات متحده آمریکا، اتانزی، در صفحات گذشته راجع طرز کشف آمریکا و روی آوردن زراندوزان و دزدان اروپا با آنجا و اینکه چگونه بزور و نیرنگ، بومیان اصلی (سرخپوستان) را قلع و قمع و اراضی و اموال و جواهرات آنها را تصاحب و بقایای نسل آنها را بزور فرمان در آوردند، و نیز راجع باینکه بكمك نیجای اروپا، کشتیها را در بنادر آفریقا نگاهداشته مردان و زنان را شکار و بزور وارد کشتی نموده در آمریکا بکار گوی و بردگی واداشتند، اشاراتی بعمل آمد. (کتاب سیاهان را مطالعه کنید) حالا بعنوان مقدمه و بطور اختصار اخلاق برون مرزی و درون مرزی آنها مورد پژوهش قرار می گیرد.

مسئله گانگسترهای بزرگ بنام «مافیا» بیش از هر چیز مورد توجه میباشد. این باند بزرگ که ریشه اش براهزنان ایتالیا می پیوندد بحدی صاحب نفوذ و قدرت می باشد که اگر وجود آنها، در مقابل دولت آمریکا را دولت فاسد در دولت فاسد بنامیم و نیز اگر آن هر دو بعلاوه نفوذ صهیونیسم بر آنها را بزرگترین بلا و آفت بشری بشماریم، اغراق نکرده ایم!

و باز باند دیگری بنام «سیا» با قدرت و نفوذ نامحدود در داخل و خارج آمریکا فرمانروائی می کند که نظرش در همه انتخابات داخلی و همچنین انتخابات ممالک دیگر مخصوصاً اقمار آمریکا دخیل و مؤثر میباشد! «سیا» در اکثر جنگها و کودتاها و قتلها و ترورها دست اندرکار است: و اینک مدارکی که مردم عادی و کاسب آمریکا تأثیری در انتخابات و نحوه حکومت ندارند و مدارکی که آمریکای فاسد شده، دنیا را فساد میکشاند!

۱- بازرگانان آمریکا در سال ۱۹۶۹ برای حفظ جان خود از سوء قصدها، بیش از ۲۵۰ میلیارد و اشخاص عادی بیش از ۵۲ میلیارد تومان بتروریستها باج و خراج داده اند. کیهان ۵۱/۲/۱۶

۲- دولت آمریکا برای مبارزه با-ازمان مخوف «مافیا» شصت میلیون دلار از گنجره بودجه خواست. مجله سپید و سیاه ۴۸/۲/۳۱

۳- «مافیا» بر اثر نفوذیکه در ملل عالم پیدا نموده، بشکل يك امپراطوری جهانی در آمده است (با این توضیح که امپراطوری فساد و تبهکاری) مجله فوق ۵۱/۴/۱۴

۴- در آمریکا یک هزار پلیس به ۶۷۷ نفر از اعضای «مافیا» حمله آورد!... اطلاعات ۵۱/۷/۱۸

۵- در برخوردیکه میان قوای مسلح با «مافیا» رخ داد ۴۰۰ نفر گرفتار شدند و مدارکی بدست آمد که نشان داد عدهای از رجال و بزرگان پلیس ببا آنها همکاری دارند. اطلاعات ۵۱/۷/۲۶

۶- در هر نیم دقیقه يك راهزنی بزرگی و در هر دقیقه يك جنایت مهم و يك سرقت اتومبیل، رخ می دهد. مجله مکتب اسلام ۱۲:۱۵ ص ۲۸

۷- جنایاتی که در آمریکا بطور مداوم اتفاق می افتد. دولت را مبهوت

کرده است. کیهان ۲۱/۵/۴۸

۸. سازمان جاسوسی «سیا» بیش از ۲۰۰ روزنامه و مجله را در سرتاسر دنیا زیر نفوذ دارد... هر خبر نابجائی را بوسیله آنها میتواند پخش و شایع کند... یکی شایعه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی می‌نویسد و آن دیگری از او نقل قول میکند... سومی تفسیر می‌نماید.

دو نفر از اعضای سابق «سیا» کتابی می‌نوشتند. «سیا» با خبر شده بزور زور آنها را وادار کرد در ۱۶۸ مطلب تجدید نظر کنند! تفصیل را از مجله سروش ۲۴/۶/۵۸ مطالعه فرمائید.

جک آن‌درسون خبرنگار را که نمی‌خواست قلم خود را بفروشد و بِنفع دولت آمریکا کار کند، داروی مخدر خوراندند و سپس نقشه ترورش را طرح کردند. منبع فوق

۹- ۵ نفر جاسوس آمریکا در شوروی دستگیر و نیز یک دیپلمات آمریکائی از شوروی اخراج شد رادیو تهران ۱۹/۱۰/۶۰

۱۰ «سیا» برای ناجور نشان دادن و بسقوط کشاندن دولت سالوادور آلنده رئیس جمهور ملی شیلی، تنها بیک روزنامه مبلغ ۱/۵ میلیون تومان رشوه داد! این رقم نشان می‌دهد، بر روزنامه‌های دیگر چقدر داده شد تا تحریکات نمودند و اعتصابات را دامن زدند... منبع فوق

۱۱- سالوادور آلنده که در کودتای آمریکائی سقوط کرد و بقتل رسید، گفتند «کودکان از لحاظ شیر در مضیقه هستند، جوابداد با ارزیکه آمریکائیها در عرض ۳ روز از شیلی غارت و خارج می‌کنند، می‌توانستیم همه بیچه‌ها را شیر بدهیم! اطلاعات ۵/۸/۵۸

۱۲- آمریکا برای اینکه نگذارد سالوادور آلنده که رجل ملی بود، انتخاب

شود، مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ دلار خرج کرد ولی موفق نشد!

۱۳- دولت نیکسون یکی از کمپانیهای بزرگ شیلی را به همکاری با «سیا» دعوت نمود! رئیس کمپانی در مدت ۲ سال؛ ۲۵ بار با کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا ملاقات کرد... کامیونداران شیلی، دهها هزار دلار از آمریکا رشوه گرفته اعتصاب و یا در حمل و نقل کالا تعلل کردند تا اقتصاد فلج شد. مردم دلسرد گردیدند و در نتیجه، کودتای آمریکائی پینوشه دیکتاتور بوقوع پیوست!

۱۴- روز کودتا کشتیهای آمریکا آماده بودند که اگر کودتا شکست

بخورد، مزدوران را از مهلکه نجات دهد. امید ایران دوره جدید شماره ۹

۱۵- جان استوک، ول که ده سال از طرف «سیا» در آفریقا جاسوس بود،

بعدها جنایاتی از آمریکا نقل نمود که حتی شیطان را هم متعجب ساخت. انقلاب

اسلامی ۵۹/۸/۱۵

۱۶- تلاش ۵ نفر آمریکائی برای ربودن وزیر نفت ابوظبئی شکست خورد.

کیهان ۵۲/۱۱/۲۸

۱۷- ۴ نفر خلبان آمریکائی بهنگام جاسوسی در مجارستان گرفتار

شدند... چون محکومیت آنها محقق شد. آمریکا مجبور گردید برای رهائی

آنها مبلغ ۱۲۰ هزار دلار جریمه بپردازد! اطلاعات ۱۳۳۰/۱۰/۳

۱۸- چند نفر از جاسوسان مشترک آمریکا و انگلیس، در صوفیه پایتخت

بلغارستان دستگیر شدند! اطلاعات ۳۰/۱۰/۵

۱۹- روابط آمریکا دهند بعزت اینکه سازمان جاسوسی آمریکا «سیا»

در هند فعالیت میکرد، تیره شد! اطلاعات ۵۱/۷/۱۸

۲۰- سازمان «سیا» میخواست خانم ایندیبرا گاندی، نخست وزیر هند را

بقتل برساند. کیهان ۵۱/۹/۱۳

۲۱- آمریکا کاری باین ندارد که ملتهای تحت سلطه چگونه از پای درمیآیند، بلکه بانمونه قرار دادن کوبا که آرتش نتوانست با نهضت فیدل کاسترو مقابله کند، معتقد است که باید در همه جا پلیس و سازمان امنیت را برای مقابله با شورشهای (آزادینخواهان) تقویت نمود. مطبوعات

۲۲- پارتون اسپرن که قبلاً ضمن خدمت سر بازی در ویتنام، در عین حال بصورت نیمه وقت در استخدام «سیا» بود، بکمیتته تحقیق گفت «در طول ۱۵ ماه جنگ ویتنام ۶۷ - ۱۹۶۸ شاهد صدها ارتکاب بقتل غیر نظامیان بودم - هیچیک از زندانیان، از بازجوئی، جان سالم بدر نمی برد. مطبوعات

۲۳- نظیر فشار فوق در بر نامه ریزی فرو نشانیدن شورشهای داخلی آمریکانیز بچشم میخورد. آنجا که بایرون انگل بکه یسیون مستشاری ملی گزارش کرد که در نظاهرات و جنگهای چریکی، استفاده از مواد شیمیائی و بر قرار نمودن حکومت نظامی، بهترین وسیله ایجاد آراش میباشد. مطبوعات

۲۴- سازمان «سیا» که همواره نامش برای خلقها بسا نفرت همراه است بودجهای دارد ۱۵ برابر مجموع فعالیتهای آمریکا!

... این سازمان، کارکنان آرتش، پلیس و سیاستمداران را در سرتاسر جهان می خرد! لیستهای از رهبران ملی که باید بقتل برسند تهیه میکند! کودتا براه می اندازد. برای شروع جنگ، توطئه سی چیند ... بعد از جنگ دوم جهانی شاید هیچ واقعه مهمی را نتوان سراغ داد که دست «سیا» در آن، دخیل نبوده باشد: کتاب شیطان بزرگ ص ۶۴

۲۵- سیاست دولت آمریکا بر این استوار است که ملتهای معالک اقمار و حتی خود ملت آمریکا را در عالم بیخبری نگاهدارد و اگر این امر بسادگی امکان پذیرفت، سیل دلار بر سر آنها که چیزی میفهمند فرو میریزد و آنها را

در گرداب رفاه و تخریب و تنعم و جبروت بیش از حد و نیز در دخل و خرج بی اندازه خفه می کند و مقدماتی فراهم مینماید که نفسشان از عوارض دیوار و بسکسی و ماریجوانا و قمار و سکس بگوش کسی نمی رسد ... مسدودها جنگ ویتنام شروع شده بود و جوانان بخصوص سیاهان کشته می شدند ولی ملت آمریکا خبر نداشت! منابع فوق ص ۸۱

۲۶- از این حساب که پنتاگون به تایلند ۳۲ و به فیلیپین ۱۶ هـ-واپیمای ضد شورشی میدهد و همچنین اندونزی و عربستان سعودی و سایر اقمار را مجهز می کند، معلوم می شود، آمریکا چقدر کسری بودجه خود را از فروش سلاحها جبران می کند. و در عین حال ملتها را با آن سلاحها و بدست مزدوران خود - فروخته که در هر کشوری به « هزار فامیل دولت » نامیده می شوند، سر کوب مینماید. منبع فوق ص ۱۲۲

۲۷- همه چیز دور مادیات گردش می کند و سر رشته آن بدست سرمایه داران است ... از کارخانه بمب آتم سازی آمریکا مقداری مواد و مصالح اتمی بسرقت رفت! و دولت (خواه و ناخواه) آنرا تأیید کرد. کیهان ۱۳/۱۰/۵۳ (از دو حال خارج نیست، یا رئیس جمهور بفرزند نامشروع یعنی اسرائیل داده یا معاونش با فریقای جنوبی!..)

۲۸- در آمریکا دهها کیلو هرورین، از انبار پلیس بسرقت رفت!...

اطلاعات ۵۱/۹/۲۵

(در ص ۵۶۸ یاد آور شدیم که بخشی از اعضای پلیس شریک دزد میباشند!)

۲۹- چهار هزار پلیس، تعلیمات می بینند تا با قاچاق هرورین که ۶۰-۷۰٪

از فرانسه وارد آمریکا میشود، مبارزه کنند. اطلاعات ۱۳۵۲/۲/۲۷

۳۰- در آمریکا مقداری هرورین بارزش ۲۲۵ میلیون تومان کشف شد.

کیهان ۱۲/۱/۱۳۴۹

۳۱- برای کشف و دستگیری باندبزرگ قاچاق هر وئین که ۶۰٪ مصرفی دنیا را تأمین می کند، ۸/۰۰۰ پلیس در آمریکا و اروپا و آفریقا بمدت ۶ ماه فعالیت کردند و رنجها متحمل شدند و حتی خود را بصورت هیپی در آوردند...

کیهان ۲۹/۱۲/۵۶

۳۲- اعتیاد بمواد مخدر بزرگترین بلای دانشگاههای آمریکاست. مجله روشنفکر شماره ۸۶۸

۳۳- عده معتادین آمریکا به حدود ۶۹۰/۰۰۰ نفر رسید. رادیو تهران

۵۱/۵/۶

۳۴- سفیر آمریکا را که در مکزیك ربوده شده بود، در مقابل آزادی ۳۰ خرابکار، آزاد می کنند. رادیو تهران قبل از انقلاب

۳۵- دکتر گارف هاردین استاد دانشگاه آمریکا معتقد است « باید میلیونها انسان در کشورهای نظیر هندوستان، بمیرند تا جمعیت تقلیل یابد و

۱- ولایت فقیه میگوید « عضو فاسد، با مرهم نهادن بهبود نمی یابد. بلکه جراح حاذق و قیچی برنده لازم است.

... با راننده ای در ماشین آشنا شدم. یکی از خاطراتش این بود که گفت درخویشان ما شهرت یافت که فلان خانم عکس حجة الاسلام صادق خلخالی را بدیوار زده است!.. چون علت پرسیده شد، گفت تا پیروزی انقلاب شوهرم هر وئینی شده، حالات زندگی را از خانواده سلب نموده بود. اما همینکه صداقت و قاطعیت حجة الاسلام خلخالی را دریاره دیگران دید، اثرس زندان و رسوائی، اعتیاد را ترك نموده بزودی علاج پذیرفت و باغوش خانواده برگشت از آنوقت شعار ما اینست « مرگ بر ضد ولایت فقیه ... مرگ بر دشمنان خلخالی»

این در صورتی امکان پذیر خواهد بود که دارندگان خواروبار ، بآنها کمک نکنند! . تلخیص از مجله مکتب اسلام سال ۱۶

(وای به حال اجتماعی که زمام امور آنها بدست این قبیل د کترها سپرده شود)
۳۶- در آمریکا ۲۶ میلیون سگ هست که از آنها کمال پذیرائی بعمل می آید! اقوال الائمة ج ۷ ص ۱۳۴

۳۷- در سال ۱۹۶۰ ، یکصد و بیست میلیون من گندم و نان در انبارهای آمریکا فاسد شد. این مقدار غذا ، کافی بود ، یکسال تمام جمعیت هند را سیر نماید . مجله مکتب اسلام ۱۴:۵

۳۸- در آمریکا شرب خمر و عوارض آن ، از قبیل آلکلیم ، بد مستی ، فحشاء و چپه شدن ماشینها و دستگامهای اداری را مختل کرده است (راز موفقیت بزرگان)

۳۹- افزایش جنایات در آمریکا مردم را نگران نموده است . ۱۰۲۱۹ ک
۴۰- هیپی ها آمریکا را بهرج و مرج می کشانند . کیهان ۴۶/۵/۶
۴۱- آمار هیپی ها و بیقلها رو بهتزايد است! (زیرا جوانان پناهگاه روحی ندارند) مجله مکتب اسلام ۹:۴

۴۲- يك جوان سفید پوست ، در برابر ظلم : تجاوزات کاخ سفید ، بمردم آمریکا ، خود را حلق آویز نمود. رادیو تهران ۱۰/۸/۱۳۶۰

۴۳- دکتر سیمور هالک در مقاله مفصلی می گوید « وقتی جوان آمریکائی آشکارا می بیند که در زیر نقاب يك دموکراسی قلابی ، او را در درطه ای اسیر کرده اند که نجات از آن بعید بنظر میرسد ، چاره ای جز اینکه به گروه هیپی ها بپیوندد یا بدامن مواد مخدر بیفتد تا از عذاب روحی آسوده شود، ندارد . مجله مکتب اسلام سال ۵ شماره ۵

۴۴- يك ميليون نفر در آمریکا در آستانه سیر شدن از موسیقی و خسته شدن از جنایات و خشونتها هستند. اطلاعات ۶۲ ر ۴۹ ص ۶

۴۵- روزنامه واشنگتن پست فاش کرد که جان اف کندی رئیس جمهور مقتول، وقتی که خانم رسمی او (ژا کلین) بمسافرت میرفت، یکی دو نفر از ستارگان سینما مثل میس یوشت مایر و پیچوت مایر را بکاخ سفید میآورد، ماریجوانای قاچاقی هم هر چه بخواهی در آنجا موجود بود!

(یوشت مایر مقارن ترور کندی، بطرز ابهام آمیزی کشته شد!) اطلاعات ۹ و ۵ اسفند ۵۴ ...

هر چه بگنجد نمکش میزنند وای بر وزیکه بگنجد نمک!

۴۶- نیکسون از اولین روزهای ورود خود بکاخ سفید حقوقدان هبر زیرا بنام کولسون برای امور نهانی خویش استخدام نموده بود. او توانست از کندی، رقیب نیکسون، عکسی در حال خروج از میکرده که بایک زن بیگانه همراه و همراه بود، بدست آورد و برای بتازد! رادیو لندن ۱۲ ر ۳ ۱۳۵۶

مقارن انتخابات کندی روزنامه‌ها می نوشتند، بیشتر خانمها، از نظر آراستگی قد و قامت کندی، باو رأی دادند... پس وای بر وزیکه زیبائی ظاهر وسیله بدست گرفتن زمام امور اجتماع شود!

۴۷- برخی از خانواده‌ها متوجه میشدند که دخترانشان ربوده و یا قبل از ازدواج، آبتن می شوند! ادامه تجسسات و تحقیقات کشف نمود که چند نفر سناتور و نماینده کنگره با چند وزیر و مأمور عالی رتبه وقاضی دادگاه، همدست شده بدستیاری مدیر آرایشگاه، گلر خان را بدامگه حادثه می کشانند.

کیهان ۳ ر ۳ ۵۱

این قبیل شیطنتها هستند که بنوشته اطلاعات هفتگی و اسلام و صلح جهانی

۱۲۷ - موجب میشود ۳۰۰/۰۰۰ دختر بورطه فساد کشیده میشوند و بهمان میزان ، بچه نامشروع بدنیا میآیند و سالیانه بیش از یک میلیون کورتاژ، بحیات جنین‌ها خاتمه می‌دهد !

۴۸- بقول مرحوم سید قطب که مظلومانه بفرمان جمال عبدالناصر و انورسادات اعدام شد، مسئله بی بندوباری بجائی کشیده شده که امکان داشت زن و شوهر یکدیگر را بدوستان خود هدیه می‌کردند !.. اصلاح طلبان آمریکا از روز افزونی طلاق بو حشت افتاده‌اند در صورتیکه می‌دانند ، این بلا از وجود شخص سوم است که میان زن و شوهر پیدا میشود. ولی دست مصلحان بجائی نمیرسد !
(یاد خدا و قیامت و بیرون آمدن از حیات حیوانی و قاطعیت قاضی وبالآخره حد زدن و رجم نمودن ، درمان قطعی دردهاست که همه در داروخانه اسلام و ولایت فقیه در انتظار دردمندان و ارباب رجوع میباشند !)

۴۹- فیلسوف لاینتز انگلیسی ضمن اشاره بآمار روزافزون طلاق می‌گوید نیم قرن در میان مسلمانان بودم با اینکه طلاق آزاد بود ولی نسبت بمسیحیت خیلی کم اتفاق می‌افتاد. در آمریکا يك ششم ازدواجها منجر بطلاق می‌شود.
حقوق زن ، صدر ۲۴۱

۵۰- دستگامهای تبلیغاتی فروشگامها آنقدر در وصف جنس لطیف افراط می‌کنند و بعدی بانصب عکسهای شهوت انگیز دختران زیبا ، بر روی کالاهای خود، زمام اختیار از جوانان میربایند که آنها دیوانه دیدن زنان لخت ، شده

۱- این بی‌عفتیها هشدار است بانسانهای پاك که باید بر طبق دستور اسلام دخترها را قبل از اینکه بسن زیبائی و جذابیت و انفعالپذیری برسند و تیر چشم دزدان ناموس بسوی آنها گشوده شده بهدف بنشینند، باید آنها را بخانه خواستگاران پاك روانه نمود !)

شبانہ بخوابگاہ دانشجویان دختر حملہ می کنند ...

ہر جا معاشرت زنان و مردان بیشتر است . بہمان نسبت بیچہ ہای غیر قانونی ہم بیشتر است . آمار بیچہ ہای حرامزادہ بدہ میلیون میرسد . (زن و انتخابات بنقل از خواندنیہای شمارہ ۹۳ و آسیای جوان ۴۵۹ .)

۵۱۔ از اینکہ در آمریکا بوسیلہ روی صحنہ آوردن فیلمہای سکسی؛ نصاب بلوغ جوانان را پائین می آورند . وحشیت و ہرزگی، از درودیوار فرو میریزد (مجلہ فردوسی ۱۰۸۱)

۵۲۔ روزنامہ نگاران برای تکثیر مشتریان و ازدیاد تیراژ، برای عکسبرداری از بدن برہنہ پاتریشیا ہرست ، دختر یکی از بزرگترین ثروتمندان آمریکا یک میلیون دلار جائزہ می دهند ! آنہم دختریکہ چندی پیش بوسیلہ جوانان سیاہ پوست ربودہ شدہ بود ! اطلاعات ۱۲/۱۲/۵۴

۵۳۔ سالیانہ ششصد ہزار کودک بوسیلہ فیلمہای سکسی آلودہ و عاشق میشوند اکیہان ۱۶/۱۱/۱۳۵۵

۵۴۔ سالیانہ ۴۰۰/۰۰۰ نفر در آمریکا دست بخود کشی میزنند ! ۴۹/۴/۷۵

۵۵۔ طبق آمار بدست آمدہ از وزارت بہداشت آمریکا ، ۲۵ میلیون

۱۔ در رژیم پهلوی عدم ای از مزدوران استعمار با نشر مقالات و نیز با تحریکات جوانان برای رفتن بکاخ جوانان و درافتادن بادختران ، ... قصد داشتند بالای فوق را بسرایران نیز بیاورند ! کہ انقلاب اسلامی بداد رسید !

روزی دانشمندی با نھائی کہ می خواستند در مدارس ، بجوانان ، فنون آمیزش جنسی آموختہ شود ، گفت « همچنانکہ دندانہای طفل بموقع جوش میزنند و میرویند و همچنانکہ حس میل بغذا خود بخود پیدا میشود ، و احتیاج بتحریک و تعریف ندارد ، همچنانہم ، امور آمیزشی احتیاج بآموزش ندارد . »

سوزاکی ، آنهم در سنین نوجوانی در آمریکا وجود دارند. مجله فردوسی ۱۱۱۲ سال ۵۲ .

۵۶. شیوع سیفلس در آمریکا بیداد می کند ! کیهان ۲۲ ر ۴۹ ر ۴۹

۵۷. در سالی که گذشت يك ميليون زن آمریکائی سقط جنین کردند !

کیهان و اطلاعات ۲۷ ر ۴۰ ر ۱۳۵۰

۵۸. آمار نشان می دهد که تقریباً یازده ونیم درصد خانوادہ های مرفه و

چهارده درصد خانوادہ های کارگری ، زنان خود را کتک میرتند و پلیس هم

از شوهران حمایت می کند !... بیمارستان بوستون گزارش می دهد که ۷۰٪

مراجعات بخش اضطراری ، زنانی هستند که بدست شوهران خود ؛ مضر و

شده اند . مادام مارجوی و کیل دعاوی نیویورک گفت بحث ما درباره بد خلقی

نیست بلکه مشکل همیشگی اینست که زنان با چشمان کبود شده ، دندانهای

شکسته ، استخوانهای خرد شده و بدنی چاق و خورده بمحکمه مراجعه می کنند !

بعضی ها هم در حالی مراجعه مینمایند که شوهرانشان روی آنها آسید پاشیده یا با

زنجیر آنها را زده اند ! شوهریکه خود رئیس بانک است گفت « زن را برای این

میزنم که گمان می کنم باشخص دیگر رابطه دارد » ! تلخیص از کیهان ۱۱ ر ۵۶ ر ۵۶

۵۹. مردیکه بز ۲۸ ساله بچه دار خویش ظنین شده بود ، پر خاش آغاز

نمود . او خیابان بنیابان یا بفرار گذاشت . شوهر با سلاح گرم خود ، او را

مجرور ساخت ؛ با رسیدن پلیس ، بزندگی خود خاتمه داد ! اطلاعات ۱۶ ر ۱۲ ر ۵۶

۶۰. یکی از خبرنگاران بشوخی می گفت « مکزیك از خدا دور و بیایالات

متحده نزدیک است . بدین جهت است که فساد و تباهی و رشوه در مکزیك بیداد

می کند . اطلاعات ۵ ر ۸ ر ۵۸

۶۱. چند جوان فرانسوی ، بتالار جلسه سازمان ملل متحد حمله نموده با

پرتاب نمودن تخم مرغ و گوجه فرنگی بطرف رئیس سازمان ، فریاد می کشیدند
« دنیا نمی خواهد قربانی مطامع جاه طلبان یعنی ترومن و استالین وود شود
برخیزید و بروید و مردم را راحت بگذارید» ! اطلاعات ۳۰/۱۱/۱۳

۶۲- با سقوط شاه ایران ، میتوان گفت رشد اقتصادی سی ساله آمریکا
پایان یافت ! کیهان ۵۸/۷/۲۲ . (بشرطی که اعراب نگذارند طلای سیاه و زردشان
بسوی آمریکا سرازیر شود !

۶۳- هر قدمی که استعمار فرتوت انگلستان ، پس رانده میشود ، امپریالیسم
آمریکای تازه نفس با دادن اعتبار بلاعوض بدولت دکتر مصدق ، جای آنرا اشغال
می کند . فلذا میان دن آچسن وایدن نخست وزیران آمریکا وانگلیس ، اختلاف
شدید بروز نموده است !... دولت انگلیس بشدت نگران آمدن آلتن جونسز ،
عضو فعال آمریکا بایران می باشد . اطلاعات ۶ و ۱۲/۶/۳۱

۶۴- دکتر مصدق؛ کمک بلاعوض آمریکا را پذیرفت ! اطلاعات ۳۰/۱۰/۲۴
در ۹ ماهه اول سال جاری حدود ۴۱ هزار نفر از سر بازان آمریکا از جبهه جنگ
ویتنام فرار کردند ! اطلاعات ۶/۴/۵۱

۶۵- تلفات جنگ ویتنام به ۱۳۵۰۰۰۰ نفر رسید ! کیهان ۵۱/۱۱/۴
۶۶- آمریکا شدیداً بدولت سوئد اعتراض نمود که چرا جنایات ما در
ویتنام و ابا جنایات آلمان هیتلری مقایسه و برابر خواندید ؟ کیهان ۵۱/۱۰/۶

۶۷- آمریکا بمباران بیمارستان هانوی را که کرده بود بگردن گرفت !
کیهان ۱۳/۱۰/۱۳۵

۶۸- دولت آمریکا اعدام ۲۰۰۰۰ نفر غیر نظامی ویتنامی را کتمان مینمود
که کنگره آنرا کشف کرد . کیهان ۵۱/۷/۱۳

۶۹- دولت آمریکا برای ادامه سلطه خود، در جنگ ویتنام بهر جنایتی

دست زد حتی بمباران بیمارستانها و سدهای آبرسانی و چون موضوع فاش شد و نیکسون رئیس جمهور آنرا تکذیب کرد. سفیر سوئد گفت « این دروغ - محض نیکسون است! » اطلاعات ۴/۱۰/۵۱

(آنروزها از همه جای دنیا فریاد اعتراض و اعتصاب بلند میشد. جزایران و سایر کشورهای تحت سلطه. همچنانکه امروز هم از سراسر دنیا دولتی باینهمه جنایات صدام در ایران اعتراض نمی کنند و اینرا میتوان نشانه‌ای از پر شدن دنیا از ظلم که از آثار ظهور امام زمان شمرده‌اند تلقی کرد... ۷۰- در جنگهای ویتنام، آمریکا ۲۰ میلیارد تومان هزینه الکترونیک داشته است اطلاعات ۹/۲/۵۱

۷۱- در ۱۴ ایالت از ایالات متحده که مجازات اعدام موقوف شده بود، دوباره مورد تصویب و عمل قرار گرفت. رادیو تهران ۱۲/۴/۱۳۵۵

۷۲- بسناتور آمریکائی که در عین حال رئیس نیروهای مسلح بود سوء قصد شد. ۱۱/۱۱/۵۱

۷۳- سفیر آمریکا در هائیتی روده شد. رادیو لندن ۴/۱۱/۵۱

۷۴- رئیس پیشین سنای آمریکا (دگورنویل) خودکشی کرد. کیهان ۹/۱۹۲

۷۵- سائروس و نس وزیر امور خارجه کارتر، اردشیر زاهدی (سفیر تبهکار

شاه) را ستود! کیهان ۱۰/۱۲/۵۶

۱- تیمسار زاهدی با کودتای مرداد ۳۲، ایران را بیچنگ آمریکا افکند و پسرش که داماد شاه و مورد تمجید آمریکا است، از کودتا تا انقلاب اسلامی بعنوان سفیر، عامل رازداری بود که رشوه‌ها و هدایای شاه را بکاخ سفید میرساند و دستورالعمل می گرفت. همو بود که از طرف شیطان بزرگ مأموریت یافت که در فرانسه بحضور مرجع عالیقدر امام خمینی رفته او را بسازش با شاه دعوت کند که راهش نداده بودند!

۸۰. نیکسون که از طرف حزب جمهوریخواه انتخاب شده بود همیشه از از فعالیت حزب رقیب (دموکرات) در بیم و هراس بسر می برد. سرانجام بنظرش رسید که دستگاه استراق سمع در مجلس دموکراتها نصب و از گفتگوها با خبر شود!

... این دزدی کشف شد و بنام همان ساختمان بافتضاح «واتر گیت» مشهور گردید. تا منجر بسقوط نیکسون شد.

۸۱. هالدمن نویسنده کتاب جنجالی که در روز انتشار، خیلی کمیاب و گرانها بود. علاوه از ارائه اسناد و مدارک معتبر، راجع بدست داشتن نیکسون در ماجرای واتر گیت، اسنادی هم نشان می دهد که رئیس جمهور همیشه تحت فشار رجال عالیرتبه کاخ سفید میباشد!

در آن کتاب آمده است که نقشه قتل پرنسیدنت فیدل کاسترو رئیس جمهور کوبا و قتل جان اف کندی (رئیس جمهور مقتول) در سازمان جاسوسی «سیا» تهیه شده بوده است. کیهان ۴/۱۲/۵۶

۸۲. در روزهای افتضاح واتر گیت، رادیولندن گفت «نیکسون در پیش مردم بجزاز ۳۱٪ محبوبیتی ندارد. ۲۱/۵/۵۲»

۸۳. ریچارد هلمز رئیس سابق سازمان جاسوسی سیا (تبهکاریکه برخلاف

پرویز شد از موضوع با خبر شده از شاه رنجید و جواب تبریک او را نداد تا فرح بتعقیب آن بآمریکا رفت.)

(وای بحال مردم! ... شرکتهای پس از آنکه دزدی را در کرسی ریاست جمهوری نشانند، حق خود را بطور اضعاف و ضاعف، وصول خواهند نمود.

... این قبیل اعمال در نظر دشمنان ولایت فقیه، دموکراسی و پسندیده میباشد؟! ... چرا؟
ص ۱۰۳ را دوباره بخوانید)

موازین بین‌المللی در ایران سفیر شده بود) برای ادای شهادت با آمریکا احضار شد. هلمز در بازجویی گفت «در برابر نیکسون و اعضای کاخ سفید؛ مجبور بودم از حزب دموکرات استراق سمع نمایم و نیز مجبور بودم از روانپزشک (دانیل) بنفع نیکسون کار بکشم.» اطلاعات ۵۲۲۲۷

۸۴. كوك از رجال آمریکامتهم است که در جریان واتر گیت، دست اندر کار ارتشاء بوده است، مطبوعات

افتضاح واتر گیت سیستم دموکراسی را در آمریکا بمرحله آزمایش در آورد و معلوم گرداند که دموکراسی ای در میان نیست. هر چه هست زور و نفرت و بازی با الفاظ و «سراب» زودباوران است! کیهان ۵۲۲۳۰

۸۵. نگرانی همه چا را فرا گرفته بود که مبادا نیکسون کودتا کند و مدعیان را نابود و یا زندانی نماید. مطبوعات

هر چه برشواهد مجرمیت نیکسون افزوده میشد. او میگفت استعفاء نخواهم نمود. اما دیده شد که گریه کنان، کاخ ریاست جمهوری را ترک گفت... (پرووی شاه شکفت انگیز است که پس از صدها جنایت) نمیخواست خلع شود! ۸۶. کشف توطئه سوء قصد بجان نیکسون. کیهان ۱۳۵۱۲۱

۸۷. طی تظاهرات عظیمی ماشین حامل نیکسون را سنگباران کردند. اطلاعات ۴۹۸۹

(نیکسون اگر فرصت می‌داشت مثل استالین و اخلاف او از چندین ماشین استفاده می‌کرد و رفت و آمد خود را از نظار پوشیده می‌داشت!

۸۸. در سفری که نیکسون بایران آمد با همه مراقبتهای استحقاقی که از طرف «ساواک» بعمل آمده بود، دانشجویان مبارز و از جان گذشته دانشگاه تهران از جمله شریعت رضوی، مصطفی بزرگک نیا و احمد قندچی بسوی ماشین

نیکسون سنگ پراندند . (ساواک آنها را دستگیر و شهید نمود)^۱

۸۹- برستون روزنامه نگار، در بازجوئیهای واتر گیت گفت « تنها برای دشمن شدن بانیکسون کافی است که آدمی سخنی از واتر گیت بمیان بیاورد که آن وقت اسمش در لیست سیاه ضبط میشود . اطلاعات ۱۴۱۴۳

۹۰- دراما کن عمومی آمریکا در جریان واتر گیت بیش از ۴۰۰۰ بمب کار گذاشته شد . مطبوعات

۹۱- قسمتی از اسناد ماجرای واتر گیت در جریان رسیدگی، در کاخ سفید گم شد . کیهان ۹۱۸۲۰ (وای بر وزیر که بگنجد نمک) (اگر بکصدم امور فوق، در ایران اسلامی رخ دهد، فریاد دشمنان ولایت فقیه با آسمان میرود!)

۹۲- در جریان رسیدگی بقضایای واتر گیت دستگاه دروغ سنج اعلام نمود که از کارمندان کاخ سفید، جان دین کمتر از همه و جان میچل بیشتر از همه دروغ گفته است . زیرا وقتی از او پرسیده شد نیکسون از استراق سمع خبر داشته یا نه؟ گفت نه . هماندم دستگاه، ضبط نمود که دروغ می گوید. ک ۲۵ ر ۴ ر ۵۲

۹۳- وقتی با دواورد کندی، سناتور، برادر کندی مقتول؛ اطلاع دادند که ضمن بازجوئیهای افتضاح واتر گیت، کشف شد که در حادثه چپه شدن ماشین

۱- در اصالت مکتب و عظمت شأن رهبر همین بس که رهبران زور اعم از اینکه با اصطلاح دموکراسی شرقی باشند یا غربی، از انظار مردم غائب می شوند مبادا سنگسارشان کنند اولی بر خی از یاران امام خمینی، آنان که از شصت بیالاسن دارند در جبهه غرب، گروهی بنام گروه حبیب بن مظاهر تشکیل می دهند و از فرماندهان تقاضا می کنند آنها را بعنوان مقدمه سپاه، روانه کنند تا با منفجر شدن « مینها » زیر پای آنها، راه حمله بسوی متجاوزان گشوده شود! و امام به پیروزی نهائی نائل آید! نقل قول از آیه الله مسلم ملکوتی امام جمعه تبریز

شما نیکسون و اعضای کابینه او، دست داشته‌اند، گفت «تعجبی ندارد» یعنی از چنان رئیس جمهور، این قبیل جنایات را باید انتظار داشت. کیهان ۵۲۴ در ۵۲۴... (در آن حادثه منشی کندی کشته و راننده‌اش زخمی شده بود... این آمار نشان می‌دهد، سناتورهای و رئیس‌جمهورها از روی صلاحیت، انتخاب نشده‌اند بلکه آنکه بیشتر پول خرج نموده است بمجلس سنا راه یافته و از آنجا بکاخ ریاست جمهوری منتقل شده است ۱)

نمره این قبیل حکومتهاست که بنوشته استاد اکرم زعیترا اردنی که کتابش توسط حجة الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی بنام «سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار» ۲۰ سال قبل بفارسی ترجمه و بطور قاچاق در دسترس اهل تحقیق قرار گرفت، کمیونی را مأمور رسیدگی بمشاجرات سکنه فلسطینی می‌کنند. کمیون که مرکب از اعضای آمریکائی و انگلیسی است نظر می‌دهند که حکومتی در سر کار باشد که بدون در نظر گرفتن اکثریت (مسلمانان) گروه‌های زبور را از حقوق سیاسی بطور تساوی برخوردار نماید یعنی مثلاً یهودی‌ایکه تازه وارد فلسطین شده بامسلمانی که اجدادش در زمان ابوبکر و عمر فلسطین را از چنگ روم استعمارگر بدر آورده است. برابر باشد... با اینحال این قرارها هم خودشان زیر پا گذاشتند! در خفا بیهودیان سلاح داده آنها را برای کشتن و بیرون راندن مسلمانان یاری دادند. ص ۲۷۱ همان کتاب

۹۴- بدنبال افتضاح و اثر کیت؛ رسوائی رشوه دادن شرکت هواپیما سازی لاکهید آمریکا - عالمگیر میشد که ج. رالد فورد، معاون نیکسون که رئیس جمهور شده بود، باخشونت، روی آن سرپوش گذاشت. اطلاعات اسفند ۵۴

۹۵- رابرت کندی از جلسه سخنرانی انتخاباتی خارج میشد که هدف ۸ گلوله قرار گرفته به بیمارستان انتقال یافت. رادیو تهران ۱۵ در ۳۷ در ۴۷.

۹۶- جرج والاس نامزد ریاست جمهوری، آنکه مخالف تساوی حقوق سیاه و سپید است، هنگام سخنرانی انتخاباتی بسوسیله سیاهپوستی، زخمی و به بیمارستان منتقل شد اطلاعات ۵۱/۱۲/۲۶

۹۷- حسنی هیکل روزنامه نویس مصری گفت « من میدانم که شاه ایران بر رؤسای جمهور آمریکا رشوه میداده است. روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۰/۳
۹۸- آمریکا ذخائر نفتی کشورهای تحت سلطه را خالی و برای خود ذخیره می نماید... کارتر گفت امیدوار است تا سال ۱۹۸۵ میزان ذخیره ما بیک میلیارد بشکله برسد. (با این وجود که معادن غنی نفت نیز دارند.) اط ۵۶/۱۲/۲۳
۹۹- در مجلس ملی آمریکا تصویب شد که ۳/۲ میلیارد دلار با اسرائیل کمک داده شود. کیهان ۵۲/۱۰/۱۵

۱۰۰- در کنفرانس لاهور، آمریکا بمناسبت اعانت بر یهود متجاوز، محکوم شد! کیهان ۹/۱۹۲

۱۰۱- در جنگ سوریه و اسرائیل خلبانی اسپر شد که علامت نیروی هوایی آمریکا را در بدن داشت و معلوم شد او در ویتنام هم کار می کرده است کیهان ۵۲/۵/۲۱

۱۰۲- برای آزادی یک رئیس شرکت ایالات متحده که در آرژانتین ربوده شده بود بیست میلیون تومان، باج گرفتند. کیهان ۸/۹/۹۹

۱۰۳- از زیانهای ربا در آمریکا بعنوان کلمه‌ای از هزار گفته می‌شود که در مقابل اینهمه روزنامه نویس خریدنها و باج دادنهای آمریکا، اگر آن

۱- بهتر است بدانیم که چنانکه در قرآن نیز می‌خوانیم خداوند میان سیاه و سپید فرق نگذاشته است. حتی باهوشترین بچه دنیا در سال ۵۵ يك دختر سیاهپوست بود. کیهان ۵۵/۹/۲۷

دولت ، از ممالک مستضعف غارت نمی‌کرد و یا از شیوخ عرب ، زشوه نمی‌گرفت
حالا زیر بار بهره وام نابود شده بود... آمریکا روزانه ۴۱ میلیون دلار بهره وام
می‌دهد . اقتباس از مجله مکتب اسلام ۸:۸

۱۰۴- سقوط انسانیت : شخصی که بیمارستان را ترک میگفت اظهار داشت
خانم بیماری با ما هم اطاق بود هر گاه که پزشك باو میگفت فلان روز مرخص
میشود ، از شادی در پوست خود نمی‌کنجید . روزموعود فرا رسید . پسر و عروسش
آمدند . مادر اصرار می‌کرد که او را ببرند ولی آنها گفتند وقت و محل پرستاری
نداریم ! مادر پس از رفتن آنها از غصه مرد ! (اثبات وجود خدا)

(فرق تجدد غرب با فرهنگ اسلامی اینکه غرب ، مادر را عضوی نژاد
می‌داند در صورتیکه اسلام رفاه و آسایش او را مورد توجه قرار می‌دهد و رضای
او را موجب سعادت دارین می‌داند .)

۱۰۵- شیطان بزرگ عضو رابط میان شیاطین کوچک : ملک خالد دم
از استقلال میزند و گاه و بیگاه بتوسعه طلبی اسرائیل ، اعتراض میکند ... آمریکا
بمصلحت و برای حفظ منافع خود در حوزه خلیج فارس بفکر ایجاد قوای تأمینیه
می‌افتد . فوراً ملک خالد می‌گوید احسنت ! احسنت !

صدام حسین بدستور آمریکا بایران حمله می‌کند ، ملک خالد هم پول و
هم تانکهای خریداری شده از روس و انگلیس را باشاره شیطان بزرگ در
اختیار او می‌گذارد !

اسرائیل بدستور ارباب ، تسلیحات اتمی زیر زمینی عراق را بمباران میکند .
ملک خالد سکوت می‌کند . ولی همینکه امیر کویت ، بتحریک شیطان بزرگ
ادعا می‌کند که هواپیماهای ایران ، مخازن نفتی او را بمباران نموده است ! او
یعنی خالد تأیید مینماید و آه و ناله سر میدهد !

حجاج ایرانی بهنگام رمی جمره که در حقیقت سنگباران کردن شیطان و راندن اوست، بشیطان بزرگ (آمریکا) نیز لعنت می کنند، ملک خالد پنجم آمده دستخط اعتراض آمیزی بامام خمینی می فرستد! (امام خمینی جواب میدهد، قرآن، مسلمانان را به پیروی از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم امر می کند. پس چون آنحضرت از شیاطین بیزاری مینمود. اینها هم بیزاری می نمایند!)

ملک خالد بکه آسمان کشورش در زیر آواکهای آمریکائی حفاظت می شود. از دیدن اینکه هواپیماهای اسرائیلی از شهرهای او عکسبرداری کردند و با کمال پروائی، گفتند این کار را ادامه خواهند داد سکوت می نماید ولی همینکه امیر بحرین بایران افترا می زند که چند ایرانی تعلیم دیده قصد واژگون کردن رژیم ما را داشتند؛ بانگ و فریاد بر می آورد! و چون صدام حسین پیشنهاد می کند که دول عربی سفرای خود را از ایران فراخوانند. پیشنهاد او را که از عالم انسانی و اسلامی بهره ای ندارد مورد توجه قرار میدهد!

و بالأخره همینکه آیه الله حسینعلی منتظری پیشنهاد می کند که بمناسبت فرا رسیدن ایام ولادت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میان برادران شیعه و سنی هفته وحدت ایجاد شود، از خطبای دربار ملک خالد بانگ اعتراض بلند میشود که ولادت پیامبر را جشن و چراغانی کردن، شرکست! (از طرف اهل سنت و تشیع جواب داده شد)

۱۰۶- رامین فرای آمریکائی در کتابی که بنام گروگانگیری و تعریف شیعه نوشته است: انقلاب ایران و رهبران آنرا ستوده و گفته است «رهبران انقلاب اسلامی؛ خیلی نیرومندتر از لنین در انقلاب روسیه می باشند» آنگاه رشته سخن را بوصف دولتمردان آمریکا متوجه ساخته اظهار داشته است «دولت آمریکا کودتی خود را در معنویات باثبات رسانده است. اطلاعات ۵۹/۷/۸

۱۰۷- آمریکا بدنبال توطئه های زیاد، سرانجام صدام حسن را بحمله

بایران تحریک نمود. رادیو تهران و روزنامه تشرین سوریه

۱۰۸- برژنسکی مشاور امنیتی کارتر بدول عربی توصیه نمود، از صدام حسین

حمایت کنند! اطلاعات ۵۹/۹/۲۶

۱۰۹- بکمک اسرائیل آمدن آمریکا در جنگهای سال ۷۳، مصر را بقبول

آتش بس وادار نمود! اطلاعات ۵۶/۱۲/۲۷

۱۱۰- رژیم آمریکائی ایران، طیب حاج رضائی را که در کودتای ۳۲ غافل

شده شاگردان و کسان خویش را بدادن شعار بنفع شاه تشویق نموده بود، پس

از نهضت سال ۴۲ مجبور نمود باز بنفع شاه و بر علیه امام خمینی، طوماری از کسان

خود تهیه نماید و چون، او همانند حر شهید؛ از حسین زمان، امام خمینی بر نگشت

بشهادتش رساند! (نهضت امام خمینی ص ۵۶۰)

۱۱۱- رژیم آمریکائی ایران، آنگاه که پس از کشتار سال ۴۲، آیه الله سید -

محسن حکیم، قدس الله سره از نجف با امام خمینی تلگراف نمود که اگر مانع

ارشاد و هدایت میشوند، بعراق تشریف بیاورید، همان تلگرام را بدست رئیس

شهربانی و رئیس ساواک قم داده روانه درب امام خمینی نمود تا بقبول یکی از دو

امر راضی شوند. یا دعوت آیه الله حکیم را بپذیرند و یا سخنی از صهیونیسم و

آمریکا و در خطر بودن اسلام بمیان نیارند. امام خمینی از پذیرش آنها

خودداری فرموده بودند. آنها سفارش داده بودند ما از طرف شاه آمده ایم. جواب

فرموده بودند. منهم بآن مناسبت از قبول شما معذورم... (منبع فوق ص ۳۹۹)

۱۱۲- قابل توجه کسانی که تا کنون بصف دوستاران ولایت فقیه نیوسته اند

اینکه قانون اساسی آمریکا اجازه می دهد هر رئیس جمهوری شخص مورد

اعتماد خود را برای معاونت، انتخاب و موافقت نمایندگان را خواستار شود!...

از آن قابل توجه تر وفاداری، جاسوسان معاون جان اف کندی می باشد. که

بجرم شرکت در توطئه قتل رئیس جمهور متهم شد! ولی او که خود مقام ریاست جمهوری را اشغال نمود، پرونده را مسکوت اعلام نمود. یعنی نظراً کثر مردم این بود که جانسون، کندی را کشت و بجایش نشست!

ملحد گرهنه‌ای در جلوش سفره نان عقل باور نکند کز رمضان اندیشد!

سعدی

قابل تعریف بودن قانون آمریکا، در جریان ترور ریگان که در اوائل کارش اتفاق افتاد و او دوسه هفته در بیمارستان خوابید، بیش از پیش ثابت گردید! چنانکه ژنرال هیگ وزیر امور خارجه که خود بداشتن پرونده جنائی خیلی بزحمت بوزارت رسیده بود، از فرط نگرانی از جنایت و سوء قصد معاون رئیس جمهور و چند وزیر دیگر، لحظه‌ای ریگان را در بیمارستان تنها نمی گذاشت. زیرا میترسید ضربه مهلك دیگری بر ریگان بزنند و ریاست جمهور بر او تصاحب کرده او را عزل نمایند. (ماحصل يك كتاب)

۱۱۳- همین معاون (ریچارد آلن) بعلت سوابق سوء و سرانجام بعلت رشوه گرفتن از روزنامه نگار ژاپنی که وعده داده بود موجبات ملاقات و مصاحبه او را با زن ریگان فراهم آورد و چند فساد سابقه دار دیگر؛ عزل شد! رادیو-تهران و مطبوعات دی ماه ۱۳۶۰

۱۱۴- ویلیام دوگلاس دادستان کل آمریکا گفت «کمکهای خارجی چند میلیارد دلاری تا کنون تنها بتوسعه شکاف بین ثروتمندان و مستمندان، یاری نموده راه پیشرفت کمونیسم را در مناطق عقب افتاده هموار کرده است... پول آمریکا صرف ساختن مدرسه و بیمارستان نشده بلکه صرف ساختن پایگاههای نظامی و اندکی هم صرف ساختن کارخانه شده است». (مقدمه ترجمه عدالت اجتماعی سید قطب ص ۱۶)

۱۱۵- در جریان تشنجات اخیر که دولت ایالات متحده از رژیم استبداد السالوادر، حمایت و مردم نیز درصدد کسب آزادی درآمدند، ۲۱ - ۳۰ هزار غیر نظامی از آنجا و همسایه‌اش گواتمالا کشته شده‌اند! رادیو تهران ۹/۱۰/۶۰ اینجاست که صاحب نظران، از دیدن این همه جنگ‌های بی پایان میگویند «آمریکا به پیل می‌ماند که مغرور قدرت خود شده است...»
عبدالحلیم خدام وزیر امور خارجه سوریه گفت سی میلیارد دلار کمکی که باشاره آمریکا از دول عربی بر رژیم صدام پرداخت شد. اگر در مبارزه با اسرائیل صرف میشد. امروزه مسئله‌ای بنام اسرائیل غارتگر وجود نداشت!
رادیو تهران ۲۲/۱۰/۶۰

۱۱۶- رئیس مجلس سنای آمریکا گفت ما از بختیار حمایت می‌کنیم در حالی که ۹۰٪ مردم از او متنفرند...

۱۱۷- همکار او دیوید اوین نیز گفت ما در پشتیبانی از شاه دچار اشتباه بوده‌ایم! مطبوعات و رادیو تهران

۱۱۸- آمریکا در خاورمیانه ۳ لشکر مستقر می‌کند. اطلاعات ۴/۱۲/۵۶

۱۱۹- کلدواتر نماینده مجلس آمریکا گفت، کارتر در حمله از طریق طبس نقشه خوبی طرح نموده بود! اگر منم بودم آنطوری عمل می‌کردم. ماهمه اسباب را داشتیم! غیر از خدا! (رادیو تهران)

۱۲۰- گروه فرقان از «سیای» آمریکا تغذیه میشد! (رادیو تهران)

۱۲۱- وزارت امور خارجه ایران طی نامه مفصلی با آمریکا اثبات نمود که

در جنایات شاه، آمریکا شریک جرم میباشد! کیهان ۱۱/۶/۵۹

۱۲۲- آمریکا کالاهائی را که پول آنها را قبلاً دریافت داشته است، بایران

تحویل نمی‌دهد! مطبوعات

۱۲۳- آمریکا به عناصر ضد انقلاب و ساواکیهای فراری، از جمله سرهنگ رزمی، عامل کشتار سینما در کس آبادان پناهندگی داده است. مطبوعات ۱۲۴- در طرز رفتار آمریکا با اسلام و روحانیت آن، بهتر است بدانیم که در فاصله نه چندان زیاد دو نفر از بزرگ رهبران مسلمان سیاهپوست بنام، مالك شباز و جیمز شباز ترور شدند. مجله مکتب اسلام ۱۲:۱۴
 ۱۲۵- و باز در باره حفظ شئون انسانی آمریکا نسبت به از مسلمانان سیاهپوست، گفته می شود که حدود ۲۰ نفر از کودکان سیاهپوست ربوده شدند. رادیو و مطبوعات دیماه ۶۰

حالا با يك تناسب ساده می توان بمیزان عداوت آمریکا با جمهوری اسلامی ایران (آن که جهانخواران را دشوا نموده است) پی برد و علت اعلان جنگ دادن منافقین و طرفداران بنی صدر و اشرف دهقانی و قاسملورا دریافت و تأیید نمود که رنجش تروریستها از روحانیت اسلام، «رنجش گرگ از شبان» می باشد که ترور شدن این همه روحانی، شاهد کلام می باشد ...
 (در عرض يك ماه گذشته، از حجج اسلام ۳ نفر شیعه و دو نفر سنی بنام عبدالکریم مخبری، محمد تقی بشارت، غفاری (در جبهه)، ملا احمد ذوالفقاری و ملا احمد افغانی، بشهادت رسیدند!)

۱۲۶- در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی شنیده شد که کارتر دستور داده است کتب اسلامی را مورد مطالعه قرار دهند!.. در کتب اسلامی که از قرآن آغاز می شود، نقطه اتکاء مهمی که بدرد دشمن اسلام بخورد، مسئله وجود منافق در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که تا عصر امام خمینی هم باشکال و اسماء مختلف ظهور و بروز نموده است!...

منافقان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هم سوء قصد بجان رسول خدا و هم سوء قصد

بدین خدا نمودند که آمریکایا و اقاماراهم این هر دو را در جمهوری اسلامی بعمل در آوردند ! در طرح توطئه طبرس و کودتای نوژه ، دیده شد که عمده قصد دشمن منهدم نمودن خانه امام خمینی بود که خدایرا شکر بی نتیجه ماند .

دیگر موضوع مسجد ضراب است که ابو عامر نام ، از منافقان ، با همفکری یکنفر یهودی بنام سویلم ، بهر دری زد نتیجه ای نگرفت . سرانجام بشام رفت و با کسان امپراطور روم وارد بحث شده بمدینه برگشت تا طرح مورد موافقت روم راپیاده کند !

نخستین زمزمه این بود که مدینه روزبروز توسعه می یابد و نفوس زیاد می شود ... آن عده از مردم که در نقاط دور دست منزل دارند بعلت دوری راه از مسجد و نیز بعلت پیری و از کار افتادگی نمی توانند بمانند بمسجد برسند ! بهتر است مسجد دیگری ساخته بخدمات خود نسبت باسلام ادامه دهیم ! (در صورتیکه در باطن این کلمات ، قصد تفرقه انداختن ، پنهان شده بود) ...

مصالح تهیه و مسجد بنا گردید و از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تقاضا شد آنرا افتتاح فرمایند آنحضرت عازم تبوك و جنگیدن با لشکریان روم بود . پاسخ این تقاضا رابعد از مراجعت موکول فرمود .

پس از برگشت دستور داد مسجد نوساز را که در لفافه حمایت از عاجز و فقیر ساخته شده بود ویران کردند و خانه و محل فعالیت خود مؤسس را هم تحت نظر گرفتند !

کارتر هم این نقشه را با ایجاد حزب خلق مسلمان و گروهك فرقان و مجاهدین خلق و گروه بنی صدر و جبهه ملی و جنبش مسلمانان و غیره پیاده کرد ! که هر يك بخواست خدا کشف و سرکوب شد !

بانیان مسجد ضراب مدعی حمایت از پیران بودند . اینها هم سنگ حمایت

از مستضعفان و کارگران را بسینه زدند و گروهی از بیخبران را جلب نمودند! گردانندگان جبهه ملی هم که در روزهای فراندوم انقلاب با اصطلاح سفید شاه و ملت؛ شرکت نموده شعار می دادند «اصلاحات آری، دیکتاتوری هرگز! و با این عمل خویش، خود را از موافقین طرح شاه می شمردند و تا پیروزی انقلاب حتی نامی از رهبر انقلاب بمیان نمی آوردند، پس از پیروزی انقلاب مثل منافقان قدیم بیاد پیران و مستضعفان افتادند... (در این ظاهر سازی همه منافقان از قبیل پیکاری و فدائی و جنبشی، غالباً با آنها همکاری داشتند). رهبر جبهه ملی، قرآن تفسیر می کرد و بوسیله صدا و سیما ایران پنخش مینمود. مسجد ضرار او حسن شهرت و روزنامه میزان او بود که منافقان را جان می داد! همچنانکه مسجد ضرار منافقان دیگر، آیه قرآن بود که در سر اوراق خود می زدند «فضل الله المجاهدین علی القاعدین درجه»

از خدا بر کشتگان توده‌ای و پشتیبان آنها (همسایه شمالی) که در نهضت ۱۵ خرداد ۴۲ شاه را در اقدام با اصلاحات ارضی می ستودند و روحانیت را مرتجع می خواندند، بعد از شکستن بت بدست بت شکن زمان؛ (امام خمینی) با همان شیوه حمایت از کارگر و مستمند، بصید افکار پرداختند که شرح آن بعد موکول می شود!

پ: گوشه‌ای از ایراداتیکه بر مارکسیسم (کمونیسم) و پیشوایان و مؤمنین نخستین آن وارد است.

از جمله ایراداتیکه بر پیروان نخستین کارل مارکس (یهودیزاده نیمه بوژوازی متولد و متوفای ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳ وارد می‌باشد، اینککه آنها گفته‌های مارکس را بدیده سخنی متقن و خالصی از خطا و اشتباه پذیرفتند. و همینککه عوام الناس و محرومین بستوه آمده از فشار مظالم سلاطین تزاری و فرمانروایان خودسر، با امید رسیدن بآب، بدنبال آنها وارد «سراب» مارکس شدند؛ خود مؤمنین اول، بطلان و غیر قابل عمل بودن تئوری مارکس را دریافته، درعین استفاده از نام مارکسیستی و در دست داشتن زمام امور؛ بتدریج از آن خارج شده مردم را زیر سلطه خود که پوسته مارکسیستی دارد نگاهداشتند. کسه تغییرات لنین و بعد از او تغییرات استالین و خروشچف و برژنف شاهد مقال می‌باشد؛ باین مؤمنین اول یا بزرگان حزب کمونیسم این اعتراض وارد است که چرا به تئوری مارکس که او تنها با خواندن تاریخ اروپا یعنی بخش خیلی کوچکی از حوادث تاریخ، صغری و کبرائی ترتیب داده باستنتاج پرداخته است، گردیدند!

بآنها این اعتراض وارد است که بمارکس معترض نشدند که انسانی که همه بزرگان از شناخت او، اظهار عجز نموده و مینمایند، تو چرا قبل از شناخت خود او، اقدام به تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی او نمودی و نابجائتیجه گرفتی؟

بآنها اعتراض وارد است که بمارکس معترض نمی‌شوند که تو از خدای قادر و آفریننده و بی‌نا بر گشته «اقتصاد بی‌شعور» را بجای او گذاشته عملاً انسانها را بی‌پرستش آن واداشتی و در این راه همه را بنده (اقتصاد) پنداشته از توجه بزرگمردانی امثال ابراهیم ع و موسی و عیسی و محمد و علی و حسین ع و ابازر که رضای خدا را اصل قرار دادند، خودداری نمودی. تو در نفی و انکار خدا که

گفتی « تادرك و لمس نكنم باورش نمی نمایم » بآن ماهیگیر میمانی که تور خود را بدریا افکند و تعدادی ماهی صید کند و بگوید هر چه در دریا بود ، بتور کشیدم ! در صورتیکه همه بازمیخندند که چه بسا ماهیان بزرگ که بتور تو نیفتادند و چه بسا کوچکترها که از سوراخهای تور تو بیرون رفتند ! تور کوچک و محدود ترا چه قیاس با دریای نامحدود !؟

بآنها این اعتراض وارد است که نگفتند تو از يك سو، هم آواز با همه دانشمندان ، اعتراف میکنی که در اول خلقت ، زمین و آسمانها توده فشرده آتشین بود بعداً از هم جدا شده تشکیل کهکشانها و ثوابت و سیار و انجم و اقمار را دادند. و از سوی دیگر تئوری میدهی که علم قبول نمی کند که چیزی از حالت نیست بحالت هست در آید . در صورتیکه مشکل بوجود آمدن اینهمه جانداران در روی کره آتشین که بتدریج سرد شده است جز با قبول خدا و قدرت ما فوق تصور او که باراده او کاینات و نبات و حیوان لباس هستی در بر نمود ؛ قابل توجیه نیست. بآنها اعتراض وارد است که نگفتند در حالی که تو مثل همه آدمیان حتی از شناخت کامل شهر و همسایگان خویش ، عاجزی ، چگونه قهرمانانه قدم بنخستین روزهای خلقت می گذاری و اظهار دانش می کنی و تئوری میدهی که در اول ؛ چیزی جز يك سلول وجود نداشت و اینهمه نبات و حیوان از تکثیر آن بوجود آمد ؟!

بآنها این اعتراض وارد است که نگفتند ، تو در عالم خیال پایه اول همزیستی بشری را از کمونیستی شروع نموده به ترقیب برده داری ، فئودالی و بورژوازی را گذرانده ، تحول اجتماع را بسکمونیستی رسانده آنرا تکامل یافته اوضاع اجتماعی بحساب آوردی .

در صورتیکه صرف نظر از اینکه از کمونیستی واشتراک یعنی تساوی حقوق

همگان در کشورهای کمونیستی جز نام، اثری در میان نیست، باز هم اگر محصول اینهمه مجاهدات و کوششهای ادوار و ازمنه تاریخ این خواهد بود که بشر باز بمرحله نخستین یعنی کمونیستی خواهد رسید؛ دیگر نام تکامل بر آن نهادن، زهی غفلت و اغفال می باشد!

این اعتراض بیزرگان حزب کمونیست و بالشویک وارد است که رهبران حزب از اینکه ریاست و محصول مطامع سیاسی خویش را با قبول تئوری مارکس، در دسترس دیدند، اعتراض نکردند که حال که بگفته مؤسس، در هر حمله تحول حکومت از سرمایه داری به حکومت کمونیستی؛ توسط بدیکتاتورهای کارگری! امری ضروری می باشد، چرا بعنوان روزنه امید بطبقه کارگر دستمیدیده، معین نشده است که ادامه این دیکتاتوری مجازا تا ده سال؟ تا بیست سال؟ یک قرن؟ و تا چند قرن خواهد بود؟

و باز این اعتراض بر آنها وارد است که نادیده گرفتن و بلا جواب گذراندن عواطف و احساسات بشری که آدمی با آن عجين شده است، خود ستمی فاحش میباشد و چندین اعتراض دیگر و اینک شواهد و اقوال:

۱- ژرژ پولیتس، استاد کمونیست، در دانشگاه فرانسه در اعتراض بزمامداران شوروی میگوید: مزد واقعی بکارگران داده نمی شود. بلکه حق آنها از کفشان ربوده میشود. همچنانکه در کشورهای سرمایه داری هم بهمان اندازه ربوده می شود. (نگرشی بر مفاهیم مارکسیسم. نوشته محمد رضا همایون والا ص ۱۶ بنقل از اصول مقدماتی فلسفه ص ۱۰۷)

۲- مارکسیستی چنانکه مارکس وعده میداد درست از آب در نیاید... وعده هائی که بکارگر داده میشود عملی نگردد. چه بسا امیدها که بیاد رفت. چه بسا حیلها که فاش شد... چندان اغراق نیست اگر گفته شود مارکس

بهمان سر نوشتی دچار شد که استادان خود را دچار کرد . یعنی جدل و افاطسی در قلب آئین او قرار گرفت و مکتب مار کس با نفی خویش رشد کرد . مار کس و ما کسیسم ص ۲۲۳

مار کس در عین اینکه از استاد خود هگل سرمایه گرفت ، بمصلحتی بر علیه استاد قیام کرده همانند فرزندی یاغی شد و یا همانند کودکی شد که پرستار خود را کتک زد .

۳- مار کس وانگلس افکار خود را بروی افکار فوئر باخ آلمانی که از مشاهیر کفر و الحاد بود بنا نهادند . منبع فوق ص ۲۶

۴- در بلوک کمونیستی ، کارگران از حق اعتراض و اعتصاب ، محرومند . پی-یتر کتاب مار کس و مار کسیستی ص ۱۵۹

۵- آندره ژید فرانسوی که خود از روزنامه نگاران مشهور کمونیسم بوده بدعوت شوروی از آن کشور دیدن نموده است ، در کتابی بنام «بازگشت از شوروی» حقایقی را فاش می کند که خیلی باختصار پیاره ای از آنها اشاره میشود . او در علت افشاگری می گوید «مسأله آینده بشر و فرهنگ جهانی خیلی بیشتر از حقوق و منافع اتحاد شوروی ، ارزنده میباشد»

... معایبی را میدیدم و می خواستم دلائلی برای اقناع معتقدات خود پیدا کنم . اما این عیوب یکی دو تا نبود ... تکرار این نوع مشاهدات که بزحمت از حفاظت میزبانان رها شده آنها را کشف مینمودم ، مرا در مقابل حقیقت تلخی می گذاشت که هیچگونه راهی برای تبرئه خوش بینی من باقی نمیکذاشت من از پذیرائی های گرم ، خاطرات خوشی داشتم . علاقه مند بودم که در کشوری که فکر میکردم مهد آزادیست ، برابری و عدالت را مشاهده نمایم ولی برعکس بیعدالتیهای دولت و وضع فلاکت بار کارگران مرا مبهوت نمود .

چندین بار از دست مهمانداران رها شده خود را بکلبه‌های بی‌فروغ کارگران که در مجاورت کاخهای سر با آسمان کشیده سکونت داشتند رساندم. از مشاهده اینهمه اختلافات طبقاتی، دوداز سرم خارج می‌شد...

محرومیت از هر گونه آزادی، در حد فاجعه است. همه مجبورند یکنوع فکر کنند آنهم طرز فکری که دستگاه حکومت تعیین و روزنامه پراودا دیگته مینماید!

... در این کشور آزادی اندیشه وجود ندارد کارگران که با اصطلاح حکومت رادر دست دارند مانند غلامان زر خرید دوره تزارها که با زمین و جزء آلات بفروش میرسیدند، حالا کارگران جزء آلات و اسباب کارخانه‌ای هستند که در آن کار میکنند. فکر تغییر کار و کارخانه ابداً مجاز نیست! دارند چنین فکری ابداً حق حیات ندارد! و برعکس اگر روزی حکم انتقال داده شود، بدون چون و چرا باید اجرا نماید. او باید بروزی ۵ روبل بسازد... در مهمانی من هزینه مشروب از ۲۰۰ روبل تجاوز میکرد. نه تنها در مهمانی من، چنین گشاد بازی بود! بلکه زندگی همه بزرگان بدینگونه است!

اگر کارگری عضو حزب کمونیست نباشد از بسیاری از مزایا محروم

۱- بهتر است بدانیم که قرآن انسانها را بیک چشم می‌نگرد و با آزادی آنها توجه خاص دارد و آزاد نمودن برده را از عالیترین عبادات می‌شمارد. سوره نساء ۹۲ - مائده ۸۹ و مجادله ۳

و حضرت علی علیه السلام میفرماید، خدا ترا آزاد خلق کرده است بنده دیگری مباش! و باز بهتر است بدانیم که قرآن، سخن خود را بر روی برهان استوار نموده مخالفان خود را با آوردن برهان دعوت می‌کند ولی ما را کسیسم می‌گوید هر چه من گفتم حق است. دلیل و برهان لازم ندارد!

است . در حالی که ورود بحزب و عضویت آن ، کار سهل و ساده ای نیست . (نگرشی بر مفاهیم مارکسیسم ص ۱۶۲)

۶- دارودسته تجدید نظر طلبی در تمام جبهه های داخل احیاء شده اند . دیکتاتورها مردم را بزنجیر کشانده اند . حزب بلشویک که بدست لنین بنیانگذاری شده بود بیک حزب تجدید نظر طلب و فاشیستی تمام عیار انحطاط یافته است . از مارس ۱۹۷۳ تا فوریه ۱۹۷۵ نزدیک بیک میلیون نفر از اعضای حزب کمونیست با اتهام داشتن افکار مخالف ، تصفیه و شدیداً مجازات شدند ... ۳۰٪ نیروهای مسلح مورد تصفیه قرار گرفتند .

در حزب با اصطلاح خلقی شوروی ، قانون ، بهمان توحش و بیرحمی زمان هیتلر در آلمان ، اجرا میشود .

سازمان جاسوسی « کا . گ . ب » بتمام شئون اجتماعی رخنه نموده است هیئت حا کمه برای جلوگیری از شورش مردم ، افراد ضد شورشی در مدارس متعدد تربیت می کند و با آنها اجازه میدهد بهر کس ظنین شوند که فکر شورش دارد ، تیراندازی نمایند ! متهمین را که آمارشان بیک میلیون بالغ می شود ، در اردگاهها و بیمارستانهای اجباری نگاهداری مینمایند . زندانیان را گرسنه نگاهداشته خوراکی آلوده بمواد شیمیائی می دهند .

امروزه کارگران شوروی بمراتب بیشتر از کارگران کشورهای غربی استثمار می شوند و نیز استثمار شدن کارگران بمراتب از استثمار شدن پدرانشان در زمان تزارها بیشتر است . (کتاب اتحاد شوروی زیر سلطه تزارهای نوین)

۷- حقوق بشر در شوروی در خطر است . دو نفر د کتر را که متهم بمخالفت با رژیم بودند محاکمه کردند ولی مخبرین خارجی را اجازه ورود ندادند . برخی از مخالفین با جبار در بیمارستانها نگاهداری میشوند . رادیو لندن ۸/۶/۵۲

۸- يك عضو مؤثر شوروی؛ با جبار دریکی از بیمارستانها توقیف و بستری

شد. منبع فوق ۵۲۲۱۶/۱۶

۹- یکی از ۳ یهودی شوروی که دوباره بر روسیه بر گشتند، خود کشتی

کرد. اطلاعات ۱۴۱۴۳

۱۰- ژنرال کورینسکو ۷۰ ساله بجرم اینکه در آمریکا برخلاف نظر رژیم

شوروی سخنی گفته و بگوش مقامات رسیده است از تابعیت و بر گشت بوطن محروم

شد. رادیو تهران ۱۳۵۶/۱۲/۲۰

۱۱- هدريك اسمیت روزنامه نگار آمریکائی که ۳ سال حوالی ۱۹۷۵ در

روسیه بوده و مشاهدات و گزارشهای او، ببا گزارشهای سایر نویسندگان از

ممالک مختلف، همسو میباشد، در کتاب خود که بنام «تضاد طبقاتی در شوروی»

بفارسی ترجمه شده است. درباره وجود رشاء و ارتشاء و اختلاس؛ و نیز وجود

صفهای طولانی، خرید ارزاق، گزارشها دارد که درخور اهمیت و عبرت میباشد.

او سوء استفاده های رئیس و خدمه فر وشگاه البسه و میلیونها شدن برخی

از آنان را مورد توجه قرار می دهد: آنها البسه اعلی را که با متوسطها یکسان

تفویم شده است، در پشت ویتریبن، پنهان نموده ببا دریافت رشوه، در اختیار

مشتریان می گذارند... احیاناً، شاهده شده است که يك جفت پوتین ۶۰ روبلی

بقیه ۱۴۰ روبل، بدست مشتری رسیده است...

۱۲- کارگران و سیمکشهای ساختمانها که فریادشان در گلو خفه می شود،

در کار خود، اهمال و قصور میورزند! نتیجه عدم دقت و پشتکار، آن میشود که

صاحبان کاخها آنها را پی در پی برای تعمیر، دعوت و پولیکه جوابگوی نیازمندیهای

آنها باشد میپردازند... در شرائط عادی با وجود فرزندان رؤسای حزب و

متنفذین دستگام، فرزند کارگر بدشوار میتواند وارد دانشگاه شود مگر

بپرداخت رشوه ... نمره این تبعیضها آنگاه ظاهر میشود که برخلاف پزشکان حاذق و ماهر که در بیمارستانهای طبقه ممتاز، طبابت می کنند، پزشکانی مخصوصاً بطبقه پائین گماشته میشوند که حتی از علم بیدیهیات رشته مربوطه بی بهره میباشند! ... مدتها دوندگی و انتظار لازم است تا مریضی از طبقه پائین بتواند در بیمارستان «بالا» بستری و تحت معالجه قرار گیرد!

در سال ۱۹۷۳ روزنامه‌ها نوشتند عده‌ای روی معاملات پاره‌پاره و سایر کالاهای فابریکی در لیتوانی مبلغ ۲۶۰/۰۰۰ رouble دیگر در آذربایجان شوروی مبلغ ۶۵۰/۰۰۰ رouble سوء استفاده کرده‌اند! ... در مغازه الماستراشی مسکو مبلغ ۷۰۰/۰۰۰ رouble بسرقت رفت! ...

۱۳- میخائیل لادیومدیر مغازه تاجیکستان در خیابان گورک متهم شده بود که بیازرمها و قیمت گزاران رشوه داده است تا اجناسی را که وارد مغازه او میشود در سطح نازل تر، تقویم نمایند! ...

۱۴- لاجیس ویلی جوانی بود که رانندگی راترک گفته بدانشکده رفته بود. چون توفیقی در درس نصیب او نگردید، ترک تحصیل نموده بیاند چاپ اسکانس نقلی پیوست!

او با دادن پول و مهمانیهای چندین هزار روبلی، بنفون عجیبی دست یافته بود ... او میتواند وزراء و صاحبمنصبان گرجستان (تفلیس) را عزل و نصب نماید ... در یک پرونده مبلغ ۱/۷۰۰/۰۰۰ رouble از دولت کلاهداری نموده بود ... بعضی از پشتیبانان اداری او، میلیونر شده بودند! پلیس، کالائی، باارزش یکصد هزار رouble در مغازه‌های مربوطه او کشف نمود که نام آنها در دفاتر دولتی ثبت نشده بود. همچنین چه بسا هدایائی که از طرف بازرگانان «اهل نظر» باو فرستاده میشد.

۱۵- ولادیمیر رئیس جمهور یکی از ایالات، با ۴۰ نفر از همکارانش بطور محرمانه در قبال اختلاسی که کرده بودند، محاکمه و بازنشسته شدند.

۱۶- یکاترینا زن معاون وزارت امور خارجه (نیکولای فیریو بین) که در عین حال محبوبه خروشچف نیز بود! از دفتر حزب، وزارت فرهنگ نیز رسید. با وجود شکایاتی که از او میشد با اعمال «خشونت و اعتدال!» بمیز وزارت چسبیده بود. او علاوه از ساختمان چند طبقه‌ای چند اطاقی که هم در حومه مسکو و هم در دریای سیاه داشت، ساختمانی هم بنام دخترش سوتلانا در محله بلند پایگاه بنا نموده بود. بعد از برکناری خروشچف، با کشف شدن اینکه او از کارگران دولتی در ساختمان اختصاصی بهره برداری کرده و مصالح ساختمانی را خیلی نااثرتر از قیمت عادی دریافت می کرده است، بداد گاه احضار و در همان اوان در اداره خود مرد!

توضیح: ۱- مدیر عامل مصالح مزبور در اثر نفوذ این خانم، برندهٔ جایزه جمهوری شده بود!

۲- ثروت این خانم را از اینجا میتوان تخمین زد که او که بععل فوق مجبور پرداخت حدود شصت هزار روبل (۸۰/۰۰۰ دلار) جریمه گردیده بود توانست در دو سه روز بپردازد!

۱- از ملاحظه پرونده این خانم و خانم پارسا وزیر معدوم آموزش و پرورش محمد رضا میتوان نتیجه گرفت که آن هر دو وزیر در تبهکاری همکار و همگام بوده‌اند. یکی در کشور با اصطلاح کارگری دموکراسی و دومی در شاهنشاهی پارلمانی!!... (هر جا که نور ولایت فقیه نتابد پیدایش جرثومه فساد حتمیست!) نویسنده، این فصل از کتاب خود را با این ضرب المثل روسها خاتمه میدهد: ایوان به ولدیا میگوید «فکر می‌کنم غنی‌ترین کشوری در جهان باشیم...» ←

۱۷- کتاب خواندن آزاد است ولی کتابهای مخالفین رژیم، مثل ساخاروف و سلترنتسین نه ۱ (دریای جزیره و سرطان و غیره) میخائیل بولگا کف در ۳ داستان هجائی، در سال ۱۹۷۳ پیروان استالین راهجو نموده بود. کتابش رسماً در ۳۰ / ۰۰۰ / ۳۰ نسخه چاپ شده جز اندکی همه آنها در بازارهای خارجی بفروش رسید. آن اندک هم که مانده بود با اینکه قیمت اصلی آن ۱۳۵ روبل بود. در بازار سیاه ۶۰ - ۲۰۰ روبل بفروش رسید. ص ۱۶۳ (این کتاب با گفتن مظالم، بروی جراحات مرهم مینهاد) ۱۸- تصور نشود که در روسیه مردم با انکار خدا و دین، افکار سالمی دارند، بلکه سخن از شیطان و شانس و شگون گفتن و تغال کردن از امور عادی مردم میباشد، ص ۲۱۸

این نویسنده در بخش دیگر از کتاب خود تحت عنوان «زنان» آزادی قانونی دارند نه آزادی حقیقی، سخنها دارد که به مختصری از آنها اشاره میشود.

۱۹- در کارخانه کنسرو ماهی سازی واقع در حوالی قطب ۸۵ زن هستند که در کار گاههای خیس و مرطوب بپریدن و دود دادن ماهیها و کشیدن آنها بطرف صندوقها و مرتب کردن تور ماهیگیری و پارو کردن برف و یخها اشتغال دارند. (حقوق آنها ماهیانه ۱۵۰ - ۴۰۰ دلار میباشد)

۲۰- زنان در شوروی با دریافت حقوق کمتر از مردان، انجام کارهای کدر شکنی را که لنین اسم آنها بردگی بومی میکند داشت بعهده دارند. (ص ۱۹۶ - ۲۰۹)

زن آبستنی می گفته آرزو دارم بچهام پسر باشد چون زندگی پسران

← زیرا هر فردی از افراد شوروی؛ مشغول دزدی اموال دولتی است و هنوز چیزهایی برای سرقتهای بعدی، باقی میباشد. ص ۱۰۰ و ۱۰۵ و ۱۲۵ و ۱۷۳ و

راحتتر است ... دلم میخواد که اولاد بیشتر داشته باشم اما چه کسی متحمل هزینه آنها خواهد شد.

روزنامه‌ها فخر فری می‌کنند که خانمها بمجلس راه یافته‌اند در صورتیکه نمایندگی بانوان تنها جنبه نمایشی و دلخوش کنی دارد. وجود آنها به مهر لاستیکی می‌ماند که همه پیشنهادات و لوایح را با اتفاق آراء تصویب می‌کند! هیچیک از ۱۵ عضو دفتر مرکزی حزب کمونیست که خط مشی اصلی را تعیین می‌کند و نیز هیچیک از ۹ دبیر کل حزب از طبقه زنان نمیباشد!

امور دستی کشاورزی اغلب بعهده بانوان است. زنان شوروی برای کسب اعتبار اجتماعی خویش با ناکامی روبرو می‌باشند. اگر مشکلات آنها در روزنامه‌ای بطور صادقانه و صمیمانه چاپ شود مدیر روزنامه بعنوان تبعیض جنس مورد تعقیب قرار می‌گیرد. کارهای کثیفی که در آمریکا بوسیله سیاهان انجام میشود در شوروی بوسیله خانمها عملی میگردد. (ص ۲۱۶) و از این عمل نیز در راه تولید و تکثیر اقتصاد گزیری نیست!

۱- شاید کسانی تصور کنند که تنها کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری هستند که اقتصاد را اساس قرار داده‌اند. در صورتیکه اسلام پس از توجه بمبدء و معاد و تربیت انسانها، تولید ثروت و اصلاح وضع رفاه عموم را سرفصل همه امور قرار داده است و اینک شواهد:

- ۱- قرآن ثروت را وسیله قیام و دوام میداند.
- ۲- رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسیکه برای توسعه معاش خانواده کوشش میکند همچون مجاهد فی سبیل الله است ... هر که بعد از کار و کوشش روزانه، شب را براحت می‌پردازد، این را مشمول غفران خدا میباشد ... علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: هر که با داشتن زمین و آب، کار نکند و محتاج شود، از ←

یکی از موجبات حبس و تبعید سلتز تسین اینست که در نامه سر کشاده‌ای وضع غیر موزون زنان را با گاهی زمامداران رسانده است .

۲۱- زنان علاقه دارند مرخصی شان با مرخصی شوهران ، هم زمان باشد . در صورتیکه دیپلوماتی می گفت اگر با زنش به مرخصی برود نمیتواند اسم آنرا مرخصی بگذارد ... (از اینجا میشود حدس زد که چرا آمار طلاق روزافزون است) . با وجود تسهیلاتی که دولت برای توالد و تکثیر قایل است . باز نرخ رشد طبیعی جمعیت شوروی پائینتر از نرخ رشد در دنیا است . شاید یکی از علل آن ترس زنان از درد زایمان است که در آنجا از داروهای مسکن کمتر استفاده میشود . دوم اینکه اغلب بانوان بزایشگاههای بالا راه ندارند و در طبقه پائین هم پزشک و پرستار بدرد بیمار نمیرسند !

زنان برای آبستن نشدن کمتر بداروهای ساخت شوروی رغبت نشان میدهند . زیرا از نظر خون و کبد مشکلاتی را بدنبال می‌آورد ... ناگزیر می‌خواهند سقط جنین نمایند ، برای آنها باید صف بکشند و نوبت بگیرند ... با همه این تفصیلات ، سالیانه ۵ میلیون سقط جنین میشود ... و آمار اطفال نامشروع به چهارصد هزار یعنی یکدهم موالید رسمی میرسد ...

خانمی که خود عضو حزب کمونیست بود و در کارخانه اتومبیل سازی با ماهیانه ۲۶۵ دلار خدمت میکرد نتوانست بچه خود را بشیرخوار گاه بسپارد . لذا ناگزیر استعفاء نموده ۳ سال بتربیت او پرداخت . سپس در شیرخوار گاه محل باماهی صد دلار استخدام شد . (۲۳۹)

رحمت محروم است .. بالاخره بتولید و تکثیر پرداختن ائمه دیگر (از راه کشاورزی) بهنگامی که آزاد بوده‌اند از صفحات زرین کتب اسلامی میباشد .

۱- رژیم طاغوتی این قبیل داروها را از راه تبلیغ بخورد زنان میداد .

۲۲- مار کس می گوید دین به منزله افیونی است که مردم را از مبارزات حق طلبی باز میدارد... در صورتیکه اگر مار کس زحمت مطالعه تاریخ اسلام و هشتاد فقره جهاد مسلمانان (در عرض ده سال حیات محمد ص) را مطالعه میکرد و نیز انقلاب الجزائر و ایران را میدید با اشتباه خود پی میبرد. مطبوعات

۲۳- دختر استالین که تقریباً پناهنده آمریکا شد، گفت پنجاه سال است که کمونیستها خارج از قاعده و اصل سخن میگویند! مطبوعات

۲۴- جلال آل احمد در مقدمه کتاب «بازگشت از شوروی نوشته آندره ژید» میگوید تا قبل از جنگ دوم جهانی، مردم شوروی گمان میکردند، خوب شده اند اما همینکه ارتداد تر و تسکی و محاکمه بوخارین بمیان آمد، دانستند که اشتباه می کنند.

۲۵- دکتر علی شریعتی... من حتی مار کس و انگلس و پررون و دیگر سوسیالیستها و انقلابی ها، راه گزینی بخشم. که ما در شرق غارت میشدیم و آنها در غرب برای تقسیم عادلانه آن، میان سرمایه داران و کارگران کشمکش داشتند؛ اموالی را که جنایتکاران، از ما غارت مینمودند، نام کالا نهاده میان کارگران تقسیم مینمودند. (تلخیص از اسلام و مارکسیسم تألیف سید محمد باقر نجفی ص ۱۱۲)

۲۶- محمد تقی فلسفی...! کمونیستها در کتابهای خود بر خلاف شرف انسانی بتعالیم الهی تهمت های غیر قابل عفو زده اند... آنها مقصود قرآن را بر خلاف آنچه مورد نظر شارع اسلام بوده در کتابهای خود آورده اند تا جوانان را بدین خدا بدبین و آنها را گمراه سازند. منبع فوق

۲۷- مرحوم سید قطب بعد از بحث مستدل در نارسائی گفتار مارکس که همه تحول و تطور تاریخ را به تغییر ابزار تولید نسبت میدهد، در اعتراض

به مار کس میگوید: «اوبه پیروان خود چنان وانمود کرد که گوئی تمام حوادث تاریخ را از نزدیک لمس نموده است. در صورتیکه علمای بزرگ قرن ۲۰ که نسبت با انسان و حوادث تاریخی او؛ دانایانتر از او بوده‌اند، اعتراف دارند که نسبت بشناخت انسان، کاملاً جاهل میباشند... مار کس از بین همه عناصر زندگی، تنها يك عنصر یعنی اقتصاد را بجای خدائی که حکمش اجتناب ناپذیر است برگزیده انسانها رامطیع فرمان آن قرار داد». (اسلام و مار کسیسم ص ۸۴)

۲۸- در ژوئن ۱۹۴۶ دولت شوروی انحلال جمهوری چین و اینکوش را که اکثر مسلمان بودند، صادر نمود... از فردای آنروز بگیر و به بند شروع شد. هر مأمور سری با هر کسی خرده حسابی داشت، با اتهام همکاری داشتن با آلمانها او را گرفته زندانی می کرد و یابدون سند؛ اعدام مینمود...

پس از اعدامهای انفرادی و دسته جمعی، برای اینکه مسلمانان در آینده جمع نشوند و بفکر انتقام نیفتند، بازماندگان را با وسائل نقلیه یا با پای پیاده بنقاط دیگر، کوچ دادند! آنهم بدین ترتیب که اگر در خانوادهای پنج نفر باقی مانده بود، هر يك را با گروهی وبسمتی روانه نمودند. (مدتهای مسدید وقت لازم بود تا برادری از برادر خود کسب اطلاع نماید!)

در این گیرودار بود که نام ایالات مسلمان نشین از قبیل چچنها، قره چارها، قیزلرها و و از نقشه جغرافیا حذف و تبدیل شد.

گزارشی که از طرف خود مأمورین مورد تأیید قرار گرفت، تنها در ترکستان متجاوز از ۸۰۰/۰۰۰ نفر از مسلمانان از گرسنگی جان دادند... برای احصاء افرادی که در زمان لنین و استالین کشته شدند، کتاب جداگانه‌ای لازم می باشد! (نقل باختصار از کتاب اتحاد شوروی زیر سلطه تزارهای نوین و و) ۲۹- خوبست بدانیم که مأمورین شوروی در حمله به مردم بحدی قساوت

داشتند که بدون توجه باینکه بچه یا پیرمردی زیر پای سر کب آنها پناهمال میشود، رانندگی می کردند. هر جا زن چادری میدیدند چادر را با سر نیزه پاره میکردند!

یکی از رهبران مسلمان بنام کالیوف که در ابتداء، فریب وعده های لنین و استالین را نسبت بخود مختاری داشتن مسلمانان خورده و با آنها در براندازی تزارها همکاری کرده و بعد بادیدن خلف وعده، بفکر تشکیل ایالت خود مختار افتاده بود، با یارو یاوران اعدام گردید!

بزرگان شوروی گذشته از اینکه بوعده عمل نکردند بلکه مساجد را به موزه ضد اسلامی، جمعه را بروزه های یکشنبه و خط اسلامی را بخط روسی تبدیل نمودند! (کتاب اسلام و شوروی ص ۳۳ و ۵۳ و ۸۸ و ۹۰)

۳۰- همچنانکه شاه مخلوع ایران در نهضت خرداد ۴۲ و بعد از آن هزاران نفر مخالف خود را بی سر و صدا از بین برد ولی از عوارض اعدام امام خمینی اندیشیده تنها بحبس و تبعید او قناعت نمود، همچنانهم دولت شوروی در عین کشتارهای بی سر و صدا از کشتن ساخاروفها و سلترتسینها و بوکوفسکیها که شهرت جهانی دارند، اندیشیده بحبس و تبعیدشان قناعت نمود. (ماحصل چند کتاب)

۳۱- سید شمس الدین مرعشی مؤلف کتاب اسلام و کمونیسم، پس از ذکر نام و گفتاری از دانشمندان بزرگ خدایرست، امثال جوردن و لامارتین فرانسوی و هرشل و هربرت اسپنسر انگلیسی و استاد لامنه که بیاناتی درباره وجود خدا دارند؛ میگوید تنها فشار حزب کمونیست بود که نام خدا را از خاطرها میزدود... (روسها هنوز هم موقع وداع خدا حافظ میگویند)

این نویسنده ضمن بحث از ارزش آزادی انسانها که بجز از کمونیستها هر کسی بدان حرمت قائل است، میگوید، سلب آزادی بمنزله سلب حیات

واقعی میباشد که مردم شوروی بدان گرفتارند ...

حکومت شوروی دم از آزادی و دموکراسی میزند ولی در عمل اثری از آن دیده نمیشود. استالین میگفت بر هر کمونیستی واجب است در نقاط غیر کمونیستی تظاهر بداشتن آزادی نموده مردم را جلب نماید و در این راه برای بکار بردن نیرنگ و خدعه آزاد میباشد!

۱- نمونه‌ای از تبلیغات، بسوی بهشت کمونیستی را که در نظر هر بیننده‌ای جهنمی سوزان می‌باشد، در آثار کمونیستهای ایران، امثال تقی ارانی و خسرو روزبه و فتحعلی آخوندزاده و احسان طبری و میتوان مشاهده نمود، مثلاً دکتر آدمیت کتابی بنام «اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده» با عالیت‌ترین حروف و خطوط چاپ که در واقع دامی خوش رنگ و نگار میباشد. تألیف مینماید و جهد میکند نعمتهای «سرابگونه» را که در پشت پرده آهنین وجود دارد بر رخ خواننده بکشد! در حالی که هر خواننده‌ای که از کمترین عقل و منطق برخوردار باشد، از این نویسنده می‌پرسد «این چگونه بهشتی است که مردم را بزور سر نیزه از تکلم بزبان مسادری منع و بتکلم بزبان روسی امر مینمایند؟»

این چگونه بهشتی است که مردم از آنجا فرار میکنند.

این چگونه بهشتی است که یکی از مأمورین عالی‌رتبه آن (!؟) بر هنگ آخوندزاده اردبیلی الاصل با استفاده از اسم ایرانی و اسلامی خود، مأموریت پیدا میکند، بکشور ترکیه مسافرت نموده رسوسه کند که اگر خط تان را شبیه خط اروپائیان نمودید، شما هم از کاروانیان تمدن خواهید بود!! (ص ۱۶۰ گذشت)

در صورتیکه گذشت نیم قرن ثابت کرد که منظور آخوندزاده و اربابان او در تغییر خط در داخل و خارج روسیه، تنها برای خالی نمودن دست مسلمانان ←

۳۲- دکتر مصطفی محمود مصری که خود مدتها مسلك مارکسیسم را بر گزیده و بعدها با دیدن تناقضات از آن برگشته است در گفتارهای مستدل و مفصل خود، میگوید «مارکسیسم ادعا کرد که اختلافات طبقات را از میان بر میدارد. ولی عملاً دیدیم که طبقه ممتازی روی کار آمد که اکثریت توده‌ها بدون چون و چرا مجبور با اجرای اوامر آنها شدند... گروهی بعنوان رهبران حزب کمونیسم معرفی شدند و عالیترین مقامات و مشاغل را بخود اختصاص دادند. از آن بیعد بر اساس اینکه بگفته مارکس و لنین (هدف وسیله را توجیه میکند)، هر کسی علاقه داشت برای رسیدن بقدرت، عضویت حزب کمونیست در آید و آنانکه در حزب بودند جهد نمودند مراحل ترقی را بفرجهای خود به پیمایند... این برتریجوییها باعث تصفیه‌ها و قربانیان چند میلیونی گردید که کشتار هنوز هم ادامه دارد...»

انگلس که دعوی حمایت از خلقهای استعمار شده مینماید... الجزایریهای آزادیخواه را دزدان و بیابانگردان نامید... لنین میگوید هر چه بظهور و پیروزی انقلاب یاری کند اخلاق است. یعنی تا وقتی که از فکر و نیروی یکنفر در پیشبرد اهداف، میتوان استفاده نمود، بهره برداری میکنیم. آنوقت اگر هدف، ایجاب

← از کتب حیاتبخش و تحریک آفرین اسلامی بوده و میباشد! همچنانکه استعمارگران غرب نیز قصد دارند گوهر ظلمت زدای اسلام را از کف مردم، خارج و بجای آن «مفرغ مذهب و مزور» را در دسترس قرار دهند که امام خمینی ایده‌الله تعالی، اسم این اسلام را که کاری بکار سیاست و استیفای حقوق مستضعفین ندارد، اسلام کارتری و ریگانی و میترانی و و مینامد! کتابهای نقش کلیسا در ممالک اسلامی، فیلسوف نماها و مناظره دکتر و پیر را مطالعه فرمائید!

کرد، او را از میان بر میداریم! (کتاب کدامیک اسلام یا مار کسیم؟)

۳۳- دکتر حسنی هیکل روزنامه نویس مشهور مصری میگوید من تناقضات موجود در کمونیسم را نتوانستم حل و تعبیر و توجیه کنم، ... چگوارا که خود کمونیست بوده و با توطئه آمریکا با یاران بقتل رسید... می گفته «دولت شوروی در استثمارگری همانند امپریالیسم غرب میباشد!» منبع فوق

۳۴- برعکس نظر مارکس ولین که دین را ساخته و پرداخته ثروتمندان میدانند، پطروشفسکی روسی نویسنده کتاب «اسلام در ایران» میگوید «در پیدایش ادیان آسمانی، بینوایان جمع و دین را تقویت کرده اند.» ص ۲۶

۳۵- طبقات اصناف شوروی مثال، یک هرم را دارد که اکثریت مردم، قسمتهای پائین آن، و گروه متوسط، میانه آن و ممتازها، رأس هرم را

۱- این عمل را درباره میرزا کوچکخان جنگلی انجام دادند یعنی بعد از آنکه قول هر گونه همکاری و کمکی را با او دادند، در وسط راه با دشمن او کنار آمده او را بدست دژخیمان رضاخانی سپردند ... در این مورد گفتنی است که این حکومت با وضع کذائی و نیز حکومت آمریکا که بافدگی از جنایات آن اشاره شد و نیز دولت انگلیس و چین و فرانسه که گوشه‌ای از ماهیت آنها هم مورد مطالعه قرار میگیرد، در سازمان ملل متحد، سهم ممتازی بنام حق «وتو» برای خود اختصاص داده‌اند که با آن حق نامشروع، مصوبات دول دیگر را ابطال مینمایند چنانکه در اول بهمن ۶۰، دولت آمریکا تظلم دولت سوریه را که قسمتی از خاکش را (جولان) اسرائیل تصاحب نموده و نیز مصوبات دول عضو را که شکوائیه سوریه را تأیید و تصویب نموده بودند با «وتوی» خود، ابطال نمود یعنی عملاً محتوای خود سازمان ملل را که اجازه نمی‌دهد دولتی خاک دیگران را تصاحب کند، ابطال کرد... (امام خمینی مستضعفین را بمحدود کردن «حق وتو» دعوت نمود)

تشکیل میدهند.

توضیح اینکه در هر صنفی این هرم هست و رؤس هر آنها با هم مرتبط و با اصطلاح برابر و برادرند! تضاد طبقات ص ۴۰

برای آشنائی با طرز نابجا گفتنها و تهمت و افترا زدنیهای کمونیستها که برای بزرگنمایی خود، دانشمندان موحد را کمونیست معرفی میکنند و شب و روز را بر عکس جلوه میدهند، کتب زیر را که به سه طبقه دسته بندی شده است مطالعه فرمائید.

الف - سطح ابتدائی : فرآورده های دینی - بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم - نظری بار دو گاه کمونیسم - راه سوم میان کمونیسم و سرمایه داری - نقش یهود در پیدایش کمونیسم - ساختار و سخن میگوید - نزاع ماتریالیسم و کلیسا - اسلام و کمونیسم - از بردگی دوم تا مارکسیسم ...

ب - سطح پایه و متوسط : خیانت بجنبش خلق ایران - اسلام یا کمونیسم؟ مادیکری یا هوچیگری - مزدوران کرملین - بازگشت از شوروی - نامه های بزمامداران شوروی - اسلام شناسی - خورشید دین - نگاهی بتاریخ فردا - بلوغ دروغ - وقتی که مارکسیستها تاریخ مینویسند - انسان اسلام و مارکسیسم - منافقان از دیدگاه ما - توطئه «سیا» - گامی فراتر در افشای منافقین - کمونیسم از دیدگاه نظام اقتصادی اسلام - برهان قرآن - انسان بین مادیکری و اسلام - گفتگوی الهی با مادیکری - انسان و ایمان - مسلمانان شوروی . (۳ کتاب بهمان نام دیده ام که مؤلف یکی اهل ترکیه و دیگری اروپا و سومی اهل امریکاست .)

ت - سطح عالی : سردار جنگل - افشاگریهای از توطئه چپ - پیوند انسان و مذهب - قیام و انقلاب مهدی علیه السلام - بررسی تاریخ ما - کمونیسم محلی - ←

۳۶- ازدواجهای تقلبی : مسکوبداشتن فروشگاہها و مزایای مخصوص ، مردان و زنان شهرهای دیگر را بسوی خویش جلب مینماید . در حالی که دولت شوروی نمیخواهد سکنه مرکز از حدود هشت میلیون زیادتر باشد . لذا هرعلاقه مندی برای فائق آمدن بر این مانع ، راهی را در پیش میگیرد و در جامعه با اصطلاح بی طبقه رشوه میدهد و ابتکاری مینماید که بدو فقره آن اشاره میشود :

کلارا فارغ التحصیل دانشگاہ ایالتی بود . خانوادهاش هم در یکی از شهرهای کوچک زندگی میکرد . او میخواست برای معلمی در مسکو ثبت نام نماید . در حالیکه منزل نداشتن ، مانع استخدام میشد . ناگزیر ۱۵۰۰ روبل به برادر پسر بکه در مسکو منزل داشت و ازدواج با او مشکل مسکن را حل میکرد ، پرداخت نمود . تا آنها بصورت زن و شوهر دارنده منزل ! درآمدند . همینکه تشریفات ثبت نام انجام یافت ؛ داماد از او جدا شد ! ...

زن و شوهری که در یکی از ایالات دور دست ، زندگی میکردند بفکر افتادند امتیاز زندگی در مسکورا بدست آرند . آنها این نقشه را اجرا کردند که از یکدیگر جدا شده ، هر یک در مسکو زوج دیگر پیدا نمود ؛ سپس ، این

← آفریدگار و آفریده - فلسفه بشری و اسلام - فلسفه تاریخ سیاسی - طبقه جدید - حزب کمونیست شوروی بر سر قدرت - تجدید نظر طلبی از مارکس تا مائو - فلسفه ما - ضرورت بررسی مارکسیسم - اصول فلسفه و روش رئالیسم - علل گرایش به مادیگری - (بعضی ها گمان میکنند ، در ترورهای که اتفاق می افتد ، تنها دست راستیها دخالت دارند ، در صورتیکه «شرق و غرب» در دشمنی با روحانیت اسلام متحدند که کشته شدن برخی از نویسندگان کتب فوق گواه آن است . امثال آیه الله مطهری ، بهشتی ، صدروهاشمی نژاد و شریعتی و ...

زوجیت را هر دو بهم زده بزناشوئی سابق ب..... رگشتند. (مقدمه تضاد طبقاتی ص ۲۴)

۳۷- در شوروی بجز از مأمورین مخصوص، کسی حق گفتگو با بیگانگان که وارد میشوند ندارد. در یک شب بارانی که با ماشین خود میگذشتم خانوادهای که از مهمانی میآمدند تقاضا نمودند آنها را سوار نمایم... آنها در مقابل خدمتم که سوارشان کردم؛ خواهش نمودند، چیزی در محضر آنها صرف کنیم... به هتلی بردند. بما توصیه کردند پیش این خانم که متصدی آسانسور است، انگلیسی صحبت نکنیم!... موقع خدا حافظی شماره تلفن گرفتیم و دادیم تا بعدها گفتگو کنیم... بعد که خواستم تلفن کنم دیدم از ترس حکومت عمداً، شماره را عوضی داده است! تضاد طبقاتی.

۳۸- میگویند در کشور رنجبران، مردم برادر و برابرنند، در حالی که من میخالكف را که از نویسندگان است که با دولت، بسیار صمیمیت دارند و ادعای مجرمیت و تبعید سلطنتسین را از تهیه کرده است، شناختم که زندگیش مشابه بانکداران غرب است. دامادش که داستانهای جاسوسی مینوشت و از دولت تمجید میکرد، در یک نوبت یکصد هزار روبل جایزه گرفته بود!

۳۹- روزنامه نگاری میگوید میخواستم حساب دارائی میخالكف را تخمین بزنم، گفتند پول چندان مهم نیست. ممکن است یک نفر برای خرید ماشین ۳ سال دوندگی کند ولی دیگری همان ماشین را در مدت چند روزی آنهم بقیمت ارزانتر تهیه نماید! بعضی از بزرگان به محض عزل یا بازنشسته شدن عمارت باشکوهی را که بدست آورده بودند از دست میدهند. اما آناستاز میکویان که همه رؤسای جمهور را درك نموده است، در ساحل دریای سیاه کاخی مجهز بوسایل لوکس دارد. در آن کاخ حوضهایی از سنگ مرمر موجود است. یکی دارای آب شیرین

و دیگری آب شور! همچنین کاخی در مسکو با تمام وسائل و خدمتگزاران! دارد...

۴۰. علیرغم آنچه صحبت کردن بسا خارجیان ممنوع است زنی از فرط اضطراب مرا مخاطب قرار داده گفت. برخلاف تمام مقررات و ضابطه های صوری، به من و شوهر و پدرم تنها يك اطاق داده اند! مقدمه منبع فوق ص ۵۱

۴۱. در داخل مسکو فروشگاههای هست که لوازم ضروری در اختیار مردم عادی میگذارد و فروشگاههای هم هست که لوازم لوکس میفروشد ولی هر کسی کوپن و حق ورود باین فروشگاه را ندارد!

بقول میلووان جیلاس کمونیست یوگسلاوی، مؤلف کتاب «طبقه جدید» این قضایا نمونه ای از امتیازات طبقات میباشد!

۴۲. يك مؤلف آمریکائی در عین اینکه خود کمونیست است می گوید استالین امتیاز طبقاتی را توسعه داد و آن توسعه تا کنون هم در حال گسترش میباشد! تضاد طبقاتی ص ۱۵

۴۳. استالین برای باشتباه انداختن دشمنان و تروریستها، از ۷ ماشین گوناگون استفاده میکرد ولی بر ژنرال آنرا بچهار ماشین تقلیل داده است. خیلی دشوار است کسی بداند بر ژنرال با کدام ماشین بخانه خواهد رفت!

روسیه را که پشت پرده آهنین میگویند. سیم خاردار نیست که دور کشور کشیده باشند بلکه آن سیم یا پرده حتی در مسکو در سرانگشتان آدمی میباشد. ممکن است آدمی در میان آنها زندگی کند ولی نداند که آنها چطور زندگی میکنند. نظارتها بحدی محکم و با ضابطه است که همه چیز بروی آدمی بسته است.

۴۴. قرار بود کسی برای انجام مأموریتی به خارج از کشور سفر کند. او بجزم اینکه از خدمتگزاران پرسیده بود این خانه مجلل مال کیست؟ مأموریتش لغو گردید. (تضاد طبقاتی ص ۷، ۱۵، ۲۴، ۵۱ و ۵۵)

۴۵- دولت شوروی که دعوی حمایت از خلقها را دارد، در پرداخت قرضی که بایران داشت چندان تعلل کرد تا دولت ملی د کتر مصدق سقوط نمود. آنوقت قروض را بدولت غاصب و کودتاگر زاهدی آمریکائی پرداخت. مطبوعات

۴۶- در دوره حکومت یکساله دموکراتهای تبریز (تحت ریاست جعفر پیشه‌وری) ، که هر تجزیه طلبی، بجای مقام باد آوردی رسیده بود ، محمد بیریا هم بوزارت فرهنگ منصوب شده بود. او؛ از جمله کسانی بود که با شکست پیشه‌وری^۱ ، به‌مراه او وسایر همگامان باغوش شوروی^۲ پناهنده شدند. ۳۴ سال

۲۹۱- پیشه‌وری مثل همه از خدا بر گشتگان ، از رجال « چندین چهره » میباشد : او در رشت شورسین نهضت جنگل بود. پس از آنکه لنین بسال ۱۹۲۱ با رضاخان انگلیسی! قرارداد منعقد نمود ، او بصف دشمنان میرزا کوچکخان پیوسته در راه از پای در آوردن او، طرحهای روس و انگلیس را بمورد اجرا گذاشت تا آن مجاهد ربانی کشته شد !

وقتی در مجلس شورای ملی تهران، دم از طرفداری از تمامیت ایران زد و در لباس حق بجانب بد کتر مصدق پرخاش نمود ... وقت دیگر در مجلس میرجعفر باقراوف ، رئیس جمهور آذربایجان شوروی در حالی مشاهده شد که طرح تفکیک تبریز از طهران را دریافت داشته بسوی تبریز حرکت کرد ! (در مسیر همین طرح بود که همینکه لشکر تهران برای پاکسازی تبریز حرکت کرد ارتش روس که آن روزها در ایران بود ، در شریف آباد قزوین ممانعت بعمل آورد !..) سرانجام ، شوروی « مردن هست و بر گشتن نیست » را به « بر گشتن هست و مردن نیست » تبدیل نموده باغوش طراح تفکیک پناهنده شد !..

این کتاب گنجایش کشف خیانت‌هایی که این قبیل رجال و نویسندگان کمونیست و دوستان ایرانی آنها (حزب نوده) مرتکب شده و حتی در صدد ←

بعد که جمهوری اسلامی بوجود آمد؛ او به تبریز برگشت. نگارنده، ساعتی بملاقات او رفت تا خوانندگان کتاب را در جریان اعتراف او قرار دهد. او میگفت هدف اصلی شوروی کوبیدن اسلام و روحانیت بوده و میباشد شبها روحانیون کارآمد را از خانه زبوده با آغوش دریا سپردند. میرزا جعفر حاکم بادکوبه، شیخ غنی را که روحانی بزرگ بود، مورد بازجوئی قرار داده بشهادتش رساند. میرزا عبدالکریم را طوری ربود که پایان کارش بر کسی آشکار نگردد!... مسجد تبریزها را تبدیل بکارخانه فرشبافی نمود. سایر مساجد از جمله مسجد شماخی و کلیساها را بطرزی مورد اهانت مستمر قرار داد که شنیدنش برای هر مسلمان و موحدی دلخراش و ناگوار میباشد؛ عداوت و خشونت با اسلام بعدی است که واقعیت زیر نمایانگر آن میباشد: زن مسلمانی فوت نمود. در تغسیل و تدفین او، شوهرش دیده نشد. من از فرزند او علت پرسیدم، گفت «بزرگمت، پیش مقامات، موقعیتی کسب نموده است. از آن میترسد که با انتساب با اسلام، اعتبارش لطمه بیند!»...

از وضع فروشگاهها و کوپن سؤال شد. جوابداد. مساوات و برادری کارگری اسمی بی مسمی میباشد. در ظاهر قیمت گوشت کیلوئی ۲۰ - ۳۰ تومان است ولی بدست هر کسی نمیرسد. طبقه سوم ناگزیر است بیشتر اوقات از گوشت بازار سیاه (۶۰ - ۷۰ تومانی) استفاده کند.

بدست آوردن روغن نباتی و کره؛ از گوشت هم بفرنجتر میباشد. مدتها پس از کمیابی، شبی بمحلهای روغن میآوردند. مقربان در گاه که قبلاً آگاه

← متهم نمودن بزرگمردانی مثل میرزا کوچکنخان، شیخ محمد خیابانی، کلنل محمد تقی پسیان، دکتر شریعتی و امام خمینی در آمدن؛ ندارد. علاقه مندان بکتاب «دقتی مار کسبستها تاریخ مینویسند» مراجعه فرمایند

میشوند سهمیه را دریافت مینمایند، ولی دیگران، بامید خدا و نوبت دیگر میمانند!... وضع نان که بیشترین گندمش از آمریکا خریداری میشود خوبست. خلاصه اینکه غیر از طبقه بالا برای کسی زندگی آینده آل نیست و همه منتظر مصلحتی هستند که با قیام خود بیداد بیچارگان برسد!

۴۷- پروفیسور کولمان عضو برجسته حزب کمونیست شوروی، استاد دانشگاه مسکو؛ از یاران لنین، بعنوان دیدن دخترش بسوئد رفته طی نامه‌ای که بیرژنف نوشته بر کناری خود را از حزب خواستار اضافه نموده است عضویت در حزب خیانت بانسانیت است!... او؛ حمله بپکوسلواکی را محکوم مینماید.
(کیهان ۱۷/۹/۵۵)

۴۸- از اول استقرار حکومت نظامی اخیر در لهستان، ۹۵ ملوان لهستانی از کانادا و سایر کشورها تقاضای پناهندگی نموده‌اند. رادیو تهران ۲۱/۱۰/۶۰
۴۹- هر سال در دهم دسامبر زندانیان شوروی بعنوان انزجار از رفتار دولت با مردم، اعتصاب غذا میکنند. سیمای تهران ۲۳/۹/۵۵
۵۰- ولادیمیر بوکوفسکی، بیولوژیست تبعیدی شوروی گفت در روسیه ۲۵۰ میلیون زندانی وجود دارد یعنی همه سکنه! (کیهان بنقل از منابع آلمان ولندن ۱۱/۴/۵۵)

۵۱- جرال د فورد از شنیدن اینکه در شوروی؛ در اطراف سفارت آمریکا، دستگاه استراق سمع بکار گذاشته شده است اظهار تعجب کرد. اطلاعات ۲۰/۱۱/۵۴
در این قابل تقبیح بودن، استراق سمع نباید فراموش کرد که سفارتخانه آمریکا در ایران مرکز جاسوسی خاورمیانه بود که دانشجویان پیرو خط امام آنرا کشف و از کار انداختند، این دانشجویان علیرغم تهمتزدن منافقین که آنها را کمونیست میخواندند بعداً بجهت رفته بعضیها بشهادت رسیدند

۵۲- علی‌رغم آنکه شورویها دعوی حمایت از خلقها را دارند . در آنکولا رژیم را بر سر کار آوردند که ۱۵۰/۰۰۰ نفر را کشت و بیش از یک میلیون نفر را از خانه خود آواره کرد. (اتحاد شوروی زیر سلطه تزارهای نوین ص ۱۰)

۵۳- اختلافات چین و شوروی شدت یافت. رادیو چین بر ژرف را دروغگو، قاتل و متجاوز معرفی کرد. کیهان ۳/۳/۵۲ و ۵۵/۱۱/۵۵

۵۴- دولت چین با اصطلاح خلقی، ضمن بر شمردن جنایات یکساله دولت شوروی. از دنیا خواست، از توسعه طلبی شوروی جلوگیری کند. (کیهان ۹۴۴۷ ص ۴)

۵۵- رادیو بوگولاوی که خود کشور کمونیستی است، گفت دولت شوروی بزور توپ و تانک، بیرک کارمل را در افغانستان بر سر کار آورد. در صورتیکه او؛ از کمترین حمایت ملت بر خوردار نیست! (رادیو تهران)

۵۶- ماهواره جاسوسی شوروی در کانادا سقوط کرد. این ماهواره بداشتن مواد رادیواکتیو، نظر محافل سیاسی جهان را بخود جلب نمود مطبوعات ۱۵/۱۲/۵۶

۵۷- در شوروی یک طبقه حاکم و مرفه بر جامعه حکومت میکند. استاد مارزینه. اطلاعات ۱۶/۱۲/۵۴

۵۸- سر هنگ فدیا نیکلایویچ استاچف رئیس شرکت بهره برداری از معادن اورانیوم آلمان شرقی، با آلمان غربی فرار نموده پناهنده شد. اط ۱۰/۹/۳۰

۵۹- استالین به ملت ژاپن تبریک گفت ... نخست وزیر ژاپن گفت بهتر بود استالین درباره اسرای ژاپنی که بطور بلا تکلیف در اردوگاههای سبیری بسر میبرند، کمی می اندیشید. اطلاعات ۱۸/۱۰/۳۰ ص ۳

۶۰- نفاق و خصومت دامنه داریکه بین اعضای سازمان جاسوسی شوروی پیدا شده انحلال هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی را قریب الوقوع نموده است. اطلاعات ۲/۶/۱۳۳۱

۶۱- استالین خود مختاری داغستان را در سال ۱۹۲۰ تأیید و سال بعد نقض کرد. (اسلام و شوروی - ۳۳ - ۳۸)

۶۲- درباره این سخن مارکس و پیروان او که میگویند تنها چیز را می پذیریم که درک کنیم اگفتنی است که اگر مسئله درک است، ماحرکت زمین را درک نمیکنیم، همچنین امواج رادیومی و الکترونیکی و بسیار چیزها را درک نمیکنیم ولی وجود دارند. (مادیگری یا هوچیگری. مهندس محمد علی سادات)

۶۳- برتراند راسل به مائریالیسم تاریخی حمله میکند و آنرا توأم با جهود میخواند! منبع فوق

۶۴- یک دختر زیبای روسی در مسکو یک جوان ۲۵ ساله نروژی را برای جاسوسی بنفع شوروی، گول زده با استخدام در آورد! (کیهان ۵۱/۹/۲۱)

۶۵- نیتو رئیس جمهور یوگسلاوی، از فضا حاکمونیستی پرده برداشت و گفت «یک کفه ترازوی اجتماع کمونیستی روسیه، در زمین و کفه دیگر بر آسمان است.» مطبوعات ۵۱/۹/۲۲

۶۶- در میدان کرملین مسکو، بسوی برژنف تیراندازی شد. شهرت دادند بفضانوردان شلیک شد! روزنامه آیندگان ۱۳۴۷/۱۱/۵

۶۷- ایل تاتار که در زمان استالین به سیبری تبعید و اکثر آنها در بین راه هلاک شده بودند اولاد و بقایای آنها دست بظواهرات زدند که ما بموطن اصلی بر میگرددیم. (مجله سپید و سیاه ۴۸/۲/۳۱)

۶۸- شوروی آماده میشود تدارکات اتمی چین را نابود کند! ۴۸/۵/۲۵

۶۹- لنین که دین را برای اجتماع میدانست در گرمای گرم جنگ بمسلمانان آزادی داد و گفت حتی میتوانند از حکومت شوروی جدا شوند اما پس از پیروزی همه را زیر پا گذاشت (اسلام و شوروی نوشته کلوجیکف - ۲۷)

۷۰. تظاهرات مائوئیستهای آلمان غربی، بر نامه بازدید برژنف را در آلمان به مزد چهار هزار پلیس با باتوم بجان آنها افتادند - مسیحیان شمار میدادند و روسیه بمسیح احتیاج دارد نه خشونت ...

برژنف چنان شیفته اتومبیل اهدائی ویلی برانت شده بود که ... بجلسه امضای پیمان، دیرتر رسید کیهان ۱۳۵۲/۲/۳۰

۷۱. دادگاه روسی تحت عنوان «نسل عصبان زده»، بآمیزشهای نامشروع رسیدگی میکند. (مجله زن روز ۲۷۴)

۷۲. دو کارگر شوروی خود را آتش زدند - دو نفر موسیقی دان روسی، از مکزیك تقاضای پناهندگی کردند! رادیو تهران ۵۱/۵/۲۳ و ۵۱/۵/۳۱

۷۳. يك نویسنده ۳۳ ساله روسی را که در زندانهای سیبری بود، بزندان مسکو آوردند. اطلاعات ۵۱/۷/۱

۷۴. بلشویکها رفتار ریاکارانه و ظالمانه دارند. کسانی که نمیخواهند با بلشویکها کار کنند باید از کرسنگی بگریزند! ... آدمکشان بنام هنرمند، برای خاموش نمودن هر صدا و شورشی در میان مردم گردش میکنند! (گزیده‌ای از کتاب «تاریخ گویای انقلاب اکتبر نوشته میخائیل ... که بنقل از ۵۶/۱۲/۲۵)

۷۵. دانشمندان آمریکا و همچنین ویلی برانت صدراعظم آلمان غربی، از سختگیری شوروی بدانشمندان، از جمله دکتر ساخاروف، اظهار نگرانی کردند. اطلاعات ۱۸/۶/۱۳۵۲

۷۶. ساخاروف دانشمندیست که بمب هیدروژن را ساخته و حالا قریب بسده سال است در حال توقیف و تبعید بسر میبرد. پسرش با آمریکا پناهنده شد... مدتها زن همان پسر را اجازه خارج شدن از شوروی و رسیدن بشوهر را ندادند تا

ساخاروف اعتصاب غذا کرد و دنیا مگران او شد و شوروی اجازه خروج عروس
ساخاروف را با کرامت صادر کرد. رادیو لندن دیماه ۶۰

۷۷- سلترتسین نویسنده و برنده جایزه نوبل بعزت بچاپ رساندن کتاب
خود (در اروپا) توقیف و تبعید شد. (بهمین ۵۲). او در بخشی از کتاب خود در
اردو گاههای اسرای شوروی، میگوید: «گویند گان و نویسندگان امثال
جوینس، پرست، کافکالا را نمیگذارند آثار خود را بطبع برسانند... یفتوشنکو
شاعر روسی بعزت مغضوب در گاه بوداش، از طبع و نشر آثار او جلو گیری میشود»
کیهان ۹۱۸۷

۷۸- پلیس شوروی مورخ ناراضی بنام آمالریک را توقیف نموده شایع کرد
که او را بشهرک جنوبی مسکو انتقال داده است ولی عیالش آن دردی تکذیب نمود
و گفت که شوهرم را گم کرده اند. اطلاعات ۵۴/۱۲/۳

۷۹- خبر توقیف نویسندگان آن گاه مورد یقین میشود که بینیم، سائیس
ناراضیان نیز توقیف میشوند. امثال ولادیمیر ماگزیموف و آن دره سیناوسکی و
یوری دانیل و غیره (رادیو بی بی سی)

توضیح اینکه همین واقعت را نویسندگان داخل و خارج را تأیید میکنند
امثال میلوان جیلاس رژماله - ورف پول - م. آ، بورینه و مارپایه ...
مارتینه میگوید در شوروی، يك طبقه مرفه، بر جامعه حکومت میکند
اطلاعات ۵۴/۱۲/۱۶

۸۰- ماگزیموف (فوق الذکر) مهاجر شوروی میگوید روسیه فعلی مثل
کیسه ای از شن میباشد که سرش محکم بسته شده، سرپا ایستاده است. اگر
سوراخی در آن بوجود آید، همه میریزد. پدرم چندین بار که قمار و آزاد شد
تامرد. از گان جنبش... ۵۸/۵/۷

۸۱- رادیو تو کیو گفت « ازمان جاسوسی سیای آمریکا درعین جنایات زیاد ، آنقدر برای جهان ؛ خطرناک نیست که جاسوسی (کا-گ-ب) شوروی خطرناک است . بیش از نود هزار جاسوس شوروی در لباس دیپلمات و روزنامه نگار، در دنیا فعالیت دارند . اطلاعات ۵۴

۸۲- رادیو صدای چین و نیز روزنامه مردم آنکشور با نقل قول از مهاجرین شوروی گفت در شوروی يك ميليون نفر زندانی سیاسی وجود دارد که در قریب به يك هزار کارگاه اجباری بکار گرفته شده اند ... زمامداران بیش از سلاطین قبل از انقلاب ، مردم را بزنجیر کشیده اند ! اطلاعات ۵/۱۲/۱۳۵۴

۸۳- سرانجام ، بحث کمونیستی را که طرفدارانش برخلاف موازین فطری و طبیعی ، بمصداق « مشت بر سندان کوبیدن » دعوی محیطه امکان در آ و دن تساوی حقرق مینمایند ، بسخنی از آیه الله مشکینی و جوابی از رادیو لندن خاتمه میدهیم ! آیه الله ضمن بحث در اینکه اختلاف طبقات اگر با عدالت قضائی و اجتماعی توأم باشد، خود نعمتی از نعم الهی میباشد ، فرمودند « مثلاً اگر چندین نفر را در شرط مسازی بيك اندازه کشتزار و بذر دادوات داده شود، پس از چند سال مشاهده خواهد شد که بعضی از آنها ثروتمند و مرفه و بعضی دیگر در حد وسط و بقیه بقریب در سطح پائین و ورشکسته و مستمند میباشند . پس چه بهتر که بطریق اسلام ، مردم در بر خورداری از فعالیت مغز و دسترنج خود آزاد گذارده شوند که جهانیان ، خواهان همین آزادی میباشند »

علاوه از اینکه مثال آیه الله در تمام شئون و فنون حکمفرما میباشد ، در عمل نیز مشاهده میشود که اختلاف سطح خواهشهای نفس بعدی زیاد است که یکی بقول سعدی با داشتن هفت اقلیم همچنان در بند اقلیم دیگر است و آنستدیگر چنان از آرامش روحی و قناعت بر خوردار است که همینکه معاش روزانه

خانواده را تأمین میکند خود را سعادتمند میداند .

۸۴- رادیو لندن ۳ سال پیش در پاسخ کسیکه پرسیده بود چند نفر کمونیست واقعی سراغ دارید ؟ جوابداد تا کنون حتی بطور نمونه یسکنفر هم کمونیست واقعی دیده نشده است .

ج : برای نشان دادن مفاسد دولت انگلیس ، از آنکاه که بزور ویرنگه ؛ استعمار اهریمنی خود را همه روزه و در همه جا گسترش میداد و فخر کنان میگفت « در سرزمینهای بریتانیای کبیر ، آفتاب غروب نمیکند » تا امروز که در عین فروافتادن از مرگ قدرت ، در بسیاری از تفرقه و اختلاف افکنیها ، نقش مؤثری دارد ، و در داخل کشور خود نیز حکومت و نفوذ ، از آن گانگسترها و صاحبان قدرت میباشد ، بحث زیاد لازم است که ما تنها بیچند سنه از فجایع اکتفاء مینمائیم .

۱- در آفریقای جنوبی که بان اسمیت انگلیسی ، صاحبان اصلی را از راه تبعیض نژادی از سر سفره نعمتهای خدا داد رانده است ، یسکشبه تسلط نیافته است . بلکه دولت انگلیس بود که سالیان دراز ، ملت را استثمار و تضعیف نموده زمین را برای پیدایش بان اسمیت فراهم نمود . (کیهان ۱۲/۱ / ۱۳۵۶)

۲- آرنولد نویسنده مشهور انگلیسی میگوید « جرم دولت انگلیسی بود که سی سال صهیونیسم را در فلسطین بر علیه اعراب تقویت نمود تا روزی آنها اعراب را از خانه خود بیرون راند و آنوقت تر و من آمریکاهم بدولت نو ظهور صهیونیستی کمک کرد . » (مجله مکتب اسلام ۱۵ : ۱ و اطلاعات) بر سمیت شناختن روس ، اسرائیل را با آنها دعوی ضد امپریالیستی نمودن ، برای مؤمنین مارکس تلختر از زهر است .

۳- از ملک حسین که ثمره اصلی است که انگلیس ، پس از تجزیه امپراطوری عثمانی ، آنرا در اردن نشانده است ، تنها از اینگونه نفاقها ظهور و

بروز میکنند. فلسطینیان رامسی کشد و لقب جماد سپتامبر سیاه میگیرد. دست
بتشکیل سپاهی از عرب میزند (یرموک) ناپس از کمکهای ممتد پشت جبهه‌های بصرام
آمریکائی، ایندفعه علناً بجنک ایران بیاید! که بقول پرنیدنت معمر قذافی،
«اگر او برای عرب میجنگید، میبایست به نزدیکترین دشمن متجاوز یعنی
صهیونیسم حمله میکرد، نه به برادر ایران» یا بقول حجة الاسلام رفسنجانی
رئیس مجلس «اگر او عرضه جنک میداشت با اسرائیل میجنگید و بیت المقدس
را که اسرائیل از دست او بدر آورده است باز پس میگرفت!» (رادیو تهران)

۴- کشور ایرلند که تمدنش به هزار سال قبل از میلاد مسیح ع میرسد، بتصرف
انگلیسها درآمد. دولت انگلیس مردم ایرلند را بعنوان برده بهندوستان که
آنجا راهم تصاحب نموده بودند میفرستادند تا در مزارع، کار کنند... ازدواج
ایرلندی و انگلیسی ممنوع بود. انقلاب اسلامی ۱۳/۶/۵۸

۵- در دوره استیلای انگلیسها بر هندوستان، کسی حق نداشت بدون
اجازه، مسافرت و نقل مکان نماید. کتاب مسلمانان در نهضت آزادی هند

۱- بطوریکه قرائن و حتی رفتار و گفتار خود فقید مهاتما گاندی و
جواهر لعل نهرو و دیگر پیرانشان استقلال طلبی تأیید میکنند. نهضت آزادی بهخش
هند، بطور عمده، از اسلام و رهنمودهای مولانا محمود حسن، الهام میگرفته
است. حالا بر عهده تاریخ است که برای آیندگان، کشف و مدلل کند که
شیطان بزرگ «آمریکا» و انگلیس و روس و آلمان و فرانسه، چه نقشهای سیاسی
بازی نموده رهبریهها و مجاهدات مالی و جانی مسلمانان را در آزادی هند، پوشیده
و تحت الشعاع دیگران قرار داده‌اند. (اقتباس از ص ۹۸ کتاب فوق) ... نمونه‌های
از دشمنی و حق کشی شیاطین نسبت با اسلام، اینکه در پیروزی انقلاب اسلامی که
رهبری امام خمینی و مجاهدات روحانیان، نقش تعیین کننده داشتند، شنیده ←

۶- تمدن یا زهر بیهوشی آوریکه استعمارگر به مستعمرات آورد: شهید استاد مطهری از کسی شنیده قریب باین مضمون میگفت «... ملکه انگلستان در بازدیدیکه از هندوستان بعمل میآورد، یکی از بر نامه هایش این بود که از بتکده گاوپرستان دیدن نماید. آنجا مشاهده شد که در برابر بت پرستان که دست بیدن گاو میزدند ملکه هوشیار، قدم فراتر نهاده بعنوان تبرک، دست ببول حیوان آلودا، ... چرا؟ برای اینکه مسلک آنها اسلام نبود که بفرمایش علی علیه السلام مردم را طوری تربیت کند که «برای ظالم؛ خصم و برای مظلوم عون باشند» یعنی بکوشند استعمارگر را از پای در آورند، بلکه مذهب آنها خوابیدن و پایمال شدن بود و استعمارگر هم تحت عنوان عوام فریب و درخشان «عقائد هر کس محترم است» کاری بکار خوابیدگان یا بازیکنان ندارد. (سیاست تفرقه - بینداز و حکومت کن.)

۷- دولت انگلیس در دوران استیلاء بر هندوستان همچنانکه بیاری پادشاهان تزار روس باب و بهاء را در ایران بنام، باب و امام و پیامبر و حتی خدا؛ برانگیخته و تقویت مینمودند، درهند هم غلام احمد قادیانی را برانگیخته بلطائف الحیل گروه قادیانیکری را برآورداخت. (از جمله اعتقادات این گروه،

← نشد که در رادیوهای آنان اسمی از رهبری امام و روحانیت بمیان آید! ... حقیقت اینست که مثلاً اگر استعمارگران بخواهند راجع بوقایع بزرگ تاریخی مثل آزادی بنی اسرائیل از دست فرعونیان و یا آزادی عرب و عجم از دست بوسفیانها و بوجهلها و قیصرها و کسریها کتاب تألیف کنند، بدون ذکر نام رهبران، میگویند «اولاد یعقوب بنا گاه قیام کرده فرعونیان را با موج دریا سپردند ... یاد ر اثر جرقه تصادفی اعراب از خواب عمیق تاریخی خود برخاسته استعمارگران شرق و غرب را از پای در آوردند! ...»

سایه رحمت خدا بودن انگلیس و واجب اطاعت به بودن آن میباشد ۱ (اقتباس از مجله مکتب اسلام سال ۱۶ - ۳۷۵).

دیگر از شاهکارهای تفرقه افکنی انگلیس، تقویت آقاخان محلاتی رئیس فرقه اسماعیلیه میباشد. (ص ۱۴۴ را دوباره بخوانید)

۸- نظیر اینگونه دینسازیهایی یا محترم شمردن عقائد خرافی و کاری بکار آنها نداشتن، احیاناً در مستعمرات دیگر انگلیس هم بچشم خورده است... در بخشی از استرالیا و جزیره ویتی از ملانزی، رسم بر این بود که زن برای اطفاء شهوت آفریده شده است. سابقاً در قحط و غلابرای اینککه زن اگر بماند غذا مصرف می کند، او را می کشتند و گوشتش را می خوردند. (حقوق زن نوشته حسن صدر) ... سیاست استعمارگر را که چگونه تحت عنوان «کمپانی شرق» به هندوستان و تحت عنوان بهره برداری از حق (ناکس و داری و شرکت نفت انگلیس و ایران) بکشور ما و تحت عنوان «کانال سوئز» به مصر و دیگر نقاط راه یافت؛ را از تاریخ مطالعه و برای تکمیل اطلاعات استعماری سری هم به پرورنده کمکهای بلاعوض آمریکا که در ایران کودتای زاهدی و در شیلی کودتای پینوشه و در کره جنوبی کودتای چون دو هوا و در فیلیپین کودتای فردینان مار کوس و غیره را بیاد آورده مردم را بیوغ و زنجیر کشید، بزید!

۹- بهتر است، مظالم انگلیس را از یکی از نمایندگان پارلمان آن که خداوند حق را بزبان او جاری ساخت بشنویم. او در پاسخ رئیس دولت که گفت ما بشر دوستی و چنین و چنان مینمائیم گفت:

ما بدون استثنا بزرگترین راهزنان و چپاولگراییم. ما از این نظر که موذی و منافق هستیم بدتر از سایر حیوانات میباشیم. ما در عین حال که غارت میکنیم، غارت کردن خود را بخیر و صلاح مردم میدانیم. (اقتباس از کتاب

همین است سیاست!

۱۰- دولت انگلیس در راه تأسیس کمپانی شرق، بایران و چین و افغانستان نیز رخنه نمود. مخصوصاً در افغانستان سیاست موازنه کاری و اختلاف بینداز و حکومت کن» را بکار بست... سلطه ادباعت و لایقعهدی و ۴۰ سال پادشاهی و خود کامگی محمد ظاهر شاه و اسلاف او شد. آزاد مردان مسلمانان از دانشجو و کسبه که از مظالم حکام اعتراض مینمودند یار بوده و کشته و یازندانی و تبعید میگرددند! دیگران نیز که اوضاع را وخیم میدیدند بپاکستان و هند و ایران و روسیه مهاجرت میکردند. همسایه شمالی که از زمان کاترین و پتر کبیر آرزوی رسیدن بآبهای گرم اقیانوس هند را درس میپروراند، از فرصت استفاده نموده در همه جا آغوش مهر با نتر از مادر را بر وی محرومین و شکنجه دیده ها باز نموده بتبلیغ کمونیستی پرداخت. سرانجام با اینکه دولت انگلیس باتمام تلخکامی از افغانستان رانده شد ولی با اصطلاح استخوان لای زخم گذاشتن و پانسمان نمودن و تخم نفاق افکندن او، نارضائی عمومی را ببار آورد تا رجال دوچهره امثال ژنرال داود خان (اول از روس و بعد از آمریکا الهام میگرفت) و تره کی و حفیظ الله امین و پیرک کارمل از راه کودتا برس کار آمدند و دولت روس هم بیهانه اینکه پیرک کارمل او را بکمک خواسته است با صد هزار سرباز بقلع و قمع مسلمانان مجاهد افغان پرداخت که هنوز هم ادامه دارد.

۱۱- بروسکین، یکی از نویسندگان معروف انگلیس میگوید «وظیفه

۱- علامه بلخی شاعر توانای افغانی که شعر آزادینخواهی او بتمام دیوان - های شعرای خود فروخته برتری دارد، بیش از ۱۴ سال زندانی شد و بشهادت رسید. حجج اسلام مولوی حبیب الهی و حبیب الهی ثانی و امثال آنها بجرم اعتراض اعدام شدند... (ماحصل يك كتاب)

حیاتی دولت ما اینست که برای خود مستعمراتی داشته باشد، هدف افزایش قدرت در خشکی و دریاست». (نهر و نگاه‌های بتاریخ جهان)

۱۲- ماهیت صدای آمریکا و اذتاب آن، بخصوص خاورمیانه‌ایها معلوم و اغلب مردم میدانند که تاروپود گفتار آنها دروغ و تهمت، باسلام راستین میباشد. اما رادیو لندن که از سالیان دراز، روزی ۲-۳ نوبت بمتجاوز از ۲۰-۳۰ زبان سخن پراکنی مینماید چنان در راه منحرف نمودن خلق از اسلام، دام میگسترده و کذب محض را در میان وقایع مسلم بخورد شنوندگان میدهد که اگر هدایت خداوندی که شامل حال متقیان است بداد نرسد، ذلت و ضلالت حتمی است. و اینک شاهد عینی که امیداست شنوندگان؛ دیگر هم از یاد نبرده باشند. دربر نامه «پاسخ پیرشهای سال ۱۳۵۰» گفت فلانی می پرسد «آن کدام پیامبر بود که از او معجزه خواستند گفت هر چه بخواهید!.. گفتند بگو آن کوه بیاید پیش، او کوه را فراخواند و چون نیامد، خودپیش رفت و گفت «پیامبران متواضع میشوند تو نیامدی من آمدم». جواب رادیو لندن این شد که او (نعوذبالله) پیامبر اسلام بود! نگارنده از دیدن اینکه این زهر هلاهل، اعتقادات اسلامی خلق را تضعیف مینماید، علیرغم صلاح اندیشی بعضی از فرزندان که از مخاطرات و مجازات حتمی ساواک (در صورت اطلاع) بیم میدادند، مؤدبانه نامه نوشتم و توضیح دادم که فرستادگان خدا که از جمله آنها پیامبر شما! حضرت عیسی عليه السلام است معجزاتی داشته‌اند که با مرگ یا غیبتشان از میان رفته است. جز پیامبر اسلام که از جمله معجزات او، قرآن جاودانی میباشد که باین شواهد... پیشاپیش علم گام برمی دارد و بدون اینکه از گذشت زمان، گردی بر آن بنشیند، بطور روزافزون توجه انسانها را بسوی خویش جلب مینماید. پس اگر راجع به پاسخ نابجائی که فلان شب دادید، مدرک و سندی دارید (اگرچه ناچیز و محقر باشد) ارائه

فرمائید و اگر ندارید ، بخاطر خدا مراتب را از همان فرستنده بسمع شنوندگان برسانید ... شاید خوانندگان تصور فرمایند که جوابش نمی دهند . بلکه برعکس در اینجا هم سیاست (بهر می بخوان و به تیزی ببر) را بکار بستند ... بدین ترتیب که پس از ۶ ماه نگرانی ، پاکتی که محتوی چندین عکس رنگین مربوط برادیولندن بود ، رسید . نوشته بودند «از همکاری شما با این بر نامه متشکریم»!

۱۳- شما خواننده محقق ، واقعیت زیر را که رادیولندن صبح ۱۴/۱۱/۶۰ گزارش کرد بجز از حق کشی و دشمنی با جمهوری اسلامی ، بچه چیز دیگری تعبیر میکنید ؟ آنجا که بجای گفتن اینکه درستکاری و قاطعیت قضات جمهوری اسلامی و مأمورین مربوطه امکان فعالیت بقاچاقچیان هر وئین را نمی دهد . فلذا آنها فعالیت خود را بپاکستان کشانده اند گفت در سالی که گذشت پنج هزار کیلو در پاکستان هر وئین کشف شده است زیرا «تشنجات ایران امکان فعالیت نمی دهد و ...» آیا حق این نیست که گفته شود اگر در ایران تشنجی میبود بمدلول دزد بازار آشفته میخواست ، قاچاقچی تشنج را دوست میداشت و ایران را ترک نمیکفت؟! یا نتیجه اینگونه تبلیغات ناروانیست که در دهه فجر (۱۲-۲۲/۱۱/۶۰) وقتی مهمانان وارد ایران شدند از دیدن نظم و آرامش ، گفتند « برابر تبلیغات سوء امپریالیسم گمان میکردیم به محض ورود ، ناظر بیسامانیها خواهیم بود که برعکس شاهد نظم و رضای عمومی می باشیم؟! »

۱۴- مرحوم محمدتقی امیر کبیر که برای حل و فصل مسائل سرحدی بیایتخت امپراطوری عثمانی رفته بود تا در پیش حکمین و فرستادگان روس و انگلیس ! دلائل و مدارک مالکیت ایران بولایت «خرمشهر» را ارائه و تثبیت نماید ، بدست دکتر دیکس انگلیسی مسموم و مدت ۶ ماه بستری گردید . (تفسیر سیاسی دکتر حسین ابوترابیان ، از صدای جمهوری اسلامی ایران)

۱۵- چرچیل نخست وزیر سابق میگوید «دموکراسی بدترین شکل حکومت است. اما باز از تمام رژیمهایی که تا کنون بشر آزموده و انتخاب نموده است بهتر میباشد. مجله مکتب اسلام ۱۳: ۸»

(این سخن چرچیل راست می باشد زیرا اگر از حکومت های تاریخ، حکومت حضرت یوسف و موسی و سلیمان و محمد و علی و وابستگان آنها که ولایت فقیه نامیده می شود، برداشته شود حکومتی که بتوان نام حکومت انسانی بر آن نهاد نمی ماند.)

۱۶- برتراند راسل (استاد و نویسنده) که عمر خود را در انگلستان و آمریکا گذرانده است، از دیدن فجایع و تسلیحات و تجهیزات نظامی دولت های بزرگ می گوید «یا باید حکومت واحد جهانی را بپذیریم یا به بربریت برگردیم.» (نشانی از خورشید و تاثیر علم بر اجتماع) (اشتباه راسل در این است که ندانسته و نگفته اگر در رأس حکومت جهانی هم فرزند نهم امام حسین که همان فرزند امام حسن عسکری است (علیهم السلام) قرار نگیرد، بی سامانیها با آخر نمیرسد)

يك پزشك مشهور انگلیس بنام کاروترز در کتابی موسوم به «راه مرگ غریبها» گفت مردان از راه عشق و هوسبازی، عمر خود را کوتاه می نمایند (کیهان ۱۱۱۷ و ۱۱۱۸ و ۱۱۱۹)

نظر این پزشک و نظریزشکان دیگر که آنها هم بگفته رادیولندن (مهر ۵۳) می گویند «بیشترین سرطان پستان بزنانی عارض می شود که قرص ضد بارداری، حاوی هورمون بکار میبرند» طبیعه اینست که دنیا هرچنانکه حکم طلاق و ختنه اسلامی را کردن نهاد، کم کم دستور تحت کنترل قرار دادن شهوت و میل نکردن به بارداری را که اسلام وسائل حیات بخش ارائه می کند، کردن خواهد نهاد!

- ۱۷- پلیس انگلیس در حومه لندن ، يك بانك بزرگك تهیه پول ، كشف کرد . (کیهان ۹۰۱۴)
- ۱۸- در انگلستان ، دزدان ، بانکی را زده پانصد هزار تومان ربودند ، پلیس بسوی آنها آتش گشود . یک نفر مقتول و ۳ نفر زخمی بجای ماند . (رادیو تهران ۱۳۵۱/۱۰/۸)
- ۱۹- ده میلیون تومان جواهرات خاتم ماریا هولدر ، یکی ازده زن متمدول لندن ، بسرقت رفت . (کیهان ۱۳۵۱/۹/۱۶)
- ۲۰- مجله با نفوذ ا کونومیست لندن ، با اشاره بوجود ناغههای هندی- نشین و رنگین پوست نشین لندن ، بنخست وزیر شدیداً اعتراض کرد . (کیهان ۱۳۵۶/۱۲/۷)
- ۲۱- نمونه‌ای از عدالت دولت انگلیس در دوران قیمومت در فلسطین که ظاهر آزر نظر « جامعه ملل متحد » کار میکرد... بطور روزافزون بهره برداری از دریا و معادن و اراضی موات بیهودیان واگذار و برعکس ، اموال اعراب که سکنه اصلی را تشکیل میدادند بعنوانین مختلف از کفشان ربوده میشد . اگر نتیجه هزار شکایت و داد و فریاد در امور مادی و مذهبی ، آن می شد که از لندن قاضی و بازرس اعزام شود ؛ هیأت‌های اعزامی ، برای اغفال و یا ساکت نمودن مسلمانان و مسیحیان ، دادخواستها را میگرفتند ، ولی در عمل ، اندکی از آنها را بروی کاغذ آورده تقدیم وزارت مستعمرات مینمودند . وزارت مستعمرات هم همه را بایگانی کرده يك درصد را مورد توجه قرار میداد . اما قبل از اینکه آن يك درصد هم بمورد اجرا در آید آه و ناله و اعتراض صهیونیزم ، چنان طوفانی در سطح بین‌المللی ایجاد مینمود که عنان اختیار از دولت انگلیس میگرفت ! و آنگاه توصیه‌ای از دولت امریکا میرسید و عملاً همه زحمات و

خون دل خوردنها و دادخواستها بی نتیجه میماند و عمل با آهن گداخته داغ نهادن و ناخن انگشتان کشیدن و سگهای هار را بجان اعراب انداختن و اموالشان را مصادره کردن و شکنجه‌های دیگر از سر گرفته میشد. بروی این اصل عدالت‌پروری دولتهای بزرگ! خیلی بجاست که ملت عرب بیاد کوه اندوه پدران خود که امپریالیسم با استفاده از خیانت سران عرب! از خون اعراب بویژه فلسطینیان جوی خون‌پراه انداخت و اموالشان را تصاحب نمود، از سلاطین خودکام پرسند « حال که پایگاه‌های نظامی را در اختیار آمریکا میگذارید! چه تضمینی در دست دارید که آمریکا مثل گذشته، آنها را در اختیار صهیونیسم عهدشکن نگذارد؟! »

نتیجه: برای آنکه کشف شود شاه مخلوع، مثل گماشته انگلیس در فلسطین، چگونه صهیونیستها و بهائیان مزدور آنها را بدیده محبت نگریسته تقویت میکرد (۱) و با نادیده گرفتن نصیحت و اعتراض و فریاد امام خمینی،

(۱) استاد مطهری در اشاره بیکی از بهائیان میگفت « فلان چوپان از اهالی سنگسر بشروئی رسید که دستهای خود را بلند کرده انگشتریهای چند میلیون تومانی را بر رخ مردم میکشید... »

در زمینه اسرائیل‌پروری و بهائی‌نوازی شاه سخن بسیار است و با اینکه بزبان آوردن خدمت و عبادت در مظان ریب دریا میباید. باز برای روشن شدن ذهن تاریخ ذکر رؤس چند قضیه که این بنده خدا نسبت به آنها شاهد عینی بوده و با خشمها و ناملایمات رو برو میشدم ضرور میباشد.

الف: روزی برای مشاهده تشریفات ورود یکی از بهائیان جاسوس اسرائیل که در عین حال با برادران شاه رفیق بوده در غارت بیت‌العمال و صاحب شدن باراضی موات با آنها شرکت داشت بفرودگاه تبریز رفتم. رجال شهر به ←

در انتظار فرصت بود، تا مسلمانان را بدم شمشیر آنها بسپارد : پاورقیهای

← استقبال آمده همان تجلیل بعمل آوردند که درباره شاپورها بعمل میآوردند!
 ب : در نخستین روزهای رحلت آیت الله سید محسن حکیم مرجع شیعه
 که عزای عمومی اعلام شده بود، بهائیان تبریز به پشتگرمی شاه، مجلس جشن
 و تبلیغ صد نفری منعقد نمودند که در اثر فعالیت انجمن حجتیه، مجلس
 تعطیل گردید. شنیده شد که در آن جلسه یکی از مهمانان انگلیسی در
 اعتراض به بهائیان میگوید « شما میگوئید تبلیغاتمان چنین و چنان است .
 اما انجمنیها در منزل خودتان نگذاشتند آب گوارا از کلویتان فرو رود!
 (این قبیل اعترافات مزدوران امپریالیسم، نمایانگر اینست که بهائیان در سطح
 بین المللی برای تبلیغ و ازدیاد نفوس و بزرگ نمائی خود، در پیش ارباب، چه
 حرص و فعالیت دارند ... ص ۸۹ و ۲۵۷ و ۴۳۹ را دو باره بخوانید .

ج - جناب تیمسار بیگلری سرپرست شهر بانیهای آذربایجان شرقی را که
 بعلاقه مذهبی خود و خواهش و اصرار انجمن حجتیه تبریز دستور تعطیل جلسه
 نامبرده را داده بود منزل مقام دادند یعنی گفتند که « شما را با نور چشمیهای استعمار
 چه کار ؟ »

د - پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه ضاله که از دست انجمن
 سیلیها خورده بود با همکاری منافقان دیگر دست بسکار تفرقه افکنی و متهم
 نمودن انجمن حجتیه شدند ... حجت الاسلام محمد فاضل واعظ تبریز، چگونگی
 را از نگارنده سؤال کرد. در پاسخ گفته شد: از فعالیتهای دینی و سیاسی
 اخیار انجمن و نیز از عده معدودی که از انجمن بریده بمنحرفین و حزب «خلق
 مسلمان» پیوستند میگذرم. دشمنان انقلاب، کسانی را بعدم مداخله در
 سیاست متهم میکنند که بموجب کتاب «مرزبانان»، که انجمن، در هفته ←

« کارنامه سیاه استعمار » را که حجت الاسلام اکبر هاشمی رفسنجانی مترجم

← جنگ (اول مهر ۶۰) با انتشار آن برای چندمین بار ، بارهبر انقلاب تجدید بیعت نمود در آن کتاب اسم ۲۴ تن از صدها انجمنی که مثل صدها هزار پیر و انگان شمع ولایت فقیه گوش فرمان قرآن و علی علیه السلام برای عقب راندن دشمن بجهاد رفته و پس از دلاوریها و دشمن شکنیها و پیمودن والاترین راه شرف و سعادت و رسیدن بعالیترین تجلیگاه مجد و عظمت ، بخیل شهیدان پیوسته عزت اسلام را جاودانه نمودند قید شده است .

ه : با این حساب که در کتاب مزبور از ۵ شهید انجمن تبریز که من بنده می شناسم تنها اسم دو نفر قلمداد شده ، آمار شهدای انجمن خیلی بیشتر میباشد .

و : مصاحبه مهم و اختصاصی مورخ ۶ / ۱۰ / ۱۳۶۰ حضرت حجت الاسلام علی خامنه‌ای رئیس جمهوری با سر دبیر روزنامه اطلاعات ، ثابت میکند که ایادی استعمار قصد دارند ، انجمن را بکوبند و تفرقه بیندازند .

ح : یکی از شهدای انجمن تهران که با او افتخار آشنائی داشتم (مصطفی ابراهیمی مجد) داوطلبانه زیر دست سردار جاوید اسلام (دکتر مصطفی چمران) بجهاد پرداخت . او در وصیتنامه‌ای که از خود بجای گذاشت ضمن اظهار وفا - داری بامام امت اعلام نموده که حضرت بقیه الله را زیارت نموده بودم ولی بکسی نمیگفتم. در آرزوی زیارت مجدد و فیض شهادت بجهاد ادامه خواهم داد ... (بطوری که از کتاب مرزبانان و مجله پیام انقلاب استفاده میشود زمام فرماندهی جنگ بدست خود حضرت ولی عصر می باشد و این مؤید اخباریست از آنحضرت وائمه پیشین که ما شما را تنها نمی گذاریم) (در - ۳۵۱ گذشت)

ط : ما را بعدم دخالت در سیاست متهم میکنند در صورتیکه من بنده خدا ←

کتاب، بیست سال قبل، شجاعانه برشته تحریر آورده است و نیز صفحات ۱۴۳ و ۳۱۸ و ۴۱۷ و ۴۳۰ و ۶۷۵ کتاب بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی را مطالعه فرمائید.

۲۲- دیگر از نمونه‌های فساد رژیم پادشاهی انگلیس که بهتر است برای توجه و تجدید نظر کسانی که دل بمهر دولت انگلیس و دول جهان‌نحوار بسته‌اند درج شود مسئله خبرپراکنی آنها میباشد.

رادیو لندن (بی بی سی) در رأس همه خبر گزاریه‌ها که ادعا دارند تازه‌ترین اخبار جهان را پخش مینمایند، در نشر اخبار مربوط بکشورهای در حال رشد، بویژه جمهوری اسلامی، اگر بدانند پخش خبری کوچکترین

با یکی از برادران انجمنی، در خفقان سال ۵۷ مقاله‌ای در افشای خیانت‌های شاه در هزار برگ، تهیه و پخش نمودم که برگی از آن بشما (فاضل) رسیده است همچنین نوار سخنرانی آیت‌الله رضوانی که در بر ملا نمودن مظالم شاه ایران فرموده بود، بوسیله این بنده خدا بشما و امثال شما (معمم و غیر معمم مثل حجة الاسلام حاج میرزا آقا هریمی و و) تقدیم شد و مقالات دیگر که به اقتضای روز مثل فراندوم نصویب جمهوری اسلامی... طرد حزب خلق مسلمان و امثال آنها بوسیله اینجانب تهیه و پخش شد.

ی: بانجمنی‌هایی مثل اینجانب که بمحض اظهار وجود نمودن حزب جمهوری اسلامی، در تهران بعصویت آن درآمده (مسجد کانون توحید) و با منتقل شدن به تبریز، در شاخه تبریز نام‌نویسی کرده و در کفرزدائی، بجان کوشیده است، تهمت غیر معتقد بودن بولایت فقیه یا تهمت جدائی دین از سیاست زدن، از موضوعاتی است که استعمار میسازد و ایادی آن پخش مینمایند !!

تعارضی با منافع استعماری آنها دارد، یا پخش نمیکنند و یا آنرا مسخ و وارونه مینمایند! و اینك شاهد مقال: در نخستین روزهای فروردین ۱۳۶۱، رزمندگان اسلام در غرب دزفول و شوش و حوالی عین خوش و سه راه دهلران با رزم و فریاد یا زهرا اشغالگران کفار بعضی را مورد تهاجم قرار داده حدود ۳ هزار کیلومتر مربع اراضی شهر و روستا را آزاد و قریب به هیجده هزار سرباز و درجه دار و افسر را مقتول و زخمی و در همان حدود نیز با ساز و برگ نظامی باسارت گرفتند و بقول جناب محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران و یکی دیگر از معجزات خداوند بوقوع پیوست و در اثر آن، مقر فرماندهی سپاه کفر به تسخیر حزب الله درآمده فرماندهان بزرگ اسیر شدند و رادیو تهران نیز آنرا پخش نمود. اما رادیو لندن که پخش خبر را موجب روح تازه یافتن مسلمانان جهان و برعکس باعث تضعیف هر چه بیشتر سربازان صدام حسین میدیدند، و نیز از بیم اینکه خبر پیروزی جمهوری اسلامی بتمام افتراها و تهمت‌هایی که در عرض ۳ سال گذشته راجع بد ضعف و تزلزل اسلام در سراسر دنیا گفته و نوشته‌اند قلم بطلان خواهد کشید و دنیا پی خواهد برد که گفتار آنها کذب محض میباشد، از پخش خبری باین عظمت خودداری نمودند تا اینکه جمهوری اسلامی، خبرنگاران خارجی را بدیدن این فتح مبین دعوت نمود که آنوقت پس از انقضای يك هفته با نهایت تلخکامی زبانشان باز شد.

توضیح اینکه در همان روزها رادیوهای شوروی هم تماشاگر و ساکت بود و رادیوهای آمریکا و آلمان فدرال و اسرائیل نیز پخش اخباری که باب طبع رژیم عراق بود، اکتفا کرد و سعودی هم که در عین تظاهر باسلام نمودنش سوابق ممتدی در خیانت بعرب و اسلام دارد، باین امید که بلکه روحیه متزلزل سربازان عراق را استوار کند، در خبرهای خود، عراق را غالب و جمهوری

اسلامی را مغلوب نشان داد. غافل از اینکه بگفته مؤمن آل فرعون که قرآن آنرا بعنوان اثر جاویدان او، نگاهداشته است، همین کذبها برای اقتضاح و سقوط کاذب کافی خواهد بود. (و ان يك كاذباً فعليه كذبه ۲۸/۴۰). بررسی رادیوها.

۲۳- وزیر دفاع انگلستان بنام لرد کنستون که بایک زن هر جایی روابط نامشروع داشت، از کار برکنار شد. چند وزیر دیگر نیز بهمان جرم متهم و به دادگاه جلب شده‌اند، رادیو لندن ۲۹۴/۲/۵۲.

۲۴- آمار دختران فریب‌خورده از دوستان هزار بی‌الاست و بطور روزافزون هم بالا می‌رود. اسلام و صلح جهانی ص ۱۲۸.

۲۵- يك ششم دختران بهنگام ازدواج آبتن هستند. (زن و انتخابات

ص ۱۳۰)

۲۶- جنایات لندن روز افزون شده است، در نه ماه اول سال ۱۹۸۱ حدود ۴۶۰ هزار، جنایت و سرقت اتفاق افتاده است. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۹/۱۲/۶۰ بنقل از منابع خودشان.

توضیح: جامعه‌شناسان و صلحای اسلامی در جستجوی منشأ این همه جنایت و سرقت که جان و مال و ناموس همگان را تهدید میکند از جمله، باین حقیقت میرسند که رژیم سرمایه‌داری نامحدود است که همه این فجایع را بدنبال می‌آورد.

بدین معنی که از یکطرف سرمایه‌داران بزرگ، بدون توجه بعدل الهی که در مسیر دوام حیات اجتماع، یکی را نیروی ابتکار و آندیکری را نیروی تقلید... یکی را زور بازو و آندیکری را سرعت انتقال... داده است، تحت این عنوان که «تکثیر و تولید موجب از بین رفتن فقر و کم‌یابی می‌باشد»

هر چه میتوانند، تولید می نمایند و آنگاه میکوشند تا بازارها را با انحصار خود در آورند. و از طرف دیگر، طبقه پائین تر، هم بعلت کمی سرمایه و هم از نظر ضعف قدرت ابتکار و کاردانی، مصنوعاتشان بگراوتر از طبقه اول تمام شده تا گزیر شکست خورده از میدان رقابت بدر میروند.

نتیجه این میشود که سرمایه داران و صاحبان کارخانه های بزرگ همینکه رقیب را ورشکسته و عرصه را خالی می بینند، همه روزه قیمتها را بالا میبرند و چون آتش طمع همیشه گسترش و اشتعال دارد، سرانجام محصولات را احتکار و یا چنانکه در مطبوعات خواندیدم برای هر چه بیشتر نیازمند کردن مردم، ما یحتاج همگانی را باعماق دریا میفرستند.

سپس سرمایه داران و شرکتهای بزرگ این شهر با آن شهر، این کشور با آن کشور متحد شده شرکتهای جهانی بوجود میآورند و همین شرکتهاستند که چنانکه در ص ۵۸۱ از کیهان نقل شد در انتخابات سناتورها و رؤسای جمهور، سرکیسه را باز نموده کسی را که بغارتگری خود مساعدتر می بینند، انتخاب مینمایند. از آن ببعد کیست که با آنها یارای مقاومت داشته باشد؟ جز اینکه سارقین و گانگسترها بمقابله برخاسته فضا را برای همگان تیره و تار می نمایند. در این مورد برای اینکه حق سوسیالیست نیز ادا شده باشد، بهتر است یادآور شویم که فرانساو میتران رئیس جمهور فرانسه در عین مدعی خلقی و سوسیالیست بودن با حکومتی بنام اسرائیل دست تائید داده در مجلس سن سخترانی نمود که او بزور اسلحه، مردم را کشته و یا از خانه خود بیرون رانده است. و نیز برای اینکه حق کمونیست نیز ادا شده باشد بهتر است یادآور شویم که بقول «پولیستر و چه گوارا دو کمونیست بزرگ» که در ص ۵۹۷ و ۶۱۲ گذشت کشور کمونیستی شوروی که دم از برادری و برابری میزند

در ربودن حاصل دسترنج خلق ، فرقی با کاپیتالیسم ندارد ! ...
 اینجاست که اسلام میگوید همچنانکه لازمه آدم عاقل و اجتماعی بودن
 اینست که طبایع خشم و بخل و طمع و شهوت آدمی تحت کنترل عقل متعادل
 درآیند ، همچنان هم برای بوجود آوردن اجتماع سالم ، میباید زمام امور بدست
 ولایت فقیه سپرده شود تا جلوی آزادی نامحدود را گرفته کارخانه و کسب و
 تولید و فروش و احتکار را تحت کنترل قرار دهد.

۲۷- سر جرج گادبر وزیر بهداشتی ضمن ارائه آمار وحشت انگیز سوزاکی ها
 میگوید در ماه اول سال ۱۹۷۳ باندهای کودکان سوزاکی به بیمارستانها
 هجوم آورده اند که باید نام سال را خطرناکترین سال « جنسی » بگذاریم ...
 در انگلستان ۵۰ هزار نفر از درد آمیزشی مینالند . (سوداگران فحشاء در
 عصر پھوی ۱۷۹ و ۱۸۳) .

۲۸- دوشیزه برنادوت نماینده پارلمان را ربودند . اطلاعات ۱۳۴۸/۷/۲۶
 ۲۹- یکی از وزرای انگلستان بنام لرد کارینگتون که متهم بخرید و
 فروش مواد مخدر بود، استعفا کرد . اسلام و صلح جهانی

۳۰- نماینده حزب کارگر در پارلمان به هارولد ویلسون نخست وزیر گفت
 « سفارت آمریکا در لندن مراجعه و فعالیت جاسوسان آمریکا را مشاهده کنید .
 کیهان و اطلاعات ۱۲/۲۸/۵۳ »

۳۱- چهارصد نفر هیپی ، لندن را بسوی جنگل ترك گفتند . آنها از
 مردم پول می گرفتند . آنها تراکت را زیر پا نهاده بودند . رادیو لندن ۲۲/۴/۱۳۵۲
 ۳۲- آمار زندانیان انگلستان به ۴۵ هزار رسید . آنها غالباً در حال
 عصیان و انفجارند . کیهان ۱۰/۱۱/۶۰

۳۳- تحقیقات دانشمندان ثابت کرد ۹۵ درصد دیوانگی در انگلستان ، از

مشروبات الکلی ناشی میشود. (مجله تندرست و مکتب ۵:۶)

۳۴- یکی از مجلات پرتیراژ تحت عنوان « لندن بزرگترین سلاخخانه دنیا » مینویسد از وقتی که سقط جنین آزاد شده است، بازار کلینیکهای سقط جنین با اندازه‌های رونق گرفته است که یکی از پزشکان گفته است در سال ۱۹۷۰ مبلغ ۵۴ میلیون ریال درآمد داشته است. آمار زنان سقط کننده که غالباً دختران کمتر از ۱۶ ساله میباشند، روزافزون است. در سالی که گذشت بیش از ۱۲۳۷۷۴ نفر زن بآن جنایت مرتکب شده است. . . . مجله در ادامه سخن خود می گوید زنان سوئد هم در جنایت مزبور همانند زنان انگلیس میباشند و از فرزند کشی خود همیشه رنج می برند. . . . مجله مکتب اسلام ۱۳:۱۰

۳۵- قوای متفکین بسر کردگی انگلیس، در جنگ بین الملل اول با بهره برداری از افسرانی مثل مصطفی کمال که با عقب نشینی های خیانت آمیز خود ده ها هزار سر باز خود را با اسارت دشمن داده امپراطوری عثمانی را سرنگون کردند پاس خدمت را بجای آورده متقابلاً همان مصطفی را با لقب « آتاترک » بریاست جمهوری بر گماشتند . . .

او در فضای خفقان آنچه توانست اسلام را تضعیف کرد - شهرت اوزیر حمایت استعمارگران حتی پس از سرکش نیز زبسانزد بود تا اینکه مقارن پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مسلمانان ترکیه فرصت را غنیمت شمرده در مسجدی پراز جماعت که صدای واعظ به بیرون نیز پخش میشد، بانگ « لعن بر آتاترک » از دل پرورد، بر آوردند. مجله مکتب اسلام ۲۰: ۷ و کتاب آتاترک عامل انگلیس در تجزیه جهان اسلام، نوشته جعفر خاتمی

۳۶- دم خروس یکی دو تانیست که بیوشانند: دولت انگلیس پس از تجزیه امپراطوری ترکیه؛ برای خنثی نمودن اتحاد و جنبش اعراب، ملک عبدالله را

بسلطنت اردن بر کماشت. او در طول جنگهای اعراب و اسرائیل همیشه جانب اسرائیل را میگرفت، همچنانکه حالا نوه اش ملک حسین روش جد خود را دنبال میکند و بصدام اسرائیلی مدد میرساند. مکتب اسلام (توضیح: انگلیس در عراق هم ملک فیصل اول و دوم را که انگلیسی‌ای بودند که لباس عربی داشتند بسلطنت برداشته بود که با کودتای عبدالکریم قاسم سلطنت آنها منقرض شد).

۳۷- دولت انگلیس میخواهد کشتی‌ای بنام «خارک» را که شاه مخلوع سفارش داده بود تحویل بدهد ولی شرط میکند که ایران آنرا در جنگ با عراق بکار نبرد. اطلاعات ۶۰/۱۲/۲۳

(پس باین حساب و بحساب اینکه سوخاوف شوروی و میراث فرانسوی و در خدمت صدام حسین است، این نتیجه حاصل میشود که صدام در حمله به ایران از پشتیبانی شرق و غرب برخوردار بوده است.)

۳۸- انگلیس با همکاری امریکادراستثمار کارگران سیاه، مشارکت دارد.

مجله سروش ۱۱۹

۳۹- با اینکه عمل، همچنسگرانی بحدی شنیع است که حتی ذکر آن هم زشت میباشد، باز برای بیداری گروهی که شیفته تمام تمدن غرب میباشند، گفتنی است که در انگلستان حدود یک میلیون مرد، غرق در لجنزار، انحراف میباشند. اقتباس از مکتب اسلام ۱۰:۸

(یکی از عوارض گناه فوق، دست بانحراف انتقامجویانه کشودن طبقه نسوان میباشد که قلم از درج ماجرای اطفای شهوت نمودن زنان آنها شرم دارد!)

۱ و ۲ دیدن اینهمه جنایات غریبه از یکطرف و دیدن اینکه رژیم شاه برای

ساده‌ترین صنایع، دست نیاز بسوی غرب گشوده و با کمال پروژنی ادعای

۵ - این کتاب گنجایش آنرا ندارد که فجایع و مظالمی را که دولت استعمارگر فرانسه مرتکب شده و بازار و مدرسه و محیط را مسموم و فلج نموده و مینماید درج کنیم . گنجایش ندارد که بنویسیم دولت فرانسه آدمکشان فراری ایران امثال شاپور بختیار و اریسی و پالیزبان و بنی صدر و علی امینی و رجوی را در پناه خود می‌پرورد و احیاناً رضا پهلوی را هم بدمسازی با آنها می‌پذیرد . گنجایش ندارد که نوشته شود ساوا کیان فراری و سلطنت طلبان را در زیر حمایت پلیس خود گاه و بیگاه بجان دانشجویان مسلمان که در فرانسه از جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی مینمایند می‌اندازد - گنجایش ندارد که نوشته شود فرانسه ، از تسلیم مصنوعات که ایران سفارش داده و قبلاً بهای آنها را

← رسیدن بدروازه تمدن مینمود ، آدمی را با يك حقیقت تلخ مواجه میسازد و آن اینکه منظور شاه رسیدن بدروازه توحش بوده است نه تمدن ! شاهد مقال اینکه بی بند و بارها و مزدوران استعمار ، مخصوصاً برای شکستن مقررات اسلام ، در آرزوی آزادی فحشاء و خلاف عفت بودند و چون ارتکاب آنها منجر بایجاد جنین نامشروع میشد ، لذا از رژیم تقاضای آزادی سقط مینمودند که متقابلاً پزشکان متدین و انساندوست که در میان آنها امضای نماینده مجلس اسلامی ، شهید پاکنژاد نیز دیده میشود ، با طرح مضرات دینی و بدنی سقط جنین ، از دولت خواستند زمه سقط را موقوف نماید . مکتب اسلام . ۵:۱۳

علاقمندان که میخواهند بدانند رژیم شاه چگونه بر علیه عفت اسلامی برخاسته بعناوین مختلف مثل طرح « هفته عکس » دختران پاک و بیخبر را به دام دزدان ناموس میکشاند ، میتوانند بمجلات قبل از انقلاب ، امثال روشنفکر شماره ۸۳۰ ص ۶۲ مراجعه نمایند !

پرداخته است خودداری مینماید. همچنین صفحه خالی ندارد تا بنویسد که دولت فرانسه چگونه با تمام زور و پرروئی، کشورهای نظیر ویتنام و سوریه و ده کشور افریقا را زیر سلطه استعماری خود در آورد و غارتها نمود و بانهایت رسوائی از بعض آنها رانده شد و میشود!

پس تنها بذکر رؤس مطالب از کتاب الجزائر و مجله مکتب اسلام از شماره ۳ و ۴ ببعث بسنده مینمائیم.

الف - در مدت ۱۳۰ سال که الجزائر در زیر چنگال استعمار دست و پا میزد یعنی نفوسش کشته میشد و اموالش غارت میگردد و مساجدش با آتش کشیده میشد، کسی از رؤسای جمهوری و وزرا و سناتورها که ریاکارانه دعوی حمایت از حقوق بشر مینمایند، نگفت که ما چه حقی در الجزائر داریم که اینهمه کشتار میکنیم؟ و دو گدر هم وقتی حاضر بامضای آزادی و استقلال الجزائر شد که دید نیرنگ خلع سلاح شدن الجزائر و برفراندم گذاشته شدن سرنوشت آن مورد قبول ملت قهرمان الجزائر نمی شود. بلکه روزانه مبالغهنگفت صرف لشکر کشی و ایجاد نظم شده گروه گروه از سر بازان در کشتن مردم، کشته میشوند و نیز وقتی حاضر بفرخواندن نیروهای خود شد که دید، نمیتواند، نمایندهای در نامولباس الجزائری در آنجا بکار بگمارد!

ب - بسیاری از مساجد که نهضت اسلامی از آنجاها سرچشمه میگرفت و مجاهدان، در مساجد سنگر میگرفتند، تبدیل بکلیسا یا انبار اسلحه شد و موقوفات آنها که سابقا صرف ترویج اسلام میشد مصادره گردید. مساجدی هم که باقی ماند امام جماعت آنها در لباس الجزائری، مزدور فرانسه بودند. همچنین بسیاری از مدارس، بمدارس فرانسوی تبدیل شد. (بجز مساجد حومه که دراز چشم اغیار بفعالت و تربیت رزمندگان ادامه میدادند).

ج - مسلمانانی که در داخل فرانسه، از شنیدن فجایع روز افزون فرانسه در الجزائر، دست باعتراض و اعتصاب میزدند اغلب دستگیر و تحت شکنجه قرار میگرفتند - در یکی از راه پیمائیهای کشته و حدود ۱۱۵۰۰ زخمی و دستگیر شدند و پستان بعضی از زنان شرکت کننده قطع گردیدند. بعداً نیز معلوم شد ۶۰ جنازه را بدریا ریخته اند! علت این راهپیمائی آن بود که پلیس، از خانه بیرون آمدن الجزائریهای پاریس را از ساعت ۸/۵ بعد موقوف نموده بود. یعنی فرانسه برای مردم مستعمرات خود تا آنوقت حق حیات و حق ظاهر شدن در اجتماع را میداد که در کارخانهها و مزارع، برای فرانسه تولید ثروت نمایند!

د - فرانسه مثل هر استعمارگر دیگر که قبلاً اشاره شد، سعی داشت قرآن و زبان عربی را با نژاد بکشد.

ه - در نحوه رحم و انساندوستی گفته میشود که در حملات نخستین که الجزائر بتسخیر فرانسه درآمد، بر بازان دستور داده شده بود که مدخل و مخرج غارهایی را که مجاهدین الجزائر، موقع جنگ و گریز پنهان میشوند با مواد سوختنی پر کنند و آتش بزنند تا در پنهان بسوزند!

و نیز دستور داده شده بود، هر جا باغ و مزرعه خوب دیدید اشغال کنید و مالک را برانید!

و - بر اثر دستورهای فوق بود که دهها هزار فرانسوی از راه غصب یا خریدن بقیمت ناچیز، صاحب اراضی و کارخانههای بزرگ شده عمده در راه کسب آزادی الجزائر اشکال تراشی مینمودند!

ز - همینکه نهضت استقلال طلبی، اوج گرفت، دستور رسید که روستاها بمباران شود، در این کشتار گروه کثیری کشته یا زخمی شدند!

یکی از سر بازان فرانسوی نقل نموده که دختر کی را دیدم که میخندید . چون علت را از دیگران که آنها هم از دیدن کثرت فجایع ، غالباً توانائی پاسخگوئی را از دست داده بودند پرسیدم جواب دادند از دست دادن پدر و مادر و کسان ، باعث دیوانگی او شده است .

ح - در مزارع و کارخانهها دستمزد و کمک معاش اولاد کارگران فرانسوی تقریباً ۳ برابر کارگران بومی بود . (تلخیص از ص ۳۳ و ۱۳۶ الجزائر ، حسن صدر)

ط - در عرض ۷ سال انقلاب از ده میلیون نفوس الجزائری ، يك میلیون نفر از دست درختیمان فرانسه شربت شهادت نوشیدند .

ی - این مجاهدان چنان استقامتی در راز داری از خود نشان میدادند و با یاد خدا تمام ناملایمات و شکنجهها را تحمل می نمودند که حتی برخی از افسران که عقیده بخدا نداشتند ، مجذوب میشدند و بر او می آمدند!

که در اینجا بچهار نمونه از شکنجهها که فرانسه «عالم و متمدن» ابتکار نموده بود اشاره میشود :

یوست سر ابن المهدی رهبر جنبش را کتفند . چون باز اسرار را فاش نکرد با فروردن میله گذاخته آهن در حلق ؛ شهیدش کردند - ابو مدین محمد را از پای به سقف آویختند و چون جای اسلحهها را نگفت ، سرش را در شعله آتش فرو بردند - مصطفای محمد را پس از شکنجهها با دینامیت منفجر و قطعه قطعه کردند - يك بازوی مجاهد جوان بنام احمد را بدرخت و بازوی

۱- سرهنگی که متصدی این جنایت بوده ، می گفته است «اگر يك گروهان مثل این مجاهد اسلامی میداشتم دنیا را فتح می کردم .

دیگرش را بجیب بسته جیب را به حرکت در آوردند ...

۲ - مؤلف کتاب تخرکهای اجتماعی و فرهنگی مینویسد که طی ۹-۸ قرن اخیر ۸۰ درصد وقت فرانسویان و ۷۲ درصد انگلیسها صرف جنگ شده است . مکتب اسلام ۱۵ : ۱ ص ۶۰

۳- استعمارگر ، دوستان خود را بکشتن میدهد : دولت فرانسه که میخواست با جدا شدن کشور بیافرا از جمهوری نیچریه ، سهم بیشتری از نفت آنجا را بدست آورد ، مدتها برای استقلال طلبان بیافرا اسلحه فرستاد . اما وقتی دولت هرکزی نیچریه با قول داد که اگر از حمایت مردم بیافرا دست بردارد ، از نفت نیچریه بحد کافی برخوردار خواهد بود ، بیکباره کمک خود را قطع و دوستان دیروز را دست بسته تسلیم دشمنان نمود !

شوروی هم در عین دعوی کمک بخلقها نمودن ، این شکست ستمدیدگان را بدولت نیچریه تبریک گفت . (روشنفکر ۸۴۴ ص ۱۱)

۴- چاد کشور سه میلیون نفری ، از کشورهای مشترك المنافع فرانسه میباشد . سفیر اسرائیل با استوارنامه وارد آنجا میشود . در میان مسلمانان آنجا ، بحث از آدمکشی های اسرائیل در دیر یاسین و کفر قاسم و دیگر نقاط فلسطین اوج میگیرد ... قاضی القضاة آنجا که خود مسلمان متعهدی بوده ، اعتراض مردم را بر رئیس جمهور میرساند . رئیس جمهور که گماشته فرانسه بود وزیرای کابینه

۱- جان کفر و استعمار بر این قبیل خیانتها استوار میباشد : دولتین آمریکا و انگلیس هم با پیمان سنتو تمامیت ارضی پاکستان و ایران و ترکیه را تضمین نموده بودند ، اما در حمله هند بپاکستان ، در گوشه های نشستند و باطناً راضی شدند پاکستانی که در خانواده کشورهای بنام کشور بزرگ اسلامی ، عضو و زنه مهمی بود تجزیه شود .

را که با مردم با خشونت رفتار نمیکنند عزل می نماید . مسلمانان بیش از پیش جریحه دار شده شروع بر راه پیمائی می نمایند ، از آنطرف خبر پاریس رسیده چتر بازان بکمک رئیس جمهوری و دولت غیر اسلامی می شتابند ... پانصد نفر را کشته یا زخمی و دهها هزار نفر را دستگیر و وزرای سابق را در دادگاههای فرمایشی باعدام یا زندانهای بالاتر از ۱۵ سال محکوم مینمایند. مجله مکتب ۹: ۱ (این قبیل مساعدتهای بیدریغ فرانسه ، حاکی است که فرانسه در ایجاد و ادامه حیات صهیونیسم سهیم میباشد !)

۵- رئیس جمهوری ای که هم بیلوک کمونیستی تمایل دارد و هم بیلوک کاپیتالیستی : روزی در اطلاعات ۱۴/۱۲/۵۶ میخوانیم که فرانسوا میتران ، تسلیم آراء کمونیستها شد تا در انتخابات ، رأی بیشتر بیاورد ! او چهار سال بعد که به کرسی ریاست جمهوری تکیه میزند ، بگرمی دست آمریکا را می فشارد و از اذتاب او در خاورمیانه پشتیبانی می نماید !

۶- طبق قانونی که از ناپلئون بجای مانده است ، زن فرانسوی حق ندارد بدون اجازه شوهر ؛ جهیزیه خود را مصرف کند . یعنی تنها شوهر است که در بکار بردن مال خانواده فاعل مایشاء میباشد. (اسلام در ایران، پطروشفسکی ص ۱۸۷)

(۱) این ظلم و تحقیر بعالم زنان ، هشدار است بیانوان تا سایه رحمت اسلام را غنیمت شمارند که در استقلال اقتصادی و عقیدتی آنها در بیعت برهبر اسلام و نیز در انتخاب شوهر بعد از طلاق، و بالاخره یکسان بودن خمیره خلقت آنها با مردان، قرآن میفرماید « و للنساء نصیب مما اکتسبن - ... فبایعهن و استغفر لهن - ... فلا تعضلوهن ان ینکحن - ... و خلق منها زوجها ۴ : ۳۲ و ۶۰ : ۱۲ و ۲ : ۱۳۲ و ۴ : ۱ .

۷- از سناتور بایهام مقدار ۱۴۶ کیلو مرفین کشف شد. در جریان بازجوئی؛ اطلاعاتی بدست آمد که منجر بشناخته شدن باند دیگری در ترکیه گردید.
رادیو تهران ۱۳۵۰/۱۲/۲۱

۸- در پاریس ۳ مرد مسلح که جو راب بسر کشیده بودند وارد ستوران شده ۳ نفر را که سابقه جاسوسی داشتند، کشتند. منبع فوق ۵۲/۲/۳۰

۹- پلیس فرانسه طی آمار مفصلی پرده از روی قتل و سرقت و جنایات بر میدارد و با قید اینکه تنها حدود یکدهم اخبار قتلها و جنایات پلیس میرسد، باز دفاتر مربوطه نشان میدهد که هر ۶ ساعت یک قتل و یک تجاوز ناموس، هر دو سه دقیقه یک سرقت منزل و سرقت اتومبیل رخ میدهد... (در سال ۷۴ حدود ۱/۸۰۰ میلیون جرم و جنایت اتفاق افتاد. (اطلاعات ۱۲/۲۱/۵۴)

۱۰- ناراحتی روحی: سالیانه حدود ۴۲ هزار نفر دست بخود کشی میزنند، هفت هزار نفرشان می میرند؛ بقیه بکمک دیگران نجات پیدا میکنند. در این جرم، آمار دختران بر پسران فزونی دارد. مکتب اسلام ۸:۷

۱۱- یک نماینده پارلمان خود کشی کرد. کیهان ۵۶/۲/۳

۱۲- در فرانسه چهل هزار و در آلمان صد و سی هزار فالگیر وجود دارد که این آمار روز افزون نیز میباشد. آنها از راه پیشگوئی بمشتریان خرافی و ناراضی از زندگی؛ درآمد سرشار دارند... (مکتب اسلام ۸:۱۰) (فالگیری در آمریکا بیشتر از فرانسه رواج دارد. دولت بیشترین مالیات را از فالگیران هالیوود که میلیونر شده اند دریافت میکند.) (روشنفکر ۸۳۰ ص ۶۴)

۱۳- در فرانسه در سال ۱۹۶۵ بیش از ۲۱ هزار نفر از آلکلیمس هلاک شدند. (تبریز دکتر صبورا اردوبادی)

۱۴- در فرانسه هزینه‌هایی که برای درمان بیماریهای ناشی از آلکلیم خرج میشود برابر تمام بودجه بهداشتی آن کشور است. (مکتب اسلام ۶: ۱۱)

۱۵- در روزگاری که در افریقا و آسیا اطفال از گرسنگی میمیرند، دولت فرانسه که دم از « حمایت حقوق بشر » میزند سالیانه دهها میلیون قوطی مواد غذایی پررئیشنی، برای سگها که بطور متوسط از هر ۳ خانوار یکی سگی دارد، تلف می‌نماید... افزایش سهمیه سگها را از ارقام زیر میتوان به خوبی دریافت:

سال ۱۹۷۰ مقدار ۱۲۰ میلیون - سال ۱۹۸۰ مقدار ۲۸۰ میلیون قوطی غذای سگ تهیه شده است. (اطلاعات ۷/ ۱۱/ ۱۳۶۰)

همین مسئولیت و مسئولیت آلوده شدن کوچه و خیابان، با مدفوع سگها، متوجه همه غربیان باصطلاح متمدن میباشد.

۱۶- از خانم هما حکیمزاده که در هتلی در پاریس غذا میخورد، دو حلقه انگشتری بقیمت بالاتر از صد هزار تومان توأم با مبلغ ۲۰۰۰۰ فرانک سوئیس به سرقت رفت. (مطبوعات و رادیو تهران قبل از انقلاب)

۱۷- در فرانسه جنازه چارلی چاپلین هنرپیشه مشهور را دزدیدند. (کیهان ۱۳/ ۱۲/ ۵۶)

۱۸- طبق آمار بدست آمده ۱۹ درصد نوزادان فرانسه غیرمشرع و ده‌اند. (مجله فردوسی)

۱۹- در فرانسه ۳۹۰۰۰۰ دختر فریب خورده وجود دارد. (کتاب اسلام و صلح جهانی ذیل ص ۱۲۷)

۲۰- در فرانسه ۱۷/ ۱۸۰ جوان کمتر از سی سال از سوزاک مینالند. (سوداگران فحشاء در عصر پهلوی ص ۱۸۳)

۲۱- در مدت کمتر از ۳ ماه بیش از ۱۵ مغازه سکس (محرك غریزه شهوی و جنسی) در پاریس و لندن باز شده است ... هیچکس نمیداند با این ازدهای از بند رسته چه باید کرد تا بچه‌ها از دیدن عکسها و تصاویر ثابت و متحرك سکسی ، زودتر از موعد رشد عقلی ، بسالغ نشوند . زیرا فاصله میان بلوغ عقلی و « شهوی جنسی » را چیزی جز مواد مخدر و موسیقی محرك پر بمیکند . در حالی که آن‌ها در جنایات و پرده‌دریهای بیشمار درآباد می‌آوردند که نمونه‌اش را در زیر میخوانید

۲۲- در فرانسه سازمانی کشف شد که از دزدیدن و فروختن دختران به ممالک خارج ، سالیانه سه هزار میلیون فرانک (۲۳۰ میلیون لیره انگلیسی) درآمد داشته است ! در سال انتشار خبر و مجله ، رپوده شدن ۱۶۰۰۰ سفید - پوست ، خانواده‌ها را داغدار کرد . حالا شدت این بلا بچه حد رسیده است خدا میداند . (اقتباس از مکتب اسلام سال ۱۳ ش ۴ و ۱۰)

بطوریکه در ص ۵۸۱ و ۶۴۰ گذشت هر خردمندی درک میکند که در دنیای غیراسلامی ، تبلیغات و پول باد آورده این قبیل سازمانهای آدمربان انتخابات سناتور و رئیس جمهور بی تفاوت و موافق حال ، نقش اساسی دارد .

۲۳- اینهمه فساد روز افزون فرانسه محصول دورانی است که مذهب عیسویت (اگرچه محرف و منزوی است) و دین اسلام (اگر چه پیروان آن در فرانسه در اقلیتند) تا حدی بر آن جامعه نظارت دارد . پناه بخدا از ره آورد دولت سوسیالیست میتران و اخلاف او که میخواهد بر نامه مذهبی را از مدارس حذف کند !

توضیح اینکه در مقابله با مذهب زدائی میتران ، حدود هزار نفر از مذهبیون بتظاهرات پرداختند . و اینهم گفتنی است که:

- ریشه‌های دیگر این نارضائی و راه پیمائی را در موافقت دولت فرانسه و آلمان و دول دیگر اروپا با امریکا در استقرار موشکهای اتمی در اروپا و همچنین در تشدید و استحکام مودت هر چه بیشتر میتران با اسرائیل میتوان جستجو کرد. اسرائیلی که همین اوائل اردیبهشت، پشتگرمی آمریکا در اندرون مسجد بسوی مسلمانان، آتش گشود و با ۶۰ هواپیما جنوب مسلمانان نشین لبنان را بمباران کرد! (دولتین ایران و سوریه، اخراج او را از سازمان ملل خواستار شدند)

۵ - درسی از خلال شعر و مثل و ارائه در گیربها و عبارات و پدیده‌های طبیعت: حالا هر کس خود میداند نام تبلیغات تو خالی کمونیستها و خود - فروختگان، در بلاد اسلامی را هیپنوتیزم یا شعبده یا عوامفریبی بگذارد! در دامن طبیعت همه روزه حوادثی رخ میدهد که در این مور: بخصوص بگفتنش می‌ارزد. چشمان گرگ و دیگر حیوانات «شکارچی» دارای جاذبه - ایست که به محض آنکه شکار خود را در میدان مغناطیسی خود قرار دادند، قدرت حرکت را از بیچاره سلب مینمایند. اما گاو و اسب؛ برعکس بز و گوسفند، اگر هم احیاناً مورد حمله قرار گیرند؛ خود را از مهلکه بدر میبرند و اگر دشمن پیشتر آید، تو دهنی‌ای مینخورد که در جای خود میماند...! عنکبوت، مگس و مادون آنرا بیند میکشد. زنبور عسل و ما فوق‌آهنگ ممکن است بتار عنکبوت گرفتار آیند اما امکان ندارد؛ اسیر و طمع‌آن گردند یعنی آنها بخلاف مگس، جهشی میکنند و محاصره را درهم می‌شکنند!

آشکارتر بگوئیم بطوریکه در ۱۹۵۸ و ۱۹۶۱ بیدار شدن و بر گشتن امثال دکتر مصطفی و اندره ژید را دیدیم، مجال است عالم خردمند، گرفتار و سوسه‌های دلان کمونیستی و احزاب دیگر (شرقی یا غربی) شود و اگر هم گرفتار شد، فوراً بیدار میشود و خود را نجات میدهد. که در تکمیل سخن، بشهادت دو نفر بسنده میکنیم. الف: يك اقتصاددان شوروی گفت «روزگاری بود که نوشته‌های استالین را بمنزله انجیل در کام مردم میریختند. اما همینکه او در گذشت معلوم شد، کتاب اقتصاد او پر از اشتباه بوده است» (مکتب اسلام ۸:۷) ب: برادر مهدی قائنی که بنوشته خودشان (مقدمه کتاب مذهب در آزمایشگاهها) حقوقدانی است که بزبان فرانسوی و روسی و انگلیسی و عربی آشناست میگوید در جوانی فریب نیرنگی و تبلیغات حزب توده را خورده بسوی

آنها گرایش پیدا کرده . چندی نگذشت که از دیدن بیسامانیها و تناقضگوئیها زبان باعتراض گشودم و در نتیجه آن از حزب اخراجم نمودند . روزی دلالتی بیبهاغه سابقه آشنائی ، برای آشتی دادن و جلب مجدد ، پیش آمد و گفت اگر قول میدهی که بیشتر کنجکاو نشوی ، حزب ، ترا قبول میکند . جواب دادم چرا بزرگان شما که کارشان خلاف گفتارشان است و مردم را گول میزنند ، قول ندهند که درستکار باشند ، اما من قول بدهم که انتقاد نکنم و حواس و مدارکات خود را خفه نمایم ...

بر و این دام بر مرغ دگر نه - که عنقا را بلند است آشیانه حافظ
 نتیجه اینکه گرفتاران دام «شرق و غرب و منافقان» بیهنران و بیسوادانی هستند که در عین نداشتن صلاحیت کافی ، خود را بزرگ و لایق می پندارند و چون حس برتری جوئی آنها از طرف جامعه صالح و اطرافیان آنها تأمین و اشباع نمیشود ، ناگزیر بتله فریبکاران که با دامی فریبنده و بسا زبانی نرم و شیرین ، کمین نموده اند میافتند ؛ و اینک مثالها از چین کمونیست :
 چین - راجع بصاحب اخقیار تام بودن زمامدار ، قبل از انقلاب چین ، در ص ۵۵۹ اشاره شد و نیز راجع باخلاق مائو تستنگ رهبر فقید چین که در عین دعوی خلقی نمودن میلیونها خلق را در تصفیه فرهنگی کشت ؛ سخن بمیان آمد . و نیز اهل تحقیق و مطالعه دانستند که از جانشینان او هوا کوفنگک ، بعد از جمعه سیاه (۱۷ شهریور ۵۷) بایران آمد و در حالی که هنوز رنگ و بوی خون شهداء از میدان ژاله و فضای آن زائل نشده بود بجای این که بعنوان رئیس يك کشور خلقی ، از عمل جلاد ایران ، اظهار انزجار کند ، بشاه جلاد ، برادر گفت و برادر شنید و امتیاز و یا هدیه و حق سکوتی که بوصولش آمده بود ، گرفت و برگشت ! و عملاً ثابت نمود که آنها با فراموش کردن

خدا، رحم و برادری و حقوق بشر را هم فراموش کرده‌اند! و همچنین او و سایر گردانندگان با فراموش نمودن خدا عملاً نشان می‌دهند که خطمشی ثابتی ندارند! روزی در کنار آمریکا قرار می‌گیرند و برادر بزرگ خود، شوروی دشنام می‌گویند و باندرون کشور برادر کوچکتر خود یعنی ویتنام حمله می‌کنند و روزی هم در کنار شوروی قرار می‌گیرند و با آمریکا اعتراض می‌کنند که چرا پسر خوانده خود (اسرائیل) را تحت فشار قرار نمی‌دهد تا اراضی اشغالی «جولان» را پس بدهد!

و حالا بچند نمونه از بی‌سامانی‌های چین؛ اشاره می‌نمائیم.

۱- طرحی که کمونیست‌ها برای جامعه انسانی ریخته‌اند، شبیه قصه‌های خیالی کودکانی است که قهرمانان آنها سوار بر اسب میشوند و در يك لحظه از شرق عالم به غرب می‌تازند... با يك اشاره کویسر سوزانی را تبدیل بیابان می‌نمایند... بدین ترتیب جهان سوسیالیستی، برخلاف ادعا، قدم بقدم باغوش سرمایه‌داری می‌رود و این پرسش را درازهان ایجاد می‌کند که اگر سوسیالیستی بهشت است، این همه فرار از آن برای چیست؟ (حقایقی درباره کمونیسم، جرج دبلیو) ۲- ارتش چین علیه مخالفان مائو وارد عمل شد - چوئن لای مورد حمله طرفداران مائو قرار گرفت. (اطلاعات ۴ و ۱۱ ر ۱۲ ر ۵۴)

۳- گروهی از طرفداران شیائوفینک (نخست وزیر مغضوب و معزول چین) خودکشی کردند. (اطلاعات ۱۸ ر ۱۲ ر ۵۴)

۴- عمل روسیه و چین در سالهای اخیر نشان داد که گردانندگان، امید و اعتقادی بعملی شدن فلسفه مارکستی ندارند. آنها با شیوه‌های شیطان‌ی، پایه معتقدات دینی مردم را سست و از بستوه آمدن مردم از مظالم حکام، بهره‌برداری تبلیغاتی نموده می‌کوشند تا حکومت‌های غیر کمونیستی را سرنگون سازند...

۵- پس از مارکس عقیده مخالفت و مبارزه با کاپیتالیسم و سرمایه‌داری، ترک شده «زندگی مسالمت آمیز» جای آنرا گرفت. برخلاف نظر مارکس، همکاری با بلوک سرمایه‌داری و پادشاهی و دادن سلاح با آنها آبروی مارکسیسم را برد. علاوه از همه اینها بعد از مائو کاروان موسیقی جاز از آمریکا و مدل لباسهای طننازان پاریس و لندن، بچین آمد. (اقتباس از استاد جلال‌الدین فارسی)

۶- افزایش گرایش به اسلام در بین اعضای فعال حزب کمونیست چین، باعث اعتراض روزنامه‌های این کشور شده است. (مجله پاسدار اسلام، ش ۲ ص ۶۳ بنقل از خبرگزاری فرانسه!)

۷- چین، کشور بزرگی که حقوق زنان پاك آن همیشه پایمال شده است؛ تا قبل از تسلط کمونیستها اگر زنی بعد از فوت شوهر، بازدواج مرد دیگر درمی‌آمد، او را می‌کشتند اما اگر خود کشتی میکرد، از او با احترام یاد میکردند! ... بیعدالتیها باعث رواج فحشاء شده بود... کشتن نوزادان دختر و انداختن آنها در رودخانه باندازه‌ای برسوانی و کثافت کشیده بود که اداره‌ای مأمور پیدا کردن و بیخاک سپردن آنها شد...

بعد از مائو حقوق مادران مشروع و غیرمشروع بحال تساوی درآمد، روسپیگری و فروش قرصهای ضدبارداری، آزاد اعلام شد. و این یکی از راههایی است که سرمایه‌داری و بورژوازی از آن بهره‌برداری میکند و آنرا ترویج مینماید. (مجله مکتب اسلام ۱۸)

۸- بانو مریم بهروزی نماینده مجلس اسلامی که با هیئتی از چین دیدن نمود با گفتن اختلاف طبقات و فرق کوینها و فروشگاهها که مثلا آن اولی مال طبقه پائین و آندومی از آن طبقه ممتاز است یا پولی که در دسترس اشراف و بزرگان است، بدست هر کس نمی‌رسد و غیره، پرده از روی برادری و برابری کاذب

و آزادی موهوم که مائوئیستها آنرا در کپسول خوش رنگ بخورد بیخبران میدهند برداشت او ضمن بیان بالا بودن سن ازدواج (۲۵ و ۲۸) که عملاً بازار فحشا را ترویج میکند ، گفت هر زن شوهرداری حق دارد تنها يك فرزند بوجود بیاورد . اما اگر فرزند دوم نیز بوجود بیاورد ، بآن بچه کوپن لباس و خوراك داده نمیشود و اگر فرزند سوم نیز بزاید علاوه از محرومیت‌های قبلی ؛ باید ۹ ماه بدون حقوق کار کند و نیز باید بپذیره که فرزند دوم و سوم او حق تحصیل بهزینه دولت و استخدام شدن را ندارند !

۹- لین پیاو کسیکه قبلاً در کشتارهای وحشت‌انگیز ، با مائو همکاری کرد ولی کم کم میان آنها اختلاف افتاد .. بهنگامی که از چین فرار میکرد ، گشته شد . مطبوعات (دوستی میان خدا ناشناسان دیری نمی‌پاید . ترونسکی نیز از طرف استالین مورد تعقیب قرار گرفت ، تا در خارج از روسیه با امر رفیق گشته شد)
۱۱- از این دروازه بآن دروازه : مظالم و عیاشیهای شاهان چین که مثلاً بوسعت نیمی از تهران مخصوص کاخها و گردشگاههای آنها بود ، موجب نارضائی عمومی و استقبال از کمونیزم شد . همچنانکه حالا اشتباهات مائو تنگ باعث گرایش بدامن غرب گردیده است . (بهره برداری از گزارش رادیوئی هیأت تبلیغ طرح فجر)

۱۲- در چین بعد از انقلاب حتی برای کبریت هم صف میکشیدند .
(رادیو لندن و مطبوعات)

۱۳- زبان چین دارای هزارها علامت است که هر يك برای کلامه خاص ، وضع شده است . بعضی از کلمات حدود سیصد معنی دارد ... در آغاز قرن ۲۰ هیئتهای مذهبی پیشنهاد اصلاح دادند ولی پذیرفته نشد . (چرا ؟ برای اینکه عمر زمامداران زور تا وقتی است که مردم بخوبی بخوانند و از افکار مصلحان

- بزرگان مذهب آگاه شوند! (تلخیص از مجله مکتب اسلام ۱۰: ۳)
- ۱۴- رئیس تایوان با بر شمردن مصیبت‌های مردم چین که از تسلط مائو باینطرف دچار اسارت و فقر شده‌اند، از مردم خواست قیام کنند. (اطلاعات ۲۲ ر ۱۰ ر ۶۰)
- ۱۵- نوه چیانگ کای‌شک رئیس جمهور سابق همین تایوان، بجرم فساد و رشوه - خواری علنی به حبس ابد محکوم شد.
- ۱۶- رادیو چین اعتراف نمود که دشمنان مائو بدهها میلیون نفر در سر تاسر چین حمله نموده سر میبرند. (اطلاعات ۲ ر ۱۲ ر ۱۳۵۴)

۵- پژوهشگر ما پس از گشت و گزار پنج کشور که بعنوان گل سرسبد کشورها، خود را عضو دائمی سازمان ملل و دارنده حق «وتو» نموده‌اند می‌خواهد باین‌عذر که «اگر پیشروان قافله تمدن اینها هستند، وضع تباهی پسروان آنها ناگفته معلوم خواهد بود» مشاهدات خود را که از کشورهای مختلف دیگر؛ دیدن نموده است بروی کاغذ نیارد.

اما از ملاحظه اینکه اگر نمونه‌هایی از تاریکی و تباهی آنها گفته شود، امکان دارد که مداحان «شرق و غرب» با تبلیغات و تزویرها ساده لوحان را در دام کشند، بنقل نمونه‌های خیلی کوتاه؛ بعنوان «مشت نمونه خروار» مبادرت مینمایند. باشد که آنها که تحت تبلیغ قرار گرفته‌اند بیدار شوند که حکومت خلقی یا دموکراسی، مرغ هماست که جز زیر سایه حکومت خدا و اولیاء خدا اصلاً وجود ندارد! ۱- در شورش زندانیان آرژانتین، ۵۰ نفر کشته و ۶۴ نفر زخمی شدند (اطلاعات ۲۴ ر ۱۲ ر ۵۶)

... تروریست‌های آرژانتین يك ماشین را با مسافر منفجر کردند. کیهان ۱۲ ر ۱۵ ر ۵۵

۲- دولت آفریقای جنوبی پی‌درپی مردم معترض را قتل عام مینماید و

چون آدمکشی او در مجامع بین‌المللی مورد اعتراض قرار میگیرد ، آمریکا و انگلیس و فرانسه با سلاح «وتو» بدفاع از جلادان برمیخیزند. کیهان ۱۲۲۹ ر ۵۵۱۲۲۹

۳- رئیس جمهور آفریقای مرکزی روز تولد فرزند سی‌ام خود را روز جشن و تعطیل عمومی اعلام نمود (کیهان ۱۲۳۳ ر ۵۵۱۲۳۳) (با احتمال قوی در همان کشور اکثر مردم یا امکان زناشوئی ندارند و یا قانون زور ، اجازه داشتن بیش از دو فرزند را بآنها نمیدهد) .

۴- دولت آلبانی به تبعیت از انقلاب فرهنگی چین ، تصمیم به از میان بردن بقایای مذهب گرفت ... کلیساها و مساجد را تخریب و قبرها را زیر و رو و عده‌ای از کشیشها را تیرباران نمود . (اطلاعات ۱۱۷ ر ۶۰۱۱۷)

۵- ویلی برانت صدراعظم پیشین آلمان متهم است که از سازمان « سیای آمریکا » رشوه گرفته است . (کیهان ۱۲۲۱ ر ۱۳۵۵۱۲۲۱)

۶- تیرلورنس ؛ از حزب دموکرات مسیحی آلمان غربی (نامزد شهرداری بران) بدست افراطیون ربوده شد . کیهان (۱۲۲۷ ر ۵۶۱۲۲۷)

۷- در خاتمه جنگ بین‌الملل دوم ، وقتی متفقین بدر زندانهای آلمان رسیدند متوجه شدند که حدود یک میلیون و دویست هزار دست لباس مردانه و زنانه بلاصاحب مانده است یعنی صاحبان آنها را نجات نموده بکوره‌های آدسوزی یا جوخه اعدام سپرده‌اند . (اطلاعات هفتگی ۱۴۰۵)

۸- یانس مارتین شله‌یر ارباب اربابان ، رئیس یکی از شرکتهای بزرگ آلمان توسط عناصر دست چپی ربوده شد . در این جریان چهار نفر از محافظین او بقتل رسیدند . کیهان ۱۲۲۷ ر ۵۶۱۲۲۷ . ۹- در آلمان غربی ۳۷۵ هزار دختر فریب‌خورده وجود دارد . اسلام و صلح جهانی ۱۲۸)

۱۰- حکومت آلمان شرقی ۹۰ درصد فرهنگیان را برکنار کرد در حالی

که جمهوری اسلامی تنها ۳ درصد و آنهم کسانی را بسر کنار نموده که سعی داشتند مأمور بیگانه باشند. (شهید دکتر باهنر)

۱۱- همیشه مردم آلمان نسبت به عدم استقرار موشکهای اتمی آمریکا در آلمان اعتراض میکنند ولی دولت، سخن آنها را نمی شنود! تظاهر کنندگان را زخمی یا دستگیر مینماید. (کیهان ۲۲/۱۲/۵۵) و کیهان اوائل اردیبهشت ۶۱
۱۲- در آلمان سالیانه ۶۰۰ هزار نفر خود کشی میکنند که يك پنجم آنها از بین میروند. (عبدل الهی ص ۲۶) منشاء این درد را که در کشورهای دموکراسی! بیشتر وجود دارد. از خلال فرار از دین و ولایت فقیه و نداشتن نقطه اتکاء روحی باید جستجو کرد.

۱۳- و کلای داد گستری، دولت آلمان را باین جرم که گفتگوی آنها با موکلین را بطریق استراق سمع، ضبط نموده است رسوا و متزلزل کردند.
کیهان ۲۸/۱۱/۵۵

۱۴- در رابطه باینکه دیپلماتهای کشورهای کمونیستی، در ممالک دیگر جاسوسی مینمایند، وزیر کشور آلمان غربی گفت در سال گذشته ۴۸ جاسوس که اکثرشان از بلوک شرق بودند، در جاسوسی گرفتار زندانی شدند! کیهان ۲۷/۳/۵۲
۱۵- در آمریکا لاتین، باعتراف مقامات دولتی، حدود دو هزار کودک برای مادام العمر، بفروش رسیدند. اطلاعات ۱۱۷۳۹

۱۶- دولت با اصطلاح خلقی انیوپی، ششصد دانشجوی معترض را اعدام کرد.
کیهان ۲۹/۱۲/۵۵

۱۷- دولت اندونزی هزاران نفر را در تیمور شرقی، قتل عام کرد.
کیهان ۲۳/۱۲/۵۵

۱۸- عیدی امین رئیس جمهور اوگاندا مردی مرموز با ۳ شخصیت متفاوت!

کیهان ۵۵/۱۲/۳

۱۹- در اردن، قائق موتوری ملك حسین را که به نهمصد هزار تومان برای تفریح شخص خود خریده بود، مخالفان ربوده غرق کردند. کیهان ۵۱/۴/۱۳

۲۰- رژیم اسرائیل که به جرم کشتن بیش از ده تن از اعتصابیون مسلمان، از طرف ملتها محکوم ولی در زیر حمایت «وتوی آمریکا» برای چندمین بار از مهلکه انزو اورسوایی جان بدر برده بود در مجمع عمومی سازمان ملل با بیش از ۷۰ رأی موافق بعدم علاقه بصلح محکوم و از دولتها خواسته شد روابط اقتصادی و نظامی خود را با او قطع کنند. مطبوعات هفته اول اریبهشت

۲۱- رئیس جمهور ایتالیا، بتهمت رشوه ستاندن از شرکت لاکهید آمریکا در حال سقوط است. کیهان ۵۵/۱۲/۲۴ ص ۶

۲۲- مبلغ هنگفتی از کاخ واتیکان پاپ بسرقت رفت رادیو تهران ۴۸/۸/۱۵

۲۳- کشیشها بر علیه پاپ و اسقفهای بزرگ، راه پیمائی نمودند، پاپ گفت این کشیشها چریکهای کلیسا هستند. ازدواج آنها بر خلاف آئین مسیح است. اطلاعات ۵۱/۲/۹

۲۴- نوهی ۳۰ ساله يك میلیاردر ایتالیائی را ربودند. رادیو تهران قبل از انقلاب. دولت پر فعال در موزامبیک بزندانیان وطن دوست، در ظرف فضولات غذا میداد. شکم زنان باردار آنها را می فشرد تا سقط جنین کنند. مجله فردوسی ۵۲/۲/۲۴

۲۵- در دانشگاه باردوسی تونس، در اثر زرد خورد، عدم ای دانشجو وعده ای پلیس مجروح شدند. کیهان ۵۵/۱۲/۲۴

يك خبر نگار محلی رودزیا، با ارائه عکس کشتگان و با گفتن افسوس بر این تمدن! گزارش نمود که سر بازان دولت که دست نشانده آمریکا و انگلیس میباشد ناراضیان و تظاهر کنندگان را با آتشبار مسلسل از پای در آوردند. و

آنها را که نیمه جان بودند زیر چرخ ماشین نابود کردند. عکس و خبر
کیهان ۵۵۱۲۲۵

۲۶- فو کودا نخست وزیر ژاپن بدیدار کارتر میرفت، مردم تظاهرات نموده
میگفتند « او را نماینده خود نمیشناسیم » کیهان ۵۵۱۲۲۹ ص ۳

۲۷- يك هیلیون و سیصد نفر ژاپونی برای اضافه حقوق اعتصاب کردند.

اطلاعات (۵۱۲۱۳)

۲۸- در ژاپن بدنبال فاش شدن اینکهرکت هواپیما سازی لا کهد آمریکا
بمقامات کشورهای خریدار، که از جمله آنها ژاپن است رشوه داده است،
موقعیت عده‌ای از وزراء متزلزل شده است. اطلاعات ۵۴۱۲۲۲

۲۹- بعد از آمریکا و فرانسه، ژاپن اولین کشوریست که در مبارزه
با نیم میلیون روسپی با مشکلات زیاد روبرو میباشد. مجله مکتب اسلام ۱۱:۱۲
رئیس دبیرستانی که من در آنجا تدریس میکردم، از قول یکی از نزدیکان
که از دانشگاه سوئس فارغ التحصیل شده بود نقل مینمود که روزی بجمال
زیباروئی شیفته شده در عبور از کنارش عاشقانه پهلویش زدم. فردا بر اثر
شکایت آن زن با اداره پلیس دعوت شدم. بهنگام ورود محبت نمودند و چنانی هم
آوردند که نوشیدم... سالها بعد که برگشتم و ازدواج نمودم کوشش ما برای
صاحب اولاد شدن بجائی نرسید. ناچار پزشکی که در سوئس میشناختم مراجعه
نمودیم. او پس از کوشهای زیاد از من و عیالم، همینکه شنید، گذارم از آن
راه بکلانتری افتاده و در آنجا چای خورده‌ام گفت « حس شهوت شما را همان
چای از میان برده!»... پس جاوید باد حکومت اسلامی که میگوید « نه بآن
شوری سوئس و نه به بیمزگی رژیم پهلوی! یعنی هر جرمی کیفری دارد این
چه عدالت و قضاوت است؟ که بجرم کوچکی که با توبه یا تعزیر فیصله مینماید،

کیفری بآن بزرگی اعمال میکنند !

۳۰- عربستان سعودی- از حکومت سعودی بدو حقیقت بسند مینمائیم. در حکومت زور و غیر مردمی بودن سلاطین سعودی همین بس که دو سال قبل، صدها انسان معترض را در داخل حرم که خداوند آنرا جای امن میخواند، از پای در آورد و امروز با کشف توطئه قطب زاده و شریعتمداری، طبق اعترافات عباسی داماد مورد اعتماد شریعتمداری، حکومت سعودی در صدد بود، شریعتمداری را بعربستان، زیر حمایت خود کشانده؛ اعلامیه هائی از او، بر علیه جمهوری اسلامی در جهان اسلامی پخش نماید. جالب توجه اینکه خود عملاً در امور داخلی ایران دخالت میکنند و جمهوری اسلامی را بدان جرم متهم مینمایند !

۳۱- نمیری رئیس جمهوری سودان، از اطرافیان خود سلب اعتماد نموده ۲۲ نفر از فرماندهان را برکنار کرد. (جمهوری اسلامی ۱۱۸۸ ر ۶۰). در حالی که این رژیم متزازل آمریکائی ۳ میلیارد دلار قرض دارد، ژنرال هیگک وزیر خارجه آمریکا میگوید «اقتصاد سودان در حبال شکوفائی است» رسانه های خبری بهمن ۶۰.

این نمیری قبل از کودتا تمایلات افراطی دست چپی داشت در اوائل وزارت و ریاست جمهوری خود نیز آمریکا و امپریالیستی را بشدت میکوبید (اطلاعات ۶ و ۷ ر ۴۸). اما حالا از اذناب آمریکا شده است ! این دو روئی یا قلب ماهیت او و همراهانش (صدام، سادات و حسنی مبارک و...) نشان میدهد که کمونیسیم بر خلاف معنی لغوی آن (اشتراکی و همگانی) یعنی اینکه هواداران آن برای رسیدن به مال و مقام بهر رنگی در میآیند.

۳۲- از وقتی که دولت آلنده در شیلی سقوط کرده و دولت کودتای آمریکائی بر سر کار آمده است، بیش از ۵۰۰ نفر در زندانها نابود شده اند کیهان ۲۵ ر ۱۲ ر ۵۵

۳۳- در جریان بازجوئی اینکه از جاسوسان بعمل آمد، کشف شد که سفارت دولت خیلی متمدن کانادا در تهران منبع درآمد کم نظیری برای خود ابتکار نموده است و آن اینکه مهر وزارتخانه های مربوط و امضای رجال جمهوری اسلامی را جعل و برای بیش از ۳ هزار تبهکار و قاچاقچی ارز، گذرنامه صادر فرموده است !

۳۴- همین کانادا در داخل کشور نیز رکورد خود کشی را شکسته است سالیانه در هر صد هزار ۱۴۳۳ فقره خود کشی دارد ! اطلاعات ۶۱۲۵ و رسانه های نیمه اول بهمن ۵۸)

۳۵- در گواتمالا هر ماه رویهمرفته سیصد نفر بطورابهام آمیز؛ بر بوده و کشته میشوند. رادیو تهران ۱۱۲۸ تا ۱۳۶۰

۳۶- در زردخوردیکه میان فوتبالیستهای گواتمالا رخ داد ۵ نفر کشته شدند. کیهان ۱۲۴ تا ۵۵

۳۷- محمد صدیق بن یحیی وزیر خارجه الجزائر بسا ۱۴ نفر همراه خود که با يك هواپیمای مسافربری، برای استقرار صلح و انجام امور انسانی بایران میآمدند در آسمان مرزترکیه و ایران مورد حمله هواپیمای جنگی عراق قرار گرفته مظلومانه شهید شدند. همچنین هواپیماهای عراق، هواپیمای لوفتانزای آلمانی را که حامل مسافرانی بایران بود مورد حمله قرار دادند ! که خوشبختانه با فرا رسیدن دلوران هوایی ایران، عرصه را ترك نمودند ! (رسانه های نیمه اردیبهشت) بدنبال شکست خوردن عراق از حمله ددر راه قدس، و گشوده شدن راه غرب

۱- مزدوران بمباران کننده سکنه هرات و حومه، در جنایت کمتر از مزدوران شیطان بزرگ نیستند ! (نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی)

کارون ، حمله کردندش باعراب الـجزائری. درعین افشای گفتار باطل عراق که در اول حمله بایران ، دعوی حمایت از عرب مینمود ، يك سخن پیامبر اسلام ﷺ را فدای می‌کند که بهتر است کسانی که تا کنون در فضیلت اسلام بر قوانین جهان که حتی خود قانونگذاران رعایتش نمی‌کنند تردید دارند، توجه نمایند در قبال عهد شکنی یهود ، قوای اسلام قلعه‌های خیبر را محاصره کردند ، کسی پیش آمد و گفت من مهر آب را میدانم . آب را بروی شهر بیندید تا بفشار تشنگی تسلیم شوند . رسول خدا جواب رد داد و گفت خدای من اجازه نمیدهد از راه باطل یعنی تشنه نگاهداشتن زن و بچه و پیر و بی‌تقصیر و حیوان ، به‌دفع خود برسیم !

۳۸- ملك حسن ، شاه مراکش ، با بر سر کار آوردن حکومت نظامی ، فریاد ملت را در سینه‌ها خفه کرد . دانشجویان مراکشی مقیم فرانسه هم چندی بعد موقع بازدید ملك حسن از فرانسه فرصت را غنیمت شمرده در سه راه کاخ الیزه اعتصاب غذا نمودند . (ماحصل يك كتاب)

۳۹- این شاه مسافرت می‌تران با اسرائیل را در ایجاد صلح میان اعراب و اسرائیل که دائماً تجاوز میکنند و آدم میکشد ، مؤثر خواند کی و اط ۱۱ در ۲۰۱۳۵۰ (از همین حاکم خودسر جز این انتظار نمی‌رود که گفت کلیه امکانات خود را در اختیار صدام میگذازم تا با جمهوری اسلامی بجنگد !).

۴۰- محمد انور سادات باعتبار اینکه با جمال عبدالناصر ، در براندازی رژیم سلطنت معاونت داشته ، پس از مرگ غافلگیر عبدالناصر ، زیر نفوذ شورویها و لیبرالهای داخلی بریاست جمهوری رسید . او بدنبال اینکه کارخانه اسلحه سازی مدرنی از شورویها بدست آورده بودند ، بعد از شکست جنگهای شش روزه با متاع ذیقیمتی بنام دین و استقلال! که میخواست با دادن آنها سلاحهای سنگین

و وسائل رفاهی بخرد ، سفری بشوروی نمود. ولی سران شوروی بکینه باطنی اینکه امکان فعالیت کامل بمستشاران آنها داده نشده که مصر مسلمان را در کمترین مدت ، تبدیل بکشور کمونیستی کنند ، باو روی خوش نشان ندادند ! در این موقع آمریکا که مشتری واقعی متاع انور سادات بود ، او را بدام قرار داد « کمپ دیوبند » کشانده میان او و سران اسرائیل که دست قانون شکن و تجاوزگرشان بخون هزاران مسلمان حتی برادر خود انور سادات آغشته شده بود صیغه برادری خواند یعنی او را از خانواده ملت‌های مسلمان و عرب بدر آورده عضو خانواده صهیونیسم نمود .

این زمامدار خود باخته در مقابل مختصر وسائل رفاه که از آمریکا دریافت و توزیع مینمود ، تمام پایگاهها و اختیارات را بدست مستشاران آمریکا سپرده با کشتن یا بزنجیر کشیدن آزاد مردان مسلمان ، زمام اختیار را از ملت سلب نمود بطوریکه سلاح و نفرات در اختیار صدام گذاشت تا با جمهوری اسلامی نبرد کند که سرانجام بدست مسلمانانی بنام خالد استامبولی و یاران او بسزای خود رسید . پس از او بهمان طریقی که انور سادات بدون رضایت ملت مسلمان یعنی تحت نفوذ شوروی رئیس جمهور شده بود ، تربیت شده و ، حسنی - مبارک هم زیر نفوذ آمریکا بریاست جمهوری برداشته شد .

حالا حسنی مبارک بدلتخواه آمریکا در هر قدم ، از جهان اسلام و عرب دور و بامریکا و مزدوران او بنام صهیونیسم و بعث عراق نزدیکتر میشود ! و علناً بروی مسلمانان شمشیر میکشد ! نتیجه اینکه این نکته برای کسانی که غیر از ولایت فقیه ، در برابر هر حکومتی ، سر تسلیم فرود میآورند ، عبرت انگیز است که سادات چند چهره تا وقتی که کشوری بدان عظمت را بشمن بخش فروخته بود ، اسرائیل را جانی و آمریکا را شریک جرم یا عهد شکن و ریاکار و فریبنده

میدانست. (اطلاعات ۵۱۲۰۵ و ۵۱۲۰۶ و ۵۲۳۶) و میگفت «بزودی غرور اسرائیل را در هم میشکنیم و تاریخ فراموش نخواهد کرد که او با رفتن به پای اسرائیل چگونه بجای دشمن، خود را شکست!

۴۱- در یکی از ایالات هند، درزد و خور دیکه میان پلیس و سر بازان آرتش اتفاق افتاد ۳۱ نفر کشته و ۸۰ زخمی بجای ماند. کیهان ۵۲۳۲ ص ۴
شهرداری دهلی برای اینکه ۲۰۰۰۰ گاو مقدس، در خیابانها مزاحم رانندگی نشوند مقرراتی وضع نمود. کیهان ۵۴۵۷

یازولسکی نخست وزیر لهستان کارگران اعتصابی را نخست بوسیله گازیکه در هوا منتشر نمود، بیهوش و آنگاه از کارخانه بیرون کشید و گفت کارگران اعتصاب را شکستند! رادیو لندن

در بلوک دموکراسی کمونیستی تنها اجازه یا حر به کارگر، اعتصاب بود که آنرا هم بدانسان از دستش میگیرند!

۴۲- ملوانان لهستانی از شنیدن تسلط حکومت نظامی کمونیستی لهستان، کشتی های خود را ترک گفته از دولت پاناما تقاضای پناهندگی کردند.
کیهان ۶۰۱۰ ر ۱۲

۴۳- پژوهشگر ما گرچه لازم میدید بتفصیل گزارش کند که علاوه از قانون شکنی های برون مرزی، در داخل اسرائیل نیز نارضائی ملت بجدی بوده و هست که مثلا یهودیان در صدد قتل موشه دایان بودند؛ یا اسرائیل دفعات مورد توییح یا انزجار سازمان و مجمع عمومی قرار گرفت! یا فلان قاتل و بمبگذار بصدارت و معاونت رسید! یا شکنجه گریهای بیحد اسرائیل، در حق زندانیان مسلمان و مسیحی سرانجام کاسه صبر حقوقدانان آمریکا را لبریز کرد!

تا دست بافشاگری گشودند! یا روزنامه‌های قبل از «کمپ دیوید» مصر، بگین را هیتلر ثانی نامیدند! (اط ۱۲۲۴ ر ۵۶ و کیهان ۲۰ ر ۵۱ و ۲۰ ر ۵۱ و ۲۷ ر ۵۶ و ۱۱ ر ۵۵)

لیکن لازمتر از آن، چنین بنظرش رسید که در قبال اینکه امثال میتران رئیس جمهوری فرانسه، بغفلت یا بغرض، سرزمین فلسطین را ملک اجدادی اسرائیل میدانند، بگوشه‌هایی از بطلان آن عقیده و ملک فلسطینیان بودن آنجا باختصار اشاره نماید:

الف - حضرت ابراهیم جد اعلا یهود در شهر اور کلدانیان بابل بدینا آمد و همانجا با نمرود شاه مجاجه نمود. و مهمتر اینکه آنحضرت بعد از آن، بشام و کنعان مهاجرت فرموده با فلسطینیان معاهده تجاری بست. یعنی ابراهیم و اولاد او مالک فلسطین نبوده‌اند. (تفسیر المیزان و قاموس کتاب مقدس ص ۶۶۸ و پیدایش تورات اواخر باب ۱۱)

ب- در اثر کاوشهای علمی باستانشناسی که در هر کز فلسطین بعمل آمد مبعبدی از فلسطینیان، از زیر خاک سر به بیرون آورد که قدمت آن به ۴۰۰۰ سال میرسید. در میان خاک و خاکستر که نشان میداد بعدها سلاطین یهود آنجا را با آتش کشیده‌اند، اشیاء دیدنی از جمله سر «قو» هم که از زنگزدگی مصون مانده بود، بچشم میخورد که فلسطینیان آنرا در دماغه کشتیهای خود نصب میکردند. (رویتر، کیهان ۲۲ ر ۵۱). (این کشف، سند انکارناپذیر است که ثابت میکند که در وقتی که اسرائیلیان، بفشار قحطی بمصر رفته و برای قبطیان خدمت میکردند و هنوز از حضرت موسی عليه السلام خبری نبود تا انجاتشان دهد، فلسطینیان دولتی بوده، کشتی داشته‌اند حالا این اسرائیل است که بتقلید از ارباب خود (آمریکا) که سرخپوستان را قلع و قمع نموده در جایشان نشست

اینها هم با کمال پروئی فلسطینیان را کشته و پراکنده نموده خانه و مزارعشان را تصاحب نموده‌اند.

ج - اولاد یعقوب (اسرائیل) که نوادگان ابراهیم عليه السلام باشند بعد از آنکه از روی حسد و ستم، برادر خود یوسف را از دست پدر ربودند و آنحضرت بعدها بحکومت مصر رسید، خودشان هم بر اثر فشار قحطی، به مصر، یعنی حکومت برادر پناهنده شدند. (قاموس کتاب مقدس ص ۶۶۸)

د - موقع خروج از مصر آمارشان حدود ششصد هزار نفر بود. شاید علت و بهانه سرپیچی‌شان از امر خدا که از حمله بقلسطین جانشان را ترس فرا گرفته بود، کثرت فلسطینیان باشد که نفوسشان چندین برابر آنها بوده است. بطوریکه باب چهارم کتاب شموئیل اول میگوید در یکی از جنگها، فلسطینیان سی هزار نفر از یهود را بقتل رساندند و تابوت حاوی تورات را نیز ضبط نمودند. قاموس مقدس ص ۶۶۹

ه - فلسطینیان قومی قوی و عظیم بودند. نامشان سیصد بار در تورات آمده است. خدا بنی اسرائیل اذن نداد، وارد فلسطین شوند. (با از آن عبور کنند) قاموس کتاب مقدس ۶۶۸ و خروج تورات ۱۳ : ۱۷

بمصادق قرآن و تفسیر، خدا بآنها فرموده بود وارد فلسطین شده بت پرستی را بر اندازند و مستضعفین را نجات دهند ولی آنها ترسیده سرپیچی کردند و بکیفر آن چهل سال دیگر ملک فلسطین بر آنها حرام گردید. جالب توجه اینک پدرانشان فقط از جهاد خود داری کردند. اما حالا اینها برعکس، زیر حمایت استعمارتنها با موحدین می‌جنگند و یا خرابکاری مینمایند.

و - خداوند دل فلسطینیان را برانگیزانید تا بر یهود حمله آورده پسر و زنان شاه را باسارت بردند. دوم تورا بخ ۲۱ : ۱۷... بنی اسرائیل از فلسطینیان

شکست عظیمی خورده فرار کردند سموئیل ۱۷:۴

ز - تورات بعد از آنکه نام نقاط غصب شده فلسطین بدست یهودیان را می‌شمرد ، در خاتمه میگوید اما یبوسیان که ساکن اورشلیم بودند (مرکز فلسطین) بنی یهودا نتوانستند ایشان را بیرون کنند ، پس یبوسیان (شاخه‌ای از فلسطینیان) تا امروز (تاریخ تحریر تورات) در اورشلیم ساکنند . یوشع ۱۵:۶۳ ح - از زمان یوشع تا نیتس (اوائل میلاد مسیح) ۱۷ بار فلسطین محاصره و دو بار با خاک یکسان گردید . قاموس مقدس ص ۱۲۱

ط - چون یهود از خدا نافرمانی کردند هفتاد هزار نفرشان از و بادر گذشتند . داود عليه السلام زمینی را از یبوسیان (توجه توجه) خریده . مسجد ساخت (دوم سموئیل ۲۴:۲۰) (همان مسجد بوسیله حضرت سلیمان تکمیل شده در ظهور اسلام قبله اول مسلمین گردید)

ی - سخن کوتاه اینکه قبل از آنکه قوم یهود ، جای پای خود را در سر زمین غصبی فلسطین محکم کند ، پی در پی فلسطین بدست بخت النصر ، اسکندر ، بطلمیوس - سیمون یونانیان و رومیان و دستخیز شده است (قاموس مقدس جیمزهاکس و کشف الایات کتاب مقدس . ساروخاچیکی .

ک - بهترین دوران آرامش فلسطین ، ۱۴ قرن اخیر است که آنجا از رومیان بدست مسلمین افتاد که عموم ملتها در آن بصلح و صفا گذرانند ، (جز دو قرن جنگهای صلیبی که آتش آنرا هم غریبان برافروختند . تلخیص از تاریخ ویلدورانت و آلبرماله .

ل - این راحت و آرامش از ۳۵ سال قبل که اسرائیل فلسطین را غصب نمود ،

بهم خورده است^۱ .

اعاده آسایش ، موکول با اتحاد مسلمین و رحمت خدا میباشد که خدا را شکر هم اکنون نسیم رحمت ، با پیروزی انقلاب اسلامی وزیدن گرفته توطئه‌ها یکی پس از دیگری کشف و خنثی و انقلاب برهبری امام و از جان گذشتگی رزمندگان خداجوی پراه خود ادامه میدهد . تا بداد مستضعفین فلسطین و دیگر نقاط برسد !

۱ - نفوذ مادی و معنوی آمریکا و انگلیس و خیانت سران اردن و سعودی بود که یهود را که آمارشان فقط ۸ در صد مسلمانان و مسیحیان آنجا بود بر سکنه اصلی غلبه داد . کارنامه سیاه استعمار

پژوهشگر ما از گزارش اندوهبار خود که حاکی از دو روئیها و پیمان شکنی‌ها و خونریزیها و پرده‌دریها و بتعبیر حضرت علی علیه السلام نشان دهنده صحنه‌هایی از «ستیز گیهای کلاب و شکار جوئیهای درندگان» بود در صدر آمد، برای ظلمت زدائی از ذهن تاریخ که در مقابل حکومتهای ناحق، حکومتهای حقی امثال حکومت حضرات سلیمان و یوسف و نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام نیز پای بعرصه وجود نهاده‌اند که الحق خلیفه الله بودن خویش را تجسم بخشیده‌اند و بالنتیجه خاطر انساندوستان و حقپرستان، از یاد آنها محفوظ و معطر و در آرزوی احیاء و تجدید حکومت آنهاست، مطالبی تهیه و عرضه نماید و همچنین بعنوان مثال زنده و محسوس به پیشرفتهای اساسی حکومت امام خمینی که در این سه سال با وجود آنهمه موانع و توطئه‌ها و جنگ تحمیلی، باز با عزت و سرافرازی، «یکشنبه ده صد ساله رفته است» اشاره‌ای بکند و توضیح دهد که در عرض ۱۵ ماهی که کتاب، زیر چاپ بود هر اندازه پیشرفتی که از تصویب قوانین اسلامی و تنظیم امور دادگستری و اداری و نیز آبادی بلاد، از قبیل جاده‌سازی و برق‌رسانی و احداث مدرسه و مسجد و بیمارستان و حمام و قطع ایادی ظلم و اصلاح صدا و سیمای جمهوری

۱- در عظمت‌شان و عمق تأثیر نظارت مردان خدا در دستگاه حکومت همین بس که با اینکه حضرت رضا علیه السلام با جبار و با قید شروط، ولایتعهدی مأمون را پذیرفت. با اینحال بیمن نظارت آنحضرت و نیز بیمن بکار بسته شدن اندکی از رهنمودهای فرزندش محمد تقی علیه السلام در عهد مأمون، آبادی و آسایش نسبی و ترقی علوم و فنون در آن عصر، چنان باوج رفعت و شکوه رسید که مورخان آنعصر را عصر طلایی حکومت پانصدساله عباسی نامیده‌اند.

اسلامی و آگاهی صحیح دادن بتوده‌ها بدست آورده درج نمود، دو ماه بعد در همان زمینه‌ها بارقام بزرگتری متوجه شد که خیلی بالاتر از ارقام پیشین بود. اما در شرف ختام بودن این کتاب، اجازه اقدام بآن امر بزرگ را که مخصوصاً در صلاحیت نویسندگان توانا و در خورده‌ها کتاب می‌باشد، باوندادولفا انجام این خدمت بفرست دیگر موکول میشود تا بخواست خدا یادداشتها جمع و مثل این کتاب تلخیص شده بعنوان برگه‌ای از بوستان دلپذیر، تقدیم اهل تحقیق شود. حالخواننده عزیز برای بدرآمدن از محیط غم‌انگیز حکومت‌های غیراسلامی که حتی مطالعه وضع ناهنجار و خونالود آنها نیز ملال‌آور است بصددها کتاب از جمله شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدیید، از برادران اهل سنت و کتاب‌دعلی، صوت العدالة الانسانیة، تألیف جرج جرداق مسیحی (گویا بهنگام آنکه دهن را سخن گفتن از عدل علی معطر مینمود، سیمایش نیز همچون گل‌سرخ برافروخته میشد) و علی‌العجالة بصفحات ۳۰۳ بعد همین کتاب یعنی صحنه‌هایی از تجلیات عدل علی از زبان دیگران ارجاع و با یک توضیح ضروری، این دفتر بیابان میرسد.

توضیح یکی از مبهمات : ام حسب الذین فی قلوبهم مرض ان لن ینخرج الله اضعافهم . آنانکه در دل خود مرض نفاق دارند آیامیپدارند که خدا کینه‌های آنان را برای مردم آشکار نخواهد کرد؟ هرگز !

در آخرین روزهایی که این کتاب از زیر چاپ درمی‌آمد توطئه صادق قطب‌زاده و شریعتمداری و عده‌ای از خود باختگان تهران و دیگر شهرها که میخواستند با انفجار محلی در حوالی اقامتگاه امام و شهید نمودن او مردم جماران، جمهوری اسلامی را براندازند، شایع گردید . این علاوه بر نعمتهای بیشمار خدا، نعمت دیگری بود بر این بنده که قبل از نقطه پایان، در باره بعضی از نامها و صفات مبهمی که از روی احتیاط و گریز از فتنه انگیزی کاظم شریعتمدار و امثال او بکار رفته توضیح داده شود . (القاب او در صفحات ۲۲۶ و ۲۳۶ و ۳۶۸ و ۴۱۲ و ۴۷۹ و ۴۸۹)

۱- در باره بنی صدر نیز قبلاً بضرورت روز و خواست امام خمینی که تمیایست، آشوبی دیگر برپا شود سخن بابهام گفته شده است. لذا با رفع مانع اینجا توضیح دادنش مخصوصاً برای کسانی که غربگرایان و فوکل و کراوات و پاپیون بستگان، چشم عقلشان را بسته‌اند، ضرور میباید: بستری شدن امام؛ در بیمارستان قلب و تفویض شدن فرماندهی نیروهای مسلح به بنی صدر فرصت خوبی بود که او ماهیت خود را عرضه کند!

در اوایی که آگاهان سیاسی، خطر حمله صدام حسین را پیش بینی میکردند، بنی صدر نه خود جنبید و نه بکسی اجازه فعالیت و بسیج داد... رژیم عراق شهرهای غرب و جنوب را یکی پس از دیگری اشغال و مدافعان را میگرفت و میکشت اما بنی صدر مانند کسیکه با يك كلمه «موتوا» دشمنان را از پای درخواهد آورد، ساکت و بی تفاوت مانده بود! و بالاخر از آن، بحجج اسلام‌هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای که از پیش روی دشمن دلتنگی مینمودند، ←

شاید گفته شود کسیکه در صفحه تلویزیون ظاهر شده و بگناه خود اعتراف نمود که برای ساقط کردن جمهوری، با کودتاگران همکاری داشته و سر کیسه را باز نموده بود، افشاگری لازم نیست، مگر ندیدید که او استغفار کرد؟ که جواباً گفته میشود بمصداق قرآن، خداوند بآن قبیل استغفارها که فرعونها بهنگام گرفتاری توبه نموده‌اند ترتیب اثر نداده است. و اگر بگویند الحمدلله که توطئه ناموفق ماند؛ دست از افشاگری بردارید در پاسخ عرض میشود، توطئه، ابره هم در تخریب خانه خدا ناموفق ماند اما خداوند، متجاوز را نابود کرد.

بهر صورت، نویسنده با در نظر گرفتن اینکه اگر نویسندگان گذشته خیانت‌های بلعم باعور و طلحه و زبیر و حسان شاعر و اسامه بن زید و ابوموسی و شریح قاضی و علی ابن ابی حمزه و یاران او و بدعت‌گزارهای بنی فضال و نمیری و شریعی و شلمغانی را افشا نکرده بودند امروز کسی باور نمی‌کرد که امکان دارد در هر زمان طلحه و زبیری در پناه تسبیح و سجاده بروی علی علیه السلام و رهبران حق، شمشیر بکشند!

← میگفت هر اس آقای خامنه‌ای مثل هر اس مادر است که از دیدن تبخال در لبهای طفل خود، داد و فریاد میکند، اما من بعقیده اشکانیان معتقدم، دشمن را باید باندرون کشید و کشت! ... در حالی که از ناظران عینی جبهه‌ها شنیده‌شد که او بجای کشتن دشمن، با دادن فرمان خائنانه بيموقع عقب‌نشینی باعث شهادت صدها پاسدار میگردد. در محکمه‌ترین پایگاه وحدتی، آنجا که محل عیش و نوش شاه بود میخوابید و شهرت میداد که رئیس جمهور در جبهه فعالیت میکند، خلاصه اینکه اگر امام و امت، بر کنارش نکرده بودند او بیاری صدام زمام‌امور را بآمریکا سپرده خود جای دیکتاتور قبلی را گرفته بود!

(صد هزار ابلیس و بلعم در جهان - همچنین بوده است پیدای جهان) کیهان پس چون صدمات تجزیه طلبی شریعتمداری ، از جنس ضرر تجزیه طلبی طلحه و زبیر است ، آمدن نام او در ردیف آنها لازم میباشد !

۱- یکی از فقهای تبریز (ع . ق) که من باو اعتماد دارم ولی از بیم سوء قصد بجان او و امثال او از گفتن نام صریحشان معذورم (این سبک را در باره گذشتگان نیک و ورنیز رعایت کرده ام) نقل نمود که همینکه خبر رحلت آیت الله اصفهانی به تبریز رسید (ص ۲۳۴ گذشت) فقهای بزرگ به حجة الاسلام (م . ح - ج ۱) که در دوره طاغوت ممنوع المنبر و خانه نشین گردید ، پیشنهاد نمودند که در مجلس ترحیم که بالای منبر میرود ، مجتهدین صالح را برای تقلید معرفی کند . . . پس از پائین آمدنش از منبر باو گفتند چرا معرفی نکردی ؟ جوابداد ترسیدم فرصت طلبان نظم مجلسی باین عظمت را بهم بزنند ولی حالا که ازدحام از بین رفته ، میگوییم که آیات عظام ، سید محمد حجت و بروجردی ، اعلم و اعدل و با بصیرت میباشد . گفتن این جمله همان بود و بلند شدن بانگ چماقداران شریعتمداری که کمین کرده بودند همان ! یعنی اعتراض کردند که چرا حق همشهری را رعایت نکردی ؟

همین فقیه اضافه کرد که همان روزها نامه ای از آقای اصفهانی پخش شد که گویا او شریعتمداری را از جانب خود بفاقت معرفی کرده است در صورتی که خبر کان میدانستند اگر سفارشی هم بوده باشد آیات عظام ، حجت و بروجردی و سید محمد هادی میلانی و شهیدی تبریزی به شریعتمداری اولویت دارند !

۲- پس از رفع فتنه پیشه وری ، شاه به تبریز آمد و شریعتمداری از او استقبال کرد . (فتو کپی عکس آندو تأیید میکند که گویا شریعتمداری

پیشانی یا دست شاه را بوسید . کیهان ۶/۳/۶۱)

۳- این استقبال و مصاحبه و نشان دادن استعداد خمیره که در ص ۲۳۶ نیز بدان اشاره گردید نردبان ترقی را پیش پای شریعتمداری گذاشت که به قم رفت و مرجع شیعیان جهان شد .

بنده خویشتم خوان که بشاهی برسم - مگسی را که تو پر و ازدهی شاهین است . حافظ
۴- آیه الله شهیدی که تقوایش مشهور است ، بهنگام عزیمت شریعتمداری به قم که از بجاه و مقام رسیدن خود شاد بود سفارش میدهد که مبادا دعوی اجتهاد کند و دست بکار انتشار رساله شود : (هر کسی بار و نویسی از رساله های دیگران و عوض کردن جای برخی کلمات میتواند صاحب رساله شود .)

۵- بزرگنمایی ادامه پیدا میکند . در رحلت آیه الله حکیم ، شاه ، شریعتمداری بعنوان آیه الله و بزرگترین مراجع تقلید ، تلگراف تسلیت میفرستد و این گزینش ، نقل مجالس عوام میگردد !

۶- در خارج کشور نیز سفر ای شاه بنفع شریعتمداری و آیه الله خوانساری که عمرش گذشته بود و دعوی مرجعیت هم نداشت تبلیغ و از بمیان آمدن نام امام خمینی جلو گیری میگردند (نهضت امام ص ۶۴)

۷- این بزرگنمایی بعدی میرسد که دانشجویی میگوید قبل از انقلاب که در امریکا بودم ، روز نامه های (لوس آنجلس) وقتی سخن از مراجع ایران به میان میآوردند امام خمینی را تحقیر و از شریعتمداری تجلیل مینمودند .

۸- ناصر مقدم (رئیس معدوم ساواک) گفت شریعتمداری را از قم بکاخ آوردیم . او به شاه گفت شما سه ماه بمسافرت بروید . ما آتش انقلاب را خاموش میکنیم و برمیگردید . (کیهان ۲۲/۲/۶۱)

۹- احمد بنی احمد از وکلای دوره طاغوت که حالا از همگامان بختیار

و بنی صدر است، اعتراف نمود که شریعتمداری از راه ارتباط با شاه؛ چند روز قبل از وقوع، از کشتار ۱۷۶۶۵۷۶۷ مطلع بود. (اطلاعات ۱۲/۶۶۵۷)

۱۰- علتش را تنها خدا میداند و مؤمنین هم که بنور حق مینگرند، تنها حدس آنها قریب بیقین است:

حسن نزیه، لیبرال ملی گرای که برای نخستین بار؛ پس از پیروزی انقلاب، فریاد مخالفت بر آورد که پیاده کردن اسلام نه ممکن است نه مفید... در دولت موقت، بعنوان مدیر عامل نفت یا فاعل مایشاء در سر شریان درآمد جمهوری اسلامی قرار گرفت.

مهندسین و کارمندان مسلمان نفت که شجاعانه با اشاره امام خمینی از فرانسه، شیرهای نفت را بروی نفتخواران بسته بودند، از ریخت و پاش «نزیه» خون دلشان جاری میشد.

ولی بمصلحت روز نمیخواستند، فریاد بر آوردند و بدست منافقان دیگر که در کمین نشسته مترصد بهانه و ضربه زدن بجمهوری اسلامی بودند سوژه بدهند. مهندس بازرگان هم با گفتن اینکه اگر نزیه محاکمه شود باید اول من محاکمه شوم، حیات سیاسی او را تضمین مینمود!

سرانجام خیانت از حد گذشت و نزیه متواری و بقولی بنحانه شریعتمداری پناهنده شد و پس از چندی خبر فرار و پیوستنش بشاپور بختیار، بگوش رسید. و حتی شنیده میشد که در صورت موفقیت حزب خلق مسلمان در آذربایجان؛ شریعتمداری، نزیه یا مقدم مراغه‌ای را حاکم می نمود. حالا از نظر عاقلان، پس از مرحله «آرا که حساب پاکست از محاسبه چه پاکست؟» این نقطه سؤال در پیش است که با وجود امام امت و چندین آیات عظام، چه تجانس و قدر مشترکی وجود بود که نزیه بشریعتمداری متوسل شده بمطبوعات خبر

داد که بشرط حضور و نظارت شریعتمداری، آماده مهاکمه شدند؟
 ۱۱- شاعر عرب میگوید: از مرد پیرس که چه و چه کاره است. از
 رفیقش پرس زیرا هر قرینی بقرین خود اقتدا میکند.

علی امینی که با امضای قرارداد کنسرسیوم نفت، ایران را بچنگال
 آمریکا افکند؛ همان امینی که پس از آقای بروجردی، از شریعتمداری قول
 گرفت که پشتیبان سلطنت باشد و... (کیهان ۶۱/۲/۷)

و نیز سید مهدی که شرح خیانتش در ص ۵۳ گذشت و نیز بنی احمد و
 بنی صدر و سرهنگ مدنی و نزیه و سایر فراریان مزدور، پس از کشف همکاری
 شریعتمداری با قطب زاده که جامعه روحانیت، از مرجعیتش خلع نمودند با همه
 فراریان، عزادار شده فریاد «وا اسلاما زدند» و بعضیها از پاپ و اتیکان استمداد کردند!
 و رادیوهای کفر، صدای این اعتراض را بسمع جهانیان رساندند، در حالی که
 مسلمانان واقعی ایران در راه پیمائی شکوهمند خود، هویت شریعتمداری را
 با این شعار، بیان مینمودند! «با شکست شریعتمدار کمر ریگان شکست!»
 ۱۲- تویینخنامه حضرت سجاد بزهری دانشمند معروف، که دین را بدنیای
 فروخته غرق نعمت دربار مروانی شده بود، شامل حال شریعتمداری نیز میشود.
 (کیهان ۶۱/۲/۷)

۱۳- اعلامیه‌های مهور بمهر و امضاء و مزین بعکس شریعتمداری در تأیید و
 معرفی صلاحیت کاندیداهای حزب خلق مسلمان، برای مجلس خبرگان، حاکی
 از يك تدلیس میباشد. و آن چنانست که:

در اول ورقه عکس و نام آیه الله سید محمد علی انگجی آورده شده است
 که گفته میشود خود و پدر و برادر آقای انگجی در مجاهدات ضد طاغوتی
 شهرت بسزا دارند - سپس عکس و نام روحانی‌ای (ج - ۱ - ۱) دیده میشود که

او تا وقتی که در مجلس با اصل ولایت فقیه مخالفت نکرده بود، حرمت و موقعیت خاص داشت!

نفر سوم حجة الاسلام جعفر سبحانی تبریزی بود که او نویسنده و مفسر و خطیب توانائی است که خدماتش بعالم اسلام قابل تقدیر است.

اما نفر چهارم، مقدم مراغه‌ای بود که پرونده‌اش از جاسوسخانه آمریکا بدر آمد! او بود که به حمایت و رضایت از تجزیه طلبان کردستان، بدخالت نمودن آرتش در آن محل اعتراض کرد! همو بود که در مخالفت با قوانین طرح شده پاکان و سنگ انداختن به پیش جریان امور مجلس و بویژه در مخالفت با ولایت فقیه بعدی کارشکنی کرد که با آقای «مخالف» مشهور شد.

از نفر پنجم (علیزاده) تنها باین چند جمله اکتفا میشود که او یارانش در مدیریت حزب خلق مسلمان و روزنامه آن، چندان در راه رضای شیطان بزرگ مقالات مؤسسين اصلی را عوض کردند و بجمهوری اسلامی و مغزهای متفکر و مجاهد آن (مظلوم بهشتی، شهید حسن آیت، شهید چمران و...) ناسزا گفتند و چندان جلسات مصاحبه منافی شأن جمهوری اسلامی ترتیب دادند و چندان در بزرگنمایی شریعتمداری غلو کرده و شعار دادند که «اگر موئی از سر او کم شود؛ ایران را ویران میکنیم!» که مؤسسين، حزب و روزنامه را منحل کرده کنار رفتند! (کیهان ۱۸/۳/۵۸) فقس علیهذا

از این بیعد بود که شریعتمداری بدون توجه بحق و بدون توجه با اعتراض آیات عظام و جامعه روحانیت قم و تمام ایران، به حمایت علنی از حزب کذائی تا آنگاه ادامه داد که دیگر رسوائی از حد گذشت!

از این بیعد بود که با کشف شدن موافقت و رضای او با کودتای ناموفق نوژه و نیز پس از شورش و ریختن چماقداران او، بدرب امام خمینی در قم،

اکثر مقلدین، از تقلیدش بر کشته رساله او را پاره یا بدر بش انداختند.

۱۴- امام خمینی در نطق تاریخی خود (۲۰ ج ۲، مطابق ۴/۸/۴۳ ه.ش) بنحرمین حیات طاغوت آتش زد و تبعید شد که در داخل و خارج، زنگ رسوائی شاه بسدا درآمد. متعاقب آن؛ محققان، از همه جا برای پژوهش؛ وارد قم شدند و این بهترین موقعیت بود که فقهاء در غیاب امام، میتوانند بهره‌برداری و با نشان دادن منازل درهم کوبیده شده طلاب امام؛ مظالم شاه را فاش کرده دیورا از کسوت فرشته خلع لباس نمایند که متأسفانه همه مراجعین؛ بوسیله ایادی مزبور؛ بطرف شریعتمداری؛ راهنمایی میشدند و او هم بیخبران رابه دارالتبلیغ که ساختمانی است وسیع و مدرن و نشاط آور هدایت نموده با اظهار رضایت از شاه، گرد ننگ از چهره او میزدود. (ص ۵۹۶ و ۷۰۳ نهضت امام خمینی) بدینگونه بود که شاه؛ از نهالی که از تبریز آورده و در قم نشانده بود بهره‌برداری مینمود! (باز متقابلا بطوریکه کارکنان دارالتبلیغ او چاپخانه مربوطه در فتنه «خلق مسلمان» افشاء کردند؛ تا روزی که شاه؛ ایران را ترک گفت؛ همواره مساعدت مادی و معنوی او متوجه دارالتبلیغ بود).

پس از مرگ شاه نیز؛ این بهره‌برداری بسود آمریکا که شریعتمداری ساکت و صامت دیروز؛ در جمهوری اسلامی؛ سیاستمداروپر خاشکگر شده بود ادامه داشت تا توطئه براندازی، بوسیله قطب زاده کشف شد و باز جوئیها و مواجعه نمودنهای عباسی داماد و یاران شریعتمداری؛ نشان داد که قرار بوده است، شریعتمداری پس از شهادت امام؛ مردم را بآرامش دعوت کند و روحانی نمایان، امثال شیخ بحرر امام جمعه نقده با سه نفر پاسدار خود، آرامش حوزه را بِنفع قطب زاده آمریکائی حفظ کنند! (اطلاعات ۱۸/۲/۶۱)

در اینجا ممکن است؛ خواننده عزیز بادیدن دوسه اعلامیه از شریعتمداری؛

که بنفع انقلاب اسلامی داده بود، بمطالب فوق بدیده شك و ظن بنگرد! که امید است، مثال زیر مسأله را روشن نماید: احمد بنی احمد در دوره طاغوت نماینده مجلس بود. او در مسیر باطل میرفت و اعتراضی بدولت نمی‌کرد، اما همینکه انقلاب اوج گرفت، استعمار طرز بهره‌برداری از وجود او را عوض کرد و ما دیدیم که همان بنی احمد ساکت دیروز و بار و یاور بختیار و بنی صدر امروز، بر علیه طاغوت پر خاش نموده بصف انقلابیون پیوست. سفری نیز به تبریز آمد و ایادی استعمار، با تعلیمات و آگهی قبلی، باستقبالش شتافتند و به نفع او که در وسط راه انقلابیتر از انقلابیون شده بود شعار دادند!

نتیجه اینکه شریعتمداری، هم بطریق فوق و هم بفشار افکار عمومی، ناگزیر میشد احیاناً مهر سکوت بشکند. با این تفاوت که بجای اعتراض بشاه تنها از فلان وزیر یا فلان رئیس شهر بانی انتقاد میکرد!

۱۵- چهار قضیه که متمم و مؤید یکدیگرند: الف فقیهی میگوید پس از تبعید امام، در حضور شریعتمداری بودم، آیات عظام منتظری و مشکینی و هاشمی رفسنجانی وارد شده طی مباحث زیاد تقاضا نمودند او هم بعنوان اعتراض، يك هفته درس را تعطیل کند تا شاه مجبور شود رهبر را برگرداند. او واقفتر نکرد... یکی گفت «امیدوارم روزی رسد که خداوند پرده تزویر ترا پاره کند!» (شرح این قبیل خواهشها را که شریعتمداری جواب منفی میداد در کتاب نهضت امام، از جمله ص ۸۹۳ میخوانید)

ب: آیه الله خزعلی عضو شورای نگهبان در بخشی از مصاحبه خود گفت: شریعتمداری صرف نظر از اینکه وحدت روحانیت را رعایت ننمود بلکه برعکس پس از تبعید امام رساله خود را توأم با پول توسط روحانی نمائی، (دانشی ساواکی نماینده مجلس) با آبادان و دیگر شهرها فرستاد!

ج: شخصی از نزدیکان شریعتمداری راجع بجنک بعضی هارفتن نظر خواهی میکند. او جواب میدهد « آنها برادران ما هستند »!

مؤید این ممانعت از جهاد، مخالفت دیگر اوست که گفته « کشته شدگان این جنک، شهید نیستند ». فلذا روز قیامت از او میپرسند: کسیکه به برادر هجوم آورد و بنو امیس و مقدسات او تجاوز کند، برادر است؟

همچنین قبل از بازخواست قیامت، انسانها با مقایسه جنک « احزاب » با جنک صدام، بشریعتمداری میگویند « فرق کفار احزاب با کفار صدامی چیست؟ آنها هم برای قطع حیات اسلام آمده بودند، اینها هم ... که جنایاتشان در شهر هویزه بسفرای ممالک خارجی در ایران، ارائه شد.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در باره جهاد اولین مبارز جوابگوی احزاب که علی عَلَيْهِ السَّلَام بود، فرمود « ضربت علی در روز خندق بهتر از عبادت ثقلین است ». اما شما که دعوی نمایندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را داشتید قولا و عملا رزمندگان جمهوری را تحقیر نموده این حقیقت را پایمال کردید در حالی که اگر این رزمندگان بمقابله با صدامیان بر نخاسته بودند، از اسلام جز اسلام آمریکائی و اذتاب او چیزی نمانده بود. عبارت روشنتر، شما برضای صدام و ارباب او نخواستید اعتراف کنید که رزمندگان جمهوری اسلامی، در همان صفی هستند که خداوند در تجلیل آنها بمر کبشان قسم میخورد، اینها در صفی هستند که قرآن عمل آنها را تجارتی میخواند که نتیجهاش نجات از عذاب الیم است (ذلت دنیا و آتش آخرت). اینها در صفی هستند که علی عَلَيْهِ السَّلَام جهاد و پیکار آنها را دری از درهای بهشت و سپر محکم خداوندی خوانده میگوید هر فرد یا قومی که جهاد را ترك گوید خداوند، لباس ذلت بر آنها میپوشاند و ...

شما بجای اینکه رزمندگان را مثل امام خمینی تشویق کنید که فرمود

« من دست قدرتمند شما را که دست خدا بالای آنست میبوسم و افتخار میکنم » به بیراهه رفتید و تجاهل نمودید که تا ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه هر مجتهد و واعظ و گوینده و نویسنده و مجاهد و مصلح اسلامی ، قدم بعرضه اجتماع میکذارد ، سپاسگزار و رهین منت این سلحشوران میباشد چه که آنها شجاعانه احزاب این زمان را عقب راندند و اگر شهید شدند ، خون پاک آنها نهال اسلام را که میوه آن آبادی بلاد و رونق مدارس و آزادی و آسایش عباد است ، شاداب نمود .

شما بجای تشویق بجهاد ، عوام فریبانه و بنفع کفر ، بزبان دوستاران خود ، انداختید که « آقا » صلح دوست است ! در صورتیکه قرآن (۸ : ۶۲) صلحی را که دشمن بخدعه و برای تجدید نیرو پیشنهاد میکند ، قابل پذیرش نمیداند ! (مثل صلح خواهی صدام پس از اشغال خاگ اسلام) ! شما گاه بزبان عوام انداختید که « آقا » هم در انقلاب سهیم است و گاه بآنها گفتید که « آقا » میخواهد اسلام را در محیط آرام ، بجهانیان تبلیغ و عرضه کند ! در صورتی که خود تجاهل مینمودید که اگر اسلام به بلیغترین زبانها تبلیغ شود ؛ باز در مقابل اعتراض ، عاجز است . زیرا معترض میکوید اگر دینتان مفید و فراگیر است چرا در دست مستشاران امریکا در مانده اید ؟ چرا منابعتان بغارت میرود ؟ چرا قصاص و حدود و دیات شما اجرا نمیشود ؟ چرا و چرا ... شما تجاهل نمودید که در طول ۱۴ قرن ، اسلام باندازه آنچه در این سه سال پیروزی انقلاب تبلیغ شده است ، تبلیغ نشده بود . تجاهل نمودید که انقلاب بود که پرده سالوس چندین صدساله ملوک مسلمان نما و خلفای ناحق را بردرید !

د - روزی با کاروانی از حزب الهی های تبریز برای تجلیل از معلمی شهید به شهرک هریس رفتیم . یکی از پاسداران که از بهمرسیدن دوستاران امام ، قوت قلب یافته بود در پیش منبر گفت « مصیبت این شهید از آن نظر بیشتر

غم انگیز است که بجای انعقاد مجلس ترحیم، با اشاره حزب خلق مسلمان که اکثرشان رباخواران و مقلدین شریعتمداری هستند، شبانه درب شهید را با ... آلودند و نیم بشکه نفت آن مرحوم را که برای اطفال خود ذخیره نموده بود؛ بزمین ریختند ... نویسنده از شنیدن آن خبر بیاد سوره زلزله و زبان کشودن زمین افتادم که در قیامت؛ این مسجد نیز خواهد گفت در چند قدمی من معلمی از تبار مالک اشتر بجنک معاویه عصر رفت و کشت و کشته شد ولی شیوخ نهران؛ تا توانستند مانع جهاد رفتن او شدند و چون رفت و شهید شد؛ از ظلم و اهانت در باره خاندان او خودداری نکردند!

خلاصه: از شاه؛ صدها کار خلاف دیدن و از او پشتیبانی کردن ولی از جمهوری اسلامی بیهازی بانگ اعتراض بر آوردن و حکومت «ری» خواستن! .. با دیدن ترورهای ناجوانمردانه که بسیجی‌ها و پاسداران و غزه‌ای متفکر را از امت اسلام میگرفتند و نیز با دیدن کشتارهای وحشت‌انگیز صدام حسین در عراق و ایران؛ لب فرو بستن ولی بقانون اساسی اسلامی با ولایت فقیه یا طرز کار مأمورین اعتراض نمودن ...

در فتنه خلق مسلمان؛ در تبریز بحدی پشتیبان اشرار بودن؛ که آنها محل ایراد خطبه آیه الله شهید مدنی را آتش زدند و بارها مانع تجمع نماز - گزاران شدند، یا آنها را سنگباران نمودند!

بعزالدین حسینی پول فرستادن که برای کمک «بخلق مسلمان» به تبریز سلاح و نفرات بفرستد ... سنگ دفاع از حاکمیت ملت بسینه زدن ولی مانع آزادی رأی دادن بقانون اساسی شدن و مسلمین را بیرادر کشی و کشور را به آشوب کشاندن... و بالاخره بزبان، دعوی حمایت از حاکمیت ملت نمودن ولی خود، حاکمیت ۱۷ میلیون انسان را که بریاست جمهوری آیه الله خامنه‌ای رأی

داده‌اند زیر پا نهادن و حاضر بسقوط حکومت اسلامی او شدن؛ حکایت از مرضی
 میکند که خدا در آیه ۴۷ : ۲۹ فاش کردن آنرا وعده داده و مولای متقیان
 ﷺ گفته :

من صارع الحق صرعه

هر که با حق پنجه درافکند ، حق او را بزمین میزند

رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمناً و للمؤمنین و المؤمنات و لا تزد
 الظالمین الا تباراً .

محمد علی شمشیری میلانی

آخر رجب مطابق سوم خرداد ۱۳۶۱ روز آزادی خرمشهر

فهرست پاورقیها

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۶	زنبور عسل و همه جانداران ، و دانشمندان بزرگ تئوری داروین را رد میکنند ولی استعمار آنها میبوسد و ترویج میکند !	۴۲	امید است دشمنان امام خمینی ، از سر نوشت اسلاف خود عبرت بگیرند !
۳۰	انسان مؤمن ، اساس مسائل را از مکتب انبیاء یاد میگیرد و آنها معیار مسائل دیگر قرار میدهد ولی منافقان التقاطی ، فهم مسائل را بعمل درازمدت ، که شاید تا قیامت هم کشف نشود ، مو کول مینمایند !	۴۴	مجاهدان منافق خلق ، آدم - کشی و مظلوم نمائی میکنند ! و کرد بنی صدر که از او بوی خیانت با - اسلام ، استشمام میکنند جمع میشوند !
۳۳	شاپور بختیار بد کتر مصدق هم خیانت مینمود !	۴۵	همه از خدا بر کشتگان ، پیمان شکنی میکنند !
۳۵	هزینه تجهیزات نظامی سرانه مردم بیشتر از هزینه خوراک آنها است !	۴۷	معادیه اشعث را خرید و بوسیده او حکمیت را بعلی تحمیل کرد !
۴۰	ده نفر از بزرگان ، با خلوص نیت ، حزب جمهوری خلق مسلمان را تأسیس و بعد بعللی منحل نمودند .	۴۸	منافقان از کروکاکگیری جاسوسان آمریکا ، ناراضی بودند !
		۴۹	وصیت شاه برای ایجاد مقبره .
		۵۱	مأمورین شاه در ترور بیکناهان !
		۵۲	ظلم ساواک با آیه الله نجفی مرعشی .
		۵۲	« آقا ، دیروز ساکت بود . اما امروز پر خاشاک است !

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۵۴	خلق مسلمان ، نماز جمعه را تعطیل کرد ، ولی مسلمانان علیرغم آنها نماز را بامامت آقای مدنی ادا نمودند !	۸۲	درعالم مسیحیت ، برای عیسی (ع) بیش از ۶۰ نوع انجیل وجود داشت !
۶۰	شهید رجائی ، در آمریکا پای خود را که در زندان شاه صدمه دیده بود نشان داد و گفت ...	۸۹	دلایل قرآنی برای پسران پیامبر نامیده شدن حسنین علیهم السلام
۶۳	آمریکا قول کمک بپاکستان را زیر پا گذاشت .	۸۹	فعالیت دجالان واجب میکند که کسان خود را بیشتر آموزش دهیم و آنها را با مسائل خانمیت و قائمیت و ... آشنا سازیم !
	رضاخان باشاره انگلیسها حاتم - بخشی کرد . چرچیل بنخلف قول و اوضاع اعتراف نمود !	۹۲	منافقان ، دختران معصوم را بخانه‌های تیمی میکشاند و از زبان آنها بآیات عظام هتاکی میکنند !
۶۶	صدام در حمله بایران بیهانه‌ها متشبهت میشود . شاه سعودی واردن هم کمکش میکنند !	۹۴	فضیلت نبی اکرم بانبیاء <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۶۷	کارهای خلاف صدام تنها از يك روزنامه .	۹۷	علی فرمود «تاوقتی که عبدالله پسر زبیر پا برشد نگذاشته بود زبیر با ما بود» !
۶۸	رؤسای جمهور لیبی و سوریه و الجزائر بصدام اعتراض کردند .	۱۰۲	انتخاب حاکم باید خدائی باشد و گرنه ...
۷۰	دانشجویان پیرو خط امام ، زنان و سیاهان را آزاد کردند .	۱۰۵	خداوند با گفتن سرگذشت امم پیشین ، مسلمانان را آموزش داد که مطیع ولایت امام و ولایت فقیه باشند !
۷۷	احکام اسلام ؛ منطبق با فطرت است		
۸۰	بعضی از پیامبران دارای دو اسم بوده‌اند .		

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۰۷-	منابع احادیث ولایت .	۱۴۲-	منصور ، لقب امام جعفر صادق را تأیید میکند .
۱۱۱-	بوجود آمدن جمهوری -	۱۴۴-	چه بهتر که آدمی با اسلام خود افتخار کند نه بنژاد و وطن!
	اسلامی ، پرده‌های ریای حکام مرتجع را کنار زد .	۱۴۷-	سؤال فاطمه از زنان مدینه بلا جواب ماند !
۱۱۳-	از منافق باید بر حذر بود. زیرا اگر سامری کفر خود را اظهار کرده بود ، کسی فریب نمیخورد.	۱۴۹-	شان نزول آیه تبلیغ .
۱۱۴-	بنی صدر با دولت رجائی مخالفت میکند و امام هم تحمل مینماید تا ماهیتش بهمه کشف شود .	۱۵۳-	منافقان از اذان بلال که ولایت را نیز دربر داشت میرنجیدند ولی پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> تأیید میفرمود .
۱۲۸-	ائمه اطهار و بسیاری از پیشوایان شیعه شهید شده اند جز ولیعصر	۱۵۵-	زهد آیه الله کاشانی و نفوذ او
۱۳۰-	اسلام مروج علم است !	۱۵۷-	بنی صدر کارشکنی میکند ...
۱۳۲-	روحانی درباری و روحانی تبعیدی .	« آقا » وقتی که بمطلوب میرسد دستور رعایت آرامش میدهد و	
۱۳۷-	هیئت سه نفری حل اختلاف.	۱۶۰-	تأثیر پذیری آقا ترک از نماینده روس .
۱۴۰-	در خرداد سالی برهبری رسیدن یحیی و عیسی و مهدی علیهم السلام	۱۶۲-	دوستان ، علی <small>علیه السلام</small> را تنها گذاشتند !
۱۴۱-	معجزه امام صادق ، حمیری را برآورد . پیامبر اسلام افضل انبیاء و اوصیاء او افضل اوصیاء هستند .	۱۶۳-	حدیث الدار و ایمان آوردن علی <small>علیه السلام</small> !
		۱۶۵-	صادقین قرآن ائمه اطهارند!
		۱۴۷-	ولایت تکوینی ائمه اطهار.
		۱۷۴-	حدیث منزلت .
		۱۷۵-	قرآن و مسئله وحی مادران

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
	از دواج حضرت عسکری با حضرت نرجس خاتون .		موسی ، و عیسی ع .
۲۱۹	گوشه‌ای از فعالیت جهاد سازندگی .	۱۷۶	بزرگان شرق و غرب ، با امام خمینی قابل قیاس نیستند .
۲۲۵	مهر ائمه بدوستان خود .	۱۷۷	جنایت استعمار در حـق شیخ شلتوت و امیر کبیر .
۲۲۷	فراورده کنفرانس طائف .	۱۷۸	عدالت خدا و مسئله وصایت .
۲۳۰	منافقان شایعه میسازند !	۱۷۹	چرا پیامبر (ص) علی را بملکه کند و تشبیه کرد ؟
۲۳۶	قهرمانانی که از مکتب فقهای راستین برخاستند !	۱۸۱	مدار کی از ولایت فقیه .
	از رژیم سعودی جز این ، انتظار نیست !	۱۸۲	خیانت بنی صدر و یاران او .
۲۴۰	کتابنامه انجمن حجتیه .	۱۸۵	اولین روزنامه‌ای که بتوقیف روزنامه بنی صدر اشک ریخت !
۲۴۸	تأسیس و بقای جمهوری اسلامی ، آمال شهداء است .	۱۹۲	خیانت‌های بنی صدر آشکار میشود !
۲۵۶	منافقان ، از بحث آزاد فرار میکنند !	۱۹۳	صد جنبش علوی در عرض يك قرن !
۲۷۳	آنانکه بخالدها و رجویها پیوستند !	۲۰۹	انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت ۷۲ تن .
۱۸۹	مقتل علی و فرزندان او مرکز تحرك است .	۲۱۰	پیشگوئی پیامبر ﷺ در باره پرچم‌های سیاه .
۲۹۳	استعمار، دشمن اسلام است .	۲۱۱	پیشگوئی علی ع در باره نهضت امام خمینی .
	خیانت منافقان از روی تقویم خودشان .	۲۱۲	عده‌ای در بغداد امام زمان (عج) را دیدند !
۳۱۷	دشمنی رجوی با اسلام !		

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۳۲۷-	نام برخی از شهداء (از روحانی و غیره) .	۴۰۶-	با بعرصه وجود میگذارد ، که پیامبر نیستند ولی از مقربان خدایند !
۳۳۱-	تذکری بتروریستها !	۴۰۷-	خون شهداء و جمهوری اسلامی !
۳۵۰-	شبهات بنی صدر و شاه معدوم و هارون الرشید !	۴۰۸-	سازمان ملل باید در کشوری باشد که حق « وتو » ندارد !
۳۵۸-	انك استعمارگر در ماتم مزدوران !	۴۱۱-	استعمار در برابر نشر علوم اسلامی !
۳۶۹-	قرآن و مسئله محاربین اسلام !	۴۱۶-	فضیلت پیامبری بر پیامبر دیگر و فقیهی بر فقیه ثانی
۳۸۱-	خروج گروه بازرگان از مجلس اسلامی !	۴۲۵-	ابوذر انسان ایثارگر بود
۳۸۵-	علی (ع) بر سر جنازه طلحه و زبیر زمان !	۴۳۰-	جایزه شاه عرب بصنمار .
۳۸۹-	شاهان محبوبیتی پیش مردم نداشتند !	۴۳۱-	بکوشیم تا اشتباه عصر آقای کاشانی تکرار نشود - بنی صدر امریکائی با اسلام و عانورا سر جنگ داشت !
۳۹۱-	کسروی و افتراهای او!	۴۳۲-	ترویج فحشاء از ناحیه منافقان !
۳۹۳-	اگر برای رئیس جمهور ، کنترل کننده ای بنام ولایت فقیه وجود نداشته باشد ، مورد اعتماد نیست !	۴۳۵-	شعریکه دشمن اسلام از آن ، بیشتر بهره میبرد !
۳۹۴-	ستمی که انگلیس بر کشمیر و ایرلند روا داشت !	۴۴۱-	ایمان آقای بازرگان در نوسانست !
۳۹۵-	مسئولیت ملك خالد در قیامت!		وحشت استعمارگر از فقیه!
۴۰۵-	در هر زمان رجال بزرگی		

- ۴۴۷- بحضرت محمد خیر کثیر داده شده!
- ۴۴۸- خلیفه رشوه خوار!
- ۴۴۹- مرحوم شیخ شلتوت مصری و دانشمند الجزائری از حق دفاع میکنند!
- ۴۵۷- دولت صفویه از روزی روی بضعف نهاد که فقهاء، تروریا شهید شدند!
- ۴۵۸- استعمار، زمامداری را بر سر کار میآورد که در افساد و ایجاد فاصله طبقاتی، مطیع او باشد!
- ۴۶۵- از خدا بر کشتگان، تنگ نظرند - فیدل کاسترو گفت این اسلام بود که شما را پیروز کرد!
- ۴۶۶- شمه‌ای از شجاعت امام خمینی!
- ۴۷۰- اشتباه دکتر مصدق، راجع به در حبس نگاهداشتن نواب صفوی و فدائیان اسلام!
- ۴۷۲- نسل آینده باید بداند که شاهان در زیر حمایت استعمار، بیچه جنایتها دست میزنند!
- ۴۸۳- شاه نتوانست بگوید منصور را تربیت شدگان امام خمینی ترور نمودند!
- ۴۸۹- تقلید از فقیه عادل و بصیر واجبست نه از روحانی ریاست طلب!
- ۴۹۰- ناقوس مرگ استعمار!
- ۴۹۱- درآمد بتکده و دربار.
- ۴۹۳- قرآن و باستانشناسی، بمستکبران، پندبیدار باش میدهد!
- ۴۹۶- جامعه شناس، در خدمت استعمار.
- ۵۰۶- کیفردنیوی، بملتی که بر ژیم سلطنت سر تسلیم فرود میآوردند
- ۵۰۷- لشکر خدا همه جا منتظر فرمانند!
- ۵۰۸- امام زمان عجز از نظر دوست و دشمن در جبهه جنگ.
- ۵۱۰- جهان، با همه وسعت برای دو نفر طاغوت تنگست!
- ۵۱۱- صبر و ایمان مادران شهداء!
- ۵۱۵- ساواک و بلیط بخت آزمائی و نقش ایمان!
- ۵۱۷- زبان قرآن بود که بازبان در حال مرگ فارسی پهلوی پیوند خورد و زنده‌اش کرد

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۱۸	خدمات متقابل شاه و بعضی از شعراء.	۵۵۴	رژیم سعودی، شیعه را که از اول با کفر جنگیده است، کافر میخواند!
۵۲۳	والدینی که دو شهید داده بودند!	۵۵۸	مزدوران صهیونیسم در مدارس شاه!
۵۲۴	ایشان ۴ پاسبان!	۵۶۴	اول کسی که چادر انسر برافکند که بود و از کجا آب میخورد؟
۵۲۵	زنان غرب نمیدانند که اسلام با حجاب و عفت، سعادت بانوان را بیمه و تضمین میکند!	۵۶۵	نظر قرآن در باره عالم بیعمل.
۵۲۶	کوشش متوکل و هارون در تضعیف شیعه!	۶۷۳	نمره شیرین، قاطعیت قاضی اسلام!
۵۳۵	اغفال یا چشم‌بندی در کتب مدارس در عهد شاه!	۵۷۶	چادر بی‌بند و باری.
۵۳۸	مارا شاه هم مرتجع میگفت، شما هم!	۵۷۷	فطرت پاک، نیازی بتحریرک ندارد.
۵۴۳	دایره اختیارات فقیه‌ها کم	۵۸۰	خیانت تیمسار زاهدی و پسرش
۵۴۹	نفوذ مستشاران خارجی و هزار قامیل داخلی!	۵۸۲	نقش شرکتهای در سر نوشت انتخابات.
۵۵۰	دنیا از این قاضی راضی است!	۵۸۴	پیران، مینها را از کار انداختند!
۵۵۱	بچشم خود دیدم که عمده بر نامه دانشکده‌ها قطع ریشه دین بود!	۵۸۶	باهوشترین بچه دنیا از سیاهان!
۵۵۳	تشریفات حکومت از نظر علی و دیگران!	۵۹۹	آزادی برده از نظر اسلام و دیگران!

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۶۰۳	هر جا که نور ولایت فقیه	۶۳۴	استاد مطهری گفت فلان
نتابد پیدایش میکرب فساد حتمی است		چو بیان بهائی در اثر مراحم	
۶۰۴	دزدی و اختلاس در شوروی!	ملوکانه بروت کلان رسید!	
۶۰۵	اقتصاد از نظر کمونیسم و اسلام.	۶۳۵	برای دوستان برادران شاه
۶۰۶	رژیم شاه قرصهای ضدبار-	هم بهنگام ورود بشهر، تشریفات	
داری را بعنوان بی ضرر بودن		بعمل میآمد - تیمسار بیکلری را	
بخورد بیخبران میداد!		بجرم خشونت با مزدوران صهیونیسم	
۶۱۰	اگر جهان کمونیسم،	تنزیل مقام دادند. کفار یکه از	
بهشت است، چرا مردم فرار میکنند؟		دست حجتیه سیلی خورده اند،	
۶۱۱	هوشیاری شیعه در مقابل	منتظر فرصت و انتقامند!	
توطئه تغییر خط فارسی.		۶۳۶	شهید مصطفی ابراهیمی مجد
۶۱۲	آمریکا برای تصرف «جولان»	امام زمان را دیده بود.	
سلاح «وتو» را بکار میبرد!		۶۴۴	دزدان ناموس طرحی ریخته
۶۱۴	این کتابها را هم بخوانید.	بودند که پزشکان، تدبیر نگذاشتند	
۶۱۷	جعفر پیشه‌وری، مزدور	عملی شود!	
چند چهره‌ای!		۶۴۷	سرهنگ فرانسوی از دیدن
۶۲۶	بر عهده تاریخ است که کشف	استقامت اسیر الجزائری گفت	
کند، در آزادی هند، اسم مجاهد		«اگر يك گروهان از اینها	
کبیر مولانا حسن چرا بمیان نیامد!		میداشتم دنیا را فتح میکردم»	
و چرا استعمار از ذکر نام رهبران		۶۴۹	افتخاریکه اسلام بیانوان
آسمانی خودداری میکند؟!		داده است نظیر ندارد!	
۶۲۹	ادبیات شعرای آزاد بخواه	۶۷۵	اگر ولایت فقیه نبود، بنی صدر،
گرچه کمست ولی بتمام دآوین		ایران را با آمریکا سپرده خود جای	
دیگران می‌ارزد.		دیکتاتور قبلی را گرفته بود.	

در اینجا هم آدرس بعضی از آیاتیکه بمناسبتی بآنها اشاره شده است،
تقدیم میشود تا جویندگان، با مراجعه بترجمه و تفسیر قرآن و دیدن
مقدمه و مؤخره آیه در جریان امر قرار گیرند .

نام سوره و شماره آیه صفحه کتاب

بقره - ۲۳ - و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسوره... ۲۸

انعام - ۱۹ - ... و اوحی الی هذا القرآن لانذرکم به و من بلغ ... ۸۳ و ۲۹

اسراء - ۸۸ - قل لئن اجتمعت الانس والجن علی ان یأتوا بمثل هذا القرآن... ۲۹

یونس - ۵۷ - یا ایها الناس قد جائتکم موعظه من ربکم .. «

انفال - ۲۴ - یا ... استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم و .. «

شوری - ۵۲ - سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم .. ۲۹

بقره - ۲۵۷ - الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور ... ۲۹

اعراف - ۲۰۳ - ... هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون . ۲۹

اسراء - ۹ - ان هذا القرآن یتهدی للتی هی اقوم و یتشر المؤمنین . ۳۰ و ۸۴

حجر - ۹ - انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون . ۳۰

فرقان - ۳۰ - ... یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً . ۳۰

اسراء - ۸۷ - ... ان فضله کان علیک کبیراً . (محمد ص) ۳۰

تقوی 'بینش می آورد .

انفال - ۲۹ - ... ان تتقوا الله یتجعل لکم فرقانا . ۳۱ و ۳۲

صید - ۲۸ - یا .. و یتجعل لکم نوراً تمشون به و یغفر لکم . ۳۱

نور - ۳۲ - و انکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ... ۷۷

۶ - آیه پیرامون نبی اکرم صلی الله علیه و آله بویژه خاتمیت آنحضرت

صف - ۶ - ... و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه احمد . ۸۰

احزاب - ۴۰ - ما کان محمداً با احد من رجالکم ولیکن رسول الله و خاتم النبیین ۸۳

- سبا ۲۸ و ما ارسلناك الا كافة للناس بشيراً و نذيراً ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۸۳
- فرقان - ۱ - تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيراً . ۸۳
- اعراف - ۱۵۸ - قل ، يا ايها الناس انى رسول الله اليكم جميعاً . ۸۳
- انعام - ۱۵۵ - و تمت كلمة ربك صدقاً و عدلاً لأميرك لكلماته . . ۸۴
- انفال - ۶۰ - و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ... ۳۶۹ و ۸۴
- نساء - ۹۵ - ... و فضل الله المجاهدين على القاعدین اجراً عظيماً . ۹۲
- اعراف - ۱۵۴ - و اختار موسى قومه سبعين رجلاً لميقاتنا ... ۱۰۲
- قرآن در جای حضرت محمد ﷺ بیان کننده عادل و بصیر میخواهد .
- نمل - ۴۴ - ... و انزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم ... ۱۰۶
- نمل - ۶۴ - و ما انزلنا عليك الكتاب الا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه ... ۱۰۶
- یس - ۳۰ - ... يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول الا كانوا به يستهزؤن ۱۰۷
- بقره - ۸۷ - ... افكلما جائكم رسول بما لا تهوى انفسكم استكبرتم ... ۱۰۷
- توأم با قرآن اطاعت از اخبار صحيح واجب است .
- حشر - ۷ - ... و ما آتاكم الرسول فخذوه و ما نهىكم عنه فانتهوا ... ۱۰۹
- نساء - ۱۳ و فتح - ۱۷ - و من يطع الله و رسوله يدخله جنات ... ۱۰۹
- نساء - ۶۹ - و من يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله ... ۱۰۹
- نساء - ۸۰ - من يطع الرسول فقد اطاع الله و من تولى فما ... ۱۰۹
- آل عمران - ۳۳ - و قل اطيعوا الله و الرسول . . ۱۰۹
- آل عمران - ۱۳۲ - و اطيعوا الله و الرسول لعلكم ترحمون . ۱۰۹
- آل عمران - ۳۱ - قل ان كنتم تحبون الله فاتبعونى يحببكم الله ... ۱۰۹
- نور - ۵۴ - قل اطيعوا الله و اطيعوا الرسول فان تولوا ... ۱۰۹
- نساء - ۵۹ - يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم

- فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله و الرسول ان كنتم ... ١١٠ و ١٥٥ و ٣٦١
- طه - ٨٥ - قال فانا قد فتنا قومك من بعدك و اضلهم السامري ١٢٣ و ١٥٥
- سبا - ٣٤ - و ما ارسلنا في قريه من نذير الا قالوا مترفوها ... ١١٦
- مائدة - ٦٦ - و لو انهم اقاموا التوريه و الانجيل و ما اتزل اليهم ... ١٢١
- نمل - ٣٤ - ... قالت ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها ١٢٤ و ٣٧١
- ولايت اهل بيت و مودت آنها عليهم السلام
- شورى - ٢٣ - ... قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة في القربى ... ١٥٠
- سبا - ٤٧ - قل ما سئلتكم من اجر فهو لكم ... ١٥٠
- مائدة - ٧ - ... و اذكروا نعمة الله عليكم ... ان قلتم سمعنا و اطعنا ... ١٥٣
- آل عمران - ٦١ - فمن حاجك فيه ... فقل تعالوا ندع ابنائنا .. ١٥٣
- احزاب - ٣٣ - ... انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ... ١٥٣ و ٣٦٠
- مائدة - ٥٥ - انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا ... و هم را كعون ١٥٤
- نساء - ٥٩ - ... اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم ... ١٥٥
- اسراء - ٧٢ - و من كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى و اضل سبيلا ... ١٩٦
- انبياء - ١٠٥ - و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون . ١٩٩
- قصص - ٥ - و تريد ان نمن على الذين ... و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين ٢٠٠
- مومن - ٥١ - انا لننصر رسلنا و الذين آمنوا في الحيوه الدنيا ... ٢٠٤
- مجادله - ٢١ - كتب الله لاغلبن انا و رسلى ... ٢٠٤
- نمل - ٨٣ - و يوم نحشر من كل امة فوجاً ممن يكذب باياتنا فهم يوزعون ٢٠٤
- رعد - ٤٣ - قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم و من عنده علم الكتاب . ٢٦٠
- يس - ١٢ - و كل شئ احصيناه في امام مبين ... ٢٦١

- يونس - ٣٥ - ... افمن يهدى الى الحق . احق ان يتبع امن لا يهدى الا ... ٣١٢
- نساء - ٨٣ - و اذا جائهم امر من الامن او الخوف اذاعوا به و لو رده الى الرسول و الى اولى الامر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم ... ٣٥٣ و ٣٦٩
- نحل - ١١٢ - ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمئنة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بانعم الله فاناقها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا يصفون ٣٥٣
- نحل - ٣٦ - ولقد بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت ٣٦٨
- حديد - ٢٥ - لقد ارسلنا رسلنا ... ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد ٣٦٨
- توبه - ١٢٢ - ... فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين . ٣٦٨
- احزاب - ٢١ - لقد كان لكم في رسول الله اية حسنة لمن كان يرجو الله . ٣٦٨
- نساء - ١٤١ - ... و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً . ٣٦٨
- بقره - ١٢٤ - ... اماماً قال و من ذريتي قال لا ينال عهدى الظالمين . ٣٦٩
- فرقان - ١٨ - ... و لكن متعتهم و آباؤهم حتى نسوا . الذكر و كانوا قوماً بوراً ٣٧١
- احزاب - ٣٩ - الذين يبلغون رسالات الله و يخشونه و لا يخشون احداً الا الله ٣٧١
- احزاب - ٣٢ - يا نساء... فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض ... ٣٥٥
- مائده - ٣ - اليوم يشس الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم و اخشون اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتى و رضيت لكم الاسلام ديناً فمن ... ٤٠١
- الحاقة - ٤٥ - و لو تقول علينا ... لاخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه الوتين ٤١١
- نساء - ٩٢ - و ما كان لمؤمن ان يقتل مؤمناً ... فتحرير رقبة مؤمنه ... ٥٣٥
- ابراهيم - ٢ - ... لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم ان عذابي لشديد ٥٤٨
- يونس - ٩١ - آلآن و قد عصيت قبل و كنت من المفسدين . فالיום تنجيك

اسماء اعلام

آ	
آلمانی نویسنده ۳۲۴	آدم ۲۶ ر ۷۸ ر ۱۶۶ ر ۱۶۷ ر ۳۰۱ ر ۴۸۷ ر ۵۰۸
آلنده سالوادر ۶۶۴	آتاترک ۱۶۰ ر ۵۴۸ ر ۶۴۲
آلیس ۲۸۶	آتیلا ۳۳ ر ۵۳۲ ر ۵۵۲
آلریک ۶۲۳	آخوندزاده ۱۶۰ ر ۴۴۸ ر ۶۱۰
آموزگار، جمشید ۴۳۰	آدمیت ۴۶۵ ر ۶۱۰
آنا-تازمیکیویان ۶۱۵	آربلی ۲۳۴- آرتور، موعود ۲۱۳
آنتونینا ۵۵۲	آرتور کایتون ۲۱
آندره ژید ۵۹۸ ر ۶۰۷ ر ۶۵۴	آرکادیوس ۵۵۳
آندری ۶۲۳	آرنولد ۶۲۵- آریوس ۵۴۱ ر ۵۵۳
آوی، سید تاج الدین ۴۳۸	آسیه زن فرعون ۴۹۹
آیت، سید حسن ۳۲۸ ر ۶۸۱	آشتیانی ۲۹ ر ۱۵۵ ر ۲۳۴ ر ۴۶۶
آیتمن ۴۲۳	آشوری شهید ۱۲۹ ر ۳۲۸
الف	آصف ۱۴۲ ر ۴۳۸
ابابیل ۶۰۷- ابان ۲۲۳	آقا بزرگ تهرانی ۲۳۴ ر ۴۷۵
ابراهیم (ع) ۲۶ ر ۳۰ ر ۸۶ ر ۱۰۵	آقاخان ۶۲۸- آقاسی ۴۳۸
۱۴۶ ر ۲۰۱ ر ۳۴۴ ر ۴۹۰ ر ۴۹۰ تا ۲ ر ۵۰۴	آل احمد، جلال ۳۲۶ ر ۶۰۷
۵۰۸ ر ۵۹۵ ر ۶۶۹	آلبرماله ۵۳۳ ر ۵۴۶ ر ۶۷۱
ابراهیم بن عبدالله محض ۱۴۲	آل طاهر ۳۲۸ آل طاهر سید جمال ۴۷۲
ابراهیمی مجد ۶۳۶	آلتون جوتر ۵۷۹
ابرهه ۵۰۶ تا ۷ ر ۶۷۶	آل عصفور ۴۶۱-
ابریشمی ۳۸۰	آل کاف الغطاء ۲۳۴ ر ۴۵۶
ابن ابی الحدید ۱۰۹ ر ۱۱۸ ر ۱۹۵	

- ۶۷۴ر۲۹۳
 ابو بکر خوارزمی ۴۳۳
 ابن ابی رافع ۴۴۷
 ابو بکر عتیق ۵۰۱-ابلیس ۲۱۱
 ابن ابی العوجاء ۲۵۶
 ابوترابی ۳۲۸ر۱۹۱ر۱۲۹
 ابن بابویه ۳۷۹ر۲۳۴
 ابوترایبان ۵۳۱ر۴۵۹ر۳۹۷
 ابن الجماعه ۴۴۴ تا ۵
 ابوجهل ۶۲۷
 ابن جوزی ۳۰۷
 ابوالحسن بدیهی ۴۳۳
 ابن حجر ۳۱۸ر۲۵۱ر۲۲۴ر۱۱۰
 ابوالحسن سلامی ۴۳۳
 ابوالحسن مسعودی ۳۰۶
 ابن خلکان ۳۲۱-ابن الخمار ۴۲۴
 ابوالحسن فارسی ۴۲۸
 ابن زیاد ۴۱۶ر۳۳۲
 ابو حفص شهرزوری ۴۳۴
 ابن سکیت، اسماعیل ۵۰
 ابو حمزه ثمالی ۱۸۳
 ابن سینا ۴۲۴ر۳۸۹ ر ۴۶۱ ر ۵۱۸ تا
 ابوحنیفه ۴۴۷ر۳۱۹ر۲۸۱ر۱۳۶
 ۱۹
 ابوداود ۲۵۰ر۲۴۸
 ابن شهر آشوب ۳۱۳ر۱۴۸
 ابودلف خرمی ۴۳۴
 ابن عباس ۳۱۴ر۲۷۶ر۱۶۵
 ابوزر ۴۱۵ر۴۱۳ر۴۰۵ر۹۸ر۳۸
 ابن عساکر ۱۲۴-ابن عمید ۴۲۸ تا ۹
 ۵۹۵ر۴۴۷
 ابن عودی ۴۴۶
 ابوریحان ۱۹ تا ۵۱۸ر۴۹۷ر۴۲۴
 ابن ماجه قزوینی ۲۵۰ر۲۴۸
 ابوسعید رستمی ۴۳۳ر۴۲۸
 ابن مردویه ۲۸۱-ابن معنوق ۳۱۵
 ابوسعیدی ۳۸۱
 ابن ملجم ۵۲۶ر۵۲۳ر۲۴۸ر۴۵
 ابوسفیان ۶۲۷ر۱۴۷ر۱۲۳
 ابن المهدی شهید الجزائر ۶۴۷
 ابوسلمه خلی ۲۵۵
 ابوالادیان ۱۸۷-ابوالبرکات ۴۵۴
 ابوسهل مسیحی ۵۱۹ر۴۲۴ر۳۸۹
 ابوبکر خلیفه ۳۰۳ر۱۹۹ر۱۴۸
 ابوطالب (ع) ۲۸۴ر۱۶۸ر۱۹ر۸۰
 ۴۴۰ر۳۳۳
 ۲۸۵ر۳۵۲

- ابو طالب مأمونی ۴۳۳
 ابو عامر ۵۹۳
 ابو العباس طبری ۴۳۳
 ابو عبدالله بابویه ۹ تا ۳۷۸
 ابو الفضل، ابراهیم ۲۷۹ و ۱۹۵
 ابو جعفر طبرسی ۴۳۴
 ابو العباس ضبی ۴۳۳
 ابو العلاء ۴۳۳ - ابو الفلاح ۴۴۵
 ابو مخنف ۱۲۴
 ابو مدین محمد الجزائری ۶۴۷
 ابو مسلم اسماعیلی ۴۳۴
 ابو مسلم خراسانی ۲۵۵
 ابو منصور ربیعی ۴۲۹
 ابو موسی اشعری ۶۷۶ و ۴۶
 ابو نواس ۳۰۶
 ابو هاشم علوی ۴۳۴
 ابو هریره ۲۷۸ و ۱۲۳
 ابو یعقوب ۳۳۴ - ابو یوسف ۱۳۸
 اتسز، سلطان ۵۲۱
 اجاره دار ۳۲۸ - اجنه ۱۵۰
 اجاقلی زاده خلیل ۲۰۷
 احمد بن اسحق ۳۰۱ و ۳۰۰
 احمد بن خاقان ۲۳۰
 احمد حنبل ۳۱۴ و ۳۰۷ و ۹۲ و ۸۹
- احمدی پناه ۳۲۸
 اخباری، سروان خلیبان شهید ۱۹۱
 ۳۲۹
 اخوت اسلامی ۳۰۸
 اخوتیان ۱۹۲ و ۲۱۰ و ۳۸۱
 ادموند جیز روچیلد صهیونی ۴۲۳
 ادیبان فاتح سرهنک شهید ۱۹۱
 ارانی، تقی ۶۱۰
 اردبادی دکتر صبور ۶۵۰
 اردبیلی مقدس ۱۶۹ و ۲۳۶ و ۳۷۸ و ۴۵۷
 ارسطو ۴۶۱ و ۵۵۸ - آنهاری ۱۰۰
 اسامه ۳۵۲ و ۶۷۶
 اسپنسر هربرت ۶۰۹
 استالین ۳۳ و ۳۷ و ۳۵۶ و ۳۹۴ و ۴۰۷
 ۵۶۶ و ۵۷۹ و ۵۸۳ و ۶۰۴ و ۶۰۸ و ۱۰ تا ۱۰
 ۶۱۶ و ۶۲۰ و ۶۵۴ و ۶۵۸
 استرآبادی امیر شریف ۴۵۱
 اسعد کرکائی فخرالدین ۵۱۸
 اسحق کندی ۱۴۸
 اسحق نبی (ع) ۱۴۵ و ۲۴۲
 اسدآبادی سید جمال الدین ۱۲۸ و ۲۹
 ۳۷۲ و ۳۸۹ و ۴۰۵
 اسدی ۴۳۳
 اسکندر مقدونی ۱۴۵ و ۲۴۲ و ۶۵۹

مرتبہ دہا و صلحا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

القائیان ۴۱ - المبرم ۳۳۳	۶۷۱
امامی سعید ۲۳۷ امامی کاشانی ۱۹۲	اسلامی محمد صادق ۲۳۷ ر ۴۸۱
امامی سید حسین ۱۹۱ ر ۲۳۷	اسلامی ۳۲۸ - اسماعیل نبی ۱۷۸
امامی شریف ۳۵۹ - امامی صادق ۴۸۰	اسماعیل بن صادق ۱۴۳ ر ۱۴۴
امپراطور روم ۱۴۵ - ام سلمہ ۲۷۸	اسمیت ہدیریک، مؤلف ۶۰۱
ام الفضل ۵۲۶ - ام کلثوم ۳۰۱	اشتر جموش ۳۵۱
امیر امان اللہ خان افغان ۴۵۹	اشتقان تشوایک ۵۳۴
امیر انتظام ۲۹۱ - امیر بحرین ۵۸۸	اشعث ۴۵ ر ۵۲۶
امیر اعلام ۱۶۹ ر ۱۷۰ - امیر علم ۳۷۰	اشکانی فرہاد ۵۲۲
امیر کبیر ۱۷۷ ر ۱۷۹ ر ۲۲۲ ر ۶۳۱	اصبح بن نباتہ ۴۱۹ ر ۴۴۷
امیر کویت ۵۸۷	اصغری محمد وزیر داد گستری ۴۰۹
امین احمد ۲۳۹ - امین بن ہارون ۵۲۷	اصفہانی خازن ۴۳۳
امین سید حسن ۴۸۷	اصفہانی سید ابوالحسن ۲۳۴ ر ۴۱۰
امین سید محسن ۱۰۹ ر ۱۴۸ ر ۱۹۷	۴۷۷ مرجع شیعہ
۲۳۳ ر ۲۳۷ ر ۴۸۷	اصفہانی میرزا مہدی ۲۳۷ ر ۴۶۲
امین زادہ ۳۲۸ - امین نخیلہ ۳۴۰	اصنام ۳۸۰ - اعتصامی ۳۱۱ ر ۳۶۵
امینی عبدالعزیز ۱۲۸ ر ۱۴۹ ر ۱۵۴	اعظمی محمد شہید ۳۷۸
امینی سید محمد اہل سنت ۱۲۲	افراز محبوبہ ۴۹۹
امینی علی ۱۰۰ ر ۱۰۱ ر ۳۵۹ ر ۴۴۴ ر ۶۸۰	افراسیاب ۵۰۵
امینی فاطمہ ۴۹۸	افضلی، سرہنگ ۱۹۴ ر ۵۰۷
انجیل ۲۸۲ ر ۳۰۸	افغانی، ملا احمد شہید سنی ۵۹۲
اندرزگو ۱۲۹ ر ۱۹۴ ر ۴۸۱	افلاطون ۲۸ ر ۴۶۱ ر ۵۵۸
انس ۲۸۵ - انصاری ۳۲۸	اکبر شاہ ۴۵۵ - اکبری ۳۲۸
انصاری مرتضیٰ ۱۷۶ ر ۳۷۵ ر ۵۱۰	اکوست فیلیپ فرانسیسہ ۵۵۵ ر ۶

مرتبہ دہا و صد در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

- انصاری ۲۴۱ - انصارین ۶۰
 انگجی، سید حسن ۴۱۰ ر ۶۸۰
 انگجی، سید محمد علی ۶۸۰
 انگلس ۲۶ ر ۳۴ ر ۲۵۶ ر ۵۹۷
 انور سادات ۱۲۲ ر ۱۱۱ ر ۷۳ ر ۴۸ ر ۳۵
 ۳۵۵ ر ۳۶۸ ر ۳۷۱ ر ۳۸۹ ر ۳۹۳ تا ۹
 ۴۰۴ ر ۴۷۳ ر ۵۴۸ ر ۷۶۴ ر ۶۶۴ تا ۶
 انوشیروان ۵۱۲ تا ۱۳ تا ۵۱۹
 انیشتن ۲۸ ر ۲۱۳ - ایوبی ۵۳۰
 اوتار بابا ۵۸۱ - اویسی ۴۳۰ ر ۶۴۴
 ایدن ۵۷۹ - ایرانی رضا ۴ و ۵
 ب
 باب، علی محمد ۹۴ ر ۲۵۷ ر ۲۶۹ ر ۳۹۰
 ۵۷۵: ۵۶۴ ر ۵۸۱ ر ۶۲۷
 بابکان ۳۶۹ - بادامچیان ۴۸۱
 بادروج حسین ۵۶۵
 بارفروش محمد علی ۵۶۴
 بارتون، اسپرن و بایرون انگل ۵۷۱
 بازارگان مهدی ۱۰۱ ر ۱۹۲ ر ۲۹۸
 ۲۱۰ ر ۲۲۶ ر ۳۸۱ ر ۴۳۶
 باغانی و علی اصغر ۳۲۸
 باقراوف ۶۱۷
 باہتر محمد جواد ۲۱۸ ر ۲۹۷ ر ۳۱۶
 ۳۲۱ ر ۳۹۳ ر ۴۳۰ ر ۴۷۶
 بایزید ۳۱۹. بایلدیک آتیل ۵۵۲
 بایہام ۶۵۰. بیرک کارمل ۱۱۲ ر ۹۶۲۰
 بحر العلوم، سید محمد ۴۵۴ تا ۵۶
 بخارائی محمد ۲۳۷ - بخاری ۹۲ ر ۱۲۴
 بخت آزمائی ۵۱۴ - بخت النصر ۶۷۱
 بختیار ۳۴ ر ۸۰ و ۱۰۰ ر ۵۸۱ ر ۳۸۲ ر ۹۶
 ۴۰۴ ر ۴۱۲ ر ۴۳۰ ر ۴۳۷ ر ۵۹۱ ر ۶۴۴
 ۶۸۱
 بدیعزادگان ۳۱۷ - براون ۳۴۱ ر ۵۶۴
 برژنسکی ۶۶ ر ۵۸۹
 برژنف ۳۶۵ ر ۷۱ ر ۵۹۵ ر ۶۱۶ تا ۲۲
 برزویہ طبیب ۵۱۹ - برستون ۵۸۴
 برغانی محمد تقی ۱۲۸
 برقون شاه ۴۴۵
 برمکی فضل ۶۲۷ - یحییٰ ۲۲۳ ر ۵۲۸
 برناردشاو ۹۵
 بروجردی فقیہ ۱۳۲ ر ۴۱۰ ر ۶۷۷ ر ۶۸۰
 برہمن کلا ۲۱۳ - بریدہ ۲۸۰
 بزازی، ابوالقاسم، فقیہ شہید ۳۲۸
 بزرگ نیا ۱۹۱ ر ۵۸۳ - بشارتی ۲۱۳
 بشارت، محمد تقی ۵۹۲
 بشنوی کرد ۳۱۱ - بشیری زاده ۴۰۰
 بصری، حسن ۳۱۱ - بطلمیوس ۶۷۱
 بعثی عبداللہ ۳۲۸ - بگلری تیمسار ۶۳۵

مرتبہ دہا و صدہا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

بہبہانی سید عبداللہ ۴۰۵ - ب ۱۲۸	بگین مناخیم ۱۵۱۳۵ ر ۳۹۳ تا ۵
بہر روزی ۶۵۷ - بہشتی ۲۲۸ - بیانی ۳۸۱	۶۶۹ ر ۵۳۹
پاپ ۵۵۶ ر ۵۳۰ - پارسا ۶۰۳	بلاغی سید رضی ۴۷۴
پاسبان ۵۲۴ - پاستور ۴۰۸	بلال المؤمن ۱۵۳ - بلعم ۱۸۷ ر ۳۸۵ ر ۶۷۶
پاشا ۴۵۴ - پاکنژاد سید رضا ۶۴۴	بلقیس ملکہ سبا ۴۴۰ - بنابی جوادی ۵۴۲
یالہ ۲۰۶ - پالیزبان ۶۵ ر ۱۰۰ ر ۶۴۴	بنابی عبدالحمید ۵۲۴ ر ۲۱۸
پانصد جنازہ مصری ۱۱۱	بن بلا ۳۹۸ - بن قاسم الجزائر ۴۴۹
پایندہ ۱۹۱ - پرچم سیاہ ۲۴۸	بن بھیبی، محمد صدیق الجزائر ۶۶۵
پرسی سیان ۳۳۹ - پرودن ۶۰۷	بنی احمد ۶۰۰ ر ۶۷۵ ر ۶۸۳
پرویز عباس ۵۱۰ - پریمی ۳۲۸	بنی صدر ۷۰ ر ۵۷ ر ۳۷ ر ۱۱۵ ر ۶۷ ر ۴۴
پسیان ۶۱۸ - پشمینہ باقر ۱۹۱	۸۲ تا ۱۹۱ تا ۳ تا ۲۰۷ تا ۲۱۸ ر ۲۶
پطرس زاہد ۵۳۰ - پطر ۴۹۹ ر ۶۲۹	۵۷ ر ۴۹ ر ۷۴ ر ۹۲ ر ۳۱۷ ر ۳۵۰ ر ۶۷ ر ۹۳
پطرد شفسکی ۱۵۴ ر ۷۹ ر ۶۱۲ ر ۶۴۹	تا ۶۰۶ ر ۴۰۶ ر ۴۱۲ ر ۳۰ ر ۳۰ ر ۷۸ ر ۹۸
پمپی ۵۳۲ - پور داود ۵۱۸	۶۷۹ ر ۴۴ ر ۶۱۳ ر ۵۵۶
پورشوتا ۳۴۰ - پول لہوژور ۳۳۷	بنی فضل ۴۶۷ ر ۲۳۰ ر ۵۰
پولس ۵۳۹ - پولیتسر ۵۹۷ ر ۶۴۰	بنی فضال ۶۷۶
پہلوی اشرف ۴۸۶ ر ۳۸۸	بوخارین ۶۰۷ - بو کوفسکی ۶۰۹
پہلوی شاپورہا ۳۹۲	بوزر جہر ۵۱۳ ر ۵۱۹
پہلوی رضا ۵۲ ر ۱۵۹ ر ۲۱۱ ر ۲۱۸	بوعلی مسکویہ ۴۲۴
۶۴۴ ر ۳۹۶ ر ۳۶۴	بورقیہ ۴۱۴ ر ۴۰۶ ر ۳۹۶
پہلوی رضاخان ۶۴۳ ر ۱۶۰ ر ۲۶۲	بولگا کف میخائیل ۶۰۴ - بونصر ۴۲۴
۴۱۱ ر ۵۳۴ ر ۵۶۴ ر ۶۱۲ ر ۶۱۷	بہاء (روسی) ۸۹ ر ۹۰ ر ۹۴ ر ۲۵۷ ر ۴۳۹
پہلوی فرح ۴۳۹ ر ۳۷۲	۵۵۷ ر ۵۸۱ ر ۶۲۷
پہلوی محمد رضا در صفحات زیاد تا	بہودی ۴۹ - بہودی محمد ۳۲۸

مرتبہ دہها و صدھا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

ث	۵۰۰ تا ۵۱۲ ر ۲۳ ر ۳۵ ر ۵۶ ر ۷۹ تا ۸۱
ثابتی پرویز ۳۵۴ - ثعالبی ۴۲۷	۷۹ ر ۷۶ ر ۴۳ ر ۳۷ ر ۹۶ ر ۶۰ ر ۳۹ ر ۸۶
ثمود ۴۹۳ ر ۴۹۰ ر ۴۲	۶۸۲
ج	ت
جابر بن حیان ۴۴۷ ر ۴۱۹ ر ۲۲۳	تاچر ۲۳۸ - تارک دنیا ۷۷
جابر بن سمره ۲۸۵ ر ۲۴۴ ر ۸۹	تبرزین، کشتی ۳۲۵ ر ۲۹۲
جابر بن عبدالله ۲۹۲ ر ۹۹	تبریزی میرزا صادق ۲۳۶
جابر جعفی ۴۱۹ ر ۳۴۷ ر ۳۲۹	تجلیل ۵۵۱
جابر بن محمد علی ۳۶ - جابر الله ۲۳۹	ترکمانی ۵۶۵
جالوت ۱۰۵ ر ۳۵۴ ر - جامی ۲۵۲	ترمذی ۱۵۳ ر ۲۰۰ ر ۵۰
جان استوک ۵۷۰ - جان پل سارتر ۵۳۰	تروتسکی ۶۵۸ ر ۶۰۷
جان دن ۵۸۴	ترومن ۴۰۷ ر ۴۷۰ ر ۴۸۴ ر ۴۵۳ ر ۵۷۹
جان دیون پورت ۳۳۹ ر ۳۲۵	تره کی ۶۲۹ - تفرشی ۱۶۹
جانسون ۵۸۹ - جانمیچل ۵۸۴	تفویضی زواره ای ۳۳۰
جان هوس ۵۱۳ ر ۴۰۸	تقیزاده ۳۶۰ - تنباکو ۳۹۰ ر ۴۶۵
جبران خلیل ۳۳۸ - جرجانی ۴۳۳	تندگویان ۱۹۴ ر ۶۹ - تنکابنی ۱۷۱
جبرئیل ۳۶۵ ر ۲۷۹ ر ۲۴۷	توانا ۳۲۸ - تورات ۲۶۴ ر ۲۸۲
جرج شاه انگلیس ۵۵۷ ر ۱۷۲	توحیدی ۳۲۸
جرجرائی ۴۴۰ - جرج دبلیو ۶۵۶	تهرانی خلیل ۴۰۶ ر ۳۹۶
جرج واشنگتن ۵۳۵	تهرانی علی ۱۵۸
جرجی زیدان ۳۳۹	تهرانی محمد ۴۷۶
جرجس سال ۳۳۶ - جمده ۵۲۶	تیتو ۶۲۱ - تیطس ۶۷۰
جعفر بن علی ۳۲۷	تیمورتاش ۵۶
جعفر بن علی النقی ۲۳۳ ر ۱۸۸ ر ۱۶۶	تیمورلنگ ۳۳ ر ۱۴۵ ر ۳۹۴

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

چوئن لای ۶۵۶. چه گوادر ۱۲۱ تا ۶۴۰	جعفر صادق ۱۴۱ تا ۱۰۹
چیانکایشک ۶۵۹	۱۷۳ تا ۱۸۲
ح	۲۲۳ تا ۲۴
حائری یزدی فقیه ۱۷۶ تا ۲۳۵	۲۱ تا ۳۴۶
حاتم ۴۳۱ - حاج سید جوادی ۱۵۸	۳۱۹ تا ۳۴۶
حافظا - د پرزیدنت ۶۸ تا ۲۲۷	۳۷۲ تا ۴۱۸
حافظ ۷۳ تا ۴۰۳	۴۱۸ تا ۴۲۳
حاکم ۹۲ - حبیب مظاهر ۴۵ تا ۵۸۴	۴۲۳ تا ۴۲۳
حجاج ۴۲ تا ۸۶	۴۲۳ تا ۴۲۳
حجازی فخرالدین ۳۵۵ تا ۴۶۵	۴۲۳ تا ۴۲۳
حجت فقیه ۱۵۵ تا ۷۶	۴۲۳ تا ۴۲۳
حجر بن عدی ۱۳۴ تا ۳۲۷	۴۲۳ تا ۴۲۳
حداد، شورش ۳۳۵ - حدادزاده ۷۰	۴۲۳ تا ۴۲۳
حذیفه ۲۴۸ تا ۸۴ - حر ریاحی ۴۰۰	۴۲۳ تا ۴۲۳
حسان ۳۸۵ تا ۶۷۶ - حسن البکر ۳۶	۴۲۳ تا ۴۲۳
حسن مجتبی ۴۲ تا ۶۲	۴۲۳ تا ۴۲۳
۸۱ تا ۸۹	۴۲۳ تا ۴۲۳
۹۵ تا ۲۲۳	۴۲۳ تا ۴۲۳
۱۰۴ تا ۱۵۱	۴۲۳ تا ۴۲۳
۱۵۱ تا ۱۵۱	۴۲۳ تا ۴۲۳
حسن عسکری ۱۴۰ تا ۴۸	۴۲۳ تا ۴۲۳
۲۰۲ تا ۱۴۱	۴۲۳ تا ۴۲۳
حسنی شاهرودی فقیه ۴۸۳	۴۲۳ تا ۴۲۳
حسنک ۵۲۰ - حسنی فیروز آبادی ۲۴۱	۴۲۳ تا ۴۲۳
حسین (مصباح الهدی) ۴۱ تا ۴۵	۴۲۳ تا ۴۲۳
۳۹ تا ۲۶	۴۲۳ تا ۴۲۳
ج	۴۲۳ تا ۴۲۳
چرچیل ۴۷ تا ۱۷۶	۴۲۳ تا ۴۲۳
۴۰۷ تا ۴۳۹	۴۲۳ تا ۴۲۳
۶۵۱ تا ۶۳۲	۴۲۳ تا ۴۲۳
چمران ۱۹۰ تا ۲۳۷	۴۲۳ تا ۴۲۳
۲۹۸ تا ۶۳۶	۴۲۳ تا ۴۲۳
چنگیز ۳۳ تا ۱۴۵	۴۲۳ تا ۴۲۳
۲۴۸ تا ۳۸۹	۴۲۳ تا ۴۲۳
۳۹۴ تا ۵۲۷	۴۲۳ تا ۴۲۳

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار، صرفه جوئی و حذف میشود

خ	۳ تا ۴۸	۲۰۰ تا ۲۰۰	۸۹ تا ۸۹	۷۴ تا ۷۴	۷۰ تا ۷۰	۵۳ تا ۵۳
خاتمی ۶۴۲ - خادمی فقیه ۲۳۰	۹۹ تا ۹۹	۸۹ تا ۸۹	۶۸ تا ۶۸	۵۸ تا ۵۸	۴۸ تا ۴۸	۲۳ تا ۲۳
خارک ۶۴۳ - خاقان چین ۵۶۰	۴۱ تا ۴۱	۳۴ تا ۳۴	۲۷ تا ۲۷	۱۸ تا ۱۸	۱۶ تا ۱۶	۳۱ تا ۳۱
خاقان شه ۵۶۰ - خالد ۷۳۳	۴۵ تا ۴۵	۲۰ تا ۲۰	۱۳ تا ۱۳	۴۰ تا ۴۰	۸۵ تا ۸۵	۴۷ تا ۴۷
خالد سمودی ۲۷۳	۳۲ تا ۳۲	۶۲ تا ۶۲	۹۵ تا ۹۵	۸۹ تا ۸۹	۵۱ تا ۵۱	۲۶ تا ۲۶
۳۵۷	۵۱ تا ۵۱	۷۱ تا ۷۱	۹۵ تا ۹۵	۵۴ تا ۵۴	۳۳ تا ۳۳	۵۱ تا ۵۱
خامنه‌ای رئیس جمهور ۱۹۰	۷۴ تا ۷۴	۴۰ تا ۴۰	۵ تا ۵	۴۰ تا ۴۰	۳۰ تا ۳۰	۴۵ تا ۴۵
تا ۲۰۴ و ۳۰۳ و ۸۶ و ۹۱ و ۹۸ و ۳۱۶ و ۴۰۳	۷۳ تا ۷۳	۲۰ تا ۲۰	۹۲ تا ۹۲	۱۹ تا ۱۹	۲۰ تا ۲۰	۷۳ تا ۷۳
و ۷۴ و ۶۳ و ۷۵ و ۸۶	۷۸ تا ۷۸	۲۶ تا ۲۶	۴۰ تا ۴۰	۵۰ تا ۵۰	۳۲ تا ۳۲	۲۹ تا ۲۹
خدابنده ۴۳۸ - خراسانی ۲۶۱	۶۸ تا ۶۸	۳۷ تا ۳۷	۶۱ تا ۶۱	۳۷ تا ۳۷	۸۱ تا ۸۱	۳۷ تا ۳۷
خدیجه ۲۲۲	۱۵ تا ۱۵	۸۱ تا ۸۱	۶۱ تا ۶۱	۳۷ تا ۳۷	۸۱ تا ۸۱	۳۷ تا ۳۷
خراسانی محمد کاظم ۳۹۶	۴۸ تا ۴۸	۱۹ تا ۱۹	۳۶ تا ۳۶	۱۹ تا ۱۹	۳۶ تا ۳۶	۱۹ تا ۱۹
خراسانی ۲۶۳ - خرمی طائی شهید ۲۲۸	۳۹ تا ۳۹	۹۱ تا ۹۱	۲۲ تا ۲۲	۸۴ تا ۸۴	۴۰ تا ۴۰	۳۹ تا ۳۹
خروشجف ۶۰۳	۶۸ تا ۶۸	۴۱ تا ۴۱	۲۴ تا ۲۴	۴۰ تا ۴۰	۶۸ تا ۶۸	۴۱ تا ۴۱
خزعلی فقیه ۲۱۳	۴۸ تا ۴۸	۲۰ تا ۲۰	۸ تا ۸	۲۰ تا ۲۰	۴۸ تا ۴۸	۲۰ تا ۲۰
خسرو پوزیز ۵۱۳	۴۸ تا ۴۸	۳۱ تا ۳۱	۴۱ تا ۴۱	۳۱ تا ۳۱	۴۱ تا ۴۱	۳۱ تا ۳۱
خسرو داد دژخیم شاه ۳۵۴	۳۶ تا ۳۶	۸ تا ۸	۱۳ تا ۱۳	۲۰ تا ۲۰	۲۰ تا ۲۰	۳۶ تا ۳۶
خسروشاهی ۵۵۷	۵۶ تا ۵۶	۳۳ تا ۳۳	۴۰ تا ۴۰	۵۵ تا ۵۵	۳۳ تا ۳۳	۵۶ تا ۵۶
خسروی و طفل شهید ۴۷۲	۴۵ تا ۴۵	۳۶ تا ۳۶	۱۲ تا ۱۲	۳۴ تا ۳۴	۱۷ تا ۱۷	۴۵ تا ۴۵
خشایار شاه ۵۱۱ - خضری ۳۲۸	۲۶ تا ۲۶	۹۶ تا ۹۶	۲۴ تا ۲۴	۶۸ تا ۶۸	۲۴ تا ۲۴	۲۶ تا ۲۶
خضر (ع) ۲۵۳	۱۴ تا ۱۴	۲۴ تا ۲۴	۱۸ تا ۱۸	۹۶ تا ۹۶	۲۴ تا ۲۴	۱۴ تا ۱۴
خطیب بغدادی ۱۱۰	۲۷ تا ۲۷	۵۰ تا ۵۰	۲۷ تا ۲۷	۲۵ تا ۲۵	۲۷ تا ۲۷	۲۷ تا ۲۷
خطیب زاده سید جمال ۱۲۹	۳۰ تا ۳۰	۲۳ تا ۲۳	۹۶ تا ۹۶	۷۳ تا ۷۳	۹۶ تا ۹۶	۳۰ تا ۳۰
خطیب شام ۳۱۶	۶۷ تا ۶۷	۱۸۷ تا ۱۸۷	حیدری فقیه بغداد ۶۷			

مرتبہ دہما و صدہا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

خوبلد ۸۶	خطیب کرمانشاهی ۲۵۲
خیابانی شیخ محمد ۱۲۹ و ۱۲۲ ر ۳۷۲	خلنگالی فقیہ ۵۰ و ۱۹۰ ر ۳۸۸ و ۵۲۳
۴۶۹	خمینی امام ۲۱ و ۳۳ ر ۴۲ تا ۵۰
خیابابی موسی ۲۲۸ و ۲۹۳ ر ۴۰۲	تا ۶۳ و ۷۲ تا ۵۰ ر ۱۰۱ و ۱۱۵ ر ۲۱ و
خیام ریاضی دان ۵۱۹	۱۳۳ و ۵۲ تا ۵۸ و ۷۶ و ۹۱ و ۲۰۳ و ۷ و ۹
د	۱۱ و ۱۷ و ۱۲ و ۲۲ و ۳۰ و ۳۵ و ۳۶ تا ۵۳ و ۵۶ و ۶۶ و
دارمستتر ۳۴۰ - داروین ۱۷ ر ۳۳۸	۸۲ و ۷۵ و ۶۸ و ۶۳ و ۵۴ و ۳۱۷ و ۹۷ و ۸۹
داماد مدنی ۴۸۵ - دثلی اسود ۴۴۲	۶۰ و ۳۶ و ۲۶ و ۱۰ و ۵ تا ۴۰ و ۳۹ و ۸۵ و ۸۵
داعی رازی ۴۴۰ - دانای پرهیز ۴۵۸	۶۷ و ۷۰ تا ۴۱ و ۸۱ تا ۴ و ۸۹ و ۹۳ تا ۹۹ و
داتہ ۲۱۳ - دانشجو ۲۴۹ ر ۳۲۸	۵۰۷ و ۱۰ و ۳۷ و ۳۷ و ۶۳ و ۸۰ و ۸۸ و ۹۳ و ۶۰
دانش غلامرضا و محمد کاظم ۴۸۰	۲۷ و ۳۴ و ۳۷ و ۷۱ و ۷۹ و ۸۴ تا ۶۸
دانش محبوبہ ۴۸۰ - دانشی ساواک ۶۸۳	خمینی احمد ۲۳۰
دانندہ بہلول ۳۴۷ - داود افغان ۶۲۹	خمینی مصطفی ۵۰ و ۱۲۷ ر ۳۰ و ۳۲۸
داود نبی ۱۴۱ و ۴۶۸ ر ۲۶۸ و ۵۰۱ ر ۵۷۱	۴۰۴
دائیل ۵۸۳ - دبلیو مؤلف ۶۵۶	خوارزمشاه تکش ۴۳۹
دجال ۹۰ و ۹۲ ر ۱۴۱ و ۲۷۸ ر ۵۲۵	خوارزمشاه محمد ۳۸۹ ر ۵۲۱
دختر استالین ۶۰۷ - درخشان ۴۸۱	خوارزمشاهی مأمون ۴۲۴
درفش کوریان ۳۶۹ - دستغیب فقیہ ۵۲۴	خوارزمی (مناقب) ۳۱۱
دعای مسلمین ۲۷۳ و ۲۸۰ ر ۴۰۵ و ۴۷۷	خوانساری فقیہ ۶۷۸
دعائی فقیہ ۴۰۴ - دھبل ۱۶۶ ر ۳۰۰	خوانساری ابوتراب ۴۷۶
دفتریان ۳۲۶ - دقیانوس ۵۰۰	خوانساری محمد علی ۲۶۱
دکوردنویل ۵۸۰ - دکتر اعجاز ۲۵۹	خوانساری محمد تقی ۵۷ و ۲۶۱ ر ۳۹۶
دلیر علی ۴۵۸ - دو بیچک ۵۰۰	۳۳۰ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۶ و ۴۷۶ ر ۴۸۳
دوازده خلبان شهید افغان ۳۹۸	خوش یارقلی ۳۹۰

مرتبه دهها و صلها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

- دوزدوزانی ۲۳۶-دوستیار ۵۲۳
 دو گل ۶۴۵-دو شتر خوشبخت ۲۵۹
 دهخدا ۴۲۲-۵۲۹-دهه فجر ۶۳۱
 دهقانی اشرف ۲۲۸-۳۹۶-۲-۳۹۶-۳۰۲-۵۹۲
 دوآنی ۳۷۹-دیباچی فقیه ۳۲۸
 دیکس ۶۳۱-دیکنس ۳۴۱
 دیویداوین ۵۹۱
- ذ
- ذوالکدیه ۴۶-ذوالفقار ۱۵۹
 ذوالفقاری ۵۹۲-ذونواس ۵۰۵
 ذوالیمینین ۵۲۰-ذی العقده ۶۶
 ذی القربی ۱۵۰-ذی المناقب ۴۲۱
- ر
- رازی حسن ۴۳۳-راسپوتین ۵۳۰
 راسل ۷۸-۲۱۳-۲۱۳-۵۶۲-۶۲۱-۶۲۲
 رامین فرای ۵۸۸-رایگان ۱۲۹-۱۹۱
 ربانی املشی ۴۰۳-ربانی ۲۳۰-۹۲
 ربیعی معدوم ۴۹-رزم آراء ۲۳۷
 رجائی ۶۱-۶۶-۱۱۴-۳۷-۵۷-۲۱۸
 ۹۸-۳۱۶-۲۶-۸۴-۹۳-۴۳۰
 رجوی کاظم «صفا» ۴۰۴-۱۸۳
 رجوی مسعود ۱۹۳-۲۰۹-۲۸-۴۸ و
 ۵۷-۷۳-۹۲-۵-۳۸۲-۳۸۲-۹۶-۴۰۲-۱۲ و
 ۳۰-۹۲-۵۳۸-۵۷-۶۴۴
- رحیمی شهید فخر الدین ۳۲۸-۴۸۰
 رحیمی یزدی ۴۷۲-رشید ۳۲۷
 رستگارپور ۲۹۱-۳۸۱
 رستمی سرهنک شهید ۱۹۱
 رستمی علی «فلج» ۲۶۰
 رضائی طیب ۵۸۹-رضائی محسن ۶۳۸
 رضائیان ۱۹۱
 رضوانی ۲۳۷-۳۸۷-رضان ۳۸۴
 رضی سید فقیه ۳۰۸-۳۶۵-۳۶۵-۴۲۰ تا ۲
 و ۴۲۷ و ۴۴۷
 رقیه ۱۲۶-روحانی نما ۵۳-۶۸۰
 روزولت ۴۰۷-رودباری ۳۲۸
 روزبه ۲۹۶ تا ۸-۶۱۰-روغنی ۵۶
 روملو ۴۵۲-ریاضی ۱۲۰-۴۹۱
 ریچارد آلن ۵۹۰-ریچارد شاه ۵۵۵
 ریچارد فرای استاد دانشگاه ۵۶۲
 ریگان ۱۰۲-۵۱-۵۷ و ۳۷۳ و ۸۴
 و ۹۴-۴۱۳-۲۶-۵۹-۷۸-۹۹ و ۵۳۹ و
 ۶۸۰-۹۰
- ز
- زارع محمد حسین ۳۲۸
 زاهدی اردشیر ۵۹-۱۰۰-۵۸۰
 زاهدی کودتا ۵۸-۵۸۰-۶۱۷-۶۲۸
 زبیر ۴۱-۴۲-۹۷-۱۸۷-۳۸۵-۶۷۷

مرتبہ دہما و صدہا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

- زندی ۱۹۷۱۰۹ - زرارہ ۴۱۹
 زبیران ۵۵۰ - زرگر ۱۹۲
 زرین تاج ۵۶۴ و ۵ - زعیترا ۵۸۵
 زکریا ۵۰۳ - زکی پھانی ۲۱۹
 زن انور سادات ۳۹۵
 زن ایتائی ۵۲۲
 زنجانی ۴۵۷ - زند ۵۲۲
 زن عراقی ۷۵ - زوین ۴۷۵
 زیاد ۱۸۷ و ۳۸۵ - زیدارقم ۲۷۶
 زید شہید ۲۴۸ و ۲۵۵ و ۹۲ و ۴۰۵
 زینب ع ۱۳۹ و ۳۰۱
 ژ
 ژان انگلیسی ۵۵۶ - ژنرال ۳۹۴
 ژوستی نین امپراطور ۵۵۲
 ژول سزار ۳۳ و ۵۰۴ - ژیسکار ۳۵۷
 س
 ساخاروف د کتر ۶۰۴ و ۶۰۹ و ۱۳ و ۲۲
 سادات محمد علی ۶۲۱ - سازمان ۲۰۶
 ساسانی شاپورها ۵۱۱ و ۱۲ و ۵۵۳
 سالوادرا آئندہ، مقتول «سیا» ۴۸ و ۵۶۹
 سامری گو سالہ - از ۱۱۲ و ۱۳ و ۵۰۳
 سامی د کتر کاظم ۲۱۰ و ۲۶ و ۳۸۱
 سبحانی تبریزی ۳۳۵ و ۶۸۱
 سبزواری ہادی ۲۳۶ و ۴۶۰ و ۴۶۱
 سجایی پدر ویس ۱۹۰ و ۹۲ و ۳۸۱
 سخاوند ۵۶۲ - سدان انگلیسی ۳۳
 سدھی ۱۹۶
 سر کیس رئیس جمہور ۲۵۸ و ۲۵۹
 سرور ۳۷۹ - سعادت محمد رضا ۲۹۳
 سعد آباد ۵۰ - سعدوقاص ۱۳۸ و ۴
 سعدی شیرازی ۹۳ و ۱۲۰ و ۴ و ۷ و ۲۵۶
 ۴۳۳ و ۵۲۵ و ۶۲۴
 سعید بن مسیب ۳۰۶ - سعیدی ۲۹
 سعیدی غلام رضا ۴۰ - س. م. ۹۳
 سفیانی ۲۴۱ - سفیر انگلیس ۴۶۸ و ۵۵۷
 سفیر وائیکان ۱۷۶ - سفینہ نوح ۳۰۴
 سقراط ۴۶۱ - سلامت بخش قہرمان ۱۹۱
 سلامتیان ۸۳ و ۱۹۲ و ۲۱۰ و ۲۲۶
 سلامہ بولس ۳۲۴ و ۳۳۵
 سلترتسین ۶۰۴ و ۶۰۹ و ۶۱۵
 سلطان الواعظین ۲۴۸
 سلطان سلجوقی ۴۴۲
 سلمان فارسی ۴۶ و ۱۱۸ و ۴۶ و ۵۵
 ۲۸۷ و ۳۶۱ و ۷۳ و ۵ و ۱۳ و ۴۱ و ۱۴ و ۳۸ و ۴۷
 سلیم ۳۹۹ - سلیمان قندوزی ۱۴۹
 سلیمان نبی ۱۴۱ و ۳۵۷ و ۵۰۱ و ۶۷
 سلیمی وزیر دفاع ۵۰۷ - سمیہ شہیدہ ۴۲
 سنائی مجدالدین ۱۹ و ۳۰۸ و ۵۶۶

مرتب دهها و صدها در صورت تکرار ، صوفه جوئی و حذف، میشود

سنجر ۵۲۰ - سندی بن شاهک ۵۲۸	شریح قاضی ۳۸۵ ر ۳۶۷ ر ۲۴
سوتلانا ۶۰۳ - سودابه ۴۱۳ ر ۲۹۲	شریعت رضوی ۵۸۳ - شریعت... ۳۶۸
سوهارتو ۳۹۶ ر ۱۱۲ - سویلم ۵۹۳	شریعتمداری حسن ۹۸
سهیل ۹۸ - سیاوش ۵۰۵	شریعتمداری کاظم ۱۵۹ ر ۵۲ ر ۴۰
سیبویه ۵۱۹ - سیحون ۵۰۳	۲۲۶ و ۳۶۸ ر ۳۶ و ۷۱ ر ۷۱ ر ۴۱۲ ر ۷۸ و ۸۹
سیدصادق ۴۵۸ - سیمور ۵۷۴	۶۸۶ و ۸۰ و ۷۵ و ۶۶۳
سیدقطب ۶۰۷ ر ۸۶ و ۵۴۳	شریعتی علی ۲۴۷ ر ۱۵۶ و ۳۵۹ ر ۹۰
سیمون ۶۷۱	۴۷۲ و ۸۰ ر ۸۰ ر ۵۶۱ ر ۵۶۱ ر ۶۰۷ ر ۱۳ و ۱۸
سیده کنیزان ، نرجس خاتون ۲۰۳	شریعتی فر ۴۷۲ - شریعی ۱۸۶ ر ۶۷۶
و ۱۴ و ۶۸ و ۹۹	شریفی ۲۱۵ - شعیب ۲۰۳ ر ۴۹۴ ر ۹۵
سیوطی جلال ۱۳۰۷ ر ۱۳۰۰	شکسپیر ۷۸ - شکیب ارسلان ۳۱۵
سازمان ۲۰۶	شلتوت شیخ محمود ۱۷۷ ر ۲۳۴ ر ۴۴۹
فن	شلمغانی ۶۷۸ - شمر ۲۴۸ ر ۳۰۱
شائوسیانت ۲۱۳ - شارل ۵۴۵	شمس آبادی ۱۹۱
شازلی بن جدید ۶۸ - شافعی ۲۸۱	شمس الدین لبنان ۲۶۶
شاه اسماعیل ۴۵۱ - شاهرودی ۴۱۰	شمس فریدنی شهید ۲۶۲
شاه طهماسب ۵۶ و ۴۵۳	شمشیری میلانی ۸۱ ر ۳۴۸ ر ۳۵۷ ر ۴۱۰
شاه عباس ۴۵۳	۵۵۱ ر ۵۸ ر ۵۸ ر ۶۳۴ ر ۶۸۷
شامی ۱۰۹ - شبازجیمز و مالک ۵۹۲	شوشتری ۱۲۸ ر ۲۳۷ ر ۲۳۷ ر ۴۲۸ ر ۴۳۲
شبر و شبیر ۱۷۴ - شبستری محمود ۹۳	۴۵۵
شبستری مرتضی ۱۰۵ ر ۲۲۵ ر ۲۵۴	شوقی افندی ۹۰ - شهاب الدین ۴۵۰
شبل شمیل ۳۳۸ ر ۳۲	شهاب دارابی ۱۹۱
شبلنجی ۳۲۱ ر ۱۱۰	شهاب محمودی ۳۸۱
شجمان ۳۳۶ - شجونی ۴۰۳	شهاب فردوس ۴۰

مرتب به دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

شیرازی فقیه بزرگ ۱۹۳۱۵۵ ر ۲۹	شهر دار عراقی ۶۲
۳۷۲ و ۹۰ و ۹۶ و ۴۰۵ و ۴۶۸	شهرام تقی ۲۹۳ ر ۲۳۹
شیرازی میرزا رضا ۴۷۵	شهرستانی ۴۷۵ و ۴۶۶ ر ۲۳۴ ر ۱۲۹
شیرازی محمد تقی ۱۹۳ ر ۳۷۲ و ۹۶	شه هوانگتی ۴۷۱، ۴۵۵ ر ۵۶۰
۴۰۵ و ۱۰ و ۶۶ تا ۶۸ و ۷۳ تا ۴۷۵	شهید اول ۴۵۰ ر ۴۴۴ ر ۲۳۷ ر ۱۲۸
شیرودی خلیبان شهید ۱۹۱ ر ۲۱۷ ر ۳۳۰	شهید ثانی زین الدین ۲۳۷ ر ۱۲۸
شیرویه ۵۲۲ - شیطان ۱۱۷ ر ۹۱	۴۵۴ ر ۴۵۰ ر ۴۴۵ ر ۴۲۳
شیلر ۵۶۰	شهیدی فقیه ۶۷۷ ر ۳۸۷ ر ۲۳۶
ص	شیائوفنگک ۶۵۶ - شیبانی ۵۴۴
صادق تبریزی ۲۳۶	شیاطین - سعودی ۳۳۵
صادقی ۳۲۸ ر ۲۳۸	شیخزادگان ۴۰
صادقی قاسم ۳۲۸ - صافی ۲۱۱ ر ۳۶۰	شیخ عبدالقاهر ۴۲۸
صالح نبی (ع) ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۴	شیخ عثمان ۲۹۱
صاحب ابن عباد ۲۳۶ ر ۴۲۷ تا ۳۴۴ و ۴۴۷	شیخ مردوخ ۴۰۸ ر ۲۳۹
صباح حسن ۱۲۸ - صباغیان ۳۸۱	شیخ زین الدین عاملی ۴۵۴
صدام - بن ۳۳ تا ۳۶ ر ۴۰ ر ۵۸ تا ۶۷	شیخ عینعلی ۴۵۸
۷۱، ۷۵ و ۶ ر ۱۲۱ تا ۲ و ۳۸ و ۵۱ و ۸۰ و	شیخ محرر ۶۸۲
۹۱ ر ۲۰۸ و ۲۷ و ۵۶ تا ۸ و ۷۳ و ۹۱ و ۹۶	شیخ مفید ۲۳۳ ر ۳۶۱ ر ۴۱۹ و ۲۰ و ۲۳
۴۰۶ و ۳۶ و ۷۳ و ۵۳۹ و ۸۷ تا ۹۱ ر ۶۲۶ و	۴۴۷، ۴۳۴
۳۸ و ۴۳ و ۶۴ و ۷۵ و ۶۸۶	شیخین ۳۳۴ ر ۱۱۸
صدر ۴۷۶ - صدر بلاغی ۱۷ ر ۴۰ ر ۴۹۳	شیرازی عراقی ۳۲۸
صدر حسن ۵۶۰ ر ۶۲۸ ر ۶۴۷	شیرازی سید حسن طفل شهید ۲۹۰
صدر المتألهین محمد ۳۷۷	شیرازی، مؤلف ۲۴۱
صدر موسی ۱۹۴ ر ۴۷۱	شیرازی فقیه ۴۶۵

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

عمیدی قاضی ۴۲۹ - عمیدی فقیه ۴۰۳	۹۹ و ۹۵ و ۶۱ و ۵۳ و ۲۶ تا ۲۳ و ۵۰۴ ر ۸۸
عنقا «دینساز» ۳۵۵	۶۸۷ و ۸۴ و ۷۳ و ۳۶ و ۶۳۲
عوج ۵۰۳ - عون ۳۲۷	علی بن الحسین ۵۱ و ۲۲۳ ر ۱۹۵ ر ۱۸۱
عیدی امین ۶۶۱	۶۵ و ۴۹ و ۱۸ و ۱۶ و ۳۰۲ ر ۹۹ و ۸۸
عیسی (ع) ۵۱ و ۲۴۳ ر ۹۹ و ۸۰ ر ۲۶	۶۸۰ ر ۴۰۸
و ۵۸ و ۷۷ ر ۳۴۲ و ۵۸ و ۳۱۴ ر ۴۰۴ تا ۶ و	علی بن موسی ع ۹۹ و ۸۸ ر ۱۳۴ و ۹۹ و ۶۸ و ۹
۵۹۵ و ۴ تا ۴۱ و ۹ و ۳۸ و ۳۰	۹۹ و ۸۶ و ۸۹ ر ۸۹ و ۲۰۱ ر ۲۵ و ۲۸ و ۵۹ و ۹۹
عین الدوله ۳۶۰	۴۰۹ ر ۷ و ۶۶ و ۵۷ و ۲۲ و ۲۱ و ۳۰۰
غ	۶۷۳
۴۴۰	
غروی استاندار ۲۹۵ - غزالی ۳۰۷	علی النقی (ع) ۲۵۱ ر ۱۸۶ ر ۱۸۱ ر ۱۶۶
غزنوی پدر و پسر ۱۲۵ و ۵۰ ر ۲۵۰	۳۲۳ ر ۲۵۲
۵۲۰ و ۵۱۸ ر ۹۷ و ۲۶ تا ۴۲۴	علی بن محمد نائب امام زمان ۳۷۸ ر ۱۸۶
غضبان ۳۰۰	علی بن موسی شهید تبریز ۲۳۵
غضنفر پور ۳۸۱ ر ۲۱۰ ر ۱۹۲	عازاده احمد ۶۸۱ ر ۳۲۷
غفاری هادی ۱۹۲ ر ۲۹۸ , ۲۹۲	عماد الدوله ۲۳۴
غفاری ۵۰۶ - غفاری حسین شهید ۵۹۲	عمار ۴۲ ر ۹۸ ر ۲۷۵ ر ۴۱۶ و ۴۴۷
رَبِّكَ غَفَّارٌ كَرِيمٌ	عمر بن عبدالعزیز ۳۱۸ و ۳۱۱ ر ۲۲۳
فارابی ۴۱۱	عمر خطاب ۴۴ و ۲۲۱ ر ۴۸ و ۱۴۵ ر ۴۷
فاضل ۱۶۷ - فاضل محمد ۶۳۵ ر ۲۳۰	و ۵۸۵ ر ۱۶ و ۴۱۴ ر ۵۲ و ۹ و ۳۰۳ ر ۷۸
فاطمه مادر علی (ع) ۳۳۳	عمر و ابن ابی مقدم ۳۷۶
فاطمه زهرا ۱۴۷ ر ۹۹ ر ۹۵ ر ۶۲ ر ۴۷	عمر و بن عبود ۳۱۳ و ۲۷۹
۳۶۵ ر ۶ و ۸۴ و ۴۷ و ۳۰ و ۲۰۰ ر ۸۹ و ۵۳	عمر و بن عبید ۶۱۸ - عمر سعد ۳۰۱
۴۲۰ و ۴۲۳	عمر و عاص ۵۲۵ ر ۵ تا ۳۰۴ ر ۲۷۷ ر ۴۵
فخر الدوله ۴۲۸ - فخر رازی ۳۰۷	۵۵۶

مرتب دهها و صدها در صورت تکرار ، صوفه جوئی و حذف میشود

- | | |
|-------------------------------------|--|
| فرانکلن ۵۳۵- فرانکو ۳۸۹ | فیض برمولوی ۱۵۰ ر ۲۲۸- فیمیون ۵۰۶ |
| فردریک بار ۵۵۶- فردوسی ۱۲۵ ر ۴۲۴ | ق |
| فردینان مار کس ۴۰۴ ر ۴۱۳ ر ۶۲۸ | قائمی مهدی ۶۵۴ - قایل ۴۸۸ |
| فرزانه سرهنک ۲۱۵- فرزدق ۱۲۶ | قابوس و شمگیر ۴۲۴ |
| فرعون ۲۵۰ ر ۳۴۴ ر ۴۹۱ تا ۹۸ ر ۶۷۶ | قاجار ۳۹۴ ر ۵۲۲ |
| فرقدان ۲۸۷- فروزان سرهنک ۱۹۴ | قاجار احمد ۴۶۶ |
| فروغی نخست وزیر طاغوت ۵۱۸ | قاجار محمد علی ۲۳۶ ر ۴۷۰ |
| فروهر ۱۴۴ | قاجار، فتحعلی و عباس ۵۳۵ |
| فرید یهودی ۳۸۷ ر ۵۵۹ | قاجار مهد علیا ۵۲۲ |
| فرید وجدی ۱۲۶ ر ۱۳۳ ر ۳۰۹ و ۳۱۹ | قاجار ناصرالدین ۱۷۲ و ۹۳ ر ۳۹۰ |
| فشقه عروسی ۳۵۶ | ۴۳۹ و ۶۰۶ و ۶۶۶ ر ۵۲۲ |
| فضل روزبهان ۴۵۵ | قادر خلیفه رشوه ۴۴۸ تا ۴۵۰ |
| فلاحی سردار شهید ۱۹۴ ر ۳۷۷ | قادیانی نبی انگلیس ۵۸۱ ر ۹۴ ر ۶۲۷ |
| فکوری ج سرهنک شهید ۱۹۴ ر ۳۷۷ | قاری ۳۸۷- قاسم حسن ^{علیه السلام} ۶۷ ر ۳۲۷ |
| فلسفی خطیب ۲۸ ر ۳۸ ر ۷۴ ر ۶۰۷ | قاسم عبدالکریم ۴۱۱ ر ۴۸۳ ر ۶۴۳ |
| فلسفی مورخ ۵۴۱ - فورد ۵۸۵ | قاسمی ج ۱۸۳- قاسمی عبدالوهاب ۴۸۲ |
| فوکودن نخست وزیر ژاپن ۶۶۲ | قاسملو (تجزیه طلب) ۱۳۸ ر ۲۰۹ ر ۲۹۱ |
| فهد و طرح او ۴۷۴ ر ۴۹۰ ر ۵۰۳ | ۳۹۶ ر ۴۰۶ و ۱۲۰ ر ۵۹۲ |
| فهرستی از انقلاب، مبداء، عاشورا ۲۸۹ | قاضی طباطبائی محمد علی ۱۲۹ ر ۱۹۴ |
| فهمیده شهید و ارسته ۶۲ ر ۳۵۹ ر ۴۲۶ | ۲۲۸ ر ۴۷۶ ر ۴۸۴ ر ۵۱۰ |
| فیروز شاه ۵۱۱ | قدس ۲۳۷- قدوسی پدر و پسر ۱۹۱ و ۳۲۸ |
| فیصل عراق ۴۱۱ ر ۴۶۶ ر ۶۴۳ | قذافی پرزیدنت ۶۸ ر ۴۰۷ ر ۴۷۱ ر ۶۲۶ |
| فیصل سعودی ۱۲۲ | قزائنی محسن ۳۶۷- قربانی ۳۴ |
| فیض، محمد محسن مؤلف نامی ۲۳۶ | قرسطیا ۲۶۹- قرنی شهید ۱۹۴ |

مرتب: دهها و صدها در صورت تکرار، صرفه جوئی و حذف میشود

- | | |
|--|----------------------------------|
| قرشی کاظم ۳۲۹ | کاظم عبدالله و کاظم زبیری ۳۶ |
| قرشی علی اکبر ۵۴۱ | کارمل بیرک ۳۹۸ و ۳۵۹ و ۲۰۶ و ۹ |
| قرشی کلجاهی ۲۶۰ | کافکالا ۶۲۳ - کتانی ۳۲۴ و ۳۳۷ |
| قزوینی فقیه مستجاب الدعوه ۲۶۲ | کپرنیک و کیلر ۴۰۸ |
| قسطنطنین ۵۴۱ و ۵۳۷ | کچوئی ۲۲۸ - کنخ رابرت ۴۰۸ |
| قصیمی مقتری ۵۵۴ | کزده ۰۰۰ ۴۷۲ - کر کی قاضی ۴۴۵ |
| قطام ملعونه ۵۲۲ ر ۵۲۵ | کرمانی میر زارضا ۲۹۲ - کریمی ۳۲۹ |
| قطب زاده صادق ۶۶۳ و ۶۷۵ و ۶۸۰ | کریستف کلمب ۵۳۳ |
| قطیفی ۴۶۱ - قمی ابوالقاسم ۲۹۱ | کسروی احمد ۲۳۷ تا ۹ ر ۳۴۷ تا ۹ |
| قمی حسین ۴۰۵ - قمی محمد ۳۷۸ | ۳۵۵ و ۳۹۲ و ۴۰۸ |
| قنبر صحابی ۵۰ و ۱۰۸ و ۳۵۷ | کشائی ستار ۳۲۹ - کشوری شهید ۱۹۱ |
| قندچی احمد ۱۹۱ و ۵۸۳ | کفتار استعمار ۳۹۰ - کلاهدوز ۳۷۷ |
| دقوه ۶۶۹ - قوام السلطنه ۵۷ ر ۱۵۵ | کلاهی منافق ۳۰۳ - کلئوپاترا ۵۳۳ |
| قیس بن سعد فقیه و فن ماندان ۳۵۲ | کلبنی ۴۹۱ - کلوجیکف ۶۲۱ |
| قیصر ۵۰۶ و ۵۳۲ و ۵۳۹ و ۶۲۷ | کلیننی (کافی) ۴۴۷ - کمبوجیه ۵۰۹ |
| ک | کمیت شاعر شهید ۱۲۶ - کمیل ۴۱۹ |
| کاپیتولاسیون ۵۲ - کترین ۶۲۹ | کندی ادوارد ۵۷۵ و ۸۴ |
| کارادو ۳۳۸ - کارتر ۳۲۲ | کندی رابرت ۵۸۵ |
| کارتر آمریکا ۳۲ تا ۴ و ۷ و ۶۴ و ۶۶ و ۷۳ | کندی رئیس ۵۷۵ و ۸۲ تا ۴ و ۵۸۹ |
| ۱۰۲ ر ۲۱۹ و ۳۷۳ و ۸۴ و ۸۹ و ۴۰۳ | کندی ژا کلین ۵۷۵ - کنی ۱۷۲ و ۱۹۳ |
| کارلایل شادروان ۳۳۸ و ۳۲۵ و ۹۵ | کوثر ۹۶ - کورش ۶۷۱ |
| کاسترو ۴۶۶ و ۵۷۱ و ۵۸۲ | کورینکو ۶۰۱ - کوستا هوزاک ۵۰۰ |
| کاشانی پدر و پسر فقیه ۵۵ تا ۸ و ۷۲ و ۱۲۹ | کوشک ۳۲۶ |
| ۵۵ و ۳۷۲ و ۹۶ و ۴۰۵ و ۹ و ۳۰ و ۶۸ و ۷۵ | کولسون ۵۷۵ - کولمان ۶۱۹ |

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

- | | |
|------------------------------------|---|
| کیسینجر ۱۲۲ ر ۳۹۳ ر ۴۵۹ ر ۶۷۰ | ۶۰۸ و ۹۰۹ و ۱۱۰ و ۱۲۰ و ۱۸۱ ر ۶۱۹ |
| کیکوس ۵۰۵ | لواسانی ۷۰ - لوئر کینگ ۳۷ ر ۳۵۶ |
| ک | لورنس تیر ۶۶۰ |
| کادبر وزیر بهداری انگلیس ۶۴۱ | لوط نبی ۴۴ ر ۳۹۳ ر ۴۹ |
| کارف ۵۷۳ - گاليله ۴۰۸ ر ۵۱۳ | لو کوفسکی : (همه محبوسند) ۳۷۱ |
| کالینا ۲۵۹ - کاندی ۳۴۰ ر ۶۲۶ | لومومبا ۲۹۶ - لیاقتعلیخان ۳۱۸ |
| کالیف فقیه شهید شوروی ۶۰۹ | لین پیائو ۵۵۸ - لینکلن آبراهام ۵۳۵ |
| کاو مقدس ۶۶۸ ر ۶۲۷ - گوساله ۵۰۳ | م |
| کرانول انگلیس ۳۹۴ | مادر عیسی <small>عليه السلام</small> ۱۷۵ ر ۸۲ |
| کستادلبون ۷۸ | مادر موسی (ع) ۱۴۰ ر ۱۷۵ ر ۲۵۱ |
| گر جی جاسوس ۴۳۹ - گرنیکو ۳۴۰ | مؤمن آل فرعون ۸۱ ر ۶۳۹ |
| کلادستون ۳۲ ۲۳۸ | مؤیدالدوله ۴۲۸ - آمون ۹۹ ر ۲۲۶ |
| کلپایگانی مرجع بزرگ شیعه ۵۰ | تا ۸ ر ۳۲۰ تا ۲۳۶ ر ۳۶۵ ر ۵۲۰ و ۵۵۲ ر ۲۶۶ |
| کلدواتر ۵۹۱ - گلرخی ۴۰ | مائوتستنگ ۱۷۶ ر ۳۵۶ و ۳۹۴ و ۶۵۵ تا ۸۱۸ |
| گلشائیان ۴۶۹ - گمانا ۵۱۰ | مارپایه ۶۲۳ - مارتینه ۶۲۰ |
| گولدوالدهایم ۲۲۷ ر ۶۵ | مارتین ۶۶۰ - ماساریک ۳۴۲ |
| کیبون اسلام شناس ۳۴۰ ر ۹۵ | مارجوی (مدافع زنان کتک خورده) ۵۷۸ |
| ل | مار کس ۲۶ ر ۲۵۶ ر ۴۷۸ ر ۵۹۵ تا ۷ |
| لاتین خط ۱۶۰ - لاجوردی ۱۹۲ | ۶۰۷ و ۸۰۶ و ۱۱۰ و ۱۲۰ و ۲۱۰ و ۲۵۶ |
| لاجیس، قهرمان فساد شوروی ۶۰۲ | مازندرانی (مرجع) ۴۰۵ |
| لاله زاری ۵۳۴ - لامارتین ۶۰۹ | مازندرانی واعظ ۲۳۶ |
| لامنه ۶۰۹ - لایو ۶۰۲ | مازندرانی شهید تیغ موکتبری ۲۹۱ |
| لاینتز ۵۷۶ - لنک تیمور ۳۳ ر ۱۴۵ | ماسینیون ۵۶۶ - ماگزیموف ۶۲۳ |
| لنین ۳۷ ر ۱۷۲ ر ۵۸۸ و ۹۵ ر ۶۰۰ و ۴ | |

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

- ما کیاول ۳۸۷ - مالک ۲۸۱
 مالک اشتر ۳۷۲ - مالک نویره ۲۷۳
 ماهی خشکی ۲۶۱۱
 ماهی یونس عليه السلام ۲۵۸
 مایرها از معشوقه‌های کندی رئیس
 جمهوری آمریکا ۵۷۵
 مبشری ۳۷۷. متات و متان ۸۲
 مترنیخ ۵۴۶
 متوکل ۵۰ ر ۹۹ ر ۱۶۴ ر ۲۲۹ ر ۳۹۴
 ۴۵۰ ر ۵۲۶
 مجلسی محمد باقر ۱۷۰ ر ۲۳۴ و ۶۵
 ۴۲۷
 مجلسی محمد تقی ۴۲۷
 محقق اول و دوم ۲۳۷
 محقق کرکی ۴۵۶
 محمد باقر عليه السلام ۹۹ ر ۱۴۸ و ۵۴ و ۷۳ و
 ۸۶ و ۹۹ و ۲۱۰ و ۳۳ و ۶۵ و ۹۲ ر ۲۹۹
 محمد بن ابی بکر شهید ۳۵۲
 محمد بن الحسن، حجت القائم ع ۲۳۹
 ۳۹ ر ۷۴ ر ۹۰ ر ۹۳ ر ۹۹ ر ۱۰۶ و ۴۰ و ۱ و ۳ و
 ۵۵ و ۶۹ تا ۷۲ و ۸۱ و ۲۰ و ۲ و ۵ و ۶ و ۹ و ۱۴ و
 ۲۰ و ۲۳ و ۲۵ و ۳۳ و ۴۱ و ۴۴ و ۵ و ۴۸ و
 ۵۰ و ۱ و ۳ و ۸ و ۶۰ و ۳ تا ۹ و ۷۹ و ۹۲ ر ۳۰۰
 تا ۲ و ۱۳ و ۷۷ تا ۹ ر ۴۲ و ۲۷ و ۴۲ و ۴۲
- و ۵۲ و ۷ و ۷ و ۸۳ و ۴ و ۵۰ و ۸ و ۲۰ و ۸۰
 ۶۳۲ و ۳۶ و ۶۸۵
 محمد بن عبدالله عليه السلام و عليه السلام به‌مراه اهل
 بیت اطهار در اکثر صفحات تا ۴۵۵
 و ۶۳ و ۹۹ ر ۵۰ و ۳۶ و ۸۸ ر ۹۳ و ۹۵
 ۶۳۰ و ۲ و ۶۶ و ۷۳ و ۶۸۴
 محمد بن عثمان پدر و پسر (نائب خاص
 امام زمان عليه السلام) ۱۸۶ ر ۳۷۸
 محمد بن قطاه ۳۷۸
 محمد بن مسلم ۴۱۹
 محمد تقی عليه السلام ۱۸۶ ر ۲۰۱ و ۲۹ و ۳۲ و
 ۴۳ ر ۵۲۶ ر ۶۷۳
 محمد حسین بن خلف ۹۴
 محمد رضا فقیه زنجان ۴۶۳
 محمد ظاهر شاه ۶۲۹ - محمد کامل ۳۰۶
 محمدی زنجان ۳۲۸
 محمدی گیلانی ۱۹۲ ر ۲۰۶ ر ۳۷۳
 محمودی ۲۱۰ - محمودی عراقی ۶۲
 محمود مصری مصطفی ۶۱۱ و ۶۵۴
 مخبری ۵۹۲
 مدرس (فقیه مبارز شهید) ۱۵۵ ر ۳۷۶
 ۴۱۰ ر ۴۶۷ ر ۴۶۸
 مدنی احمد ۶۸۰
 مدنی اسدالله ۵۴ ر ۳۵۰ ر ۳۰۳ و ۴۰۳ و ۸۲ و ۸۴

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

۵۵۶۴۱۷	۵۰۸
مؤتمد عباسی (مکار) ۱۴۰ تا ۲۰۳۰ ر ۵۲۰	مر تظوی، ج ۴۱۰ - مر حب ۱۶۸ تا ۲۸۲
معتصم خلیفه ۵۲۶ - معتز ۵۰	مردسال ۲۳۶ - مر عشی سید... ۶۰۹
معصومه (ع) ۴۶۶ - معزی منافق ۴۳۰	مردان ۳۸۵ - مستعصم ۱۲۶ تا ۴۴۳
معلى صحابی شهید صادق (ع) ۳۲۹ تا ۴۶۹	مستنصر خلیفه ۴۳۸
معینفر علی اکبر ۱۹۰ تا ۲۱۰ ر ۳۸۱	مسعودی ۲۰۲ تا ۲۵۱ ر ۳۰۸
مغنیه ۲۴۸ - مفتاحی ۲۹۰	مسلم بن حجاج نیشابوری ۱۲۴ تا ۸۹
مفتح ۱۲۹ تا ۲۹۶ تا ۸۱ تا ۴۴۱ تا ۴۷۶	مسلم عقیل ۴۳ تا ۵۴ تا ۱۵۳ تا ۳۲۷ تا ۳۳۲
مفتی سوریه ۲۱۸ - مفضل ۲۲۳	مشکینی فقیه مبارز ۲۹۸ تا ۳۵۷ تا ۴۸۴
مقداد صحابی پیامبر ص ۴۱۹	۶۸۳ تا ۶۲۴
مقدم مراغه‌ای ۱۵۹ ر ۶۷۹	مشیرالدوله ۱۷۲ تا ۱۹۳
مک کاورن ۱۰۳ تا ۵۸۱	مصباحزاده (فقیه فاضل) ۲۵۶
ملاعلی (اهل سنت و دختر) ۲۲۷	مصدق محمد ۳۴ تا ۴۸ تا ۵۷ تا ۷۲ تا ۱۴۴
ملک حسن دوم ۷۳ تا ۱۱۲ تا ۲۲ تا ۳۹۹	۵۵۵ تا ۴۶۸ تا ۷۰ تا ۸۴ تا ۷۹ تا ۶۱۷
۴۱۳ تا ۵۶۶ تا ۶۶۶	مصطفای الجزائری ۶۴۷
ملک حسین ۶۷ تا ۷۳ تا ۱۱۱ تا ۲۲ تا ۳۹۸	مصطفی نجیب ۳۱۴
۴۷۳ تا ۶۲۵ تا ۴۳ تا ۶۶۲	مصطفوی حسن ۴۰۲ - مصعب ۹۶
ملک شاه ۴۴۰ تا ۵۲۰ - م قابوس ۱۱۲	مطهری فقیه و فیلسوف مبارز نهید
ملک المتکلمین ۱۲۸	۱۲۹ تا ۲۹۰ تا ۸۷ تا ۳۷۷ تا ۴۴۰ تا ۶۱۹ تا ۸۰ و
ملکوتی امام جمعه تبریز ۴۷۴ تا ۵۸۴	۲ تا ۶۱۴ تا ۲۷ تا ۶۳۴
ملکه انگلیس ۶۲۷	معادینخواه وزیر ارشاد - الامی ۲۳۰
ملکی خلیل ۲۳۷	۲۹۸ معاد ۲۵۲
منتظری فقیه مجاهد ۶۴ تا ۲۳۰ تا ۲۹۰	معاریه ۳۳ تا ۳۸ تا ۴۱ تا ۶۸ تا ۹۸ تا ۱۰۷ تا ۸
	۲۳ تا ۴۸ تا ۲۸۰ تا ۴۰۴ تا ۵۰۳ تا ۱۰ و ۳۴۶

مرتبه دهها و ضدها در صورت تکرار ، صرفه جویی و حذف میشود

مواوی ۱۲۰ و ۲۴ و ۲۷ و ۲۴۳ و ۲۴۳ و ۴۹۴	۳۵۴ و ۳۸۱ و ۹۰ و ۵۸۸ و ۶۸۳
مهدوی سرهنک خائن ۶۵	منتظری فقیه مبارز شهید ۴۸۰
مهدوی کنی عضو شورای نگهبان ۴۸۱	منصور وزیر طاغوت ۲۳۷ و ۴۶۹ و ۸۱ تا ۴
مهدوی یحیی ۵۰۱	منصور خلیفه ۱۴۲ و ۳ و ۱۷۳ و ۱۷۳ و ۱۹۲ و ۳۱۹
مهدی خلیفه ۱۴۳	۴۲۳ و ۴۵۰
میتران ۳۵۷ و ۷۳ و ۹۳ و ۶۴۰ و ۴۹ و ۵۲	منوچهری نفاق ۱۹۲ و ۳۸۱
۶۶۶ و ۶۶۹	موریس دو کبری ۳۴۲
میشم ۳۲۷ و ۴۱۹ - میر خواند ۱۲۷	موریش مترلینک ۱۷
میخالکف ۶۱۵	موسوی اردبیلی ۱۱۵ و ۱۸۳ و ۹۲
میر داماد ۲۳۷ - میرزا آقاسی ۳۵۹	۴۰۳
میرزا مجید مأمور روس ۴۳۹	موسوی خوئینی ها نائب رئیس مجلس
میر فیض ۱۶۹	۱۹۱
میرزا عبدالکریم (ربودندش) ۶۱۸	موسوی دادستان ۲۱۸ و ۲۹۷ و ۴۸۶
میرزا یحیی ۵۵۷ - میر یونس ۳۶۷	موسوی زنجانی ۳۲۸
میکائیل ۲۴۷ - میکال ۴۲۴ تا ۶	موسوی سیدابوالفضل ۴۵۸ و ۵۲۴
میلانی فقیه و مرجع ۲۳۵ و ۴۱۰ و ۶۷۷	موسوی نخست وزیر ۲۲۸ و ۴۰۷ و ۹۰
ن	موسی کاظم (ع) ۱۶۶ و ۸۲ و ۲۰۲ و ۱۱
نائبینی ۱۹۳ و ۲۳۶ و ۳۵۰ و ۷۲ و ۹۶ و ۴۳۶	۲۴ و ۲۵ و ۲۵ و ۳۲۰ و ۴۳ و ۴۷ و ۵۰ و ۶۵
نابینای هاشمی (مددغیبی) ۴۳۱	۵۲۸ و ۴۳۳
نایلتون ۹۵ و ۳۲۵ و ۴۶۳ و ۵۱۰ و ۶۴۹	موسی (ع) ۲۶ و ۳۰ و ۹۳ و ۱۱۲ و ۴۱
نادر ۳۹۴ و ۴۵۴ و ۶۲ و ۵۲۱	۴۶ و ۸۷ و ۲۰۱ و ۳ و ۵۰ تا ۳ و ۶۸ و ۳۴۴
نادر میرزا ۴۶۲ - ناصری ۳۲۸	۴۹۹ و ۲ و ۵۰ و ۷ و ۹۵ و ۶۳۲ و ۶۶۹
ناصر ۲۵۰	موشه دایان ۴۳۶ و ۶۶۸
ناطق نوری عباسعلی شهید ۴۷۹ و ۸۰	مولانا محمود حسن منجی هند ۶۲۶

مرتبہ دہا و صدہا در صورت تکرار، صرفہ جوئی و حذف میشود

- ناطق نوری علی اکبر وزیر کشور ۴۷۹
 نامجو ۳۷۷ - نجات الہی ۲۹۰
 نجفی مرجع ۵۱ - نخجوان ۵۴۷
 نراقی علامہ ۴۳۶
 نرون ۳۳ ر ۲۴۸ ر ۳۹۴
 فرجس خاتون سیدہ کنیزان ، مادر
 ولیعصر ع ۲۰۳۶ ر ۲۱۴ ر ۲۶۸ ر ۲۹۹
 نژیہ (فراری) ۳۸۲ ر ۲۹۱ ر ۳۸۲ ر ۶۷۹۴۰۴
 نسائی مرحوم ۱۵۰ - نصر عباس ۴۳۷
 نصرانی ۳۱۰ - نصیری ۳۵۴ ر ۴۱۰ ر ۴۳۰
 نظام الملک وزیر ۱۵۴ ر ۵۶۲
 نظامی ۲۴۲ ر ۹۳
 نعلل یہودی مستبصر ۲۶۸ ر ۹۳ و ۹
 نفیسی ۱۶۰ - نقوی ۲۱۰
 نقوی میرخلیل ۲۴ - نگہدار ۲۵۶
 نمرود ۴۹۰ تا ۲۷۰ و ۵۰۵ ر ۶۶۹
 نمیری کاذب ۶۷۶ ر ۱۸۶
 نمیری جعفر ۳۹۹ ر ۴۱۳ ر ۶۶۴
 نواب صفوی ۳۷ ر ۵۷ ر ۱۹۸ ر ۲۳۶ ر ۴۷۰
 ۸۳ و ۴۸۴
 نوبخت نائب خاص امام زمان ۱۸۶ ر ۳۷۹
 نوبل ۶۲۳ - نوح بن سلیمان ۴۲۹
 نوح نبی ۲۶۶ ر ۳۰ ر ۲۵۸ ر ۳۰۴ و
 ۴۹۴ و ۴۸۸ ر ۴۴
 نورالدینی ۳۲۸ - نوری ۲۴۸
 نوری فضل اللہ ۱۲۸ ر ۳۶۳ و ۹۶ ر ۴۱۰
 نهر و ۱۸ ر ۵۳۶ ر ۶۲۶
 نیشابوری ۲۵۰ - نیشتر ۳۸۳
 نیکسون ۱۰۲ ر ۳۷۳ ر ۳۹۳ ر ۵۳۹
 ۵۷۵ ر ۵۸۱ تا ۵۸۵
 نیکلاتزار ۵۱۰ ر ۵۴۶ ر ۵۵۵
 نیکافیر یوبین معشوقہ ۶۰۳
 نیک نژاد ۲۳۷ - نیکلسون ۱۲۷
 نیوطن اسحق کشف جاذبہ ۲۲
 واسکوئز ۵۳۴
 واشنگتن ایر وینک ۳۴۱
 واشنگتن ۵۳۵ - والاس ۵۸۶
 والی مدینہ ۱۸۲ - وامق مسیحی ۳۳۳
 وثوق السلطنہ ۱۷۲ ر ۱۹۳
 «وتو» ۴۰۷ ر ۶۱۲ - وجدانی ۱۹۱
 وحدت؛ صہیونی ۹۱
 وحید بہبہائی ۱۲۸
 وحید دستگردی ۱۹۴ ر ۳۳۱
 وردی ۳۱۵
 ورف پول ۶۲۳ - ورقہ ۸۱
 وصال ۵۵۱ - ولادیمیر رئیس ۶۰۳
 ولایتی وزیر امور خارجه ۱۹۲
 ولتر ۳۲۵ ر ۹۵ - ولدبا ۶۰۳

مرتب به دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جویی و حذف میشود

- ولز ۳۲ - ویلی برایانت ۶۶۰۶۶۲۲
ولید مروان ۳۹۲ - ولید مغیره ۳۱
ونس سایدروس ۵۸۰ - ویبر ۴۰۸
ویشتاسب ۵۵۰ - ویلسون ۶۴۱
ویلندورات ۱۴۴ تا ۳۴۵ و ۳۶۵ و ۵۵۳
ویلیام ، تئوریسین حکومت جهانی ۲۱۳
ویلیام دو کلاس (افشاگر) ۵۹۰
- ه
- هاییل ۴۸۸
هارون نبی ع ۱۱۳ و ۷۴ و ۳۴۵ و ۴۹۵
هارون خلیفه ۹۹ و ۱۶۶ و ۲۲۳ و ۳۰۶
و ۵۰ و ۵۰۵ و ۴۲۳ و ۲۷ و ۵۲۷ و ۵۲۸
هاشم جد پیامبر اسلام ۲۱۱ و ۲۹۴
هاشمی ۳۲۸
هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس ۱۹۲
۲۳۰ و ۹۰ و ۳۵۴ و ۳۸۱ و ۴۸۱ و ۵۲۲ و ۸۵ و ۶۲۶
و ۷۵ و ۶۸۳
هاشمی نژاد ۳۴۲ و ۷۷ و ۴۴۱ و ۷۲ و ۶۱۳
هالدمن افشاگر ۵۸۲ - هالی ۸۲
هامبر تئوریسین حکومت واحد ۲۱۳
هانی عروه ۴۴ - هایز رمن ۴۹
هخامنش ۵۶۳ - هرست ۵۷۷
هرشل ۶۰۹ - هرقل ۲۲۰
هزیر ۲۳۷ و ۴۶۹
- هشام ۲۲۳ تا ۴۱۸ - هشام ۳۱۸
هفتاد و دو شهید ۲۰۹ و ۲۸ و ۲۴۸
هگل ۵۹۸ - هلاکو ۱۲۶ تا ۳۱۱ و ۴۴۲
هلمز ۵۸۲ - همایون والا ۵۹۷
همدانی بدیع الزمان ۴۳۳
همدانی مولی ۴۵۸
همدانی احیاء ۴۵۱ - همراہ ۱۹۱
هنری کربن ۴۷۷ - هنریا ۵۵۲
هوا کوفنگک ۶۵۵ - هود ۴۹۲ تا ۴۱
هویدا وزیر طاغوت ۳۸ تا ۴۱ و ۴۳۰
هویدای ساواکی ۱۰۰
هیتلر ۳۳ تا ۶۱ و ۱۲۱ و ۳۹۴ و ۵۳۹
۷۹ و ۴۷ - هیتلر ثانی ۶۶۹
هیرودیس ۵۰۴ - هیک ۵۹۰ و ۶۶۴
هیکل وزیر مصر ۱۲۵ تا ۱۹۶
- ی
- یاروزلسکی ۶۶۸ - یاسر ۲
یاسر عرفات ۳۷ تا ۲۳۹
یان اسمیت ۶۲۵ - یحیی نبی ع ۱۴۰
یحیی شهید ۲۴۸ تا ۴۰۵ و ۵۰۲
یزدگرد ۴۱۶ تا ۵۱۸
یزدی محمد ۱۹۲
یزدی سید کاظم ۱۲۹ تا ۳۶۳
یزدگرد ۳۹ تا ۴۱ و ۶۹ و ۹۹ و ۱۲۹ و ۱۴۸

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار، صرفه جوئی و حذف میشود

یوری دانیل ۶۲۳-یوشع ۶۷۱ ر ۲۱۳	۴۱۷ ر ۹۱ و ۴۶۳ و ۱۶۳ و ۳۱۰
یوسف نبی ^{عليه السلام} ۹۱ ر ۲۳ و ۵۱ و ۲۰۳	۵۲۶
۶۳۲ ر ۳۵۷	یزید مروان ۳۹۲
یونس نبی ^{عليه السلام} ۲۵۸ ر ۸۰	یسی ۲۶۸ ر ۲۱۴
یونس صحابی ائمه ۴۱۹ ر ۳۶۰	یعقوب نبی ۶۷۰ ر ۲۸۰ تا ۸۰
یهودای اسخر یوطی ۵۳۹ ر ۱۸۷	یفتوشنکو ۶۲۳
	یکاترینا ۶۰۳

فهرست مکاتب ، وقایع ، رژیمها ، جمعیتها ، ازمنه و امکانه

اروپا ۵۳۰ و ۴۶ و ۵۰ و ۵۳ و ۶۲ و ۶۷

۶۱۳ و ۵۳۴

ارومیه ۲۶۰ - اریتره ۱۸ و ۲۶۶ و ۲۹۰

ازبکان ۴۵۱

الازهر ۱۷۷ و ۲۳۴ و ۲۵۰ و ۵۱۹ و ۵۶۲

اسپانیا ۱۴۵ و ۳۸۹ و ۵۳۲ تا ۴

استعمارگر ۱۷ و ۶۳ و ۴ و ۹ و ۷۲ و ۸۹

۹۱ و ۱۰۰ و ۳۸۱ و ۲۱۹ و ۴۵ و ۳۹۴ و ۴۷۹

۶۴۸ و ۵۷۹

استقبال ۴ - ۶ میلیون از امام خمینی ۲۹۰

اسکندریه ۵۳۳ - اسماعیلیه ۱۲۸ و ۴۴۲

اشکانی ۶۷۶

اصحاب جمل ۴۰ و ۶۹ و ۹۷ و ۱۲۷ و ۲۲۲

۳۸۵ و ۳۴۶ و ۹۲

اصفهان ۲۹۰ و ۴۳۹ و ۶۶ و ۵۲۱ و ۵۶۳

اطریش ۵۴۶ و ۵۳۲

افغان ۷۲ و ۱۳۸ و ۲۳۹ و ۳۹۸ و ۴۵۹ و

۶۲۹ و ۲ و ۹۰

اقیانوس هند ۶۲۹ و ۴۹۹

السالوادور ۲۳۹ و ۴۹۰ و ۵۹۱

الیزه کاخ فرانسه ۶۶۶

امجدیه ۳۸۱ - انبار ۵۵۳

انجمن حجتیه ۲۴۰ و ۵۰۷ و ۱۰ و ۵۸ و ۶۵

۶۳۵

آ

آبادان ۲۰۶ و ۶۹ و ۹۰ و ۵۹۲ و ۶۸۳

آذربایجان ۵۲ و ۱۵۸ و ۳۹۵ و ۵۱۷

آذربایجان شوروی ۶۰۲ و ۶۱۷

آذرشهر ۴۸۲ - آرژانتین ۵۸۶ و ۶۶۰

آستان قدس رضوی ع ۴۴ و ۴۶۲ و ۵۵۵

آسیا ۶۳ و ۲۶۱ و ۶۵۱

آفریقا ۳۱۴ و ۹۰ و ۵۶۶ و ۷۰ و ۳ و ۶۲۵

و ۴۵ و ۵۱ و ۶۶۰

آلبانی ۶۶۰ - آلبویه ۱۵۰ و ۴۳۳

آلمان ۴۵۹ و ۵۴۶ و ۷ و ۷۹ و ۶۲۰ و ۶۶۱

و ۶۶۵

آنکولا ۶۲۰

آمریکای لاتین ۲۳۶ و ۳۷۳

آمریکا و انگلیس و چین و شوروی و

فرانسه رجوع شود بکلمه رژیم

الف

ابوظبئی ۱۹۵ و ۳۵۶ و ۳۸۷ و ۵۷۰

اتیوپی ۶۶۱

الجزائر ۶۷ و ۱۱۱ و ۲۱ و ۳۸۴ و ۹۸

۴۴۹ و ۹۰ و ۶۰۷ و ۴۵ و ۶۶۵

ادرنه ۵۵۷ - ادینه ۵۱۲

اردن کس کلیسا ۵۴۰ - اردبیل ۱۶۰

اردن ۳۷۳ و ۹۷ و ۵۸۵ و ۶۲۵ و ۶۶۱

مرتبہ دہا و صدہا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

- اندونزی ۱۶۴ تا ۵۷۲ ر ۶۶۱
 انقلاب و جمهوری اسلامی ، از هر
 چند صفحه بمتناسبی ذکر میشود
 انقلاب شاه و مردم ۵۹۴
 انقلاب و حکومت جهانی مهدی (عج)
 ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ و ۲۰۹ تا ۱۳۰ و ۳۹ و ۲۹۲
 انگلیس بکلمہ رژیم رجوع فرمائید
 اور کلدانیان ۶۶۹
 اوصیاء گذشتہ ۱۰۵
 اوگاندا ۶۶۱ - اهرام مصر ۵۶۱
 اهواز ۲۰۶ تا ۲۰۶ ر ۵۱۷
 ایتالیا ۳۵۶ تا ۵۲۲ و ۳۱۵ و ۴۵۰ و ۵۴۰ ر ۶۶۱
 ایران از هر چند صفحه ذکر شدہ
 ایرلند ۳۹۴ تا ۴۵۹ و ۹۰ و ۵۵۵ ر ۶۲۶
 ایلات ۱۸۳ - ایلخچی ۳۸۷
- پ
- پاریس ۲۱۹ تا ۴۷۲ و ۵۳۷ و ۴۴۰ ر ۶۵۲
 پاکستان ۳۶۳ تا ۹۴۰ و ۱۲۲ تا ۲۲۷ ر ۳۱۶
 ۳۴۱ تا ۶۲۹ ر ۶۴۸
 پاسدار و پیشمرگہ و سر باز و جہادی
 و عشایر ۶۱ تا ۷۴ و ۱۰۰ و ۱۰۰ و ۵۰۷ و ۲۰۷ ر ۱۶
 و ۹۱ تا ۳۹۸ و ۵۰۷ و ۵۱۰
 پاناما ۴۸ تا ۶۶۸ - پرتقال ۶۶۲
 پروس ۵۴۶ - پولیساریو ۳۹۹
 پیامبران کذب ۹۰ - پیشاور ۲۲۵
- ب
- بابل ۴۹۰ - بابی سائندزویاران ۲۶۶
 بابی ، بھائی ۲۵۶ تا ۳۸۶ و ۳۸۶ و ۹۰ ر ۴۳۹
 ۶۳۴
 بحرین ۴۶۱ - بدر ۵۰۷ تا ۹۷
 بدشت ۵۶۴ - برزیل ۴۵۹
 برہمنان ۵۵۹ - برلن ۶۶۰
 بستان آزاد شد ۵۰۷ و ۵۲۴
 بسیج ۱۸۳ تا ۲۹۱ و ۲۹۱ تا ۵۰۷ و ۶۸۶

فهرست مکاتب ، وقایع ، رژیمها ، جمعیتها ، امکانه و ازمته

- | | |
|---|---|
| جبل عامل ۴۵۰ و ۴۵۴ و ۴۸۶ | بیکاری و خلقی ورنجبر آمریکائی ۱۹۲ |
| جبهه ملی ۵۲ ر ۱۱۶ و ۴۴ ر ۵۹۳ | ت |
| جزیره العرب ۱۲۴ ر ۱۳۱ و ۳۱۳ ر ۵۲۳ و ۴۵۸ | تاتار ۶۲۱ - تاجیک ۶۰۲ |
| جزیره موریس ۳۴ ر ۴۱۱ - ویت ۶۲۸ | تایلند ۵۷۲ - تابوان ۶۵۹ |
| جشتواره اسلامی لندن ۴۰۱ | تبت ۹۵۵۰ - تحریم اقتصادی ۱۰۳ |
| جماران ۶۷۶ ر ۱۷۶ | تبریز ۲۰ ر ۴۰ و ۱۱۲ و ۱۵ و ۱۸ ر ۲۹۰ و ۵ |
| جمعه سیاه هفده شهریور ۲۹۰ ر ۴۸۰ | ۳۴ ر ۳۸۴ و ۴۸۰ ر ۵۰۸ و ۱۱ و ۲۳ و ۶۱۸ و ۳۴ |
| جنبش مسلمانان ۵۹۳ | ۶۸۶ و ۷۷۷ |
| جندی شاپور ۱۷ و ۱۹ | تبع ۱۹۵ ر ۵۰۵ - تبوک ۲۵ ر ۹۶ و ۵۹۳ |
| جنگ احد ۲۷۹ و ۴۹۸ - پنامه ۴۱۷ | ترکستان ۵۵۰ |
| جنگ بین الملل روسی ساله و صلیبی و... | تر فند رادیو لندن ۶۳۰ ر ۶۳۸ |
| ۴۷ ر ۱۳ و ۶۳ و ۹۸ و ۵۰۹ و ۳۰ و ۴۷ و ۷۹ | تر کمن صحرا (عهدنامه) ۵۲۶ |
| ۸۹ و ۶۶۰ و ۷۱ و ۶۷۳ | ترکیه ۵۰ ر ۱۷۷ و ۵۱۲ و ۵۰ و ۶۴۸ |
| جوزجان ۴۲۴ - جولان ۶۱۲ و ۵۶ | تفلیس ۶۰۲ - توابعین ۲۴۸ |
| جیحون ۳۹۰ ر ۵۲۱ | توده‌ای ، اشتراکی ۱۷ ر ۷۰ و ۱۸۵ |
| چاد ۳۵۷ ر ۶۴۷ - چین روس ۶۰۸ | ۶۱۹ ر ۵۹۴ و ۳۸۶ |
| چریک فدائی ۱۱۶ و ۳۷ و ۵۸ و ۹۲ و ۲۱۹ | توران ۵۰۵ - توکیو ۶۲۴ |
| چکوسلواکی ۵۰۰ | تونس ۱۳۱ ر ۴۲۴ |
| چین ۵۵۰ و ۵۹ و ۶۲ و ۶۲۰ و ۲۱ و ۲۹ | تهران ۳۴ تا ۳۸ ر ۴۷ و ۵۱ ر ۲۰۶ و ۲۳۶ |
| ۶۵۵ تا ۶۵۰ بقیه را بکلمه رژیم | ۳۵۶ ر ۵۰۹ و ۵۸ و ۶۴ و ۶۱۷ ر ۶۷۵ |
| رجوع فرمائید . | تیمور شرقی ۶۶۱ |

ح

ج

- حبشه ۵۰۶ - حجاز ۱۹۶ ر ۴۵۸
حرکت تخت بلقیس ۱۴۲

- جاده هراز ۲۶۰ - جاهلیت ۱۱۷
جاما و جنبشی ۲۱۹ ر ۱۵۹

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار، صرفه جوئی و حذف میشود

- حزب الله ۱۹۳ تا ۶۳۸ - رستاخیز ۴۹۸
 حزب خلق مسلمان ۴ تا ۵۲۴ ر ۶۱
 ۹۱ و ۱۳۷ تا ۲۹۱ و ۳ تا ۴۸۵ ر ۵۲۴
 حزب دموکرات آمریکا ۵۸۲
 حسینیه ارشاد ۱۲۴
 حکمیت ۹۸ تا ۴۶
 حقوق بشر و حیوان ۶۵ تا ۱۰۲ ر ۴۳۶
 حله ۴۴۱ تا ۵۷ - حمایت از گرسنه ۲۰۵
 حواریون عیسی علیه السلام ۵۳۹
 حوآب ۹۷ - حیفا ۵۵۷
- خ
- خراسان ۱۲۶ تا ۴۵۱ و ۶۲ تا ۵۲۸
 خرداد خونین ۳۸ تا ۲۳۵ و ۸۹ تا ۶۰۹
 خرمشهر ۶۴ تا ۱۷۷ و ۳۱ تا ۸۷
 خلفای راشدین و غیره ۱۰۰ ر ۱۱۰
 ۱۹۶ تا ۳۰۰ و ۳۵۲
 خلیج فارس ۴۰۶ تا ۵۸۱ و ۵۸۷
 خوارج (مارقین) ۴۶ تا ۵۲۳ و ۲۶ تا ۶۸۶
- د
- دارالتبلیغ و ترویج ۳۹ تا ۶۸۲
 دادگاه آمریکا ۳۸۴
 دادگاه ۴۹ تا ۲۹۷ و ۴۸۴
 داغستان ۶۲۱
 دانشجویان پیر و خط امام ۴۷ ر ۷۰
- ۱۰۰ تا ۱۹۲ و ۶۱۹
 دانشگاه ۳۹ تا ۴۴ و ۵۴ تا ۱۹۰ ر ۲۶۲
 دربار ۵۳ تا ۲۳۱ و ۲۳۱ تا ۵۰۹ و ۵۴۹
 دریای سیاه ۶۰۳ تا ۶۱۵
 دزفول ۶۰ تا ۶۴ و ۲۰۶ تا ۳۸۸
 دفتر حزب جمهوری اسلامی ۲۴۸
 ۴۰۳ تا ۴۷۲
 دکن ۳۹۰ - دهلران ۶۳۸
 دهلی ۶۶۷ - دولت و زندان ۳۵۷
 دول غیر متعهد ۲۰۵ - دیالمه ۲۲۵
 دریاسین ۳۹۳ تا ۵۰۳ و ۶۴۸
- ر
- رژیم: علاوه از اینکه بترتیب رژیم
 آمریکا صفحه (۵۶۴ تا ۹۴) و شوروی
 (۵۹۵ تا ۶۲۵) و انگلیس (۶۲۵ تا ۴۳۱)
 و فرانسه (۶۴۴ تا ۵۳) و چین (۶۵۴
 تا ۵۹) مورد بحث قرار گرفته است
 در صفحات دیگر نیز از هر چند
 صفحه بمناسبتی اسمی از آنها بچشم
 میخورد که جوینده را از مراجعه
 بفهرست اعلام آنها بی نیاز میکند.
 گذشته از آن، محقق میتواند از
 دنبال کردن اسم اشخاص که صفحات
 آنها قید شده است، رژیم کشور

فهرست مکاتب ، وقایع ، رژیمها ، جمعیتها ، امکانه و ازمنه

- آنهایی ببرد مثلا اسم جانسون ،
 نیکسون ، کارتر ، ریگان ، مک کارون
 و «سیا» مترادف رژیم آمریکا و اسم
 لنین ، استالین ، خروشچف ، برژنف و
 و ساخاروف و ما کزیموف و بیرک کارمل
 تداعی کننده رژیم شوروی میباشد ،
 همچنین کلمات چرچیل و تاچر
 و میتران و مائو و هوا کوفنگک ...
 و قس علیهذا کلمات سفیر یا جاسوس ،
 «وتو» و استعمارگر و سازمان ملل
 و عفو بین الملل و غیره همچنین فهرست
 متن که در اول کتابست و فهرست
 پاورقیها که از صفحه ۶۸۸ شروع
 میشود ، تا حدی صفحه هویت دارندگان
 حق «وتو» را نشان میدهد
- رژیم امپراطوری عثمانی ۳۹۱ ر ۱۹۵
 ۴۲ و ۳۱ و ۶۲۵ ر ۵۷ و ۵۴۸ ر ۵۷ و ۵۱ و ۴۷
 رژیم تزار ۲۹ و ۶۲۷ و ۹۹ و ۹۵ و ۴۶ و ۵۱
 رژیم سعودی ۲۳۸ ر ۲۱۹ ر ۱۶۴ ر ۶۶
 ۶۶۳ ر ۵۸۱ ر ۵۷۲ ر ۴۷۴ ر ۳۵۷
 رژیم شاهنشاهی ۵۴۸ ر ۳۵ و ۵۰۷ ر ۱۲۶
 رژیم عراق ۱۸ و ۱۰۱ ر ۷۰ تا ۶۰ ر ۵۳ و ۵۳
 و ۲۱ و ۵۱ و ۸۰ و ۹۰ و ۹۴ و ۲۳۴ ر ۳۱۶
 ۶۸۴ ر ۴۸۳ و ۵۴۸ و ۵۳ و ۸۷ و ۶۶۵ ر ۶۸۴
- رژیم قبلی عراق ۳۷ ر ۳۸ ر ۱۳۸ ر ۳۳۹ ر ۴۶۷
 ۶۴۳
 رفراندوم تصویب جمهوری اسلامی
 ۵۳ ر ۲۹۵ ر ۳۷۷
 رنجبران ۹۲ ر ۱۰۲ - رودزیا ۶۶۲
 رنسانس اسلام ، بینش و تدابیر امام ۱۰۱
 روحانیت ۵۳ ر ۱۳۳ ر ۳۴۳ و ۵۳ و ۶۹
 ۵۰۷ و ۳۸۰ ر ۳۲۷ و ۶۸۰ و ۶۸۲
 روم ۹۶ ر ۱۸۷ و ۹۷ ر ۳۹۴ ر ۵۱۲ و ۳۱
 و ۵۲ و ۸۵ ر ۶۷۱
 ری ۸۸ ر ۱۵۰ ر ۳۷۹ ر ۴۲۶ ر ۳۳۹
 زامبیا ۱۳۱ - زردشتیان ۲۱۳
 زنجان ۴۵۸ - زعیتر کوه ۳۹۷
 زنجیر دوم مخوف تر از اولی ۴۷۰
 ژاپن ۲۶۶ ر ۴۰۷ ر ۴۷۷ و ۵۴۷ و ۹۰ و ۶۲۰ و ۶۲
 ژاندارم ۱۸۳ ر ۶۱ - ژرمنها ۵۴۴
- س
- سازمان امنیت شاه (ساواک) ۳۹ ر ۴۱
 ۵۱ تا ۳۰۰ ر ۱۰۰ و ۱۶ و ۶۴ ر ۲۰۷ و ۹۰
 ۴۰۱ و ۱۹ و ۸۳ ر ۵۱۴ تا ۱۷ ر ۵۴۹
 سازمان ملل ۶۱ و ۵۰۵ ر ۲۰۵ ر ۲۱۲ و ۲۷
 ۴۰۷ و ۳۶۰ ر ۵۳ و ۵۸ و ۷۸ و ۶۵۹ ر ۶۶۱
 ۶۶۸
 سامراء ۱۸۷ ر ۲۳۱ و ۳۳ و ۵۳ ر ۳۹۰

مرتب دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

۶۱۲ ر ۹۳ و ۸۶ و ۵۲ و ۵۹ و ۴۱ و ۳۰ و ۲	۵۲۰
۴۵ و ۵۳ و ۶۹	ساسانی ۵۴۱ ر ۵۱۹ و ۵۱۶ ر ۶۶
سوسنگرد ۲۰۶ ر ۲۰۷ و ۵۰۷	«ساش» گروه ۲۱۹ ر ۱۵۹
سومالی ۱۸۹ - سومنات بتکده ۴۲۰	سبا ۴۳۸ ر ۲۵۵
سه طفل شهید ۲۹۰ - سی ام تیر ۴۳۰	سپتامبر سیاه ۳۹۸ - سران عرب ۳۹۴
«سیا» ۳۵ ر ۷۳ و ۸۹ ر ۴۷ و ۴۷ ر ۵۶ تا ۷۱	سربداران ۲۲۶ ر ۱۹۳
۸۲ و ۹۱ و ۱۳ ر ۶۲ و ۶۲۴	سرخیوستان بومی ۲۶۶ ر ۵۳۸ و
سیاهپوستان ۳۲ ر ۳۸ و ۳۸ ر ۵۷ و ۶۰۵	۶۶۹ ر ۵۶۷
سینمار کس ۲۹۰ - سران مرتجع ۴۰۶	سرزمین عراق ۱۳۸ ر ۳۷ و ۶۴ ر ۳۳۹
ش	۶۴۳ ر ۵۸۹ و ۴۶۷
شرکت لاکهید آمریکا ۵۸۵ ر ۶۶۲	سعد آباد ۶۴ - سلجوقی ۴۴۱ ر ۵۳۰
شرکت نفت (ناکس و داریسی) ۶۲۸	سفیر یا جاسوس ابرقدرتها ۱۱۸ ر ۴۷
شورای عالی دفاع ۱۹۰	۲۹۱ ر ۳۲۸ و ۳۲۸ ر ۴۷۸ و ۵۶۹ و ۷۰۰ ر ۶۰۰ و
شورای نگهبان ۳۵۳	۶۱۹ و ۲۰ ر ۶۲۴
شوروی (رجوع شود بکلمه رژیم)	سقیفه ۱۲۴ ر ۳۰۹ - سند ۳۹۰
شهریور بیست ۵۶	سنگسر ۶۳۳ - سنندج ۱۲۶ ر ۳۹۸
شیراز ۴۰۶ ر ۹۱ و ۵۲۱	سنی و شیعه ۱۶۳ و ۸۹ ر ۲۰۹ و ۲۸
شیلی ۱۱۵ ر ۵۶۹ و ۸۱ و ۶۲۸ ر ۶۶۴	۳۹۰ و ۳۹۰ ر ۴۰۳ و ۳۲۴ و ۴۱ و ۵۹ و ۷۲ و ۷۷
ص	۵۵۴
صحرا (آفریقا) ۲۶۶ ر ۳۹۹	سوسیالیسم ۵۴۲ ر ۲۴۵ و ۶۰۵
صدا و سیما ۵۳ ر ۲۵۷ و ۲۵۷ ر ۵۹۴ و ۶۷۳	سوئز ۶۲۸ - سوئد ۵۷۹ و ۶۱۹ ر ۸۰
صفویه ۴۵۷ ر ۲۲۵	سوئس ۳۵۵ ر ۶۶۶
صفین ۴۱ و ۵۹ ر ۶۹ و ۹۱ و ۸۱ و ۱۲۷ ر ۲۲۲	سودان ۵۸۱ ر ۶۶۴
۴۱۷ ر ۳۰۵	سوریه ۱۱۱ ر ۶۸ و ۱۲۳ و ۲۶ ر ۲۱۸

فهرست مکانب ، وقایع ، رژیونها ، جمعیتها ، امکانه و ازمنه

صلیب سرخ ۱۲ - صنعا ۳۶۳ ر ۵۰۷

غزنویان ۴۲۴ ر ۹ - غیر متعهدها ۲۰۵

صو ۴۵۴ - صوفیه ۵۷۰

ف

صهیونیسم ۳۳ ر ۳۵ ر ۷۳ ر ۶۶ ر ۸ و ۹۱

فارس ۴۸۲ - فتودل ۱۱۶ ر ۴۲۳ ر ۶۳

۱۱۱ و ۲۲ و ۸۵ و ۲۰۷ ر ۱۹ و ۳۵۵ ر ۹۳ و ۷

فاطمیون ۲۲۵ ر ۵۶۲

۴۷۴ ر ۹۷ و ۶۳۳ ر ۶۲ و ۴۰ و ۴۳ و ۶۶

فدائیان اسلام ۲۳۶ و ۴۷۰ ر ۴۸۳

فدك ۶۲ ر ۳۲۹ ر ۳۶۵

۷۱ و ۷۱ صیدا ۴۴۴

فرانسه : بکلمه رژیم رجوع فرمائید

ط

فرات ۳۵ و ۳۷ ر ۳۷۸ ر ۵۵۰

طبس ۶۵ ر ۲۹۱ ر ۵۹۱ ر ۵۹۳

فرزندسی ام. تعطیل عمومی ۶۶۰

طوس ۹۹ ر ۳۰۰ - طوفان ۴۸۸

فرقان گروهك ۲۹۳ ر ۵۹۱ ر ۵۹۳

ظ

فلسطین ۳۵ ر ۱۱۱ ر ۲۰۶ ر ۲۷ و ۳۹۴ و ۷

ظمار ۱۹۵ ر ۳۸۷

۵۰۴ و ۳۷ و ۴۵ و ۸۵ ر ۶۲۵ و ۲۶ و ۳۴

ع

۶۷۰ و ۶۶۹

عاشورا ۲۲۲ ر ۲۳۹ ر ۳۰ و ۳۱۸ و ۳۴۱

فیلیپین ۱۲۰ ر ۴۰۴ و ۹۰ ر ۵۰۲ ر ۵۷۲

۴۰۰ ر ۴۳۱ ر ۵۵۵

۶۲۸

عرب ۴۷ ر ۶۶ ر ۱۲۶ ر ۲۰۶ ر ۴۷۳ ر ۸۶

۵۱۷ ر ۶۲۷

ق

قاجار ۴۳۸ و ۶۲ - قاهره ۳۵

عقوبین المللی ۳۵۵ ر ۴۰۴

قبطیان ۶۷۰ - قیچاق ۵۵۰

عقبه بندر ۶۸

قدس ۱۳۰ ر ۲۲۷ ر ۶۶۵

علویان ۱۴۲ ر ۲۳۳ ر ۳۶۵ - ک ۵۵۷

قرارداد کس گلشائیان ۴۶۹

علیه گروه ۳۴۰ ر ۴۵۶ - عدن ۵۸۱

قره باغ ارومیه ۲۶۰ - قره چار ۶۰۸

عین خوش ۶۳۸

قزوین «شریف آباد» ۲۹۰ ر ۳۳۴ ر ۶۱۷

غ

قسطنطنیه ۴۴۷ - قطبزاده ۶۸۰ ر ۶۸۲

غدير خم ۱۳۸ ر ۱۴۹ ر ۵۳۵ ر ۳۶۵ ر ۴۰۱

قرقیزها ۶۰۸ - قلزم ۴۹۷

غرب ۳۳ ر ۱۳۸ ر ۴۷۷ - غزه ۵۲۱

مرتب دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

کمپ دیوید ۳۵ ر ۳۹۷ ر ۴۵۹ ر ۴۷۴	قم ۱۰۱ ر ۱۰۱ ر ۲۳۵ و ۶۰ و ۹۰ و ۳۲۶ و ۵۴
کموله (حزب) ۱۳۸	و ۸۷ ر ۴۶۶ ر ۶۸۱
کمیته اسلامی ۱۸۳	ك
کنعانی ۶۶۹	کابینه رجائی ۱۱۴ ر ۱۹۴
کنفرانس طائف ۱۲۰ و ۲۲ و ۷ و ۱۳۰	کاپیتولاسیون ۵۲ ر ۳۷۲
کوبا ۴۶۵ ر ۵۸۲	کارون ۶۶۶ - کاظمین ۴۵۲
کوفه ۴۱ ر ۴۳ ر ۵۴ ر ۱۳۹ و ۷۰ و ۸۳	کامبوج ۵۴۸ کانادا ۳۲۵ ر ۳۱۹ و ۶۱۹ و ۲۰ و ۶۵
۳۳۲	کانون توحید (مسجد) ۶۳۷
کولو نشاه ۵۴۴ - کوه احد و منی ۳۹۷	کربلا ۶۹ ر ۹۱ ر ۲۴ و ۱۲۴ و ۳۹ و ۴۸ و
کویت ۳۹۷ ر ۱۹۴ ر ۶۳	۹۱ ر ۲۱۷ ر ۳۰۱ ر ۳۲ و ۳۶ و ۴۵۱ ر ۴۵۸
کودتای زاهدی آمریکائی ۴۷۷ ر ۵۸۰	کرج ۳۹۲ - کرد ۴۰ ر ۶۲ و ۶۷ و ۱۰۰
کیسائیه ۱۴۱	۶۸۱ ر ۳۹۸ ر ۹۷ و ۲۹۱
ك	کر كوك ۲۱۷ ر ۲۱۵
گارد ۱۱۵ ر ۴۹	کرمان ۴۶۰ ر ۲۹۰ ر ۱۵۸
گاوپرستان ۶۲۷ ر ۶۸۸	کرمانشاه ۶۱ ر ۲۹۰ - کرمل ۸۹
گروگانگیری ۱۱۸ ر ۶۱ ر ۳۸۲	کره ۳۵ ر ۵۴۸ ر ۶۲۸
گروه سه نفری حل اختلاف ۱۱۷	کشمیر ۳۹۴
۱۳۷ و ۱۸۳	کعبه ۳۱۱ و ۹۸ ر ۴۴۰ و ۱۰۴۴ و ۵۰۷ و ۹
گروه مؤتلفه و ضربت و شورای عالی	کفر قاسم ۵۰۳ ر ۶۴۸
اسلام و ندای اسلام ۴۸۱	کلکته ۳۹۰
کنگ ۳۹۰ - گواتمالا ۵۹۱ ر ۶۶۵	کلیسا و مسیحیت و تعریف ۷۳ ر ۷۷ و ۸۰
کینه ۱۳۱	و ۸۲ ر ۱۹۹ ر ۲۷۵ و ۹۱ و ۹۷ ر ۴۹۷ و ۵۰۶ و ۹
ل	۳۳ و ۳۷ و ۳۹ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۷ و ۶۲ ر ۶۸۸
لاهور ۵۸۶	کمپانی شرق ۶۲۸

فهرست مکاتب ، وقایع ، رژیمها ، جمعیتها ، امکانه و ازمنه

۴۸۱ و ۴۰۷	لبنان ۵۵ ر ۵۷ ر ۱۱۱ و ۱۸۰ و ۲۳۹ ر ۵۰
مجوس ۵۲-مدائن ۱۸۷ ر ۴۸ ر ۴۳۸	۶۵۳ ر ۵۰۳ ر ۷۱ و ۶۹ ر ۴۵۶ ر ۳۵۸
مدرسه علوی نجف ۵۵ ر ۴۶۹	لندن ۳۵ ر ۷۰ ر ۲۶۱ ر ۳۵۵ ر ۶۲۵ و ۳۰
مدین ۴۹۵	و ۳۳ ر ۶۴۱ و ۶۴۲
مدینه ۴۰ ر ۴۶ ر ۴۷ ر ۱۸۳ ر ۲۷۱ و ۵۲	لهستان ۲۳۹ ر ۳۵۶ ر ۴۹۰ ر ۴۹۰ ر ۵۸۱ ر ۶۱۹
۹۳ و ۵۰۰ ر ۹۸ و ۴۶۰	۶۶۸
مذاهب اربعه ۴۵۵	لویزان ۱۹۱- لیتوانی ۶۰۱
مراکش ۴۷ ر ۳۷۳ و ۹۹ ر ۴۱۱ و ۹۰	لیبرالست ۱۱۶ و ۱۵۵ ر ۳۷۱
۶۶۶	لیبی ۶۸ ر ۱۱۱ ر ۳۹۹ ر ۴۷۱ و ۹۰ ر ۵۴۸
مرج عذراء ۴۱۶	م
مرزبازرگان ۱۰۱ ر ۳۸۲	مائوئیست ۵۸ و ۶۲۲ - مارسیل ۳۴۳
مریوان ۳۹۷ - مستشاران ۵۲ ر ۶۸۵	مارکسیسم (کمونیسم) ۱۸۵ ر ۲۹۵
مسجد الاقصی یا مسجد حضرت داود که	۴۷۱ ر ۵۹۵ و ۵۹۹ ر ۶۶۴
صهیونیسم آتش زد ۳۷۲ ر ۶۷۱	مازندران ۵۶۴ - مافیا ۱۰۲ ر ۵۶۷
مسجد امام زمان ۲۶۲	ماوراءالنهر ۴۵۱
مسجد دانشگاه ۲۹۰	متفقین ۵۵۰ و ۶۴ ر ۵۵۵ ر ۶۴۲
مسجد ضراب ۵۹۳	مجارستان ۵۷۰ - مجامع دنیا ۴۹
مسجد شکلی تبریز ۴۸۵	مجاهدین اسلامی افغان ۴۵۹
مسجد گوهر شاد ۴۶۳ ر ۵۵۴	مجاهدین یا منافقین خلق ۴۴ ر ۴۷
مسجد الحرام ۳۰۷ و ۶۶۳ ر ۵۵۴	۶۱ ر ۶۹ ر ۹۲ ر ۱۲۹ و ۳۷ و ۵۸ و ۸۵ و ۹۱
مسجد مقبره تبریز ۵۱	۲۰۷ و ۱۹ و ۳۹ و ۵۷ و ۹۳ و ۹۵ ر ۳۱۷
مسجد النبی مدینه ۲۲۹	۵۹۲ ر ۸۱ و ۴۷۸
مسکوکو ۲۹۵ ر ۵۲۱ ر ۶۰۲ و ۳ و ۱۳ و ۱۶	مجلس خیرگان ۶۸ ر ۱۵۹ ر ۴۷۹
۶۲۲ ر ۱۹	مجلس شورای اسلامی ۳۴ ر ۱۱۴ ر ۳۸۲

مرتبہ دہا و صدہا در صورت تکرار ، صرفہ جوئی و حذف میشود

نیروی هوائی ۷۴۶۱	مسلمانان ۵۳ و ۱۱۸ و ۵۴ و ۳۹۷ ر ۶۶۸
نیشابور ۵۲۱	۶۷۲
نیل ۳۵ و ۳۹۰ و ۳۹۷	مشرك ۱۱۶ و ۲۴ و مشروطیت ۱۲۸ و ۲۳۶
نیویورک ۴۰۷	مشهد ۲۵۹ و ۹۰ و ۴۵۱ و ۷۱ و ۸۲ و ۵۰۷
و	۵۵۵
واتر گیت ۱۰۲ و ۵۸۲ تا ۵۷۵	مصر ۱۹۴ و ۶ و ۲۰۵ و ۳۱۵ و ۵۵ و ۶۸ و
واتیکان مرکز نصاری ۶۶۲	۷۳ و ۹۶ و ۳۷ و ۴ و ۸۳ و ۹۲ و ۹۵ و ۵۲ و ۴۸ و
وادی الرمل بوته آزمایش ۲۷۷	و ۶۱ و ۸۶ و ۸۹ و ۶۷۰
واقفیه شیعه هفت امامی ۱۸۷ و ۳۸۵	معجزه ۱۴۲ - معقل بصره ۳۱۳
ورسای فرانسه ۵۴۷	مکزیک ۵۷۳ و ۷۸ و ۶۲۲ و ۶۶۸
ولایت ائمه اطهار: در جملات و صفحات	مکہ ۴۲ و ۶۶ و ۹۵ و ۱۲۳ و ۲۱۳ ر ۳۱۳
مربوط بہرک، بمناسبتی از ولایتشان	و ۳۵۲ و ۴۶۰ و ۵۵۴
سخن رفته	ملائزی ۶۲۸ - ملی گرا ۵۸ و ۱۴۴
ولایت تشریحی و تکوینی ۳۰۱	ممسنی ۴۸۳ - میمک ۷۵
ولایت فقیہ ۵۲ و ۵۳ و ۸۷ و ۹۵ و ۱۰۴	میدان قیطرہ و آزادی و ۳۴۳
و ۳۱ و ۳۳ و ۲۳۳ و ۷۳ و ۸۵ و ۹۵ و ۳۱۷ و	ن
و ۵۲ و ۶۷ و ۶۸ و ۹۳ و ۴۴۹ و ۷۱ و ۵۵۳ و	ناکازا کی ۴۰۷ - ناصبی ۲۲۹ و ۲۵۷
۶۲ و ۵۷۳ و ۶۸۷	نجران ۵۰۵ - نروژ ۶۲۱
ولیعہ و تقیف محک ولایت علی ۲۷۶	نجف ۵۰ و ۱۶۹ و ۷۰ و ۴۵۲ و ۴۵۷ و ۵۴
وہابیہا ۱۹۵ و ۳۹۵ و ۳۵۸ و ۶۳۸	نظامیہ بغداد ۴۴۰ و ۵۱۹ و ۵۶۲
ویتنام ۱۲۱ و ۷۱ و ۷۹ و ۸۶ و ۶۴۵ و ۶۵۶	نقباء ۱۰۵ - نقدہ ۶۸۲
و	نواب اربعہ خاص ۸۶ و ۱۵۵ و ۴۰۵
ہائیتی ولایتی از آمریکا ۵۳۳ و ۵۸۰	نوژہ پایگاہ ۳۴ و ۶۵ و ۷۱ و ۱۵۸ و ۲۹۱
ہالیوڈ آمریکا ۶۵۰ - ہانوی ۵۷۹	نہروان (جنک) ۹۷ و ۱۲۷ و ۲۲۲

مرتبه دهها و صدها در صورت تکرار ، صرفه جوئی و حذف میشود

هخامنشی ۵۶۳ - هرات ۳۹۸ ر ۶۶۵	هیمالایا ۵۶۱
هفتم نیر ۴۷۸ ر ۲۰۹	ی
هفت برادران خوابی (اصحاب کهف)	یرموک ۶۲۶ - یزد ۲۹۰
۵۰۱	یوگلاوی ۶۱۶ و ۶۲۰
همدان ۴۸۳ ر ۴۵۱ ر ۳۴	یونان ۴۵۹ ر ۵۵۸ ر ۶۷۱
هند ۶۳ ر ۷۲ ر ۹۴ ر ۲۱۳ ر ۶۱ و ۳۱۶ و	یونسکو ۲۱۷
۴۰ و ۹۰ و ۴۵۵ و ۶۰ و ۶۰ و ۹۹ و ۵۱۹ و ۵۰ و ۶۰ و	یهود و کتاب مقدس ۱۲۱ و ۲۰۱ ر ۹۹ و
۷۰ و ۷۳ و ۶۲۶ تا ۲۹ ر ۶۴۸ و ۶۸ و	۳ و ۱۳ و ۶۰ ر ۳۴۵ و ۹۵ و ۴۹۶ و ۹۷ و
هندوچین ۵۵۹ - هیروشیما ۴۰۷	۵۰۱ و ۲ و ۶ و ۹ و ۴۴ و ۴۵ ر ۶۷۰ و ۶۷۲ و

الحمد لله و سلام علی عباده الذین اصطفی

در پایان از همکاری هیئت مدیره محترم چاپ نور تبریز و نیز از زحمات برادران ،
حرفچینان و کارگران شریف بویژه آقایان جعفر ، محمد علی و اکبر سپاسگزاری
نموده موفقیت آنها و عموم مسلمین را از درگاه احدیت خواستارم .

محمد علی شمشیری میلانی

نام کتب و مطبوعاتى که از آنها خبر نقل شده است

قرآن مجید - نهج الفصاحه - نهج البلاغه - صحیفه سجادیه - ابوطالب مؤمن قریش - اثبات الوصیه - اثبات الهدات - احتجاج طبرسی - اعجاز قرآن - اعیان الشیعه - اقوال الائمة - الامامه و السیاسه - امام صادق (ع) يك شخصیت بزرگ - انجیل - بازگشت از شوروی - بحار الانوار - بحر الجواهر - بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی - تاریخ (آتاترک ؛ عامل انگلیس در تجزیه جهان اسلام) و تبدیل جمعه به یکشنبه) ، آلبرماله ، ابن عساکر - انگیزه جنگهای صلیبی ؛ جهان ، حبیب السیر ؛ عباس پرویز ؛ فلسفی نصرالله ؛ قرون وسطی طبری ؛ ویلدورانت) - تحریر الوسیله امام خمینی - تذکره العلماء - تشریح و محاکمه در تاریخ آل محمد و الهدیة - تضاد طبقاتی در شوروی - تفسیر (جامع الجوامع ؛ صافی ؛ طبری ؛ عیاشی ؛ کبیر ؛ مجمع البیان و المیزان) - تورات و رسالات مربوطه - جنات الخلود - حقائق در باره کمونیسم - حساسترین دقائق تاریخ حیات القلوب مجلسی - ختم نبوت تألیف شهید مطهری - خلافت و ولایت از نظر قرآن - دائرة المعارف فرید و جدی - ذخائر العقبی (مرحوم محب الدین طبری) - روضات الجنات - ریحانة الادب - سرگذشت فلسطین - یا کار نامه سیاه استعمار ، تألیف استاد زعیر ، ترجمه آیه الله هاشمی رفسنجانی - سفینه بحار - سیری در اسلام - سیری در صحیحین - شبهای پیشاور - شرح نهج البلاغه مرحوم ابن ابی الحدید - شهداء الفضیله تألیف علامه امینی تبریزی - شیطان بزرگ - شیعه در اسلام (علامه طباطبائی) - صحیح (بخاری ، مسلم ، ترمذی ، مغازلی و احمد) - صادق آل محمد صلی الله علیه و آله - صلح امام حسن علیه السلام یا پرشکوهترین نرزش تاریخ ، تألیف آل یس ، ترجمه آیه الله ، خامنه ای رئیس جمهور - صوت العدالة الانسانیه - عدالت اجتماعی - عروه - علی و السنه - عیون اخبار رضا علیه السلام - الغدیر - غیبت طوسی - غیبت نعمانی - فتوحات مکیه - فروغ ابدیت - فصول المهمه

فضائل خمسة من الصحاح الستة - قصص العلماء - قصص قرآن حجة الاسلام بلاغي -
 كشف الاسرار امام خميني - كنز العمال - گروه دستگاران -
 (كليات حافظ ، سعدی ، سنائی ، فردوسی و مولوی) - مجالس المؤمنین - مجله
 (الهادی ، پاسدار اسلام ، پیام انقلاب ، دانشمند ، سرش و مكتب اسلام) - محمد
 و بنوه الاوصياء عليهم السلام - مغز متفكر جهان شيعه ، امام صادق عليه السلام - مقام
 امير المؤمنين عليه السلام عن نظر خلفاء « الراشدون » - منتخب الاثر في الامام الثاني عشر
 (عجل الله تعالى فرجه) - المهدي - مهدي موعود - نامه دانشوران - نجم ثاقب
 نهج السعادة - النهايه - وسائل الشيعه - وفيات الاعيان - ولايت فقيه امام خميني
 ويس و رامين - ينابيع الموده مرحوم شيخ سليمان حنفي قندوسی و دهها روزنامه
 و كتاب و مجله ديگر .

اعتذار : تصحیح نادرستها و بجا گذاشتن حروف و نقطه‌هایی که از نقص « کاغذ و قلم » نقش نپذیرفته است مورد تمنی است

صفحه سطر	نادرست	درست	صفحه سطر	نادرست	درست
۲۴	۱	کلمات	۴۱۲	۹	مخالفت
۶۲	۷	ایثار	۴۱۴	۱۴	ببحار
۱۰۰	۷	جان اف	۴۳۳	۱۵	میتوان
۱۰۵	۱۶	جالوت	۴۴۴	۲	بک
۱۰۵	۲۱	لقیب	۴۴۵	۱۰	همو
۱۱۵	۲	از حدی تا فهرست	۴۵۷	۴	ایت
۱۱۹	۴	متبکرانه	۴۶۱	۱۷	میزان
۱۲۱	۲۲	دیگر	۴۷۹	۲	ندارد
۱۲۶	۱	میگرد	۴۷۴	۲۱	طبان
۱۲۷	۲۰	طواغیب	۴۹۵	۱۶	دنیا
۱۲۹	۵	اجهاد	۵۱۰	۵	زن و روز
۱۲۹	۱۴	شهید شدند	۵۱۸	۱۲	پرستیدن
۱۹۴	۲۲	بعد از مسلمانان یزد	۵۱۹	۱۱	اسماعیل
۲۱۴	۲۲	من	۵۲۸	۸	شاهک
۲۲۱	۷	چنان	۶۳۴	۱۷	ریب دریا
۲۲۵	۹	میدهد	۵۴۲	۵	ص ۵
۲۶۱	۱۸	دانشمند	۵۵۶	۱۰	۴۱۰۷۵
۲۹۲	۱۱	خانم	۵۶۴	۱	توأم
۳۴۶	۱۶	بنیانگزار	۵۶۵	۱۵	بارنج
۳۶۷	۱۳	بر دهند	۵۶۶	۲۲	ناصر خسرو
۴۰۴	۱۲	روانکاووی	۵۷۳	۹	ر بوده
۴۰۶	۲۰	یازده	۶۲۳	۱۵	خارج را